

بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی)

جلد ششم

(ریاست جمهوری آیت الله سید علی خامنه‌ای

و نخست وزیری میر حسین موسوی)

مؤلف: داود علی بابائی



بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

(از بازرگان تا خاتمی)

(جلد ششم)

ریاست جمهوری سید علی خامنه‌ای

و

نخست‌وزیری میرحسین موسوی

مؤلف:

داود علی‌بابایی

بیست و پنج سال در لوزان چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی) - مؤلف داود علی بابایی -
 تهران - امید فردا - ۱۳۸۲
 شابک: ISBN:964-5731-60-7 (دوره)
 ISBN:964-8698-11-2 (جلد ششم)
 فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
 ۱. ایران - تاریخ - جمهوری اسلامی، - ۱۳۵۸، ۲. ایران - سیاست و حکومت، - ۱۳۵۸.
 ۳. ایران - تاریخ - انقلاب اسلامی، - ۱۳۵۷ - ع. ۴. ایران - اوضاع اجتماعی، - ۱۳۵۸.
 الف. عنوان ب. عنوان: از بازرگان تا خاتمی
 ۹۵۵/۰۸۴ DSR۱۵۷۰/ع۸ب۸
 ۸۱ - ۱۶۱۶۶ کتابخانه ملی ایران

انتشارات امید فردا

بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟ (جلد ششم)
 مؤلف: داود علی بابایی
 حروف نگار و صفحه آرا: فاطمه علی حسینی
 فهرست اعلام: مونا آل محمد
 طراح جلد: احمد قلی زاده
 لیتوگرافی: نقش
 چاپ: غزال
 چاپ اول: ۱۳۸۵
 شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۷۸۰۰ تومان

نشانی: تهران - میدان انقلاب - ابتدای خیابان آزادی - ابتدای خیابان جمالیزاده
 جنوبی - کوچه دانشور - پلاک ۳۲ (ساختمان آفاق) - واحد ۵
 تلفن: ۶۶۹۴۹۵۷۵ - ۶۶۹۱۷۴۴۹ تلفکس: ۶۶۹۱۳۵۶۸ همراه: ۰۹۱۲۳۵۷۴۸۰۹
 سایت اینترنتی: www.omidefarda.net
 پست الکترونیک: info@omidefarda.net

تقدیم به:

تمام کسانی که در راه آزادی و استقلال و حاکمیت ملت،

قدم برمی دارند و قلم می زنند و به مردم سالاری

و دموکراسی می اندیشند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	به بهانه‌ی پیشگفتار
۱۳	نخست‌وزیر، حمایت رسمی ایران را از لیبی اعلام کرد.
۱۸	گفت‌وگو با مهندس میرحسین موسوی
۲۲	اخطار شدید نخست‌وزیر به کشورهای منطقه که به عراق کمک می‌کنند
۲۵	رئیس‌جمهوری، تقاضای ایران برای خرید لوازم یدکی از آمریکا را به شدت تکذیب کرد.
۲۹	مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با مجله‌ی پاسدار اسلام
۳۷	محسن رضایی: در صورتی که عراق به تجاوز خود ادامه دهد، نیروهای ایران وارد خاک عراق خواهند شد.
۴۱	مصاحبه مطبوعاتی سخنگوی دولت
۵۱	دکتر ولایتی: ریشه‌ی تمامی توطئه‌ها و تبلیغات علیه ما، ناشی از القائات آمریکاست ..
۵۷	رئیس‌جمهور به ۹ سؤال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اطلاعات، پاسخ گفت.
۷۴	مهاجرانی: برای رسیدن به سلامت اقتصادی، باید جراحی کرد!
۸۳	سخنگوی دولت: جهت آینده‌ی اقتصاد کشور، پر فروش نفت استوار نخواهد بود.
۹۸	مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی
۱۰۱	دکتر ولایتی: ملت ما یکپارچه معتقد است، تنها راه مبارزه با اسرائیل، مبارزه‌ی مسلحانه است.
	رئیس‌جمهور به مناسبت هفته وحدت: اولین گام به سوی وحدت بزرگ مسلمانان، آشتی بین دولت‌های اسلامی و ملت‌ها است
۱۰۵
۱۱۹	مهندس موسوی: ما احساس می‌کنیم که یک ابرقدرت معنوی هستیم
۱۲۲	مصاحبه‌ی منتشرنشده‌ی از حضرت آیت‌الله منتظری
۱۲۷	رئیس‌جمهوری، اصول سیاست جمهوری اسلامی ایران را تشریح کرد
۱۳۴	مهندس موسوی: فروش فعلی نفت، تکافوی همه برنامه‌های اقتصادی ما را می‌کند.
۱۳۸	وزیر کشور: آمریکا و شوروی با آگاهی از سقوط حتمی صدام، برآند، وضع عراق را به نفع خود تغییر دهند.
۱۴۱	مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با روزنامه‌ی اطلاعات پیرامون مسائل مختلف کشور ..
۱۵۹	مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با نشریه‌ی دانشگاه تهران
۱۶۸	مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با مجله‌ی رجعت
۱۷۲	نخست‌وزیر در هنگام تقدیم لایحه بودجه ۶۱: دولت مصمم است، بر کلیدهای هزینه‌ها نظارت کامل داشته باشد ..
۱۸۲	۱۵ سلطنت طلب و کودتاچی اعدام شدند

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۸۵	زیرساخت اقتصادی کشور، سال آینده تقدیم مجلس می شود
۱۹۷	آرامش کامل در آمل برقرار شد
۲۰۳	انتکای به مردم در صحنه، بهترین ضامن امنیت داخلی کشور است
۲۱۰	مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با روزنامه‌ی کیهان
۲۱۴	نبوی: دادگاه لاهه به تخلفات آمریکا از بیانیه‌ی الجزایر خارج از نوبت رسیدگی می کند
	وزیر کشور در مصاحبه‌ی مطبوعاتی اعلام کرد: هم‌زمان با برگزاری انتخابات میان دوره‌یی، انتخابات مجلس خبرگان
۲۲۵	برای انتخاب شورای رهبری برگزار می شود
۲۳۵	هشدار مهم و تاریخی آیت الله منتظری در آغاز دهه‌ی فجر
۲۴۲	اظهارات سخنگوی دولت درباره‌ی خاموشی های برق، بیمه، بازنشستگی
۲۵۰	بنی صدر، دستور ترور شخصیت ها را داده بود
۲۵۷	آیین جوانمردان (از خاطرات زندان احسان نراقی)
۲۶۴	گفت و گوی سردبیر اطلاعات با آیت الله موسوی اردبیلی
۳۰۰	مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با مجله‌ی سروش
۳۰۶	مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با تلویزیون C.B.C آمریکا
۳۱۲	مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با روزنامه‌ی کیهان
۳۱۶	سیری در جنگ ایران و عراق و روابط ایران و عراق با غرب
۳۳۵	جزئیات به هلاکت رسیدن موسی خیابانی و همسر رجوی
۳۳۹	امام: این پایین شهری ها، ولی نعمت ما هستند
۳۴۸	رئیس جمهوری از عناصر اصلی انقلاب، دولت موقت، شورای انقلاب و وضع جسمانی خود با کیهان سخن گفت
۳۶۱	فرمانده‌ی سپاه پاسداران، جزئیات کشف خانه‌ی تیمی سران مرکزیت سازمان مجاهدین، را تشریح کرد
۳۶۵	نظرات سخنگوی دولت، در مورد چگونگی به هلاکت رسیدن منافقین، گرانی، آغاز کار کوردها و ...
۳۷۱	مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با خبرنگاران داخلی، درباره‌ی سرنوشت جنگ
۳۷۵	۹ دستورالعمل قاطع امام
	آیتا... مشکینی: اسلام درباره‌ی مالکیت، حدود کیفی قائل شده و در قانون اساسی مشخص شده که مسلمین از
۳۸۶	چه راهی نمی توانند تحصیل ثروت کنند
۳۹۶	توطئه‌های آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی با گروگان گیری خنثی شد

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴۰۵	گفت‌وگویی اطلاعات با رئیس‌جمهور
۴۲۸	عملکردها و مشکلات حزب جمهوری اسلامی از زبان عضو حزب
۴۳۸	پیام مهم نخست‌وزیر در مورد اوضاع نظامی، سیاسی و اقتصادی کشور
۴۵۵	سخنان امام درباره‌ی آزادی زندانیان، پیروزی‌های اخیر و پاره‌گویی‌های رادیکال‌های خارجی
۴۵۹	نظرات نخست‌وزیر در مورد پرداخت غرامت جنگ، تهدیدهای آینده، مسأله‌ی کشاورزی و...
۴۶۴	شرایط تسلیم شدن عراق از زبان پالمه و پاسخ شورای عالی دفاع
۴۶۷	سیر جنگ به نفع ایران چگونه تغییر کرد؟
۴۸۱	هاشمی رفسنجانی: روزی می‌رسد که ایران به تنهایی آمریکا و طرفدارانش را به‌زانو درآورد
۴۸۳	هیأت منتخب کنفرانس اسلامی، ۵ ساعت با اعضای شورای عالی دفاع ایران مذاکره کرد
۴۸۷	مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی، با مجله‌ی دانشگاه انقلاب
۴۹۳	کشف توطئه
۴۹۶	اظهارات آقای قطب‌زاده
۵۰۲	مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی
۵۰۵	مصاحبه‌ی مهم رئیس‌جمهور درباره‌ی آزادی زندانیان نادم، تشکیل سپاه قدس، سازمان اطلاعاتی کشور، و...
۵۲۲	میانجی‌گری در جنگ ایران و عراق
۵۳۳	مصاحبه‌ی شبکه‌ی تلویزیونی تی. بی. اس ژاپن، با علی خامنه‌ای
۵۳۸	در آینده‌ی نزدیکی، فاتح و سربلند تا کربلا پیش خواهیم رفت...
۵۴۱	عوامل توطئه‌ی ترور رهبر انقلاب و اعضای شورای عالی دفاع، دستگیر شدند
۵۴۴	مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی
۵۴۷	فخرالدین حجازی، نکات تازه‌ی از توطئه‌ی کودتا را کشف کرد
۵۵۴	رویاریوی عراق با آیت‌الله خمینی
۵۵۹	فهرست اعلام

به بهانه‌ی پیشگفتار

کتابی که هم‌اکنون در دست تدوین می‌باشد، دنباله‌ی مطالب جلد پنجم از سلسله کتاب‌های بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی) درباره‌ی ریاست جمهوری علی خامنه‌ای و نخست‌وزیری میرحسین موسوی می‌باشد که شاید مطالب دو دوره ریاست جمهوری علی خامنه‌ای به چند جلد برسد.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یک کشور آینه تمام‌نمای آن جامعه در دوران گذشته تلقی می‌گردد و مطالعه آن انسان را انگیزه و شوق می‌دهد که هرچه بیشتر کنکاش در نکات ریز و درشت مطرح در آن جامعه نماید ولیکن تاریخ سیاسی یک جامعه همیشه از نظر طرح مطالب در اولویت بوده است و به همین سبب می‌باشد که معمولاً تاریخ یک قوم یا جامعه و حتی جهان را تاریخ سیاسی آن جا قلمداد می‌کنند.

محققین و اندیشمندان برای تاریخ، تعاریف زیادی را ارائه داده‌اند که بعضی از آن‌ها درخور تأمل است و می‌توان به آن به‌عنوان کارگشای کلید مهم مسائل تاریخ نگریست. تاریخ همیشه گذشته را به حال و حال را به آینده پیوند می‌زند و تاریخ سیاسی یک جامعه را شکل می‌دهد؛ به همین سبب بود که دانتی نویسنده و سیاستمدار ایتالیایی گفته: اگر تاریخ نبود، حال به وجود نمی‌آمد و گذشته به آینده پیوند نمی‌خورد. و کسانی دیگر آمده‌اند و گفته‌اند که: تاریخ پل نامطمئن بین گذشته و حال و آینده می‌باشد؛ به همین دلیل ژول ایزاک گفت: تاریخ پل غیر مطمئن است که

از گذشته تا حال امتداد دارد.

همیشه اندیشمندان و مورخان و اهل فضل و قلم همه انسان‌های اهل مطالعه مخصوصاً سیاستمداران را به مطالعه‌ی تاریخ توصیه و ترغیب می‌کنند، زیرا مطالعه‌ی تاریخ باعث می‌گردد که سیاستمدار کمتر اشتباه و لغزش در امور حکومتی و کشوری داشته باشد و جرجی زیدان مورخ و نویسنده‌ی عرب زبان گفته است: اگر رجال سیاسی تاریخ می‌دانستند، اشتباهات گذشتگان را تکرار نمی‌کردند. از این کلام هویدا و آشکار زیدان می‌توان برداشت کرد که چرا ایران این قدر عقب نگه‌داشته شده است و چرا خاندان‌های حکومتی ایران فقط برای حکومت بر مردم تلاش می‌کردند و نه توسعه و پیشرفت کشور و همیشه این پادشاهان به شاهزادگان خود توصیه می‌کردند که اگر می‌خواهید بر مردم حکومت کنید، آن‌ها را در جهل و گرسنگی نگه‌دارید، هم‌چنان‌که آغامحمدخان قاجار به فرزند خود فتحعلی‌شاه توصیه کرد: اگر می‌خواهی همیشه بر این مردم حکومت کنی اول این که ملت را در جهل و تاریکی و بی‌سوادی نگه‌دار و دوم این که آنان اگر همیشه گرسنه باشند در پی انقلاب و شورش بر نمی‌آیند.

تاریخ، همیشه حقیقت را می‌گوید اما برداشت افراد و مورخان از تاریخ مختلف است (مترلینگ)؛ به همین سبب است که بعضی از مورخان در تدوین تاریخ یک ملت از خائن، خادم می‌سازند و از خادم، خائن به وجود می‌آورند؛ گرچه ما می‌دانیم که هیچ تاریخی نیست که خالی از حب و بغض نباشد ولیکن مورخ و تاریخ‌نگار باید به‌دیده‌ی انصاف به تاریخ بنگرد و از گرایش‌های طبقاتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و قومی به‌دور باشد.

و می‌توان گفت: تاریخ مانند کابوسی است که مورخ با نقل آن مردم را از کابوس نجات می‌دهد.

درباره‌ی سیاست، حرف و حدیث بسیار است که در این جا به علت اطاله‌ی کلام نمی‌توان همه آن‌ها را نقل کرد، ولیکن برای خالی نبودن غریبانه، چند جمله را از سیاستمداران و نویسندگان نقل می‌کنم.

«اسمانلز» می‌گوید: سیاست همان علم زندگی است و چه جالب هم گفته است، زیرا هرکس که زندگی می‌کند با علم زندگی می‌کند؛ یعنی با سیاست زندگی می‌کند.

و «بیسمارک» می‌گوید: سیاست یعنی با هرکسی به‌زبان خودش حرف‌زدن و جلب محبت کردن.

و «براتراند راسل» چه زیبا گفته است: سیاست یعنی از کار دیگران سردرآوردن و کار خود را از همه پنهان کردن.

در دوران نظم نوین جهانی و جهانی‌شدن، یکی از سیاستمداران و رؤسای جمهور آمریکا، سیاست را از این‌چنین تعریف کرده است: سیاست یعنی کسی را کشتن و در تشییع جنازه‌ی او شرکت کردن!

در دوران ریاست جمهوری سیدعلی خامنه‌ای تقریباً اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور آرام بود. سازمان مجاهدین خلق سرکوب شده بودند؛ از شورش‌های قومی خبری نبود و ابوالحسن بنی‌صدر اولین رئیس‌جمهور ایران عزل و فرار کرده بود. فقط تنها معضل جامعه، جنگ عراق علیه ایران بود و به‌همین سبب تمام نظرات و ایده‌ها، معطوف به‌جنگ بود.

داوود علی‌بابایی

تهران - تابستان ۱۳۸۴



نخست‌وزیر، حمایت رسمی ایران را از لیبی اعلام کرد.

مهندس موسوی نخست‌وزیر، بعد از ظهر دیروز در مصاحبه‌ای با خبرنگاری پارس، دیدگاه‌های خود را پیرامون پیروزی‌های اخیر در جنگ، مسأله‌ی لهستان و طرح فیلیپ حبیب بیان داشت. وی در مورد موافقت‌نامه‌ی آمریکا و رژیم اشغال‌گر قدس پس از شکست طرح فهد اظهار داشت: آمریکا همواره در مورد خاورمیانه نقش‌های ویژه‌ای داشته، به خاطر این‌که این منطقه از نظر استراتژیک برای جهان غرب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

به همین دلیل است که استکبار جهانی اعم از شرق و غرب، نظر خاصی داشتند و با اتفاقی که در خاورمیانه؛ به ویژه صدور پدیده‌ی نیرومند و پرقدرت انقلاب اسلامی پرهبری امام خمینی و دگرگونی‌هایی که در منطقه به وجود آمده، ما باید منتظر باشیم تا آمریکا در منطقه فعال‌تر باشد.

وی گفت: طبیعی است که این فعالیت‌ها را از دیگر فعالیت‌های آمریکا نباید جدا دانست، اما آنچه در دورنمای نزدیک به نظر می‌آید، حرکت فیلیپ حبیب برای ایجاد توطئه‌های دیگر در منطقه، ایجاد آشوب در جنوب لبنان و به وجود آوردن زمینه برای تحت فشار قرار دادن

کشورهای مترقی عرب می‌باشد که یک نمونه‌اش را در کشور لیبی شاهد بودیم که کارشناسان نفتی خود را از این کشور خارج می‌کند تا موفق شود هسته‌ی مقاومت در شمال آفریقا را از بین ببرد.

نخست‌وزیر افزود: من حمایت دولت جمهوری اسلامی ایران را از کشور برادر لیبی اعلام می‌کنم و ما آماده‌ایم که کارشناسان نفتی خود را به این کشور اعزام کنیم.

نخست‌وزیر افزود: قرارداد استراتژیک بین آمریکا و اسرائیل، ناظر به مسأله‌ی وسیع‌تری است که از جمله آن‌ها، رشد دادن نیروهای وابسته آمریکا در منطقه و تحت فشار قراردادن کشورهای رادیکال و پیشرو عرب و جان‌فروختن اسرائیل به‌عنوان محور اساسی اعمال سیاست آمریکا در منطقه است.

وی افزود: آثار این همکاری استراتژیک نه تنها دولت برادر سوریه را تهدید می‌کند، بلکه مقاومت فلسطین و دیگر کشورهای عرب را که در مقابل صهیونیسم مقاومت می‌کنند، دربرمی‌گیرد و تهدیدی مستقیم نیز علیه امنیت و انقلاب اسلامی ما به‌حساب می‌آید؛ به همین دلیل در «کنفرانس بنغازی»، ما مسأله را محکوم کردیم و هنوز هم ایستاده‌ایم و در مقابل این توطئه‌ها مقابله‌ی همه‌جانبه خواهیم کرد و گفتیم که مقابله با استکبار جهانی در جهان اسلام به‌وسیله‌ی فلسطین از نظر جغرافیایی ختم نمی‌شود، بلکه مسأله‌ی فلسطین مربوط به جهان اسلام است و این جبهه مبارزه با استکبار در سراسر جهان اسلامی گشوده است و همه مسلمانان مؤظف هستند تا ضربات خود را برای از بین بردن ظلم و زور وارد کنند و با همین ضربات است که می‌توان امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم را در منطقه شکست داد و همان‌طوری که بارها اعلام شده، این جبهه‌ی اسلامی را ما جان‌مایه‌اش را از اسلام و از آرزوهای خفته و بارور نشده‌ای که در درون ملت‌های مسلمان وجود دارد، گرفتیم و ما یقین داریم که این فشارهایی که آمریکا وارد می‌آورد، باعث خواهد شد که مردم مسلمان در رجعت به فطرت پاک و تعالیم اصیل اسلام بیش از پیش آمادگی این‌را پیدا کنند که یک جبهه‌ی وسیع اسلامی علیه استکبار جهانی بگشایند.

وی گفت: دخالت‌های آمریکا و نقل و انتقالات آن در نزدیکی سرزمین‌های مقدس مکه و مدینه، زیاد شده که این‌ها عواملی است که بالاخره مسلمانان منطقه را به سمت خودشان

برخواهد گرداند و آگاهی لازم را به آن‌ها خواهد داد.

ناآرامی‌های لهستان

نخست‌وزیر پیرامون ناآرامی‌های لهستان اظهار داشت: آن‌طوری که مشخص است، آن‌ها می‌گفتند ما مجبوریم صلح را حفظ کنیم، ولی اعتقاد کلی دولت در این زمینه اعتقاد به اصالت ملت‌ها است و هر حرکتی که در مقابل اراده‌ی ملت‌ها بایستد و برخلاف خواست این اراده حرکت کند، محکوم به شکست است و ما آن‌را محکوم می‌کنیم.

ما امیدواریم که در این زمینه شبیه آنچه در چکسلواکی و بعضی از کشورهای بلوک شرق اتفاق افتاد، شوروی دخالتی نکند و منتظر خبر تازه‌ای هستیم تا این موضوع را روشن کند.

وضعیت جنگ و اقتصاد کشور

مهندس موسوی پیرامون وضعیت جنگ و اقتصاد کشور گفت: در این زمینه من یک پیام جداگانه‌ای خواهم داد. زمانی که جنگ به‌ما تحمیل شد، در آن هنگام عراق ۳۶ میلیارد دلار پشتوانه‌ی ارزی داشت و ما رقمی که داشتیم، بسیار اندک بود. وقتی جنگ آغاز گردید و حصر اقتصادی شروع شد، فشارهای ناشی از جنگ پیش آمد و در زمانی که عراق با داشتن پشتوانه، ۱۴ میلیارد دلار وام می‌گیرد و ما بدون این که یک سنت از کشوری قرض کرده باشیم، روی پای خود ایستاده‌ایم و در راه ایجاد یک اقتصاد مستقل گام برمی‌داریم، اما این امر مهم چگونه شکل گرفته است؟ این یک سؤال اساسی است که برای ملت ما بسیار مهم است.

به نظر من جواب اصلی سؤال، ایثارگری مردم می‌باشد که توانسته است به دولت این امکان را بدهد که بدون این که کوچک‌ترین لغزشی به شرق و یا غرب داشته باشد، مایه‌ی اصلی، مردم هستند.

وی گفت: در حقیقت ما در این جنگ آموخته‌ایم که با روزهی اقتصادی که مرحوم شهید رجایی سخت به آن معتقد بود، روی پای خود ایستاده‌ایم و بدون این که ارتباطی با

ابرقدرت‌ها داشته باشیم، روحیه‌ی خود را حفظ خواهیم کرد.

یکی از نتایج درخشان آن این است که ما این جنگ را با قدرت و با نیروی خودمان که ناشی از ایمان ما می‌باشد، ادامه می‌دهیم؛ و سریع‌تر از آن چیزی که گمان می‌رود، به‌سوی یک اقتصاد سالم گام برمی‌داریم. تمام برنامه‌های شورای اقتصاد و هیأت دولت در این جهت حرکت می‌کند، در جهت صرفه‌جویی و تربیت روحیه‌ی ایثارگرانه‌ی مردم، نیل به موفقیت واقعی در اقتصاد و شکوفاکردن صنایع و کم‌کردن وابستگی آن به‌خارج که این جنگ اثرات بسیاری داشته و ان‌شاءالله در آینده موفق خواهیم شد تا صنایع مادر را به‌حد خودکفایی می‌رسانیم.

نخست‌وزیر افزود: این برنامه‌ها موفق نخواهد شد، مگر با همکاری مردم. ملت ما باید بداند که این از بابت ایثارگری و صبر انقلابی آن‌هاست که ما این قدرت را پیدا کرده‌ایم و پیروزی‌های اخیر را به‌دست آورده‌ایم، بدون این‌که قدمی در جهت وابستگی برداریم. ملت ما باید بداند که حاصل ایثارگری آن‌هاست که اگر عراق دست به‌سوی اجانب جهت دریافت اسلحه گشوده است و از مواضع به‌ظاهر رادیکال خود دفاع می‌کند، ملت ما روز به‌روز سازش‌ناپذیرتر در عرصه‌ی جهانی نشان می‌دهد و در این جهت دولت برنامه‌هایی در پیش دارد و ملتی که خون خودش را در جهت اسلام و استقلال می‌دهد، صبر انقلابی خواهد داشت.

ما، اگر کوچک‌ترین لغزشی پیدا کنیم، می‌توانیم همه‌گونه وسایل رفاهی در اختیار مردم بگذاریم و ابرقدرت‌ها منتظر یک چنین حرکتی هستند تا همه‌چیز را در اختیار ما قرار دهند و اگر ما دست به‌یک چنین کاری بزنیم آن هویت اسلامی انقلاب را از بین برده‌ایم. ما به‌تمام خون‌های پاک ریخته‌شده، احترام خواهیم گذاشت و چنین کاری نخواهیم کرد و ملت در مقابل دولتی که چنین کاری بکند، خواهد ایستاد و چیزی که بسیار مهم است این است که براساس چنین روحیه‌ای که در شما ملت عزیز می‌بینیم، برنامه‌های اقتصادی خود را شکل می‌دهیم.

پیروزی‌های اخیر و آینده‌ی جنگ

نخست‌وزیر پیرامون پیروزی‌های اخیر جنگ و آینده‌ی این جنگ، اظهار داشت: ملت ما

در همان پانزدهم خرداد، پیروز بود و در هفدهم شهریور، پیروزی واقعی‌اش را به‌دست آورد. در حال حاضر، در جبهه‌های جنگ اگر برویم، این روحیه‌ای را که در قیافه‌ی آن‌ها می‌بینیم، به‌خاطر آن تحول عمیق اسلامی بوده است.

وی گفت: همراه این تحول، خداوند قولی هم داده؛ مردم زمانی که تحول پیدا می‌کنند و خود را دگروگون می‌بینند، خداوند اوضاع آن‌ها را متحول خواهد کرد. رزمندگان ما عاشق شهادت هستند و حمله‌ای که به‌فتح بستان انجامید، مرحله‌ای از حملات بعدی است که در جبهه‌ها اتفاق خواهد افتاد.

هیچ‌کدام از این حملات، حمله‌ی آخر نبوده است، بلکه حملاتی بودند که به‌دنبال هم، ضربات سهمگین خود را بر رژیم پوسیده‌ی عراق خواهند زد و اگر ارتش عراق به‌خیره‌سری خود ادامه دهد و لحظه‌ای نیندیشد که در مقابل چه دشواری قرار گرفته، طبیعتاً خود این ارتش با رژیم صدام ناپود خواهد شد و ما هیچ میل نداریم که سربازان عراقی این‌همه کشته شوند و در کشور ما گورستان‌هایش درست شود. ما میل داریم که این‌ها افرادی باشند در جهت ساختن عراقی آزاد و اسلامی که اگر چنین عمل نکنند نیروهای رزمنده‌ی ما درس سختی به‌آن‌ها خواهند داد و ما به‌ارتش عراق اخطار می‌کنیم که در صورت ادامه‌ی حضورشان در خاک ما، نه تنها ضربات سهمگینی را متحمل خواهند شد، بلکه کشته‌های بیشتری خواهند داد و شاهد آن خواهند بود که نیروهای ما علیه خاک عراق به‌طور اجبار دست به‌تعرض بزنند. ما امیدواریم که اگر نیروهای سالی در درون ارتش وجود داشته باشد، سریع‌تر این واقعیت را دریابند.

نخست‌وزیر گفت: نظامی‌های عراقی که در بستان می‌جنگد، علاقه‌ی خاصی به‌جنگ نداشتند و ما امیدواریم که این جنگ هرچه سریع‌تر پایان یابد. ما مجبوریم که ضربات خود را وارد کنیم، تا با این ضربات، رژیم وابسته به‌استکبار جهانی را به‌زانو درآوریم که خردکردن این رژیم، آزادکردن میلیون‌ها انسان است که به‌پاری خدا و ایثارگری رزمندگان انجام خواهیم داد. (۱)

مهندس میرحسین موسوی در این باره می‌گوید: «در جریان سفر به تهران، در روز دوشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۵۷، در محل اجتماع هیأت دولت، در حضور آقایان دکتر مصدق، دکتر باهنر، آقایان وزیران و آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی، در مورد وضعیت عراق، اظهار نظر فرمودند.»

مهندس میرحسین موسوی در ادامه می‌گوید: «در این جلسه، آقایان وزیران و نمایندگان مجلس، در مورد وضعیت عراق، اظهار نظر فرمودند و در مورد لزوم اعزام هیأتی به عراق، بحث و تبادل نظر کردند. در نهایت، تصمیم گرفته شد که هیأتی به عراق اعزام شود تا در مورد وضعیت آن کشور، گزارش دهد.»

مهندس میرحسین موسوی در ادامه می‌گوید: «در این جلسه، آقایان وزیران و نمایندگان مجلس، در مورد لزوم اعزام هیأتی به عراق، بحث و تبادل نظر کردند. در نهایت، تصمیم گرفته شد که هیأتی به عراق اعزام شود تا در مورد وضعیت آن کشور، گزارش دهد.»

مهندس میرحسین موسوی در ادامه می‌گوید: «در این جلسه، آقایان وزیران و نمایندگان مجلس، در مورد لزوم اعزام هیأتی به عراق، بحث و تبادل نظر کردند. در نهایت، تصمیم گرفته شد که هیأتی به عراق اعزام شود تا در مورد وضعیت آن کشور، گزارش دهد.»

گفت و گو با مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر: کابینه، بسیار قوی و از هماهنگی کامل برخوردار است

مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر در مصاحبه با خبرنگار کیهان، پیرامون مذاکرات دیروز هیأت دولت، استعفای وزیر کشور، اوضاع جاری لهستان، تغییرات در کابینه، وضع اسرای عراقی در ایران، تکذیب ادعای بحرین و پیشنهاد صلح یکی از فرماندهان ارتش عراق، نقطه‌نظرهای خود را بیان داشت.

نخست‌وزیر در آغاز این مصاحبه گفت: در جلسه‌ی هیأت دولت، مسائل مربوط به لوايح دولت و مسافرت‌هایی که برخی از برادران به نقاط مختلف کشور کردند، از جمله سفر برادر معادپخواه که از طرف هیأت دولت در مراسم تشییع جنازه‌ی آیت‌الله دستغیب امام جمعه‌ی شیراز شرکت کرده بود، گزارشاتی دادند که حاکی از روحیه‌ی انقلابی مردم فارس و شیراز بود. بعد برادرمان نبوی و توکلی از سفری که به شمال برای خرید برنج رفته بودند، گزارشاتی ارائه نمودند. هم‌چنین گزارش برادر نوربخش در مورد سفر به آلمان بود.

نخست‌وزیر در ادامه‌ی سخنان خود گفت: در این جلسه از خدمات برادر نیک‌روش وزیر

گفت و گو با مهندس میرحسین موسوی... ۱۹

کشور قدر دانی به عمل آمد؛ به جهت این که ایشان زحماتی کشیده بودند و کارهایی انجام داده بودند تا استعفای اخیرشان و این سؤال هم مطرح بود که آیا این متنی که به مجلس نوشته شده، اشاره‌ای به استعفای برادرمان نیک‌روش نداشته؟ ولی آن‌جا اشاره شد که ایشان نامه را با استناد به اصل ۱۳۳ قانون اساسی نوشته‌اند که طبیعتاً مسأله‌ی استعفا بوده است نه چیز دیگر.

نخست‌وزیر در پاسخ به این سؤال که علت استعفای وزیر کشور چه بوده، گفت: برادرمان می‌خواهد در سنگرهای دیگر انقلاب به کار خودش ادامه بدهد؛ ایشان در کنار دولت هم چنان باقی خواهند ماند و در این مبارزه‌ی همه‌جانبه که همه‌آحاد ملت ما باید در آن شرکت کنند این برادر متعهد ما هم به کار خودش ادامه خواهد داد.

نخست‌وزیر در مورد معرفی سخنگوی دولت اظهار داشت: من فکر می‌کنم تا چند روز دیگر، سخنگوی دولت معرفی خواهد شد.

ادعای واهی بحرین

نخست‌وزیر راجع به ادعاهای دولت بحرین گفت: اگر منظورشان این است که دولت ایران افرادی به آن‌جا فرستاده، این کذب محض می‌باشد و ما این را شدیداً تکذیب می‌کنیم.

دولت ایران روش‌های کارش شبیه دولت عراق نیست که افرادی را بفرستد به امارات عربی و جاهایی را منفجر بکنند به خاطر این که سیاست آن دولت‌ها را به نفع خودشان تغییر بدهند. ممکن است یک عده‌ای ناراضی از رژیم بحرین وجود داشته باشند که بخواهند کارهایی را در آن‌جا صورت بدهند و این مسأله کاملاً داخلی است و مربوط به بحرین است که خودش را طوری با شرایط منطقه انطباق بدهد که چنین مسائلی پیش نیاید.

عدم تغییر کابینه

نخست‌وزیر در پاسخ به این سؤال خبرنگار کیهان که آیا در آینده تغییراتی در کابینه صورت خواهد گرفت یا نه، گفت: نه! تغییراتی در کابینه نخواهیم داشت و کابینه الان بسیار نیرومند و قوی است و از یک هماهنگی خیلی خوبی برخوردار است و برادرانی که در

مسئولیت‌های گوناگونی قرار دارند به‌کار خودشان مسلط هستند و طبیعی است که لزومی برای تغییرات در کابینه احساس نمی‌شود.

اوضاع لهستان

مهندس موسوی در مورد نظر دولت در رابطه با اوضاع لهستان به‌خبرنگار ما گفت: ما در این زمینه باز هم منتظریم ببینیم که چه حوادث دیگری در حال شکل گرفتن است و آن موقع نظر رسمی خود را اعلام خواهیم کرد.

نخست‌وزیر پیرامون بازدید صلیب سرخ جهانی از بازداشت‌گاه‌های اسرای عراقی در ایران گفت: صلیب سرخ جهانی دائم از بازداشت‌گاه‌های اسرای عراقی بازدید کرده و گزارش‌های خودش را داده است و هر موقع هم که بخواهد بیاید، درب بازداشت‌گاه‌ها به‌رویشان باز است. نه تنها برای آن‌ها بلکه بر روی همه خبرنگاران متعهد جهان و تمام افراد منصفی که می‌توانند قضاوت بکنند، باز است و می‌توانند شرایط اسرا را ببینند.

ما در مقابل این مسأله، می‌خواهیم که اجازه داده شود همین اعضای صلیب سرخ بتوانند از اسرای ما در عراق بازدید کنند. با ادعای اخیری که عراق کرده در مورد قتل عام ۱۵۰۰ اسیر عراقی در ایران که از طرف دولت جمهوری اسلامی شدیداً این مسأله محکوم شد و رد شد ما احساس توطئه می‌کنیم که دائم این مسأله مطرح است که میباید این توطئه‌ای باشد برای مورد آزار قراردادن اسرای ایرانی در عراق و برای همین است که مصلحتاً از مقامات صلاحیت‌دار دنیا که در این زمینه کار می‌کنند، می‌خواهیم که مواظب توطئه‌های رژیم صدام باشند. با توجه به‌سوابق سبعانه‌ی این رژیم که آیت‌الله صدر و خواهرشان را با آن وضع فجیع شهید کرد و تا حالا هم هزاران نفر را بدون این‌که نامی از آن‌ها برود، در زندان‌های خودش شکنجه داده و کشته و از بین برده است، برای ما شکمی باقی نمی‌ماند که رژیم عراق توطئه‌ای دارد.

پاسخ به‌ادعا

نخست‌وزیر در مورد ادعای یکی از فرماندهان ارتش عراق که گفته است، حاضریم با

گفت‌وگو با مهندس میرحسین موسوی... ۲۱

ایران از در مسالمت وارد مذاکره شویم و جنگ را خاتمه دهیم، گفت: این فرماندهان می‌توانند موضع خودشان را در مقابل رژیم صدام مشخص بکنند که بالاخره با این رژیم می‌خواهند همکاری بکنند یا واقعاً می‌خواهند که راه صلح جویانه‌ای پیدا بشود با سقوط صدام و نابودی آن در منطقه؟ این مسأله هم از طرف رهبر انقلاب و هم رئیس مجلس شورای اسلامی و هم از طرف دولت اعلام شده و این بر ارتش عراق است که آیا در کنار رژیم بعثی باقی می‌ماند یا به‌ملت خودش می‌پیوندد.^(۱)

اخطار شدید نخست‌وزیر به کشورهای منطقه که به عراق کمک می‌کنند

نخست‌وزیر، اقدام رژیم صهیونیستی مبنی بر الحاق بلندی‌های جولان به سرزمین‌های تحت اشغال این رژیم را محکوم کرد و افزود: این اقدامات و توطئه‌ها باعث اتحاد هرچه بیشتر ملت‌های منطقه خواهد شد تا در برابر این مسأله بایستند.

نخست‌وزیر هم‌چنین به کشورهای مرتجع منطقه در مورد کمک به رژیم صدام هشدار داد. مهندس موسوی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگویی اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری پارس، مواضع دولت جمهوری اسلامی ایران را در مورد وجه تشابه تجاوز عراق به ایران و رژیم صهیونیستی به سوریه، تصمیم رژیم صهیونیستی در مورد بلندی‌های جولان، کمک رژیم‌های مرتجع منطقه به عراق را محل مبارزه با امپریالیسم و صهیونیزم و... را تشریح کرد.

خبرنگار سؤال کرد: وجه تشابه تجاوز رژیم صهیونیستی به سوریه و عراق به ایران با توجه به این‌که هر دو رژیم، منطقه‌ی اشغالی را جزو سرزمین خود می‌دانند و دلایل دروغین و ساختگی تاریخی ارائه می‌کنند، چیست؟

مهندس موسوی در پاسخ گفت: تمام رژیم‌های تجاوزگر و سلطه‌جو دارای ماهیت‌های

یگانه هستند و ویژگی‌های کاملاً مشابه با هم دارند و این مسأله‌ای است که در هر دو رژیم اسرائیل و عراق وجود دارد.

وی افزود: مسأله‌ی دوم، وابستگی این نوع رژیم‌ها است که به صورت مهره‌ای به کار گرفته می‌شوند و اسرائیل و صدام به صورت مهره‌هایی در دست آمریکا هستند.

وی درباره‌ی کمک رژیم‌های مرتجع منطقه به عراق در شرایط جنگی فعلی گفت: ایادی آمریکا در منطقه در مورد ما ادعاهایی دارند و به کشور ما جنگی را تحمیل کردند که خودشان در آن مانده‌اند. کشورهای مرتجعی که در منطقه به عراق کمک می‌کنند، چه از نظر تسلیحاتی و چه از نظر راه‌های تدارکاتی که در اختیار صدام گذاشته‌اند تا تجهیزات جنگی به او برسد، طبیعتاً زمانی تاوان همکاریشان را با رژیم بغداد خواهند چشید و ما به این کشورها اخطار می‌کنیم که صبر ما تا اندازه‌ای است و ما بیشتر از آن نمی‌توانیم تحمل کنیم و مسلماً نمی‌توانیم ناظر این باشیم که کشورهای که ظاهراً دم از بی‌طرفی می‌زنند عملاً مثل نوکری برای عراق عمل کنند، مصلحت این کشورها در این است که از عراق فاصله بگیرند و سعی کنند مستقل باشند و خود را به ابرقدرت‌ها نروشنند.

جولان و رژیم صهیونیستی

نخست‌وزیر کشورمان در مورد الحاق بلندی‌های جولان به خاک رژیم صهیونیستی گفت: این یک مسأله‌ی تازه نیست؛ رژیم صهیونیستی از قدیم به دنبال گسترش قلمرو خود بوده و طبیعتاً تجاوزات این رژیم، چاره‌پذیر نخواهد بود، مگر این که همه‌ی مسلمانان متحد شوند و همه نیروهایی که رهبر بزرگ انقلاب فرمودند: در سایه‌ی یک اتحاد در زیر چتر ایدئولوژی اسلامی در سراسر جهان با صهیونیزم و امپریالیزم مبارزه کنند تا آن را ریشه‌کن کرده و از بین ببرند.

وی افزود: تمام نقشه‌هایی که اسرائیل برای منطقه دارد، به صورت تدوین شده می‌باشد که از همان بدو رشد صهیونیزم در جهان مطرح بوده و توسط آژانس بین‌المللی یهود که در رژیم سابق ایران سعی شده بود این اصطلاح به کار برده نشود، همیشه در سراسر جهان دنبال شده است.

نخست‌وزیر تأکید کرد: صهیونیسم مستقر در اسرائیل در ارتباط تنگاتنگ با آژانس بین‌الملل یهود است که نقشه‌های بسیار گسترده‌ای را در سراسر جهان به نفع صهیونیسم دنبال می‌کند.

وی افزود: البته مسأله‌ی این آژانس با مسأله‌ی دین یهودیت فرق می‌کند. ما به کسانی که به این دین اعتقاد دارند، احترام می‌گذاریم و به هیچ وجه معتقدان به دین یهودیت را با صهیونیسم، یکی نمی‌دانیم.

آژانس بین‌الملل یهود، مدافع صهیونیسم است. این‌ها نقشه‌ی سلطه بر تمام بین‌النهرین را دارند و مرز خود را تا سواحل فرات اعلام کرده‌اند و طبیعی است که اگر ملت‌های مسلمان برنخیزند، متحد نشوند و مقابله نکنند، ما شاهد خواهیم بود که این‌ها قدم به قدم به تجاوزات خود ادامه خواهند داد.

نخست‌وزیر با اشاره به توطئه‌های صهیونیسم گفت: این‌ها نفس‌های آخر خود را می‌کشند، زیرا اقدامات این‌ها باعث اتحاد هرچه بیشتر ملت‌های منطقه خواهد شد تا در برابر توطئه‌ها و تجاوزات صهیونیسم بایستند.

نخست‌وزیر در پاسخ این سؤال خبرگزاری پارس که پرسید: راه حل نهایی مبارزه با رژیم صهیونیستی چیست؟

گفت: دولت‌های منطقه باید به سمت ملت‌ها و به سوی نیروی عظیم یک‌میلیاردی مسلمانان جهان برگردند و راه حل مبارزه تنها همین است.

مهندس موسوی در پایان درباره‌ی همکاری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دوست و برادر منطقه در مقابله با رژیم صهیونیستی گفت: دولت ما، در کنار دولت سوریه، لیبی و مقاومت فلسطین که در معرض فشار صهیونیسم بین‌الملل هستند، ایستاده است و اعتقاد داریم که اگر تمام این کشورهای برادر، متحد شوند و مسأله را بیش از آن که عربی هست، اسلامی تلقی کنند، نیروی بیشتری برای مبارزه‌ی قاطعانه با صهیونیسم خواهند داشت.^(۱)

رئیس جمهوری، تقاضای ایران برای خرید لوازم یدکی از آمریکا را به شدت تکذیب کرد.

شورای عالی دفاع، دیروز به ریاست حجت الاسلام سید علی خامنه‌ای، ریاست جمهوری اسلامی ایران تشکیل جلسه داد. در این جلسه، نحوه‌ی رویارویی سپاه اسلام با دشمن یعنی و مسائل مربوط به جبهه‌ها و جنگ، مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت.

رئیس جمهوری در پایان جلسه‌ی دیروز شورای عالی دفاع، ضمن تکذیب خبر یکی از خبرگزاری‌های خارجی پیرامون تقاضای خرید لوازم یدکی هواپیماهای اف - چهارده از آمریکا گفت: این مسأله از سوی وزارت امور خارجه تکذیب شده و من هم آنرا تکذیب می‌کنم و اعلام می‌کنم که این یک دروغ محض است.

وی گفت: ما هیچ‌گونه تقاضای خریدی نسبت به لوازم یدکی اف - چهارده و یا سایر لوازم یدکی هریک از هواپیماها و وسایل نظامی دیگرمان از آمریکا را نکرده‌ایم؛ نه مستقیم و نه غیر مستقیم.

آقای خامنه‌ای هم چنین افزود: در زمان رژیم شاه، براساس قراردادهای معروف به اف-ام اس، پول‌های زیادی از طرف رژیم سابق ایران به حساب آمریکا واریز می‌شد و

آمریکایی‌ها طبق تشخیص و برآورد و ارزیابی خود، در مقابل آن‌ها به ایران جنس تحویل می‌دادند و همین اف - چهارده‌های کنونی و بسیاری از لوازم نظامی دیگر را روی همان حساب‌ها به ایران فروخته بودند و طبق همان قراردادها، ایران مقادیر زیادی هم لوازم یدکی همین هواپیماها را از آمریکا طلب دارد که این ملک ملت ایران و متعلق به آن‌ها است و از پول مردم خریداری شده است.

رئیس‌جمهوری ضمن تأکید بر این‌که تاکنون هیچ‌گونه درخواست و یا خریدی نسبت به ابزار جنگی از سوی ما از آمریکا نشده است، گفت: پس از پیروزی انقلاب، تلاش مختصری برای بازپس گرفتن آن‌ها انجام شد که با به‌وجود آمدن وضعیت حاد، میان ما و آمریکا، آمریکایی‌ها آن لوازم را ندادند. در این مورد اقدام جدی هم نشده و قرارداد جدیدی بسته نشده است، بلکه قراردادهایی در گذشته صورت گرفته و وسایل مورد نظر در آن قراردادها، ملک ملت ایران است که در اختیار آمریکایی‌ها می‌باشد.

ادعای صلح صدام

رئیس‌جمهوری، پیرامون این سؤال که به‌دنبال شکست‌های اخیر نیروهای کفر، صدام اعلام کرده است که هیأت‌های حل اختلاف، واقعیت‌ها را به‌طور کامل برای طرفین اعلام نکرده‌اند و این امر موجب رکود در جهت برقراری صلح شده است، گفت: از این حرف مشخص می‌شود که رژیم عراق نسبت به صلح، انگیزه‌های بیشتری پیدا کرده است و اگر چنین چیزی وجود دارد و رژیم عراق مایل به صلح است و آن‌قدر تمایل به صلح دارد که هیأت‌های حل اختلاف را متهم به منعکس نکردن واقعیت‌ها می‌کند، این راه ساده‌ای دارد و آن این است که هرکس صلح می‌خواهد، به‌تجاوز خاتمه می‌دهد. ایشان نیروهای خود را، از ایران خارج کند و به آن طرف مرز برود تا ما باور کنیم که وی صلح طلب است و هر وقت فهمیدیم که صدام صلح طلب است، ما هم اصرار به ادامه‌ی جنگ نخواهیم کرد و جنگ ادامه پیدا نخواهد کرد، ولی در هر حال مسأله‌ی خسارت‌های جنگی و مجازات متجاوز به‌جای خود محفوظ است.

آقای رئیس‌جمهوری افزود: این مسأله که هیأت‌ها را متهم کند به‌دروغ‌گویی و خودش را به‌عنوان یک چهره‌ی صلح طلب معرفی کند، در عین حالی که تسوای متجاوزش دائماً در

بیابان‌ها و کوه‌های ایران در مانور و حرکت باشند، امری است که برای ما قابل قبول نیست.

آزادی اسرای غیرنظامی

آقای خامنه‌ای، هم‌چنین پیرامون آزادی ۳۷ تن از هم‌وطنان اسیرمان از اسارت صدامیان که همگی آنان پیر، و یا کودک بوده‌اند و چگونگی ادعای رژیم عراق مبنی بر این‌که آنان از افراد سپاه و یارانش بوده‌اند؛ و نیز در مورد خنثی کردن این تبلیغات گفت: تبلیغات رژیم عراق از اول بر مبنای دروغ انجام می‌گرفته است و اکنون نیز همین‌طور است و ما از رژیم عراق در قبال چنین اکاذیبی تعجبی نداریم.

رئیس شورای عالی دفاع ضمن اشاره به چگونگی به‌اسارت درآمدن این هم‌وطنان توسط متجاوزان صدام گفت: در روزهای نخست جنگ که نیروهای متجاوز عراق وارد کشور ما شدند و یکی دوتا از جاهای مهم خوزستان را اشغال کردند، هر وسیله‌ی نقلیه‌ای از جمله اتوبوس حامل مسافر که از جاده‌ها عبور می‌کرد، سربازان عراقی مسافرین آن‌ها را به‌عنوان اسیر جنگی می‌گرفتند و می‌بردند و برای آن‌ها تفاوتی نداشت که چه کسی باشد؛ پیرمرد، پیرزن، جوان و یا خردسال و مدتی قبل نیز عده‌ای از این هم‌وطنان ما را به‌عنوان اسیر جنگی با ما مبادله کردند و عده‌ای را هم اخیراً آزاد کرده‌اند.

آقای خامنه‌ای ضمن ابراز خوشحالی از بازگشت این هم‌وطنان بی‌دفاع به‌آغوش ملت و اظهار امیدواری به بازگشت هرچه زودتر بقیه‌ی اسرا به‌وطن، گفت: این امر جزو آثار تجاوزات عراق است و این افراد به‌هیچ‌وجه اسیر جنگی محسوب نمی‌شوند.

رئیس شورای عالی دفاع در مورد مسائل مطرح شده در جلسه‌ی دیشب، ضمن اشاره به این مطلب که در جلسه‌ی دیشب وضعیت کلی جبهه‌های غرب و جنوب مورد بررسی قرار گرفت، گفت: طبق معمول، گزارش‌های جنگی از سوی برادران ارتشی و سپاهی مطرح شد که در این مورد تیمسار ریاست ستاد از روی نقشه، وضعیت نیروهای ما و دشمن را مشخص کردند و سپس برادر رضایی فرماندهی سپاه، آخرین وضعیت‌ها را بیان کردند.

وی هم‌چنین گفت: در جلسه‌ی دیشب در مورد طرح‌های درازمدت ستاد مشترک راجع به سیستم دفاعی کشور که از مسائل اساسی و مهم تلقی می‌شود، تیمسار رئیس ستاد مشترک

توضیحاتی دادند که مورد بحث و بررسی قرار گرفت و قرار شد ادامه‌ی آن به جلسات آینده موکول شود. مسأله‌ی دیگری که مطرح شد، مربوط به درخواست‌های نیروی هوایی بود که به شورای عالی دفاع ارتباط داشت و فرماندهی نیروی هوایی در این زمینه توضیحاتی داد. آقای خامنه‌ای افزود: در کنار این درخواست‌ها، مؤده‌ای هم بود که برادران رئیس ستاد و وزیر دفاع در مورد موفقیت برادران نیروی هوایی و برخی از برادران دیگر که با آنان همکاری می‌کنند دادند، که در حقیقت، اهمیت این موفقیت از فتوحات جبهه‌ها کمتر و کم‌اهمیت‌تر نبودند.

رئیس‌جمهوری در پایان این گفت‌وگو اضافه کرد: در جلسه‌ی دیشب، مسائل دیگری هم مطرح شد که بعضی از آن‌ها کم‌اهمیت و برخی دیگر نسبتاً حائز اهمیت بودند و نتایج کلی آن‌ها بعداً اعلام خواهد شد.^(۱)

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با مجله‌ی پاسدار اسلام

س - به‌طور کلی نتایجی را که جمهوری اسلامی در ابعاد داخلی و خارجی جنگ کسب کرده است، تحلیل بفرمایید؟

ج - نمی‌توان در جنگ، چیزی را به‌نفع حساب کرد. جنگ در ذات خود تخریب و تباهی به‌دنیاال دارد. شاید اگر جنگ هیچ‌وقت اتفاق نمی‌افتاد، بهتر بود. جنگ هم از اول به‌ما تحمیل شد که وارد عمل شدیم. ما که جنگ را نمی‌خواستیم. بهتر این بود که جنگ واقع نمی‌شد و ما به‌دنیاال سازندگی می‌رفتیم. وقتی دیشب مستند عملیات حمله به‌شهر «بستان» را از تلویزیون نگاه می‌کردم، با مشاهده‌ی اجساد عراقی‌هایی که در سنگرها افتاده بودند، به‌شدت متأثر شدم؛ به‌رحال هرچه باشد، آن‌ها هم نیروهای دنیاال اسلام محسوب می‌شوند. این همه گلوله‌ای که خرج می‌شود، این حجم از دستگاه‌های گران‌قیمت جنگی که به‌هدر می‌روند از یک طرف، و آن انسان‌هایی که در خون خود می‌غلثند، یا آن مردمی که آواره‌ی جنگی شده‌اند از طرف دیگر، وجدان بیدار انسان را می‌آزارد. چه نیروهایی که از هر دو طرف در جنگ، تلف شدند. کینه‌ای که از این خشم و نفرت، در دل مردم لطمه‌دیده لانه می‌کند،

یا غم و غصه‌ی خانواده‌هایی که کشته می‌دهند، و صفت‌ناپذیر است. معلولین جنگی، مخارج و هزینه‌هایی که صرف جنگ می‌شود، برعهده‌ی آدمی سنگینی می‌کند. جنگ برای بسیاری از آن‌هایی که درگیرش شده‌اند، وابستگی‌هایی ایجاد کرده است. خوب! این‌ها همه ضرر است؛ ضرری که به‌ما تحمیل شده است؛ منتها، جدای از این‌ها، جنگ به‌دنبال خودش آثار مثبتی هم داشته است.

از جمله آثار مثبت جنگ، این بود که مردم ما توجه‌شان به‌انقلاب بیشتر شد. احساس کردند که این انقلاب، انقلاب عمیقی است و دشمنان به‌طور جدی، در کمین براندازی آن نشستند. متعاقب این، فهمیدند که باید خود را برای فداکاری آماده کنند. از این‌ها گذشته، ارتش موجود در ایران، علی‌رغم وسیع بودنش، ده‌ها سال دور از جنگ زندگی کرده بود و به‌آن معنا که شایسته است، کارآیی نداشت. یک مطالبی را به‌صورت تئوری خوانده بودند و تمرین‌های غیرواقعی هم داشتند. ولی ارتش امروز، یک ارتش واقعی و کارآمد شده است. مردم ما به‌دلیل درگیر شدن با جنگ تمام‌عیار، روحیه‌ی نظامی پیدا کرده‌اند. این همه نیروهای تعلیم‌دیده و تجربه‌داری که امروز در جبهه‌ها داریم، ثمره‌ی این جنگ است. این آمادگی‌های امروز، آینده‌ی ملت ما را بیمه می‌کند. ارتش ما امروز، به‌حدی رسیده که توانایی دفع هر خطری را دارد. همین حالت دوستی‌ها که در صحنه‌های فداکاری بین مردم ایجاد شده است، همبستگی جامعه را بیش از پیش کرده است. شناخت مردم از دشمن‌گذاری چون آمریکا و بلوک غرب، و هم‌چنین عمالشان در منطقه، از جمله امتیازهایی است که به‌دنبال جنگ برای ما حاصل شدند.

جهاد از دیدگاه اسلامی، خودش یک حدیث مفصلی دارد. این‌که انسان در محیط جهاد و حرکت در راه خدا زندگی بکند، دری از درهای بهشت است. خداوند، شرکت در جهاد را «باب من ابواب الجنة» بیان فرموده است. در جامعه‌ی ما این حالت همبستگی، تحرک جمعی، سازندگی و همبستگی و غیرت اسلامی مردم، از رحمت پروردگار است و حقیقتاً برای مردم ما مفید هستند. این حالت‌ها سبب می‌شود که جامعه به‌جای رخوت و رکود و «اخلاذ الی الارض»، به‌طرف «صعود الی الله» حرکت

کند. البته تبعات آینده‌ی جنگ هم انکارناپذیر است. جیزان این همه خسارت و خرابی، اداره‌ی این همه معلول و تحمل این هزینه‌ها و مخارج برای مملکت ما گران تمام می‌شود. اولویت بودجه‌های دولت، به جنگ اختصاص دارد. اگر فرض کنیم که جنگ امسال هم تمام بشود، سال آینده، گرفتار تبعات اقتصادی و اجتماعی خواهیم بود. از جمله آثار منفی پس از جنگ کمبودهاست، ولی فداکاری مردم در راه سازندگی پس از جنگ، یکی دیگر از برگ‌های موفقیت تاریخ انقلاب خواهد بود.

س - آینده و پایان جنگ را که به طور قطع با پیروزی نهایی جمهوری اسلامی خواهد بود، چگونه و در چه زمانی پیش‌بینی می‌کنید؟

ج - این چیزها را به‌راحتی نمی‌توان پیش‌بینی کرد. به نظر من نیروهای ما خوشبختانه آمادگی دارند، ارتش در حال ساخته شدن است، سپاه آماده و جان‌پرکنی داریم. بسیج مردمی فوق‌العاده‌ای داریم. عراق هم دقیقاً برعکس ما در نقطه‌ی ضعف قرار گرفته است. در مجموع فکر می‌کنم بتوانیم تا پایان امسال وضع جنگ را به نقطه‌ی مطلوبی برسانیم.

س - طی این جنگ تحمیلی، همان‌گونه که اشاره فرمودید، طرفین درگیر، خسارت‌های فراوانی را متحمل شده‌اند، ولی ما یقین داریم که پیروزی نهایی از آن جمهوری اسلامی است. در این جنگ نابرابر علی‌رغم این که عراق از کمک‌های خارجی فراوانی بهره برده، ایران اسلامی حتی از صحنه‌ی معامله‌های نظامی طرد شده است. با این حال، عاقبت کار نتایج بسیار مطلوبی برای انقلاب اسلامی به دنبال خواهد داشت، طوری که ارزش تحمل این همه خسارت را دارد. لطفاً نتایج این پیروزی را در یک تحلیل سیاسی بیان فرمایید.

ج - تا همین جا هم که رسیده‌ایم، کار بسیار مهمی کرده‌ایم، تا چه رسد به آینده؛ یعنی با این فرض که دنیا می‌داند ما در این جنگ، تنهای تنها مقابل عراق ایستاده‌ایم. عراقی که حمایت آمریکا، فرانسه، عربستان سعودی، و کشورهای مرتجع منطقه را به دنبال خود دارد. در عوض، ایران کشوری تازه انقلابی بود. مشکلات انقلاب، محاصره‌ی اقتصادی، درگیری با گروهک‌هایی که متفقانه بر ضد اسلام و حیثیت ملی کشورمان کمر عناد بسته بودند، حرکت‌های تجزیه‌طلبانه‌ی کردستان، خیانت علنی

رئیس‌جمهور این مملکت «بنی‌صدر» که فرماندهی کل قوا بود و تروریست و رفیق دشمنان ایران از آب درآمد و مسایل و مصایبی که دست در دست هم دادند تا کمر انقلاب را بشکنند. ملت ما در این شرایط جنگید. با کشوری جنگید که دوازده لشکر مجهز و نیرومند دارد. عراق سال‌های سال، ارتش را مهیا کرده بود که مثلاً علیه اسرائیل بایستد؛ بعد از آن هم وقتی به خاک ایران حمله کرد، دنیای غرب پشت سر او ایستاد؛ در حالی که ما اصلاً به هیچ وجه آمادگی جنگ را نداشتیم.

ارتش ما در حال تصفیه بود. ما در حال عوض کردن ارتش بودیم. جاهه‌جایی بزرگی در جریان بود. ارتش به جای آمادگی زرمی، در حال شناخت واقعی خودش بود. اصلاً آمادگی جنگ را نداشت؛ و دشمن همی این‌ها را می‌دانست که حمله کرد. دنیا فهمیده بود که اگر در این شرایط به نهال تازه جان‌گرفته‌ی انقلاب حمله ببرد، آن‌را از بین خواهد برد، اما با غیرت و همیت ارتش و فداکاری مردم ما، دنیا پی برد که با انقلاب نیرومندی روبه‌روست. اگر قدم‌های بعدی نیز برداشته شود و ما به پیروزی نهایی دست یابیم، آن وقت جهان و منطقه روی ایران حساب دیگری خواهد کرد؛ یعنی ایران، به عنوان دژ تسخیرناپذیر اسلام تثبیت می‌شود. بعد از آن شاید، ثمره‌ی ایران به مستضعفین جهان هم برسد. از طرفی هم به لحاظ اخلاقی، مستضعفین دنیا برای ما ارزش زیادی قایل می‌شوند. ما هم اکنون نیز در جنگ، علی‌رغم تمام مشکل‌ها، اخلاق و اصول اسلامی را فراموش نکرده‌ایم. کارهایی که عراق انجام داد، ما خیلی بهتر از او می‌توانستیم تلاقی کنیم. شهرهای ما را موشک‌باران کردند، مراکز مردمی را درهم کوبیدند. این کارها، مگر برای ما آسان نبود؟ حتی خیلی کمتر از جنگ خرج برمی‌داشت. ما حتی با منابع اقتصادی و عمرانی عراق که در خدمت جنگ نبوده، کاری نداشتیم؛ چرا که ما می‌دانیم آینده‌ی عراق متعلق به ملت عراق است. ما اگر به فکر ملت عراق نبودیم، می‌توانستیم چشم‌پسته، مثل خود عراق دست به جنایت بزنیم. در بحبوحه‌ی این حوادث، عراق تمام مخالفین خود را به مرز می‌آورد تا در کشور ما آواره باشند. ما نیز با این همه آواره‌ی افغانستانی، تا به حال پذیرای صد هزار آواره‌ی عراقی بوده‌ایم. جنگ زده‌های خودمان، بالغ بر یک میلیون نفر

هستند. عراق قصد دارد یک و نیم میلیون آواره‌ی عراقی را به‌ما تحمیل کند، و ما با چهره‌ی باز از آن‌ها پذیرایی می‌کنیم. ما از آن‌ها مثل جنگ‌زده‌های خودمان پذیرایی خواهیم کرد. این‌ها خیلی باارزش است. دنیای غرب، امپریالیست‌ها و ابرقدرت‌ها، چشمشان کور است و این حقایق را نمی‌خواهند ببینند. شاید هم برایشان ارزش نداشته باشد؛ اما به‌رحال، وجدان بشری این مسایل را می‌فهمد و برایشان ارزش قایل می‌شود. از این‌ها گذشته، حقایق فوق برای درازمدت، اثر بسیار ارزنده‌ای در معرفی اسلام و ملت انقلابی ایران به‌دنيا خواهد داشت. من خیال می‌کنم اگر ما تا آخر هم به‌این رویه ادامه دهیم، فتح حقیقی از آن‌ما خواهد بود. از پای‌بندی به‌اصول و اخلاق نه تنها وجدانمان راحت خواهد بود، بلکه به‌وظایف انسانی و اسلامی‌مان عمل کرده‌ایم، حتی در جنگ حالت انتقامی به‌خودمان نگرفته‌ایم.

س - قدری هم راجع به‌وضعیت «ضدانقلاب» در داخل و خارج کشور صحبت بفرمایید. همان‌طور که می‌دانید، ضدانقلاب و اربابانشان، به‌دلیل ضربه‌های مهلکی که از جانب حافظان انقلاب اسلامی خورده و می‌خورند، به‌سادگی دست‌بردار نخواهند بود. شما برای هوشیاری ملت قهرمان ما و نحوه‌ی برخورد آنان با توطئه‌های ضدانقلاب، چه رهنمودهایی دارید؟

ج - ضدانقلاب، یک طیف وسیعی دارد؛ چرا که انقلاب اسلامی ایران در هر بُعدی که وسعت پیدا کند، شامل بخش‌های خاصی از جامعه می‌شود، و در هر قشر و بخشی، تعدادی دشمن هستند که راضی به‌تداوم انقلاب و اسلام نیستند؛ به‌عنوان نمونه، عوامل رژیم گذشته، بخشی وسیعی از ضدانقلاب را تشکیل می‌دهند؛ عواملی از ساواک و وزارت دربار که منحل شدند یا بقایای تصفیه‌شدگانی که اغلب از مقام‌های لشکری و کشوری بوده‌اند. این‌ها همه به‌اتفاق دیگر دلال‌ها و طایفه‌ی خانوادگی‌شان که از ناحیه‌ی آن‌ها نان می‌خورند، بخش عظیمی را تشکیل داده‌اند، حتی سرمایه‌دارانی نامشروع که در این مملکت می‌دزدیدند و به‌صورت‌های مختلف با ولگردها و اوباش‌های خودشان مردم را می‌چاپیدند؛ همان‌هایی که از بودجه‌ی مشروب، قمار، کاپاره‌ها، سینماها و بلیت‌های بخت‌آزمایی، پول‌های کلان به‌جیب می‌زدند، همگی دشمن اسلام هستند.

علاوه بر این‌ها، گروه‌ها با داعیه‌های سیاسی و اغلب ضددینی که دارند، نمی‌خواهند این انقلاب باشد. این‌طور آدم‌ها زیاد هستند. از طرف دیگر هم مارکسیست‌ها، ملی‌گرایان و این قبیل طیف‌ها وقتی می‌بینند روابط اسلامی مستحکم می‌گردد، ناراحت می‌شوند. آن‌بخش اولی که ذکرش رفت، زمینه‌ای می‌شوند برای رشد گروهک‌ها. در واقع این‌ها با ادعاهای سیاسی خودشان، موقعیتی را درست می‌کنند که آن واماندگان از رژیم گذشته بیایند و زیر پرچم این‌ها و با اسم و رسم غلط‌اندازشان، مشغول به همکاری شوند. آن وقت است که می‌آیند ادعای سازمانی می‌کنند؛ به‌طور مثال همین گروهک منافقی که به اصطلاح سازمان مجاهدین خلق را درست کرده‌اند، از ناحیه‌ی همان پولدارهای رژیم گذشته، خود را تقویت می‌کنند، بعد هم بیشتر بچه‌های مستعد و خام را به گروه خود دعوت می‌کنند؛ مخصوصاً در این دو سه سالی که آزادی بیشتری بوده و متأسفانه امکان‌های دولتی و ملی هم دست آدمی مثل بنی‌صدر افتاده بود، این‌ها خیلی پروبال گرفتند و خیال کردند می‌توانند اسلام را از صحنه بیرون کنند.

خوشبختانه بدنه‌ی اصلی جامعه و توده‌ی مردم با حضور بانفوذ روحانیت و رهبری مانند حضرت امام، هوشیارانه در مقابل این‌ها ایستادند و به‌طور مستقیم با آن‌ها به مبارزه پرداختند. تا جایی که می‌دانیم، فعالیت‌های ضد انقلاب ضربه خورده است. عوامل اصلی گروهک‌ها، خیلی زود خود را پنهان کردند و از نظرها مخفی شدند. شاید هم از عوامل اصلی خیلی‌ها هنوز مانده باشند، ولی کاری از دست آن‌ها بر نمی‌آید. کارهای اصلی را همین جوان‌ها و بچه‌های فریب‌خورده انجام می‌دادند. البته آن‌طور که می‌گویند، حدود هشتاد تا نود درصد این‌بخش هم یا بازداشت شده‌اند یا از میدان به‌در رفته‌اند. هرچند که کار فعالی نمی‌توانند بکنند؛ اما تروریسم به‌صورت یک مرض مزمن وجود دارد. تروریسم را نمی‌توان به‌آسانی ریشه‌کن کرد؛ چرا که تصفیه‌ی تروریست‌ها، تروریست می‌زاید؛ یعنی شما وقتی یکی از همین‌ها را اعدام کنید، ایل و تبارش کینه‌ای از شما به‌دل می‌گیرند که همواره مترصد انتقام‌جویی خواهند بود. از طرفی هم دشمنان داخلی و خارجی، دست به تحریک این‌ها می‌زنند و

طوری کمکشان می‌کنند که بتوانند به‌عداوت خود ادامه بدهند. البته امکان دارد که این حالت خیلی طول بکشد، منتها دیگر همین اندازه اثر خواهد داشت که ایجاد ناامنی بکند. ضدانقلاب در نهایت، نمی‌تواند به‌هدف خود برسد و همین باقیمانده‌ها نیز، مبارزه‌ی هدف‌داری ندارند. فو‌قش بتوانند، عکس‌العمل‌کینه‌توزانه‌ای از خودشان نشان بدهند. از این تکان‌ها، زیاد پیدا می‌شود.

به‌نظر من، یکی از مراحل مهم انقلاب که برخورد با گروهک‌های ضدانقلاب بود، انجام شده است. این‌ها در یک دورانی، بدون مزاحمت و با آزادی کامل رشد کرده بودند. اما امروز، در کنار جنگ، موقعیت سیاسی پیش آمده که هم‌پای پیروزی‌های ما در جنگ، ضدانقلاب داخلی نیز سرکوب شود. اگر به‌حول و قوه‌ی پروردگار در این جنگ پیروز شویم، در آینده زمینه‌های زیادی برای سازندگی در کشورمان داریم.

س - هرچند که جناب‌عالی مسؤولیت‌های بزرگی در صحنه‌ی سیاسی کشور دارید، ولی به‌عنوان یک روحانی، نظر خود را درباره‌ی حوزه‌های علمیه بیان فرمایید.

ج: نمی‌دانم بگویم متأسفانه یا خوشبختانه، بسیاری از نیروهای حوزه، به‌خاطر نیازهای انقلاب، ناچار شدند در اطراف کشور پخش شوند و به‌امور غیرحوزه‌ای بپردازند. این عزیزان اغلب در دادگستری‌ها، مجلس، نهادها، جنگ، نماز جمعه‌ها و از این قبیل، مشغول خدمت هستند. من در حوزه نیستم، ولی می‌توانم حدس بزنم که حوزه، تعداد زیادی از نیروهای سازنده‌ی خود را در راه انقلاب، از دست داده است. البته فقدان این‌ها در حوزه، آثار خود را در جاهای دیگر خواهد گذاشت؛ چرا که ما حوزه را برای رشد اسلام می‌خواهیم و این قشر از روحانیون، دارند نتایج کار و تحصیل خود را می‌گیرند، ولی من خیال می‌کنم که یک بخش از مدرسین و علمای حوزه باید خیلی پابرجا در حوزه بمانند و تلاش کنند سنگر درس و تحصیل را در آن جا گرم نگه‌دارند.

همین آیه‌ی شریفه‌ی «ماکان المؤمنون لیتنفروا کافه فلولاً» یا «نفر من کل فرقه طائفه لیتفقها فی الدین»؛ یک تفسیرش این است که عده‌ای به‌جنگ نروند تا برای آینده تلاش کنند و درس بخوانند. درست است که ما از ذخیره‌ی سال‌های گذشته

استفاده می‌کنیم، اما هر مقدار که زمان بگذرد، جامعه نیاز بیشتری به روحانیون متعهد و درس خوانده خواهد داشت. برای همین است که من گرم نگه داشتن حوزه‌های درسی را یک ضرورت می‌بینم. باید هر چه جدی‌تر، طلبه‌ها بیایند و مثل کلاس‌های درس دولتی که مقید هستند، حضور خود را در حوزه بیشتر کنند، با همان وسعتی که قبلاً هم بوده، حوصله و پشتکار خود را در درس بیشتر کنند تا فضای حوزه‌ها هم‌چنان گرم بماند.

در حال حاضر، به‌یمن وجود حکومت اسلامی، محصل‌ها و نواقصی که بیشتر سر راه طلاب قرار داشته، امروز دیگر وجود ندارد و بسیاری از مشکل‌ها به‌راحتی حل خواهند شد. مسایلی مانند تهیه مسکن، تهیه کتاب و برنامه‌هایی که پیش از این در جنبش، گریبانگیر ما بودند و گاهی مانع درس خواندن می‌شدند، امروز دیگر وجود ندارند.

شما نیز در مجله‌ی خودتان تأکید کنید که ما امروز، بیشتر از گذشته نیاز به تحصیل‌کرده‌های علوم دینی داریم. خوشبختانه از طرف جوانان، استقبالی در این باره صورت گرفته است. خیلی از دانشجویان به‌ما مراجعه می‌کنند و می‌پرسند: «ما برویم در حوزه درس بخوانیم؟» من فکر می‌کنم، این خیلی خوب است که عده‌ای از دانشگاه‌ها بیایند و نسبت به مدارس علوم دینی اعلام آمادگی تحصیلی بکنند. این قشر، حتی می‌توانند در هر دو جا باشند.^(۱)

محسن رضایی فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در صورتی که عراق به تجاوز خود ادامه دهد، نیروهای ایران وارد خاک عراق خواهند شد

برادر محسن رضایی فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پیش از ظهر دیروز در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی به سؤالات خبرنگار خبرگزاری پارس در مورد جنگ، وضعیت فعلی گروهک‌های محارب و سایر مسائل پاسخ داد.

فرماندهی سپاه پاسداران ابتدا طی سخنانی اظهار داشت: در مرحله‌ی دوم انقلاب اسلامی؛ یعنی همان مرحله‌ای که ما می‌رفتیم تا ثبات و امنیت انقلاب را به وجود بیاوریم و پایه‌های حکومت اسلامی را مستحکم کنیم، ایران دچار حملات و تهاجمات وسیع آمریکا و غرب شد. وی افزود: علی‌رغم این‌که هنوز ته‌مانده‌ای از مسأله‌ی جنگ و ضدانقلاب داخلی وجود دارد، ما قاطعانه اعلام می‌کنیم که انقلاب اسلامی در حال عبور از این مرحله است و تا به حال نیز در این امر، بسیار موفق بوده است.

وی سپس با تکیه بر اهمیت آزادسازی شهر بستان گفت: سربازان اسلام پس از فتح شهر بستان، موفق شدند حدود دو کامیون اسناد و مدارک محرمانه‌ی دشمن را جمع‌آوری کنند و

اغلب این اسناد گویای ناتوانی دشمن در مقابل نیروهای اسلامی است.

محسن رضایی، سپس قسمت‌هایی از یکی از اسناد که از نظر نیروهای یعنی بسیار محرمانه بوده است را برای خبرنگاران بازگو کرد. در این سند که پس از عملیات سوسنگرد و طراح نوشته شده، آمده است: دشمن «منظور ایران است»، توانست در ساعت نه و بیست دقیقه، موضع دفاعی ما را به تصرف درآورده و تیپ ۴۳ زرهی عراق را همراه با واحدهای زیر امر آن، محاصره کند. عکس‌العمل نیروهای ما «عراق» حین عملیات دشمن (ایران) به این صورت بوده است که کنترل و آرایش خود را از دست داده و حتی درگیری به یک ساعت نینجامیده بود که کلیدی مواضع خود را ترک کرده و تمامی سلاح‌ها، مهمات و خودروهایی شنی‌دار را نیز به جای گذاشته و نفرات زیادی خود را در پناهگاه‌ها پنهان کرده بودند.

با تکیه بر این عملکردها باید گفت که تیپ ۴۳ زرهی به هیچ وجه نتوانسته درگیری را خنثی و به شکل جنگ دفاعی آن را اداره کند.

محسن رضایی افزود: در قسمت دیگری از این سند در ارتباط با دستگاه اطلاعاتی عراق آمده است: «دستگاه اطلاعاتی ما، در صحنه‌ی نبرد به کلی ضعیف بوده است، به حدی که نتوانسته چگونگی زمین دشمن و حجم نیروهای دشمن را که در مقابل مواضع دفاعی ما مستقر هستند، تشخیص بدهد.»

در جای دیگر سند عراقی، گزارش شده است: در برخی موقعیت‌های جنگی، بعضی از سربازان ما به دشمن پناهنده می‌شوند و یا از صحنه‌ی جنگ می‌گریزند و هستند کسانی که جنگ‌افزارها و مواضع دفاعی خود را ترک نموده و در روستاها یا مزارع در انتظار به اسارت گرفته شدن از جانب دشمن می‌نشینند و این موضوعی بود که ما در عملیات سوسنگرد مشاهده کردیم.

بنابه به دستور فرماندهی لشکر، یکی از فرماندهان گردان تانک در درگیری قبل از ترک موضع خود مأمور شد سربازانی را که بدون اسلحه در صحنه‌ی نبرد پخش شده بودند را به پشت جبهه منتقل کند، در وقتی که دشمن نسبتاً از آن‌ها دور بوده است، ملاحظه شد، آن‌ها این امر را نپذیرفته و ماندن در پناهگاه‌هایی که خود انتخاب کرده بودند را بر منتقل شدن

به پشت جبهه ترجیح دادند.

رضایی سپس گفت: اگر ما تا به حال مسائلی مطرح کردیم، عده‌ای می‌گفتند که این‌ها دارند تبلیغ می‌کنند ولی الآن این اسناد حاکی از این است که ارتش عراق به هیچ وجه روحیه‌ی لازم را ندارد.

وی افزود: در عرض یک هفته‌ی اخیر نزدیک به ۱۵ نفر از سربازان و افسران عراقی به نیروهای اسلام پناهنده شده‌اند و این امر نشان‌گر علت اظهارات پوچ صدام در مورد اعدام اسرای عراقی در ایران است.

فرماندهی سپاه پاسداران اضافه کرد: ما به مردم اطمینان می‌دهیم که عراق از این پس قادر نخواهد بود حتی یک متر، پیشروی کند و در صورتی که عراق به تجاوز خود ادامه دهد، نیروهای ایران وارد خاک عراق خواهند شد و این را نیز اعلام می‌کنیم که ورود ما به خاک عراق به معنای تجاوز به خاک این کشور نیست، بلکه نشان‌دهنده‌ی این امر است که ما در حال دفاع بوده و قادر هستیم که تمام خاک عراق را بگیریم.

محسن رضایی در پاسخ به سؤال خبرنگار خبرگزاری پارس در مورد معرفی حجت‌الاسلام طاهری خرم‌آبادی و عدم تداخل وظایف ایشان با وظایف آیت‌الله محلاتی گفت: سپاه، زیر نظر ولایت فقیه انجام وظیفه می‌کند، لذا حضور نماینده از سوی ولایت فقیه در این نهاد بسیار ضروری است.

وی افزود: وظایف آقای طاهری با آقای محلاتی به هیچ وجه تداخل ندارد.

محسن رضایی افزود: سپاه و ارتش در حال حاضر به‌بهترین درجه از هماهنگی رسیده‌اند. محسن رضایی در مورد دیدارهای اخیر خود با امام امت و حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای به خبرنگار ما گفت: در دیدار با امام امت، عمدتاً در ارتباط با مسائل سپاه و جنگ، بحث و گفت‌وگو شد و در این دیدارها امام امت رهنمودهایی در رابطه با کل سپاه دادند.

وی افزود: در ملاقات دیروز شورای فرماندهی سپاه با آقای رئیس‌جمهور، در مورد هماهنگی بیشتر بین دولت و سپاه بحث شد.

فرماندهی سپاه پاسداران در رابطه با فرمان اخیر امام گفت: ما به کلیدی بخش‌های سپاه

۴۰ کیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

بخشنامه کردیم که به هیچ وجه سپاه حق بازداشت کسی را بدون داشتن حکم دادستانی ندارد و اگر کسی این کار را بکند، مجازات خواهد شد.

محسن رضایی در پایان در مورد وضع گروهک‌های ضدانقلاب گفت: در کردستان، ضدانقلاب داخلی کاملاً مایوس شده است و اخیراً در سنندج، کومله اعلامیه‌ای صادر کرده است که در آن از موضع افراطی خود کاملاً عقب‌نشینی کرده و یک موضع پایین و ناشی از ترس را اتخاذ کرده است.

وی افزود: تاکنون ۲۰۰ نفر از اعضای حزب دموکرات که به اصطلاح پرسابقه‌ترین حزب کشور است با اسلحه خود را تسلیم کرده‌اند و قریب هزار و پانصد نفر از دار و دسته‌ی سردار جاف نیز با سلاح‌هایی که از عراق دریافت کرده بودند، خود را تسلیم کرده‌اند.^(۱)

ما، در امور داخلی هیچ کشوری دخالت نمی‌کنیم، اما از مستضعفین و مسلمانان حمایت می‌کنیم

احمد توکلی وزیر کار و سخنگوی دولت در اولین گفت‌وگوی مطبوعاتی خود به سؤالات خبرنگاران پاسخ داد و مواضع مختلف دولت جمهوری اسلامی را در برابر بسیاری از مسائل روشن کرد. توکلی در اولین گفت‌وگوی مطبوعاتی به‌عنوان سخنگوی دولت اطلاع داد که وزارت صنایع با طبقه‌بندی صنایع کشور، وضعیت آن‌ها را برای آینده روشن می‌کند. وی هم‌چنین در این گفت‌وگو اظهار امیدواری کرد که طی بهار سال آینده، تکلیف بخش‌های مختلف اقتصادی اعم از تعاونی، خصوصی و عمومی روشن شود.

توکلی درباره‌ی سیاست خارجی اعلام کرد که اگر مسلمانان در هر جا علیه ظلم و استکبار و طاغوت برخیزند، ایران حمایت خواهد کرد، اما وی هرگونه دخالت در امور کشورهای دیگر و به‌خصوص بحرین را به‌شدت و با قاطعیت تکذیب کرد.

در ابتدای مصاحبه‌ی سخنگوی دولت در زمینه‌ی طرح‌های درازمدت و کوتاه‌مدت دولت برای بارورکردن صنایع سنگین و معادن گفت: صنایعی که از رژیم گذشته به‌ارث مانده است، عمدتاً وابسته و موتاثر می‌باشد و معلوم نیست که رشد و توسعه‌ی هم‌دی آن‌ها به‌نفع ما

باشد. ما به دلیل وابستگی در صنعت مجبور بودیم - و هنوز هم هستیم - که بیش از ۹۵ درصد وسایل یدکی و بیش از ۷۵ درصد مواد اولیه‌ی صنایع را از خارج بیاوریم و این با شعار همیشگی «آزادی - استقلال - جمهوری اسلامی» به هیچ وجه سازگار نیست. تلاش، باید در جهت ایجاد و رشد صنعت سالم باشد.

تقسیم‌بندی صنایع و کارخانه‌ها

آخرین اقدامات دولت این است که شورای اقتصادی تصمیم گرفته که وزارت صنایع با یک بررسی از وضعیت صنایع، جدولی تهیه کند و در آن جدول صنایع را به چهار دسته تقسیم کنند:

اول، صنایعی که کالاهای ضروری تولید می‌کنند؛

دوم، صنایع کالاهای رفاهی؛

سوم، صنایعی که کالاهای رفاهی و غیر ضروری تولید می‌کنند؛

چهارم، صنایعی که کالاهای مضر تولید می‌کنند.

هر کدام از این بخش‌ها را هم بعد از تحقیقات لازم به چهار دسته تقسیم کنند؛ مثلاً در بخش صنایع کالاهای ضروری، چه کارخانه‌ای سالم است، چه کارخانه‌ای قابل توسعه است، چه کارخانه‌ای بیمار قابل علاج و چه کارخانه‌ای بیمار غیر قابل علاج است. بعد از این مرحله، وزارت صنایع و معادن برنامه‌ریزی خواهد کرد و مشخص خواهد شد که ما با صنایع مضر بیمار غیر قابل علاج چه بکنیم. اصولاً آیا ما پس از این همه مسائل، حاضریم در جمهوری اسلامی ارز مملکت را بدهیم و وسایل لوکس و آرایشی بسازیم. آن وقت تصمیم خواهیم گرفت که چه صنایعی بماند و چه صنایعی جمع شود و چه صنایعی توسعه یابد و صنایع لازم طبیعتاً رشد خواهد کرد.

گروه‌های بررسی

در مورد برنامه‌ریزی‌های کلی اجتماعی - سیاسی - اقتصادی؛ به‌ویژه در بخش اقتصادی که عمده مشکلات و مسائل ما را تشکیل می‌دهد، ده گروه در سازمان برنامه و بودجه تعیین

شده‌اند که مسائل عمده‌ی اقتصادی را بررسی کنند و زیر ساخت اقتصادی کشور را تعیین نمایند و مشخص کنند که این زیر ساخت بایستی چه باشد؛ البته چهارچوب اقتصاد کشور در اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی تعیین شده است، اسلام نیز این چهارچوب را مشخص کرده است، اما جزئیات بخش‌های مختلف اقتصادی بایستی در مجلس تعیین شود. دولت مقدماً به‌عنوان پیشنهادکننده‌ی برنامه به مجلس، طرح کاملی را بررسی کرده است که در این طرح گروه‌ها مشخص شده‌اند. گروهی مسؤول تعیین حدود فعالیت بخش خصوصی، گروهی بخش عمومی، تعاون، نحوه‌ی اخذ مالیات، شیوه‌ی توزیع هدف‌های توسعه‌ی اقتصادی و سیستم بانکی و غیره.

کار این گروه‌ها مرتباً به شورای اقتصاد ارجاع می‌شود؛ نواقص رفع و مجدداً به گروه‌ها بازگردانده می‌شود. زمانی که کار این گروه‌ها به‌اتمام رسید و شورای اقتصاد هم بازرینی لازم را انجام داد، طرح را تقدیم مجلس شورای اسلامی خواهد کرد. ما امیدواریم که تا بهار سال آینده، به‌امید خدا! تکلیف بخش‌های مختلف اقتصادی کشور روشن شده باشد که طبعاً اثر به‌سزایی در رشد صنایع و کشاورزی و تجارت صحیح خواهد داشت.

تبلیغات مسموم

توکلی در مورد تبلیغات مسموم ارتجاع منطقه و امپریالیسم خبری به‌دنبال اکاذیب رژیم بعث عراق (اعدام اسرا در جبهه) گفت: ماهیت این تبلیغات و هدف از آن به‌خوبی روشن است. جریان به‌این‌صورت است که تانکی می‌آید و راننده‌ی تانک به‌حالت تسلیم، دستش را بالا می‌برد و رزمندگان ما به‌خیال این‌که قصد تسلیم دارد از تیراندازی خودداری می‌کنند، اما این شخص برمی‌گردد و بچه‌ها را به‌رگیار می‌گیرد. در زمانی که عده‌ای زخمی و شهید و عده‌ای دیگر در خطر هستند، رزمندگان از خود دفاع کرده و وی را به‌هلاکت می‌رسانند. اسم این‌کار چیست؟ آیا این اعدام اسرا است؟ آیا باید به‌این فرد اجازه داد همه را به‌شهادت رساند؟

البته این زمینه‌سازی است برای این‌که اسرای ما که در دست رژیم بعث هستند و اسامی آن‌ها را به‌ما داده‌اند، از بین ببرند. ما تاکنون نمونه‌های زیادی داشته‌ایم که متجاوزین بعثی

پاسداران اصیل ما را سر بریده‌اند و ملت ما از اسارت مردم غیرنظامی، پیرمرد و پیرزن به‌دست متجاوزین آگاهی دارند.

تعلیق‌نمایشی

توکلی در پاسخ به این که نظر دولت در مورد تعلیق‌نمایشی پیمان استراتژیک میان آمریکا و اسرائیل و حمله‌ی بگین به آمریکا به‌دنبال این عوام‌فریبی چیست، اظهار داشت: برای ما و برای ملت بیدار، این عوام‌فریبی‌ها رنگی ندارد. همه می‌دانند که اسرائیل جزئی از آمریکاست و هرگز علیه آمریکا و آمریکا علیه اسرائیل اقدامی نمی‌کند.

سیاست خارجی ما و جنجال‌های اخیر

از توکلی سؤال شد که در ارتباط با افراد دستگیر شده در بحرین و تبلیغات مسموم حکام مرتجع منطقه و ادعای کاذب آن‌ها مبنی بر دخالت ایران در امور بحرین توضیح دهد. وی پاسخ داد: پیش از ورود بر مسالهی بحرین، خوب است مختصری راجع به سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی در این زمینه صحبت کنیم.

آنگاه پس از استناد به قرآن و ذکر آیه‌هایی از آن، ادامه داد: ما در عین حالی که هیچ دخالتی در امور داخلی هیچ کشوری نکرده و نمی‌کنیم و نخواهیم کرد، اما این بدان معنی نیست که از مستضعفین و مسلمانان حمایت نکنیم. برنامه‌ی سیاست خارجی هم که به‌تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، به همین مضمون است.

توکلی، سپس بندهای صد و پنجم و شش برنامه‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی را قرائت کرد و گفت: ما هرگز در امور داخلی دیگران دخالت نمی‌کنیم و هرگز در روابط خود با دیگران از طریق زور وارد نشده و نخواهیم شد. ما هرگز هیچ ایرانی را نفرستاده‌ایم که در آن‌جا آشوب کند دنیا می‌داند که مقاومت ما در جنگ و ایستادگی ما صرفاً به‌خاطر جلوگیری از زور و تجاوز و صرفاً برای مبارزه با عوامل است. این جنجال‌ها، درست در روزهایی است که اسرائیل علی‌رغم نداشتن حق یک‌وجه خاک‌زمین‌های اشغالی و علی‌رغم این که موجودیتش تحمیلی است و باید از بین برود، تجاوز خود را توسعه می‌دهد و ملت سوریه

قسمتی از خاک خود را از دست می‌دهد، سوریه از همه کشورهای عربی می‌خواهد که قاطعانه در مقابل این موضوع بایستند.

درست در زمانی که آمریکا همه امکانات خود را علیه لیبی به کار گرفته، درست در زمانی که کنفرانس فاس شکست خورده و دقیقاً پس از پیروزی ایران در جنوب و غرب می‌بینیم، این جنجال‌ها را در بوق می‌کنند که ایران قصد کشورگشایی و توسعه‌طلبی دارد! این ایران نیست که دارد منتشر می‌شود و آن‌ها از آن می‌ترسند، این اسلام است، همان‌طور که برزیل‌سکی به آن اعتراف کرده است، البته نه آن اسلامی که مفتی آن می‌گوید: جشن گرفتن برای پیغمبر شرک است! اگر مسلمانان در هرجا علیه ظلم و استکبار و طاغوت برخیزند، ما حمایت می‌کنیم، اما هرگز در امور داخلی هیچ کشوری دخالت نکرده و نمی‌کنیم. وقتی امام می‌گوید اسرائیل اکتفا به قدس نمی‌کند و می‌خواهد مکه و مدینه را اشغال کند و کمی بعد مسأله‌ی جولان پیش می‌آید، ملت‌ها می‌دانند که این حرکت مصداق حرف امام است و چون صدق گفتار امام ثابت می‌شود طبیعی است که مسلمانان و مستضعفان جهان به این نتیجه می‌رسند که پس راه حل هم همان حرف امام است.

توکلی افزود: برای این‌که ذهن مسلمانان در منطقه از این قضایا منحرف نشود و از سقوط قریب‌الوقوع صدام (که برای جلوگیری از اضمحلال و نابودیش اخیراً یک جلسه‌ای در یکی از شیخ‌نشین‌ها تشکیل شد) این جنجال را به‌راه انداختند.

همین‌جا به شیخ‌نشین‌ها هشدار می‌دهیم که به صلاح آن‌ها نیست که از مردم خود جدا شوند و از صدام رو به سقوط حمایت کنند. رژیمی که در همان بحرین به‌هنگام جابه‌جا کردن اثاثیه‌ی سفارتش، اسلحه و مهمات از لابه‌لای مبل‌ها بیرون ریخت و نشان داد که چه کسانی توطئه‌گرند و چه کسانی به‌زور متکی هستند. ایران نیازی به این قبیل کارها ندارد و این امر را مجدداً تکذیب و نفی می‌کنیم.

توکلی در مورد نقش معاون نخست‌وزیر در امور نهادها گفت: بعد از انقلاب که ادارات و سازمان‌های موجود مملکتی نمی‌توانست چوایگویی نیازهای مردم باشد، این نهادها از میان خود مردم جوشیدند و از آن‌جا که لازم است کارها در جایی هماهنگ شود، این معاونت تشکیل شد.

تذکرات اخیر رئیس مجلس به دولت

از سخنگوی دولت سؤال شد: در مورد تذکرات شدید آقای هاشمی ریاست مجلس شورای اسلامی به دولت چه نظری دارید؟

وی پاسخ داد: این تذکرات از موضع حق و قانونی داده شد و ما هم موظفیم سریعاً مصوبات مجلس را به اجرا درآوریم، اما مجلس هم می داند که اجرای بعضی قوانین مراحل مقدماتی دارد، و زمان می برد؛ مثلاً خود من به عنوان وزیر کار، وقت زیادی را صرف کردم تا برای اجرای قانون بازسازی، انسان هایی را بیابم که باتجربه و صالح باشند و بی نقص و مشکلی بر مشکلات ما نیافزایند. این امور قدری معطلی دارد اما به امید خدا! امیدواریم با کمک مردم بتوانیم سریعاً مصوبات مجلس و قوانین را به اجرا درآوریم.

سخنگوی دولت در زمینه ی طرح تعاون و دگرگونی نظام اداری گفت: یکی از همان گروه های پیش گفته مسؤو ل بخش تعاون است و سایر وزارت خانه ها که کار به صورت تعاونی در آنها انجام می شود، باید امکانات، نیرو و تجربه ی خود را در اختیار آنها بگذارند و بعد که چهارچوب این بخش مشخص شد، تشکیلات لازم ایجاد خواهد شد و در مورد نظام اداری، کمیسیون خاصی در مجلس بر روی آن کار می کند و مطالعاتی هم در سازمان امور اداری و استخدامی در دست انجام است.

علل خاموشی های برق

سؤال شد: علت خاموشی های برق چیست؟

سخنگوی دولت در جواب اظهار داشت: نیروگاه های تأسیس شده در زمان رژیم منحوس پهلوی بیشتر در جهت تأمین منافع غرب و شرکت های بزرگ آنها بود؛ مثلاً نیروگاه بوشهر که اگر می خواستیم آنرا حفظ کنیم دائم به غرب محتاج بودیم جهت وارد کردن مواد و مسائل دیگر. در سایر نیروگاه ها هم کارشناس های خارجی کار می کردند که امروز جل و پلاس خود را برداشته و رفته اند و می خواستند در جهان وانمود کنند که، ما بازگشته ایم به چند قرن پیش با چراغ های موشی و...

اما، برادران مسلمان ایرانی نشان دادند که می توانند مستقل از ابرقدرت ها عمل کنند و

صنعت برق مملکت را حفظ کنند؛ مثلاً دکل‌هایی که هر سال بر اثر عوامل جوی صدمه می‌دید و خارجی‌ها آن‌ها را تعمیر می‌کردند، امسال ایتالیایی‌ها برای تغییر آن‌ها ۳۶ میلیون تومان مطالبه کردند، اما برادران متعهد ما توانستند فقط با ۲ میلیون تومان کار را انجام دهند و یا در زمینه‌ی آموزش نیروی متخصص که این کار هم قبلاً توسط خارجی‌ها و امروز توسط ایرانی‌ها انجام می‌شود و تاکنون توانسته‌اند ۲۵۰۰ نفر را آموزش دهند.

توکلی افزود: علل مختلفی برای خاموشی برق وجود دارد:

۱- کمبود سوخت؛ گازوئیل به اندازه‌ی کافی نداریم و مازوت که زیاد داریم برای حمل آن تانک کافی نداریم.

۲- محاصره‌ی اقتصادی؛ بعضی از قطعات را بایستی از خارج وارد کنیم، به ما نمی‌دهند، البته ما هم میل نداریم زیر بار برویم.

۳- به علت جنگ و علل دیگر، مصرف عمومی برق بالا رفته است و توان ما محدود است. در همین جا از مردم می‌خواهیم در مصرف برق رعایت صرفه‌جویی را بکنند تا در آینده این کمبودها بیشتر نشود و در این زمینه مشکلات جدیدی نداشته باشیم که در واقع خود مصرف‌کنندگان در مضیقه خواهند بود.

۴- نیروگاه‌ها در سابق بدون تناسب ساخته می‌شدند. نیروگاه را می‌ساختند اما خطوط انتقال نیرو نداشت. ما امروزه نیروگاه داریم اما خط انتقال نداریم و برای کار هم پول زیادی باید خرج کنیم و در شرایط فعلی با وجودی که ارز کافی داریم و هیچ کمبود ارزی نداریم، اما ترجیح می‌دهیم برای موفقیت و پیروزی در جنگ و مسائل اساسی دیگر فعلاً ارز را در این نوع کارهای پرهزینه خرج نکنیم.

ماجرای هلی‌کوپتر ربوده شده

یکی از خبرنگاران، مسأله‌ی هلی‌کوپتری که با دو سرنشین به ترکیه رفت را مطرح کرد و سخنگوی دولت در پاسخ ضمن اشاره به قرآن گفت: خداوند حوادثی به وجود می‌آورد تا ضمن این حوادث، خبیث از صالح جدا شود. جریان بدین صورت است که یک هلی‌کوپتر از غرب بلند می‌شود با سه سرنشین و دو نفر از سرنشینان تصمیم می‌گیرند هلی‌کوپتر را به ترکیه

ببرند، کنترلر هلی کوپتر با این امر مخالفت می کند و این جاست که صالح از خبیث تمیز داده می شود.

به هر حال، آن دو نفر هلی کوپتر را در شهر وان ترکیه به زمین می نشانند و این دو خبیث در ترکیه خواستار پناهندگی به فرانسه می شوند، می خواهند بروند پیش دوستانشان در پاریس که در آپارتمان های لوکس کارهای ضد امپریالیستی!!! می کنند، این همه آزمایش است. ما هیچ وحشتی از این چیزها نداریم. می گوئیم جنگ پیش آمد تا ارتشی که توسط همان فراریان متهم می شد، نشان دهد که چگونه ایثارگرا نه با جان و خون از انقلاب اسلامی دفاع می کند. جنگ پیش آمد که ارتش با دست خالی در مقابل نیروهای زرهی متجاوز که همه دنیا به آن کمک می کنند و آن را تقویت می نمایند بایستد و حماسه بیافریند. جنگ پیش آمد تا کسانی مثل بنی صدر ماهیثشان معلوم شود. جنگ شروع شد تا خلیان شاه که یک روز شاه را فراری داد، بار دیگر بنی صدر و رجوی را فراری دهد. جنگ پیش آمد تا کنترلر بگوید نمی آیم، و آن دو نفر بروند فرانسه. چند نفر تا آخر با امام حسین ۷ ماندند و چقدر از او جدا شدند.

خدا، حوادث را می آفریند تا خبیث ها بروند. ما هیچ هراسی از این امور نداریم، بگذارید همه بروند تا آن چه در ایران می ماند یک مشت حزب اللهی باشد تا دنیا بداند با چه ملتیی طرف است. ما در حال مذاکره هستیم و در آینده هلی کوپتر که از نوع ۲۱۴ است را پس می گیریم.

شایعه ی خرید وسایل اف - ۱۴ از آمریکا

خبرنگار دیگری در مورد توطئه ی اخیر امپریالیسم خبری و شایعه ی خرید وسایل هواپیمای اف - ۱۴ از سخنگوی دولت سؤال کرد.

وی گفت: اگر قرار بود که از آمریکا وسایل بگیریم، این طور جنگ را با خون و جانمان پیش نمی بردیم. بعضی احتیاجات را از گوشه و کنار تهیه کرده ایم و بقیه را به همت برادران متعهد خود ساخته ایم، اما هرگز از آمریکا نخریده ایم و نخواهیم خرید. این که می پرسید چرا می گویند؟ من می پرسم: چرا نگویند؟ به پیغمبر خدا هزار تهمت و ناروا زدند. این برای

آن است که موضع ما را در منطقه تضعیف کنند. همه می‌دانند که ما اولین کشوری در جهان بودیم که پس از انقلاب به سرعت همه روابط خود را با اسرائیل قطع کردیم و برادران فلسطینی‌ها را این مسأله را تأکید کردند و دنیا هم می‌داند، حالا می‌خواهند به‌خیال خودشان ما را با شایعه خرید اسلحه از اسرائیل و آمریکا تضعیف کنند.

شورای همکاری خلیج

توکلی در زمینه‌ی شورای همکاری خلیج، اظهار داشت: این کار برای ایجاد جای پا برای آمریکا است. کشورهای عاقل‌تر باید بدانند که نفع آن‌ها در این نوع شوراها که توسط حکام وابسته تشکیل می‌شود، نیست و نباید دنبال رژیم بعث رو به اضمحلال بروند. بیایند شورای همکاری ملت‌های خلیج تشکیل دهند، ما با جان و دل شرکت می‌کنیم. ما هر همکاری را می‌پذیریم به شرط این‌که برنامه‌ریز آن آمریکا نباشد، و فعالین آن سردمداران دفاع از منافع آمریکا در منطقه نباشند.

توکلی در مورد تشکیل شوراها ی اسلامی گفت: آن قدر برادران کارگر، میل به مشارکت داشتند که وزارت کار، توان پرسنلی و آموزشی همکاری با آن‌ها را نداشت و فقط اسمی از شورا وجود داشت و نه تنها ما هیچ کمکی به آن‌ها نمی‌توانستیم بکنیم بلکه با تأسیس هر شورای جدید، مسائل جدیدی هم به ما ارجاع می‌شد. به همین دلیل تصمیم گرفتیم تشکیل شوراهای جدید را متوقف کنیم و امکانات پرسنلی و آموزشی خود را بالا برده و در کنار آن، شوراهای اسلامی اصیل هم پی‌ریزی شود.

در زمینه‌ی صنایع مادر و ذوب آهن، سخنگوی دولت اظهار داشت: در همه‌ی کشورها، ذوب آهن ضرر می‌دهد اما از آن‌جا که صنعت مادر است و در کنار آن صنایع دیگر به کار می‌افتند، آن را حفظ می‌کنند اما در کشور ما، این ضرر بیش از میزان متعارف است. اخیراً لایحه‌ی تشکیل وزارت صنایع سنگین را دولت تهیه و به مجلس داده است. اگر مجلس تصویب کند، مسایل مربوط حل خواهد شد.

در مورد طرح اصلاحات ارضی، توکلی گفت: ما منتظریم مجلس تعیین کند. در این مورد طرحی در مجلس است. هر زمان مجلس تصویب کند ما اجرا خواهیم کرد.

۵۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

ابطال کوپن و کاهش سهمیه بنزین

علت ابطال کوپن و کاهش میزان سهمیه بنزین از سخنگوی دولت پرسیده شد. وی جواب داد: این تصمیمات برخلاف معمول در ستاد بسیج اقتصادی گرفته نشده و در هیأت دولت مطرح نشده است و آقای نخست‌وزیر هم دستور داده‌اند این موضوع مسیر عادی خود را در ستاد بسیج اقتصادی طی کند و بررسی‌هایی هم در دست انجام است که هفته‌ی آینده اعلام خواهد شد. اما همین‌قدر بگویم که به‌همان علت که سهمیه سی لیتری به ۴۵ و ۶۰ لیتر افزایش یافت حالا هم کم شده است. ما با مردم روراست هستیم. یک‌روز می‌توانیم آن‌قدر تأمین کنیم، می‌گوییم و می‌دهیم و حالا هم راست و حسینی به مردم می‌گوییم که مصرف خود را کاهش دهند.

موضع دولت در قبال مسائل لهستان

خبرنگاری پرسید: موضع دولت جمهوری اسلامی در قبال مسائل لهستان چیست؟ توکلی پاسخ داد: ما مسأله‌ی لهستان را یک مسأله‌ی داخلی می‌دانیم اما به‌طور کلی می‌گوییم هر جامعه‌ای از نظام الهی فاصله بگیرد، طبعاً به‌بن‌بست خواهد رسید. سیستم‌های غرب، دچار این بن‌بست بوده و هستند و آن‌ها که برای نجات از این بن‌بست به‌ما رکیسم روی آوردند هم می‌بینیم امروز همان بن‌بست‌ها را دارند. این بن‌بست‌ها و بحران‌ها تمام‌شدنی نیست، مگر این‌که به‌طرف خدا بازگردند و معتقدم این مسأله باید توسط مردم حل شود. و هر نوع مداخله خارجی را محکوم می‌کنیم.

در پایان مصاحبه، توکلی ضمن اشاره به این‌که آقای نبوی به‌دلیل خاصی مسؤولیت سخنگوی دولت را ترک نکرده و این امر طبیعی است و با عوض شدن دولت، مسؤولیت‌ها تغییر می‌کند و افراد تغییر می‌کنند و این‌که احتمالاً در دولت بعدی خود ایشان (توکلی) سخنگو نخواهد بود، به‌سؤال در مورد تبدیل واحدهای تولید اتوموبیل سواری به وسایل نقلیه‌ی عمومی اظهار داشت: فعلاً تولید اتوبوس و مینی‌بوس را افزایش داده و تولید سواری را کم کرده‌ایم اما اقدامی در جهت توقف تولید سواری انجام نداده‌ایم. مطالعاتی در دست است و به‌مجرد روشن شدن مسأله اعلام خواهد شد.^(۱)

دکتر ولایتی:

ریشه‌ی تمامی توطئه‌ها و تبلیغات علیه ما، ناشی از القانات آمریکاست

دکتر علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران، دیروز در مصاحبه‌ای مطبوعاتی موضع دولت را در قبال مسائل مهم منطقه، توطئه‌های امپریالیسم جنایتکار آمریکا و رژیم اشغالگر قدس، اعلام کرد.

وزیر امور خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران در ابتدای این مصاحبه به سیاست کلی خارجی کشور اشاره کرد و گفت: سیاست خارجی ایران را مردم مسلمان و انقلابی ما تحت رهبری امام امت، بارها در تظاهرات و راه‌پیمایی‌ها اعلام کرده‌اند و آن همان سیاست نه شرقی، نه غربی است و هرکسی که بخواهد در راهی غیر از این قدم بگذارد، بدیهی است که در جمهوری اسلامی ایران مشروعیت خویش را از دست خواهد داد.

وی افزود: حکومت جمهوری اسلامی ایران، خود را متعهد می‌داند که از آرمان‌های اسلامی و مسلمین در سراسر جهان و همه مستضعفین و کسانی که به‌نحوی تحت سلطه و ظلم هستند، دفاع کند و ما هم‌چنان دشمن شماره‌ی یک خود، شیطان بزرگ جهان امروز را،

امریکا می‌دانیم. ما معتقدیم که تمام توطئه‌هایی که علیه این حکومت از بدو انقلاب تا به حال شکل گرفته، ناشی از سازش‌ناپذیری جمهوری اسلامی با راه‌های انحرافی و شیطانی است. ما عمیقاً علاقه‌مند به سرنوشت جهان اسلام هستیم و با ملل مستضعف جهان، هم‌دردی می‌کنیم و رژیم اشغالگر قدس را به‌عنوان بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن جهان اسلامی می‌شناسیم.

وزیر امور خارجه، سپس گفت: اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، عدم مداخله در امور دیگران و داشتن روابط حسنه با کشورهای مسلمان و غیرمتعهد؛ علی‌الخصوص کشورهای همسایه است، البته در صورتی که این کشورها قصد تجاوز به جمهوری اسلامی ما را نداشته باشند. و بالاخره سه سال انقلاب ما باید به دنیا ثابت کرده باشد که مردم ما مصمم هستند با همه وجود و امکانات و تا آخرین قطره‌ی خون از وجب به وجب خاک خود دفاع کنند و تا به حال هم به‌حمدالله موفق بوده‌اند و حتی در مقابله با حکومت مقتدر و جابر آمریکا، نیز پیروز بوده‌اند.

جبهه‌ی متحد اسلامی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی

وزیر امور خارجه، سپس در پاسخ به اولین سؤال خبرنگاران در زمینه‌ی هدف و چگونگی تشکیل جبهه‌ی متحد اسلامی، گفت: نام حقیقی این جبهه، «جبهه‌ی متحد اسلامی ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی» است و هدفش مبارزه با استعمار استکبار و هر نوع سلطه‌گری در جهان، صرف‌نظر از ریشه‌ی این سلطه‌جویی و برتری‌طلبی است، خواه ریشه‌ی غربی داشته باشد، خواه شرقی. بنابراین، با توجه به این که صهیونیزم به‌عنوان یک متحد و در حقیقت زاده‌ی سیستم سلطه‌جویانه پیدا شده در غرب است که به تدریج در طی چند قرن پا گرفته و هم‌چنین با توجه به این که ما به‌عنوان چیزی از امت واحد اسلامی، صدمات زیادی از صهیونیزم دیده‌ایم، لذا برای مبارزه با صهیونیزم اولویت خاصی قائل هستیم و معتقدیم تا وقتی که تمام مسلمانان در جبهه‌ی واحدی متحد نشوند و تمام نیرو و توان خود را علیه صهیونیزم به‌کار نگیرند، از شر چنین پدیده‌ی خبیثی خلاص نخواهند شد.

پیمان استراتژیک آمریکا و رژیم اشغالگر

دکتر ولایتی سپس در پاسخ به این سؤال که نظر جمهوری اسلامی ایران راجع به پیمان استراتژیک آمریکا و رژیم اشغالگر چیست، گفت: در مورد مفاد پیمان استراتژیکی آمریکا و رژیم اشغالگر قدس، چون هنوز اعلام نشده، اطلاعات دقیقی در دست نداریم، اما برطبق آگاهی‌هایی که از برخی منابع به دست آورده‌ایم، براساس این پیمان: اولاً: آمریکا متعهد می‌شود که همواره برتری نظامی و تکنولوژیکی اسرائیل را بر کشورهای عرب حفظ کند، در ثانی: آمریکا حق دارد اسلحه و مهمات لازم برای رفع نیازمندی‌های نیروهای واکنش سریع را در فلسطین انبار کند و بالاخره همکاری دوجانبه آمریکا و رژیم اشغالگر علیه نیروهای آزادیبخش و انقلابی منطقه حفظ می‌گردد.

به نظر ما، اسرائیل و آمریکا، هیچ نیازی به پیمان ندارند و اسرائیل چیزی جز یک پایگاه برای حفظ منافع آمریکا نیست، زیرا اصولاً فلسفهی پیدایش اسرائیل چیزی جز حفظ منافع آمریکا نبوده و لذا با وجود تعلیق ظاهری این پیمان، در آینده خواهیم دید که هیچ تعلیقی در میزان حجم معاملات اسلحه بین آمریکا و اسرائیل که در واقع یک رابطه‌ی یک‌طرفه از سوی آمریکاست و هم‌چنین کمک‌های نظامی و اقتصادی آن‌ها ایجاد نخواهد شد. آمریکا هم‌چنان نیازمندی‌های اسرائیل را تأمین خواهد کرد و اسرائیل نیز هم‌چنان متعهد به حفظ منافع آمریکا در منطقه و حفظ منفورترین رژیم‌های جهانی حتی رژیم آفریقای جنوبی خواهد بود. پس به نظر ما تعلیق این پیمان، در حقیقت یک بازی سیاسی است و هیچ چیز تغییر نکرده و نخواهد کرد.

حمایت قاطع از سوریه

از وزیر امور خارجه در مورد اشغال بلندی‌های جولان و موضع ایران نسبت به این مسأله سؤال شد.

وی گفت: اشغال جولان در حقیقت متعاقب شکست طرح کمپ دیوید اول و به‌تعمیری کمپ دیوید دوم بود، زیرا با مرگ سادات، کمپ دیوید اول نیز همراه او دفن شد و کمپ دیوید دوم نیز با پیام کوبنده‌ی رهبر انقلاب اسلامی ایران و مقاومت کشورهای مبارز،

مترقی و پیشروی عرب؛ نظیر سوریه، لیبی، الجزایر، یمن جنوبی و جنبش مقاومت فلسطین به شکست کشیده شد و بنابراین آخرین چاره‌ای که برای اسرائیل و اربابش آمریکا باقی مانده بود، دست زدن به چنین اقدام صریح و وقیحانه بوده است.

وی افزود: موضع ما همان‌طور که قبلاً نیز اعلام کرده‌ایم، حمایت قاطع از کشور برادر سوریه است. ما هم‌چنین این الحاق سرزمین اشغالی جولان به اسرائیل را محکوم می‌کنیم و با تمام توان، پشت سر کشور برادرمان سوریه در مقابله با اسرائیل غاصب ایستاده‌ایم.

توطئه‌ی آمریکا در قضیه‌ی بحرین

وزیر امور خارجه، سپس در پاسخ به‌سؤالی درمورد نقل و انتقالات حوزی خلیج فارس و موضع تدافعی ایران در قبال این مسأله، گفت: ما به‌عنوان مقتدرترین کشور منطقه، طبیعی است که نمی‌توانیم نسبت به آن‌چه در اطرافمان می‌گذرد، بی‌تفاوت بمانیم. به‌نظر ما، حرکت‌های اخیر که در اطرافمان به‌خصوص در محدوده‌ی خلیج فارس ایجاد شده، ریشه در شکست‌های پیاپی رژیم صدام از سپاه اسلام دارد. می‌دانیم که آمریکا از صدام به‌کلی مأیوس شده و این آخرین تلاش‌های آمریکاست که بلکه صدام را از سقوط نجات دهد و یا این‌که اگر او ساقط شد، رژیمی نظیر او و کاملاً وابسته به سیاست‌های آمریکا در منطقه برسرکار آورد.

دکتر ولایتی در ادامه‌ی سخنانش گفت: ریشه‌ی تمامی توطئه‌ها و تبلیغات مسمومی هم‌که بر علیه رژیم جمهوری اسلامی می‌شود، بی‌تردید ناشی از القائات آمریکاست؛ مثلاً کسانی که در قضیه‌ی بحرین دستگیر شدند، حتی یک نفر ایرانی در میان آن‌ها نبود و همه از مردم مسلمان و به‌پاخاستی مناطق اطراف خلیج و همه عرب بوده‌اند.

بنابراین نسبت دادن این حرکت - که از درون مردم خود آن نواحی جوشیده - به‌ما، در حقیقت زیربار توطئه‌ها و القائات آمریکا، انجام گرفته و همان‌طور که قبلاً نیز گفته‌ایم، جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان قدرتمندترین کشور منطقه تا به‌حال نشان داده که اولاً مصمم به‌حفظ کبان و عظمت جمهوری اسلامی است و در ثانی به‌هیچ‌وجه قصد مداخله در امور دیگران را ندارد و این یک اتهام بیشتر نیست.

وزیر امور خارجه افزود: ما به برادرانمان در همه کشورهای اسلامی، بارها گفته‌ایم که موضعمان چیست و به حکومت‌های منطقه هم هشدار می‌دهیم که زیر بار القاتل‌های شیطان‌پرست آمریکا نزنند. تجربه نشان داده است که این پیمان‌های فرمایشی که در این منطقه و دیگر نقاط جهان منعقد شده و می‌شود، هیچ گرهی از کار عاقدان آن‌ها باز نمی‌کند و فقط آن‌ها را به ابرقدرت‌ها به خصوص آمریکا وابسته‌تر می‌کند.

بنابراین، توصیه‌ی ما به حکومت‌های خلیج فارس این است که تحت تأثیر القاتل‌های آمریکا، زیر بار هزینه‌های کمرشکن نظامی که نهایتاً هیچ خاصیتی برای آن‌ها ندارد، نروند، زیرا اساس کار ما بر حفظ احترام متقابل و شناسایی حاکمیت ملل همجوار است.

اسلام آمریکایی

سپس از وزیر امور خارجه سؤال شد که موضع ایران نسبت به توطئه‌ی کشورهای مرتجع منطقه و گفته‌های وزیر کشور عربستان که ایران از مدافع اسلام به دشمن شماره‌ی یک مسلمین بدل شده است، چیست؟

وی گفت: اول باید با وزیر کشور عربستان و مدعیان دیگر به تعریف واحدی از اسلام برسیم، زیرا واضح است که ما مدافع اسلام آمریکایی نیستیم و این که حکومت ما یک شبکه‌ی تروریستی برای تجاوز به امور کشورهای دیگر ایجاد کرده است، یک دروغ محض است و همان‌طور که گفتیم همدی این کارها برای نجات صدام از سقوط و یا جایگزین کردن حکومت صدام با حکومتی مشابه صورت می‌گیرد. اما ما بیدی نیستیم که به این پادها بلرزیم و حتی آمریکا هم با تمام اقتدار، نیروها و مانورها و پایگاه‌هایش هم به قول امام امت «هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»، پس تمام این کارها و توطئه‌ها بی‌خاصیت است و جز به هدر دادن منابع ارزی کشورهای اسلامی و پر کردن ذخایر ارزی کشورهای سلطه‌گر جهان به خصوص آمریکا، هیچ اثر دیگری ندارد.

اوضاع لهستان

سؤال شد که موضع ایران در قبال مسأله‌ی لهستان چیست؟

وزیر امور خارجه پاسخ داد: در مورد اوضاع لهستان باید بگویم که ما مخالف هر نوع مداخله در امور داخلی آن کشور چه از جانب شرق و چه از جانب غرب هستیم و معتقدیم که مردم لهستان مانند مردم هر کشور دیگری آنقدر بالغ هستند که منافع و مضار خود را تشخیص دهند، پس باید مردم آن کشور را در تعیین سرنوشت خویش آزاد گذاشت؛ اما در عین حال به نظر ما این قضیه مثال دیگری است از شکست عملی فرمول‌های کمونیزم.

خبرنگار دیگری از اقدامات دولت جهت برقراری روابط دیپلماتیک با کوبا سؤال کرد. وی پاسخ داد: در سفری که به کوبا داشتیم، با فیدل کاسترو و هم‌چنین با هیأت نمایندگی نیکاراگوئه ملاقات‌هایی داشتیم. با توجه به نزدیکی زمانی انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مردم نیکاراگوئه و تشابهاتی که بین این دو انقلاب از لحاظ شرکت گسترده‌ی همه‌ی مردم در هر دو انقلاب وجود داشت، ضمن آن‌که به تفاهم‌هایی به‌خصوص با نیکاراگوئه رسیدیم، تصمیم گرفتیم که ما به کشور آن‌ها برویم و آن‌ها نیز از کشور ما دیدن کنند تا از نزدیک با آثار انقلاب آشنا شویم.

وزیر امور خارجه، هم‌چنین در مورد برنامه‌های وزارت خارجه برای بازسازی نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور گفت: برنامه‌ی ما همان ادامگی کار مرحوم رجایی و مهندس موسوی است و اقداماتی به‌صورت ریشه‌ای در سفارت‌خانه شروع شده و امیدواریم بتوانیم این مسیر را طی کنیم و حتی الامکان به آن سرعت بخشیم.

وی در مورد چگونگی خنثی کردن تبلیغات خارجی علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران، به‌لزوم همکاری نزدیک وزارت خارجه با وزارت‌خانه‌ها و نهادهایی چون وزارت ارشاد اسلامی و شورای عالی تبلیغات اسلامی اشاره کرد و گفت: تلاش‌هایی که تاکنون در زمینه‌ی خنثی کردن تبلیغات سوء علیه جمهوری اسلامی ایران انجام شده، به نظر ما کافی نیست و باید از نظر کیفی و کمی، این تلاش‌ها گسترده‌تر شود.^(۱)

رئیس جمهور به ۹ سؤال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اطلاعات، پاسخ گفت.

ایران، بعد از پیروزی در جنگ

سؤال - امروز دیگر قدرت های خارجی هم به برتری ایران در جنگ و پیروزی قریب الوقوع آن اعتراف می کنند. از دید شما ایران در صورت پیروزی به عنوان یک قدرت اسلامی و مردمی که قدرت نظامی خود را هم در عمل ثابت کرده است، چه برنامه ای در منطقه خواهد داشت؟ ضرورت طرح این مسأله از آن جاست که همه دولت های وابسته، پیشاپیش، چنین تبلیغ می کنند که پیروزی ایران برای کشورهای منطقه تهدیدکننده و خطرناک است. شایعاتی از قبیل دخالت ایران در بحرین، کویت و مناطق دیگر، از آن جمله است.

جواب - در صورتی که ما در این جنگ پیروزی نظامی به دست بیاوریم، همان طور که اشاره کردید، یک قدرت به حساب بیاییم، ما بلیم به تمام دولت های منطقه اعلام کنیم که صرفه و صلاح منطقی حساس خلیج فارس و دریای عمان در این است که اجازه ی حضور سلطه های بزرگ جهانی را در این منطقه ندهیم. اگر دولت های منطقه قبول کنند که مجموعه ی ما یک قدرت به حساب می آیم، بی شک هیچ دلیلی برای

آن‌ها وجود نخواهد داشت که به دخالت سلطه‌های جهانی میدان بدهیم و ما هم همین‌طور. البته این حقیقت را ما با، زور و فشار نمی‌خواهیم به دولت‌های منطقه تفهیم کنیم. با زبان واقع‌بین سیاسی و انسانی این را به آن‌ها خواهیم فهماند. برخلاف تبلیغاتی که همان قدرت‌های بزرگ علیه ما می‌کنند هرگز به صرفه‌ی خودمان نمی‌بینیم که در دولت‌های کوچک اطراف خلیج؛ از جمله جزیره‌ی بحرین، امارات متحده و کویت، ناامنی و ناآرامی به وجود بیاید. ما این‌را به صلاح ملت‌های پیرامون خلیج نمی‌دانیم.

ما فکر نمی‌کنیم که ایران برای صادر کردن اندیشه‌ی انقلابی خودش و استحکام بخشیدن به بنای جمهوری اسلامی احتیاج به این دارد که در این کشورها دست به کارهای تروریستی بزند. و ایجاد چنین شایعه‌ای را نسبت به خودمان شدیداً خیانت‌آمیز می‌دانیم. و همین تبلیغاتی که اخیراً در بحرین علیه ما به وجود آمده است و بوق‌های تبلیغاتی دولت‌های منطقه و دولت‌های بزرگ جهان نیز در این‌مورد به جعل و دروغ و افترا علیه انقلاب اسلامی ایران پرداخته‌اند، از این قبیل است. این تبلیغات وسیع و دامنه‌دار و حساب‌شده را قویاً تکذیب کرده و آن‌را حلقه‌ای از زنجیره‌ی جهانی توطئه‌های خائنانه علیه اسلام و ایران و زمینه‌سازی برای تجاوز و سلطه‌جویی قدرت‌های بزرگ می‌دانیم.

به‌طور خلاصه، ما طالب دوستی، تفاهم، همکاری، زندگی مسالمت‌جویانه با کلیدی دولت‌های خلیج هستیم. فکر می‌کنیم که اگر یک چنین جو باصفایی به وجود بیاید، این امکان هم به وجود خواهد آمد که این ثروت عظیمی که دارد بی‌حساب از این منطقه خارج می‌شود، بیشتر به کار مستضعفین بیاید و کمتر در جیب مستکبرین ریخته شود. ما رسیدن به چنین مقصودی را فقط در سایه‌ی تفاهم و مسالمت با دولت‌های اطراف خلیج می‌شناسیم.

کمک به مردم تحت ستم عراق

س - ملت تحت ستم عراق دیربازی است که به طرق مختلف از امام و ملت ایران می‌خواهند

که آن‌ها را در استخلاص از رژیم صدام یاری دهند. اینک که شرایط نظامی نیز مساعد است چرا به‌ندای مردم عراق پاسخ گفته نمی‌شود؟ در این مورد به‌نظر شما چه باید کرد؟

ج - شاید شما می‌دانید که در جبهه‌های ما، تعداد برادران عراقی که دارند با نیروهای متجاوز عراقی می‌جنگند کم نیستند. گذشته از حرکت نظامی، این برادران در داخل ایران و در خارج از ایران حرکت‌های سیاسی زیادی هم علیه حکومت متجاوز و غاصب کنونی عراق انجام می‌دهند. دولت ایران خودش را پشتیبان این افراد و حرکت‌ها می‌داند و تا آن‌جا که برایش مقدور باشد از کمک به آن‌ها دریغ نخواهد کرد.

مبارزه با فئودال‌ها و سرمایه‌داران

س - شما و دیگر برادران روحانی مسؤول، هم در دوران طاغوت با خطبه‌های آتشین از نجات محرومین و استثمارشدگان سخن می‌گفتید و شکنجه می‌شدید و هم امروز از آن‌ها دفاع می‌کنید.

می‌دانید که علی‌رغم این همه معجزه‌ها که انقلاب اسلامی ما در هر زمینه آفریده است، مع‌ذالک هنوز هم سنگین‌ترین فشارها روی دوش مردم محروم است. آقای خامنه‌ای، با توجه به مطالبی که امام در دیدار با فقهای شورای نگهبان علیه غارتگری‌های سرمایه‌داران و فئودال‌ها فرمودند و نیز با توجه به دو پیام اخیرشان خطاب به مجلس و مقامات قضایی در مورد احکام ثانویه و رعایت قانون، چرا در سرکوب قاطع و قانونی تروریست‌های اقتصادی تأخیر می‌شود؟

اکنون، فشار گرانی و احتکار، مسأله‌ی مسکن و اجاره‌بها، مشکل اراضی شهر و روستا و مشکلات دیگر، بی‌داد می‌کند. آیا طرح‌های عملی‌ای وجود ندارد که علی‌رغم سختی و پیچیدگی مسأله، مشکلات اقتصادی محرومین را حل کند یا کاهش دهد؟

ج - شک نیست که به‌دنبال چنین طرح‌هایی ما هستیم، منتها در این جا به‌نکاتی باید توجه کنیم؛ اول این‌که مسائل حاد و غیرقابل اغماض جامعه‌ی ما از قبیل مسأله‌ی جنگ و مسائلی نظیر آن، بخش مهمی از نیروهای ما را به‌خودش اختصاص می‌دهد.

شما تصور بفرمایید آن روزی که ما خواهیم هر روز بخشی از ذهنمان و فکرمان را مصروف میدان جنگ نکنیم؛ از همه جهت، از جهت تاکتیک، از جهت عملیات، از جهت طرح و برنامه، از جهت سلاح و مهمات. خوب! این وقت اضافی که باقی می ماند صرف چه کاری خواهد شد؟ این توان فراوانی که امروز دارد در آن راه انجام می گیرد اگر چنانچه راهها آزاد شود، صرف چه کاری خواهد شد؟ صرف همین رفع تبعیض ها؛ یعنی باز اساسی ترین مسأله داخل اجتماع خودمان خواهد شد. در این شکی نیست، منتها شک نیز نیست که، فعلاً دچار آن دردسرها و گرفتاری ها هستیم و استعمار و استکبار جهانی بی دلیل هم نبوده است که گرفتاری ها را برای ما به وجود آورده است.

نکته دوم این است که: در ذهن بسیاری از نظردهندگان و مطالعه کنندگان در زمینه ایجاب سلامت اقتصادی در جامعه، از نظام ها و یا دولت های دیگر پیش داوری هایی بوده است و هست. در حالی که ما شک نداریم که شیوه و روش مستقل قرآنی، برای ما قابل عمل است. تلفیق میان آن اندیشه ی پیش ساخته با آنچه از قرآن و از سنت به درستی می توان استنباط کرد که منطبق با فقه اسلامی باشد کار آسانی نیست؛ و این چیزی نیست که شما بگویید که چرا تلاش نمی کنید. نوعی تلاشی که در این جا می شود انجام داد نوع خاصی است و افراد خاصی می توانند این تلاش را بکنند و این تلاش الآن در حال شکل گیری است.

البته، تعبیر تلفیق که گفتیم ممکن است در ذهن یک مفهوم نادرستی را تداعی کند. منظور همین چیزی است که الآن وجود دارد؛ یعنی پیشنهادها غالباً از آن پیش داوری ها و اندیشه های قبلی نایه می گیرد، در حالی که عناصر درستی هم در او هست. ما بایستی ببینیم که آن عناصر درست کدام ها هستند و آنچه را که با قرآن و حدیث منطبق نیست کدام ها هستند و آن شیوه را انتخاب کنیم و بدیهی است که آن شیوه تاکنون هم در دنیا عمل نشده است. آنچه را که در دنیا عمل شده، شیوه های غیراسلامی بوده و ما می خواهیم شیوه های اسلامی را پیاده کنیم.

تجربهای هم در این راه وجود ندارد. شما ملاحظه می کنید که ما در مورد اراضی

کشاورزی، بند (ج) را داشتیم و الآن هم داریم. خوب! همین بند (ج) در حالی که مورد توافق و قبول چند نفر از فقها بود، مورد بی‌اعتنایی و عدم قبول چند نفر دیگر از فقها قرار گرفت. آیا در چنین وضعیتی ما مکلف نیستیم که بیشتر دقت و مراقبت بکنیم؟ یا ببینیم آیا شیوه‌های اسلامی در این بند (ج) که خودمان در شروع انقلاب آن را ترسیم کردیم، منطبق هست یا نیست؟ این دقت را ناگزیر باید بکنیم، چاره‌ای نداریم؛ چون تعهد کردیم که پیشنهادهای اسلامی را در این جا پیاده کنیم. اگر چنانچه این تعهد نبود، به‌رحال تا حالا یک‌کاری شده بود. ولو این که آن کار، جامع، کامل یا خوش‌عاقبت نبود، همان‌طور که در اکثر نقاط جهان خوش‌عاقبت نبوده است، ولی به‌رحال کار کوچکی انجام شده بود. هم چنین در مورد اراضی شهری، هم چنین در مورد مسائل مربوط به احتکار و غیره...

البته شما اشاره کردید به گرانی و تورمی که در جامعه وجود دارد. من مایلیم که از شما جداً بخواهم در مورد بی‌کاری و تورم هر وقت فکر می‌کنید، به‌یک‌ی از عمده‌ترین عوامل این تورم و بی‌کاری یعنی جنگ توجه کنید. چگونه می‌توانیم در جامعه‌ای که ۱۵ ماه در حالت جنگ هست، مسأله‌ی گرانی را ببینیم و توجه نکنیم به ارتباط آن با جنگ؟ وقتی که ما بندر نداریم، ظرفیت بندری ما نصف اوقات عادی است. وقتی که منطقه‌ی دریایی ما یک منطقه‌ی جنگی است و کشتی‌ها در آن جا با اشکالات زیادی مواجه می‌شوند، وقتی که در همین بنادر موجود خودمان احتمالاً کشتی‌ها زیر آتش مستقیم دشمن قرار می‌گیرند، وقتی که اقتصاد ما به‌نفت وابسته است و نفت ما دچار این همه بحران جهانی است، شما فکر می‌کنید آیا ما می‌توانیم از آثار درجه یک و دو و سه این عوامل که از جمله بی‌کاری، گرانی و کمبود ارزاق است، خودمان را برکنار بداریم؟ من انکار نمی‌کنم که خیانت، تنگ‌نظری و کوردلی بعضی از مردم که از رفاه برخوردار هستند و مشغول سوءاستفاده هستند (سوءاستفاده‌چی‌ها) در این عمل مؤثر است. این مشخص است که چنین چیزی وجود دارد، اما این‌ها از همان عوامل درجه‌ی دوم است؛ یقیناً عامل درجه‌ی یک، چیز دیگری است و آن همان چیزهایی است که به آن اشاره کردیم. بنابراین، ما طرح‌های

اقتصادی ای را که هدف اصلی آن ایجاد هم سطحی میان فقیر و غنی است، هم چنان جزو هدف های والای خودمان داریم. هنوز دلمان به حال محرومان می تپد و هدف بیرون آوردن این ها از محرومیت زندگی مستمندانه، جزو بالاترین هدف های ما است، هم چنان که اسلام این را به ما الهام می دهد، ولیکن واقعیت همان چیزهایی است که گفتیم. با این واقعیت ها باید ببینیم که چه اندازه می توانیم در این هدف حرکت بکنیم؟ البته تصدیق می کنید که با این واقعیت های تلخ، حرکت، یک حرکت تندی را نمی تواند داشته باشد...

برنامه های دولت در سال برنامه

س - آقای نخست وزیر اعلام کردند که سال آینده، سال برنامه ریزی است و ما می دانیم که همان اندازه که آرمان ها و هدف ها مهم است، برنامه ریزی برای اجرای آن ها نیز ضرورت و اهمیت دارد. بفرمایید چه برنامه هایی سال آینده، در اولویت قرار خواهند گرفت؟ از جمله در حوزه مسائل اقتصادی، چه برنامه هایی به طور مشخص خواهیم داشت یا باید داشته باشیم؟

ج - برنامه های سال آینده عمدتاً در سه حوزه خواهد بود:

۱ - حوزه مسائل اقتصادی؛

۲ - حوزه مسائل خودکفایی؛

۳ - حوزه مسائل اداری.

این سه منطقی کار است که ما باید برای آن برنامه ریزی جدی بکنیم. در زمینه مسائل اقتصادی آن چه برای ما مهم است، مسأله زمین است و مسأله کشاورزی است و مسأله تنظیم صادرات و واردات است؛ و اگر بتوانیم برنامه ریزی درازمدت و میان مدتی انجام دهیم، ایجاد یک نسبت منطقی و متعادل میان صادرات و واردات کرده ایم. این ها عمده ترین مسائلی است که درباره ی آن ها باید برنامه ریزی کنیم و در مورد صنعت، البته صنعت بیشتر به خودکفایی مربوط می شود و بخش مهمی است. اما، در بخش صنعت، صنایع سنگین و بزرگ است. صنایع مادر؛ مثل همین ذوب آهن، مس و بعضی از همین قبیل کارها، الآن در پتروشیمی انجام می گیرد که این ها صنایع مادر هستند و برای ما ارزش حیاتی دارند و بیشتر برنامه ریزی ها در این ناحیه صورت می گیرد.

تذکر مجلس به دولت

س - تاکنون مجلس یکی دوبار به دولت تذکر و اخطار داده است که در مورد اجرای مصوبات مجلس تعلل نشود. نظر و تحلیل شما در این مورد چیست؟

ج - تحلیل بنده این است که قوهی مقننه وظیفه دارد به قوهی مجریه خط بدهد و آنرا مسؤول کند و اگر آنچه را که بایستی انجام می گرفت، انجام نگرفت آنرا مؤاخذه نماید تکلیف قوهی مقننه است و باید مجلس این سؤال و اعتراض را بکند، البته قوهی مجریه می تواند مشکلات خود را برای قوهی مقننه بیان کند. هرگاه مجلس سؤالی از یکی از وزرا بکند، باید آن وزیر در مجلس حاضر شود و به آن سؤال پاسخ دهد. احتمالاً این پاسخ، بایستی بیان مشکلات و موانعی باشد که موجب شده است که این مقصود و منظور انجام نگیرد.

این سؤالی را که برادرمان آقای هاشمی کردند، ما آنرا به هیچ وجه، یک عمل غیرطبیعی نمی دانیم. مجلس باید هم این سؤال را بکند.

این سؤال، به منزلهی مقصر بودن دولت نیست. و مجلس بایستی که سؤال کند. اگر دولت پاسخ درستی داشت که مقصر نیست و اگر پاسخ درستی نداشت، آن وقت مقصر است. پس ما از سؤال مجلس به هیچ وجه نه نگران می شویم؛ نه تعجب می کنیم و نه گله مند می شویم، بلکه به اقتضای احترام به قانون جمهوری اسلامی از سؤال مجلس خوشوقت و خوشحال هم خواهیم شد. اما این سؤال را هم دلیل بر مجرمیت دولت نمی دانیم.

اختلاف در میان ارگانها و نهادها

س - همان طور که مستحضر هستید، امام امت چندی پیش به وجود اختلافاتی در میان ارگانها و نهادهای متعهد و پیرو ولایت فقیه اشاراتی داشتند. یک بار در رابطه با مسائلی که در بعضی شهرها پیش آمده بود و یک بار هم در دیدار با گروه های متعهد اسلامی که تشکیل «شورای تفاهم» را پیشنهاد فرمودند و بار دیگر در رابطه با مسائل سپاه و ارجاع آن به حضرت آیت الله منتظری. می خواهیم شما برای ما توضیح دهید، اولاً: این اختلافات میان چه ارگان هایی

بوده؟ ثانیاً: بر سر چه موضوعاتی و ثالثاً: در شرایط حاضر چگونه است؟ به خصوص شما به عنوان مقامی که مسؤول حفظ هماهنگی ارگان‌ها است در راه این تفاهم و تشکیل «شورای تفاهم» چه کرده‌اید؟

ج - به نظر من، مهم این نیست که ما ببینیم میان کدام یک از ارگان‌ها و نهادهای انقلابی - چه دولتی و چه غیردولتی - اختلاف است. مهم این است که اولاً منشأ و زمینه‌ی اختلاف را بشناسیم و ثانیاً ابعاد این اختلاف را بشناسیم.

در درجه‌ی اول منشأ و زمینه‌ی اختلاف به نظر من برمی‌گردد به حالت عمومی ملت ایران پیش از پیروزی انقلاب. ما پس از یک اختناق طولانی به پیروزی رسیدیم. آثار نامبارک اختناق زیاد است؛ از جمله این آثار، ناهمگنی و عدم التقای ذهن‌ها و اندیشه‌هاست.

شما در تاریخ دیده‌اید که مسیحیت و جریان اختناق شدید قبل از مسیحی شدن رم، کارش به جایی رسید که حتی در مقدس‌ترین و عزیزترین متون‌شان؛ یعنی انجیل این همه اختلاف بیفتند. ده‌ها انجیل را در تاریخ می‌شناسیم که هر کدام از این انجیل نسبت به دیگری اختلافات زیادی در کلیه‌ی مسائل داشتند. به طوری که مجبور شدند این چهار انجیل موجود کنونی را به خاطر این که به همدیگر نزدیک‌تر بودند، متن اصلی قرار دهند. طبیعت این زندگی زیرزمینی و نامربوط به یکدیگر همین پیدایش اختلاف است. ما در دوران اختناق وسیله‌ای نداشتیم، برای این که یکایک عناصر اصلی ما بتوانند با یکدیگر مثل ظروف مرتبط هم‌سطح باشند.

تنها وسیله‌ای که وجود داشت، یا اعلامیه‌ها بود که می‌دانید این اعلامیه‌ها عموماً شب‌نامه بود و یا مجالس سخنرانی بود که می‌دانید این مجالس عموماً به طور اختصار و یا به شکل بریده بریده بود؛ یعنی یک نفر که امروز مثلاً ده جلسه برای مردم سخنرانی می‌کند، این امکان برای او وجود نداشت که دنبال حرف‌های خودش راه بیفتد و خط این سخنان را در ذهن آن‌ها مشخص کند که آن‌ها را به نظم درآورد. نتیجه این شد که ما در حالی به پیروزی انقلاب رسیدیم که بسیاری از جریان‌ها و افراد در قالب‌های اصلی در پیچیده‌ترین اندیشه‌ها با یکدیگر یکسان نبودند. از باب

مثال، این جریان معتقد به ولایت فقیه که امروز کاملاً مشخص است که چه کسانی هستند تا قبل از پیروزی انقلاب با جریان‌های اسلامی و سیاسی کمال همکاری و یگانگی را داشتند، اما امروز می‌بینیم که از یکدیگر به کلی جدا هستند. این جدایی را چگونه تفسیر می‌کنیم.

خیلی کوشش می‌شود که تفسیرهای سیاسی در رابطه با این جدایی انجام شود؛ و اما در حقیقت این یک تفسیر طبیعی دارد و آن‌روز به این صورت فرصت نکردیم که تمام محتویات ذهنمان را با هم تبادل کنیم تا موارد اختلاف را پیدا کنیم. این بود که بر روی این اختلافات سرپوش گذاشته شد و فقط نقاط مشترک گرفته می‌شد، در حالی که بعضی از اختلافات همان‌گونه که اشاره شد، جزو اصولی‌ترین مسائل بود.

پس از پیروزی انقلاب، کسانی در داخل دستگاه حکومت بودند که معتقد بودند «مرگ بر آمریکا» نباید گفت، زیرا آمریکا یک قدرت بزرگی است و ما به آن نیازمندیم و نباید دست به دشمنی با آن زد. کسانی هم بودند که می‌گفتند «هرچقدر فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید»، و این دو با هم دولت را تشکیل داده بودند و این همه با هم اختلاف داشتند. حقیقت این است که این دو از اصول کار هم خبر نداشتند. نه آن‌ها می‌دانستند که این‌ها دشمنی‌شان این‌قدر با آمریکا عمیق است و نه این‌ها می‌دانستند که آن‌ها برخوردشان با آمریکا یک برخورد سطحی و آهکی است.

اختلاف میان مردمی که پس از آن چنان اختناق به این‌چنین آزادی و پیروزی می‌رسند، یک اثر طبیعی است، و امام این امر طبیعی را به روشنی می‌دانستند. این زمینه‌ی اختلاف است و شک نکتید بر این‌که زمینه‌ی اختلاف در داخل ملت ما همین نیست.

و اما ابعاد این اختلاف: ممکن است کسانی که امروز در متن اصلی جریان اجتماعی ما قرار دارند - چه در حکومت و چه در توده‌ی مردم - با کسانی که از این متن خارج هستند، اختلافات اصولی داشته باشند و به دلیل همان اختلافات اصولی است که آن دیگران از این متن و از این بستر اصلی خارج شدند. آن چیزی است ممکن، بلکه

حتمی، اما میان آن کسانی که در این متن و بستر اصلی قرار دارند، ابعاد اختلاف، ابعاد گسترده‌ای نیست، اختلاف اصولی نیست. نیروهای پیرو خط امام که اصطلاحاً این نام روی گروه‌های حاضر در صحنه اطلاق می‌شود، از لحاظ اصولی با یکدیگر هیچ‌گونه اختلافی ندارند.

همه‌ی آن‌ها به‌اسلام، اسلام فقاقت و ولایت فقیه معتقدند و همه‌ی آن‌ها در صحنه‌ی سیاست خارجی به‌ضدیت با ابرقذوت‌ها معتقدند و همه‌ی آن‌ها معتقدند که آمریکا سخت‌ترین، پیچیده‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن ما است و باید با آن مبارزه کرد.

و ما اعتقاد داریم که باید با ملت‌های اسلامی، وحدت برقرار بکنیم. و همه‌ی آن‌ها معتقدند که انقلاب را باید مثل عطر گل و بوی بهاری صادر کرد و همه‌ی آن‌ها معتقدند که در مصلحت جمهوری اسلامی ایران نیست که در امور داخلی کشورهای دیگر دخالت کنیم.

ببینید این‌ها مسائل اصولی یک دولت است و شما هیچ ارگانی را امروز نمی‌توانید پیدا بکنید که در داخل دستگاه حکومت و هم‌چنین از ارگان‌های انقلابی غیروابسته به حکومت، مثل اجزای، جمعیت‌ها و انجمن‌ها، که این اعتقادات را نداشته باشند؛ بنابراین در اصول، همه با هم توافق و التقا دارند.

اما همین‌ها در شیوه‌ها، در بعضی از تاکتیک‌ها و تعبیرات و در مسائل فرعی و درجه‌ی ۲، اختلافاتی با هم دارند که آن‌هم حتمی است. این دو مسأله مهم است که ما بدانیم زمینه‌ی اختلاف آن است و ابعاد اختلاف این است.

و این‌که شما سؤال می‌کنید: آیا اختلافات بین فلان حزب و یا فلان سازمان وجود دارد یا نه؟ من چیزی که به شما می‌توانم عرض کنم این است که این واحدهایی نامبرده پیش از بقیه ارگان‌های موجود با یکدیگر اختلاف ندارند، در اصول یکی هستند، اما در مسایل تاکتیکی و در نوع برخورد‌ها ممکن است شیوه‌های مختلفی داشته باشند.

البته، اخیراً شما شنیده‌اید در میان بعضی از نهادهای انقلاب، مثلاً نهاد نماز جمعه و سپاه پاسداران، نهاد سپاه پاسداران و فرمانداری - در بعضی از شهرها و غالباً در

شهرهای کوچک و دور دست - اختلافاتی بروز کرده است و این اختلافات به دلیل دوری این نهادها از مرکز؛ یعنی پایگاه وحدت و محل جوشش اصول بوده است؛ یعنی این دور بودن باعث اختلافات شده است؛ مثلاً شما در تهران بین سپاه پاسداران و فرمانداری تهران و نهاد نماز جمعه‌ی تهران هیچ‌گونه اختلافی مشاهده نخواهید کرد و همه با هم همکار و همراه و جوشیده و پیچیده‌ی یکدیگرند. در اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز به دقت و ضبط، این‌طور است. این ارگان‌های مورد نظر که اسم بردم، همه با یکدیگر همراه و همگام هستند و با هم حرکت می‌کنند و با هم بار انقلاب را بر دوش دارند.

اما، فرض کنیم که در فلان گوشه‌ی کشور در یک شهر کوچک، در جایی که تبلیغات انقلابی کمتر صورت گرفته و احیاناً عناصر اصلی انقلاب در آنجا کمتر رفت و آمد کرده‌اند، این مسائل بروز کرده است و منشأ آن همان مسائلی است که من عرض کردم.

اما، این که من در این مورد چه کرده‌ام؟ مطلع هستید که رئیس‌جمهور طبق قانون اساسی مسؤول ایجاد رابطه‌ی صحیح و منظم میان قوای سه‌گانه است و من مسؤول همه‌ی ارگان‌ها و ایجاد وحدت بین هر ارگان کوچک و بزرگ نیستم؛ مثلاً اگر یک موقعی بنیاد مستضعفین با بنیاد مسکن اختلاف پیدا کردند، مسؤول ایجاد نظم، یک واحد دیگر است؛ احیاناً وزیر مربوطه و یا حتی در یک رتبه‌ی پایین‌تر بایستی در این کار دخالت کنند. رئیس‌جمهور در این رابطه دخالت مستقیمی ندارد. و ما برای این که آن نظم صحیح در قوای سه‌گانه ایجاد بشود، بلا اقدامی کرده‌ایم. ما جلساتی داریم به‌طور منظم که رؤسای قوای سه‌گانه در آن شرکت می‌کنند و بنده هم شرکت می‌کنم و گاهی اوقات بعضی از مسؤولان که در ارتباط با پاره‌ای از مسائل هستند، شرکت می‌کنند و کلی‌ترین و اساسی‌ترین مسائل قوای سه‌گانه در آنجا مطرح می‌شود و مورد توافق قرار می‌گیرد.

اختلافات داخل حزب جمهوری اسلامی

س: گاه و بی‌گاه در نقل قول‌ها یا استنباط‌های درست و نادرست از سوی افراد متعهد یا منحرف، این زمزمه مطرح می‌شود که اختلافات سابق‌الذکر به‌انحای دیگری در درون خود حزب جمهوری اسلامی نیز وجود دارد. در مواردی هم اختلافات مزبور بروز و ظهور داشته؛ مثلاً اظهارات شهید آیت در مورد برادر موسوی. با توجه به این‌که شما غیر از ریاست جمهوری، دبیر کل حزب نیز هستید، این مسأله را چگونه می‌بینید؟ آیا این اختلافات، اختلاف افراد بوده یا اختلاف جناح‌ها؟ شما چه تحولی در این زمینه در حزب پدید آوردید؟

ج - فکر می‌کنم که مطالب گفته‌شده در پاسخ سؤال اول تا حدود زیادی پاسخ این سؤال را هم روشن می‌کند؛ اما به‌خصوص در مورد داخل حزب هم، چنین است. بی‌ضرر می‌بینم که چند جمله‌ای در این مورد بیان کنم:

اولاً: در میان افراد شورای مرکزی و عناصر اصلی، هیچ‌گونه اختلاف اصولی وجود ندارد. اما حزب ما همان‌طور که مطلع هستید از آغاز از مجموعه‌ای از افراد که به‌نظر مؤسسين این حزب، جامع‌الشرایط بودند، تشکیل شد؛ ولو این‌که بعضی از آن افراد حتی تا شب اول معارفه یکدیگر را نمی‌شناختند. آن شرایط و آن معیارهایی که براساس آن‌ها افراد را دعوت کردیم، عبارت بودند از: تعهد به اسلام، تعهد به انقلاب، علاقه و ایمان به نظم تشکیلاتی، روح و خصلت تشکیلاتی - که به‌خصوص مرحوم شهید بهشتی عزیزمان روی این چهارمی خیلی تکیه می‌کردند و معتقد بودند که باید کسانی را ما دعوت کنیم که این‌ها راحت در جمع بتوانند حل شوند. و در ارتباط با همکارهایشان ناصافی و ناهنجاری نداشته باشند - و پاره‌ای معیارهای درجه دوم.

براساس این معیارها، ۳۰ نفر را دعوت کردیم. طبیعی است که این افراد تا آن شب اکثرشان با یکدیگر آشنایی نداشتند. در خیلی از مسائل علامت سؤال داشتند و این علامت سؤال‌ها با پستی در مرور زمان و همکاری مستمری که با هم داشتند رفع می‌شد و همین‌طور هم شد؛ یعنی ما از شب اولی که در اوایل اسفندماه ۵۷، نخستین شورای مرکزی ۳۰ نفری را در کانون توحید تشکیل دادیم، تا آخرین روزهای زندگی مرحوم شهید بهشتی میان آن کسانی که در شورای مرکزی بودند و ماندند، دائماً

به التیام و نزدیکی هرچه بیشتر، توأم می‌شد. البته چند نفری در شورای مرکزی بودند که این عده پس از مدتی رفتند و نماندند. این‌ها احتمالاً با فردی یا افرادی از شورا ناسازگاری داشتند و نمی‌توانستند با یکدیگر بسازند، اما کسانی که ماندند؛ از جمله مرحوم شهید آقای آیت و برادر عزیزمان آقای موسوی است که دائماً به یکدیگر نزدیک می‌شدند و همدیگر را بیشتر می‌فهمیدند و نقاط مثبت خود را درک می‌کردند.

و البته، چون تشکیل شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، یک هسته‌ی اصلی است و چون براساس یک کار دراز مدت نبود، در مدت زمان طولانی، عیوب جدیدی را درک می‌کردیم. این‌هم طبیعی است؛ چون دو نفر دوست، اول عیوب یکدیگر را نمی‌دانند، ولی بعد به تدریج عیب‌های یکدیگر را پیدا می‌کنند. این‌را من انکار نمی‌کنم؛ احياناً ممکن بود در مرور زمان، عیوب اخلاقی یا فکری یکدیگر را پیدا کنیم، اما این عیوب، هیچ‌کدام به آن حدی نبود که موجب بشود آن افرادی که تا روز آخر در حزب باقی ماندند، از دیگر برادران جدا شوند.

به‌طور خلاصه، این مسأله‌ی افتراق و تشتت در حزب جمهوری اسلامی از جمله آن شایعاتی است که بعضی‌ها دوست دارند این‌را تقویت کنند و این واقعیت ندارد. اگر نظرتان باشد، مطبوعات خارجی در سال گذشته که راجع به حزب جمهوری اسلامی صحبت می‌کردند، آن‌را تبدیل می‌کردند به گروه تندرو - میان‌رو - دست‌راستی، در حالی که چنین دسته‌بندی‌ای اصلاً وجود نداشت و ما وقتی آن‌را می‌خواندیم و اسم‌های خودمان را در یکی از این سه گروه می‌دیدیم، واقعاً خنده‌مان می‌گرفت؛ یعنی فرض کنیم که مرحوم شهید بهشتی در یکی از این سه جریان است و بنده یا آقای هاشمی در یکی دیگر از این سه جریان هستیم.

خوب! ما دائماً با هم بودیم و با هم، هم فکری می‌کردیم. اصلاً جریانات حزب با هم فکری‌های ما به وجود می‌آمد و ما می‌دیدیم که این چنین تصورات واهی و غلطی وجود دارد؟ اختلاف جریانی، به‌هیچ‌وجه وجود نداشت. اختلافات فردی به معنای آشکار شدن عیب دو دوست و دو برادر کاملاً ممکن است وجود داشته باشد، اما آن

نیز چیزی نیست که موجب افتراق، جدایی و دو خطی در حزب باشد.

مسأله‌ی انجمن حجّتیّه

س - مسأله‌ای که مدت‌ها است مطرح شده و حق مطلب این است که گذشته از گروه‌های منحرف چپ و راست و وابسته به شرق و غرب و گروه‌های مذهبی التقاطی (مدعی) پیروی از خط امام؛ بعضاً برادران متمدن و حزب‌اللهی نیز نگرانی‌ها و پرسش‌هایی درباره‌ی آن داشته‌اند و دارند. مسأله‌ی انجمن حجّتیّه است. آیت‌الله جنتی هم در آغاز با شدت خاصی این مسأله را مطرح کردند و نوع سوالات ایشان از یک مسأله‌ی مهم حکایت داشت. ما واقعاً در این مورد نمی‌دانیم حقیقت چیست؟ بفرمایید که آیا شما به‌عنوان یک روحانی آشنا و خبره و سابقه‌دار، در این مورد چه نظری دارید؟ اولاً: انجمن حجّتیّه به‌چه کسانی گفته می‌شود و آن‌ها در چه وضعیتی به‌سر می‌برند؟ ثانیاً: آیا در مورد این انجمن و این طرز فکر، حساسیتی و احساس نگرانی‌ای باید داشت یا خیر؟

ج - انجمن حجّتیّه، به آن عده‌ای گفته می‌شود که در طول بیست و چند سال، همت را مصروف می‌کردند برای پاسخگویی و مقابله به‌شبهات بهایی‌ها در ایران.

البته می‌دانیم که بهایی‌ها، بیشتر یک باند سیاسی بودند تا یک گروه مذهبی و فکری، اما این سؤال که این‌ها چگونه هستند و اشاره به‌فرمایشات آقای جنتی، به‌نظر من این سؤال، یک سؤال طبیعی و درستی نیست. من بدون این‌که شما را در طرح این سؤال متهم بکنم، نفس وجود این مسأله را و عمده‌کردن مسأله‌ی انجمن حجّتیّه را در جامعه متهم می‌کنم و کسانی را که برای اولین بار این شایعه و این بحران مصنوعی را سعی کردند که به‌وجود بیاورند، ناخالص می‌دانم.

به‌نظر من، در میان افرادی که در انجمن حجّتیّه هستند، عناصری انقلابی، مؤمن، صادق و دلسوز برای انقلاب، مؤمن به‌امام و ولایت فقیه و در خدمت کشور و جمهوری اسلامی پیدا می‌شوند؛ هم‌چنان‌که افرادی منفی، بدبین، کج‌فهم، بی‌اعتقاد و در حال تق‌زدن و اعتراض هم پیدا می‌شوند.

پس انجمن، از نقطه‌نظر تفکر سیاسی و حرکت انقلابی یک طیف وسیعی است و

یک دایره‌ی محدودی نمی‌باشد. بنابراین ما نمی‌توانیم بگوییم که انجمن نوع اول است یا نوع دوم، زیرا در انجمن هم از نوع اول و هم از نوع دوم، کسانی هستند و شاید هم از هر دو نوع کسان زیادی وجود دارند. و من وقتی که نگاه می‌کنم یک چنین حقیقتی را می‌بینم و از طرف دیگر که نگاه می‌کنم، می‌بینم که سؤال از حال انجمن و اصرار بر اردیاب قبول انجمن، امروز از سوی گروه‌هایی در جامعه‌ی ما دارد اوج می‌گیرد، احساس می‌کنم که این حرکت طبیعی نیست و حرکتی است که امروز دارند به وجود می‌آورند.

جناب آقای جنتی، برادر عزیزمان که بنده برای ایشان احترام زیادی قائلم، بعد از آن خطبه‌ای که طی آن راجع به انجمن صحبتیه سؤالاتی کردند یک شب پیش من آمدند و من از ایشان سؤال کردم که چطور شد این مسأله را مطرح کردید؟ ایشان در حالی که از آنچه واقع شده بود، خشنود نبودند، گفتند: حال کاری است که صورت گرفته، چگونه باید جبران کنیم؟ و من به ایشان پیشنهاد کردم، جبران‌ش به این صورت است که شما در نماز جمعه نسبت به کسانی که می‌خواهند از بیان شما سوءاستفاده کنند و این مسأله را به صورت یک جریان عظیم در بیاورند و آن را در جامعه عمده بکنند و به صورت تضاد اصلی انجمنی و ضدانجمنی در بیاورند، شما اظهار بکنید و بگویید که نظر شما به هیچ وجه این نبوده است که تضاد اصلی در جامعه‌ی ما تضاد انجمنی و غیرانجمنی است. و اگر خود انجمنی‌ها در پاسخ سؤالات شما یک حرف قابل قبول و قابل تعریف آورده‌اند، آن را مجدداً در نماز جمعه مطرح بکنید. ایشان قبول داشتند که این مصلحت است و بعد هم انجام گرفت، حالا به شکل کافی یا وافق، من آن را دقیقاً نمی‌دانم، اما می‌دانم که ایشان خودشان از آنچه اتفاق افتاده بود و آنچه فرموده بودند، خشنود نبودند؛ پس عمل جناب آقای جنتی به معنای این نیست که طرح این‌گونه مسائل، امروز در جامعه‌ی ما یک کار به حق و عمل صالح است و من معتقدم که تضادهای اصلی ما در جامعه، این‌ها نیست. تضاد اصلی ما، تضاد انقلاب ما با ضدانقلاب‌های جهانی و آن‌گاه ضدانقلاب‌های داخلی است. ما بایستی ضدانقلاب‌های داخلی را پیدا کنیم و از حرکاتشان جلوگیری و پیشگیری کرده و عمل

آن‌ها و جراحاتی که بر پیکر جامعه به وجود می‌آورند، درمان کنیم و با ضدانقلاب‌های خارجی به شدت بجنگیم.

زندگی ساده و زندگی تجملی

س - ما همواره شما را مردی دیده‌ایم در کشاکش تبعیدها و زندان‌ها با یک زندگی ساده و می‌دانیم و خدا را شکر که می‌بینیم هم‌چنان آن روح متعالی و روحیه‌ی ساده‌زیستی در شما باقی‌است. می‌خواهیم بیان و احساس یک انسان مبارز و متقی را در باره‌ی این مراکز پیش‌ساخته و ساختمان‌های اداری‌ای که ضرورت و نوع کار شما ایجاب می‌کند بدانیم.

ج - عرض کنم که اولاً همان‌طور که اشاره کردید و به قول شما، آمدن به این مراکز پیش‌ساخته بر اساس ضرورتی است.

ما به کوی خرابات خانه‌ای باشد! که آن خانه را از همه‌ی این مراکز پیش‌ساخته بیشتر دوست دارم. خانه‌ای که متناسب با زندگی ساده من است. من مایل بودم که از آن‌جا تکان نخورم و به نظر من می‌رسید که پرشکوه‌ترین وضعیت برای جمهوری اسلامی این‌است که سفیر یک کشور خارجی یا وزیر امور خارجه آن کشور و یا رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر آن کشور بیایند و رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران را در چنین خانه‌ای ببینند؛ هم‌چنان‌که رهبر انقلاب را در آن‌چنان مکانی زیارت می‌کنند.

منتها، به من گفتند که آن‌جا از لحاظ امنیت، جای نامناسبی است و من باید در خانه‌ای زندگی کنم که اطراف آن به میزان زیادی باز باشد و آن‌خانه همین‌جور خانه‌هاست. خانه‌هایی را که ما در آن زندگی می‌کنیم، چنین وضعیتی را ندارند و بنده می‌توانم بگویم که مرا به‌زور به این‌جا آوردند.

به من گفتند: تو متعلق به خودت نیستی. ۱۶ میلیون نفر به تو رأی داده‌اند و از این قبیل حرف‌ها. اما این‌که در این‌جا من چگونه زندگی می‌کنم و چه احساسی دارم، باید بگویم زندگی شخصی من در این‌جا که دو اتاق همین ساختمان است، زندگی واقعی خودم است؛ یعنی همان گلیم، فرش و همان وضعیت به این‌جا منتقل شده است.

از آن تشریفات و تفسیرات که در این ساختمان‌ها وجود دارد، در زندگی شخصی و خانوادگی من اصلاً خبری نیست، البته ممکن است از قبل چراغی در این‌جا آویزان کرده‌اند و برداشتن آن مشکل باشد و آن چراغ در جای خود باقی است. اما از لحاظ فرش و غذا و محل خواب و رختخواب، همان وضعیت منزل خودمان را دارد و خانواده را با همان مستلقات خودشان به این‌جا آورده‌ایم. من خودم احساس فوق‌العاده‌ای ندارم، اگر بگویم که از این‌جا ناراحت و کسل هستم، نه این‌طور نیست. برای من این‌جا عادی است. و حقیقتاً از این‌جا لذت نمی‌برم که فکر کنید بنده چون این‌جا فضای مشجری دارد، جای بزرگی دارد، اتاق‌هایش سقف‌های بلندی دارد، لذتی می‌برم. بنده اصلاً لذتی نمی‌برم و نفرت هم ندارم. برای من عادی است. همیشه پیش خودم فکر می‌کنم که این ستمگران غارتگر چه فکرهایی داشته و چه بلندپروازی‌هایی می‌کردند و کم‌ترکوا من جنات و عیون و گذاشتند و رفتند و این‌جا تعلق به مردم دارد و من یقین دارم مردم موافقند که بنده به قیمت مصون بودن و مأمور بودن در یک ضریب بالاتری در این‌جا زندگی کنم و هیچ‌گونه احساس خاصی ندارم. (۱)

متشکرم

سید عطاء الله مهاجرانی رئیس کمیسیون بازرگانی در مصاحبه با اطلاعات برای رسیدن به سلامت اقتصادی، باید جراحی کرد!

در پی نظرخواهی‌های روزنامه‌ی اطلاعات در مورد بهترین شیوه‌ی توزیع کالا و موضوعات گوناگونی که درباره‌ی نقش مردم، حضور تعاونی‌ها و دخالت مستقیم دولت، مطرح شده، بر آن شدیم با آقای عطاء الله مهاجرانی رئیس کمیسیون بازرگانی مجلس شورای اسلامی، سؤالاتی را درمیان بگذاریم. آنچه در پی می‌خوانید، سؤال‌های ما و پاسخ‌های ایشان است.

مهاجرانی در پاسخ سؤال ما درباره‌ی بهترین شیوه‌ی توزیع، چنین گفت: وقتی ما از توزیع صحبت می‌کنیم، بایستی گذشته و آینده‌ی این وضعیت؛ یعنی وضع اقتصادی خودمان را در رابطه با توزیع، مطالعه کنیم. وضع توزیع ما که ناگزیر دنباله و ادامه‌ی گذشته است و وضعیت آینده؛ یعنی وضع مطلوبی از توزیع که ما دنبالش هستیم.

در مورد گذشته باید گفت: سردرگمی و گیجی که همواره در رژیم شاه در مسأله‌ی توزیع بود، سعی در بهره‌برداری سیاسی از چگونگی توزیع کالا در کشور می‌شد؛ یعنی همواره وقتی مردم کالاهای مورد نیاز خودشان را می‌گرفتند، ناگزیر بودند وقت بیشتری صرف کنند و تلاش بیشتری بکنند برای به‌دست آوردن کالاهای ضروری. وقت این‌ها و تلاش این‌ها

خود به خود، در راه به دست آوردن کالاهایی که خیلی اولیه و بدیهی بودند برای زندگی آنها مصرف می شد و خود به خود میراث دار آنها می شدیم و در کنارش نبودن مراکز فعال اطلاعاتی و آماری در مورد نیازهای مردم نسبت به کالاهای ضروری و لزوماً سازماندهی توزیع کالاهای ضروری مردم بود.

این مقدمه؛ یعنی این دو مسأله‌ای که من به آنها اشاره کردم، خود به خود باعث می شد که عوامل واسطه بتوانند به تعداد بسیار زیادی در فاصله‌ی تولید و مصرف کننده به وجود بیایند.

از دیاد سرمایه‌های سرگردان

اقتصاد ما خود به خود آن اقتصاد نفتی و ناگزیر اقتصاد مصرفی و توزیعی بود. اساساً واسطه‌هایی بودند که با توزیع زندگی می کردند؛ یعنی واسطه‌ای که در نقش بزرگ‌تر در کشور ما و از کشور خارجی کالاها را وارد می کرد. بعد از دست او تا به دست مصرف کننده کالا برسد، یک گردش بسیاری این کالا داشت که در وهله‌ی اول، طبیعی بود که سرمایه‌داران بزرگ بودند که در دست‌های اول، دوم، سوم و چهارم، این‌ها سرمایه‌های زیادی را و سود زیادی را به خودشان اختصاص می دادند.

در کنار از دیاد عوامل واسطه خود به خود از دیاد سرمایه‌های سرگردان توزیع هم مطرح می شود و ما شاهد هستیم که چگونه اقتصاد مصرفی و فرهنگ مصرفی ایران زمان شاه و دنباله‌اش حالا که ما ناگزیر میراث‌خوار آن فرهنگ هستیم. اکثریت سرمایه‌ها، سرمایه‌های تجاری شدند؛ یعنی اگر ما ببینیم و در اقتصادمان جای سرمایه‌ها را مشخص کنیم، به روشی پیداست که بیشترین سرمایه، سرمایه‌ی تجاری هست؛ یعنی در توزیع، سرمایه مورد روشنی استفاده قرار گرفته و می دانیم که سودهایی هم که در بازار به معنای جایی که سرمایه‌های تجاری در آنجا در کار هستند و کار اقتصادی‌شان غیر تولیدی هست، بیشترین سودها را می بردند. همه‌ی این مجموعه را که من به آنها اشاره کردم، می شود در یک کلام و آن این که «فرهنگ مصرفی بیگانه که بر ما تحمیل شده بود، در این فرهنگ مصرفی مسلط بیگانه خلاصه شد.»

شرایط فعلی اقتصاد کشور و توزیع

وی هم چنین افزود: الآن، وقتی که ما می‌خواهیم وضع موجود خودمان را در رابطه با توزیع در نظر بگیریم، واقعیت این است که نمی‌شود یک شیوه تنهایی برای چگونگی توزیع در نظر گرفت؛ مثلاً ما بگوییم که شیوهی مطلوب تعاونی هست. شیوهی مطلوب توزیع آزاد است یا شیوهی مطلوب توزیع در دست دولت است. ما باید در نظر بگیریم که وضعیت اقتصادی کشور ما، الآن چگونه است. به‌ناگزیر وقتی ما از توزیع صحبت می‌کنیم، یک‌بار ما توزیع را در رابطه با وضعیت و شرایط فعلی کشورمان در نظر می‌گیریم؛ یعنی در یک اقتصاد جنگی، چگونه باید کالاها را توزیع کرد.

یک‌بار در یک شرایط عادی و ان‌شاء‌الله... ایده‌آل در نظر می‌گیریم که در آن شرایط توزیع باید چگونه انجام شود. در وضعیت فعلی، یعنی در اقتصاد جنگی توزیع نمی‌تواند تنها یا دولتی باشد یا تعاونی باشد یا آزاد باشد. به‌خاطر این‌که خود چگونگی توزیع کالاها به‌سرعت امکان بهره‌برداری سیاسی در آن وجود دارد؛ به‌عنوان مثال، اگر توزیع را ما بگوییم الآن آزاد باشد ما بتوانیم کالاهایی را که احتیاج داریم در یک بازار آزاد تهیه کنیم، دشمنان انقلاب و سرمایه‌داران و افرادی که به‌نحوی علاقه‌مند نیستند به تداوم حاکمیت فعلی، این‌ها می‌آیند و کالای ضروری مردم را می‌خرند، اقبال می‌کنند و احتکار می‌کنند و از بین می‌برند و سردرگمی و مشکلات اقتصادی ایجاد می‌کنند. پس نمی‌شود به‌یک توزیع آزاد به‌ویژه در کالاهای ضروری، دل‌بسته و به آن توجه کنیم، اما آیا می‌شود همه کارها را به‌دولت سپرد و تمامی توزیع را دولت در دست بگیرد. به‌دلیل نداشتن امکانات مالی و توانایی و نیروی انسانی لازم و اطلاعات لازم نمی‌تواند همه کالاها را خودش توزیع کند.

بیشترین بها به تعاونی‌ها داده شود

اقتصادی که من دارم، این است که در توزیع ما بایستی بیشترین بها را به تعاونی‌ها بدهیم. تعاونی را این‌جا باید یک مقدار درباره‌ی مفهومش تأمل کرد. تعاونی معنیش شرکت سهامی پنج یا ده یا پنجاه سرمایه‌دار بزرگ نیست که توزیع چند کالا را در دست بگیرند و به نام شرکت تعاونی، غارتگری خودشان را به آن مشروعیت دهند. تعاونی مورد نظر این است که

تمامی کسانی که در توزیع جنس در خرده پاترین شکل ممکنش که ما می بینیم، باید در یک تعاونی دخالت داشته باشند.

این تعاونی، تعاونی ای نیست که برای سود بیشتر تشکیل شده باشد. تعاونی دارای خدمت بیشتر و خوب، طبیعتاً رفع نیاز کسانی که در تعاونی هستند ایجاد شده باشد. پس ما در توزیع باید بیشترین بها را به تعاونی بدهیم. در کنار تعاونی طبیعی است که بعضی از کالاهای ضروری که در شرایط جنگی ما نمی توانیم نظارت کامل دولت را از روی آن کالاها برداریم، دولت بایستی دخالت داشته باشد؛ مثل کاری که الان ستاد بسیج اقتصادی انجام می دهد که خوشبختانه کار او یک تلفیق ظریف و زیبایی هست از دخالت دولت و تعاونی، منتها به شکل طبیعی اش نه به شکل رسمی اش؛ یعنی وقتی دولت خود به خود مثلاً در توزیع قند و شکر به فروشنده های جزء تکیه می کند و کالاها را در سطح آن ها در شبکه های جزیی توزیع می کند، اما در شهر می بینیم که بقال های سرگذر به عنوان واسطه توزیع در حال کار کردن هستند؛ یعنی دولت توانسته یک نوع سازماندهی طبیعی از همه تولیدکنندگان جزء ایجاد کند که سرخ در دست خودش است که این روش بسیار بسیار مطلوبی در توزیع کالاهای ضروری و به ویژه در شرایط فعلی هست. اما ان شاء الله اگر ما خواستیم به یک وضعیت ایده آل برسیم، برای توزیع بایستی یک تلفیقی از نظارت دولت و مشارکت مردم و حضور تعاونی ها را هم داشت. وقتی این سه را من با هم مطرح می کنم؛ یعنی نظارت دولت، مشارکت مردم و حضور تعاونی ها به این معنی است که ما در محله ها، شوراهای محل که ان شاء الله تشکیل خواهند شد و مرکز طبیعی شورای هر محل که مسجد هست و ناظر طبیعی و مردمی محل که روحانی مسجد هست، ما یک چنین تلفیقی داشته باشیم و بعد هم دولت بتواند آن کالاهای ضروری را با تکیه به آن شورای محل و تعاونی ای که آن مردم با توجه به کسبه ای که در آن جا هستند، در محدوده ای کالاهای مورد نظر تشکیل می دهند، دولت کالاها را توزیع کند و در اختیار مردم قرار دهد. این مطلبی که من گفتم به این معنی است که کالای مورد نیاز مردم از کانال مردم با دخالت مردم و امکانات مردم به دست مردم برسد، اما کار بسیار مهمی که در توزیع از دولت انتظار هست، تغییر فرهنگ مصرف و الگوی مصرف است.

جامعه‌ی ما را به‌ناگزیر برای این‌که ما را تبدیل کنند به‌یک کشوری که با یک اقتصاد تک‌پایه نفتی خودش زندگی می‌کند از همه جهت نیازمند کالای غیر قرار داده بودند، حتی در قرارداد بزرگی که کیسینجر در سال ۱۹۷۳ با شاه بست، قرارداد پنجاه میلیارد دلاری، پیشنهاد می‌شد که ایران تا سال ۱۹۸۰، پنجاه میلیارد دلار کالا از آمریکا وارد کند و این به‌این معنی بود که ما هرچه به‌مصرف بیشتر در حال حرکت هستیم و اساساً شخصیت انسان‌ها با مصرف بیشتر متناسب است.

هرکس بیشتر مصرف می‌کرد، مشخص‌تر بود. در جامعه، ما بایستی در نظام اقتصادی خودمان این جهت را تغییر دهیم؛ یعنی کسانی که کار اقتصادی می‌کنند و در نظام اقتصادی مصلحت حضور دارند، این‌ها باور کنند و این‌ها به‌این اعتقاد برسند که تشخیص در اقتصاد با تولید به‌دست می‌آید، نه با توزیع.

قوی‌ترین حلقه‌های اقتصادی را باید کوتاه کنیم

پیامبر اگر دست‌کاری را می‌بوسد به‌این معنی است که آن کارگر توانسته با زحمت خودش و بارنج خودش، تولیدکننده‌ای باشد که همگام با بندگی خدا، استقلال و عزت خودش را حفظ کند. پیامبر دست این‌چنین فردی را می‌بوسد نه دست فردی را که بی‌هیچ رنجی بتواند در منتهای راحتی زندگی کند و سرمایه‌های زیادی را هم به‌جیب بزند که در این مورد ان‌شاءالله... با دولتی شدن بازرگانی خارجی که الآن هم در کمیسیون بازرگانی هم و برادران نمایندگان مجلس هم در این فکر هستیم ما بتوانیم با نفی همه واسطه‌هایی که در بازرگانی خارجی، این‌ها در واقع قوی‌ترین حلقه‌ی اقتصادی اقتصاد ما و اقتصاد غرب بودند و قوی‌ترین و بزرگ‌ترین غارتگرانی بودند که در توزیع کالاها، منتها در آن ارقام نجومی‌ش زندگی می‌کردند، بتوانیم دست این‌ها را کوتاه کنیم که نهایتاً وقتی بازرگانی خارجی ان‌شاءالله با توجه به‌اصل ۴۴، دولتی شد، ما اعتقاد داریم که در خرید از خارج، صد در صد دولت دست دارد، در توزیع داخل؛ یعنی از بندرهایی ما که طبیعی هست برای توزیع بهتری که ما بتوانیم یک‌نوع سازماندهی درست در بنادرمان برای تخلیه‌ی کالا داشته باشیم.

از بنادر و از گمرک‌های ما که دست مصرف‌کننده، تعاونی‌ها هستند که وجود دارند، دولت

هست که نظارت می‌کند و مردم هستند که مشارکت می‌کنند، و بعد سرمایه‌های سرگردان را ما از توزیع بیرون بکشیم و این سرمایه‌ها را رها کنیم در تولید. و طبیعی است که برای چنین مسأله‌ای باید تکلیف بعضی از مسائل مهم اقتصادی از جمله مسأله‌ی مالکیت در ابعاد مختلف خودش، یعنی مالکیت در سرمایه‌ی تجاری، سرمایه‌ی صنعتی، و مالکیت‌هایی که در مستغلات و حتی در توزیع داخل اگر در نظر بگیریم در تجارت به‌کار برده می‌شوند، حدود این‌ها را وقتی که ما مشخص کنیم می‌شود گفت که در یک اقتصادی حدودش برای ما ثابت است و اطلاعات لازم را هم در محدوده‌ی نیازهای مردم ما شناسایی کرده‌ایم ما خواهیم توانست که به‌یک شیوه‌ی نسبتاً خوبی از توزیع برسیم.

فعالیت و عملکرد ستاد بسیج اقتصادی

آقای مهاجرانی در پاسخ سؤال دیگری درباره‌ی اشکالات عمده‌ی عملکرد بسیج اقتصادی در توزیع کالا و بررسی و رفع این اشکالات گفت: واقعیت این است که شیوه‌ی ستاد بسیج اقتصادی در توزیع کالاهای ضروری، شیوه‌ی موفق و مفیدی بوده، منتها ما باید در نظر بگیریم کار ستاد بسیج اقتصادی و توزیع کالاها با اقتصاد فعلی کشور ما یک کار کاملاً متهورانه و کاری است که می‌شود اسم کار را در دگرگون کردن وضع موجود کسانی که در نظام اقتصادی ما فعالیت دارند و بیشتر کسانی که در توزیع هستند این کار را ما یک کار انقلابی تلقی می‌کنیم و طبیعی است که در هر کار انقلابی ما ناگزیر از تخریب هستیم؛ یعنی تخریب منافع کسانی که در توزیع سودهای هنگفت می‌برند و غارتگری‌های بزرگ را همواره در توزیع انجام می‌دادند و وقتی که بسیج اقتصادی چنین کاری را انجام بدهد چون کاری هست که ما تجربیات زیادی در این امر نداریم، زیرا تازه شروع کرده‌ایم و عظیم هست، ممکن است مشکلاتی و نارسایی‌هایی در این امر باشد؛ به‌عنوان مثال: در جراحی که عضوی از اعضای انسان که احتیاج به جراحی داشته باشد، طبیعی است که به‌ناگزیر بخشی از سلول‌های سالم انسان، بخشی از گوشت و پوست بریده می‌شود، خونریزی می‌شود، درد هست، ناراحتی است، اما همه‌ی این‌ها را باید پذیرفت که بتوانیم به‌سلامت برسیم. برای رسیدن به‌سلامت اقتصادی بایستی جراحی کرد.

قضیه‌ی برنج و واسطه‌ها

قضیه‌ی برنج که ستاد بسیج اقتصادی در نظر گرفته و دولت خواسته که کنترل کاملی در خرید برنج داشته باشد، به اعتقاد ما با این مسأله در توزیع که دولت در آن نظارت دارد، بایستی با ظرافت و دقت برخورد کرد. مخالفین دولتی شدن توزیع کالاهای اساسی با سودجویی‌ها و غارتگری‌هایی که کرده‌اند، می‌خواهند بگویند که دولت ناموفق هست و به خود ما واگذار کنید. در این توزیع، حتی آن‌ها حاضر هستند اسارت‌های مخفی را بپذیرند که نهایتاً سودهای زیاد همیشه نصیب آن‌ها باشد. ما بایستی به دولت کمک کنیم. سختی‌ها را تحمل کنیم و همه آن سودجوها و غارتگرها بپذیرند که دولت با پایداری مردم و تحمل مردم توانایی در دست گرفتن کالاهای ضروری را دارد و اگر قرار هست سودی در جیب کسی برود، سود بایستی در جیب برنج‌کاران شمال و برنج‌خواران مردم ما ریخته شود، نه در جیب واسطه‌هایی که از مزارع برنج شمال تا بازارهای داخلی کشور هستند و سودهای چند برابر می‌برند.

طبیعی است که با در دست گرفتن توزیع کالاهای ضروری دیگر مشکلاتی هم پیش آمد، ما مشکل را فقط در نظر نگیریم، با آن وضعیت مطلوبی که می‌خواهیم به آن برسیم، آن پیکره‌ی سالم اقتصادی که به آن می‌خواهیم برسیم، البته با در نظر گرفتن تنگناها و خونریزی‌هایی که در جراحی هست ما منطقی‌تر و روشن‌تر نتیجه خواهیم گرفت؛ نتیجتاً اعتقاد ما در شرایط فعلی این است که کار ستاد بسیج اقتصادی و کار دولت درست است که کالاهای ضروری را دولت در دست بگیرد. به خاطر این که هر آن امکان بهره‌برداری سیاسی از یک توزیع آزاد کالاهای ضروری ما وجود دارد، اما در بقیه کالاها را با دولتی شدن بازرگانی خارجی هم کار دولت آسان‌تر می‌شود. بایستی جلوی کالاهای مصرفی و کالاهای روز را که ارزش زیادی در حال حاضر دارند در جامعه‌ی ما، جلوی این‌ها را بگیرد و نهایتاً برای کالاهای درجه دوم به تعاونی‌هایی که از خود مردم است با توجه به آن‌ها، کالاها را در اختیار مردم قرار دهیم.

توزیع مصالح ساختمانی

در پاسخ سؤال بعدی ما در مورد توزیع مصالح ساختمانی و ایجاد بازار آزاد با وجود این که دولت نظارت خود را در توزیع این کالاها دارد، ایشان گفت: گران شدن قیمت‌ها در مورد کالاهایی که در ساختمان به کار می‌رود، به علت کمبود عرضی ما است نسبت به تقاضای بسیار زیاد. طبیعی است که عرضی کالاها در ساختمان برای مردم محدود است. مقدار آهن، مقدار سیمان، مقدار تولید آجر در کوره‌های ما، حتی نیروی انسانی... اما از آن طرف ما با افزایش تقاضای بسیار زیاد روبه‌رو هستیم. در ساختمان‌سازی الآن در شیراز من می‌دانم حدود ۲۵۰۰۰ ساختمان در حال ساختن است. تقاضای ۲۵۰۰۰ ساختمان برای آهن، وسایل لوله، وسایل الکتریکی، درب، پنجره، و آجر، این به هیچ عنوان با آن عرضی که به بازار می‌شود تناسب مناسب و تناسب منطقی ندارد. طبیعی است که قیمت‌ها بالاتر خواهد رفت و مسأله‌ی دوم این است که وقتی تقاضا بسیار بود و عرضه کم بود، محتکرها و سودجوها خیلی بهتر می‌توانند رشد کنند. آن‌ها شیوه‌های مختلف احتکار و دزدی و غارت را شناسایی می‌کنند و این وضعیتی که مردم همه در انتظار کالا هستند و تقاضای آن‌ها خیلی بالا هست؛ مثلاً آهن می‌خواهند، خانه‌هایی که در آستانه‌ی زمستان به سقف رسیده‌اند اگر آهن پیدا نکنند همه دیوارهایی که به بالا رسانده‌اند زیر برف و باران از بین می‌رود، و آن‌ها ناگزیر می‌شوند که آهن را به هر قیمتی هست بخرند که حاصل کار و سرمایه‌گذاریشان تا آن مرحله از ساختمان از بین نرود و کسانی که خیلی خوب می‌شناسند بازار تقاضای مردم را نسبت به این کالاها با انواع و اقسام شیوه‌ها و حیلدها بیشترین بهره‌برداری را می‌کنند اما مسأله‌ی مهمی که در مورد کالاها ساختمانی، شخصاً آهن و شکل توزیع بسیج اقتصادی، مثلاً مثل قند و شکر مورد نظر است.

واگذاری توزیع به توزیع‌کنندگان درجه‌ی اول

این است که بسیج اقتصادی، نوعاً کالا را با نظارت خودش به کوچک‌ترین توزیع‌کننده؛ یعنی بقال سرکوجه هم رسانده، اما در توزیع این کالاها برخلاف ستاد بسیج که این کار را انجام داده دیگر مسئولین آمده‌اند و کالاها را به توزیع‌کنندگان درجه اول واگذار نموده‌اند.

وقتی توزیع کنندگان درجه‌ی اول که نوعاً از کسانی هستند که قبلاً هم در تجارت آهن نقش داشته‌اند و این آهن‌ها را در اختیار می‌گیرند، این‌ها خود به‌خود توزیع کنندگان درجه دوم و درجه سوم هم در مناطق پیدا می‌کنند که در این مسیر امکان فساد بیشتری هست و آن مسیری که دولت مستقیماً تا آن آخرین توزیع کننده را جز خودش همه واسطه‌ها را از بین می‌برد و کالا را به‌دست مردم می‌رساند، که این هم خود یکی از عواملی است که این کالاها به‌قیمت گران‌تری به‌دست مردم می‌رسد.^(۱)

سخنگوی دولت در گفت‌وگوی هفتگی با مطبوعات جهت آینده‌ی اقتصاد کشور، بر فروش نفت استوار نخواهد بود.

احمد توکلی، وزیر کار و امور اجتماعی و سخنگوی دولت جمهوری اسلامی ایران، دیروز در جمع خبرنگاران رسانه‌های گروهی به‌سؤالات آنان در زمینه‌ی مسائل مختلف کشور پاسخ گفت.

توکلی در آغاز مصاحبه اظهار داشت: در حین این‌که من از آن‌ها تشکر می‌کنم از زحماتی که می‌کشید، باید یادآوری کنم که در انتخاب تیرها و نقل خبرها دقت بیشتری بکنید. چند روز قبل مصاحبه‌ای با من صورت گرفت. من در آن مصاحبه توضیح دادم که حقوق بازنشستگان که بیش از ۸۳۰۰ تومان می‌گرفتند، به‌همان مقدار ثابت ۸۳۰۰ تومان رسیده است و سقف حداکثر گروهی یکسان شده و توضیحات من کاملاً مشخص و معلوم بود و بر همه روشن است که چرا این کار انجام گرفته است. متأسفانه بعضی از روزنامه‌ها تیترهای درشتی انتخاب کرده‌اند که حقوق همه بازنشستگان یکسان شد و این القای نظر غلط است و مسکن است کسی مطلب زیر آن تیتر را نخواند و تصور باطلی پیدا بکند که طبعاً این کار درست نیست.

هم چنین در خبرها آمده بود: در سفری که برادرانمان آقای ولایتی و آقای ناطق نوری به قم داشتند به خدمت حضرت آیت الله گلپایگانی رسیدند، در حالی که چنین چیزی اصلاً اتفاق نیفتاده است. گزارش سفر خود من هم با این که من تأکید کرده بودم حضرت آیت الله منتظری و جامعه‌ی مدرسین در مشارکت مردم در امور اقتصادی خیلی تأکید کردند، خبر به این صورت انعکاس پیدا کرد که در مشارکت مردم در امور برنامه‌ریزی اقتصادی خیلی تأکید کردند که مفهوم و معنی آن عوض می‌شود و این درست نیست و روزنامه‌ها به کل هرچه ما آیدی قرآن خوانده بودیم، حذف کرده بودند. برای این که ما این آیه‌ی قرآن را می‌خوانیم، امید ما این است که اگر حرفمان برای مردم خیری ندارد، اقلأ کلام خدا دلشان را کمی روشن نماید. نکته‌ای راجع به سفر خودم به قم است، باید عرض کنم که این سفر برای این انجام شد که گزارشی از وضع اقتصادی و وضع عمومی کشور را خدمت حضرت آیت الله منتظری و جامعه‌ی مدرسین قم تقدیم نمودند، و ایشان هم در مورد بعضی از عملکردهای دولت تذکراتی فرمودند و در این مورد توضیحاتی دادند و توضیحاتی هم خواستند و زهنمودهایی داشتند؛ به خصوص در زمینه‌ی این که مردم باید بیشتر در امور سهیم باشند و این مسائل باید در شورای اقتصاد مطرح شود و در برنامه‌ریزی‌های دولت هم درباره‌ی آن مطالعه شود و مورد توجه قرار بگیرد که ان شاء الله بعد از اتمام این برنامه‌ریزی‌ها به خدمت مردم عرضه خواهد شد.

تلفن سمیرم و اطراف

در رابطه با گزارش سفر برادر عزیزمان آقای مهندس نبوی، وزیر پست و تلگراف و تلفن به نواحی جنوب ایران خیر خوشی داشته از افتتاح یک مرکز ۴۰۰ شماره‌ای الکترونیکی مخابراتی، که این مرکز در سمیرم است و در این سفر، شهید برادر بزرگوارمان آقای بشارت همراه ایشان بودند و مرکزی را که آمریکاییان داشتند، آن را تأسیس می‌کردند و بعد از انقلاب عمداً در بعضی از قسمت‌های آن خرابکاری کرده‌اند و رفتند، با چند سال زحمت مهندسين، کارشناسان و متخصصین، تکنسین‌ها و کارگران ایرانی توانستند این مرکز را راه بیندازند و الحمدالله رب العالمین افتتاح شد و الآن مردم سمیرم از تلفن خودکار برخوردار

هستند و با هماهنگی که مردم با فرمانداری‌ها و انجمنی محترم جمعه دارند، سعی بر این شده است که به‌روستاهای اطراف اصفهان و سمیرم تلفن داده شود.

آقای نبوی دیداری هم داشتند از تعاونی‌های تولیدی که مرکز گسترش تعاونی در اطراف اصفهان تشکیل داده و خیلی از این دیدارشان خوشحال بودند در جهت تولید و زحماتی را که برادران متحمل می‌شوند، تأیید نمودند.

سخنگوی دولت آن‌گاه به پرسش خبرنگاران پاسخ گفت.

وضع شوراهای اسلامی کارگران

نخستین سؤال از سوی صداوسیما جمهوری اسلامی بود که پرسید: علت توقف طرح تشکیل شورای اسلامی در کارخانه‌ها که توسط وزارت کار اعلام شده است، چیست و در ضمن وضع تولید و حد تقریب در کارخانه‌ها بد چه صورت است؟

جواب - همان‌طور که در آن اطلاعیه منعکس بود، قانونی را که شورای انقلاب تصویب کرد، مدت یک‌سال اعتبار داشت و موقت بودن آن به این جهت بود که آثار مثبت و منفی آن برآورد شود و در طول این یک‌سال تعداد زیادی شورا تشکیل شده است و این شوراهای عملکردشان مورد مطالعه است؛ چون آن قانون، قانونیت ندارد، ما نمی‌توانیم آن را اجرا کنیم و به تشکیل شوراهای ادامه دهیم، ولی این فکر هم که چون قانون موقت است، پس شوراهایی هم که تشکیل شده، نمی‌توانند وجود داشته باشند، غلط است. قانون موقت است اما آثارش موقت نیست و ماری عملکردشان مطالعه کنیم و احتمال این که ضعفی وجود دارد پیدا کنیم و نقاط قوتش را هم بفهمیم و با اصلاحاتی آن‌ها را برای مجلس آماده بکنیم و من می‌دانم، در آن اطلاعیه که منعکس شده، خود مجلس شورای اسلامی هم سخت در تهبی قانون شوراهای هست که در دست اقدام است که درباره‌ی این شوراهای مرتب بحث می‌شود و ما هم شرکت داریم و امیدواریم با تجربه‌ای که در این یک‌سال با اجرای این قانون به دست آمده، بتوانیم قانونی پخته‌تر و جامع‌تر بنویسیم و تشکیل این شوراهای را ادامه بدهیم.

موضوعی که به‌قسمت دوم سؤال شما مربوط می‌شود از لحاظ این که وضع مدیریت و تولید در کارخانه‌ها چگونه است؟ این مسأله خیلی حائز اهمیت است که شورا وقتی تشکیل

می‌شود، باید روی ضابطه‌ی صحیحی باشد و حتی طوری عمل نماید که به تولید کمک بکند و هدف از تشکیل شوراهای این است که چرخ کارخانه‌ها بهتر بچرخند و مصالح و منافع عمومی کارگران که جزیی از آنها هستند بیشتر تأمین شود و مملکت ما به سمت خودکفایی سوق داده شود. کراراً این جا و آن جا دیده می‌شود که بعضی از مدیریت‌ها یا شوراهای برخوردار درستی ندارند و بعضی از شوراهای حدود خودشان را رعایت نمی‌کنند و ما تذکراً بارها گفته‌ایم که این مسائل را تحمل نخواهیم کرد و هر شورا و هر مدیر و کارفرمایی دقیقاً باید همه طبق قانون عمل کنند و شوراهایی که قانونیت دارند بر عملکرد خودشان ادامه دهند، البته اگر تخلفی در مدیریت کارخانه‌ها می‌بینید آنها هم باید با هماهنگی مسؤولین مربوطه جلوی تخلفات را بگیرند که ان شاء الله بتوانیم همه با هم به تولید بیشتر و صلاحیت بیشتر کارخانه‌ها کمک بکنیم.

امنیت داخلی

سؤال شد: دولت در مورد امنیت داخلی چه اقدامی کرده است؟

جواب: درباره‌ی امنیت داخلی، تکیه‌ی دولت مثل همیشه بر همان سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیون نفری است. و حقیقت این است که تا الآن هرچقدر موفقیت در مملکت حاصل شده، مدیون فداکاری‌های همین ملت هستیم. و باز هم دولت از مردم تقاضا می‌کند که دقت خودشان را بیشتر کنند تا این ماره‌های زخم‌خورده در حال اضمحلال و افول، فرصتی نداشته باشند و در شناسایی‌ها مثل سابق کمک کنند، البته حرکتی که می‌شود، یک حرکت مذبحخانه است و ما مطمئن هستیم که همین جوان‌های فریب‌خورده اگر کوچک‌ترین تماسی با مردم به‌معنای واقعی داشته باشند، دست از این حرکاتشان برمی‌دارند و نمونه‌ی جالبی که چند وقت پیش اتفاق افتاد از این قرار است: یکی از همین کسانی که با منافقین در ارتباط بود، وقتی در زندان با واقعیت‌ها روبه‌رو می‌شود، توبه می‌کند مثل بقیه‌ی افراد و حاضر می‌شود که برای جلوگیری از اعمال خراب‌کارانه آنها اقداماتی انجام دهد. روزی با مأمورین که در خیابان‌ها در حالت گشت بودند، با یک زن و مرد بی‌حجاب روبه‌رو می‌شود و به آنها مشکوک می‌شود و به بقیه‌ی برادران نیز مشکوک بودن آنها را گزارش می‌دهد و برادران از اتومبیل خود پیاده می‌شوند و به طرف آن زن و مرد برای پاره‌ای از سؤالات می‌روند و آنها

فوراً دست به اسلحه‌های خود می‌برند و مأمورین سنی می‌کنند موضع بگیرند و آن فرد توبه کرده که واقعاً توبه‌ی نستوه کرده بود، اسلحه‌ای را که در اتومبیل بود، برمی‌دارد و بلافاصله هر دوی آن زن و مرد را خلع سلاح و دستگیر می‌کند.

ما خطابمان به این فریب‌خورده‌ها این است که به قدری از حق بیگانه‌اند که به محض این که پای دوستانشان به زندان می‌رسد و چند ساعتی با مسئولین در زندان صحبت می‌کنند به این صورت تغییر می‌کنند و حاضر می‌شوند برای کشورشان و نجات‌دیشان و انقلابشان به این ترتیب فداکاری بکنند و ما اهمیتی برای این حرکات قائل نیستیم ولو این که ضرباتی به ما وارد می‌شود، ولی آن را گوشه‌ای از جنگ با آمریکا تلقی می‌کنیم و خودمان را برای این ضربات آماده نموده‌ایم و مطمئن هستیم هم‌چنان که سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیون نفری که تا الآن صدها خاندهی تیمی را کشف کرده و هزاران نفر را به دست عدالت سپرده، باز هم با فعالیت خودش باقیمانده‌ی عوامل آمریکایی را از میان بردارد.

موضع دولت جمهوری اسلامی

سؤال شد: موضع دولت جمهوری اسلامی ایران پیرامون سفر وزیر کشور عربستان به عراق و درخواست وی در رابطه با بسیج عراق برای مقابله با انقلاب اسلامی و اتحاد امنیتی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس چیست؟

جواب - هفتدی قبل من خدمت مردم عرض کردم که ما خواهان اتحاد هرچه بیشتر در منطقه هستیم، ولی اتحادی که به وسیله‌ی آمریکا ایجاد نشود، و الحمدالله شاهد گفتار هفتدی گذشته ما هستیم، که، تأییدهایی است که پشت سرهم رژیم آمریکا و ریگان تلویحاً و تسلیحاً از این اتحاد آمریکا صورت می‌گیرد.

این حرکات به این دلیل آغاز شده است که این‌ها می‌خواهند از سقوط صدام جلوگیری کنند. امام یک‌بار فرمودند (شاه باید برود)، هیچ‌کس باورش نشد، اما بالاخره با مرگ پسر شاه مردم، شاه فرار کرد و با آن ذلت و خواری از دنیا رفت و بعد هم امام تأکید کردند بعد از انقلاب دوم و تصرف لانه‌ی جاسوسی که کارتر بایستی برود و شغل دیگری برای خودش تدارک ببیند و بالاخره کارتر هم سراخ پادام زمینی خودش رفت! و سومین پیش‌بینی و

توصیه‌ی امام این بود که صدام هم بهتر است برود پاریس در کنار دوستانش، دولت در تبعید تشکیل دهد؛ چون آمریکا و کشورهای منطقه می‌دانند که چنین پیش‌بینی به‌زودی تحقق خواهد یافت و با سلحشوری‌هایی که برادران ما در جبهه‌های جنگ نشان می‌دهند، تلاش آمریکا این نیست که پای اعراب را در عراق گیر بیندازد.

باز توصیه‌ی ما به این‌ها این است که خودشان را آلوده به این مسأله نکنند و ما دوست می‌داریم که آن‌ها مستقل باشند و ما دوست می‌داریم که آن‌ها خودشان با هم متحد باشند و دوست می‌داریم که منافعشان برای خودشان باشد و از استقلال همه‌ی آن‌ها حمایت خواهیم کرد و از دوستی آن‌ها با مردمشان استقبال می‌کنیم و توصیه می‌کنیم که نگذارند سرانجام صدام نصیبشان شود.

و من این کلام خدا را باز می‌خوانم که نشینید بر سر هر راهی که بترسانید مردم را و توطئه کنید و سد راه خدا بشوید، اسلام رسول‌الله را به‌اسلامی تبدیل نکنید که آمریکا را راضی بکند تا آن‌جا که خدا می‌فرماید: بنگرید با دقت که عاقبت مفسدین چه شد و سرانجام سادات، سرانجام صدام و سرانجام محمدرضا پهلوی باید عبرت شود برای همه و ما طمع در خاک هیچ کشوری نداریم؛ فقط برای استقلال و آزادی اسلام خودمان می‌جنگیم و این توصیه را برای آخرین بار تأکید می‌کنیم.

تأمین اعتبارات بودجه

سؤال شد: برای تأمین اعتبارات منابع جدید بودجه‌ی سال ۶۱، چه اقداماتی را در دست تهیه دارید؟

جواب - همان‌طور که شما و مردم می‌دانید ما برای تأمین بودجه‌ی کشور، مواجهه با کسری‌هایی هستیم و علت آن هم این است. اقتصادی که برای ما از رژیم گذشته به‌ارث مانده، یک اقتصاد صد در صد بیمار و رو به‌احتضار بود و سعی ما این است که جهت اقتصاد را عوض کنیم و جهت اقتصاد قبلی به این صورت بود که رژیم از یک طرف نفت را به‌قیمت ارزان به‌غرب می‌فروخت و ارز می‌گرفت و این ارزها را در بانک‌ها ذخیره می‌کرد و به‌تجار داخلی اعتبار می‌داد و این تجار موظف بودند که به‌دولت ریال بدهند و از آن طرف با اعتبار

ارزی که دارند بتوانند از خارج جنس وارد کنند و در بازار عرضه کنند. و با آن ریالی که دولت از آن‌ها می‌گرفت، خرج‌ها و حقوق‌های خودش را تأمین می‌کرد و سرمایه‌گذاری‌های مختلف انجام می‌داد تا کشور به این صورت بچرخد؛ یعنی سیستم، یک وابستگی صد در صد داشت به ارزی که از طریق فروش نفت تأمین می‌شد و به عقیده‌ی ما این سیستم بیمار است و باید معالجه شود.

البته، چون این بیماری مزمن است خیلی دیر و به تدریج معالجه می‌شود. ما هنوز مجبوریم که نفت بفروشیم و ارز تأمین بکنیم تا کشور را اداره بکنیم و تلاش ما بر این است که صادرات غیرنفتی خودمان را تدریجاً رشد بدهیم، زیرا اگر این کار را نکنیم و بخواهیم که وابسته به نفت بمانیم، همیشه مشکلات اقتصادی را خواهیم داشت.

برای سال آینده سعی ما بر این است که صنایع داخلی را که برای اقتصاد کشور مفید هستند راه بیندازیم و به صنایع مادر توجه زیادی بکنیم و شغل‌هایی ایجاد کنیم که وابستگی کمتری به خارج داشته باشند. برنامه‌ای در دست تهیه است که امیدواریم ان‌شاء الله طبق قرار قانونی موفق شویم تا پنجم بهمن ماه بودجه را تقدیم مجلس بکنیم و در آن‌جا مسائل مشروحه مطرح خواهد شد.

مسأله‌ی مسکن و زمین

سؤال شد: برنامه‌ی دولت در رابطه با مسأله‌ی مسکن و واگذاری زمین چیست و ضمناً مسأله‌ی مجوز خرید مسکن نیز مشکلاتی در رابطه با دیر صادر شدن آن ایجاد نموده، برای رفع این مشکل چه فکری شده است؟

جواب: اول توضیحی بنده درباره‌ی مشکل مسکن برای مردم بدهم، تا معلوم شود که چگونه با این مسأله برخورد بکنیم. مجموع توان کشور برای مسکن‌سازی حداکثر ۳۰۰ هزار واحد در سال است؛ یعنی این‌که ما مجموع کمپرس‌ها و لودرها و چمچه و فرغون و بنا و کارگری که می‌توانیم برای این کار در نظر بگیریم و همه امکانات را در کشور جمع کنیم، چه از نظر فنی و چه از نظر قدرت ساختن سیمان و وارد کردن سیمان، ساختن آهن و وارد کردن آهن جمع بزنیم حداکثر در بهترین و شکوفاترین وقت اقتصاد کشور در گذشته ۳۰۰ هزار

واحد می توانستیم مسکن بسازیم. یک مقدار این مصالح از خارج وارد می شود، از قبیل آهن و سیمان و در این ها با توجه به مشکلات جنگ و بندری که داریم محدودیت هایی ایجاد شده است. پس در بهترین حالت ما خواهیم توانست ۳۰۰ هزار واحد در سال مسکن بسازیم، در حالی که ما همین الآن، ۳ میلیون واحد مسکونی کم داریم که تا هر ایرانی بتواند یک خانه ای که درخور زندگی کردن است داشته باشد. اگر فرض کنیم که جمعیت اصلاً اضافه نشود و یا، رشد جمعیت سریع تر از رشد صنایع و امکانات فنی ما نباشد، اقلأ ده سال وقت لازم داریم، تا بتوانیم جوابگوی مسأله ای مسکن باشیم.

چند وقت پیش یکی از نمایندگان از سفیر شوروی سؤال کرد که شما مسأله ای مسکن را چگونه حل کرده اید؟ و ایشان در جواب گفت: ما بعد از ۱۱ سال توانستیم فقط مسأله ای مسکن را در مسکو حل نماییم و آن هم به هر خانواده، خانه ای به مساحت ۱۶ یا ۲۰ متر مربع رسید که رقص درست به خاطریم نیست. ۱۱ سال طول کشید تا در یک شهر توانستند مسأله ای مسکن را حل کنند. تازه خیلی مشکلات ما را هم نداشتند.

این از نظر کلی است که مردم بدانند دولت تلاش خودش را انجام می دهد، ولی انتظار یک سال یا دو سال را نداشته باشند، اما چون سؤال شما بیشتر ناظر بر تهران است و این که چگونه زمین واگذار می شود و چقدر معطلی برای دادن مجوز خرید خانه می شوند، این سختگیری ها به دلیل جلوگیری از مهاجرت به تهران صورت می گیرد. و میل مهاجرت به شهرستان ها افزایش پیدا کند. خانواده هایی که کارمند هستند و مدت ۵ یا ۶ سال در تهران سکونت دارند وقتی که در تهران خانه گیر نمی آورند، در شهرستان به آن ها اجازه ی خریدن داده می شود و این تمایل در آن ها ایجاد می شود که به شهرستان ها بروند و در عین حال ما باید تلاش بیشتری بکنیم تا همین قانونی را هم که تصویب کردیم، بتوانیم سریع تر برای مردم اجرا نماییم.

در خصوص مسکن سازی مناسب است من اشاره ای به صرفه جویی بکنم. اگر قرار باشد ما متناسب با همان خواست های دوران رفاه طلبی و آسایش طلبی کامل که با انقلاب ما مغایرت دارد بخواهیم مسکن بسازیم، در این صورت مشکلات زیادی خواهیم داشت. در حالی که اگر ما صحیح عمل بکنیم به جای این که حتماً از مصالح خارجی استفاده بکنیم به مصالح سستی

روی آوریم خیلی موفق خواهیم شد که به استقلال نزدیک‌تر شویم؛ مثلاً شما حساب بکنید که اگر به‌جای ایرانیت از سفال، سفالی که در تمام شمال و مناطق باران‌خیز از قدیم رسم بوده استفاده کنیم و سفال‌سازی را دوباره احیا بکنیم، یک مقدار به‌عهده‌ی دولت است که ان‌شاءالله انجام دهیم و یک مقدار هم به‌عهده‌ی خود مردم است که از این طرح‌ها استقبال بکنند و ساختمان‌هایی است که بعد از ۳۰ سال هنوز با تیرهای سفیدار، سرپا هستند و خیلی محکم است و هیچ‌گونه اشکالی هم ایجاد نشده است و اگر ما از همان ساختمان‌سازی‌های سنتی خودمان استقبال بکنیم، ان‌شاءالله مشکلات ما هم کمتر خواهد شد و توصیه می‌کنم که در ساختمان‌سازی حتماً صرفه‌جویی بکنید حتماً کاشی کمتر مصرف شود. لزومی ندارد که کاشی زیاد به‌کار ببرند، حتماً از وسایل لوکس نخواهیم که استفاده کنیم و تا آن‌جا که امکان دارد، زیربنا را خیلی زیاد نگیریم و در حد مختصر و با روحیه‌ی صرفه‌جویی با این مسأله برخورد بکنیم، تا ان‌شاءالله مثل بقیه‌ی زمینه‌ها به‌خودکفایی نزدیک‌تر شویم.

احتمال کودتا در عراق

یکی از خبرنگاران سؤال کرد: گفته می‌شود که امپریالیسم آمریکا به‌فکر انتخاب جانشین برای صدام در عراق است. در این مورد چه اطلاع دقیقی دارید و موضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به کودتای احتمالی در عراق چیست؟ و هم‌چنین نظر در مورد علامت‌گذاری عربستان از مرزهای عراق چیست؟

ج: بله! این‌ها همه جنبه‌های خوشحال‌کننده‌ای است که می‌توانیم در رابطه با سؤال شما به آن تکیه کنیم. همین پیروزی را که جوانان ما در بستان و جبهه‌های غرب حاصل کردند آن‌ها را به‌این فکر انداخته است؛ یعنی وقتی که یک‌دسته ۲۰۰ نفری حاضر می‌شوند برای این‌که یک میدان مین را خنثی بکنند عاشقانه با پای پیاده بر روی مین‌ها می‌روند و تکه تکه می‌شوند تا راه باز شود و لشکر از آن عبور بکند و چنین پیروزی‌های شگرفی به‌دست می‌آورند که هرکس مشاهده کرد اعجابش برانگیخته شد؛ و در شرایطی که پسرمردها نامه می‌نویسند چون‌که ما عمرمان را کرده‌ایم اجازه بدهید تا میدان‌های مین را خنثی نماییم. مسلم است که آن‌ها با این مشکل اصلی که دوباره مطرح می‌کنند روبه‌رو شده‌اند و نمی‌توانند

آنرا حل نمایند. و به خاطر می آورم که مدتی قبل ریگان گفته بود: مشکل اصلی ما این است که مردم ایران تنها راه نجات را کشته شدن در راه خدا در جنگ با کفار می دانند؛ چون این مشکل اصلی را که مشکل شهادت طلبی است و آن‌ها نمی توانند آنرا حل کنند و برای آن‌ها مشکل است، ناچار هستند که عقب نشینی کنند، شاید برای این که موضع خودشان را کاملاً از دست ندهند، دست به چنین کودتایی که شما اشاره کردید بزنند، ولی هدف ما نجات خاک وطن ما از لوٹ و وجود اشغال گران است و در مورد این که بعد از صدام چه حکومتی بر روی کار خواهد آمد؟ ما چه موضعی خواهیم گرفت؟ صبر می کنیم تا بعداً قضاوت کنیم و موضع خودمان را اعلام داریم، اما علامت گذاری عربستان در مرزهای خودش با عراق، قبلاً عراق خودش را خیلی قوی حساب می کرد و همیشه برای کویت و عربستان سر اختلاف مرزی شاخ و شانه می کشید، و آن‌ها نمی توانستند منافع خودشان را حفظ کنند.

ولی الآن که صدام خودش را در حال سقوط می بیند این هم از ثمره خون شهدای ایران است که کویت و عربستان هم به منافع خودشان برسند، خیلی زود و با عجله یک قرارداد مرزی دارند می بندند تا ادعایی را که عراق در درازمدت روی خاک‌های عربستان داشته است پس بگیرند که باز هم، آنرا از ثمرات اسلام و انقلاب اسلامی ایران می بینیم. امیدوارم که همه به اسلام و انقلاب اسلامی روی بیاورند.

گزارش عملکرد دولت و نهادها

خبرنگار روزنامه‌ی صبح آزادگان سؤال کرد: با توجه به نزدیک تر شدن سالگرد انقلاب، گزارش عملکردهای دولت و نهادها چه خواهد شد؟
ج: وزارت ارشاد اسلامی از تسام وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها عملکردشان را خواسته است و همه آن‌ها هم گزارشات خودشان را داده‌اند و ان شاء الله کتابی چاپ می شود و به اطلاع عموم خواهد رسید.

امنیت شخصیت‌ها

سؤال: دز رابطه با به شهادت رسیدن حجت الاسلام بشارت، اقدامات دولت در مورد

جلوگیری از این حوادث چیست و چرا باید هر روز شاهد این‌گونه حوادث باشیم؟
ج: فکر می‌کنم که قبلاً هم جواب این سؤال را داده‌ام و تکرارش بی‌فایده است. فقط موضوعی را که باید به آن توجه شود، ضمن این‌که دولت اقداماتی می‌کند و موظف هم هست که بکند و مردم هم تلاش خودشان را می‌کنند. خود مقامات مسؤول هم باید برای حفظ جان خودشان نکات امنیتی را رعایت کنند تا ان‌شاءالله کمتر از این اتفاقات صورت گیرد.

مسأله‌ی تعدیل ثروت‌ها

سؤال: در مورد اصل ۴۹ تا حالا دولت چه اقداماتی انجام داده است (تعدیل ثروت‌ها)؟
ج: متأسفانه تاکنون در مورد تدوین لایحه‌ای در این زمینه کار زیاد چشمگیری انجام داده نشده است، ولی ان‌شاءالله سعی می‌کنیم که در آینده این کار را بکنیم.

تبلیغات ضدانقلاب

سؤال: ضدانقلاب خارجی، تبلیغات وسیعی را علیه شما به‌عنوان وزیر کار مینی بر این‌که شما نسبت به کارگران ظلم و اجحاف روا داشته‌اید، به‌راه انداخته است؛ این تبلیغات را شما چگونه توجیه می‌کنید؟

ج: فکر می‌کنیم قضاوتش با کارگران عزیز و زحمتکش خود ما است و آن‌ها قضاوت جز این نباید بکنند. اگر روزی برسد که امرپالیسم آمریکا و رادیوی صدای آمریکا از من تعریف بکنند، کارگران باید حتماً در سلامت من شک کنند. من فکر نمی‌کنم اقدامات وزارت کار چیزی جز در این جهت اجرای قانون که نهایتاً نفعش به‌همه می‌رسد باشد و آن‌طور که خود من هم برخورد دارم کارگرا ناراضی نیستند.

ما مواضعی در مورد چند مسأله گرفتیم، که تماماً در جهت ایجاد عدالت و برابری و ایجاد نظم و مقررات صورت گرفت و اتفاقاً این موضوع را به‌نفع مستضعفین می‌دانیم؛ یعنی اگر ما حرکتی کنیم که کارخانه‌ها نخواهد، در حقیقت داریم شغل ایجاد می‌کنیم. و اگر اعمالی انجام دهیم که کارخانه‌ها تولیدشان بالا برود، داریم برای کسبه شغل ایجاد می‌کنیم. و اگر حرکتی کردیم که بین مدیریت و شورا اختلافی نباشد، به‌مصرف‌کننده کمک می‌کنیم؛ یعنی

تمام طبقات مستضعف جامعه را زیر پر و بال می‌گیریم و از جمله‌ی آنها، برادران زحمتکش و خوبی که دارند در کارخانجات خدمت می‌کنند. و الحمدلله رب العالمین از برخوردی هم که با آنها داشتیم ناراضی نیستیم.

شایعه‌ی مربوط به ۱۷ دی

سؤال: اخیراً شایع شده است که روز ۱۷ دی، عده‌ای به‌خیابان می‌ریزند و افرادی که بدون چادر در خیابان‌ها دیده می‌شوند، مورد هجوم قرارخواهند گرفت و از طرفی این مسأله را به دولت ربط می‌دهند؛ نظر شما در این مورد به‌عنوان سخنگوی دولت چیست؟

ج: این شایعات بی‌اساس است و هیچ‌کس خلاف قانون به‌خیابان نخواهد ریخت و متعرض کسی نخواهد شد و تعرض در این‌گونه موارد جایز نیست. مملکت برای خودش قانونی دارد و تابع مقرراتی است و هرکسی به‌مقررات خودش عمل می‌کند و مطمئن هستیم که چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد و کسانی هم که می‌خواهند سوءاستفاده بکنند خود مردم جلوی آنها را خواهند گرفت.

نسبت مقامات با یکدیگر

سؤال: بعد از انتخاب آقای موسوی به‌عنوان نخست‌وزیر از طریق رادیوهای بیگانه شایع شد که آقای موسوی نخست‌وزیر با آقای خامنه‌ای رئیس‌جمهوری با یکدیگر برادر تنی هستند و حتی چندین بار آقای موسوی را به‌عنوان برادر کوچک آقای خامنه‌ای در اخبار نام برده‌اند؛ نظر شما در مورد این شایعه چیست؟

ج: شما از شایعاتی سؤال می‌کنید که بایستی خودتان جوابگوی آنها باشید. ما شنیدیم که به‌تازگی آقای ولایتی هم فامیل آقای خامنه‌ای است! ضدانقلاب می‌خواهد با این شایعات این مسأله را التا کند که در حکومت، روابط است که دارد سمت‌ها و مسؤولیت‌ها را تقسیم می‌کند. این حرف غلط است، البته اگر من یک برادری داشته باشم که خیلی آدم خوبی باشد وظیفه دارم که مسؤولیتی به‌او بسپارم؛ مگر حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام اول می‌رفت سراغ بنی‌هاشم، چون که بنی‌هاشم بهتر از بنیه بودند. ما این حرف را قبول نداریم که اگر کسی

فامیل یک مسؤولی بود و آدم خوبی هم بود، از او استفاده نکیم؛ چون که فامیل مسؤول است. آقای محمد هاشمی برادر آقای هاشمی رفسنجانی است، چه اشکالی دارد؟ ولی این حرف‌ها دروغ است و آقای موسوی نخست‌وزیر و آقای خامنه‌ای هیچ نسبتی با هم ندارند و بقیه این نسبت‌ها را هم که شایعه می‌کنند، معمولاً دروغ و غلط است.

سفر هیأت‌های صلح

سؤال: توضیحات بیشتری در مورد اظهارات آقای رفسنجانی در رابطه با آمدن هیأت صلح بفرمایید.

ج: شما اگر دقت بفرمایید فعالیت این هیأت‌های صلح رابطه مستقیمی دارد با عملیات ما در جبهه‌ها؛ یعنی این‌که هر زمانی که در جبهه‌ها قوی باشیم این هیأت‌ها به فعالیت درمی‌آیند و اگر وضع ما خوب نباشد، آن‌ها هم حرکتی ندارند.

تولید اقتصادی و ارز

سؤال: تولید اقتصادی کشور در چه وضعیتی است و در این رابطه توضیحی هم در زمینه اعتبارات ارزی بفرمایید.

ج: مسأله‌ی ارزی ما الحمدالله خوب است و نگران‌کننده نیست و کاری را که از اول انقلاب بایستی انجام می‌دادیم، انجام نگرفت و دروازه‌ها باز بود و ارزها به راحتی خارج می‌شد و کالاهایی وارد کشور می‌شد که مفید نبود. الآن این‌طور نیست؛ یعنی شورای اقتصاد تصویب کرده است که کمیته‌ای را مسؤول این کار قرار دهد که دقیقاً در مورد خروج ارز کنترل بکند و به بخش‌هایی ارز تعلق می‌گیرد که به شکوفایی اقتصادی کمک بکنند و از دودستگی بکاهد.

در مورد وضع کلی اقتصاد هم ما مشکلاتی داریم. به دلیل جنگ اقتصادی با آمریکا، که من ان شاءالله در مصاحبه‌های بعدی هر هفته درباره‌ی آن مقداری توضیح خواهم داد. و از اول انقلاب به‌طور رسمی شروع شده است و هرچقدر صلاحیت دولت جمهوری اسلامی ایران در برخورد‌های سیاسی و نظامی بیشتر می‌شود و هرچه بر حاکمیت و حزب‌اللهی‌تر شدنش

افزوده می‌شود، فشار اقتصادی از طرف غرب هم بیشتر می‌شود. و می‌دانید که چون عمدتاً صنعت ما و عمده بخش‌های مختلف اقتصادی ما وابسته به روابط غربی بود، لطماتی خوردیم و می‌خوریم و این موضوع هیچ برای ما مهم نیست و نگران نیستیم. ان‌شاءالله با برنامه‌ریزی‌هایی که دولت می‌خواهد انجام دهد، می‌توانیم این مشکلات را با همت و کمک خود مردم از سر بگذرانیم کما این‌که تا الآن گذراندیم. و یک برنامه‌هایی در زمینه‌ی ضعف در کشاورزی بود که در هفته‌ی قبل توضیح دادم. فقط در مورد جنگ اقتصادی آمریکا، ان‌شاءالله سعی می‌کنیم برنامه‌ریزی بکنیم و هر هفته مقداری از آنرا تدریجاً برای مردم توضیح دهیم.

جریان صدور نفت

سؤال: وضعیت صدور نفت بد چه صورت است؟

ج: هرچه زمان می‌گذرد، وضع صدور نفت ما بهتر می‌شود. برای این‌که قدرت برخورد برادران مسؤل ما در وزارت نفت و در اوپک و تلاش دیگر رزمندگان ما در جبهه‌ها باعث می‌شود تا ثباتی را که لازم است برای معاملات نفتی بیشتر دنبال کنیم و وضع ما روز به روز بهتر می‌شود و الحمدالله بعد از ملاقات اوپک، وضع فروش نفت ما بیشتر از سابق است.

برنامه‌های دولت در کارخانه‌ها

سؤال: دولت هم‌زمان با برنامه‌ریزی کوتاه اقتصادی کشور در جهت برنامه‌ریزی نیروی انسانی و یکپارچگی مدیریت در کارخانجات دولتی چه اقداماتی انجام داده است؟

ج: درباره‌ی مدیریت‌هایی که در این سازمان‌های دولتی انجام می‌شود (من فکر می‌کنم که سؤال شما بیشتر ناظر بر ادارات باشد) طرحی در مجلس تصویب شده است که کلیه سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌های دولتی اساسنامه‌ی خودشان را بدهند مجلس و در آن‌جا کمیسیون خاصی تشکیل شود و این اساسنامه را بررسی کند. تا آن‌جایی که تدخل دارد، وظایف وزارت‌خانه‌ها با نهادها و نهادها با هم و وزارت‌خانه‌ها با هم و نهادها با وزارت‌خانه تا این تداخلات برطرف گردد و ما منتظریم که ان‌شاءالله این کمیسیون کار خود را انجام دهد.

ملاقات وزیر خارجه با آیات عظام

سؤال: پیرامون ملاقات آقای ولایتی وزیر امور خارجه و آقای ناطق‌نوری وزیر کشور با آیات عظام در قم توضیحاتی بفرمایید.

ج: ملاقاتی صورت نگرفته است و این مسأله در اصل به این صورت بوده که آقای ولایتی و آقای ناطق‌نوری که تشریف برده بودند به قم، قرار بود به خدمت آیات عظام حضرت آیت‌الله گلپایگانی، حضرت آیت‌الله نجفی‌مرعشی و دیگر برادران برسند، ولی به دلیل این که عذرهایی در آن جا وجود داشت و ظاهراً حضرات آیات عظام کسالت داشتند، نتوانستند با آن‌ها ملاقات کنند، ولی خبرنگاران بدون این که تحقیق کافی بکنند، روی همان برنامه‌ی قبلی این آقایان وزرا، این مسأله را مخابره می‌کنند و چیزی که اتفاق نیفتاده بود، انعکاس خبری پیدا می‌کند و من تذکر دادم که این طور نباشد. یک خبرنگار وظیفه دارد که از آخرین حوادثی که اتفاق می‌افتاد با خبر باشد و آن چیزی را که اتفاق افتاده منعکس کنند، نه آن چیزی را که در برنامه بوده است. ممکن است من خیلی برنامه‌ها داشته باشم، اما موفق نشوم و خبرنگار به خیال این که در تمام برنامه‌ها موفق شدم به اطلاع عموم برساند. در این مورد ممکن است یا من دروغ گفته باشم یا خبرنگار.^(۱)

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی درباره‌ی کمک مردم به حزب جمهوری اسلامی

(۱۰ دی ماه ۱۳۶۰)

س: درباره‌ی اعلام هفته‌ی کمک به حزب جمهوری اسلامی و انگیزه‌ی اعلام این هفته، قدری برای ما توضیح دهید.

ج: مسؤؤل امور مالی حزب، چند هفته‌ی پیش گزارشی از وضع مالی حزب دادند و ما ناچار شدیم فکری بکنیم. این گزارش حاکی از مخارج ماهانه‌ی نزدیک به سه میلیون تومان بود. بیشتر این مبلغ، خرج تسلیقات؛ یعنی اعزام سخنران به مناطق مختلف، پخش نوار و کتاب و این‌گونه چیزهاست. از طرفی، درآمد حزب خیلی کم است. حتی ما هنوز کارت عضویت زیادی صادر نکرده‌ایم. البته یک‌دهم این مخارج را هم، کارت عضویت اعضا پر نمی‌کند.

در گذشته، معمولاً وقتی زیاد مقروض می‌شدیم، جلساتی می‌گرفتیم تا از هواداران حزب کمک‌های مالی به عمل بیاید. گاهی از سهم امام و تبرعات مردم استفاده می‌کردیم؛ ولی قرض حزب خیلی بالا رفته بود، یعنی نزدیک به سی میلیون قرض

داشتیم. فکر کردیم تا برنامه‌های تنظیم شده به ثمر می‌رسد، باید فکر یک کمک فوری باشیم. این بود که دو راه به نظرمان رسید، یکی این که قبض‌هایی منتشر بکنیم تا افراد مورد اعتماد از هر جا می‌توانند، اعانه بگیرند.

دوم این که، از جمعیت‌های مذهبی؛ مثل نماز جمعه‌ها یک مقدار کمک بگیریم؛ یعنی دوستان پیشنهاد می‌کردند چون همه‌ی کارهای حزب در خدمت دولت و انقلاب است، حقیقت این است که از بودجه‌ی تبلیغاتی دولت استفاده شود. ما این را صحیح ندانستیم. فکر کردیم بهتر است تکیه‌ی این حزب بیشتر به مردم باشد. هر چند که در حال حاضر هم خیلی از کارهای دولت متکی به مردم است. مردم و دولت از هم جدا نیستند و این خوشبختانه برای ما آزمایش خیلی خوبی بود؛ یعنی نشان داد که مردم مشتاق هستند به حزب کمک کنند، منتها چون ما دست دراز نکرده بودیم، آن‌ها فکر می‌کردند ما نیاز نداریم. مقداری قبض تهیه کرده بودیم و فرستادیم به شهرستان‌ها. خیلی زود معلوم شد که بیش از انتظار ما پاسخ مثبت رسیده است، پس باز هم فرستادیم. جالب این جاست که قبض‌های ده، پنج یا هزار تومانی خیلی فروش نرفت و مشتری نداشت؛ اما از قبض‌های پنجاه تومانی و صد تومانی که طبقه‌ی محروم و متوسط می‌توانند بپردازند، فوق‌العاده استقبال شده است.

انتظار ما، همین بود. می‌خواستیم متکی به اعانات جزئی مردم باشیم، تا آن‌ها احساس کنند که کار خودشان است. از چیزهایی که خیلی برای ما جالب بود، این است که عده‌ی زیادی از خانم‌ها در نمازهای جمعه و جاهای دیگر، وسایل زینتی خودشان را داده بودند. انگو، انگشتر، گردنبند و اشیا‌یی که معلوم می‌کند مال طبقه‌ی محروم است. خیلی سطح پایین؛ اما برای ما خیلی باارزش هستند. بعضی‌ها از خانه‌هاشان وسایلی که جنبه‌ی زینتی داشته، فرستاده بودند. در مجموع، استقبال برای ما امیدبخش بود. ما را بیشتر امیدوار کرد. این تجربه نشان داد که حزب، یک نهاد مقبول مردمی است.

امیدواریم تا روزی که بتوان با شهریه‌ی اعضای حزب، بودجه را تأمین کرد؛ بتوانیم تأمین بودجه کنیم.

منبع درآمد حزب، همان شهرداری اعضا است. مبلغ قابل توجهی نیست. یک مقداری هم از پول‌های سهم امام به‌دستمان می‌رسد و صرف کارهای تبلیغی می‌کنیم. البته تبلیغاتی که برای اسلام و انقلاب است و هیچ رنگ حزبی ندارد. این رقم قابل توجهی است. وقتی هم که خیلی مقروض می‌شویم، دوستان را جمع می‌کنیم و جلساتی تشکیل می‌دهیم و از هواداران حزب کمک می‌گیریم. در آینده چنین برنامه‌هایی مثل اعلام هفته‌ی کمک به حزب و غیره، خواهیم داشت. خیلی از مردم تازه دارند باخبر می‌شوند. حقیقت است که یک مقدار این قبض‌ها را تمدید کنیم. اگر این کمک‌ها تا مدتی ادامه یابد، شاید بتوانیم قرض‌های حزب را بپردازیم. و برای چند ماه آینده خیالمان راحت باشد و وقتمان صرف امور مالی نشود.^(۱)

وزیر خارجه سه شرط ایران برای خاتمه‌ی جنگ با عراق را اعلام کرد دکتر ولایتی: ملت ما یکپارچه معتقد است، تنها راه مبارزه با اسرائیل، مبارزه‌ی مسلحانه است.

دکتر ولایتی، وزیر امور خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران در دومین ملاقات خود با حافظ اسد، رئیس‌جمهوری سوریه در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی به سؤالات خبرنگاران درباره‌ی نتایج سفر خود به این کشور اشاره کرد و سیاست جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی مسأله‌ی فلسطین، حمایت از مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه و نیز تجاوز صدام تکریتی علیه ایران را تشریح نمود.

دکتر ولایتی ابتدا به علل سفر هیأت ایرانی به کشور دوست و برادر سوریه پرداخت و گفت: عامل اصلی سفر وی و هیأت همراهش به سوریه تأیید موضع قاطع کشور برادر و مسلمان سوریه در مقابله با دشمن غدار صهیونیسم است.

وی گفت: ملت مسلمان ایران از حدود بیست سال قبل به رهبری پیشوای بزرگ ما امام خمینی حرکت اسلامی خود را شروع کرد و در ابتدای حرکت اسلامی، مسأله‌ی فلسطین از اولویت‌های حرکت اسلامی ما بود و پس از پیروزی انقلاب، حکومت جمهوری اسلامی

پیوند خودش را با اسرائیل قطع کرد و بلافاصله سفارت فلسطین را در تهران افتتاح کرد و به فرمان رهبر ما، جمعی آخر هر ماه رمضان، روز قدس اعلام شده است و هر ساله میلیون‌ها نفر از مردم مسلمان ما، در حمایت از جنبش مقاومت فلسطین، تظاهرات وسیعی برپا می‌کنند و آمادگی خود را برای پیوستن به جبهه‌ی متحد مسلمانان بر علیه اشغالگران صهیونیسم اعلام می‌کنند. زیرا ملت ما به‌طور یک‌پارچه معتقد است تنها راه مبارزه و مواجهه با رژیم اشغالگر قدس، مبارزه‌ی مسلحانه است و کلیدی راه‌های سازش‌کارانه را محکوم می‌کند.

از این رو، معاهده‌های ننگینی چون کمپ دپوید و راه‌حل‌های مشابه را نیز محکوم می‌کند. و با توجه به مسأله‌ای که گفته شد، موضع کشور مسلمان برادر سوریه به‌خاطر سازش‌ناپذیری که داشته همواره مورد تأیید ملت مسلمان ایران بوده است و ما حمایت خودمان را از جبهه‌ی پایداری اعراب که مرکب از کشورهای دوست و برادر سوریه، لیبی، الجزایر، یمن جنوبی و جنبش مقاومت فلسطین است، اعلام می‌کنیم و با توجه به این‌که کشور برادر سوریه تنها کشور مقدم جبهه در مقابل صهیونیسم است ما به‌خودمان فرض دیدیم که برای مسافرت به کشورهای برادر، برای این کشور اولویت خاصی قائل بشویم و لذا از روزهای بعد از انتصاب این‌جانب به وزارت خارجه تصمیم گرفتیم که به‌کشور برادر سوریه مسافرت کنم؛ به‌ویژه آن‌که ما احساس کردیم که سوریه از طرف صهیونیست‌ها و امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه تحت فشار است تا تسلیم راه‌حل‌های سازش‌کارانه شود و با توجه به شناختی که از روش کشور برادر سوریه داشتیم، مطمئن بودیم که به‌هیچ‌وجه و در هیچ‌زمانی زیر بار قراردادهای ننگینی چون کمپ دپوید نخواهد رفت و هم‌چنین با دشمن غدار صهیونیسم به‌مبارزه ادامه خواهد داد.

دکتر ولایتی گفت: یکی از هدف‌های این سفر تسلیم دعوت‌نامه‌ی رئیس‌جمهور کشورمان حجت‌الاسلام خامنه‌ای به‌رئیس‌جمهور سوریه بود که این دعوت‌نامه شب قبل به‌حضور پرزیدنت حافظ اسد تقدیم شد و ایشان قبول کردند که در اسرع وقت از ایران دیدن کنند و نیز از طرف خودم از خدام، وزیر خارجه‌ی سوریه دعوت کردم که از ایران بازدید کنند و ایشان پذیرفتند که در اولین فرصت این دعوت را اجابت کنند.

وزیر خارجه سه شرط ایران برای خاتمه ... ۱۰۳

وزیر امور خارجه‌ی کشورمان اضافه کرد: نکته‌ی دیگری که لازم بود برای پرزیدنت حافظ اسد توضیح بدهم، شرح پیروزی‌های اخیر سپاه اسلام علیه رژیم صدام تکریتی بود و تأکید کردم که جنگ ما با صدام تا پیروزی کامل ملت مسلمان ادامه خواهد داشت.

سپس دکتر ولایتی به‌سؤالات مختلف خبرنگاران پاسخ داد. دکتر ولایتی در رابطه با مذاکراتی که با مسؤولین سوری انجام داده، گفت: این مذاکرات بسیار شریخش بود و در جهت تحکیم روابط دو ملت برادر سوریه و جمهوری اسلامی ایران بسیار مؤثر بود.

موضع سوریه در جنگ ایران و عراق

وزیر خارجه‌ی کشورمان در رابطه با موضع سوریه در برابر جنگ تحمیلی عراق گفت: حکومت برادر سوریه در این امر از مواضع برحق ما بر علیه صدام تکریتی حمایت و موضع ما را تأیید کرد و در رابطه با جبهه‌های متحد اسلام مذاکراتی انجام شد.

دکتر ولایتی گفت: ما به‌برادران سوری خود گفتیم ما هم‌چنان معتقدیم که تنها راه نجات مسلمان در مواجهه‌اش با جبهه‌ی متحد کفر جهانی به‌سرکردگی آمریکا و پایگاه منطقه‌ای صهیونیستی آن‌ها اسرائیل اتحاد مسلمان است و ما معتقدیم که اگر مسلمان متحد شوند به‌پیروزی‌های مورد نظر خواهند رسید و برادران سوری ما و در رأس آن‌ها پرزیدنت حافظ اسد دقیقاً موضع ما را تأیید کردند و اظهار داشتند که اعتقاد آنان نیز چنین است.

در رابطه با اعلام آمادگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران مبنی بر شرکت پاسداران در مبارزه علیه رژیم صهیونیستی و این‌که تا چه حد می‌توان به‌این امر جامعه‌ی عمل پوشید؟

دکتر ولایتی گفت: پشتیبانی ما از مواضع کشور برادرمان سوریه منحصر به سپاه پاسداران نیست. ملت ما با همه امکاناتش یکپارچه از موضع به‌حق حکومت برادر سوریه حمایت می‌کند.

مسأله‌ی میانجی‌گری مطرح نشد

دکتر ولایتی در رابطه با شایعات میانجی‌گری سوریه در پایان دادن به‌جنگ تحمیلی گفت: مقدماً باید یک‌چیز را روشن کنیم که تکلیف جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را مبارزان ما و

۱۰۴ کی بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

سپاهیان اسلام در جبهه‌های نبرد معلوم خواهند کرد و آن‌ها هستند که جنگ را با پیروزی جمهوری اسلامی علیه رژیم صدام تکریتی رقم خواهند زد و از سوی دیگر مسأله‌ی میانجی‌گری بین ایران و عراق به‌هیچ‌وجه مطرح نشد و چنین چیزی در دستور مذاکرات نیز قرار نداشت زیرا این یک دروغ امپریالیستی بود و امپریالیسم برای خدشه‌دار کردن این صف‌آرایی مثبت و سازنده‌ی ما این شایعه را پراکنده کرده بود:

وی، سپس به‌شرایط ایران برای پایان دادن به‌جنگ گفت: شرایط ما همان است که از ابتدای جنگ بارها توسط رهبران جمهوری اسلامی اعلام شده است و همان شرایط سه‌گانه است...

۱ - عقب‌نشینی بی‌قید و شرط نیروهای عراقی از خاک ایران.

۲ - تعیین متجاوز توسط مراجع صالحه بین‌المللی

۳ - پرداخت غرامات جنگ از طرف متجاوز به‌کشوری که مورد تجاوز قرار گرفته

است. (۱)

رئیس جمهوری در مصاحبه‌ی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی
به مناسبت هفته‌ی وحدت اعلام کرد
**اولین گام به سوی وحدت بزرگ مسلمانان،
آشتی بین دولت‌های اسلامی و ملت‌ها است**

حجت‌الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای، رئیس جمهوری اسلامی ایران، بعد از ظهر پنج‌شنبه در یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی شرکت کرد و به سؤالات مختلف خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ گفت.

رئیس جمهوری ابتدا در رابطه با هفته‌ی وحدت طی سخنان کوتاهی با اشاره به این مطلب که اعلام هفته‌ی وحدت خود یک حرکت به سمت وحدت است، گفت: ما در هنگامی و در شرایطی دعوت به وحدت می‌کنیم و ندای وحدت سر می‌دهیم که دولت جمهوری اسلامی ایران توانسته است در صحنه‌های نبرد حق علیه باطل و در مقابله با متجاوزین، پایداری و اقتدار خود را ثابت کند.

وی افزود: اصرار ما بر وحدت که از روز اول پیروزی انقلاب نیز این اصرار را داشته‌ایم و بر اساس یک باور اعتقادی و ایدئولوژیکی و استراتژیکی است و لذا همواره طرفدار

وحدت بوده ایم و هستیم و خواهیم بود.

ما امروز هم مثل همیشه از همه کشورهای مسلمان؛ خصوصاً در منطقه‌ی خاورمیانه و نیز در منطقه‌ی خلیج فارس می‌خواهیم که با طرح بهانه‌هایی القایی مانع وحدت مسلمانان نشوند. و مناقشاتی از قبیل طرح مسأله‌ی عرب و فارس یا شیعه و سنی محققاً به زیان وحدت کشورهای مسلمان است و ریشه در تدابیر سوِ سلطه‌گران جهانی دارد. در کنار این خواست اصولی ما یعنی وحدت میان ملت‌ها و دولت‌های مسلمان مصرأ می‌گوییم و اعلام می‌کنیم که طرفداری از وحدت مسلمین به معنای میدان دادن به متجاوز و قبول تجاوز نیست. از نظر ما، تحمل کردن و قبول کردن تجاوز به معنای تشویق متجاوز و مشروعیت دادن به تجاوز است و به همین دلیل در امر جنگ هیچ‌گونه تعهدی و یا عملی که از آن سوی تجاوزپذیری استشمام شود را نخواهیم پذیرفت.

اصول سیاست خارجی ایران

رئیس‌جمهور آنگاه افزود: ما سیاست خارجی خود را بر سه اصل قراردادده‌ایم:

۱ - همکاری صمیمانه و بی‌دریغ با دوستان،

۲ - روابط سالم و معمولی با بی‌طرف‌ها،

۳ - برخورد قاطع و شجاعانه با دشمنان و متجاوزان.

و به دلیل همین مواضع سیاسی است که ما با اسرائیل که اصل وجود آن با تجاوز آغاز شد هیچ‌گونه سازشی را نه می‌پذیریم و نه از دپگران تحمل می‌کنیم. دولت‌های عرب باید توجه کنند امروز که دشمن غاصب صهیونیسم برخلاف تمام موازین بین‌المللی و برخلاف تمام قراردادهای و عرف‌های سیاسی معمول عالم، بلندی‌های جولان را به بقیبه‌ی اراضی اشغالی خود ملحق کرد، نباید با سکوت و بی‌تفاوتی خودشان او را به این تجاوز تشویق کنند، بلکه لازم است با انواع فشارهای سیاسی و اقتصادی و حتی اگر لازم شد نظامی، هم این دولت غاصب را هم حامی بزرگ جهانیش را از این کار پشیمان کنند. ما به نوبه‌ی خود آمادگی دولت و ملت ایران را برای این کار اعلام می‌کنیم.

اعلام آمادگی برای ایجاد وحدت مسلمین

کشورهای مسلمان، نیروی عظیمی هستند که هیچ‌کس در دنیا نمی‌تواند تأثیر آن‌را در وضع جهان و به‌خصوص منطقه نادیده بگیرد.

رئیس‌جمهوری افزود: من بار دیگر به‌عنوان ملت ایران و به‌عنوان رئیس‌جمهوری بزرگ‌ترین و قدرتمندترین کشور منطقه و نیرومندترین کشور خاورمیانه و خلیج فارس اعلام می‌کنم، دولت‌ها و ملت‌های این منطقه لازم است که هرچه زودتر به‌سمت برادری و وحدت و اخوت و یکپارچگی که دشمنان بزرگ جهانی را از آن مأیوس کند، حرکت نمایند و آمادگی خودمان را برای پرداختن به‌ای این وحدت بزرگ اعلام می‌کنیم.

سفر وزیر خارجه‌ی ایران به‌سوریه و مسأله‌ی صلح

رئیس‌جمهور در پاسخ این سؤال خبرگزاری جمهوری اسلامی که به‌دنیال محکوم کردن الحاق بلندی‌های جولان به‌رژیم اشغالگر قدس از سوی جمهوری اسلامی ایران که مسافرت وزیر امور خارجه به‌سوریه و دعوت از ریاست جمهوری عربی سوریه برای سفر به‌ایران را در پی داشت با برداشت‌ها و تفسیرهای متفاوتی و حتی گاه مسأله‌ی صلح در جنگ تحمیلی همراه بود، نظر شما به‌عنوان ریاست جمهوری درباره‌ی این مسأله چیست؟ گفت:

در سفر وزیر امور خارجه‌ی ما به‌سوریه، مسأله‌ی صلح به‌هیچ‌وجه مطرح نبود نه از طرف ما و نه از سوی سوریه. ما احساس می‌کردیم و الآن نیز احساس می‌کنیم که به‌دولت برادر سوریه در مقابل تجاوزات اسرائیل بایستی کمک شود و ما برای اثبات این‌که در کنار سوریه هستیم، این اقدام را کرده‌ایم و مسأله‌ی صلح با عراق نه در این سفر و نه در سفرهای دیگر ما به‌سوریه مطرح نبوده است.

افزایش قدرت نیروهای ایرانی در میدان‌های نبرد

خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی پرسید: به‌نظر می‌رسد در روزهای اخیر و به‌دنیال پیروزی‌های رزمندگان اسلام، جنگ تحمیلی عراق به‌ایران، وارد مرحله‌ی جدیدی شده است و در درازمدت بی‌شک جنگ با پیروزی‌های مدافعین انقلاب اسلامی و سقوط صدام منجر

خواهد شد. آینده‌ی جنگ را چگونه می‌بینید، با توجه به این که صدام بیش از همیشه مأیوس شده است؟

رئیس‌جمهوری پاسخ داد: برای جنگ، آینده‌ی نزدیکی نمی‌شود پیش‌بینی کرد. جنگ محصول عوامل و علل زیادی است و آینده‌ی آن به این آسانی قابل پیش‌بینی نیست؛ اما آن چه که ما می‌توانیم بگوییم این است که نیروهای ما از همیشه بیشتر در میدان‌های نبرد احساس قدرت می‌کنند و این آیت که نیروهای عراقی با داشتن تجهیزات فراوان و بزرگ از روحیه‌ی بسیار بدی برخوردارند، این که سران رژیم بغداد دچار یأس شده‌اند، این نیز یک امر طبیعی است. آن‌ها وقتی که قرارها، تسلیم‌شدن‌ها و شکست‌های پیاپی نیروهای خود را مشاهده می‌کنند و می‌بینند که تجهیزات وسیع نمی‌تواند به آن‌ها کمک کند، یقیناً دچار یأس می‌شوند و این یأس، یأس به‌جایی است و شکست به‌دنبال این یأس است.

ادعای دولت بحرین و رابطه‌ی آن با تجاوز اخیر اسرائیل

رئیس‌جمهور در پاسخ به این سؤال خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی که بعد از ماجرای بحرین که از سوی مرتجعین منطقه و حامیان آن‌ها مطرح شد، عمّال این کشور دست به مسافرت‌هایی زدند و قراردادهای امنیتی نیز منعقد کردند که چه صریحاً و چه تلویحاً ایران را مقصر جلوه دادند، نظر شما پیرامون این مسافرت‌ها و قراردادها چیست؟

گفت: تلاش و‌های و‌هویی که در منطقه به‌وسیله‌ی بلندگوهای تبلیغاتی پیرامون مسأله‌ی بحرین پیش آمد، بیشتر به این منظور بود که مسأله‌ی اسرائیل و مسأله‌ی تجاوز به‌جولان را از اولویت خارج سازند.

رئیس‌جمهوری تأکید کرد که مسأله‌ی تجاوز اسرائیل به‌جولان باید مسأله‌ی اول منطقه باشد و یادآور شد که دست‌هایی در کار است که هرگاه مردم منطقه می‌خواهند به‌یکسری مسائل اساسی که در رابطه با منافع اشغالگران است، بپردازند، مسائلی جعلی و بدلی و درجه دوم را در منطقه مطرح کنند.

بازگشایی دانشگاه‌ها نزدیک است

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در مورد زمان بازگشایی دانشگاه‌ها که سؤال دیگر خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی بود، گفت: بنابر اظهارات مسؤولان ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت علوم ما، ان‌شاءالله با بازگشایی دانشگاه‌ها فاصله‌ی زیادی نداریم و اعتقاد ما براین است که این بازگشایی بایستی هرچه زودتر در اولین زمان ممکن انجام گیرد، ولی بازگشایی دانشگاه‌ها به معنای رسیدن به دانشگاه ایده‌آل در این بهره از زمان نیست، بلکه همان طوری که امام فرمودند: ما با بیست سال فاصله می‌توانیم به آن مقصود برسیم، ولی این دانشگاهی خواهد بود که در خط رسیدن به دانشگاه واقعی اسلامی حرکت خواهد کرد.

رئیس‌جمهوری در مورد نحوه‌ی تنظیم بودجه‌ی سال ۶۱ گفت: به نظر من، عالی است و این اولین باری است که با نظام درست و زمان لازم، بودجه در حال تدوین است و شورای اقتصاد نیز در کار تصویب این بودجه به کمک دولت آمده است. بررسی بودجه، جلسات منظم و طولانی خود را دارد و سعی می‌شود که لایحه‌ی بودجه در اوایل بهمن به مجلس برسد. امیدواریم که تا هنگامی که این بودجه مورد احتیاج قرار می‌گیرد، در مجلس تصویب هم شده باشد.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در پاسخ این سؤال که حرکت کشور به سمت برنامه‌ریزی را چگونه ارزیابی می‌کنید، گفت: برای برنامه‌ریزی دو شرط اصلی ضروری است: یکی این که مسؤولان امر متوجه به ضرورت برنامه‌ریزی شوند؛ دیگر این که راه برنامه‌ریزی را بیابند که خوشبختانه هر دوی این مسأله مورد نظر مسؤولان کنونی کشورمان است و همان طور که بارها اعلام شده، برنامه‌ریزی از اصول کار دولت کنونی است. برادرانی که در دولت هستند و راه برنامه‌ریزی را یافتند و به طور دقیق مشغول برنامه‌ریزی آینده هستند.

خبرنگاری پرسید: کمک‌های اقتصادی و تکنیکی اروپای شرقی برای پیشبرد اقتصاد ایران کافی است و آیا برای نزدیکی با غرب و آمریکا در رابطه با پیشبرد تکنیک و صنعت در ایران چه شرایطی را ایران قبول خواهد کرد تا رابطه‌ی دوستانه با آنان داشته باشد؟

رئیس‌جمهوری در پاسخ گفت: ما اصلاً مسأله‌ی تکنیکی با دنیای خارج از خودمان را

به این شکل مطرح نمی‌کنیم و هرگز ما به این مسأله به این شکل نظر نمی‌کنیم که آیا ارتباط تکنیکی با کشورهای مختلف می‌تواند برای ما کافی باشد یا نه؟ بلکه ما اعتقاد عمیق داریم که فقط نیروهای ابتکار مردم خودمان که به‌حمدالله سرشار هم است، بایستی ما را به خودکفایی صنعتی و تکنیکی برساند و پس از پیروزی انقلاب تا امروز در این راه گام‌هایی هم برداشته‌ایم و امروز صدها طرح سازنده و جدید از سوی جوانان و مبتکرین ما آماده‌ی اجرا است که در اولین فرصت این طرح‌ها را اجرا خواهیم کرد و به‌سوی خودکفایی ملی پیش خواهیم رفت.

رئیس‌جمهوری با یادآوری این مطلب که هیچ ملتی نمی‌تواند بدون ارتباط با دنیای خارج از مرزهای خود زندگی کند، گفت: این اصل را در مورد زندگی اقتصادی خود معتبر می‌دانیم، ولی شما در سؤال خود اسی از شرایط ما برای نزدیک شدن و پذیرفتن صنعت آمریکا برده‌اید که در این جا صریحاً اعلام می‌کنیم که با وضع کنونی آمریکا به‌عنوان یک دولت سلطه‌گر و مستکبر و به‌تعبیر رایج امپریالیسم هیچ شرایطی را برای نزدیک شدن به آمریکا نمی‌پذیریم و به‌هیچ‌وجه با آمریکا قصد نزدیک شدن و همکاری را نداریم. این از نظر ما یک حرکت اساسی و فکری است که انقلاب ما و پاور اعتقادی ما بر ما الهام می‌دهد و امیدواریم که جامعه و دولت ما همواره در این خط که خط انقلاب ما است، باقی بماند.

خروج متجاوز از خاک ایران، اولین خواست ما است

رئیس‌جمهوری در پاسخ سؤال دیگری پیرامون اعلام شرایط صلح از سوی جمهوری اسلامی ایران و هم‌چنین پاسخ به این مطلب که آیا گرفتن غرامت جنگی جزو شرایط است یا خیر؟ گفت:

ما از اول جنگ تا امروز بارها شرایط خود را اعلام کرده‌ایم و این شرایط چیزهای زیادی نیستند. اولین خواست ما از متجاوزین عراقی این است که به‌تجاوز خود پایان دهند و تا زمانی که تجاوز وجود دارد به‌هیچ‌وجه با متجاوزین به‌عنوان متجاوز کنار یکدیگر نخواهیم نشست ولی بعد از این که متجاوز به‌تجاوز خود خاتمه داد و از خاک ما بیرون رفت، آن‌زمان نوبت طرح بقیدی شرایط صلح می‌رسد و اصولاً آن‌وقت زمان مذاکره برای صلح است. در

آن صورت گرفتن غرامت یکی از شرایط ما است. من میزان غرامت‌ها را امروز نمی‌توانم به‌طور دقیق معین کنم، این چیزی است که می‌توان در هنگام خود ارائه داد، ولی غرامت جنگی یکی از شرایط ما است و به‌جز این مجازات متجاوز از نظر داوران صالح بین‌المللی و تشخیص متجاوز و مجازات او هم جزو شرایط ما بوده و هست.

اعلام آمادگی برای اجرای طرح پتروشیمی

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در مورد فعالیت پتروشیمی ایران و ژاپن گفت: ما مصمم هستیم که پروژه‌ی پتروشیمی را به‌راه بیندازیم و آماده هستیم که در اولین زمان ممکن این کار را بکنیم و منتظریم که شریک ژاپنی ما در این مورد اعلام آمادگی بکند.

گسترش همکاری با دولت‌های اسلامی

رئیس جمهوری در پاسخ سؤال خبرگزاری لیبی که پرسید: منطقه در این روزها در معرض تهاجم وحشیانه‌ی استعماری قرار گرفته است، آیا تدابیری برای مقابله با این تهاجم اتخاذ شده است؛ به‌ویژه که سرهنگ قذافی خواستار برقراری فوری وحدت میان سوریه، الجزایر و لیبی در مقابل این تهاجمات شده است، گفت: ما از پیشنهاد لیبی در مورد وحدتی که اشاره شده، استقبال می‌کنیم و این امر را گامی در راه وحدت ملت‌های مسلمان می‌دانیم و به‌طور کلی معتقد به همکاری‌های گسترده و همه‌جانبه با دولت‌های برادر از جمله دولت لیبی، هستیم، البته تاکنون طرح خاصی که مشخص‌کننده‌ی نوع خاصی از همکاری باشد میان ما و لیبی امضا نشده است، اما ما همواره آماده بوده و هستیم که همکاری‌های خودمان را با دولت‌های برادر و مسلمان گسترش دهیم.

طرح‌های مردمی، قابل قبول ما است

رئیس جمهوری در پاسخ به‌دومین سؤال خبرگزاری لیبی در مورد جامعه‌ی شورایی و بازگشت به جامعه‌ی صدر اسلام گفت: اگر مقصود از جامعه‌ی جماهیری، جامعه‌ای است که در آن اراده‌ی مردم بالاترین نقش را در اداره‌ی کشور به‌عهده دارد، باید اعلام کنیم که انقلاب ما، تجربه‌ی انقلابی ما و نیز دولت ما به‌این مسأله اهمیت زیادی داده و از او بهره‌مند شده

است. شاید در دنیا کمتر انقلابی و یا کشوری را بشود نشان داد که به اندازه‌ی ما متکی به آرا و نظرات مردم باشد و هر کشوری و هر طرحی که عنصر مردم را در امر اداره‌ی کشور دخالت بدهد، طرح قابل قبولی خواهد بود.

رئیس‌جمهوری در مورد هماهنگی میان سه قوه‌ی مقننه، قضائیه و مجریه گفت: هماهنگی میان آنان را خوب می‌بینیم و خوشبختانه ناهماهنگی میان سه قوه احساس نمی‌کنیم. البته برای منسجم کردن و هرچه بیشتر به هم پیوستن سه قوه تلاش‌هایی لازم است که امروز به آن‌ها مشغول شده‌ایم.

مشکل انتقال از مرحله‌ی وابستگی به خودکفایی

رئیس‌جمهوری در مورد مشکلات مردم و راه‌حل‌های آن گفت: مشکل مهم ما، مشکل انتقال است. انتقال از مرحله‌ی وابستگی به مرحله‌ی خودکفایی و استقلال مشکلات یک ولادت جدید و ما امروز در حال روئیدن هستیم و جامعه‌ی ما دوران بهاری را می‌گذراند که در این بهار با مشکلاتی از سوی عناصر ضدبهار و ضد رویش روبه‌رو است. ما در زمینه‌های گوناگون، مشکلاتی داریم که ناشی از همین وضع انتقالی ما است. صنعت مونتاژ ما می‌خواهد تبدیل به صنعت مستقل شود. کشاورزی وابسته ما می‌خواهد به کشاورزی مستقل ایرانی تبدیل شود. سیاست صدر در صد وابسته‌ی ما می‌خواهد به یک سیاست صدر در صد مستقل نه شرقی و نه غربی تبدیل بشود که این‌ها برای ما مشکلاتی دارد که ما این مشکلات را از قبل پیش‌بینی می‌کردیم همان‌طور پیش آمد. من نمی‌توانم روی یک مشکل به خصوصی انگشت بگذارم و آن‌را مشکل مهم خودمان بدانم؛ چون حقیقت این است که ما هیچ مشکل مهمی نداریم و مشکلات ما ناشی از این است که در یک مرحله‌ی خاصی داریم به سر می‌بریم که این مرحله را باید با قدرت و استقامت مردم و مسؤولان بگذرانیم که خوشبختانه هم مردم و هم مسؤولان این توان را از خودشان نشان می‌دهند که می‌توانند این مشکلات را به راحتی از میان بردارند.

دوستی و برادری ایران با ملت و کشورهای عرب

خبرنگار روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، سؤال کرد: اعزام کارشناسان نفتی جمهوری اسلامی به لیبی جهت راه‌اندازی تأسیسات نفتی این کشور، می‌تواند از یک طرف قدرت کادریهای تخصصی ما را به‌نمایش بگذارد و از طرف دیگر ایران را به‌عنوان یک کشور با حسن نیت نسبت به ملت عرب معرفی کند. در این رابطه عکس‌العمل کشورهای منطقه چگونه بوده و هم‌چنین پیشرفت کار کارشناسان اعزامی به لیبی چگونه است.

رئیس‌جمهوری در پاسخ این سؤال گفت: همان‌طور که گفتید، این نشان‌دهنده‌ی کارآیی و ابتکار متخصصان ایرانی است و ما خوشبختانه این کارآیی را داریم، اما نشان این‌که حسن نیت نسبت به برادران عربمان باشد، من می‌خواهم بگویم ما به‌این نشانه‌ی حسن نیت احتیاجی نداشتیم. همه منصفان می‌دانند که ما با ملت عرب، با کشورهای عرب دوست و برادر هستیم. ارتباطات فرهنگی بسیاری ما را به‌هم جوش و پیوند می‌دهد. آن‌چه در مقابل ما قرار دارد نه ملت‌های عرب است و نه حتی همه دولت‌های عرب. در حقیقت چند دولت وابسته در مقابل انقلاب ایران، قرار گرفته‌اند که در رأس این دولت‌ها رژیم وابسته بغداد قرار دارد، اما حتی مردم خود عراق هم در مقابل ما قرار ندارند، بلکه در کنار ما قرار دارند. همه می‌دانند که ما به‌فرهنگ عرب، به‌زبان عرب، به‌عنوان زبان قرآن احترام می‌گذاریم، حتی در قانون اساسی ما، آموزش این زبان به‌عنوان یک اصل توصیه شده و لازم دانسته شده است، ملت‌های عرب به‌عنوان ملت‌های برادر و دوست ما و ملت‌های مستضعف در مقابل تهاجمات دشمنان جهانی همیشه مورد حمایت ما بوده‌اند و خواهند بود. بنابراین، ما احتیاج به‌ابراز حسن نیت خودمان نسبت به‌اعراب به‌این‌که کارشناسان را بفرستیم نداشتیم. کارشناسان را برای این فرستادیم که ثابت کنیم منطقه‌ی ما می‌تواند بدون اتکا به‌آمریکا زندگی کند. این باور غلط را که اگر آمریکا نباشد همه در این منطقه خواهند مرد و همه کارها فلج خواهد شد، می‌خواهیم بار دیگر بشکنیم، هم‌چنان که یک‌بار در ایران این باور شکسته شد.

امیدواریم برادرانی که به لیبی رفته‌اند بتوانند با کارآیی‌های خودشان و خدمات ارزنده‌ی خودشان مقاصد جمهوری اسلامی را که همان مقاصد اهتزاز و سربلندی برادران مسلمان

است عمل کنند.

مبارزه با ضد انقلاب

خبرنگار خبرگزاری فرانسه، پرسید: در رسانه‌های گروهی همه روزه اخباری در مورد ترورها و یا اعدام اعضای مجاهدین خلق منتشر می‌شود، اخیراً نیز در مجله‌ی پیام انقلاب خبری مربوط به برخورد مسلحانه در جنگل‌های شمال چاپ شده است، لطفاً بفرمایید مبارزه با مجاهدین خلق به چه مرحله‌ای رسیده است؟

رئیس‌جمهور در پاسخ وی گفت: ما با گروه خاصی مبارزه نداریم. ما با ضدانقلاب در ایران و در خارج ایران مبارزه داریم و ضدانقلاب را به یک چشم می‌بینیم؛ ممکن است دستگاه تبلیغاتی وابسته به امپریالیسم جهانی قصد دارد که یک گروهی را در چشم‌ها بزرگ کند؛ شخصیت‌های کاذب و تصنعی بسازد. ما از این تعجب نمی‌کنیم. از اول انقلاب تا امروز این کار را نیروهای تبلیغاتی و خبرگزاری‌های وابسته به امپریالیسم کرده‌اند، باز هم می‌کنند و اما حقیقت این است که در ایران، ضدانقلاب، ضدانقلاب است؛ سلطنت‌طلب، منافق و به قول شما مجاهد، چریک اقلیت، پیکاری، ساواکی و عامل نفوذی آمریکا همه‌جور در این طیف وسیع می‌گنجد.

ما؛ یعنی دولت و ملت ایران در مقابل این حرکت گناه‌آلود و مجرمانه ایستاده‌اند و ایستاده‌ایم، امروز همه‌ی دنیا می‌توانند این را ببینند و همه منصفین می‌بینند که در این ایستادگی ملت و با دولت یکدیگر آمیخته‌اند و هیچ‌گونه فاصله‌ای میان آن‌ها نیست. آن دستی که ضدانقلاب را به محاکم دادگستری تحویل می‌دهد، دست ملت است و این زبان و چشمی که حرکت ضدانقلاب را از هر نوع در داخل جامعه تعقیب می‌کند چشم مردم است.

تقویت ضد انقلابیون از خارج

ما معتقدیم که این طیف وسیع، خودش روی پای خودش در ایران نایستاده، بلکه قدرت‌های خارجی و مخالفان سنتی ما و در رأس آن‌ها آمریکا پشت این حرکت ایستاده‌اند. ما گفتیم که آمریکا را شکست خواهیم داد. یک نمونه از شکستی که آمریکا خواهد

خورد، شکست نوکران و مزدوران او در داخل است؛ اعم از سلطنت طلب و یا منافق و یا دیگر گروه‌ها، تا امروز شکست خورده‌اند، بعد از این هم ان شاء الله شکست خواهند خورد.

نقش کارگران در کارخانجات در مقابله با ضد انقلاب

حجت الاسلام خامنه‌ای در پاسخ دومین سؤال خبرنگار خبرگزاری فرانسه که پرسید: شما در سخنانتان در جمع اعضای شورای کارگران به پیشگیری خرابکاری‌ها در کارخانجات اشاره کردید، لطفاً بفرمایید آیا واقعاً در محیط کارگری خرابکاری‌هایی صورت می‌گیرد و عاملین این خرابکاری‌های چه کسانی هستند؟

وی گفت: خیلی طبیعی است. در هنگامی که ما به تولید هرچه بیشتر احتیاج داریم، ضد انقلاب و دشمنان خارجی ما هدفشان را نابود کردن وسایل تولید متمرکز کنند، هیچ بعید نمی‌دانیم که عوامل آمریکا به سراغ کارخانه‌های ما بیایند.

نکته‌ی بسیار مهم این است، همان طوری که خود شما می‌گویید، عامل پیشگرمیمان مأموران دولتی نیستند، مأموران اطلاعاتی و امنیتی نیستند، سپاه پاسداران انقلاب نیستند، بلکه مسئولان پیشگیری، خود کارگران متعهد و مسؤول ما هستند. آن کسانی که خودشان را از این انقلاب و از این جمهوری جدا نمی‌دانند، بازوان فعال و سازنده‌ی این نظام هستند. آن‌ها هستند که پیشگیری کرده‌اند تا امروز بعد از این هم پیشگیری خواهند کرد.

خوشبختانه، ما در داخل کارخانجات به همت این برادران و خواهران کارگر، خرابکاری مفسده‌انگیزی نداشته‌ایم یا چیز قابل ذکری نداشتیم، بعد از این هم همین برادران مسؤول یعنی کارگران عزیز نخواهند گذاشت دشمن، ایادی خودش را در کارخانه‌ها نفوذ دهد و سطح تولید ما را که امروز ملت ما به آن نیازمند است پایین بیاورد.

سران رژیم بغداد، خواهان صلح نیستند

خبرنگار مجله‌ی شاهد، سؤال کرد: نظر شما در مورد سخنان صدام که در شب گذشته به مناسبت سالروز تأسیس ارتش عراق ایراد کرده و در آن به مسأله‌ی صلح به دو صورت مذاکره با سازمان‌های جهانی و یا مذاکره‌ی مستقیم با دولت ایران اشاره نمود، چیست؟

رئیس‌جمهور در پاسخ گفت: مسؤولان رژیم بغداد، صلح طلب نیستند. آن‌ها به دروغ نام صلح را می‌آورند. صلح احتیاج به شجاعتی دارد که آن‌ها از این محروم هستند. درست است که ضربات را پیوسته و متوالیاً می‌خورند، اما می‌دانند که صلحی که با دست خالی برای آن‌ها تمام بشود، در داخل عراق و در مقابل ملت عراق برای آن‌ها آینده بدی را ترسیم خواهد کرد و آن روزی که رژیم بغداد با ما صلح کند و به هر شکلی و به هر ترتیب مردم عراق حق دارند از او بپرسند که تو، ما را برداشتی، جوانان ما را برداشتی، ثروت‌های ما را برداشتی به داخل خاک ایران رفتی، شانزده ماه بیشتر در آن جا ماندی، این همه نیروی انسانی و این همه ثروت را هدر دادی و حالا با دست خالی برگشتی؟ چرا این کار را کردی؟ فکر می‌کنید سران رژیم بغداد در مقابل این سؤال مردم عراق چه جوابی خواهند داشت. این‌جا فقط یک شجاعت اخلاقی می‌خواهد که با وجود تصویب این آینده کسی خواهان صلح باشد و این شجاعت را سران رژیم بغداد به هیچ وجه ندارند. بنابراین دروغ می‌گویند که صلح را می‌خواهند. صلح طلب ما هستیم. ما معتقدیم صلح که هر ساعتی که زودتر انجام بگیرد به نفع دو ملت است. در کنار این معتقدیم که این صلح بایستی همراه با تشویق متجاوز به تجاوز نباشد. ما مقدمه‌ی صلح و زمینه‌ی صلح را خروج متجاوز اعلام کردیم. بنابراین مثل همیشه معتقدیم رژیم بغداد با ظاهرسازی دم از صلح می‌زند، در حالی که به هیچ وجه آمادگی صلح را نداشته است.

اگر لازم باشد به سنگر نماز جمعه باز می‌گردم

یکی از خبرنگاران سؤال کرد: با توجه به علاقه‌ی مردم به جناب عالی، آیا باز هم شما را در محراب امامت نماز جمعه خواهیم دید یا خیر؟

رئیس‌جمهوری گفت: امیدوارم حال این قدر خوب شود که بتوانم در نماز جمعه شرکت کنم؛ فعلاً وضع من از لحاظ بیماری طوری نیست که بتوانم خطبه‌ی نماز جمعه بخوانم و اقامه‌ی نماز کنم.

وی، ادامه داد: برادرمان آقای رفسنجانی بارها به من این پیشنهاد را کرده است. متأسفانه نتوانستم به دعوت برادرمان پاسخ مثبت بدهم. حسن مطلب این است که من از لحاظ اداری

نماز جمعه نگرانی ندارم، زیرا با کثرت افرادی که امروز به نماز جمعه می‌روند و با خطبه‌های آموزنده و پرمغزی که آقای رفسنجانی ایراد می‌کند من احساس می‌کنم کیفیت نماز جمعه از زمانی که من می‌رفتم نه فقط کمتر نشده، بلکه حتی کیفیت بهتری هم پیدا کرده. از این‌رو صبر میکنم تا حال کاملاً خوب بشود و آن وقت اگر لازم شد البته خواهم رفت.

پیام به ملت‌ها و دولت‌های مسلمان منطقه

خبرنگار مجله‌ی شاهد سؤال کرد: در طلوعی هفته‌ی وحدت که از سوی حضرت آیت‌الله منتظری پیشنهاد شده است، ریاست جمهوری محترم چه پیشنهادی و یا چه پیامی برای مسلمین جهان دارند؟

رئیس‌جمهوری گفت: من پیام خود را به دولت‌ها و ملت‌های مسلمان همین‌جا ابلاغ می‌کنم. پیام من به دولت‌های مسلمان این است که فرض کنند با ایجاد وحدتی برمیانی احتساب به حب‌الله، قدرت عظیمی از نیروهای نزدیک به یک میلیارد مسلمان به وجود بیاورند. قدرتی که هیچ‌یک از سلطه‌های جهانی نخواهد توانست به‌او زور بگوید. نخواهد توانست از او باج بخواند و باج بگیرد. دولتی که خواهد توانست، رفاه، آزادی و سربلندی را برای یکایک مسلمانان و یکایک کشورهای مسلمان به‌ارمغان بیاورد.

توصیه‌ی من به برادران در رأس دولت‌های مسلمان این است که گام اول را در راه این وحدت بزرگ بردارند. گام اول، آشتی با ملت‌ها است. میان دولت‌ها و ملت‌ها باید آشتی و مهربانی به‌وجود آید. تا هنگامی که دولت‌ها حرف می‌زنند به معنی واقعی کلمه از دل و زبان ملت‌ها حرف بزنند، تا کنفرانس‌های جهانی که اشتباه تعدادی از سران دولت‌های اسلامی است به معنای اشتباه یک میلیارد انسان نباشد.

توضیح به سران دولت‌های اسلامی این است که قدر خودشان، قدر ملت‌هایشان و قدر منطقه‌شان و قدر نعمات و الطاف الهی را در این منطقه بدانند. ما در خلیج فارس و در خاورمیانه و در شمال آفریقا قدرت بزرگ اقتصادی هستیم. دنیا به این قدرت اقتصادی نیازمند است. نفت ما، کلید یک زندگی مرفه و آسوده برای همه مردم دنیاست و ما می‌توانیم از این قدرت استفاده کنیم.

پیام من به مناسبت هفتهی وحدت به این برادران و به این سران این است که این نعمت را قدر بدانند. آن را در خدمت اسلام، در خدمت برادری اسلامی و در خدمت ملت های مسلمان قرار بدهند و پیام ما به ملت های مسلمان این است که قدرت خود را احساس کنند. هرگز نباید پنداشت که ملت ها قدرتی نیستند. قدرت اساسی در ملت ها و در میان توده های عظیم میلیونی مخفی و پنهان است. این قدرت را می توان استخراج کرد. می توان از آن استفاده کرد. هم چنان که ملت ما از این قدرت نهایت استفاده را کرد. ما ملت ایران از قدرت عظیم خود مشتی ساختیم و به وسیلهی ضربتی که بر مغز سرسپرده ترین مزدوران آمریکا وارد آوردیم، موازنه ی سیاست جهانی را به هم زدیم. راه را به سوی یک زندگی نو در منطقه، بلکه در دنیا باز کردیم. این تجربه ما باید برای ملت های مسلمان تجربه ی آموزنده ای باشد.

پیام ما به ملت ها همین است که راه تفاهم و آشتی را با یکدیگر در پیش بگیرند. قرآن و اسلام را بیاموزند و رمز پیروزی خود را که اسلام است بشناسند. علت دشمنی سلطه گران بزرگ جهانی را با انقلاب های اسلامی و با انقلاب ما بدرستی بفهمند.

ما در صدد خشونت با هیچ ملت و کشوری نیستیم

اگر در هفتهی وحدت، ملت ها به یاد وحدت عظیم مسلمانان، مصمم بشوند که به اسلام برگردند، مسائل اساسی آن ها حل خواهد شد. پیام من به ملت بزرگ و قهرمان خودمان این است که هم چنان پیشگام و پیشاهنگ باشند. همان طور که امام فرمودند: ما فریاد وحدت سر داده ایم از ایران صدای وحدت بلند بوده است و باید بلند باشد. ملت ایران بداند که در صدد خشونت با هیچ کشوری و با هیچ ملتی نیستیم. ما فقط با آن ها که با ما دشمنی و خصومت می کنند، دشمن هستیم. ما در خدمت آن نیستیم که به ملت ها و کشورها هیچ گونه تعرضی بکنیم، اما پیام انقلاب خودمان، فرهنگ اسلامی عزیزمان را، مفاهیم قرآنی عالی شیوای خودمان را در اختیار همه ملت ها قرار می دهیم. همه می توانند از این ها استفاده کنند.

به امید روزی که ملت های مسلمان در سایه ی وحدت بتوانند به همه مقاصد اسلامی و قرآنی خود برسند. (۱)

مهندس موسوی در مصاحبه با ارگان اتحادیه‌ی دانشجویان لبنان **نخست‌وزیر: ما احساس می‌کنیم که یک ابرقدرت معنوی هستیم**

مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر، در مصاحبه‌ای با مجله‌ی المنطق، ارگان اتحادیه‌ی دانشجویان لبنان گفت: ما احساس می‌کنیم که یک ابرقدرت معنوی هستیم و به هیچ وجه نمی‌توانیم در مقابل ارزش‌هایی که بخواهند به‌ضرر مستضعفین باشند، سر تسلیم فرود بیاوریم.

نخست‌وزیر در این مصاحبه در مورد تثبیت انقلاب و تداوم آن اظهار داشت: پس از حاکمیت یک خط که همان خط اسلام باشد، تداوم انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی سریع‌تر شد و حتی به‌وضوح می‌توان این مسأله را در ادارات و جامعه‌ی ایران مشاهده کرد. نخست‌وزیر، سپس در مورد سیاست «نه شرقی و نه غربی» گفت: این سیاست ابعاد گوناگونی دارد؛ چه در صحنه‌های برون‌مرزی و چه در داخل. من تصور می‌کنم در خارج از کشور، مستضعفان به این نتیجه رسیده‌اند که بدون وابستگی به ابرقدرت‌ها می‌توان زندگی کرد و وابسته نشد.

کشور ما توانسته، بدون اتکا به آمریکا و چین و شوروی، روی پای خود بایستد و این

یک آزمایش و پدیده‌ی جدیدی در جهان است.

وی افزود: ما اگر سیاست «نه شرقی و نه غربی» را پیش نمی‌گرفتیم، نمی‌توانستیم به‌طرف اسلامی‌شدن جامعه گام برداریم.

نخست‌زویر سپس درباره‌ی آینده‌ی طرح فهد اظهار داشت: ما پیش‌بینی گسترش توطئه‌های آمریکا را در منطقه می‌کنیم و من تصور می‌کنم خوی تجاوزگری اسرائیل بیشتر خواهد شد. ما در آینده باید بیشتر منتظر خشونت اسرائیل که ممکن است به‌حملات نظامی منجر شود، باشیم. با این توطئه، آمریکا تلاش بسیار زیادی کرد که کشورهای معترض به‌وجود اسرائیل را در منطقه تضعیف کند تا زمینه‌ای برای مانورهای نظامی خود در خلیج فارس و اقیانوس هند به‌دست بیاورد و به‌اعمال خود در منطقه مشروعیت بخشد. نخست‌وزیر افزود: این توطئه‌ها نه با طرح فهد آغاز شده و نه با شکست آن پایان خواهد پذیرفت.

نخست‌وزیر هم‌چنین گفت: ما، طرح فهد را از دو طریق می‌توانیم بررسی کنیم: یکی از دید عربی و دیگری از دید مکتبی خودمان. از دید تحلیل‌گران غربی این طرح شکست نخورده است و پیروز شده، به‌خاطر این‌که اولین بار شناسایی اسرائیل را در میان کشورهای عربی به‌طور رسمی مطرح کرد و این خود یک پیروزی برای آمریکا و اسرائیل است، اما از دید مکتبی، این شکست بزرگی برای آن‌هاست. ملت‌های منطقه به‌خاطر این طرح، بیشتر به‌ماهیت دولت‌های خود پی می‌برند و روزی که جنایت دولت‌های منطقه بر ملت‌های خودشان آشکار می‌شود این پیروزی بزرگی است که منجر به‌انقلاب گسترده در منطقه خواهد شد.

نخست‌وزیر در مورد روابط بین‌المللی و عرف دیپلماتیک اظهار داشت: ما با این رسوم تا آن‌جا همراه هستیم که با مکتب ما سازگار باشد، بیشتر این عرف‌ها برای حفظ ابرقدرت‌ها وضع شده‌اند و آن‌ها خودشان هرگاه که لازم باشد این عرف‌های بین‌المللی را نقض می‌کنند. ما هم احساس می‌کنیم که یک ابرقدرت معنوی هستیم و به‌هیچ‌وجه نمی‌توانیم در مقابل ارزش‌های بین‌المللی که بخواید به‌ضرر مستضعفین باشد، سر تسلیم فرود بیاوریم.

نخست‌وزیر در پایان در مورد شایعه‌ی دخالت ایران در امور کشورهای دیگر گفت: این

توطئه‌ها برای منفرد ساختن ایران در صحنه‌ی بین‌المللی است. برای این‌که این آمادگی در منطقه به‌وجود بیاید که با هجوم‌های نظامی انقلاب ما را از بین ببرند، ولی ما از این توطئه‌ها احساس وحشت نمی‌کنیم و تصور می‌کنیم که تمام این توطئه‌ها منجر به پشتیبانی بیشتر مستضعفین آگاه منطقه از انقلاب اسلامی ایران خواهد شد و اراده‌ی ملت‌ها را در مقابل این توطئه‌ها قوی‌تر خواهد ساخت.

نخست‌وزیر هم‌چنین گفت: ما به‌هیچ‌وجه قصد مداخله در امور کشورهای دیگر را نداریم.^(۱)

مصاحبه‌ی منتشر نشده‌ای از حضرت آیت‌الله منتظری
شیعه و سنی در هفته‌ی وحدت به تشکیل مجامعی
که مبین اخلاق پیامبر است، پردازند.

فقیه عالی‌قدر، حضرت آیت‌الله منتظری، طی مصاحبه‌ی، نظرات خود را پیرامون مسأله‌ی اختلاف بین شیعه و سنی و علت پیشنهاد هفته‌ی وحدت، اعدام منافقین و تبلیغات سوء دشمنان در این زمینه، مشکلات ما در رابطه با صدور انقلاب... بیان داشته‌اند. ایشان در این گفت‌وگو، خاطر نشان ساخته‌اند که دامن زدن به اختلافات جزئی شیعه و سنی یکی از شگردها و توطئه‌های امپریالیسم جهانی است و شایسته است که برادران و خواهران مسلمان اعم از شیعه و سنی در جهت خنثی کردن این توطئه در هفته‌ی وحدت به برگزاری برنامه‌های عملی در جهت ایجاد وحدت اسلامی پردازند.

این مصاحبه که حاصل گفت‌وگوی یک خانم خبرنگار هندی با حضرت آیت‌الله منتظری می‌باشد، دارای نکات مهمی است که اقدام به درج آن می‌نمایم.

س: مسلمانان هند، از انقلاب شما پشتیبانی کرده‌اند و حال هم پشتیبانی می‌کنند، اما از

کشتاری که اخیراً در ایران به‌وجود آمده، ناراحتی‌هایی دارند و نمی‌دانند که آیا کشتن نوجوانان ۱۲-۱۳ ساله، براساس قوانین اسلام است؟

ج: وقتی یک جوان با یک دسته از جوانان می‌آیند و بزرگ‌ترین شخصیت‌ها را ترور می‌کنند، در خیابان اقدام مسلحانه می‌کنند، اتوبوس‌ها را آتش می‌زنند، توی ساختمان‌ها کوکتل مولوتف می‌اندازند و مردم و پاسداران را می‌کشند، روحانیون را می‌کشند، شخصیت‌هایی مثل آیت‌الله مدنی و آیت‌الله دستغیب و دیگر شخصیت‌های بارزی که در انقلاب سهیم بوده‌اند و هم‌اکنون نقش حساسی در کشور دارند را ترور می‌کنند، این جور افراد را چکارشان باید کرد؟ چگونه باید با اینان عمل کرد؟

شما وقتی به تاریخ مراجعه کنید، در صدر اسلام می‌بینید که چگونه با این‌گونه افراد عمل می‌شده است. آیه‌ی قرآن می‌فرماید: ﴿انما جزا الذین یحاربون الله و رسول یسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلیوا او تقطع ایدیهم وارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذالک لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخره عذاب عظیم﴾^(۱)

من از شما خواهش می‌کنم به مسلمانان هند این جمله را از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه نقل کنید. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه راجع به جنگ جمل می‌فرماید: «اگر چنان‌چه این ارتش جمل که به سرداری طلحه و زبیر بود، فقط یک نفر از مسلمان‌ها را می‌کشند، برای من کشتن همه‌ی این ارتش حلال بود.»

حال، جمعیتی که می‌ریزند در خیابان‌های تهران و اتوبوس آتش می‌زنند، پاسداران را می‌کشند، در مرکز حزب جمهوری اسلامی، بمب می‌گذارند و بیش از ۷۲ تن از شخصیت‌های این مملکت مثل مرحوم شهید بهشتی، نمایندگان مجلس، روحانیون، وزراء، و... را می‌کشند که یکی از آن‌ها پسر من محمد بود (که این‌همه در انقلاب فعالیت داشت) این‌ها را چه بکنند و چگونه با این افراد رفتار بکنند. آیا جلوی فساد را باید گرفت یا نه؟ جزای کسانی که با خدا و پیغمبر خدا جنگ می‌کنند و سعی در ایجاد

۱- سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳۳. (همانا، کیفر آنان که با خدا و رسول او به‌جنگ برخیزند و در زمین به‌فساد کوشند، جز این نباشد که آن‌ها را به‌قتل رسانده یا به‌دور کشند و پا دست و پایشان به‌خلاف ببرند، یا با نفی بلد و تبعید از سرزمین صالحان دور کنند. این ذلت و خواری، عذاب دنیوی آن‌ها است و اما در آخرت باز به‌عذابی بزرگ معذب خواهند بود.)

فساد دارند، جز کشتن چیست؟

این که می‌گویند: بچه‌ی ۱۲ ساله را کشتند، این تبلیغات سو است. کجا بچه‌ی ۱۲ ساله را کشتند؟ این‌ها تبلیغات سوپی است که برای زشت‌شان دادن چهره‌ی انقلاب اسلامی انجام می‌دهند؛ وانگهی این را هم به شما می‌گویم که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: اگر من همدی این ارتش را که حتی یک نفر از مسلمانان را کشته، می‌کشتم، حلال بود. الآن هم این افراد مرتب دارند ترور می‌کنند، دست از کارشان بر نمی‌دارند. هر روز یکی از شخصیت‌های بزرگ این کشور را ترور می‌کنند؛ مع‌ذکب تا آن اندازه‌ای که بشود این‌ها را نمی‌کشد. تنها کسانی را که دست‌بردار نیستند و می‌گویند ما تا آخر هم می‌کشیم و ترور می‌کنیم، این‌ها را اعدام می‌کنند.

س: در هند اختلاف بین شیعه و سنی وجود دارد. امام، چند سال پیش فرموده بودند که هر کس اختلافات را دامن بزند، شیطان بزرگ است. شما که امام و جمهوری اسلامی را قبول دارید، برای از بین بردن این تعصب بی‌جا چه کرده و چه قدمی برای ایجاد وحدت - چه در ایران و چه در هند - برداشته‌اید؟

ج: من به‌سهم خودم، مسأله‌ی هفته‌ی وحدت را پیشنهاد کردم. من دیدم که ولادت حضرت مسیح را مسیحیان در دنیا با چند شوری برگزار می‌کنند، ولی ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را که حیات بشر به واسطه‌ی ولادت اوست، ما اهمیت نمی‌دهیم. یک مسأله هست که اهل سنت ۱۲ ربیع را می‌گویند ولادت پیامبر؛ شیعه ۱۷ ربیع را. من پیشنهاد می‌کنم که یک هفته از ۱۲ تا ۱۷ ربیع به نام هفته‌ی وحدت گذاشته شود و تمام مسلمان‌ها اعم از شیعه و سنی مراسمی داشته باشند و این هفته را شیعه و سنی با هم هماهنگی کنند و به‌ارشاد و تبلیغ معامنی که مبین سیره‌ی پیامبر اکرم و اخلاق پیغمبر اکرم باشد، بپردازند. علی‌ای حال، از این نوع کارها تا به حال شده و امیدوارم که بعد از این هم بشود؛ اگر چنانچه دشمنان ما بگذارند.

چنانچه می‌دانید در کنفرانس طائف، به‌تحریر یک کیسینجر، گفته‌اند که برای شکستن انقلاب ایران سعی کنیم که در ایران جنگ شیعه و سنی راه بیندازیم، حتی اگر بشود کاری کنیم که بعضی از سنی‌ها هم کشته بشوند، این‌ها را وسیله قرار دهیم، سوره‌ای

قرار بدهیم و دامن بزنج شیعہ و سنی.
بالاخره ابرقدرت‌هایی که منافعیشان در معرض خطر است، در این جاها آن‌ها سعی دارند که دامن بزنج به این اختلافات، ولی ما به اندازه‌ی قدرتمان سعی می‌کنیم که اختلافات نباشد.

س: وضع مسلمانان در هند خیلی بد است. شما که مسأله‌ی صدور انقلاب را مطرح می‌کنید، برای آینده و زندگی آن‌ها چه برنامه‌ای دارید؟

ج: اگر چنانچه بگذارند ابرقدرت‌ها انقلاب اسلامی ایران جا بیفتد، بعد کم کم سرایت بکند به کشورهای اسلامی و این‌ها با هم هماهنگ می‌شوند، مسلمان‌ها می‌توانند این منابع نفت و ذخایری که در کشورهای اسلامی دارند را از دست ابرقدرت‌ها خارج کنند. به جای این‌که نفت آن‌ها صرف آمریکا و اسرائیل می‌شود و شیخ یمانی بگوید: من می‌خواهم به مناسبت کریسمس، به غرب کمک کنم و نفت را برایشان بفرستم، خود مسلمانان استفاده می‌کنند. اگر شیخ یمانی مرد مسلمانی بود، به جای این‌که بگوید این نفت باید صرف آمریکا شود، می‌گوید می‌خواهم این نفت را بدهم به کشورهای که ضعیفند و کمبود دارند، می‌خواهم به محرومین که در هندوستان، پاکستان، فیلیپین و جاهای دیگر هستند، کمک کنم.

ولی الآن، اگر هم یک وقتی کمک کنند، منافع استعماری خودشان را می‌خواهند تأمین بکنند، به فکر مسلمان‌ها نیستند. بنابراین اگر چنانچه ان‌شاءالله انقلاب راه بیفتد، وظیفه‌ی همه کشورهای اسلامی است که از ذخایر و منابعی که دارند به مسلمان‌ها در هر جا که هستند کمک کنند.

اما، متأسفانه کشور ما را از اول که انقلاب شد، اصلاً فرصت ندادند که ما بتوانیم کاری انجام بدهیم؛ مخصوصاً که این جنگ را به ما تحمیل کردند و ما ۱۶ - ۱۵ ماه است که نیرو صرف کردیم، کشته دادیم و... ولی امت ما هم چنان استقامت کرده و ما علی‌رغم همه مشکلات، باز هم حاضریم هرگونه سختی را برای حفظ انقلاب اسلامی مان بپذیریم.

اما، عراق با آن همه ذخایری که داشت و کشورهای دیگر هم به آن کمک کردند،

۱۲۶ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

معذالک کمبود دارند. در حالی که ما، در محاصره‌ی اقتصادی هم قرار گرفتیم. هیچ‌جا هم به‌ما کمک نکردند، ولی ما روی پای خود ایستاده‌ایم و همین قدر هم خیلی اهمیت دارد. (۱)

در دیدار با سفرا و کارداران کشورهای اسلامی: رئیس جمهوری، اصول سیاست جمهوری اسلامی ایران را تشریح کرد

به مناسبت بزرگ خاطره‌ی میلاد مسعود نبی اکرم صلی الله علیه و آله، در آخرین روز هفته‌ی وحدت اسلامی، مراسم بزرگداشتی در حضور آقای سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهوری، دکتر ولایتی وزیر امور خارجه و با شرکت سفرا و کارداران کشورهای اسلامی در محل وزارت امور خارجه‌ی کشورمان برگزار شد.

در این مراسم، که با تلاوت آیاتی از قرآن کریم آغاز شد و جمعی از مقامات وزارت امور خارجه نیز حضور داشتند، ابتدا دکتر ولایتی وزیر امور خارجه طی سخنانی ضمن تبریک میلاد مسعود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت: در این روز بزرگ که دل هر مسلمان در سراسر گیتی غرق در شور و شرف گشته و خدای بزرگ را به خاطر نعمت اسلام و تعالیم انسان‌ساز آن سپاس می‌گویید، می‌خواهم در حضور نمایندگان کشورهای اسلامی که اجتماع امروزتان مبین جزئی از احساسات اسلامی ملت‌های شماس، اظهار امیدواری کنم که با تلاش پیگیر و اتحاد زنجیری خود و امت اسلامی خویش را هرچه سریع‌تر به سوی وحدت کلمه و هدف به پیش ببرید.

وزیر امور خارجه در پایان سخنان خود، بار دیگر میلاد باسعادت پیامبر اکرم را تبریک گفت و اتحاد و نیرومندی و مقاومت ملل اسلامی را در مقابل توطئه‌های جهانی و صهیونیزم از خداوند متعال خواستار شد.

سخنرانی سفیر الجزایر

سپس، عبدالکریم غراب، سفیر الجزایر در جمهوری اسلامی ایران، طی سخنانی با اشاره به سالروز تولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت: کسی که نور را برای ضالین آورد و حق را ظاهر کرد و باطل را از میان برد، امر به معروف و نهی از منکر کرد و انسان‌ها را به صراط مستقیم راهنمایی کرد و از ضلالت و شهوات نجاتشان داد و در مکارم اخلاق راهنمایشان بود، امروز روز تولد اوست.

وی، خطاب به حاضرین گفت: اجتماع امروز ما، چندین خاصیت دارد؛ اولاً: زیر سایه‌ی جمهوری اسلامی ایران که عقیده و سیادتش بر اسلام استوار است و پرهیزی قائد اعظم و رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی است و ثانیاً: مصادف شده با هفته‌ی وحدت؛ وحدتی که ایران، دعوت‌کننده‌ی آن است و ان‌شاءالله دول اسلامی با وحدت خود در راه استقلال و آزادی و رهایی از تمام سلطه‌های ابرقدرت‌ها تلاش کنند.

وی، هم‌چنین گفت: ما می‌دانیم که انقلاب عظیم شما، بر اسلام استوار بوده و در راه پیروزی مستضعفین ایران و مستضعفین جهان و از بین بردن سلطه‌های شرق و غرب تلاش می‌کنند و در حال حاضر نیز مشغول جنگ با امپریالیسم و استعمار و اسرائیل باشید. ان‌شاءالله در این راه توفیق حاصل نمایید.

وی، افزود: در این روز مبارک و در این هفته‌ای که ما به خاطر آن جمع شده‌ایم، ان‌شاءالله این امر فراگیر تمام مسلمین جهان خواهد شد.

ان‌شاءالله! به وحدتی حقیقی برای عالم اسلام، دست‌یافته و پیروزی حق بر باطل و عدل بر ظلم را شاهد خواهیم بود.

سخنرانی رئیس جمهوری

در ادامه‌ی این مراسم، آقای سید علی خامنه‌ای، رئیس جمهوری کشورمان طی سخنانی گفت: برادران عزیز! سفرا و نمایندگان سیاسی ممالک اسلامی! میلاد با سعادت و پربرکت رسول خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله را به شما و به مسلمانان سراسر جهان تبریک می‌گویم و از خدای تبارک و تعالی مسألت دارم که همدی ما را در راه اجرای دقیق و صحیح احکام تعالی بخش و انسان‌ساز اسلام، موفق گرداند.

ندای وحدت و اخوت اسلامی که ۱۴۰۰ سال پیش از جزیره‌العرب برخاست و آن اخوت و وحدتی که رسول خدا مبشر آن بود، امروز بیش از هر زمان دیگر باید آویزه‌ی گوش ما مسلمانان باشد و من مایلم در زادروز پیامبر عظیم‌الشان اسلام، نکاتی را در این زمینه با شما برادران مطرح کنم و یک‌بار دیگر موضع جمهوری اسلامی ایران را با شما در میان گذارم. همدی شما آگاهید که امسال در ایران اسلامی از دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول، هفته‌ی وحدت برگزار شد.

هدف ما از برگزاری این مراسم، یادآوری مجدد این کلام خدا که می‌فرماید: ﴿واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا﴾، چرا که اعتقاد داریم مسلمانان جهان تنها با «اعتصام» به «حبل‌الله» و احتراز از «تفرقه» قادر خواهند بود با دشمنان جهانی خود مقابله کنند.

دشمنان مشترک ما و در رأس آن‌ها امپریالیسم بین‌المللی و صهیونیسم جهانی از آن‌جا که وحدت مسلمانان را در تضاد با سلطه و غارتگری خود می‌بینند، توطئه‌های گوناگونی را آغاز کرده‌اند. هدف آنان در کل در فشار قرار دادن مسلمانان و ایجاد فاصله میان دولت‌ها و ملت‌های مسلمان است و باید با تلخی اعتراف کرد که در این مقصود تا حدود زیادی موفق نیز شده‌اند؛ اما به جز این، مقاصد ویژه‌ای را هم تعقیب می‌کنند که اهم آن‌ها کسب ساختن انقلاب اسلامی ایران است. این مقصود مهمی است که دو ابرقدرت و دیگر سلطه‌های بزرگ، حاضرند بر آن تا هر جا که برای آنان ممکن و مقرون به صرفه باشد، سرمایه‌گذاری کنند و لذاست که می‌بینید امروزه همه‌گونه حملاتی از سوی آنان مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌گیرد؛ از تهاجم نظامی تا تهاجم تبلیغاتی، از توطئه‌های زیرزمینی تا توطئه‌ی سکوت.

اصول سیاست جمهوری اسلامی

البته شما نیز مانند همه به خوبی می دانید که این دشمنی و این حملات از تصادف نیست، علت اصلی و واقعی این عداوت و کینه را باید در جهت گیری های انقلاب ما که در سیاست روشن جمهوری اسلامی ایران منعکس است، جست و جو کرد. این سیاست، مبتنی بر اصولی است که اهم آن عبارتند از:

۱ - اعتقاد به حاکمیت **«الله»** و پذیرفتن شریعت اسلامی به عنوان پاییدی کلیدی قوانین کشور.

۲ - عدم وابستگی به شرق و غرب که در شعار «نه شرقی - نه غربی» خلاصه شده است.

۳ - اهمیت دادن به وحدت میان مسلمین جهان و کوشش بلیغ در جهت ایجاد و حفظ این وحدت.

۴ - اهتمام جدی در جهت بازپس گرفتن حقوق مسلمین جهان از قدرت های غارتگر جهانی و مبارزه با هر اقدام و حرکتی که در جهت سلطه ی ابرقدرت ها در منطقه باشد.

۵ - اهتمام جدی به مسأله ی قدس و دیگر سرزمین های غصب شده ی فلسطین و آمادگی برای مبارزه ی همه جانبه با دشمن صهیونیست.

۶ - بازگشت به فرهنگ غنی و اصیل اسلامی و قرآنی که سدر راه دشمنان و خار چشم غارتگران است؛ از جمله زبانی عربی که ما آن را زبان بین الملل اسلامی می دانیم و حتی اجباری کردن آموزش آن در مدارس به دستور قانون اساسی.

این ها بعضی از مهم ترین نقاط سیاستی هستند که دشمن را نسبت به ما بسیج کرده است. همین جا باید بر این نکته تأکید کنم که همین اصول در واقع پشتوانه های قدرت و مقاومت ما نیز هستند و چنین است که ما تاکنون تسلیم فشارها نشده ایم و هرگز هم نخواهیم شد.

تبلیغات دشمن بزرگ و جهانی ما که حجمی معادل عظیم ترین شبکه های تبلیغاتی را دارا است، علیه ما نخواهد توانست ما را به زانو درآورد، بلکه این خود تبلیغاتچی ها هستند که بر اثر تناقض گویی ها و دروغ های آشکار، رسوا می شوند.

امروز، هر دروغی که از بلندگوهای دشمنان ما یا دست نشانده گان شان خارج شود،

به وسیله همه عوامل تبلیغاتی و با شیوه‌های گوناگون در همه جا تکرار می‌شود و البته پول‌های گزافی هم خرج این کار می‌گردد، اما مثلاً خبر بمباران شهرهای ما به وسیله همسایه‌ی حقیر و بی‌خرد و سرسپرده‌ی ما که تقریباً به‌طور مرتب هر روز انجام می‌شود و چه بسیار چشم غیرایرانی نیز آن را دیده است؛ مانند فریادی که در قبرستان بلند شود، هیچ انعکاس و تکراری نمی‌یابد. با این همه، شک نداریم که امروز آبروی تبلیغاتی عراق با وجود حمایت شبکه‌های تبلیغاتی امپریالیستی و صهیونیستی از آن، بسیار متزلزل شده است. شما ملاحظه کنید، عراق در تبلیغات خود، ما را نژادپرست می‌نامد و در این در حالی است که هنوز هیچ‌کس از ما کمترین کلمه‌ای که نشانه‌ی فارسی‌گرایی باشد، نشنیده و جز اسلام، انگیزه‌ای از ما بروز نکرده است؛ و ساده‌لوحان بغداد برای این که جنگ را عربی وانمود کنند، مرتباً دم از «عربیّت» می‌زنند! آیا کسی هست که باور کند ایرانیان با مردم «عرب» مخالفند؟

عرب‌های خوزستان که با صدام می‌جنگند و عرب‌های عراق که برای پیروزی‌های ایران در جنگ کف می‌زنند و ملت عرب در سراسر منطقه که با شیفتگی به انقلاب و حرکت ما می‌نگرند، این ادعا را تکذیب می‌کنند. همه می‌دانند و اگر کسانی نمی‌دانند، بدانند که جنگ نه فقط عربی که عراقی هم نیست و فقط صدامی است و از همین قبیل است ایجاد این شایعه که «ایران با آمریکا و دشمن صهیونیست، معامله‌ی سلاح می‌کند»، در همان حال که شایعه‌ی دیگری هشدار می‌دهد که جمهوری اسلامی قریباً به‌دامن روس‌ها خواهد افتاد. این دو که هر یک دیگری را تکذیب می‌کند هر کدام به‌تنهایی نیز دروغ‌بی‌ریشه‌ای بیش نیست که رفتار ما، سیاست ما، شعار ما و عکس‌العمل قدرت‌های جهانی در برابر ما، آن را بی‌اعتبار می‌سازد و از همین قبیل است شایعات بی‌پایه‌ی دیگری که همه از آن مطلع‌اند و نیازی به تکرار و تکذیب آن نیست.

باری! آن اصول ما است که با همه توان بدان پای بند هستیم و مردم ما در شعارهای خود که در طول انقلاب و پس از پیروزی با ده‌ها زبان آن‌ها را تکرار کرده و با خون خود در همه‌جای این کشور بزرگ به‌ثبت رسانده‌اند. این‌ها چیزهایی نیستند که جمهوری اسلامی ایران بتواند از آن انصراف یابد.

و این نیز دشمنی‌های دشمن غدار ماست و شما نزدیک به سه سال است که از دور و نزدیک، این دشمنی‌ها را می‌بینید و می‌شنوید.

ما هرگز نیندیشیده‌ایم که اندیشه‌ی انقلابی ما و روش عملی جمهوری اسلامی باید به قهر و زور به دیگران تحمیل شود. ما هرگز فکر تعرض و تجاوز به هیچ کشوری را در ذهن نگذرانده‌ایم و در مرزهای غربی خود تا دشمن گستاخی را در خاک خود ندیدیم، ضربات خود را متوجهی وی نکردیم. ما هرگز لازم ندانستیم که تبلیغات شیطنت‌آمیز دشمنان خود را که ما را به دخالت در امور دیگران متهم می‌کردند، با چیزی بیش از رفتار آرام و متین خود پاسخ گوئیم و البته هرگز از دشمن تفرقه‌انگیز و توطئه‌گر چیزی غیر از این تبلیغات را هم انتظار نبرده‌ایم.

برادران! من به عنوان امین و معتمد این ملت بزرگ، به شما و توسط شما به همه مسلمانان عالم و به همه ملت‌های محروم و مستضعف جهان و به همه دولت‌هایی که می‌خواهند حقیقت را بدانند، اعلام می‌کنم که دشمنان ما از وحدت بین مسلمانان به وحشت و هراس افتاده‌اند و می‌خواهند با تبلیغات دروغ ما را از هم جدا کنند، تا به سلطه و مطامع آنان لطمه وارد نشود. آنان از وحدت مسلمین که نیروی انسانی کافی و ذخایر مادی فراوان و از همه مهم‌تر دین تعالی بخش اسلام پشتوانه‌ی آن است به شدت بیمناکند و به تجربه دریافته‌اند که مسلمین در سایه‌ی وحدت اسلامی قادر به مقابله‌ی جدی با سلطه‌ی ابرقدرت‌ها هستند.

آن‌ها دیدند که ملت مسلمان ایران با وحدت کلمه توانست انقلاب شکوهمند اسلامی خود را بدون اتکا به قدرت‌های بزرگ و کوچک جهانی به پیروزی برساند و توانست آن‌را با همه مشکلاتی که در سرازه این ملت بزرگ ایجاد کردند با حفظ شعار «نه شرقی - نه غربی» و بدون انحراف از اصول و احکام شریعت اسلام به پیش ببرد. تجدید شخصیت انسانی در این ملت فداکار، آنان را به هراس افکنده و مایل نیستند این تجربه در سطحی وسیع‌تر و به وسیله‌ی ایجاد جبهه‌ی متحد اسلامی تکرار شود.

برادران! ما به هیچ کس نیازی نداریم. ما اتکا به خود را پلرها و پلرها آزموده‌ایم. ما از قرآن آموخته‌ایم: «مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» و به این کلام الهی و آسمانی ایمان داریم. به علاوه ما بر اثر مقاومت‌های پیاپی خود، امروز بیش از همیشه احساس قدرت و مقاومت

مهندس موسوی نخست‌وزیر فروش فعلی نفت، تکافوی همه برنامه‌های اقتصادی ما را می‌کند

مهندس موسوی نخست‌وزیر دیروز در مصاحبه‌ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات خود را پیرامون مسائل جاری کشور بیان داشت.

وی ابتدا درباره‌ی شایعه‌ی درخواست ایران برای دریافت وام از بانک‌های اروپایی گفت: این خبر، کذب محض است و از سوی محافل پرطمع و سرمایه‌دار و طرفداران آمریکایی ژاپنی پخش شده است. ما نیازی به گرفتن وام از ژاپن و از جایی دیگر نداریم و فروش فعلی نفت ما تکافوی چرخش همه برنامه‌های اقتصادی ما را می‌نماید. من در پخش این نوع اطلاعات، توطئه‌ای را از سوی جناح‌هایی در ژاپن می‌بینم که می‌تواند برای منافع ژاپن در منطقه و خلیج فارس خطرات جدی به‌بار بیاورد. این محافل ژاپن باید تاکنون فهمیده باشند که ایران حاضر نیست تسلیم شانتاژ شود. کمپانی‌های ژاپنی باید هرچه سریع‌تر موضع خود را در مورد ادامه یا عدم ادامه‌ی تکمیل مجتمع پتروشیمی اعلام کنند. ما آن‌قدرت تکنولوژی و مالی را در خود می‌بینیم که در مدتی کوتاه بخش‌هایی از این مجتمع را به‌کار اندازیم و

فروش فعلی نفت، تکافوی همه ... ۱۳۵

کسانی در جهان هستند که در مقابل پول ما حاضرند در مورد اتمام بخش‌های باقیمانده‌ی آن، به ما کمک کنند.

نخست‌وزیر افزود: من تعجب می‌کنم که جناح‌هایی در ژاپن هستند که با گذشت سه سال از انقلاب اسلامی ما، هنوز متوجه نشده‌اند که ما حاضر نیستیم با کشوری که بخواهد از موضع قدرت یا فریب با ما وارد گفت‌وگو شود، روابط خوشآیندی داشته باشیم؛ حال این قدرت می‌خواهد غربی باشد، یا شرقی، فرانسوی باشد یا ژاپنی.

تصفیه در ادارات

وی در پاسخ این سؤال که نظر شما پیرامون سخنان صریح امام درباره‌ی تصفیه‌ی ادارات چیست، گفت: در این زمینه وزیران و مسئولین باید قاطعانه عمل کنند. خوشبختانه چهارچوب‌های قانونی این مسأله آماده است. هیأت‌های مربوط به‌بازسازی در اکثر وزارت‌خانه‌ها تشکیل شده و طبیعی است با شروع فعالیت این هیأت‌ها باید منتظر گزارشات لازم در این زمینه باشیم و امیدواریم با رعایت تمام جوانب، این قانون حق شخصی ضایع نشود و کسانی که به‌کشور اسلامی خود و انقلاب علاقه‌مندند در ادارات تثبیت شوند و کسانی که فاسد هستند و یا به‌هرنحوی در مسیر کار مانع می‌شوند، تصفیه شوند. ملت ما نمی‌تواند تحمل اداری را بکند که به‌جای کار در آن‌جا کاغذبازی می‌شود و یا یک نفر در یک مسؤولیت کوچک و یا مهم کارشکنی می‌کند.

نخست‌وزیر افزود: مردم به‌کارمندان خدمت‌گزار انقلاب علاقه دارند و آنان را از خود می‌دانند و از کسانی که به‌هرنحوی کارشکنی می‌کنند نفرت دارند. به‌عقیده‌ی من، خود اکثریت کارمندان زحمت‌کش باید مواظب کسانی که ناراضی‌تراشی می‌کنند باشند.

شایعه‌ی خرید اسلحه از شوروی

وی سپس در مورد گزارش روزنامه‌های آمریکایی مبتنی بر این‌که ایران از شوروی اسلحه می‌خرد، اظهار داشت: نقشی آن‌ها در مورد شایعه‌ی خرید اسلحه از اسرائیل شکست خورده و حالا به‌شوروی چسبیده‌اند. ما برای این دروغ‌ها ارزش قائل نیستیم و علت پیروزی ما

۱۳۶ هجری بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

موشک‌های غربی و شرقی نیستند، بلکه ایمان رزمندگان ما است. مسلماً ما اگر سلاح بیشتر و بهتری داشتیم، زودتر جنگ را تمام می‌کردیم.

نخست‌وزیر افزود: ما حاضریم ده سال تمام با کوکتل مولوتف‌ها و سهرای‌های خودمان بجنگیم، ولی به‌خاطر نیازمان به اسلحه، باج به‌بیبگانه ندهیم. در جنگ، آن‌چه تعیین‌کننده است، اعتقاد است، نه زرادخانه و اگر در میان کشورهای جهان، دولتی هنوز بینش ملت ما را نفهمیده، خیلی باید خرفت باشد.

به‌هرحال، وقتی من این شایعات را از طرف آمریکایی‌ها می‌شنوم یا می‌خوانم، یادگفته‌ی فقیه عالی‌قدر آیت‌الله منتظری می‌افتم که فرمود: در شعارهایتان مرگ بر آمریکا فراموش نشود.

ادامه‌ی حملات

سپس، نخست‌وزیر درباره‌ی جنگ تحمیلی گفت: زنجیره‌ی حملات ما پایان نیافته و حملات تا خرد کردن کامل رژیم بعثی عراق ادامه خواهد داشت. رقم بودجه‌ی جنگی در لایحه‌ی سال ۶۱، نشان‌دهنده‌ی اراده‌ی دولت برای جنگ تا پیروزی است و ما در قسمت‌های شمالی، بخشی از خاک عراق را در اختیار داریم.

مهندس موسوی در پاسخ این سؤال که شایعات زیادی در مورد میانجی‌گری در زمینه‌ی جنگ تحمیلی به‌گوش می‌رسد، اظهار داشت: میانجی‌گری فایده‌ای ندارد، مستجاوز باید از خاک ما با خفت بیرون برود و غرامت بپردازد. بهتر است کسانی که به‌میانجی‌گری فکر می‌کنند و در حقیقت در مورد بقا و یا فتنای خود فکر می‌کنند، با کمک‌های میلیاردری خود به‌طول جنگ نیازایند؛ هرچه این جنگ بیشتر طول بکشد به‌ضرر خود آنان است.

مهندس موسوی در پاسخ این سؤال که نظر شما در مورد جنایات ارتش بعثی صدام در جنوب کشور چیست؟ گفت: این‌هایی که این جنایات هولناک را انجام می‌دهند، نظامی نبوده‌اند، بلکه حیوان بوده‌اند و ما انتقام سختی از آنان خواهیم گرفت. من به‌روان آن زنان مستضعف و با شرف هم‌وطن خودمان درود می‌فرستم و اطمینان می‌دهم که نیروهای رزمنده‌ی ما درس سختی را به‌اراذل عقلی خواهند آموخت.

فروش فعلی نفت، تکافوی همه ... ۱۳۷

نخست‌وزیر در پایان افزود: صیدا و سیما؛ مخصوصاً بخش برون‌مرزی آن باید عمق این جنایات هولناک را به گوش همه مسلمانان و اعراب جهان برساند و وزارت امور خارجه هم در این زمینه در سطح جهان افشاگری نماید.^(۱)

وزیر کشور: آمریکا و شوروی با آگاهی از سقوط حتمی صدام، از هم اکنون برآنند، وضع عراق را به نفع خود تغییر دهند

حجت الاسلام ناطق نوری وزیر کشور که به همراه «زارع» معاون طرح و برنامه‌ی این وزارتخانه و فرماندهی ژاندارمری و رئیس شهربانی جمهوری اسلامی ایران برای بازدید از شهرستان ارومیه و بررسی مشکلات منطقه به این شهرستان سفر کرده بود، سه‌شنبه‌ی گذشته به اتفاق همراهان، پس از شرکت در مراسم صبحگاهی مشترک نیروهای جمهوری اسلامی ایران در پادگان لشکر ۶۴ ارومیه و سخنرانی در این پادگان، ارومیه را به سوی تهران ترک کرد. براساس این گزارش، وزیر کشور در مراسم صبحگاهی لشکر ۶۴ ارومیه که با شرکت فرمانده و دیگر پرسنل و یگان‌های لشکر ۶۴ ناحیه‌ی ژاندارمری، شهربانی و پاسداران انقلاب اسلامی برگزار شد در سخنانی ضمن اشاره به صفوف منظم برادران ارتشی یادآور شد که امروز صفوف منظم و خدمت شما به ملت، قلب رسول الله و حضرت ولی عصر را شاد می‌کند و ما باید سپاسگزار خداوند متعال باشیم که پیروزی انقلاب اسلامی فاصله‌ها را از میان برداشته و فرزندان اسلام را در خدمت الله، قرآن، رسول الله و امام زمان قرار داده است.

وزیر کشور با اشاره به توطئه‌های آمریکا و عوامل مزدور در داخل و خارج از کشور

علیه جمهوری اسلامی ایران گفت: به یاری خداوند و به برکت دعای ملت شهیدپرور ایران، امروز همه ابرجنایت‌کاران به شکست خود در مقابل این انقلاب خدایی اعتراف می‌کنند و پس از یک سال و چند ماه جنگ تحمیلی، نشریه‌ی واشنگتن پست نیز به بزرگواری ارتشیان و پاسداران انقلاب اسلامی و شکست صدام مزدور مهر تأیید زده است.

وزیر کشور افزود: هم‌چنان‌که ملت شهیدپرور با ایثار و با شهید دادن‌ها، پوزه‌ی آمریکا و عوامل مزدورش را در جنگ تحمیلی به خاک می‌مالد، ان‌شاءالله به‌زودی گروهک‌ها و ضدانقلاب داخلی را نیز به‌زباله‌دانی تاریخ خواهد فرستاد.

حجت‌الاسلام ناطق نوری سپس با اشاره به وضع ناپایدار عراق گفت: آمریکا و شوروی با اطلاعاتی که از وضع عراق کسب کرده‌اند و از سقوط حتمی صدام مطمئن شده‌اند، از هم‌اکنون نیروهای سیاسی مخالف را به‌داخل عراق سرازیر کرده‌اند که پس از سقوط صدام، وضع را به‌نفع خود تغییر دهند.

وزیر کشور در بخشی دیگر از سخنان خود با اشاره به خیانت‌ها و جنایت‌های رژیم قبلی در ارتش، تأکید کرد که امروز ارتش و دیگر نیروهای جمهوری اسلامی ایران نه در خدمت فرد و نه در خدمت گروه و قشر خاص، بلکه در خدمت الله و قرآن و اسلام عزیز هستند.

وزیر کشور هم‌چنین در گفت‌وگویی با واحد مرکزی خبر، نشست‌های دیروز (دوشنبه) خود با مسؤولان امور استان آذربایجان غربی را مفید و ثمربخش خواند و گفت: از این‌که دیدم برادران ما از همه نهادها و ارگان‌ها با روحیه‌ی خیلی عالی و وحدت کلمه اظهار می‌دارند که ما این قدرت و توان را داریم که ان‌شاءالله متحداً ضدانقلاب، نیروهای مسلح غیرقانونی و مزدوران ابرقدرت‌ها را از سرزمینمان بیرون برانیم، بسیار لذت بردم.

ناطق نوری وزیر کشور در بخش دیگری از این گفت‌وگو یادآور شد که آمریکا و مزدورانش اکنون به‌این نتیجه رسیده‌اند که از راه‌های نظامی و اقتصادی نمی‌توانند بر ما فائق آیند، لذا سعی دارند از طریق دیگری وارد بشوند و آن ایجاد تفرقه و نفاق است، دشمن گاهی در سیستان و بلوچستان و زمانی در کردستان مسأله‌ی شیعه و سنی را مطرح می‌کند و گاهی بحث ترک و کرد را به‌میان می‌آورد و بالاخره با عنوان کردن مسائل تفرقه‌انگیز قصد دارد ملت ما را به‌جان هم اندازد.

امیدواریم ملت ما؛ مخصوصاً برادران و خواهران عزیز آذربایجان غربی همانند همیشه با این مسأله نیز هشیازانه برخورد کنند تا بتوانیم با کنار گذاشتن اختلاف سلیقه‌های جزئی، نیروهایمان را متوجه کنیم و ان‌شاءالله دشمنان را از سرزمین اسلامی مان بیرون برانیم. وزیر کشور هم چنین در پاسخ سؤالی پیرامون برنامه‌های وزارت کشور ضمن اشاره به تغییراتی در وزارتخانه در سطح مدیران کل و تعیین استان‌داران جدید و کوشش‌هایی که در زمینه‌ی تهیه‌ی طرح تقسیمات کشوری به عمل آمده به موضوع انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی پرداخت و گفت: مقدماتی برای انتخابات در شهرهایی که تاکنون انتخابات صورت نگرفته، فراهم شده و در این زمینه اولویت را به شهرهای آذربایجان غربی و کردستان داده‌ایم.^(۱)

در ادامه این نشست، وزیر کشور گفت: «در این نشست، در مورد تقسیمات کشوری، به خصوص در مورد تقسیمات کشوری در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان، به بحث پرداختیم. در این زمینه، اقدامات زیادی انجام داده‌ایم و در این زمینه، اولویت را به شهرهای آذربایجان غربی و کردستان داده‌ایم.»

وزیر کشور در ادامه گفت: «در این نشست، در مورد تقسیمات کشوری، به خصوص در مورد تقسیمات کشوری در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان، به بحث پرداختیم. در این زمینه، اقدامات زیادی انجام داده‌ایم و در این زمینه، اولویت را به شهرهای آذربایجان غربی و کردستان داده‌ایم.»

وزیر کشور در ادامه گفت: «در این نشست، در مورد تقسیمات کشوری، به خصوص در مورد تقسیمات کشوری در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان، به بحث پرداختیم. در این زمینه، اقدامات زیادی انجام داده‌ایم و در این زمینه، اولویت را به شهرهای آذربایجان غربی و کردستان داده‌ایم.»

وزیر کشور در ادامه گفت: «در این نشست، در مورد تقسیمات کشوری، به خصوص در مورد تقسیمات کشوری در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان، به بحث پرداختیم. در این زمینه، اقدامات زیادی انجام داده‌ایم و در این زمینه، اولویت را به شهرهای آذربایجان غربی و کردستان داده‌ایم.»

وزیر کشور در ادامه گفت: «در این نشست، در مورد تقسیمات کشوری، به خصوص در مورد تقسیمات کشوری در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان، به بحث پرداختیم. در این زمینه، اقدامات زیادی انجام داده‌ایم و در این زمینه، اولویت را به شهرهای آذربایجان غربی و کردستان داده‌ایم.»

وزیر کشور در ادامه گفت: «در این نشست، در مورد تقسیمات کشوری، به خصوص در مورد تقسیمات کشوری در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان، به بحث پرداختیم. در این زمینه، اقدامات زیادی انجام داده‌ایم و در این زمینه، اولویت را به شهرهای آذربایجان غربی و کردستان داده‌ایم.»

وزیر کشور در ادامه گفت: «در این نشست، در مورد تقسیمات کشوری، به خصوص در مورد تقسیمات کشوری در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان، به بحث پرداختیم. در این زمینه، اقدامات زیادی انجام داده‌ایم و در این زمینه، اولویت را به شهرهای آذربایجان غربی و کردستان داده‌ایم.»

وزیر کشور در ادامه گفت: «در این نشست، در مورد تقسیمات کشوری، به خصوص در مورد تقسیمات کشوری در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان، به بحث پرداختیم. در این زمینه، اقدامات زیادی انجام داده‌ایم و در این زمینه، اولویت را به شهرهای آذربایجان غربی و کردستان داده‌ایم.»

تاریخ: ۱۳۶۰

در این کتاب، به بررسی و تحلیل وضعیت موجود و آینده نظام آموزشی کشور پرداخته شده است. در این کتاب، به بررسی و تحلیل وضعیت موجود و آینده نظام آموزشی کشور پرداخته شده است. در این کتاب، به بررسی و تحلیل وضعیت موجود و آینده نظام آموزشی کشور پرداخته شده است.

در این کتاب، به بررسی و تحلیل وضعیت موجود و آینده نظام آموزشی کشور پرداخته شده است. در این کتاب، به بررسی و تحلیل وضعیت موجود و آینده نظام آموزشی کشور پرداخته شده است. در این کتاب، به بررسی و تحلیل وضعیت موجود و آینده نظام آموزشی کشور پرداخته شده است.

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با روزنامه‌ی اطلاعات پیرامون مسائل مختلف کشور (۳ بهمن ماه ۱۳۶۰)

س - همان طور که می‌دانید و ما نیز از علمای روحانی خود - کسانی چون خود شما - آموخته‌ایم که انتقاد سازنده و غیرخواهانه جزو وظایف اساسی مسلمانان و خصوصاً مهم یک مجتمع اسلامی است. حکومت اسلامی ما نیز، حداهلای و فادهای خود را با اصل انتقاد در عمل ثابت کرد و تا مرز پدید آمدن خطرهای جدی برای موجودیت نظام، مسامحه نشان داد.

«متأسفانه، کارنامه‌ی سیاه سردستی «لیبرال‌ها» و «منافقین» در این حوزه تجربه‌ی تلخی برای مردم ما به‌جای گذاشت. خیانت‌های آنان در این مورد، علی‌رغم مرگ سیاسی آن‌ها، جوّ متشنجی به‌وجود آورد؛ طوری که با دیدن نخستین علایم انتقاد، هزاران مسئولی هراسان شد و انتقادکننده را به سوءظن، ادا می‌دهند؛ راه آنان تلقی کرده و به قول معروف (مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد)، چنین وضعی در برخی موارد، افزوده را از انتقاد می‌هراساند و تحمل را از آنان می‌گیرد؛ به طوری که ممکن است موجب این شود که به انتقاد و انتقادکننده اتهام‌هایی وارد کنند؛ مثلاً در یکی از اعلامیه‌های اخیر آیت‌الله منتظری، مشابهی این وضع

به وجود آمد.

ما اکنون، تحقق عینی روح انتقاد را در مجلس و سخنان نمایندگان احساس می‌کنیم؛ اما این روح انتقادی در بیرون از مجلس کمتر دیده می‌شود.

شما به عنوان رئیس مجلس و امام جمعه، و آگاه به مسائل اسلامی بگویید که اولاً، وظیفه‌ی مطبوعات در چنین جوی چیست؟ ثانیاً، درباره‌ی مطالبی که آیت‌الله منتظری، در همین مورد طی اعلامیه‌ای مطرح کرده و هشدار داده‌اند، چه توضیحاتی دارید؟

ج: من اول به سؤال آخر شما که به اختصار مطرح کردید، پاسخ بدهم؛ سپس اصل مسأله را توضیح خواهم داد. این که وظیفه‌ی شما چیست؟ من فکر می‌کنم، وظیفه‌ی شما انتقاد است. به نظر من، نباید مطبوعات نقش اساسی خود را که نظارت و مواظبت بر جریان‌های کشور است، هرگز فراموش کنند. آگاه کردن مردم از نقاط ضعفی که احياناً وجود دارد و باید با کمک همه اصلاح بشود، در شمار وظایف اصلی روزنامه هاست. ممکن است که به دلیل سوءظن‌ها تحریک بشود؛ مثلاً همین سوءظن نسبت به انتقاد و عملیات اخلاص‌گرانه‌ی اخیر که شاهد آن بودیم. من فکر می‌کنم در شرایط فعلی، به خصوص با حضور شماها در مطبوعات و روزنامه‌های پرتیراژ، دیگر کسی نسبت به انتقاد مطبوعات سوءظن نداشته باشد.

باید انتقاد کنید! حتماً این کار را بکنید! همان‌طور که گفتید، خودمان داریم همین کار را می‌کنیم؛ چون کسی نسبت به مجلس سوءظن ندارد. مجلس، وزیری را می‌خواهد، وزیر هم می‌آید. اعتراض‌ها بیان می‌شود، وزیر هم پاسخ می‌دهد.

ما مایل هستیم که حتماً در روزنامه‌ها انتقاد باشد. البته اگر انتقادات حساب‌شده، سالم، دقیق و مستند باشد، واقعیت‌ها پایمال نخواهند شد.

اما در مورد مقدماتی که شما در طرح سؤالتان گفتید، باید بگوییم که در یک جامعه‌ی انقلابی که مسائلی از پیش به‌طور قالبی قابل تنظیم نیست، وضع همین‌طور است. وقتی دیکتاتوری زمان پهلوی فرو ریخت، همه‌ی قید و بندها برداشته شدند. به طبع، با چنین دگرگونی، هرکسی یک‌تصور از این انقلاب داشت. هیچ‌کس به تنهایی در این مورد تخصص نداشت. همه نوع آدمی وجود داشت. آدم‌های خوب، بد،

مقروض و فرصت طلب فراوان بودند. با این وضعیت، هرکس بنابه محتوای فکر خودش، مشغول بهره‌برداری از این انقلاب شد.

افراط در سوءاستفاده از آزادی

وضع‌ی که در نتیجه‌ی یک چنین شرایطی به وجود آمد، طبیعتاً دوایی نداشت. در کجای دنیا سابقه دارد که از دانشگاه‌ها، از رادیو و تلویزیون و از همه‌ی امکانات دولت، علیه خود دولت استفاده کنند؟ مسلم است که آن افراط‌ها، چنین تفریط‌هایی هم به دنبال دارد.

آن‌ها می‌خواستند از کلاس‌های درسی که با پول مردم دایر شده، علیه خود مردم سوءاستفاده کنند. به جای آن که بیایند و از آزادی‌های موجود در جمهوری اسلامی قدردانی کنند، آمدند و صحبت از خفقان و دیکتاتوری حزب حاکم کردند. فلان شخص می‌دند که نمی‌گذارند وارد مجلس شود، می‌گفت: «شما، بد تبلیغ کردید!» یا فرض کنید، مردم می‌رفتند یک جریان باطلی را لو می‌دادند، می‌گفت: «چرا مردم این کار را کردند؟» او به خود حق می‌داد که هرچه می‌خواهد فساد کند، اما مردم حق نداشتند بروند اطلاع بدهند. به نظر او، مردم جاسوس می‌شوند.

شما همه‌ی آن افراط‌کاری‌ها را دیدید. در همان موقع هم ما را محکوم می‌کردند پشت تریبون مجلس، دیدید که این آقایان چه می‌کردند؟ سلامتیان و غضنفرپور - و آن‌ها که همین الآن هستند - در مجلس حرف‌هایشان را می‌زدند و بعد هم می‌رفتند در امجدیه میتینگ راه می‌انداختند. باز با این حال می‌گفتند: «رئیس مجلس نمی‌گذارد حرف‌هایمان را بزنیم!»

برای روزنامه‌هایشان از همین امکانات بنیاد مستضعفان و مؤسسه‌ی کیهان استفاده می‌کردند. از همه‌ی روزنامه‌های دیگر؛ از جمله اطلاعات هم استفاده می‌کردند. در کیهان عکس بزرگ سعادت‌ی را در صفحه‌ی اول چاپ می‌کردند؛ بعد هم هرچه می‌خواستند، می‌نوشتند. با چنین کارهایی، حقشان بود که تحت فشار قرار بگیرند. آن چنان هرج و مرجی راه انداخته بودند که می‌خواستند، بنیان مملکت را بهم بریزند

و خون این همه شهید را پایمال کنند. در همین جنگ که راه افتاد، چقدر این‌ها مسؤول بودند؟ هیچ کشور در حال جنگی نیست که در پشت جبهه‌اش، ستون پنجم بتواند تا عمق طرح‌های جنگی هم نفوذ کند. این‌ها در میدان جنگ هم از فساد، فروگذار نکردند. چه روزنامه‌هایی بودند که در آن روز پشت سر این‌ها عمل می‌کردند؟ روزنامه‌ی انقلاب اسلامی بود که علیه روزنامه‌ی جمهوری اسلامی و مجلس می‌نوشت. اگر یک کلمه در مجلس گفته می‌شد، همان را بزرگ می‌کردند و می‌نوشتند: «مجلس دلرد ارتش را تضعیف می‌کند».

این موقعیت‌ها، هم برای ما و هم برای آن‌ها درس خوبی شد. به آن‌ها درس می‌دهد که سوءاستفاده از جریان‌های موجود؛ یعنی محروم ماندن از حقوق اولیه و عادی. اگر دوباره سوءاستفاده بکنند، به چنین جاهایی کشیده می‌شود. باید این تجربه‌ها باشد که بعد از این، چنین اتفاق‌هایی نیفتد. ما هم به سهم خود درس‌هایی آموخته‌ایم. حالا دیگر می‌دانیم که در مملکتی انقلابی، نمی‌توان هر چیزی را بی‌حد و دروازه در اختیار همه گذاشت. در حال حاضر، به این اعمال عنادجویانه افساری زده شده تا از هرج و مرج جلوگیری شود. باید جریان‌های بی‌دروازه، کنترل می‌شدند؛ چرا که همین به اصطلاح انتقادات و اعتراض‌ها بودند که با اعمال تروریستی و درگیری‌های مسلحانه آمیخته شدند.

عزل بنی‌صدر، یک حرکت قانونی بود. آن‌ها می‌توانستند اعتراض خود را در یک تظاهرات آرام بیان کنند. یا حداقل در روزنامه‌هایشان بپردازند و بنویسند. مگر نمی‌شد بدون ایجاد اخلال، حرف زد و انتقاد کرد؟ وقتی کار را با اسلحه و شورش و آتش‌زدن همراه می‌کنند، در واقع مترصدند تا جنگی به مراتب بدتر از جنگ تحمیلی راه بیندازند. این حرکت، ممکن بود همه چیز را به آشوب بکشاند و مسلماً از حد یک اعتراض سیاسی و انتقاد گذشته بود.

در شرایطی که از یک طرف جنگ، و از طرف دیگر تروریسم با تمام ابعادش، هجوم آورده است، وظیفه‌ی ما سنگین‌تر است. ببینید که این‌ها چه تعداد نیروی انسانی و چه مقدار از مواد مخرب - که تا به حال در وسعت هزاران کیلومتر کشف و

جمع‌آوری شده است و هنوز هم انبار انبار با آن برخورد می‌کنیم - به‌کار گرفته بودند. با این همه، روابط نادرست و پول‌هایی که از بانک‌ها و دیگر مراکز برداشته بودند، معلوم بود که بالاخره گیر می‌افتند. باید برای رسیدن به یک ثبات نسبی فکری می‌کردیم. خوشبختانه حرکت‌هایی صورت گرفته است. به این ترتیب، همان اخلاص‌گران، امروز از هر نوع انتقادی می‌ترسند؛ چرا که شرایط، شرایط مناسبی برای حرکت‌های مشکوک نیست. کسی که تا دیروز با محاربین همکاری می‌کرده و گرایش به سمت آن‌ها داشته؛ یا احياناً از تریبون‌های رسمی دولت، به نفع دشمنان استفاده کرده است، امروز اگر بخواهد حرفی بزند، مردم نسبت به او سوءظن دارند. آنان بیش از این که از ما بترسند، از مردم واهمه دارند. تازه این در حالی است که ما داریم نسبت به عکس‌العمل مردم و نسبت به اجتماعات آن‌ها علیه این معاندین، کنترل به عمل می‌آوریم. مردم اجازه‌ی کوچک‌ترین حرکت را به این‌ها نمی‌دهند؛ چرا که این‌ها با جریان‌هایی ارتباط داشتند که امروز قصد براندازی دارند. به این ترتیب مردم حتی حرکات و حضور عادی این‌ها را تحمل نمی‌کنند.

من در این خصوص، با مجلس هم مشکل دارم. در واقع ناچارم برای ایجاد یک جو متعادل مابین افکار و جریان‌های مخالف، دست به اقدامات مشکلی بزنم. برای این که نگذارم زبان همه بسته شود و بیرون از مجلس، نمایندگان دچار مشکل نشوند به آن‌ها فرصت بدهم و به مردم بگویم که قدری بیشتر حوصله کنند. اگر چنانچه برخی از نمایندگان گرایش فکری نسبت به جناح افراطی لیبرال دارند، شاید در این فرصت بخواهند به راه راست برگردند و حرکت سالم و سازنده بکنند. باید به این‌ها فرصت داد. من از مردم می‌خواهم که آن‌ها نیز به این عده فرصت بدهند. خیلی از آن‌هایی که گرایش داشته‌اند، امروز دارند حرکت سالم می‌کنند؛ مخصوصاً نمایندگان باید از زندگی سیاسی سالمی برخوردار باشند و بتوانند حرف‌هایشان را بزنند.

بنابراین، باید انتقاد از مراکز و اشخاص مورد اعتماد وجود داشته باشد. عده‌ای که هنوز مشکوک هستند، برای اطمینان کامل به آن‌ها نیاز به زمان بیشتری هست. این‌ها اگر چنانچه گذشته‌ی خدشه‌داری در کارنامه‌ی خود دارند، باید بتوانند با اثبات

صداقت و سلامت فکری، تأثیر نامطلوب آن را در میان مردم از بین ببرند. وقتی که ثابت شد این‌ها خیرخواه جمهوری اسلامی هستند و انتقادشان به‌واقع، جنبه‌ی انتقاد دارد، می‌توانند انتقاد کنند.

من امیدوارم، مجلس ما به‌زودی بتواند قوانین مدونی در فضای سالم و اسلامی وضع کند تا خرابی‌ها آباد شوند. این امر تنها پس از قائله‌ی تروریسم و ضدیت با نظام ممکن است. وقتی که هنوز جریان‌هایی وجود دارند که اصل جمهوری اسلامی را تهدید می‌کنند و از همه مهم‌تر معضل جنگ روی داده است، برای رسیدن به‌نیات، به‌زمان بیشتری احتیاج داریم. در بحبوحه‌ی جنگ این مسائل قدری پیچیده‌تر می‌شوند. ما به‌معاندین فشار خواهیم آورد و در حد معقول نیز، به‌زبان‌ها و قلم‌ها آزادی می‌دهیم. به‌گروه‌های متعقد، اطمینان می‌دهیم که بتوانند کارهایشان را انجام بدهند. ولی گذشته، هم به‌ما و هم به‌آن‌ها درس داده است. آن‌ها باید بدانند که نباید موضع خود را از حد انتقاد و ترویج افکارشان به‌حد تخریب و شایعه‌پراکنی، آلوده کردن محیط و فساد و تروریسم بکشانند. ما نیز می‌دانیم باید از حدود آزادی محافظت کنیم و اجازه ندهیم که محیط آزاد، با اعمال بی‌حساب، دوباره مخدوش بشود.

اصل نظام نباید لطمه ببیند

به‌هرحال، من مطمئن هستم با تمام شدن جنگ و خاتمه‌ی شر تروریسم، سوءظن‌ها برطرف خواهد شد. فکر می‌کنم که اصل تروریسم، مثل یک مرض مزمن، برای مدتی باقی خواهد بود. ممکن است دشمنان ما، همیشه امکان استفاده از این پدیده‌ی شوم را داشته باشند؛ اما از آن‌جا که اخیراً آمده‌اند و با گول زدن چند نفر جوان بی‌تجربه، اسلحه به‌دستشان داده‌اند، معلوم می‌شود که این مرض نمی‌تواند خطری برای کیان اسلامی ما داشته باشد. طولی نمی‌کشد که معاندین از این حد هم ضعیف‌تر بشوند. در چنین صورتی، محیط باز می‌شود و ما می‌توانیم با کسانی که فکری و ایده‌ای دارند، بدون سوءظن کنار بیاییم. افرادی خواهند بود که در صورت امکان تشکیل

گروه، بتوانند حرف بزنند، بدون این‌که سوءظن کسی را برانگیزند.

البته ممکن است سوءظن وجود داشته باشد. این سوءظن گاهی در مقطع خاص زمانی، قابل گذشت است و گاهی هم نیست. اگر بفرض به آدمی مشکوک باشیم و پی‌گیری لازم را بکنیم، ممکن است به‌قیمت گرانی برای جامعه تمام بشود. این سوءظن را نمی‌توانیم نادیده بگیریم و باید در صورت احتمال هم تعقیب بشود. یک وقت هم هست که یک مخالف و دشمن، حداکثر می‌تواند چهارنفر را دور خودش جمع کند و احتمالاً شبانه یا روزنامه‌ای بدهد. یا دست آخر بتواند با یک تظاهرات خیابانی، کارگاهی را تعطیل کند. در این صورت می‌توان گفت در یک محیط آزاد، امکان چنین اتفاقی‌هایی هست. این‌ها همه به‌شرطی است که به‌اصل نظام لطمه‌ای وارد نشود.

من خیال می‌کنم که ظرف چندماه آینده بتوانیم، هم بر خودمان و هم بر اوضاع مملکت مسلط شویم. در آن صورت می‌توان ضمن دور کردن خطرهای انسانی از کشور، آزادی‌های معقول در یک رژیم مردمی را به‌جامعه بخشید؛ البته در حال حاضر، خیلی از مسائل برای آن‌ها که حسن نیت دارند، آزاد است. الان مجلس، یک اجتماع منبسط از مردم است. رهبری کاملاً مورد قبول است. دولت و نهادهای جاری با مردم و از آن مردم هستند.

ممکن است در وضعیتی که یک جزیانی برخلاف میل اکثریت در جامعه حضور دارد، باعث بشود اقلیتی هم که سوءنیت ندارند، به‌دلیل سوءظن مطرود باشند؛ اما ان‌شاءالله در آینده راه آن‌ها را باز خواهیم گذاشت.

س - نخستین بار شما بودید که اصطلاح «تروویست‌های اقتصادی» را در خطبه‌های نماز جمعه مطرح کردید. پیش از آن نیز در خطبه‌ای دیگر گفتید: «خدا می‌داند روزی که مسأله‌ی مسکن را حل کنیم و محرومیت‌ها و استضعاف را از میان برداریم؛ و هم‌چنین اموال نامشروع را از حلقوم گردن کلفت‌های اقتصادی، حتی اگر جزو مهریه‌ی زنانشان باشد در بیاوریم، آن‌روز، روز اسلام و انقلاب است.»

از آن‌جا که آگاهی عمومی در مورد اقدامات انجام شده لازم است، بفرمایید که در برخورد با

«تروزیست‌های اقتصادی» با توجه به این واقعیت که آن‌ها هربار علیه دولت در امر کنترل و نظارت بر قیمت‌ها و توزیع عادلانه کالاها، ترفندهای جدیدی به کار برده‌اند، چه کاری انجام شده است؟

ج: به حمد الله! تا به حال، کار زیادی انجام شده است. یاد می‌آید وقتی پیش از پیروزی انقلاب، ما در زندان بودیم و با یک عده مخالف بحث می‌کردیم، همیشه دو حالت برای جامعه‌ی اسلامی در نظر گرفته می‌شد. یک جامعه‌ی نوپا که قرار بود ساخته شود و به دنبال خودش وارث آثار بد گذشته نباشد. این چنین جامعه‌ی، برنامه‌ریزی‌اش زیاد سخت نبود و از اول می‌شد با طرح‌های موجود اسلامی به طرف تکاملش رفت.

اما شکل دوم که متأسفانه به واقعیت امروز ما نزدیک است، جامعه‌ای بود وارث آثار بد، آن‌هم آثار ناپسند و بسیار پیچیده. این جامعه را چگونه می‌توان به محیط سالم اسلامی تبدیل کرد؟

در حال حاضر، وقتی که می‌بینیم ما با هزاران کارخانه و شرکت و مؤسسه‌های اقتصادی و فرهنگی ناسازگار با نظام اسلامی روبه‌رو شده‌ایم، ناچاریم که کار اصلاح را بالاخره از یک جایی آغاز کنیم. ما الآن دو نوع کار اولیه و ثانویه در دست داریم. کار اولیه، جلوگیری از فسادهای گذشته است و کار ثانویه، راه‌اندازی طرح‌ها و جریان‌های اسلامی برای بهبود وضع جامعه محسوب می‌شود، جلوگیری از فساد در همه‌ی ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اداری و سیاسی ضروری است.

کارهای مهم و اولیای که باید انجام دهیم، این است که از این به بعد، به جریان‌های استکباری و تبعیضات ظالمانه‌ی اجتماعی که سبب پدید آمدن فقر و استضعاف شده‌اند، اجازتی حرکت ندهیم. هنگامی که لایحه‌ی «تجارت خارجی» اجرا شود - در حال حاضر اجرای آن عملاً آغاز شده است - جلوی سودهای بی‌ربط و کلانی که یک شخص در معامله‌ی با خارجی‌ها به جیب می‌زند، گرفته می‌شود؛ مثلاً شخصی در رأس یک شرکت می‌نشست و جنس پر مصرفی را از یک کارخانه‌ی خارجی، با قرارداد و گشایش اعتبار می‌خرید و با انحصار آن میلیارد می‌شد. در بانک اعتبار داشت،

پشت سرش هزار جور زد و بند می‌کرد، جنس که واژد می‌شد، دیگران توزیع می‌کردند و مرتب به حسابش پول و اریز می‌کردند. این چنین شخصی حاکم بر اقتصاد کشور هم بود. می‌توانست سرخ بسیاری از موازین اقتصادی را در دستش بگیرد. یا مثلاً دیگری می‌آمد و با گرفتن قطعه زمینی، یک خیابان از داخلش عبور می‌داد. بعد، با زد و بند، یک امتیاز لوله‌ی آب هم برایش می‌گرفت. دست آخر، زمین متری سه تومان را به متری چهارصد، پانصد تومان می‌فروخت و دریایی از ثروت را می‌برد. و همین‌طور دیگری در امر تولید، توسط یک کارخانه‌ی موتناژ قطعات خارجی، وارد گود می‌شد و تا مردم می‌خواستند از کارش سردر پیاورند، ثروتی را به جیب زده بود. از طریق دزدی هم خیلی‌ها ثروت اندوزی می‌کردند، طرف می‌آمد و در یک کار اجرایی، مثل اتوبان، جاده، سیلو یا پایگاه، پیمانکار می‌شد. وقتی کترات کار را می‌گرفت، با بیست درصد درآمد به شخص دیگری منتقل می‌کرد...

جلوی این کارها با قوانینی که می‌گذرانیم، یا گذرانده‌ایم گرفته می‌شود، جلوی همه‌ی این دزدی‌ها گرفته شده و جلوی طرق دیگر را هم خواهیم گرفت. البته این دو سه سال، به خاطر عدم کنترل کافی، بعضی از تجار و واردکنندگان این کارها را می‌کردند و حالا نیز عده‌ای محترک هنوز مشغول فساد هستند، ولی جلوی آن‌ها را می‌گیریم.

جریان دیگری در این جا وجود دارد، و آن کسانی هستند که هم در گذشته، و هم پس از انقلاب کثافت‌کاری کرده‌اند. چاره‌ی اصلی آن‌ها، اصل چهل و نه قانون اساسی است. طبق این اصل، ثروت‌های نامشروع آن‌ها نیز توقیف می‌شود.

اگر این کارها به خوبی انجام شود، گذشته اصلاح‌شدنی است. و همین‌طور در آینده می‌توان از فساد جلوگیری کرد. آن وقت از هر جهت خیالمان راحت می‌شود؛ چون با این اقدام‌ها جلوی کثافت‌کاری‌های سیاسی هم گرفته می‌شود. ما در گذشته دیده‌ایم که معمولاً همین اشخاص، جریان‌های سیاسی را هم هدایت می‌کردند.

در این میان، استثنایی وجود دارد که نباید نادیده گرفت. دارندگان ثروت‌های مشروع می‌توانند با جذب سرمایه‌های خود در بخش خصوصی، راه‌انداز

مجموعه‌هایی قوی باشند. در حال حاضر این مورد حق ماست و کشور هم به آن نیاز دارد. باید به این‌ها میدان بدهیم نیروهایشان را وارد عمل کنند. نیروهای انسانی متخصص کم نیستند که به دلایلی هنوز در بخش‌های دولتی جذب نشده‌اند.

ضرورت اجرای اصل چهل و نه

برخی از نیروهای متخصص در خارج به سر می‌برند و بعضی دیگر در داخل کشورند. این‌ها نیاز به استمداد و پشتیبانی بیشتری دارند تا به کار جذب شوند؛ در واقع باید بدانند که اگر وارد عمل شدند، معصوم کارشان چیست. برای این قضیه، فکریایی شده است و ما مشغول طرح‌های گسترده‌تری هستیم. بر همین اساس، سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی در زمینه‌ی اقتصاد پیش‌بینی شده است. ما می‌خواهیم با همان معیار عمل بشود. از طرفی هم نمی‌خواهیم با اجرای اصل چهل و نه، اعتماد مردم متزلزل شود. آن‌ها باید مطمئن باشند که ما به سراغ موارد درست می‌رویم. مخالف اشخاص و اعمال نادرست و نامشروع هستیم؛ اما این ربطی به اصول درست و مشروع دیگران ندارد. با حضور مجلس، شورای نگهبان و اظهارات امام، مردم دیگر می‌دانند که دولت بی‌جهت به سراغ کسانی که حرکت اقتصادی سالم داشته‌اند نمی‌رود و چیزی از آن‌ها نمی‌گیرد. اگر هم به اشتباه سراغ کسی رفته باشند، سعی در جبران آن می‌کنند.

اگر به گذشته هم نگاه کنید، خواهید دید کارخانه‌هایی که ما ملی کرده‌ایم، قانونی بوده است. در مورد آن‌هایی که به نوعی با بیت‌المال ارتباط داشته‌اند و از این ارتباط استفاده‌ی شخصی کرده‌اند، طبق قانون عمل کرده‌ایم. اغلب آن‌ها این سرمایه‌ها را از طریق گرفتن وام‌های بیش از حد جمع کرده‌اند، و ما اصل سرمایه را که متعلق به دولت بوده، بازپس گرفته‌ایم. در حال حاضر مشغول تنظیم طرح‌هایی هستیم که بتوانیم به درستی، اصل چهل و نه را بی‌این‌که به اموال مشروع مردم لطمه‌ای بخورد، اجرا کنیم. ما توسط همین اصل، ثروت‌های نامشروع را از تصاحب‌کنندگانشان خواهیم گرفت. بنابراین ما این اطمینان را به مردم می‌دهیم که درآمدهای مشروع

متعلق به خودشان است و آن‌ها باید به آینده‌ی خود مطمئن باشند و بدانند رفتار مطابق با قانون، سبب تأمین سرمایه‌ها و اموال به دست آمده است. ... تا به حال مقدار زیادی از ثروت‌های به غارت رفته‌ی مردم و بیت‌المال پس گرفته شده و تا حد زیادی هم جلوی غارت‌گری‌ها مسدود شده است. از این به بعد جریان کلی غارت بیت‌المال، دزدی و یا زد و بندهای داخلی و خارجی نخواهیم داشت. البته ممکن است احتکار و بازار سیاه دوباره به وجود بیاید، چون ما هنوز آن‌طور که باید به بازارها مسلط نشده‌ایم.

بیشتر کالاهای مصرفی ما از خارج تأمین می‌شود. اگر دولت بتواند به قضیه‌ی تجارت، تسلط کامل پیدا کند و تعاونی‌ها مسؤول توزیع کالاها بشوند، مشکل می‌شود دزدید و یا بازار سیاه درست کرد.

اگر حدود فعالیت‌های بخش خصوصی و تعاونی‌ها در هماهنگی با حرکت اقتصادی دولت تنظیم شود، بسیاری از عوامل مخرب برداشته خواهند شد. ما نمی‌توانیم بگوییم معضل «تروریست‌های اقتصادی» از بین می‌رود، چون این پدیده‌ی شوم ریشه‌دار است و باید ریشه‌کن بشود. روی هم رفته، افق روشنی در پیش است. امیدواریم در سال آینده شاهد رشد حرکت‌های تولیدی باشیم. دوستان ما اطلاع می‌دادند که امسال بخش خصوصی برای ثبت شرکت‌های تولیدی، بزرگ‌ترین رقم را نسبت به همیشه داشته است. این نشانه‌ی اطمینان و علاقه‌مندی مردم است. با این اطمینان، راه تولید باز خواهد شد. به خصوص از این جهت که دیگر واردکنندگان نمی‌توانند با ورود کالاهایی که نیاز فوری به آن‌ها نیست، ارزش تولید داخلی را پایین بیاورند. نمونه‌ی بسیاری از همین کالاها که وارد می‌شدند، تنها با تأسیس چند کارگاه تولیدی داخلی می‌توانند جایگزین شوند. تولید صحیح و اصولی، سود تضمین شده هم دارد. باید مواظب بود که تولید به سمت استثمار متمایل نشود، و در این حرکت، حقوق کارگر و کارفرما و حق سرمایه و مدیریت در جای خود محفوظ بمانند.

س: اقدام‌های اساسی به منظور نجات اقتصاد ایران از وابستگی و سلطه‌ی غارتگران به جای

خود صحیح و غیرقابل انکار است، اما وقتی مردم در کوچه و بازار، با گرانی‌های سرسام‌آور و کمبود کالا روبه‌رو می‌شوند، تحت تأثیر این واقعیت تلخ، بسیاری از حقایق را از یاد می‌برند! ج: وضع حاضر، در شرایط کنونی ما چندان غیرمنتظره هم نیست. کشوری که درگیر یک جنگ تحمیلی شده و بسیاری از راه‌های تجاری او از طریق بنادر و دیگر زمینه‌ها مسدود و محدود شده است؛ طبیعتاً با چنین وضعی روبه‌رو خواهد شد. دو تا از بنادر کشور کار نمی‌کنند و ظرفیت بندری ما نصف شده است. هرچند که بنادر کوچکی جایگزین آن‌ها شده، اما کفایت نمی‌کند. راه‌های زمینی ما اگر کمتر نشده باشند، زیاد هم نشده‌اند. با محدودیت ارزی نیز روبه‌رو هستیم. بعد از گذشت یک سال و نیم از این جنگ، ما نفت کمی صادر می‌کنیم. صادرات دیگر نیز تقریباً چنین وضعی دارند. محدودیت تولید هم داشته‌ایم. نزدیک به دو میلیون آوارهی جنگی داریم. نیروهای انسانی یا شهید شده‌اند و یا در حال نبرد با دشمن هستند. بسیاری از فعالیت‌های تولیدی، تجاری و کشاورزی متوقف و متضرر شده‌اند. کمبودها خود را نشان داده‌اند. در محیط جنگ، نیروها به سمت جنگ کشیده شده‌اند. نیروهایی که باید صرف کار کنترل بشوند، مشغول دفاع شده‌اند. بسیاری از آن‌ها در حال مبارزه با «منافقین» هستند. دادگاه‌های انقلاب که ممکن بود به وضعیت گرانفروشی رسیدگی کنند، همهی وقت خود را به محاکمهی «منافقین» اختصاص داده‌اند.

کالاهای مصرفی مردم

در این وضعیت، شاهد چنین آثاری هستیم. هنوز باید مدت دیگری این وضعیت را تحمل کنیم. وظیفه‌ی مهم دولت در این میان، جلوگیری از قحط شدن کالاهای اساسی مورد مصرف مردم است. حداقل می‌توان از گران شدن این‌ها جلوگیری کرد. سوخت، قند و شکر، نان، برنج، روغن نباتی، گوشت و مرغ، کالاهایی هستند که مردم اکثراً در خانه‌هایشان استفاده می‌کنند. حالا می‌آییم سراغ مواردی که اگر باشند، بهتر است. اگر هم نباشند، مردم گرسنه نمی‌مانند؛ مثلاً همین پیاز اگر نباشد، می‌توان کمتر مصرف

کرد. علت اصلی کمبود پیاز هم، سوءاستفاده‌های داخلی است. دلیلی ندارد که این محصول فراوان کشاورزی، کم بشود. البته این مورد را از باب مثال آوردم. به‌هرحال، دولت باید بتواند کالاهای اساسی را به‌هرقیمت شده، در حد نیاز مردم تأمین کند.

شرکت‌هایی با سرمایه‌های کوچک

برخی از کمبودها را به‌فالش نیک می‌گیریم. کمبود این قبیل کالاها، برای خودکفا شدن کشور لازم است. مثلاً پارچه اگر کم است، بخش مصرفی تشویق می‌شود به‌دنبال ایجاد کارخانه برود. از قضا، قیمت پارچه طوری است که برای تولیدکننده صرف می‌کند. در حال حاضر، خیلی‌ها به‌دنبال این‌کار رفته‌اند. تقاضای ایجاد کارگاه‌ها و کارخانه‌های پارچه‌بافی، به‌خصوص در شکل شرکت‌هایی با سرمایه‌های کوچک، زیاد داریم. ممکن است به‌مدت یکی دو سال، پارچه را گران‌تر بگیریم، کمتر هم مصرف بکنیم؛ اما دو سال بعد، صادرکننده‌ی پارچه خواهیم بود.

در مورد کالاهای دیگری مثل چینی، وضع همین‌طور است. ما جلوی ورود چینی را می‌گیریم. اگر امروز چینی نداشته باشیم، امکان استفاده از ظروف دیگر هست. البته آن‌کسی هم که پول زیادی دارد، می‌رود و از بازار سیاه، ده برابر قیمت می‌خرد. چینی، به‌عنوان صنعتی که تا به‌حال ما واردکننده‌اش بوده‌ایم و از آلمان و جاهای دیگر می‌آوردیم، با یک همت همگانی، قابل تولید است. سرمایه‌هایی که در فلان پاساژ برای فروش چینی وارداتی متمرکز شده، اگر برای تولید به‌کار گرفته شوند، چند برابر منفعت دارند. اگر این‌ها جمع شوند و تولید کنند، تا یکی دو سال دیگر ما می‌توانیم صادرکننده باشیم؛ یعنی، قادر خواهیم بود که خاک خودمان را تبدیل به‌ارز کنیم.

از این مثال‌ها، زیاد می‌توان آورد؛ اما در مورد کمبودی که شما می‌گویید مردم را ناراحت کرده است، باید به‌مردم آگاهی لازم را بدهیم، تا به‌دنبال تولید و برطرف کردن کمبودها بروند. در این صورت، نه تنها نیروهای انسانی (تحصیل‌کرده‌ها و حتی تکنوکرات‌ها) به‌کار گرفته می‌شوند، بلکه ایجاد کار هم شده است. کمبودها زیاد

هستند. چه اشکالی دارد که خودمان بسازیم و تبدیل به کشور تولیدکننده بشویم؟ به این نمایشگاهی که برای عرضه قطعات صنعتی مورد نیاز ما ساخته شده، نگاه بکنید. الآن، ده‌ها و بلکه صدها قطعه را خودمان می‌سازیم. در حالی که می‌جنگیم، کارخانه‌های نظامی ما شاید صدبرابر زمان شاه تولید می‌کنند. بسیاری از مهماتی که در حال حاضر صرف جنگ می‌شوند، اگر قرار بود از خارج وارد شوند، حتی در برابر پنج میلیون بشکه نفت (اشاره به تولید نفت در زمان شاه) هم، کفاف نمی‌دادند. این سلاح‌ها را کارخانه‌های خودمان برای مصرف در میدان جنگ تولید می‌کنند.

در مورد کالاهای پلاستیکی، ما که نفت و گاز داریم، متخصص هم داریم، چرا باید از خارج وارد بشوند؟ دلیلی ندارد که مشتقات نفت را وارد کنیم. الآن ممکن است کمبوها و گرانی‌ها را تحمل کنیم. ولی در عوض، تمایل به کار و تولید بیشتر می‌شود. دو سه سال آینده، می‌توانیم از همین محدودیت‌ها و کمبوهای امروز به‌خیر و برکت برسیم و جایگاه واقعی خودمان را پیدا کنیم. بنابراین، من نگران نیستم. تنها چیزی که لازم است، توضیح و توجیه مردم است. آن‌ها باید بدانند که این کمبوها مایه استحکام ما می‌شود، ما هم باید مواظب باشیم که کالاهای اساسی مردم، تهیه و توزیع بشوند. مردم نمی‌توانند بدون دارو بگذرانند. باید داروهای مورد نیاز و حیاتی مردم تهیه شوند. ما باید تأمین‌کننده‌ی نیازهای اولیه‌ی زندگی مردم، مثل آب، نان، برق و دارو باشیم. رفاه بعدی را خود مردم، از طریق کار و تولید فراهم خواهند کرد.

در مواردی که ناشی از احتکار است، باید مبارزه کنیم. ما مطمئن هستیم که این گرانی‌ها طبیعی نیستند. باید برای رفع این‌ها، نیرو مصرف کنیم. با اجرای طرح تجارت خارجی دولتی، بسیاری از مشکلات حل می‌شود. اگر تعاونی‌ها در همه‌جا وجود داشته باشند و اجناس را به‌قیمت عادلانه در اختیار مردم بگذارند، این احتکارها اثر خود را از دست خواهند داد.

تشکیل شورای مرکزی از نیروها و احزاب

س: از شما به‌عنوان یکی از بنیان‌گذاران و چهره‌های فعال حزب جمهوری اسلامی، پرسشی

را که از برادر ارجمند حجت‌الاسلام خامنه‌ای، در مورد اجرای رهنمودهای امام کرده‌ایم، داریم. حضرت امام، درباره‌ی تشکیل یک شورای مرکزی، متشکل از نیروها، احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های تابع ولایت فقیه و اسلام فقهاتی، رهنمودهایی فرموده‌اند. در این زمینه، که وجود چنین شورایی، موجب هماهنگی فکری و عملی، و به عبارت دیگر، تحقق همان چهار رکن وحدت که خودشان فرموده‌اند می‌شود، چه طرح‌هایی در نظر دارید؟

ج: واقعیت این است که ما هم از روز اول، یک نوع هماهنگی را در نیروهای حزب‌اللهی احساس می‌کردیم. می‌دیدیم که انجمن‌ها و گروه‌های مختلفی هستند که از لحاظ محتوای فکری با ما تفاوتی ندارند، فقط نامشان متفاوت است. در این مورد، حزب جمهوری، ابتدا جبهه‌ی مستضعفین را مطرح کرد. یک عده هم آمدند و نام‌نویسی کردند. ما هم قرار بود قضیه را دنبال کنیم که به علت گرفتاری‌های روزمره‌ی کشور، موفق نشدیم.

متأسفانه رفتن دکتر بهشتی هم، این امر را بیشتر به تعویق می‌اندازد. آقای بهشتی، بیشتر از ما به تشکیلات رسیدگی می‌کردند. ایشان، اغلب روزها به امور حزب می‌رسیدند. متأسفانه، ما به آن حد نرسیده‌ایم. بعد از گفتن امام، دوباره به فکر این امر مهم افتادیم؛ اما واقعیت این است که هنوز شعبات حزب در شهرستان‌ها، هماهنگ نیستند. ما هنوز موفق نشده‌ایم برای داوطلبان علاقه‌مند، کارت عضویت صادر کنیم. چرا که صدور کارت، مقدماتی دارد که باید در مورد آن دقت به عمل آورد. هنوز کنگره‌ی حزب جمهوری تشکیل نشده است. تشکیل کنگره را چندبار در دستور کار گذاشته‌اند. آخرین بار نیز، وقت آن معین شد، ولی با شهادت دکتر بهشتی به هم خورد. قرار بود با آقای باهنر اجرا بکنند، که آن هم نشد.

لازمه‌ی این اتحاد، منسجم شدن ماها است. از طرف دیگر، توقع دوستان این است ما چند تنی که بی‌جهت مشهور شده‌ایم، بتوانیم وقت بگذاریم و به همه‌ی امور رسیدگی کنیم. ما هم که با این وضعیت کاری، فرصت نداریم. من، همین‌جا می‌گویم که شما هم وقت بگذارید. همکاری بکنید. ما این حزب را فقط از خودمان نمی‌دانیم. نیروهای حزب هم، فقط ما نیستیم. حزب، با اعتماد مردم رسیدگی می‌کند. وقتی مردم

به نامزدهای ما رأی می دهند، نشانه‌ی این است که به ما اعتماد دارند. ما هم در مقابل آن‌ها تعهدی داریم. نیروهایی که دلسوز واقعی هستند، بیایند و برای این امر مهم وقت بگذارند. همین نیروها هستند که باید وارد میدان شوند و در این خط حرکت کنند. آقای نخست‌وزیر می‌گویند، «ما وزیر نداریم»، چه اشکالی دارد که یکی از همین نیروهای واقعی بیایند و به عهده بگیرند؛ مثلاً ایشان می‌رود وزارت‌خانه، و می‌بینند نیروی کافی ندارد. معاون ندارد. می‌آید و باز از همین بچه‌های متعهد و مسلمان برمی‌دارد و می‌برد. ما چه در کابینه‌ی دکتر باهنر و چه در همین کابینه‌ی مهندس موسوی، نیروهایی را که در حزب فعالیت می‌کردند، از دست دادیم. در واقع، از دست ندادیم. هنوز مشغول خدمت به انقلاب هستیم ولی دیگر برای حزب، وقت کافی ندارند.

در جواب این سؤال شما، باید بگویم که این نیروها از دست ما رفته‌اند. امیدواریم، قدری از مشکلات حل بشوند و ما به این کار برسیم.

خطوط فکری و ایدئولوژیک

س: با توجه به این که جناب عالی به عنوان نماینده‌ی امام در «شورای عالی دفاع» نظرهای قابل قبول و مورد استفاده‌ای دارید، می‌خواستم راجع به آینده‌ی جنگ، زمان احتمالی پیروزی و امکان ورود به خاک عراق، شنونده‌ی توضیح شما باشم.

ج: وضع جنگ از نظر ما خوب است. از اول هم، عقیده‌ی ما این بود که جنگ به نفع ما تمام خواهد شد. اگر ما از کشته شدن زیاد عراقی‌ها پرهیزی نداشتیم، جنگ را خیلی زودتر می‌توانستیم تمام کنیم. از طرفی هم، برای اشخاص فداکار در جبهه‌های خودمان ارزش زیادی قائل هستیم و می‌خواهیم حتی الامکان، کمتر صدمه بخورند. لذا به این دلایل، سعی می‌کنیم حمله‌ها طوری باشند که نه تنها در پایان دادن جنگ مؤثر واقع شوند، بلکه از کشتار بیشتر خودداری شود. پس در جنگ با عراق، عجله‌ای نداریم. سعی ما این است که ضربه‌ها به جایی وارد شوند تا در خاتمه‌ی کار جنگ مؤثر باشند. از این جهت، مطمئن هستیم که ابتکار عمل، در دست رزمندگان

اسلام است. فکر می‌کنم که اگر یکی دو ضربه‌ی دیگر، مثل ضربه‌های بستان و آبادان در آینده به عراق وارد کنیم، او دیگر قدرت ورود به خاک ما را نخواهد داشت. در این صورت، وقتی عراق از خاک ما خارج شود، و حق به‌حق‌دار برسد، وضعیت فرق می‌کند، باید خسارتی که متحمل شده‌ایم جبران، و متجاوز به‌طور کلی تنبیه شود. آن وقت تصمیم دیگری می‌گیریم. حالا این تصمیم، شامل اشغال خاک عراق بشود یا نه، معلوم نیست. هرچند که ما نسبت به خاک عراق، هیچ ادعایی نداریم؛ اما به‌هر حال، باید در یک‌جایی، گلوی متجاوز را بفشاریم تا بتوانیم حقم را از او بگیریم. و هم‌چنین، حق مردم عراق را خواهیم گرفت. اگر برای این کار، ورود به خاک عراق لازم باشد، وارد می‌شویم. شاید هم بتوانیم با ضربه‌های قاطعی که به عراق وارد می‌کنیم، بدون اشغال خاک عراق به منظورمان برسیم.

س: مدت زمان جنگ را تا کی پیش‌بینی می‌کنید؟

ج: زمان پایان جنگ را نمی‌توان به‌طور دقیق پیش‌بینی کرد. اما فکر می‌کنم تا چند ماه آینده، بتوانیم مسأله‌ی جنگ را حل کنیم. اطلاعاتی نداریم که در آینده چه پیش خواهد آمد. به‌هر صورت، در حالت عادی، فکر نمی‌کنم تعداد سال‌های جنگ، از انگشت‌های دست تجاوز کند.

وضع منطقه و کشورهای خلیج فارس

س: نظر شما درباره‌ی اوضاع منطقه؛ به‌خصوص کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس چیست؟

ج: کشورهای کوچک منطقه‌ی خلیج فارس، با ما رفتار پدی کردند. آن‌ها هم‌دی امکان‌های خود را در اختیار عراق قرار دادند. البته ما قصد انتقامجویی از آن‌ها را نداریم. در ثانی، مگر کشورهای کوچک حاشیه‌ی خلیج فارس چقدر هستند؟ اگر تمام شیخ‌نشین‌های حاشیه‌ی خلیج را جمع کنید و به‌عربستان اضافه کنید، به‌اندازه‌ی یک‌سوم عراق نمی‌توانند نیرو جمع کنند.

از این گذشته، قصد ما آرامش و صلح است. می‌خواهیم کشورها به‌حق خودشان برسند و در سایه‌ی امنیت، به‌همین حقوق قانع باشند. به‌نفع آن‌ها نیست که با ما

این طور رفتار کنند. ممکن است ما از آن‌ها بگذریم؛ اما ملت ما از آن‌ها نمی‌گذرند و در آینده اثر سویی خواهد داشت. ملت ما، در آینده نمی‌تواند با آن‌ها در صفا و صمیمیت زندگی بکند. اگر این امر، سبب ناراحتی ایرانیان مقیم آن کشورها بشود، اثر بدی خواهد داشت. ما می‌خواهیم که آن‌ها مطمئن باشند، از رفتار بد آن‌ها چشم‌پوشی خواهیم کرد. به این شرط که اگر حالا فهمیده‌اند اشتباه می‌کردند و سایه‌ی ایران باید برای برقراری امنیت در منطقه روی سرشان باشد، جبران کنند و با ما در صفا زندگی بکنند.

ضمیمه‌ی روزشمار انقلاب

س: به‌عنوان آخرین سؤال، می‌خواستم نظر شما را درباره‌ی ضمیمه‌ی روزشمار انقلاب روزنامه‌ی اطلاعات بپرسم. مؤسسه‌ی اطلاعات، علی‌رغم امکان کم و مشکل بسیار، روزانه این ضمیمه را در چهار صفحه منتشر می‌کند. خوشحال می‌شویم اگر در این مورد ما را راهنمایی کنید.

ج: در این زمینه، خود شما واردتر هستید و بهتر می‌دانید.

شما خودتان می‌توانید خاطرات دوران انقلاب و بعد از انقلاب را ارزیابی کنید و اگر تشخیص دادید برای مردم سازنده است، ارزش سرمایه‌گذاری دارد. این خاطرات باید از حد تفتن فراتر بوده، برای مردم آموزنده باشد. به‌هرحال این مورد را شما بیشتر می‌دانید؛ چراکه حد مراجعه‌ی مردم و اظهارنظرهاشان برای شما، معیار خوبی است. هم‌چنین در خرید روزنامه هم تأثیر دارد.^(۱)

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با نشریه‌ی دانشگاه تهران

(۳ بهمن ماه ۱۳۶۰)

س: نقش ستاد انقلاب فرهنگی را در این مورد، چگونه می‌بینید؟ به نظر شما، آیا ستاد تاکنون توانسته است نقش را به‌نحو کامل ایفا کند یا خیر؟

ج: به نظر من، انقلاب فرهنگی هم مثل خود انقلاب است. انقلاب در جامعه‌ی ما از آن‌جایی نطفه بست که مردم به فساد و انحراف اجتماعی آگاه شدند و دانستند حکومت، نه تنها صلاحیت تصمیم و هدایت را ندارد، بلکه خود عامل شیوع این فسادها نیز شده است؛ لذا مردم از یک‌سورنج این فساد را تحمل می‌کردند و از سوی دیگر هم دورنمای مبهمی از اسلام داشتند. به این قضیه که اسلام یک شریعت آسمانی از سوی خداوند است، اعتقاد داشتند. برای همین نیز تنها در یک دورنمای ایمان و اعتقاد به حقیقت اسلام، به‌رهبری هم‌چون امام، لبیک گفتند. بنابراین هرچیزی به‌طور مشخص، برنامه‌ریزی و پیش‌بینی شده نبود. تنها یک کلیت مدنظر بود.

انقلاب فرهنگی نیز، چنین سرنوشتی دارد. با این تفاوت که در پیروزی انقلاب، همدی‌اشار سهم بودند؛ اما در انقلاب فرهنگی تنها یک قشر خاص حضور دارد.

قشری که به لحاظ تخصص، اعتقاد و آگاهی فراتری که دارند به این میدان وارد می‌شوند. در واقع، آن‌هایی که دست‌اندرکار امور دانشگاهی بودند و بیشتر از دیگران این انحراف را در دانشگاه‌ها احساس کردند. بچه‌های مسلمان و دلسوزی که از وضع موجود خسته شدند و شورش را به راه انداختند. آیا این‌ها نیز با تمام تفاوتشان، می‌دانستند چه چیزی را می‌خواهند جایگزین کنند؟ اگر آن‌روز هم از آن‌ها می‌پرسیدیم، پاسخ روشنی نداشتند. ما با خیلی از آن‌ها که پیش‌تاز این شورش بودند، صحبت کردیم و مسأله را در میان گذاشتیم. چیز خاصی در نظر نداشتند. فقط می‌گفتند چون ما مسلمان هستیم و در یک کشور اسلامی زندگی می‌کنیم، باید فرهنگ اسلامی داشته باشیم. فرهنگ مستقل، دانشگاه مستقل و محتوای تازه‌ای می‌خواهیم. استاد و دانشجو باید چنین و چنان باشند، شیوه‌ی تحقیق و تدریس باید تغییر کند، و از این قبیل مفاهیم کلی که در ذهنشان داشتند. هرچند که برنامه‌ریزی مدون و تنظیم‌شده‌ای در دست نداشتند، اما خطوط اصلی روشن بود. در روند کلی انقلاب، چگونه مسائل و مشکل‌ها مطرح و راه‌گشایی شده‌اند، در انقلاب فرهنگی هم مسائل و برنامه‌ها در ضمن حرکت، بررسی و مشخص خواهند شد.

همان‌طور که انقلاب، خرده خرده شروع به ساختن کرد و آهسته آهسته در ضمن حرکت، خطوط مشخص شدند، مسائل دیگر نیز شامل همین تطوّر هستند. در انقلاب، همه چیز و همه کس از ابتدا شناخته شده نبودند. همه چیز و همه کس که ادعایی داشتند به میدان آمدند؛ اما حشو و زواید، آهسته آهسته حذف شدند. ابتدا، دولت موقت روی کار آمد. بعد از آن، بنی صدر دور برداشت و عاقبت لیبرال‌ها آن‌طوری که همه دیدیم، عمل کردند. این‌ها که کنار رفتند، ما در ظرف این سال، شاید تا اندازه‌ای بیشتر به طرف اسلام واقعی گام برداشته‌ایم. آیا از روز اول کسی به حذف حشو و زواید و اصولاً شناخت آن‌ها آگاهی داشت؟ در انقلاب فرهنگی هم خود به خود، چنین تطویری صورت خواهد گرفت؛ منتها باز هم با یک تفاوت اساسی، در انقلاب، ما یک‌باره بیدار شدیم، در انقلاب فرهنگی نباید این‌طور باشد. همان‌طور که انقلاب را اول به دست دولت موقت و نیروهای بیگانه با اصول اسلام سپردیم، در

مورد انقلاب فرهنگی، دیگر نباید این اشتباه تکرار شود. خلاصه این‌که، ستاد انقلاب فرهنگی، در این باره که در آینده چه می‌خواهیم بکنیم، قدم‌های مؤثری برداشته است، ولی من خیال می‌کنم تا بخواهیم بفهمیم واقعاً چه می‌خواهیم، راه زیادی در پیش است. ما در حال حاضر، هنوز خیلی از زوایا و روزه‌ها را در دانشگاه‌ها درک نکرده‌ایم، لذا با همین اندازه که توانسته‌ایم حرکت را آغاز کنیم، کلاس‌ها راه‌اندازی شده‌اند. تازه فهمیدیم که این‌ها درست انجام نشده است؛ چرا که در عمل، با مسأله درگیر نشده بودیم.

قبل از انقلاب هم این بحث تئوری و عمل مطرح بود. بعضی از دوستان دست بالا می‌گرفتند و می‌گفتند در عمل نمی‌توان به نتیجه‌ای رسید. آن‌ها اعتقاد داشتند که اول باید برنامه بریزیم. ابتدا بدانیم اسلام چیست، سیستم اقتصادی و دیگر شبکه‌ها چطور باید عمل شوند، بعد ببینیم که در عمل چه می‌خواهیم. ما می‌گفتیم: نه! این‌ها را ضمن عمل باید تنظیم کرد. البته در آن موقع، ما فکر نمی‌کردیم به این زودی پیروز بشویم، لذا می‌گفتیم در آن دوران طولانی، مسائل و سازماندهی برای حل آن‌ها، کم‌کم روشن می‌شود. حالا در این وضعیت قرار داریم؛ اما نه با دست‌های خالی. الحمدلله امروز با امتیازهایی که در دست داریم، مسائل آن‌قدرها مبهم و پیچیده نیستند که از حل آن‌ها عاجز بمانیم. همین ستاد انقلاب فرهنگی، با همکاری کمیته‌های متعددش قدم‌های مؤثری برداشته است. حتماً لازم نیست که از ابتدا همه‌ی زوایا و مسائل مطرح شده باشند. ما می‌دانیم که همین اندازه‌ی موجود، تمام و کمال نیست. بسیاری از خواسته‌ها به دلیل عدم برخورد با علایم و زمینه‌هاشان، هنوز در انقلاب فرهنگی مبهم هستند و در برنامه‌ی موجود نیز تدوین نشده‌اند. منتها من هم مصلحت نمی‌دانم که به همین دلیل، معطل بشویم، باید کار را با این اعتقاد که هنوز کامل نیست، آغاز کرد. شاید در عمل، انقلاب فرهنگی در طول یک دوره‌ی تحصیل دانشگاه به سرانجام برسد.

س: نقش روحانیت برای اشاعه‌ی فرهنگ اسلامی در دانشگاه‌ها، تا چه اندازه معین شده

است؟ به نظر شما این نقش را از چه طریق و چگونه می‌توان ایفا کرد؟

ج: من فکر می‌کنم این تصور که روحانیت در همدی ابعاد اجتماعی و فرهنگی جامعه، در ضمن حرکت کنار باشد و از آن‌جا هدایت بکند یا حرف بزند، تصور اشتباهی است. یکی از بحث‌های مهمی که از اول انقلاب مطرح شده، همین موضوع است. در آستانه‌ی پیروزی انقلاب، این بحث به‌طور جدی بین ما پیش آمد. تصور خیلی‌ها این بود که روحانیت کنار بماند و در همان حالت طلبگی‌اش، مواظب حرکت‌های جامعه باشد. آن‌ها بنا را بر این گذاشتند که چون مدیریت‌ها آلوده هستند، این آلودگی به‌روحانیت سرایت می‌کند. ما مخالف این طرح مسأله بودیم. ما می‌گفتیم که نتیجه‌ی کار، با اسلام مغایر است. اگر این‌طور بود که این‌ها مطرح می‌کردند، پیغمبر هم باید این‌طوری عمل می‌کرده است. کدام‌یک از شؤون کلیدی جامعه را پیغمبر به‌دیگران سپرد و گفت: دست شما باشد و اگر خواستید از من راهنمایی بگیرید؟ این که اسلام نیست. روحانیت اگر در عمل توانست قداست خود را حفظ کند، معلوم می‌شود که شایسته است. این که آدم در مسجد بنشیند و انتقاد بکند، و مردم تنها به‌خاطر نصایحش او را تقدیس کنند، به‌هیچ‌وجه دلیل شایستگی نمی‌شود. البته، همین هم که انتقادی می‌کنند، بهتر از دیگران است که در حاشیه می‌نشینند و از همه توقع دارند - اسلام، این را نمی‌خواهد. این علم بی‌عمل و یک‌نوع تقوای منفی است.

دانشگاه، یک‌نهاد آموزشی صرف نیست. به‌یک معنا، یکی از زیربنایی‌ترین ارکان مملکت حساب می‌شود. من نمی‌گویم روحانیت در این‌جا همه‌چیز را قبضه کند. این فکر، غلط است: روحانیت هم مثل بقیه در جای خاص خودش باید عمل کند. یک چیزهایی هست که او بهتر می‌فهمد. یک چیزهایی هم هست که دیگران بهتر می‌فهمند. روحانیونی که در علوم و فنون تجربی یا ریاضی وارد نیستند، قطعاً وارد نخواهند شد. هرچند که علوم دانشگاهی به‌معنای خاص غربی‌اش صحیح نمی‌باشد، ولیکن در بعضی عرصه‌ها؛ من جمله آموزش این علوم، روحانیت دخالت فنی نمی‌کند، اما در راستای معارف بشری و علوم انسانی به‌تعبیر امروز، روحانیت دخیل است.

روحانیت، یعنی تحصیل و مطالعه در همین امر مهم. در این بعد، تجربه‌ی عملی روحانیت مفید خواهد بود. در مدیریت هم حضور روحانیت، از آن جهت که مورد اعتماد است، به‌نحوی خوب است. در زمینه‌ی فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی امور فوق برنامه دانشگاه‌ها، به‌طور اعم، باید از حوزه‌ی علمیه استفاده شود. اگر این ارتباط برقرار شود، برای طرفین سازنده خواهد بود. در واقع این کار برای روحانیت هم سازنده است. بسیاری از تجربه‌های دانشگاهی را می‌توان از محیط دانشگاه، به‌محیط روحانیت منتقل کرد. ما که بیشتر در محیط روحانیت بوده‌ایم، می‌دانیم که همه‌چیز در آن‌جا، کامل و بی‌عیب نیست. بزرگ‌ترین حسن روحانیت، علی‌رغم تمام کمبودها و مزاحمت‌هایی که برایش درست می‌شد، حضور در بطن توده‌های مردم است؛ طبعاً به‌علت عدم حضور در کارهای مدیریتی، فاقد تجربه‌های کافی بودیم. از این جهت، شاید دانشگاه‌ها مایه‌ی زیادی داشته باشند، لذا من فکر می‌کنم روحانیت هم می‌تواند از محیط دانشگاه برای خودش استفاده بکند. البته مفاهیمی که می‌تواند بدهد، بیشتر است.

پس در هر بعدی که شما حساب بکنید (غیر از ابعاد تخصصی که عرض کردم) روحانیت می‌تواند در دانشگاه حضور داشته باشد. در مواردی که آن‌ها تحصیل نکرده‌اند و بلد نیستند، نباید باشند.

س: روحانیت دخالت تخصصی نکند، ولی خط کلی که می‌تواند بدهد؟

ج: وقتی ما می‌گوییم روحانیون مواظب هستند که خطوط ناسالم به دانشگاه وارد نشوند، به‌معنی این نیست که شخصیت‌های دیگری در دانشگاه‌ها نباشند. در دانشگاه‌ها نیز افرادی هستند که روحانی نیستند، اما هم خط صحیح دارند و هم این‌که می‌فهمند. این‌طور نیست که خط‌دهندگی، منحصر به روحانیت باشد. به‌نظر من، روحانیت به‌کمک استادان و مدیران و مشاوران زبده‌ی دیگری که در دانشگاه‌ها حضور دارند، می‌تواند خط صحیح حرکتی را تأمین کنند.

س: گفته می‌شود که شما در ارتباط با شورای پذیرش دانشگاه‌ها فرموده‌اید که ما نمی‌خواهیم معاند و ضدانقلاب درست کنیم. آیا با توجه به کمبود امکان‌های آموزشی حتی

برای مسلمانان، قرار دادن این موجودی محدود در دسترس گروه‌های سیاسی به ظاهر نامتضاد با انقلاب، اما در باطن ضدالهی به صلاح است؟

ج: البته بهتر آن است که از امکان‌های موجود تحصیلات عالی، افرادی برخوردار بشوند که در آینده به خدمت این مردم و جامعه درمی‌آیند. این، آرزوی قلبی هر انسان علاقه‌مند به اسلام و ایران است. اما اگر فرض کنیم یکی بیاید در این‌جا از موقعیت استفاده کند و درس بخواند، بعد برود در شوروی یا جای دیگری به خدمت درآید، مسلم است که نباید چنین آدمی در دانشگاه تحصیل کند. آن‌کسی هم که کسب علم را در راه ضدیت با اسلام می‌خواهد، تکلیفش روشن است. این دانشگاه، متعلق به مردم مسلمان است. مشخص کردن این زوایا در شرایطی که ما هنوز با یک جامعه‌ی مشخص شده و از قبل برنامه‌ریزی شده‌ای روبه‌رو نیستیم، قدری سخت به نظر می‌آید. ما اکنون وارث یک جامعه‌ای هستیم که هیچ چیزش به‌طور مشخص برایشان روشن نیست. این جامعه، ریشه در ساخت و سازهای اجتماعی رژیم قبل دارد. رژیم قبلی از آن‌جا که خطر اصلی را توسعه‌ی تفکر اسلامی می‌دانست، به مارکسیست‌ها هرچند که ضد خودش هم بودند، فقط به‌خاطر براندازی اسلام میدان می‌داد. کتاب‌های کمونیستی را به صورت‌های مختلف ترویج می‌کردند، مادی‌گرایی و فساد را نیز به هر شکل ممکن رواج داده بودند. پس ما اینک وارث جامعه‌ای هستیم که این برنامه‌ها در آن ریشه دوانده است. همه یک دست نیستند. بخشی از جامعه؛ به‌خصوص بعضی از جوانان ما را، بد بار آورده‌اند، اما به‌هر شکل، آن‌ها نیز جزو مردم این مملکت هستند. در این مرحله نمی‌خواهیم که همه‌ی این‌ها را برانیم و از خود طرد کنیم. نمی‌شود که در این مملکت آن‌ها را در بن‌بست قرار داد. فکر می‌کنم در شرایط فعلی، باید به شدت مواظب باشیم و با بیداری و هشیاری کامل به آن‌ها فرصت بدهیم؛ به‌خصوص به طبقه‌ی جوانی که محیط پرورش آن‌ها به‌نحو عمده‌ی منحرف بوده و این‌ها اکنون در این جامعه هستند. نباید آن‌ها را روی دنده‌ی لیج بیندازیم. باید به آن‌ها فرصت بدهیم تا اگر خواستند در یک محیط سالم به‌فطریشان برگردند.

در این میان، همان‌طور که بارها از اول انقلاب تجربه کرده‌ایم، عده‌ی زیادی

برده‌اند که به همین سبب از فرصت‌ها استفاده کردند و موی دماغ انقلاب شدند. ممکن است عده‌ای از این‌هایی که شما می‌گویید، همین‌طور باشند. ببینند و در دانشگاه‌ها دست به کثافت‌کاری، توطئه، کارشکنی و دیگر اموری که بلدند بزنند و با آن‌ها برای انقلاب مزاحمت ایجاد کنند. بعد هم ما در دو سال آینده با یک مزاحمت جدی روبه‌رو باشیم. من معتقدم که باید جلوی این کار به‌هر قیمتی از حالا گرفته شود. در ضمن این‌که به آن‌هایی که اکنون معاند نیستند و می‌خواهند درس بخوانند، هرچند که ما را قبول ندارند، مهلت درس خواندن داده‌ایم، باید کاملاً مواظب آن‌ها نیز باشیم. این‌جا دیگر قاطعیت به‌خرج بدهیم و برای وجیه‌المله شدن خودمان از جیب مردم و خون شهدا خرج نکنیم.

تنها به آن‌هایی که تشخیص می‌دهیم قصد مقابله با نظام را ندارند و معاندانه برخورد نمی‌کنند، فرصت حضور می‌دهیم. به‌خاطر این‌که یک راه تربیت و سازندگی پیش پای آن‌ها باز بگذاریم که خود را بیازمایند.

س: در مورد توده‌یی‌ها و اکثریتی‌ها و گروه‌های دیگر مانند جنبش مسلمانان مبارز و میثمی‌ها، چگونه باید برخورد شود؟

ج: این سه چهارتایی که نام بردید، مثل هم نیستند. اول توده‌یی‌ها و بعد هم فدایی‌ها، بیشتر تمایلشان بیرون از مرز خلاصه می‌شود. هرکسی می‌فهمد که این‌ها تا اندازه‌ای روسی هستند. البته ممکن است در زبان ظاهر، مؤید انقلاب باشند؛ اما در باطن، قضیه چیز دیگری است. دو گروه دیگر، امتی‌ها و میثمی‌ها، مسلمان هستند. با یک اختلاف که پیش از این مواضع سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی را قبول نداشتند. حالا یک مقدار تعدیل شده‌اند - این حرکت تعدیلی را در سؤال قبل توضیح دادم - آن‌ها وقتی با واقعیت‌ها آشنا بشوند، زاویه‌های انحرافی‌اشان تغییر می‌کند. من موافقم که همین چهار گروهی که نام بردید در دانشگاه‌ها باشند، ولی به‌شرط همان مراقبتی که توضیح دادم. غیرمسلمان‌ها از جهت احتمال منحرف کردن خط سیاسی و مسلمان‌ها از این جهت که ممکن است روی ضعف‌های موجود انگشت بگذارند و در دسر درست بکنند. درسشان را بخوانند و خوب هم کار بکنند. ما هم سعی می‌کنیم

عقده‌های فکری و مشکلات روحی آن‌ها را با برخورد پدران برطرف کنیم. این‌ها همه بچه‌های ایران هستند. خانواده‌ی اکثر آن چپی‌ها و کمونیست‌ها مسلمان هستند. باید مواظب این جوان‌ها باشیم. اگر خوب برخورد کنیم، امید این‌که راه درستی را انتخاب کنند، وجود دارد.

س: حتی در مورد رهبران و سردهسته‌های آن‌ها در دانشگاه‌ها؟

ج: سردهسته‌های آن‌ها دیگر حاضر نیستند که دست از روش طولانی عمر خود بردارند. آن‌ها دیگر ریشه‌شان فاسد شده است. ما فقط باید مواظب باشیم، مزاحمت ایجاد نکنند. سردهسته‌ها که دیگر درس نمی‌خوانند. اگر پیروان جوان این‌ها در دانشگاه‌ها، بدون ایجاد مزاحمت درس بخوانند، مانعی ندارد.

س: احتمال دارد که الآن قبول کنند و درس بخوانند؛ اما همان‌طور که با سابقه‌ی آن‌ها آشنایی داریم، تمام فکر آن‌ها ایجاد گروه‌های فاسد و منحرفی است که منافقانه کارشکنی کرده و علیه نظام وارد عمل شوند.

ج: شما در مورد تجربه‌ی گذشته می‌گویید. محیط دو سه سال گذشته، غیر از محیط آینده است. من هم می‌دانم که آن‌ها از گروه‌گرایی دست برنمی‌دارند، ولی از طرفی هم امیدوارم تجربه‌ی گذشته به آن‌ها بفهماند که ضرر خواهند کرد. آن‌ها باید بدانند که اگر بخوانند محیط تحصیل و درس خواندن مردم مسلمان این کشور را آلوده کنند، خودشان اول از همه متضرر می‌شوند.

س: در مورد استادانی که دارای خط فکری هستند، چه باید کرد؟

ج: شما در مورد تجربه‌ی گذشته می‌گویید. محیط دو سه سال گذشته، غیر از محیط آینده است. من هم می‌دانم که آن‌ها از گروه‌گرایی دست برنمی‌دارند، ولی از طرفی هم امیدوارم تجربه‌ی گذشته به آن‌ها بفهماند که ضرر خواهند کرد. آن‌ها باید بدانند که اگر بخوانند محیط تحصیل و درس خواندن مردم مسلمان این کشور را آلوده کنند، خودشان اول از همه متضرر می‌شوند.

س: در مورد استادانی که دارای خط فکری هستند، چه باید کرد؟

ج: کلاس درس، محیط القای خط فکری آن‌ها نیست. وقتی که یک استاد، فیزیک

تدریس می‌کند، قصد القای ایدئولوژی خود را ندارد. پس من هم مخالف درس دادن او نیستم. باز هم به این شرط که مراقبت بشود، ما که نمی‌توانیم با مصالح مردم شوخی کنیم. آن‌ها بچه‌های خود را به دست ما سپرده‌اند که درس بخوانند، نه این‌که در اختیار خطوط انحرافی قرار بگیرند. تدریس بکنند و کارهای حزبی را بگذارند برای بیرون از کلاس.

س: آیا اصولاً فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه‌ها، محلی از اعراب دارند یا نه؟ اگر دارند، در چه محدوده‌یی؟

ج: من فکر می‌کنم مردم در هیچ صنفی نباید از فعالیت سیاسی محروم باشند. باید به مردم اجازه داد که به عنوان یک عنصر سیاسی در سرنوشت و آینده‌ی خودشان سهیم باشند. فقط باید این را بدانیم که در محیط تحصیل، تقدم با درس و مشق است. ما هر حرکتی را که بخواهد جریان تحصیل را بکند، منع می‌کنیم؛ اما در مورد این‌که، دانشجوی یک عنصر سیاسی باشد، مطالعه‌ی سیاسی انجام دهد، بحث کند و یا به طور سالم ارتباط سیاسی برقرار بکند، مخالفتی نداریم. محدوده‌ی این فعالیت‌ها هم در پرتو قانون اساسی نوشته شده و معین است.^(۱)

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با مجله‌ی رجعت درباره‌ی اختلاف نظر‌ها، تروریسم اقتصادی، انجمن حجتیه (۵ بهمن ماه ۱۳۶۰)

س: سبب اختلاف نظر‌های موجود بین مجلس شورای اسلامی، فقهای شورای نگهبان، حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی چیست؟ آیا برای رفع این اختلاف نظر‌ها اقدامی صورت گرفته است؟

ج: این اختلاف نظر‌ها به این کلّی که شما می‌گویید، نیست. در واقع این چنین که شما مطرح می‌کنید و مرادتان هست، اختلاف بین حزب جمهوری و سازمان مجاهدین انقلاب نیست. اختلافی که بین اعضای کم‌اطلاع سازمان و حزب بر سر مسائل خاصی به وجود می‌آید، ممکن است در بین اعضای یک خانواده هم پیش بیاید. این اختلاف به معنای اختلاف کلی بین حزب یا مجلس نیست. اختلاف فردی، مشمول اختلاف جمعی نیست.

بنابراین، طرح این سؤال با این صراحت، درست به نظر نمی‌رسد. درست نیست که بگوییم اختلافی بین مجلس و شورای نگهبان است. اختلاف نظر، بین دو یست نفر

اعضای مجلس بر سر مسائل خاص، آیا به معنای اغتشاش و نفاق و تفرقه است؟ مسلماً خیر! این‌ها بحث‌های موجود و لازم بر سر طرح مسائل است. وقتی در مجلس، صد و ده نفر به یک لایحه رأی مثبت می‌دهند، و صد نفر دیگر رأی منفی یا مستمع، نشان‌دهنده‌ی چیست؟ اختلاف یا تحرک؟ اگر همین اختلاف نظر در بین مجلس و اعضای شورای نگهبان پیش بیاید، باز هم طبیعی و سازنده است؛ چرا که شورای نگهبان، مصوبات مجلس را از دو جهت بررسی می‌کند.

اختلافی که از جهت عدم انطباق مصوبه‌ها با قوانین اسلام و شبیه آن در مجلس وجود دارد، ممکن است در شورای نگهبان هم پیش بیاید. فرض بفرمایید که از شش نفر اعضای شورای نگهبان، چهار نفر با مصوبه‌ی تصویب‌شده‌ی مجلس موافق، و دو نفر دیگر مخالف باشند. در این صورت، مصوبه به تصویب شورا هم می‌رسد.

متأسفانه در دو سه لایحه‌ی مهم - مثل اصلاحات ارضی، اصلاحات شهری و حکم تخلیه‌ی خانه‌های مسکونی مورد اجاره که جنبه‌های اقتصادی مهمی دارند - اختلاف نظر، نمود زیادی پیدا کرده است. همین اختلاف در مجلس هم هست، ولی در خارج نمودی نیافته است. این قبیل مسائل، یک مقدار به پیش‌ها بستگی دارد. بالاخره هر چه باشد، آن‌ها اهل نظر هستند. بینش انسان همیشه در نظر و رأی او تأثیر می‌گذارد.

س: واقعیت و مفهوم تروریسم اقتصادی را اولین بار جناب عالی مطرح کردید، اما علی‌رغم این‌که این پدیده‌ی شوم، مهم‌ترین حربه‌ی ضدانقلاب شده، متأسفانه تاکنون گام مؤثری در ریشه‌کن کردن تروریسم اقتصادی برداشته نشده است. مجلس شورای اسلامی در این مورد چه برنامه‌هایی دارد؟

ج - فکر می‌کنم مسأله‌ی تروریسم اقتصادی در رابطه با نظارت و یا اصلاح بعضی از قوانین، ربطی به مجلس داشته باشد. این فساد اقتصادی، به صورتی در جامعه ایجاد شده که مقداری از آن ریشه در قوانین تکامل نیافته و ناقص دارد. و درست در همین زمینه، مجلس شورای اسلامی وظیفه دارد با تدوین قوانین کامل و درست، ریشه‌های این فساد بزرگ را برای همیشه از درون جامعه‌ی اسلامی ما درآورد. البته در بعضی

موارد هم دیده شده که عدم جلوگیری از این شرّ، مربوط به سوء اجرا می شود. در واقع بعضی از جاها قوانین مربوطه وجود دارد، اما درست اجرا نمی شود. بنابراین، مجلس موظف است که ناظر بر اجرای قانون باشد.

اما در مورد واژه‌ی تروریسم اقتصادی، منظور من دقیقاً اشخاصی بودند که با طغیان خود علیه مقررات و قوانین موجود، رویه‌های ضد اجتماعی را علیه اقتصاد سالم این جامعه به کار می‌برند و با احتکار و قاچاق کالاهای مورد مصرف مردم، نظم را مختل می‌کنند. حالا اگر مجلس هم صد مورد قانون به تصویب برساند، این‌ها متأسفانه در کار خلاف خود، پابرجا هستند. حتی دیده می‌شود که در میان عوامل فساد، افرادی با نیت سیاسی به امور اقتصادی مملکت خدشه وارد می‌کنند. این‌ها با تروریست‌هایی که علیه حکومت و نظام طغیان می‌کنند فرقی ندارند. با این حساب، مجلس هم در مورد این اشخاص هیچ نقشی ندارد، غیر از این که نهایتاً قوانینی را جهت جلوگیری از خلاف‌های موجود به تدوین و تصویب برساند.

من فکر می‌کنم لازم باشد، برنامه‌هایی برای مبارزه علیه این اشراک اقتصادی طراحی و تنظیم بشود، تا به‌اندازه‌ی مختلف بتوان جلوی طغیان آن‌ها را گرفت. در مواردی که نیاز است با تنبیه، حبس و مصادره‌ی اموال جلوی آن‌ها را بگیریم و در مواردی هم که نیاز به قانون دارد، مسؤولین اجرایی به مجلس پیشنهاد طرح و تصویب قانون مربوطه را بدهند. البته اگر هم مجلس احساس نیاز بکند، به‌عهده دارد که سریعاً جهت مبارزه‌ی با تروریسم اقتصادی، لوایح و قوانینی را طرح و تصویب کند. در نهایت، مجلس به‌طور عمده‌ای در این باره نقش دارد. مجلس است که باید فساد اقتصادی نظام معوج گذشته را بررسی و اصلاح بکند و لازم است که این امر مهم به‌صورت طرح و قانون باشد. البته، مجلس هم در این مورد اقدام‌هایی از قبیل لایحه‌ی ملی کردن تجارت خارجی، طرح اصلاحات ارضی، و یا لایحه‌ی اراضی شهری را انجام داده که در حکم مبارزه علیه فساد اقتصادی هستند.

مسئله‌ای که این روزها در جذب یا اخراج افراد نظامی و دولتی نقش دارد، وابستگی یا عدم آن به انجمن حجتیه است. نظر شما درباره‌ی انجمن حجتیه چیست؟

ج: نظر خود را پیشتر هم گفته‌ام. قبل از پیروزی انقلاب، انجمن حجّیه با مبارزه مخالف بود. ما هم به‌همین دلیل آن‌ها را قبول نداشتیم. برنامه‌های سازنده‌ی آن‌ها بسیار محدود بود. به‌خاطر عدم مبارزه، به‌وضعیت موجود تن می‌دادند. به‌بچه‌ها تربیت دینی می‌دادند، ولیکن حداکثر مبارزه‌ی آن‌ها برای احقاق حق مسلمین، مبارزه‌ی با بهایی‌ها بود. این‌نحوی مبارزه در آن‌روزگار، نه ربطی به‌اصل مبارزه‌ی اسلامی داشت و نه به‌نظر ما صحیح می‌آمد؛ چرا که رژیم شاه، بهایی‌ها را تقویت می‌کرد. بعد برای این‌که کسی فکر مبارزه‌ی با رژیم را نداشته باشد، برای رد گم‌کردن، دست انجمن را باز می‌گذاشت. اما ببینید! وقتی که بهایی‌ها دور و اطراف رژیم هستند، اصل قضیه خدشه‌دار می‌شود. در واقع آدم‌هایی مثل سپهبد ایادی، که طبیب مخصوص شاه بود، یا آن‌طور که شایع بود، روحانی وزیر آب و برق، سمعی وزیر جنگ، ثابتی همه‌کاره‌ی ساواک، بهایی بودند. در این صورت، معلوم بود که رژیم با بهائیت مخالفتی ندارد. از طرف دیگر، برای این‌که رژیم نشان بدهد که با بهایی‌ها مخالف است، به‌انجمن اجازه‌ی فعالیت داده بود. رژیم می‌خواست که انجمن به‌عنوان مخدري باشد که جوانان علاقه‌مند به‌اسلام را دور خودش جمع کند، چرا که می‌دانست انجمن با اسم اسلام عمل می‌کند، اما با رژیم مخالف و مبارزه‌ای نمی‌کند. ما با این برخورد منفعلانه مخالف بودیم و اساس کار آن‌ها را قبول نداشتیم. غیر از این، سابقه‌ی بد دیگری از انجمن نداریم.

حالا که دیگر انقلاب پیروز شده است، حکومت با بهایی‌ها مخالف است. انجمن حجّیه هم دیگر به‌آن شکل عمل نمی‌کند. تا آن‌جایی که ما خبر داریم، جذب جامعه شده‌اند. چون مؤمن و متدین هستند، مشغول به‌خدمت شده‌اند. در حال حاضر، فکر نمی‌کنم صلاح باشد که مزاحم کار آن‌ها بشویم. امروز دیگر اوضاع فرق کرده و آن‌ها باید تشویق شوند. آن‌ها از جمله افراد متدینی هستند که در همه‌جا می‌توان از نیروهایشان استفاده کرد.^(۱)

نخست وزیر در هنگام تقدیم لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۶۱ گفت: دولت مصمم است، بر کلیه‌ی هزینه‌ها نظارت کامل داشته باشد

میرحسین موسوی نخست وزیر، ضمن تقدیم لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۶۱، در قسمتی از مقدمه‌ی نطق خود با اشاره به موفقیت ملت در حرکت اسلامی خود و پشت سر گذاشتن حوادث و انسجام بیشتر آن، گفت: ملت و دولت دست در دست و بازو به بازو، الگوی مصرف را تغییر دادند. واردات مصرفی کاهش یافته است، مصرف ارز تحت نظارت قرار می‌گیرد، صادرات تولیدات داخلی غیرنفتی از طریق خرید ارز حاصل از صدور کالا با نرخ ترجیحی تشویق می‌شود، و برنامه‌ریزی به‌عنوان گوری برای دفن آخرین نشانه‌های حضور شرکت‌های چند ملیتی و دولت‌های سلطه‌گر و بیگانه، که سرسپرده‌ی منافع تراست‌ها و کارتل‌ها هستند، آغاز می‌شود و در این شرایط است که بودجه‌ی سال ۱۳۶۱ به‌عنوان سرآغازی بر این مسیر طولانی، تدوین می‌گردد.

با توجه به‌تنگناهای موجود و اتخاذ سیاست ادامه‌ی جنگ تا پیروزی نهایی، در میدان نبرد و خروج مهاجم، و از سوی دیگر تداوم پخشیدن به‌حرکتی که در جهت کاهش و قطع وابستگی آغاز گشته است و به‌منظور فعال نگاه‌داشتن ملت و دولت در جهت مقابله با اثرات

ناشی از وابستگی، بودجه‌ی سال ۶۱ با اولویت‌ها و اهداف اساسی زیر تهیه گردید.

اولویت‌ها و اهداف اساسی

- ۱ - تأمین نیازهای جبهه‌ها و بازسازی مناطق آزاد شده.
- ۲ - ضرورت تدارک کالاهای استراتژیک و حیاتی مصرفی.
- ۳ - تقویت بخش‌های کشاورزی و صنعتی.
- ۴ - شناسایی سریع امکانات موجود و فعال ساختن آن‌ها.
- ۵ - پیش‌بینی اعتبار و مکانیزمی در جهت تأمین اعتبار پروژه‌های عمرانی و تولیدی و صنایع، به آن اندازه که در طول سال نیاز خواهد داشت.
- ۶ - اولویت به سرمایه‌گذاری در روستاها.
- ۷ - ادامه‌ی سیاست شهید رجایی در جهت پرداخت ماهانه سه هزار ریال به سالمندان روستایی به عنوان بیمه و جایزه‌ای در مقابل سال‌ها کوشش در بخش کشاورزی و اقامت در روستا.
- ۸ - کوشش در جهت افزایش درآمدهای غیرنفتی.
- ۹ - تثبیت دستمزدها همراه با تثبیت قیمت کالاهای اساسی از طریق مجموعه‌ای از سیاست‌های لازم.
- ۱۰ - قبول اولویت پروژه‌های تولیدی نسبت به پروژه‌های زیربنایی، و پروژه‌های زیربنایی نسبت به پروژه‌های خدماتی و رفاهی.
- ۱۱ - تشویق تولیدکنندگان که در بخش صنایع کوچک فعالیت دارند، از طریق اعمال سیاست‌های مناسب و کمک‌های لازم.
- ۱۲ - پرداخت سوبسید (ماهه تفاوت قیمت کالا) منحصرأ به کالاهای اساسی که مصرف عامه داشته و در حد قابل توجهی از هزینه‌های تغذیه‌ی خانواده‌ها را تشکیل می‌دهد و حذف سوبسید در مورد آن دسته از کالاهایی که مصرف ندارند.
- ۱۳ - حمایت از نهادهای انقلابی.

دولت و بخش خصوصی

در این جا مفید خواهد بود که از سیاست دولت در قبال بخش خصوصی، سخنی گفته بشود

و من به اختصار می‌گویم: در مجموع، سیاست دولت در جهت سوق دادن سرمایه‌ها به سمت بخش‌های تولیدی است.

و دولت از سرمایه‌هایی که در این زمینه به کار می‌افتد، حمایت می‌کند. من به بخش خصوصی اعلام می‌کنم که پول‌های خود را عوض آن‌که در مبادلات چرخشی به کار بیندازند و فلان کالا را ده مرتبه دست به دست بکنند تا با قیمتی گزاف به دست مصرف‌کننده برسد، بهتر است این سرمایه‌ها را در راه تولید به کار بیندازند. ما نمی‌توانیم ببینیم به قیمت ایجاد ایستگاه‌های زاید از تولید تا مصرف، مردم مستضعف ما در زیر بار قیمت‌های گران، خرد شوند. دولت نمی‌تواند در مقابل دلال‌بازی و احتکار سکوت کند و دست روی دست بگذارد. دولت باید به اندیشه‌ی مصالح عموم ملت باشد نه طبقه‌ی خاص و یک‌بار برای همیشه باید روشن گردد که اقتصاد کشور ما از الگوهای هیچ‌کدام از بلوک‌های شرق و غرب تبعیت نمی‌کند. ما به همان اندازه که با احتکار مقابله می‌کنیم و محتکر را یک تروریست اقتصادی می‌دانیم، به همان اندازه، وسوسه‌گران و شایعه‌پردازانی را که با ایجاد هراس سعی می‌کنند جلو به کار افتادن سرمایه‌ها در تولید را بگیرند، محکوم می‌کنیم و با آنان برخورد انقلابی می‌کنیم.

من در این جا به صورت روشن اعلام می‌کنم که در چهارچوب شرع و قانون اساسی، دولت مدافع گرایش سرمایه‌های بزرگ از توزیع به تولید است. در عین حال، دولت قصد ندارد خود به صورت یک توزیع‌کننده‌ی انحصاری دربیاید و توزیع همه‌چیز را در اختیار بگیرد، گرچه دولت کالاهای کمیاب مورد نیاز همگان را تا فراوانی آن کالا و رفع محظورات، زیر کلید خود نگه خواهد داشت. دقت روی نکته‌ی اخیر برای روشن گشتن سیاست دولت در زمینه‌ی توزیع بسیار حساس و اساسی است. ما در شرایطی قرار نداریم تا کالاهای کمیاب و ضروری همگانی را به دست بازار آزاد بسپरیم.

در زمانی که دولت سعی می‌کند برای مبارزه با تورم و نیز برای به راه انداختن چرخ‌های اقتصاد کشور، دستمزدها و حقوق‌ها را ثابت نگه‌دارد، زمانی که دست دولت برای ورود آزاد کالا به علت کمبود ارز بسته است، مصالح عموم ملت ایجاب می‌کند و ضرورت دارد آن‌چه مربوط به زندگی همی ملت و همی توده‌های میلیونی مسلمان است، عادلانه توزیع شود.

توزیع عادلانه‌ی کالاهای ضروری

در شرایط فعلی، اگر یک فرد مرفه و شمال شهری، بخواهد و بتواند هر اندازه که می‌خواهد از کالاهای کمیاب، ضروری برای همگان به‌دست آورد، به‌گودنشین مستضعف ما، به‌روستایی ما، سوخت و شکر و روغن و سایر نیازهای اولیه و حیاتی او نخواهد رسید. به‌همین دلیل، علی‌رغم بار سنگین این امر، دولت تارفع محظورات، هم‌چنان توزیع عادلانه‌ی کالاهای ضروری را در دست خواهد داشت. در میان این‌همه توطئه‌ی گسترده علیه انقلاب اسلامی، ما نمی‌توانیم این مسأله را به‌حال خود رها کنیم. ما می‌دانیم که در اجرای این برنامه، دولت ممکن است اشتباهاتی نیز مرتکب شود و ابایی ندارد که اگر اشتباهی کرد، آنرا جبران کند، ولی این اشتباهات مقابل عظمت کار مسلماً بسیار کوچک و حقیر است. اگر به‌هرنحوی این نوع برنامه‌ها تحت فشار قرار گیرد، فردا نخواهیم توانست جواب نیاز میلیون‌ها انسان مستضعف انقلابی را به‌هنگامه‌ی بحران‌ها بدهیم. ما دائم در شورای اقتصاد و در دولت به‌هم هشدار می‌دهیم که آمریکا مخالف انقلاب است. و توطئه‌های آمریکا پایان نخواهد پذیرفت. و در نتیجه، ما مجبور هستیم که برای روبه‌رویی با هر مشکلی، خود را آماده نگاه‌داریم تا بتوانیم با اتکال به‌خداوند بزرگ و پندگان دلاور به‌پاخته‌ی خداوند و کشورمان، با هر بحران ناشی از محاصره، حمله و توطئه مقابله کنیم. هم‌چنان که تاکنون کرده‌ایم. طبیعی است که دولت در این میان نگران آن کالاهای مورد نیازی در جامعه باشد که به‌صورت حداقل در دسترس همه و نه عده‌ی خاص قرار گیرد و آیا این هدف الهی نیست؟

توجه‌ی دولت به کارگاه‌های کوچک

بی‌مناسبت نمی‌دانم در این‌جا از توجه‌ی دولت به کارگاه‌های کوچک تولیدی سخن بگویم. از سوی دولت به‌منظور حمایت و افزایش تولیدات کارگاه‌های کوچک صنعتی و هم‌چنین فعال نمودن آن‌ها اعتباری به‌مبلغ ۳۰ میلیارد ریال در لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۶۱ پیش‌بینی گردیده است و از سوی دیگر، با تهیه‌ی لیست احتیاجات این کارگاه‌ها از مواد اولیه و نیز بررسی مسائل مربوط به‌محدوده‌ی شهری این نوع کارگاه‌ها تلاش خواهد شد تا این کارگاه‌ها از نظر کمی و کیفی گسترش یابند. ما هم‌اکنون شاهد شکفتگی وسیع استعدادها در

میان همین کارگاه‌های کوچک هستیم که با جلوگیری از ورود کالاهای مصرفی شدیداً فعال گشته‌اند و نیروی کار عظیمی را به خود جذب کرده‌اند.

در مورد تعاونی‌ها، فقط به اختصار اشاره می‌کنم که دولت تلاش می‌کند با آن، با همان اهمیتی که در قانون اساسی احساس می‌شود روبرو شود. مسلماً سال آینده، سال بازنگری به تعاونی‌ها به‌ویژه تعاونی‌های تولید نیز خواهد بود. در این‌جا لازم است به چند ویژگی بودجه‌ی سال ۶۱ اشاره شود.

ویژگی‌های بودجه‌ی سال ۱۳۶۱

۱- پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این نخستین بار است که پیش از سررسید مهلت قانونی، لایحه‌ی بودجه تهیه و تقدیم می‌شود.

۲- از جهت نحوه‌ی رسیدگی، مبنای رسیدگی به اعتبارات عمرانی درخواست شده، پروژه قرار داده شده است تا قبل از تهیه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۶۱، این امکان وجود داشت که حذف یک طرح و برنامه، منجر به حذف پروژه‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن می‌شد، در حالی که ممکن بود آن پروژه مفید و دارای اولویت باشد و یا به‌عکس، تصویب طرح و برنامه، موجب می‌شد که پروژه‌های غیرمفید و بدون اولویت که در داخل آن است تصویب شود. اما در سال ۱۳۶۱، مبنای کار بر تصویب، تعدیل، تصحیح یا رد پروژه قرار گرفته است و به این ترتیب یک‌بار کلیدی پروژه‌ها مورد بازبینی و بررسی واقع شده است و اطلاعات مربوط به آن‌ها، همراه با تمرکز در استان‌ها، در تهران نیز متمرکز گردیده است. نتیجه این‌که، ضمن حصول امکان رسیدگی دقیق، ابزار نظارت حین اجرا نیز فراهم گردیده است.

۳- در ارتباط با اعتبارات عمرانی، اعتبارات عمرانی (سرمایه‌گذاری ثابت) مورد نیاز سال ۱۳۶۱ به مبلغ $۱۰۴۶/۴$ میلیارد ریال برآورد گردیده است.

این مبلغ شامل $۸۳۲/۴$ میلیارد ریال اعتبارات عمرانی ملی و استانی، ۹۰ میلیارد ریال هزینه‌های متفرقه‌ی عمرانی و طرح‌های عمرانی جدید، ۸۴ میلیارد ریال اعتبارات جهاد سازندگی، ۵ میلیارد ریال اعتبارات عمرانی اضطراری استان‌ها، ۵ میلیارد ریال اعتبار طرح‌های زودبازده کشاورزی و ۳۰ میلیارد ریال به‌منظور افزایش تولیدات کارگاه‌های

صنعتی کوچک می باشد.

اما با توجه به ظرفیت های اجرایی، ظرفیت های بنادر، راه و ترابری، نیروی انسانی و امکانات ارزی کشور و همچنین برای جلوگیری از تقدیم یک بودجه متورم، اعتبارات سرمایه گذاری ثابت ما به ۸۱۸/۱ میلیارد ریال برآورد شده است، اما دولت با مکانیسم ویژه ای که در تبصره های لایحه بودجه گنجانیده است، این امکان را به کلیه ی مسؤولان اجرایی می دهد که در جهت اجرای فعالیت های عمرانی - تولیدی نگرانی اعتبار نداشته باشند.

دولت با پیش بینی یک مکانیزم کارآ، و انعطاف پذیر، این آمادگی را دارد که در صورت تصویب نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، اعتبارات طرح های غیرفعال را به طرح های فعال و نیازمند به اعتبار منتقل نماید. شک نیست که این جابه جایی با یک نظارت دقیق و دائمی انجام خواهد شد و هم از این راه، دولت و شورای اقتصاد، بر پیشرفت طرح ها و شناخت مشکلات و موانع و رفع این مشکلات و ارتباط با اجرای سریع و صحیح طرح های عمرانی تولیدی، نظارت خواهد کرد.

هم چنین باید اضافه کرد که رقم ۸۱۸/۱ میلیارد ریال، با توجه به رقم عملکرد سال ۱۳۶۰، که ۶۰۰ میلیارد ریال است، ۲۱۸/۱ میلیارد افزایش نشان می دهد و دولت امیدوار است که رقم ۸۱۸/۱ میلیارد ریال را با بسیج کلیه امکانات، جذب نماید و در صورت امکان، اجرای عملیات عمرانی - تولیدی بیشتر در جهت افزایش اعتبارات عمرانی اقدام نماید.

پیش بینی می شود که در پایان سال ۱۳۶۰، درآمدهای دولت به رقم ۱۵۸۷/۲۰ میلیارد ریال، و پرداخت دولت به رقم ۲۶۰۰ میلیارد ریال بالغ گردد؛ در نتیجه بودجه ای این سال، معادل ۱۰۱۲/۷۰ میلیارد ریال کمتری خواهد داشت، که ۱۵۰ میلیارد ریال آن، از محل برگشتی های سنوات قبل و ۱۲۰ میلیارد ریال از محل بهای فروش نفت در ماه های بهمن و اسفند و بقیه از طریق سیستم بانکی تأمین می گردد.

۱۷۸۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

درآمدهای دولت

براساس نوع برآوردهای موجود، درآمدهای دولت از محل صادرات نفت تا پایان سال ۱۳۶۰، با ۸۶۵ میلیارد ریال و درآمدهای مالیاتی با $549/5$ میلیارد ریال و سایر درآمدها با $172/8$ میلیارد ریال، ترکیب درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد. پرداختی‌های جاری دولت، بالغ بر 1600 میلیارد ریال و هزینه‌های ناشی از جنگ تحمیلی، حدود 400 میلیارد ریال پیش‌بینی می‌شود.

در بودجه‌ی سال ۱۳۶۱، جهت فعالیت‌های جاری دولت، مبلغ $1866/9$ میلیارد ریال و برای فعالیت‌های عمرانی، مبلغ $818/1$ میلیارد ریال و برای انجام هزینه‌های ناشی از جنگ تحمیلی، مبلغ 400 میلیارد ریال، منظور گردیده است. به این ترتیب جمع هزینه‌های دولت در سال ۱۳۶۱، معادل 2080 میلیارد ریال یعنی حدود 480 میلیارد ریال بیش از پیش‌بینی عملکرد سال ۱۳۶۰ برآورد می‌گردد.

درآمدهای دولت در سال ۱۳۶۱، از محل صادرات نفت به میزان $1489/2$ میلیارد ریال و از محل مالیات‌ها، مبلغ $682/2$ میلیارد ریال از محل سایر درآمدها، حدود $348/0$ میلیارد ریال پیش‌بینی شده است. به این ترتیب، جمع درآمدهای دولت در سال ۱۳۶۱ معادل $2519/4$ میلیارد ریال یعنی حدود 9321 میلیارد ریال بیش از پیش‌بینی عملکرد سال ۱۳۶۰ برآورد می‌شود.

انجام هزینه‌ها نسبت به کل درآمدهای مورد انتظار، بالغ بر $565/6$ میلیارد ریال کسری خواهد داشت که پیش‌بینی می‌شود مبلغ 100 میلیارد ریال آن از محل برگشتی سنوات قبل تأمین گردد و مبلغ $164/1$ میلیارد ریال نیز از محل صرفه‌جویی ضمن اجرای بودجه‌ی جاری تأمین شود.

امید است که برای تأمین کسری باقیمانده در سال آینده با استفاده مؤثرتر از ظرفیت‌های مالیاتی کشور و اعمال صرفه‌جویی‌های ممکن و اتخاذ سایر تدابیر، حتی المقدور از اتکا به سیستم بانکی کاسته شود.

برنامه‌ریزی و نظارت

در این جا لازم است به دو مسأله‌ی اساسی که دولت توسل و بهره‌گیری از آن‌ها را چاره‌ی بسیاری از مشکلات فعلی می‌داند اشاره‌نمایم.

۱- برنامه‌ریزی

۲- نظارت

اولاً، گرچه امید می‌رود که اعمال سیاست بودجه‌ی سال ۱۳۶۱ و سایر اقدامات و تدابیر کوتاه‌مدت بتواند در رفع و تخفیف پاره‌ای از مشکلات و مسائل اقتصادی - اجتماعی کشور مؤثر باشد، لکن دستیابی به استقلال تأمین عدالت اجتماعی و رشد سالم و غیروابسته‌ی اقتصادی، مستلزم تهیه و تدوین چهارچوبه‌ی مشخصی برای فعالیت‌ها و تعیین هدف‌های توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت در قالب اهداف جمهوری اسلامی ایران است. در این جهت از چندماه قبل، حرکت برنامه‌ریزی کشور از طریق تشکیل و فعالیت کمیته‌های ده‌گانه تعیین ساخت اقتصادی کشور و تعیین هدف‌های توسعه‌ی اقتصادی، آغاز گشته است.

هم‌چنین، شورای اقتصاد، «نظام برنامه‌ریزی کشور» را تصویب و ابلاغ نموده است. امید می‌رود که با آماده شدن نتایج کار کمیته‌های ده‌گانه - که نظام برنامه‌ریزی کشور نیز نتیجه‌ی کار یکی از همین گروه‌ها است - و تصویب مراجع ذی‌صلاح و آغاز فعالیت شوراهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای و بخشی، بودجه‌ی سال ۱۳۶۲ بر مبنای نتایج فعالیت این شوراهای تهیه و تدوین گردد و دولت بتواند بودجه‌ی کل کشور را تقدیم قوه‌ی مقننه نماید. باید اضافه کرد که در نظام برنامه‌ریزی کشور تأکید اساسی بر جلب مشارکت وسیع هم‌آهنگی مردم در قالب شوراهای برنامه‌ریزی ده، بخش، شهرستان و استان است.

دولت با تجربه‌ی مطلوب بسیج همگانی مردم در مقابله با تجاوز خارجی، بر همکاری گسترده‌ی مردم و مشارکت آنان در تخفیف و رفع مشکلات و نارسایی‌ها، سخت‌امیدوار است و امید دارد که با چنین روحیه‌ای که در مردم میهن‌شان شکوفا شده است، در زمینه‌ی جنگ اقتصادی نیز پیروز و سزافراز باشد.

ثانیاً، دولت جمهوری اسلامی ایران، مصمم است که به‌عنوان یک وظیفه‌ی حساس و مهم

شرعی - ملی، با برنامه‌ریزی و با تقویت عوامل نظارت در دستگاه‌های اجرایی و در سازمان برنامه و بودجه، بر کلیه‌ی هزینه‌ها و هزینه‌ریالی که هزینه می‌شود، نظارت کامل داشته باشد. دولت ترجیح می‌دهد که به جای تکیه بر صرفه‌جویی، بر «هزینه کردن صحیح» تکیه کند و از کلیه‌ی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسؤولان دستگاه‌های اجرایی و نهادهای انقلاب در این زمینه، یاری طلب می‌نماید، تا بتواند با تقویت و تشویق مدیران دلسوز و سازمان‌های فعال، و بازخواست از مدیران و مسؤولان کاهل و غیرفعال، فعالیت‌های عمرانی را سرعت بخشد. و کیفیت آن‌ها را نیز بالاتر ببرد و هم‌چنین از عوامل اجرایی و هزینه‌های جاری دستگاه‌ها به‌بترین نحو بهره‌گیری نماید.

طرح و اجرای بودجه‌ی عملیاتی

انتظار دولت این است که با این حرکت، نخستین گام‌ها را در جهت تحقق یکی از آرمان‌ها و اهداف خود، که طرح و اجرای «بودجه‌ی عملیاتی» است، بردارد و به‌جای تقسیم صرف اعتبار در مقابل طرح‌هایی که ارائه می‌شود، بتواند در مقابل ارائه‌ی طرح و اجرای کار، اعتبار تخصیص دهد و ارزیابی دستگاه‌ها براساس کاری که در این مقابل اعتبار دریافتی انجام می‌دهند، صورت پذیرد و کازایی و مطلوبیت فعالیت دستگاه‌ها را از این طریق افزون نماید. در پایان شایسته است این نکته را بیفزاییم که جنگ تجملی همان‌گونه که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی فرمودند در کنار شهادت عزیزان و خرابی مناطق و آوارگی گروه‌کثیری از هم‌وطنان و اعمال برخی از تضییقات برای سایر هم‌میهنان، این مزیت بزرگ را داشته است که ملت ایران را بنا به صفات و توانایی‌های تازه‌ای به‌جهانبیان بشناساند. این شناسایی بر مفهومی بسیار ارزشمند مبتنی است که بدون دریافت کمک از هیچ نیروی خارجی برخوردار و سرفراز در صحنه‌ی نبرد ایستاده است و از خاک میهن اسلامی و از انقلاب دفاع می‌کند و آوارگان جنگی‌اش نمونه‌های بی‌همتایی در جهان هستند.

انسان‌هایی که علی‌رغم از دست‌دادن عزیزان و خانه و کاشانه‌ی خود و زندگی در شرایطی نه چندان مطلوب، همواره خواستار تداوم نبرد تا پیروزی نهایی بودند و هستند و هم‌وطنان دیگری که در شهرها و روستاهای کشورهای دشمنان زندگی می‌کنند و در جهان نمونه‌ی

شاخص و کم‌نظیری هستند که با بردباری و ایثار، دولت را یاری می‌دهند، روحیه‌ی ایثار و فداکاری ملت، به‌ویژه اقشار مستضعف که سنگینی بیشتری را متحمل هستند، از آغاز انقلاب و به‌ویژه از آغاز جنگ تحمیلی تاکنون، نیروی جانب‌فشی است که دولت‌مردان خدمت‌گزار به‌اسلام را با روحیه‌ی قوی و افکاری آرام و دستانی توانا به‌مقابله با نارسایی‌ها و نبرد علیه نیروهای پنهان و آشکار استکبار جهانی رهنمون شده است.

جا دارد که دولت خدمت‌گزار در مقابل این ملت شریف و نجیب، سر تعظیم فرود آورد و از خداوند یاری طلبد تا در ایفای وظایف متقابل که به‌حکم شرع و قانون برعهده دارد، توفیق یابد.

در خاتمه، ضمن تقدیم لایحه‌ی بودجه‌ی عمومی دولت در سال ۱۳۶۱، موقفیت نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی را در جهت حرکت به‌سمت اهداف الهی آرزو می‌نمایم.^(۱)

جایزه‌ی «بزرگوارترین روحیه‌ی مبارزه‌ی انقلابی»

بزرگوارترین روحیه‌ی مبارزه‌ی انقلابی را به آن عزیزانی که در راه تحقق اهداف انقلاب اسلامی، با روحیه‌ی شجاعت و ایثار، با تمام توان و امکانات خود، در برابر دشمنان داخلی و خارجی ایستادند و با روحیه‌ی فداکاری و ایثار، در راه تحقق اهداف انقلاب اسلامی، جان و مال خود را فدا کردند، اعطا می‌گردد. این عزیزان را به‌عنوان «بزرگوارترین روحیه‌ی مبارزه‌ی انقلابی» تقدیم می‌نمایم.

این عزیزان را به‌عنوان «بزرگوارترین روحیه‌ی مبارزه‌ی انقلابی» تقدیم می‌نمایم. این عزیزان را به‌عنوان «بزرگوارترین روحیه‌ی مبارزه‌ی انقلابی» تقدیم می‌نمایم.

این عزیزان را به‌عنوان «بزرگوارترین روحیه‌ی مبارزه‌ی انقلابی» تقدیم می‌نمایم. این عزیزان را به‌عنوان «بزرگوارترین روحیه‌ی مبارزه‌ی انقلابی» تقدیم می‌نمایم.

در این باره، دادگاه انقلاب ارتش، طی اطلاعیه‌ای که منتشر کرد، اعلام داشت که به موجب احکام صادره از سوی این دادگاه، ۱۵ نفر از عوامل ضدانقلاب به جرم شرکت در طرح براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران محکوم به اعدام شدند که احکام صادره به مرحله‌ی اجرا گذاشته شد. متن اطلاعیه‌ی دادگاه انقلاب ارتش به این شرح است:

به جرم شرکت در طرح براندازی و به حکم دادگاه انقلاب ارتش: ۱۵ سلطنت طلب و کودتاجی اعدام شدند

دادگاه انقلاب ارتش، طی اطلاعیه‌ای که منتشر کرد، اعلام داشت که به موجب احکام صادره از سوی این دادگاه، ۱۵ نفر از عوامل ضدانقلاب به جرم شرکت در طرح براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران محکوم به اعدام شدند که احکام صادره به مرحله‌ی اجرا گذاشته شد. متن اطلاعیه‌ی دادگاه انقلاب ارتش به این شرح است:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

دادگاه انقلاب اسلامی ارتش، به پرونده‌های اتهامی نام‌برندگان زیر رسیدگی نموده و با عنایت به اتهامات هریک از آنان به شرح زیر میادرت به صدور رأی نموده است.

۱ - سرهنگ بازنشسته، قدرت‌الله دیده‌ور، فرزند اسماعیل، به اتهام فعالیت در شبکه‌ی براندازی جمهوری اسلامی ایران و ارتباط مستقیم با اویسی خائن، اقدام به عضوگیری در شبکه و ایجاد تسهیلات لازم جهت فعالیت مقدمین؛ از جمله تهیه‌ی منزلی با تلفن برای آنان و خروج هشتصد هزار تومان ارز از کشور، مفسد فی الارض و محارب با خدا و رسول شناخته شد؛ محکوم به اعدام.

- ۲ - غیرنظامی، گلشن شاهنده آشتیانی، فرزند سیف‌الله، به‌اتهام همکاری با گروه بمب‌گذار پارس و تماس نزدیک با رحمان آرمین، رهبر سازمان پارس، با داشتن علم کامل به اقدامات جنایت‌کارانه سازمان پارس؛ محکوم به اعدام.
- ۳ - گلناز نقیب‌منش، به‌اتهام همکاری با سازمان بمب‌گذار پارس و رابطه‌ی نامشروع با رحمان آرمین، رهبر سازمان که به‌اعتراف صریح خودش، فرزند پانزده ماهه‌ی نامشروعی از آرمین داده، محکوم به اعدام.
- ۴ - سرهنگ بازنشسته‌ی گارد جاویدان منحل‌ی سابق، ابراهیم صیرفی، فرزند حسین به‌اتهام عضویت در شورای نظامی جبهه‌ی اتحاد ملی، عضوگیری از ضدانقلابیون در این‌ستاد، شرکت در خارج نمودن افراد ضدانقلاب از کشور، همکاری با سرهنگ کودتاچی معدوم فریدون اکوان و تهیه‌ی آپارتمانی تحت پوشش شرکت، جهت ارتباط با خارج از کشور؛ محکوم به اعدام.
- ۵ - غیرنظامی، کورش یاراحمدی، فرزند حبیب‌الله، به‌اتهام فعالیت گسترده و همدانیه با باند اویسی و پزشکپور، جهت براندازی جمهوری اسلامی ایران، معرفی افراد جهت فعالیت در این شبکه، تماس با کودتاچیان خارج از کشور و اقدام برای سازماندهی این شبکه؛ محکوم به اعدام.
- ۶ - سرهنگ بازنشسته، اسدالله فروغی، به‌اتهام عضویت در شورای نظامی جبهه‌ی اتحاد ملی که هدفش براندازی جمهوری اسلامی ایران بوده و همکاری با سلطنت‌طلبان، اقدام به عضوگیری در این شبکه؛ محکوم به اعدام.
- ۷ - غیرنظامی، عسگر مهاجرزی، فرزند محمدعلی، مدیر سابق باشگاه آذری، به‌اتهام فعالیت وسیع و خطرناک در سازمان سلطنت‌طلب و بمب‌گذار پارس و اعلام آمادگی جهت به‌آتش‌کشیدن شهر تهران و خرابکاری در هر نقطه، شروع به سازماندهی گروهی به‌نام «جاویدمردان»، مرکب از اوپاش تهران و شهرستان‌ها جهت بسیج علیه حکومت اسلامی؛ محکوم به اعدام.
- ۸ - سرهنگ بازنشسته، محمود صباح، فرزند عبدالله، به‌اتهام همکاری با شورای اصلی جبهه‌ی اتحاد ملی و داخل شدن در تشکیلات نظامی جبهه‌ی ملی و طرفداری از روش‌های حاد و خرابکارانه؛ محکوم به اعدام.
- ۹ - سرهنگ بازنشسته، غلامحسین رحیمی، فرزند محمود، عضو اصلی شورای نظامی و منتخب سرهنگ اکوان و سرهنگ زادنادری، افسران کودتاچی به‌عنوان

انسر عملیات؛ محکوم به اعدام.

۱۰ - سرهنگ بازنشسته، غلامحسین بیگلرلو، فرزند فتح‌الله که در کودتای نافرجام ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹، افراد نظامی و غیرنظامی را برای عضویت به سرهنگ زادنادری، معرفی نموده بود؛ بعد از کشف کودتا، متواری شد و قصد رفتن به عراق را داشته که بعداً منصرف می‌شود. مشارالیه شدیداً با شبکه‌ی براندازی جمهوری اسلامی ایران همکاری نزدیک و مصمم داشته است؛ محکوم به اعدام.

۱۱ - عبدالله امیرطهماسب، که یکی از اعضای فعال شبکه‌ی براندازی بوده و در پاریس با نیک‌باقری و پزشکپور ملاقات کرده و از نیک‌باقری پول گرفته و او را در جریان تشکیل شبکه قرار داده است. وی هم‌چنین ضمن ملاقات‌های متعدد با افراد شبکه، نقشی تهران را و این‌که چه تقاطعی را باید منفجر کرد، تهیه کرده است؛ محکوم به اعدام.

۱۲ - سرهنگ بازنشسته امیرحسین عبدالملک‌پور، فرزند غلامرضا، به اتهام همکاری با گروه همب‌گذار پارس و داخل شدن در شبکه‌ی براندازی جمهوری اسلامی ایران و عضوگیری و معرفی افراد جهت همکاری با شورای نظامی شبکه؛ محکوم به اعدام.

۱۳ - غیرنظامی سیاوش توکلی، فرزند هدایت، به اتهام تشکیل سازمان زیرزمینی، جهت براندازی رژیم جمهوری اسلامی ایران و برقراری رژیم سلطنتی به شیوه‌ی تخریب و بمب‌گذاری و ترور، اقدام به وارد کردن اسلحه و پخش آن بین عناصر ضدانقلاب، خروج غیرقانونی از کشور و اقدام جهت خارج نمودن عناصر فراری، ایجاد چاپخانه جهت تهیه و پخش روزنامه و اعلامیه‌های ضدانقلابی اویسی و بختیار، محکوم به اعدام.

۱۴ - غیرنظامی محمد خشایار، فرزند غلامحسین، به اتهام شرکت در کودتای نافرجام تیرماه ۵۹ و فعالیت مجدد در شبکه‌ی براندازی و همکاری با صیرفی و فروغی، (اعضای اصلی شورای نظامی جبهه‌ی اتحاد ملی)؛ محکوم به اعدام.

۱۵ - محمدجواد لطف‌زرعی، به اتهام شرکت و همکاری با شبکه‌ی براندازی جمهوری اسلامی ایران؛ محکوم به اعدام.

احکام صادره در مورد افراد فوق‌الذکر، به‌مورد اجرا گذاشته شد. (۱)

سخنگوی دولت در مصاحبه‌ی مطبوعاتی اعلام کرد: زیرساخت اقتصادی کشور، سال آینده تقدیم مجلس می‌شود

احمد توکلی، سخنگوی دولت و وزیر کار و امور اجتماعی در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی شرکت کرد و به سؤالات مختلف خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ گفت. توکلی در این مصاحبه اعلام کرد که از دی‌ماه امسال با همت و تلاش برادران ایرانی و بدون دخالت شرکت‌های خارجی و در جهت خودکفایی کامل، بهره‌برداری از معادن مس سرچشمه، آغاز شده است؛ ضمناً ایران در مقابل خسارات وارده پس از فرار کارشناسان خارجی ضمن شکایت به دادگاه لاهه، تقاضای یک میلیارد و دویست میلیون دلار خسارت کرده است.

سخنگوی دولت، خبر دیگری را در رابطه با خودکفایی ایران اعلام داشت و گفت که از ۱۲ تا ۲۲ بهمن‌ماه، سینماهای سراسر کشور فقط فیلم‌های تولیدشده‌ی ایرانی را نمایش می‌دهند و این عکس‌العملی است برای کمتر سودرساندن به کمپانی‌های خارجی.

برادر توکلی در مورد تقاضای عراق از کشورهای عربی، مبنی بر قطع رابطه‌ی کشورهای عربی با ایران گفت: ما همیشه منادی وحدت مسلمین بوده‌ایم و علیه کشورهایهایی که به اسلام و مسلمین پشت کرده‌اند، ندا در داده‌ایم و گفته‌ایم که مسلمانان باید با هم متحد شوند و با

اسرائیل بچنگند، زیرا که خوی تجاوزگری این غده‌ی سرطانی بر هیچ‌کس پوشیده نیست. آن‌هایی که از تجاوزات اسرائیل حمایت کرده‌اند و ما باید از این حمایت‌ها عبرت بگیریم و بدانیم که تا مسلمانان علیه استکبار جهانی و دشمن اصلی آمریکا متحد نشوند، کاری از پیش نخواهند برد.

وی افزود: این‌ها ما را تهدید به قطع رابطه می‌کنند، در حالی که ارتباط ما با ملت عرب، ارتباطی است که از هزار و چهارصد سال پیش نشأت گرفته؛ زیرا که ما خدایی واحد، زبانی واحد و دینی واحد داریم، پس آن‌ها باید بدانند که با بستن این قراردادها هرگز نخواهند توانست زیر پرچم آمریکا برای خود امنیت فراهم کنند.

وی گفت: ما می‌گوییم آن گروه از مؤمنین که ایمان بیاورند و ایمانشان را به‌ظلم آلوده نکنند، برای داشتن امنیت، شایسته‌ترند و آن گروه، ملت ایران است. همه ملت‌های منطقه آرزو دارند متحد شوند تا مشیت محکمکن بر فرق اسرائیل بکوبند تا دیگر آمریکا قادر نباشد طمع بر ثروت مسلمانان بیندازد.

ارتباط ایران با ملت عرب

سخنگوی دولت اظهار داشت: رابطه بین ایران و ملت‌های عرب، بسیار غنی است و دولت‌های عربی آن قدر غافل هستند که نمی‌دانند حفظ منافع کشورشان با همبستگی با آمریکا، تأمین نمی‌شود. تنها تحت اتحاد با مردم کشور خود و مردم مسلمان و قدرتمند ایران است که قادر خواهند بود قدرت خود را برای رشد اسلام به‌کار برند و هیچ طمع و نظری هم نخواهند داشت.

وی گفت: ما بارها نشان داده‌ایم که چگونه در مقابل عراق می‌ایستیم و خواهیم ایستاد. ما از روزهای اول خودمان بسیار قوی‌تر هستیم، ما ملت‌ی جنگ‌طلب هم نیستیم و قصد تجاوز به هیچ کشوری هم نداریم.

فعالیت گروه‌ها
توکل: در مورد فعالیت گروه‌های داخلی و نحوه‌ی برخورد دولت با آن‌ها گفت: آن‌ها

گفته‌اند که ما ائتلاف می‌کنیم، امام فرمود: «شما را می‌شناسم: اهل ائتلاف نیستید»

سخنگوی دولت در این مصاحبه ضمن برشمردن موارد اضمحلال گروه‌ها، نمودارهایی از رکود فعالیت‌های این گروه‌ها بدخبرنگاران نشان داد و گفت: با مشاهده‌ی این نمودارها مشخص می‌شود که این گروه‌ها افرادی چون رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر و دیگر افراد حزب‌اللهی را ترور می‌کنند و این بزرگ‌ترین نشانه‌ی یکپارچگی کشور ما است.

وی افزود: ملت ما کسانی را که دست به‌جنگ مسلحانه بزنند، از بین می‌برد؛ چنانچه کسانی که مسلحانه قیام کرده بودند، از بین رفتند. آن‌هایی که مزورانه می‌خواهند خودشان را در دل ملت جا بزنند، پیش ملت هیچ آبرویی ندارند. ما به آن‌ها هشدار می‌دهیم که راه، تنها اسلام است و لاغیر.

توکلی در مورد شرکت ایران در جلسه‌ی فوق‌العاده‌ی سازمان ملل، جهت بررسی مسأله‌ی تجاوز رژیم صهیونیستی گفت: چون ایران خود را غیرمتمه‌دترین کشور می‌داند، مسلماً در قبال بلوک‌های موجود سیاسی با سایر کشورهای غیرمتمه‌د، موضع خواهد گرفت و اگر سفری باشد به اطلاع ملت ایران خواهد رسید.

سخنگوی دولت پیرامون حق و تو، که اخیراً آمریکا به‌نفع اسرائیل انجام داده، اظهار داشت: راه حل مسأله‌ی فلسطین تنها با مسلسل‌های متکی بر ایمان است، نه بازی‌های سیاسی. هرچه زمان می‌گذرد و حقانیت این سخن پیامبرگونه‌ی امام بر ملت جهان آشکار می‌شود که چگونه کشورهایی که همیشه دم از طرفداری از حقوق بشر می‌زدند، خودشان نیز از تجاوز حمایت می‌کنند و خود، سازمانی تشکیل می‌دهند و خود، خلاف آن را اجرا می‌کنند.

توکلی گفت: همه باید بدانند که ایران راه آزادی قدس را در اتحاد مسلمین و تکیه بر مسلسل‌ها اعلام کرده است و باید از این کیده‌ها مأیوس باشند. حق و تو، سند اهانت و جنایت بشریت است که غرب به‌روی آن صحنه می‌گذارد و خود را مدافع آن می‌داند و این کشورهای منطقه هستند که باید موضع خود را انتخاب کنند.

مجمع پتروشیمی ایران و ژاپن

سخنگوی دولت سپس به‌مسأله‌ی مجمع پتروشیمی ایران و ژاپن اشاره کرد و گفت:

براساس قراردادی که در زمان رژیم منقطع گذشته، امضا شده بود، تمام اختیارات در این قرارداد در اختیار کشور خارجی بود؛ لیکن تمامی مخارج سنگین این مجتمع، بر دوش ایران است و چنانچه این پروژه به سوددهی رسید، منفعت آن برای ایران و ژاپن به طور نصف نصف خواهد بود.

توکل‌ی افزود: زمانی که اجرای پروژه آغاز شد، ژاپنی‌ها گفتند اگر این مجتمع به‌خواهد احداث شود، حدود سیصد و پنجاه میلیون دلار هزینه دربر خواهد داشت و چون اختیارات در دست آن‌ها بود، به‌مرور زمان برای پروژه، هزینه‌ی بیشتری را اعلام کردند. و این هزینه‌ها را به‌طور مرتب افزایش دادند تا به‌رقم چهارمیلیارد و دو بیست میلیون دلار رسید.

توکل‌ی افزود: با پیروزی انقلاب، شرکا، مسأله را جدی نگرفتند؛ چون می‌دانستند که پس از انقلاب، آن غارتگری‌های گذشته را نمی‌توانند ادامه دهند و بر آن شدند تا نمونه‌ی این کارخانه را در پادشاهی سعودی احداث کنند و در نتیجه جهت منافع را از سوی ایران برگرداندند، به‌طوری‌که حتی هیچ‌گونه امکانی به‌کارشناسان ما نمی‌دادند.

وی افزود: روابط ایران و ژاپن بسیار گسترده است و صلاح دولت ژاپن نیست که تمام مصالح سیاسی - اقتصادی خود را در رابطه با یک شرکت خصوصی به‌اصطلاح گره بزند. ما میل داریم روابط عادلانه با کشورهایایی که با ما در حال جنگ نیستند، داشته باشیم، ولی نمی‌خواهیم این مسأله را ببینیم که ژاپن در شرکت میتسویی خلاصه شده است.

ژاپنی‌ها ادعا می‌کنند که ۸۵ درصد طرح تمام شده است و فقط ۱۵ درصد آن مانده است و خسارات ناشی از جنگ را قبول ندارند. ما به‌آنان اعلام کرده‌ایم که ایران متعهد می‌شود که تمامی مخارج ۱۵ درصد را بپردازد و از سهم ژاپن کم کند. آن‌ها گفته‌اند: نتیجه‌ی خسارات جنگی چه می‌شود؟ ما اعلام کرده‌ایم که همه‌چیز در مورد خسارات جنگی و دیگر احتمالات در قرارداد نوشته شده است. هم‌چنین در قرارداد آمده است که خسارات جنگی به‌عهده‌ی کیست و چنانچه شرایط اضطراری پدید آمد، چه باید کرد. و خلاصه، همه‌چیز در قرارداد روشن و پیش‌بینی شده است.

توکل‌ی افزود: ما به‌آن‌ها گفته‌ایم: شما که ادعا می‌کنید به‌مجتمع، خسارت وارد شده است، بیا بید خسارات را برآورد کنید و چون ما این جنگ را یک جنگ عقیدتی می‌دانیم، در مورد

خسارات مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن، گذشت کرده و مسؤلیت تمامی خسارات وارد آمده به این مجتمع را تقبل کنیم، لیکن ژاپنی‌ها با تمام این وجود، قبول نکرده‌اند. سخنگوی دولت در ادامه‌ی سخنان خود افزود: در این جا صریحاً اعلام می‌کنم با وجود این که ما ادعایی نداریم که مانند ژاپن از نظر تکنولوژی، پیشرفته هستیم، اما مدعی داشتن مردمی هستیم که به وطن و دین خود و عقیده‌ی خودشان عشق می‌ورزند و از استعداد و هوش سرشاری برخوردارند. اگر قرار باشد شرکت میتسویی تن به چنین قراردادی که امضا کرده، ندهد، طبق مفاد قرارداد، این مسأله را به داوری ارجاع می‌کنیم که طبق قرارداد، دیوان عالی کشور جمهوری اسلامی ایران است و دیوان عالی کشور ما هم قدرت کامل رسیدگی به این مسأله را دارد و به زور دادگاه‌های بین‌المللی هم شده، تمامی خسارات خود را از شریک ژاپنی خواهد گرفت و بعد هم خودمان آستین‌ها را بالا زده و مانند مجتمع مس سرچشمه به هر نحوی که شده تا آن جایی که مقدور است، قسمت اعظمی از این مجتمع را به پایان رسانده و راه خواهیم انداخت و همان‌طور که به آمریکای جهان‌خوار نشان دادیم به بعضی از شرکت‌های غارتگر هم نشان می‌دهیم که می‌توانیم جایگزین آن‌ها شویم و کار خودمان را خود انجام دهیم.

طرح خرید برنج

سخنگوی دولت در مورد خرید برنج گفت: نوعی خرید برنج نسبتاً خوب بوده، ولی تا حدودی اشکالات نیز داشته که در سفر اخیر خودمان به استان‌ها در برطرف کردن اشکالات اقداماتی کردیم، چون می‌بایستی طرح را بنابر ضرورت‌های انقلاب، تصمیم بر اجرای آن گرفته بودیم، بتوانیم ادامه دهیم؛ البته تا زمانی که امکان باشد، ولی باید بگویم طرح کاملاً موفقیت‌آمیز نبوده است و طبق نظر شورای اقتصاد، ضرورت آن هنوز وجود دارد و ان شاء الله سعی خواهیم کرد اشکالات را برطرف کنیم.

سخنگوی دولت افزود: برای نیروهای قادر به کار، برنامه‌هایی داریم. ما موظف هستیم هم به آن‌هایی که سرکار هستند خدمات بدهیم و روابط آن‌ها را تنظیم کنیم، هم به کسانی که کار ندارند و این عده بیشتر از دسته‌ی اولی محتاج خدمت هستند.

۱۹۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

وی گفت: برنامه‌های وزارت کار در دو قسمت پیاده می‌شود:

۱- روابط کار

۲- تنظیم بازار کار

بنای تنظیم روابط، قانون کار فعلی است که متأسفانه دارای نقایص زیادی است و با اسلام نیز فاصله‌ی زیادی دارد.

وی افزود: مقدمات تغییر این قانون و مطالعه بر روی این تغییرات، فراهم شده و در این مورد پیش‌نویسی نیز تهیه شده که دارای اشکالاتی است و باید روی این پیش‌نویس کار شود، البته ممکن است چند ماه دیرتر نتیجه بگیریم ولی خود من اعتقاد دارم اگر چندماه نتیجه‌گیری دیرتر انجام گیرد اما یک قانون اصولی مطابق با اصول اسلامی از کار دربیاید که روابط کارگران ما را با کارفرماها و مدیریت به‌نحو خوبی تنظیم کند، بهتر است.

توسعه‌ی کارگاه‌های کوچک

سخنگوی دولت افزود: برنامه‌ی دراز مدت در دست تهیه است تا قانون کار تغییر یابد که ان‌شاءالله شاید با یک برنامه‌ی زمان‌بندی شده اعلام کنیم که چه موقع می‌توانیم این قانون را آماده کنیم.

وی افزود: یک برنامه‌ی کوتاه‌مدت هم مورد نظر است برای این‌که نیروهای قادر به کار را جذب کار کنیم در بودجه‌ی امسال پیش‌بینی شده است؛ یعنی دولت حاضر است مبلغ سی میلیارد ریال برای رشد کارگاه‌های کوچکی که می‌توانند کارگر را جذب کنند کنار بگذارد. برای خرج این سی میلیارد ریال، طرح‌هایی نیز در دست تهیه داریم.

وی گفت: ما سعی می‌کنیم به‌زودی ترتیباتی بدهیم که کارگاه‌های کوچک بتوانند رشد کنند و کارگر استخدام کنند و مشکلات آن‌ها را که نداشتن مواد اولیه، جواز تولید و بیمه است، حل کنیم که با اجرای این مراحل، ان‌شاءالله بتوانیم نیروهای فعال و جوان را جذب صنایع کوچک کنیم. در مورد تشکیلات کارگری هم تعدادی شورای قانونی در کارخانجات وجود دارد که به کار خود ادامه می‌دهند. برای این‌که ما این شوراهای قانونی را در جاهای دیگر تأسیس کنیم و به آن‌ها تمرکز و هماهنگی بدهیم، لازم است قانونی به مجلس شورای

اسلامی تقدیم شود. به همین منظور، با گروه‌های کارگری و دست‌اندرکاران وزارت کار و کمیسیون شورا و کار مجلس شورای اسلامی مشورت شده و ان شاء الله برای این تشکیلات هم قانونی به مجلس خواهیم برد.

توکلی آن‌گاه گفت: شورای اقتصاد مرکب از ۱۱ وزیر است که طبق قانون مجاسات عمومی و قانون برنامه و بودجه‌ی موجود، تنظیم بودجه‌ی کل کشور و تقدیم آن به هیأت دولت و تصمیم‌گیری‌های خاصی که در قانون پیش‌بینی شده، درباره‌ی حل مشکلات اجرایی دستگاه‌ها و جهت‌گیری‌های اقتصادی کشور به عهده‌ی این شورا است که طبق قانون نباید بعضی از مصوبات، مستقیماً اجرا شود و برخی دیگر پس از تصویب هیأت دولت قابل اجرا است و بعضی دیگر از مصوبات نیز باید بعد از تصویب هیأت دولت و مجلس شورای اسلامی اجرا شود.

وی سپس افزود: این ۱۱ وزیر، عمدتاً وزیران وزارت خانه‌های فنی و اقتصادی کشور می‌باشند.

وی سپس در مورد تنظیم بازار کار گفت: برنامه‌ریزی در این رشته یک مقام مشکل‌تر از برنامه‌های کوتاه مدت است چون ما از نظر اقتصادی در فشار و محاصره‌ی اقتصادی هستیم ولی در عین حال کادر مناسب برنامه‌ریزی را بهتر می‌بینیم. آمار مناسب آن نیز جمع‌آوری خواهد شد و امیدوارم پس از این که زیر ساخت اقتصادی کشور ان شاء الله در اوایل سال آینده از سوی هیأت دولت تقدیم مجلس شد و مجلس حدود فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی را تعیین کرد، بتوانیم برنامه‌ریزی دقیق و درازمدتی برای تنظیم بازار کار انجام دهیم.

سخنگوی دولت در پاسخ به سؤالی در زمینه‌ی اعزام کارشناسان نفتی ایرانی به لیبی گفت: ما وقتی می‌گوییم خواهان اتحاد هستیم با هیچ فردی شوخی نداریم و وقتی که می‌گوییم آمریکا دشمن مردم دنیاست، باز هم دروغ نگفته‌ایم. نمونه‌اش این عمل زشتی است که آمریکا برخلاف قراردادهای بین‌المللی با لیبی داشته است.

آمریکا، ۱۵۰۰ تن از کارشناسان خود را از لیبی خارج کرد و ما بلافاصله اعلام کردیم به دلیل این که ما اولین کشور منطقه بوده‌ایم که از آن نفت استخراج شده و تکنسین‌ها و مهندسین و کارشناسان ما تجربیات بسیار خوبی دارند. و پس از انقلاب و خروج کارشناسان

۱۹۲ هجری بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

خارجی نفتی کاملاً توانستیم به طور مستقل صنعت نفت خود را سرپا نگاهداریم و به استخراج و اکتشاف خود ادامه دهیم در صدور نیز از توانایی بالایی برخورداریم؛ به همین دلایل به برادرانمان در لیبی پیشنهاد کردیم که آمادگی پر کردن جای کارشناسان آمریکایی در لیبی را داریم، البته خدمتی بدون منت!

سخنگوی دولت در مورد تشکیل شرکت نفتی مشترک بین ایران و لیبی گفت: تاکنون چنین شرکتی تشکیل نشده است، ولی آنچه مشخص است این مطلب است که کمک‌های بی‌دریغ ملت ایران به ملت برادر لیبی، هم‌چنان ادامه خواهد داشت، تا اتحاد ما تجلی عینی پیدا کند؛ و چنان‌چه مصالح دو کشور اقتضا کند، چنین شرکت‌هایی نیز تأسیس خواهد شد.

رفع احتکار و گران‌فروشی

سخنگوی دولت آنگاه در خصوص رفع احتکار و گران‌فروشی گفت: پس از انقلاب، صنعت وابسته ما با فرار مدیران غارت‌گر و خروج حدود پنج‌هزار کارشناس صنعتی خارجی و ۴۰ هزار داخلی از ایران لطماتی دید و محاصره‌ی اقتصادی باعث شد ما مواد اولیه را به راحتی به دست نیاوریم؛ با توجه به این مسأله، مطمئناً تولید در داخل کم می‌شود. این ضعف باعث شده است که ما بعضی از کالاهای اساسی را زیر کنترل درآوریم تا قیمت آن‌ها افزایش نیابد و حتی در صورت لزوم برای پایین نگه‌داشتن قیمت آن مابه‌تفاوت آن‌کالا را نیز پرداخت کنیم.

وی اضافه کرد: اخیراً نیز در شورای اقتصاد، تصویب شده است که برای پایین نگه‌داشتن قیمت مرغ و تخم‌مرغ، هفت میلیارد ریال از خزانه‌ی دولت مابه‌تفاوت پرداخت شود، تا این اجناس به قیمت ارزان در اختیار مردم قرار گیرد، البته ما در این زمینه سیاست‌هایی داریم که در فرصت مناسب به مردم ارائه خواهد شد.

وی در مورد تورم گفت: تورم در مورد کالاهای اساسی مردم دیده نمی‌شود و در مورد کالاهای دیگر نیز، قوه‌ی قضائیه باید اقدام کند و امیدواریم که با نصایحی که امام فرمودند، مستحکین و گران‌فروشان به خود آیند و خود را مورد غضب و خشم انقلابی ایران قرار ندهند.

تحریم نفتی آمریکا

سخنگوی دولت در ادامه‌ی این مصاحبه از پیشنهاد تحریم نفتی آمریکا که از سوی سوریه مطرح شده، استقبال کرد و گفت: برای این عمل، اقدامات یک یا دو کشور مؤثر واقع نخواهد شد و فقط کافی است که کشورهایی هم چون پادشاهی سعودی میزان صدور نفت خود به آمریکا را کمی بالا ببرد.

توکلی ضمن اظهار تأسف از این که بعضی از کشورهای منطقه به جای حمایت از سوریه مسلمان عرب، از اسرائیل غاصب حمایت می‌کنند و حاضر نیستند از امکانات خدادادشان علیه اسرائیل متجاوز استفاده کنند، گفت: این گونه کشورها چگونه جواب خدا و ملت خود را خواهند داد.

احمد توکلی افزود: ابرقدرت‌ها محتاج به نفت ما هستند و ترس کشورهای منطقه از ابرقدرت‌ها، بیهوده و پوچ است. تمام قدرت در دست مستضعفین است.

سخنگوی دولت ضمن حمایت مجدد از پیشنهاد سوریه در مورد تحریم نفتی آمریکا گفت: اگر کشورهای دیگر نیز از سوریه حمایت کنند و متحداً تصمیم گرفته شود که به آمریکا نفت ندهیم، آمریکا و هم‌پیمانانش به‌زانو در خواهند آمد.

احمد توکلی در مورد گازوئیل گفت: خوشبختانه با تلاش برادران متعهد ما در شرایط فعلی نسبت به آغاز جنگ، حدود ۹ میلیون لیتر افزایش تولید گازوئیل داشته‌ایم.

ردشایعه‌ی اعدام بهایی‌ها

سخنگوی دولت در پاسخ به خبرنگاری که پرسید: نظر شما در مورد اکاذیب یکی از نشریات غربی که ادعا کرده است در ایران بهاییان را اعدام می‌کنند، چیست؟ گفت: ما بنابه اعتقادمان و بنابه قانون اساسی کشورمان نه تنها بهایی را فقط به خاطر این که بهایی است، نمی‌کشیم، بلکه حتی کمونیست‌ها را نیز به خاطر کمونیست بودن نمی‌کشیم. ولی هر فردی که علیه منافع و مصالح جمهوری اسلامی و ملت انقلابی ایران فعالیت کند، طبق قانون، محاکمه و مجازات خواهد شد.

وی افزود: ما به کسانی که از اسرائیل پول می‌گیرند و در ایران جاسوسی می‌کنند، فرصت

۱۹۴ کجاست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

نی‌دهیم و به شدیدترین وجه با آنان برخورد خواهیم کرد و این برای ما فرقی نمی‌کند که نام آن‌ها مسلمان باشد یا بهایی و ما با تمام کسانی که بر روی ملت ایران اسلحه بکشند، قاطعانه و به شدت برخورد خواهیم کرد؛ و بر این اساس است که ما در ایران جاسوس شوروی، جاسوس آمریکا و جاسوس اسرائیل را اعدام کرده‌ایم. و اکنون هرکس برخلاف منافع و مصالح ملت مسلمان ایران اقدامی کند، قطعاً مجازات خواهد شد و این‌ها هرچه تعدادشان باشد ما ابایی از اعمال مجازات نداریم. این‌که ما کسی را به‌عنوان بهایی بودن اعدام کرده‌ایم، شدیداً تکذیب می‌کنیم.

وی سپس گفت: این ادعاها، تبلیغات خود صهیونیست‌ها علیه حیثیت جمهوری اسلامی ایران است که ما معتقدیم این‌گونه تبلیغات بر مردم مستضعف جهان اثری نخواهد گذاشت. توکلی در پاسخ سؤال خبرنگار ژاپنی که پرسید: آیا ایران اولین قسط پروژه‌ی پتروشیمی بندر امام خمینی را به بانک‌های ژاپنی خواهد پرداخت، گفت: ما برخلاف شرکت‌های غارتگری که به‌مال دیگران طمع دارند و حاضر نیستند تعهدات خود را اجرا کنند، کشوری هستیم که به تعهدات خود عمل می‌کنیم و انتظار داریم همه از این حسن سلوک ما عبرت گرفته و تعهدات و قراردادهای خود را اجرا کنند.

امنیت خلیج فارس

سخنگوی دولت در پاسخ سؤال خبرنگار خبرگزاری فرانسه که پرسید: نظر شما در مورد تشکیل اجلاس وزرای دفاع شورای همکاری خلیج فارس چیست؟ گفت: اگر منظور از این‌گونه همکاری‌ها حفظ امنیت مردم منطقه باشد، بدون در نظر گرفتن منافع عمومی اسلامی، قابل تحقق نیست. و اگر آن‌چنان‌که مشهود است به‌سرمداری و تحریک آمریکا انجام شود، هیچ نقشی در ایجاد امنیت نخواهد داشت.

سخنگوی دولت در ادامه‌ی سخنان خود خطاب به کشورهای عضو شورای هماهنگی خلیج فارس گفت: ما از شما برای چندمین بار دعوت می‌کنیم که واقعاً به مردم خود و اسلام روی آورده و متحد با کلیه‌ی مسلمانان از جمله مسلمانان ایران، تمام قدرت خود را برای مبارزه جهت نابودی اسرائیل به‌کار گیرید؛ چرا که ایران قوی‌ترین حافظ امنیت خلیج فارس

محسوب می‌شود. و بی‌دلیل برای فرار از مقابله با اسرائیل، مطرح کردن خطری دیگری کاری از پیش نخواهد برد. این که مطرح شود ایران قصد تجاوز به کشورهای منطقه را دارد. مسأله‌ای است صد در صد اشتباه، که ما برای چندمین بار این مسأله را به شدت تکذیب می‌کنیم.

وی افزود: ایران، تمام نیرو و توانش را برای دفع تجاوز از خود به کار می‌برد و پس از آن تمام نیروهای خود را علیه دشمن تمام اعراب و مسلمین یعنی اسرائیل غاصب بسیج خواهد کرد.

سخنگوی دولت در ادامه‌ی سخنان خود اضافه کرد: همکاری‌هایی که در منطقه صورت می‌گیرد اگر هدفش کوبیدن اسرائیل باشد، ما با آغوش باز از این مسأله استقبال می‌کنیم، ولی اگر منظور از این اجلاس‌ها باز کردن پای ابرقدرت‌ها به منطقه باشد، ضرر و زیان این اقدام، متوجهی خود آن‌ها خواهد بود، نه جمهوری اسلامی ایران، زیرا ما از ابرقدرت‌ها هیچ پاکی نداریم.

وی افزود: ما با آمریکا جنگیدیم و ثابت کردیم که قادریم در مقابله‌ی اقتصادی، سیاسی و نظامی بر آمریکا پیروز شویم و اگر کسی جرأت دارد و بخواهد بیشتر از این ما را آزمایش کند، به او نیز نشان خواهیم داد که چگونه باید با ابرقدرت معامله کرد. با این وجود، امیدواریم اجلاس وزرای دفاع شورای همکاری خلیج فارس به جای پرداختن به مسائلی که اصلاً وجود خارجی ندارند به این واقعیت که اکنون اسرائیل غاصب جولان را تصرف کرده و برادران مسلمان عرب ما فریاد هل من ناصر ینصرنی، سر می‌دهند که آیا کسی هست به ما یاری داده و با اسرائیل و آمریکایی که اسرائیل را وتو می‌کند، نفت ندهد.

احمد توکلی در پاسخ سؤال خبرنگاری در مورد اجرای بند «ج» گفت: این مسأله به عهده‌ی مجلس شورای اسلامی است و مجلس به زودی تصمیم‌گیری خواهد کرد و تصمیم مجلس را همه ارگان‌ها و نهادها اجرا خواهند کرد.

سخنگوی دولت در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی گفت: ما متکی به اراده‌ی خدای تعالی هستیم و احتیاج به اتکا به هیچ کشوری را نداریم. ما در صحنه‌ی سیاست خارجی قبلاً موضع خود را اعلام کرده‌ایم.

طبق دستور دین و فتوای رساله‌ی امام با هر کشوری که روابط اقتصادی منجر به سلطه‌ی

۱۹۶۰ کی بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

سیاسی نشود، رابطه خواهیم داشت. ما مستظهر به رحمت الهی و نیروی ملت هستیم و در این کشور، ملت است که تعیین کننده‌ی همه چیز است.^(۱)

در این سخنرانی، امام با اشاره به بیست و پنج سالگی انقلاب، به بیان اهمیت ملت و نقش آن در تعیین سرنوشت کشور پرداخته است. او تأکید می‌کند که ملت است که همه چیز را تعیین می‌کند و این موضوع را با استناد به رحمت الهی و نیروی ملت تقویت می‌کند.

این سخنرانی در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۳۹ (۱۹۶۰) در تهران ایراد شد. در این زمان، ایران درگیر تحولات سیاسی و اجتماعی بزرگی بود. امام با این سخنرانی، به بیان دیدگاه خود در مورد نقش ملت و اهمیت آن در تعیین سرنوشت کشور پرداخته است. او تأکید می‌کند که ملت است که همه چیز را تعیین می‌کند و این موضوع را با استناد به رحمت الهی و نیروی ملت تقویت می‌کند.

این سخنرانی در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۳۹ (۱۹۶۰) در تهران ایراد شد. در این زمان، ایران درگیر تحولات سیاسی و اجتماعی بزرگی بود. امام با این سخنرانی، به بیان دیدگاه خود در مورد نقش ملت و اهمیت آن در تعیین سرنوشت کشور پرداخته است. او تأکید می‌کند که ملت است که همه چیز را تعیین می‌کند و این موضوع را با استناد به رحمت الهی و نیروی ملت تقویت می‌کند.

این سخنرانی در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۳۹ (۱۹۶۰) در تهران ایراد شد. در این زمان، ایران درگیر تحولات سیاسی و اجتماعی بزرگی بود. امام با این سخنرانی، به بیان دیدگاه خود در مورد نقش ملت و اهمیت آن در تعیین سرنوشت کشور پرداخته است. او تأکید می‌کند که ملت است که همه چیز را تعیین می‌کند و این موضوع را با استناد به رحمت الهی و نیروی ملت تقویت می‌کند.

این سخنرانی در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۳۹ (۱۹۶۰) در تهران ایراد شد. در این زمان، ایران درگیر تحولات سیاسی و اجتماعی بزرگی بود. امام با این سخنرانی، به بیان دیدگاه خود در مورد نقش ملت و اهمیت آن در تعیین سرنوشت کشور پرداخته است. او تأکید می‌کند که ملت است که همه چیز را تعیین می‌کند و این موضوع را با استناد به رحمت الهی و نیروی ملت تقویت می‌کند.

با سرکوب شدید مهاجمین ضدانقلاب از بعد از ظهر دیروز آرامش کامل در آمل برقرار شد

به گزارش خبرنگار واحد مرکزی خبر، توطئه‌ی گروهک‌های ضدانقلاب در آمل، با تلاش برادران جان برکف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای انتظامی و مردم حزب‌اللهی آمل درهم شکسته شد. آخرین خبر از وقایع این شهر حاکی است مزدوران خودفروخته‌ی استکبار جهانی که ساعت ۲۴ شب سه‌شنبه ششم بهمن، هم‌زمان به‌ساختمان فرمانداری، بسیج، سپاه پاسداران، مخابرات و دادسرای انقلاب اسلامی آمل حمله کرده و قصد اشغال آن‌را داشتند که بر اثر هوشیاری و مقاومت برادران نیروهای انتظامی و تیراندازی متقابل آنان به‌ناگزیر در سطح شهر پراکنده شدند.

در جریان این درگیری که تا حوالی ظهر دیروز به‌طور پراکنده ادامه داشت، ۳۴ تن از مزدوران ضدانقلاب به‌هلاکت رسیده و ۳۰ تن نیز دستگیر شدند. و می‌توانیم از اسلحه انفرادی و نیمه‌سبک، مهمات، سه‌راهی، بی‌سیم و اسناد درون گروهی و طرح‌های عملیاتی از آنان به‌دست آمد.

در این درگیری، گروه‌های مسلح ضدانقلاب که توان رویارویی و مقابله با نیروهای

انتظامی و امت حزب الله را نداشتند، وحشیانه مردم عادی و بی دفاع آمل را زیر رگبار گلوله گرفتند که در نتیجه تعدادی شهید و مجروح شدند. براساس این گزارش، تاکنون مردم آمل و برادران پاسدار و انتظامی، ۳۲ شهید تقدیم اسلام و انقلاب اسلامی ایران کرده‌اند.

هم‌چنین در جریان این درگیری‌ها، ۸۶ تن از نیروهای انتظامی و مردم حزب‌اللهی زخمی شدند که به بیمارستان‌های آمل و شهرهای همجوار انتقال و مورد درمان قرار گرفتند. گزارش خبرنگار واحد مرکزی خبر حاکی است که در پی حمله‌ی گروهک‌های مسلح ضدانقلاب به شهر آمل، مردم مبارز این شهرستان ایثارگرانه به کمک برادران نیروهای انتظامی شتافته و در سرکوبی و دستگیری آنان نقش مؤثری داشتند. بنا به همین گزارش، فرماندهان اصلی گروهک‌های مهاجم با آتش نیروهای مردمی به هلاکت رسیده‌اند.

هم‌چنین گزارش خبرنگاری جمهوری اسلامی از آمل حاکی است بعد از ظهر دیروز اوضاع شهر آمل به صورت کاملاً عادی درآمد و محور هراز پس از ۴۰ ساعت مسدود بودن، ساعت ۱۵ و چهل و پنج دقیقه دیروز باز و عبور و مرور از این جاده مجدداً آغاز شد.

از سوی دیگر، واحد مرکزی خبر از ساری گزارش داد: در پی شکست توطئه‌ی ضدانقلاب در آمل، پیش از ظهر دیروز برادر میرسلیم معاون سیاسی وزارت کشور به اتفاق یکی از اعضای شورای عالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و قائم‌مقام فرمانداری ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران وارد آمل شد و بعد از ظهر دیروز در اجتماع مردم مسلمان و شهیدپرور آمل که در مسجد سبزه میدان این شهر جهت تجلیل از شهدای اخیر آمل تشکیل شده بود، حضور یافت و طی سخنانی ضمن قدردانی از همکاری بی‌دریغ مردم مسلمان و قهرمان آمل با برادران نیروهای انتظامی به تشریح توطئه‌ی گروهک‌های ضدانقلاب از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون پرداخت و از مردم همیشه در صحنه‌ی آمل خواست که با حضور همیشگی خود، توطئه‌های ضدانقلاب را خنثی کنند.

براساس این گزارش، برادر میرسلیم در یک مصاحبه‌ی اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در پاسخ به این سؤال که این حرکت مذبحخانه‌ی عناصر ضدانقلاب در موقعیت فعلی کشور از چه چیز ناشی می‌شود، گفت: ضدانقلابیون در حال حاضر در یک بن‌بست سیاسی و اقتصادی قرار گرفته‌اند و نیز از سوی دیگر در نتیجه‌ی طرد مردم مسلمان و

همیشه در صحنه به‌جنگل فرار کرده‌اند. هم‌چنین به‌دلیل محاصره‌ی شدید اقتصادی و نظامی و فشار سردی زمستان ناچار به این اقدام انتحاری دست زدند تا شاید بتوانند از آن بهره‌ی تبلیغاتی به‌دست آورند و به‌خیال خام خود اخلاقی در روند انقلاب اسلامی پدید آورند. قائم‌مقام وزیر کشور سپس در مورد نقش مردم در رویدادهای اخیر شهرستان آمل گفت: مردم با تلاش و هوشیاری کامل در مقابل عناصر ضدانقلاب موضع‌گیری کردند و از نخستین ساعات بامداد ششم بهمن‌ماه با کمک‌های بی‌دریغ خود به نیروهای انتظامی این‌شمارگرا نه در سرکوبی ضدانقلابیون اقدام کردند. مهندس میرسلیم در پایان این گفت‌وگو ضمن اشاره به عملکرد خوب مسؤولین در مقابله با عناصر ضدانقلاب گفت: مردم باید با هوشیاری هرچه بیشتر هرگونه اطلاعاتی از ضدانقلابیون به‌دست می‌آورند، جهت جلوگیری از اقدامات خراب‌کارانه در اختیار نیروهای انتظامی قرار دهند تا به این ترتیب آسیبی به منافع و مصالح انقلاب اسلامی و جان و مال مردم وارد نیاید.

آمل - خبرنگار کیهان

جریان درگیری بین اشرار مسلح و برادران سپاه پاسداران و نیزوی مردمی آمل که از نیمه‌شب سه‌شنبه آغاز شده بود با سرکوبی مهاجمین مسلح در ساعت ۱۰ صبح دیروز پایان گرفت.

در پی این درگیری ۳۴ تن از افراد سپاه و نیزوی مردمی و افراد بی‌گناه به‌شهادت رسیدند. اسامی شهدای درگیری آمل عبارت است از:

- ۱- محمدحسین گل‌حسین ۲- محمد آملی ۳- صادق مهدوی ۴- رمضان رمضانی
- ۵- مرتضی فدایی ۶- رمضان شعبان‌زاده ۷- فتح‌الله اکبرزاده ۸- حسین ملک‌شاهدخت
- ۹- هیبت‌الله مستعد ۱۰- قسریان بساکی ۱۱- محمد افرکش ۱۲- علی ابراهیمی
- ۱۳- ناصر رسولی ۱۴- حبیب‌الله حسینی ۱۵- عبدالله بازوار ۱۶- محمود بیشه
- ۱۷- رستم لیف‌کار ۱۸- عبدالله قریشی ۱۹- حسین سلیمانی ۲۰- خواهر هاشمی ۲۱- قلیچ

۲۰۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

۲۲- نور محمد عبدی نژاد ۲۳- مصطفی اسماعیلی ۲۴- جعفر هندوایی ۲۵- علیرضا رنجبر
۲۶- اکبر درزی ۲۷- حمیدرضا ایزدی ۲۸- ذوالفقار قائمشهر ۲۹- رضا علیزاده هدایتی
۳۰- علیرضا قاسم نژاد و سه تن ناشناس دیگر.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آمل با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: ساعت ۸ و نیم صبح فردا (جمعه) جنازه‌ی شهدای راه اسلام از محل سپاه پاسداران واقع در خیابان نور، به سوی گورستان امامزاده ابراهیم تشییع می‌شود. مردم در این اطلاعیه به راه پیمایی دعوت شده‌اند. در این مراسم، برادر فخرالدین حجازی سخنرانی خواهد کرد.

هم‌چنین محسنی فرماندار آمل با صدور اطلاعیه‌ای به مناسبت شهادت برادران و خواهران حزب‌اللهی و سپاه پاسداران آمل اعلام کرد: به مدت سه روز مجلس یادبود در مساجد سیزه میدان و امام رضا علیه السلام این شهر برگزار می‌شود.

گزارش رسیده حاکی است که بازاریان و اصناف شهرستان آمل طی اطلاعیه‌ای به همین مناسبت ۳ روز در این شهر عزا و تعطیل اعلام کردند.

هم‌چنین صبح روز گذشته گروه کثیری از اهالی مسلمان متعهد آمل در مقابل دادگاه انقلاب اسلامی، اجتماع و مصرّاً از مقامات مسؤول دادگاه انقلاب خواستار شدند که اشرار دستگیر شده را به مردم نشان دهند.

به‌همین جهت، ۱۱ تن از دستگیرشدگان که در میان آنها دو زن نیز دیده می‌شد از بالای پام دادگاه انقلاب به مردم معرفی و با شعارهای کوبنده‌ی مردم علیه آن‌ها روبه‌رو شدند. دستگیرشدگان ساکنین شهرهای پاوه، باختران، آمل و دیگر شهرها هستند.

هم‌چنین واحد مرکزی خیر از ساری گزارش داد: حجج اسلام روحانی، طبرسی، جباری، ربانی، مهدوی، حسینی، شاعری و سلیمانی ائمه‌ی جمعه‌ی شهرهای بابل، ساری، بهشهر، بندرگز، کیاسر، محمودآباد، کردکوی و بایلسر که جهت بازدید از جبهه‌ها و مناطق جنگی و دیدار با جنگ‌زدگان به استان ایلام مسافرت کرده‌اند در رابطه با حوادث شهرستان آمل اطلاعیه‌ای صادر نموده‌اند که متن پیام بدین شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ملت غیور و شهیدپرور استان مازندران (ایدیهم الله تعالی!)
ما گروهی از ائمه‌ی جمعه‌ی استان مازندران که جهت بازدید از مناطق جنگی و دیدار از رزم‌آوران به خطه‌های غرب و جنوب آمده‌ایم، خبر رویداد تلخی که به وسیله‌ی دشمنان قسم‌خورده‌ی اسلام و نوکران سرسپرده‌ی اجانب که به‌فرموده‌ی امام امت، آخرین نفس‌ها را می‌کشند، در شهرستان آمل صورت گرفته بود، شنیده‌ایم.

از این جهت، علاوه بر محکوم کردن چنین جنایتی، از مردم سلحشور آمل و برادران پاسدار و نیروهای ژاندارمری و دیگر مردم جان‌برکف در جهت رفع چنین غائله‌ای تقدیر و تشکر نموده، تبریک و تسلیت به‌خانواده‌ی شهدای این حادثه عرض می‌کنیم.

هم‌چنین روابط عمومی ستاد مرکزی کمیته‌ی انقلاب اسلامی در رابطه با حوادث آمل این اطلاعیه را منتشر کرد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم)

«ای پیامبر! با کفار و منافقین پیکار کن و بر آن‌ها با شدت و سختی عمل نما»
در آستانه‌ی فرارسیدن سومین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و زمانی که امت حزب‌الله می‌رود تا یوم‌الله ۲۲ بهمن را گرامی دارد، جبهه‌ی متحد ضدانقلاب شامل گروه‌های منافقین، رنجبران و چریک‌های فدایی اقلیت سعی در ایجاد بلوا و آشوب نموده‌اند و در شبانگاه دوشنبه ۶۰/۱۱/۵ به قصد تصرف اماکن دولتی و دیگر مراکز شهر آمل دست به عملیات تخریبی و ترور زدند که با مقاومت دلیرانه و هوشیارانه‌ی مردم قهرمان آمل روبه‌رو شده و در برابر نیروهای رزمنده، جان‌برکفان سپاه پاسداران، کمیته‌ی انقلاب اسلامی و شهبانی جمهوری اسلامی به‌عجز افتاده و دیوانه‌وار مردم بی‌دفاع را به‌رگبار بسته و تنی چند از امت حزب‌الله و پاسداران جان‌برکف را به‌شهادت رساندند.
در این درگیری، تا به حال بیش از ۳۴ نفر از ملحدین و منافقین به‌هلاکت رسیده و تعداد زیادی دستگیر گردیدند که بازجویی از آن‌ها ادامه دارد. جزئیات بیشتر

۲۰۲ که بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

متعاقباً به اطلاع امت شهیدپرور خواهد رسید.

روابط عمومی ستاد مرکزی کمیته‌ی انقلاب اسلامی

آخرین گزارش خبرنگار کیهان از آمل حاکی است که ۴ نفر از مجروحین حوادث اخیر آمل هم به خیل شهدای پاسدار انقلاب اسلامی پیوستند.
از سوی دیگر، ستاد برگزاری بزرگداشت شهدای فاجعه‌ی اخیر آمل در آخرین اطلاعیه‌ی خود اعلام کرد که پیکر پاک ۲۸ شهید هجوم مسلحانه‌ی عوامل ضدانقلاب و مزدور آمریکا، ساعت ۸ و نیم صبح فردا از مقابل سپاه پاسداران تشییع می‌شود.^(۱)

نخست‌وزیر در مصاحبه‌ی اختصاصی با کیهان:

اتکای به مردم در صحنه، بهترین ضامن امنیت داخلی کشور است

مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر، در یک مصاحبه‌ی اختصاصی با کیهان شرکت کرد و پیرامون مسائل و موضوعات مختلف از جمله خط مشی و سیاست مطبوعاتی کشور و نارسایی‌های تبلیغاتی خارج از کشور، توفیق دولت در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مسأله‌ی مالکیت، زمین و مسکن، جنگ عراق علیه ایران و آینده‌ی آن و هم‌چنین امنیت داخلی و محور تروریسم در کشور نقطه‌نظرهای خود را بیان داشت.

نخست‌وزیر در پاسخ به این سؤال که با توجه به این‌که شما خود مدتی سردبیری روزنامه‌ی جمهوری اسلامی را به‌عهده داشته‌اید، نظرتان راجع به سیاست مطبوعات در کشورمان پس از انقلاب چیست؟ گفت: در این رابطه باید دو فصل جداگانه باز کرد. قبل و بعد از بنی‌صدر تا زمان فرار او که به‌نظر من نقطه‌ی عطفی در تاریخ مطبوعات است.

نقش مطبوعات فعلی با زمانی که من در روزنامه بودم، فرق کرده است. آن چیزی که الان مطرح و کم‌کم در مطبوعات بحث گسترده‌ای روی آن انجام می‌گیرد این است که چگونه مطبوعات می‌توانند به‌نقد کارهای دولت‌مردان و حتی سه قوه بپردازند، به‌شکلی که

به‌هم‌آهنگی بین این قوا لطمه‌ای وارد نشود و به‌کارآیی آن‌ها صدمه‌ای نزنند. این‌جا دو کار باید صورت بگیرد: یکی از سوی مطبوعات و آن نقدی که براساس خیرخواهی باشد. دوم ایجاد روحیه‌ای در میان مسئولین که از انتقادات پرآشفته نشوند و بیشتر این انتقادات را وسیله‌ای برای رشد و حرکت خود ببینند، تا به‌عنوان کینه‌توزی، اگر این دو بعد و دو طرف مسأله با یکدیگر مورد نقد و بررسی و گفت‌وگو قرار گیرد من فکر می‌کنم که یک محیط سالمی در جو مطبوعات کشور ما به‌وجود خواهد آمد که همان‌طوری‌که الآن مجلس، قوه قضائیه و قوه مجریه در کنار هم به‌سمت یک مطلوب در حرکت هستند، مطبوعات هم به‌این مسأله اضافه شود.

مهندس موسوی در ادامه‌ی سخنانش افزود: مطبوعات اگر فقط نشانگر حسن ما و در چهارچوب‌های کاملاً محدودی حرکت کنند، می‌تواند کم‌کم تنزل پیدا کند و آن روحیه‌ی نقاد خود را از دست بدهد؛ و طبعاً خود این مسأله درست است که در کوتاه‌مدت می‌تواند بیانگر این باشد که دولت خیلی بی‌عیب و نقص است و قوای مختلفه به‌سمتی درست حرکت می‌کنند، اما در درازمدت این مسأله به‌ضرر خود دولت هم تمام خواهد شد و از آن بالاتر به‌ضرر تمام ملت خواهد بود.

برعکس، اگر این جو به‌وجود آید؛ یعنی مانند آن‌چه که الآن در مجلس مطرح است و سؤالاتی از دولت می‌شود که دولت هم مجبور است به‌این سؤالات پاسخ بدهد و روش خود را اصلاح کند (البته بعضی سؤالات جواب دارد و بعضی‌ها باید عمل شود) بدون این‌که این تصور به‌وجود آید که بین مجلس و دولت کینه‌توزی وجود دارد.

اگر دست‌اندرکاران مطبوعات و مسئولین شرایط را به‌نوعی حل نمایند که همان جو بین مجلس و دولت در بین مطبوعات و مجلس و دولت و قوه قضائیه هم به‌وجود آید، خیلی از مشکلات حل خواهد شد و راه آن هم این است که برادرانی که در رأس مطبوعات و در هیأت‌های تحریریه و شورای سردبیری هستند با مسئولانی که در کشور وجود دارند جلسات مشترکی تشکیل دهند و صحبت‌هایی در این‌زمینه داشته باشند، و جو را برای ایجاد مطبوعاتی واقعاً نمونه در کشور آماده سازند، مطبوعاتی که عرض شخصی و دخالت‌خواهی‌های نفسانی در آن اثری نداشته باشد و برعکس از روحیه‌ی نقاد و جست‌وجوگر و کاوش‌گر در

آن‌ها به‌وقور یافت شود.

از نخست‌وزیر در مورد دلایل ضعف‌ها و نارسایی‌های مربوط به تبلیغات خارجی سوال شد، که وی در پاسخ گفت: آشننگی در سیستم تبلیغات ما طبعاً در گذشته بسیار زیاد بوده است؛ بدین معنا که مضار نداشتن حدود یک‌سال وزیر امور خارجه را ما سال‌ها باید تحمل کنیم؛ یعنی این‌طور تصور نشود که اگر الآن وزیر امور خارجه داریم او در عرض ۶ ماه یا یک‌سال می‌تواند آن ضایعه را جبران کند. از سوی دیگر فشاری که روی مطبوعات و تبلیغات ما می‌آمد؛ مخصوصاً تبلیغاتی که دست نیروی خط امام بود و قبل از فرار بنی‌صدر باعث می‌شد آن‌ها تمام نیروی خود را صرف مسائل داخلی نمایند. علاوه بر آن، کمبود نیروهای متخصص در این زمینه و با توجه به این‌که در حال حاضر اکثر نیروهای ماهر قوی و با پیش‌ما بیشتر در جبهه‌ها هستند و طبیعتاً دست‌تنگی‌هایی در این خصوص وجود دارد.

این‌ها همه را باید به دلایل سؤال شما اضافه کرد و آن وقت یک مقداری این مسائل توجیه خواهد شد. به نظر من در وهله‌ی اول سیاست خارجی ایران باید جنبه‌ها و خطوط روشنی پیدا کند که این مسأله شروع شده و نسبت به ۷ یا ۶ ماه قبل الآن سیاست خارجی ایران یک‌وجوه روشنی دارد. و در حال حاضر روشن است که اصولاً جمهوری اسلامی چه رابطه‌ای و چه نوع سیاستی را دنبال می‌کند و چرا با فلان کشور حالت خصمانه دارد. آن استواری روی خط‌ها الآن احساس می‌شود. پریدن از یک خط روی خط دیگر تقریباً در حال از بین رفتن است. وزارت امور خارجه و دولت نسبت به حوادث گوناگونی که در جهان اتفاق می‌افتد، انعکاس نشان می‌دهند. بنابراین در حال حاضر خطوط اساسی سیاست خارجی ما ترسیم می‌شود. به موازات ترسیم این خطوط اگر بتوانیم از جهت نیروی انسانی خودمان را خودکفا کنیم و وزارت ارشاد برنامه‌های برون‌مرزی صدا و سیما را تقویت کند در این زمینه به اندازه‌ی کافی در آینده خودکفا خواهیم شد.

آن‌ما می‌بینیم در عرض همین ۴ یا ۵ ماه از نظر خط سیاسی ثباتی در کشور به وجود آمده که اثرات تبلیغاتی آن از مرزها گذشته و رسانه‌های غربی صحبت از تهاجم تبلیغاتی ایران برای صدور انقلاب می‌کنند. این نشانگر پیدا شدن خط‌های مشخص تبلیغاتی در داخل کشور است که متوجهی خارج از مرزها نیز شده.

در مورد موفقیت دولت در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظر نخست‌وزیر را جویا می‌شویم و نخست‌وزیر در پاسخ می‌گوید: من فکر می‌کنم شرایط در حال حاضر به‌نحوی است که افراد، فرصت کار پیدا می‌کنند. الآن وضعیتی پیش آمده که فرضاً وزرایی که مسؤول امور اقتصادی هستند با آینده‌بینی گسترده‌تر و با خوش‌بینی وسیع‌تر و با احساس ثبات بیشتر گرد هم جمع می‌شوند و راجع به‌مسائل اقتصادی بحث و تبادل نظر می‌کنند، در صورتی که سابقاً هنگامی که جناح لیبرال‌ها در کشور ترک‌تازی می‌کرد این عمل و این نوع رویه‌رو شدن با قضا یا امکان نداشت. در مجموع احساس من این است که ما مشکلات بسیار بزرگی داریم ولی در عین حال احساس می‌کنم سرمایه‌ای که ما برای مبارزه با این مشکلات در دست داریم از خود آن مشکلات بسیار وسیع‌تر، بزرگ‌تر و گسترده‌تر است.

به‌همین دلیل، نه تنها بر من بلکه بر هیأت دولت و شورای اقتصاد خوش‌بینی زیادی حاکم است که ما می‌توانیم با تمام مشکلات مقابله کنیم و تمام بحران‌ها را پشت سر بگذاریم. چیزی که بسیار جالب است و در تمام وزرا و کابینه و به‌خصوص شورای اقتصاد وجود دارد این است که ما الآن دسترسی به‌مکانیزم‌هایی پیدا کرده‌ایم که با هرنوع بحران اقتصادی مقابله کنیم؛ یعنی این احساس را داریم که هرنوع جنگ اقتصادی که بر کشور ما تحمیل شود می‌توانیم در مقابل آن بایستیم و آن را پشت سر بگذاریم. و طبیعی است این احساس انسان را همیشه نسبت به‌آینده‌ی کشور خوش‌بین و امیدوار نگه می‌دارد.

مهندس موسوی در پاسخ این سؤال که بیش از ۱۳۰ تن از نمایندگان مجلس خواستار به‌اجرا درآمدن اظهارات رئیس مجلس و آیت‌الله مشکینی در نمازهای جمعه تهران و قم راجع به‌مسأله‌ی مالکیت شده‌اند، نقطه‌نظر دولت در این مورد چیست؟ گفت: به‌نظر ما، تا مسأله‌ی زمین حل نشود آن وعده‌هایی که برای برنامه‌ی سال ۶۲ داده شده و آن‌ها نیز تابع یک برنامه‌های ۵ ساله خواهد بود، تا اندازه‌ی زیادی درست از آب در نمی‌آید؛ یعنی برای هر برنامه‌ریزی صحیح اقتصادی مخصوصاً در زمینه‌ی کشاورزی ما احتیاج به‌روشن شدن تکلیف مسأله‌ی زمین داریم، تا هرچه زودتر ما بتوانیم براساس رهنمودها و قوانینی که مجلس می‌گذراند کار خود را دنبال کنیم. نه تنها این مسأله بلکه مسأله‌ی دومی که در این رابطه می‌تواند مورد بحث قرار گیرد، مسأله‌ی اراضی شهری است. موضوع مسکن، مردم را

بسیار ناراحت کرده و مسأله‌ی بسیار پیچیده‌ای است. و چه بسا با من در یک مصاحبه با صدا و سیما مسائل را کاملاً بشکافم و ابعاد گوناگون قضیه را برای ملت خودمان شرح بدهم. گام برداشتن در مورد حل مسأله‌ی مسکن بدون این‌که تکلیف اراضی شهری و مسأله‌ی مالک و مستأجر و نظایر این‌ها در مجلس روشن شود، امکان‌پذیر نیست. از همین‌رو، خواسته‌ی ما از مجلس و شورای محترم نگهبان این است که در این زمینه رهنمودهایی بدهند و قوانین و طرح‌هایی را تصویب و مطرح نمایند؛ چون دولت لوایحی را تقدیم کرده که براساس آن ما بتوانیم یک سیاست‌گذاری روشنی در این مورد داشته باشیم. دولت تمام آن چیزی را که در ارتباط با آن لوایح فکر می‌کرده، صحیح است به مجلس تقدیم کرده و طبیعی است که ما انتظار داشته باشیم اگر این لوایح اشکالاتی دارد، مورد بررسی قرار گیرد و اصلاح شوند و به‌رحال، قوانینی در اختیار دولت قرار گیرد که با آن اساس حرکت کنیم.

مسأله‌ی جنگ ایران و عراق، آینده‌ی آن و محاسن و مضار آن، سؤال دیگری بود که از نخست‌وزیر پرسیدیم. وی در جواب آن گفت: من در مورد خیلی از قضایا و مصیبت‌ها وقتی برمی‌گردم و به انقلاب نگاه می‌کنم می‌بینم که تمام آن‌ها جزو الطاف خفیه خداوندی بوده و این جنگ هم، چنین بوده. این جنگ ارتش و ملت ما را متحد کرد. سپاه پاسداران ما را مانند یک فولاد آهیده و سپاه انقلاب اسلامی روز درآورد که می‌تواند نمونه باشد در سراسر جهان، به‌خصوص در میان مستضعفان عالم.

ما الآن شاهد رشد و شکوفایی در بخش‌هایی از اقتصاد کشورمان هستیم که قبلاً نمی‌توانستیم راجع به آن فکر کنیم. استعدادهای بسیار وسیع به‌کار افتاده، اتکای بدنفسی که ما در این جنگ پیدا کردیم خود به‌صورت یک سرمایه‌ی بزرگ محسوب می‌شود. در سیاست خارجی ما، در آینده، این جنگ سرنوشت‌ساز خواهد بود؛ مخصوصاً در منطقه به‌این‌معنا که همدی‌کشورهای منطقه این حساب را کرده‌اند که اگر با انقلاب ما درآفتند، به‌این‌زودی و آسانی از دست ما رهایی نخواهند داشت و برای همین طبیعتاً بعد از این جنگ، ما انتظار داریم که کلاً با توطئه‌های کمتری روبه‌رو شویم. در مورد خود جنگ و این‌که الآن در چه مرحله‌ای است، همان‌طور که بارها اشاره کردم، حملاتی که با تصرف شمال آبادان آغاز شد و با فتح عظیم بستان و هم‌چنین غرب کشور، درخشندگی خودش را نشان داد، این

زنجیره‌ی حملات به هیچ وجه قطع نشده و تا سرکوبی کامل متجاوز ادامه خواهد یافت. طبیعی است که ما منتظر باشیم این حملات، رژیم صدام را کاملاً درهم بشکنند و متجاوز را از خاک ما براند و کشور ما را در یک موقعیت بسیار نیرومندی در منطقه قرار بدهد. ما بارها اعلام کرده‌ایم که طالب جنگ نیستیم. این جنگ به ما تحمیل شده، ولی حال که تحمیل شده آن را تا پیروزی کامل ادامه خواهیم داد.

نخست‌وزیر در مورد اقدامات دولت راجع به امنیت داخلی و حل نهایی مسأله‌ی تروریسم گفت: اگر دقت کرده باشید، در مورد امنیت داخلی سخنگوی دولت نمودارهایی را ارائه داد که براساس آن اوج حرکت‌های تروریستی در کشور در ماه مرداد بود که متاقین حدود هزار عملیات صورت دادند که این شدیدترین عملیات تروریستی در یک کشور است. در تمام جهان و استواری نظام ما در مقابل این موج تروریستی نشان‌دهنده‌ی قدرت حیرت‌انگیز و معجزه‌آسای این نظام است. اگرچه موردهای این ترورها کوچک بود ولی هیچ کشوری در مقابل این موج تروریستی نمی‌توانست مقاومت کند و سقوط می‌کرد اما این نظام از جهت آن‌که بر قلوب مردم متکی است توانست روی پای خود بایستد و تمام این امواج را از خود دفع کند.

الآن، این موج در حال فروکش است، همان طوری که در اعلام برنامه‌ی دولت در مجلس این مسأله را عنوان کردم، هرچه زودتر نظام اطلاعاتی باید مشخص شود. حال به صورت یک سازمان متمرکز یا نوع دیگری باشد این را مجلس باید نسبت به آن تصمیم بگیرد. ولی نباید این مسأله به بوتهدی فراموشی سپرده شود. آیت‌الله منتظری بارها روی این موضوع تأکید داشتند. دولت نیز در کارهای خود به ضرورت این امر پی برده است. در همین رابطه من فکر می‌کنم که عموماً دولت باید بیشتر متکی بر نیروهای مردمی باشد و در صحنه نگاه داشتن ملت بد نظر من بیشترین ضامن تداوم امنیت ما، در آینده خواهد بود. قضیه‌ی آمل یک نمونه‌ی خوبی است، که دیدیم مردم وقتی به انقلاب خود علاقه‌مند هستند، توطئه هرچقدر وسیع، می‌تواند به طور قوی در مقابل آن بایستند. ما نمی‌توانیم فقط به سیستم‌های امنیتی قناعت کنیم؛ مخصوصاً حالا که توطئه‌ها علیه ما بسیار زیاد و وسیع است. در آینده وقتی که نظام کشور کاملاً استوار شد و جنگ عراق پایان پذیرفت، طبیعی است که مسأله‌ی

نخست‌وزیر در مصاحبه‌ی اختصاصی با کیهان ... ۲۰۹

ضدانقلاب در داخل خیلی راحت‌تر مورد تعقیب قرار خواهد گرفت و امنیتش بیش و بهتر از آنچه که الآن وجود دارد، برقرار خواهد شد.^(۱)

روزنامه‌ی کیهان، شماره ۱۰ بهمن‌ماه ۱۳۶۰، مصاحبه‌ی نخست‌وزیر - چاپ دوم، ص ۲۰۹

۱- روزنامه‌ی کیهان، شماره ۱۰ بهمن‌ماه ۱۳۶۰، ص ۲۰۹

در مصاحبه‌ی نخست‌وزیر در روزنامه‌ی کیهان، شماره ۱۰ بهمن‌ماه ۱۳۶۰، ص ۲۰۹، در پاسخ به سؤال خبرنگار کیهان، «آیا شما در مورد ضدانقلاب در داخل و خارج کشور، چه ارزیابی می‌کنید؟» فرموده است: «در داخل، ضدانقلاب به قدری راحت‌تر مورد تعقیب قرار خواهد گرفت و امنیتش بیش و بهتر از آنچه که الآن وجود دارد، برقرار خواهد شد. در خارج، ضدانقلاب به قدری راحت‌تر مورد تعقیب قرار خواهد گرفت و امنیتش بیش و بهتر از آنچه که الآن وجود دارد، برقرار خواهد شد.»

در مصاحبه‌ی نخست‌وزیر در روزنامه‌ی کیهان، شماره ۱۰ بهمن‌ماه ۱۳۶۰، ص ۲۰۹، در پاسخ به سؤال خبرنگار کیهان، «آیا شما در مورد ضدانقلاب در داخل و خارج کشور، چه ارزیابی می‌کنید؟» فرموده است: «در داخل، ضدانقلاب به قدری راحت‌تر مورد تعقیب قرار خواهد گرفت و امنیتش بیش و بهتر از آنچه که الآن وجود دارد، برقرار خواهد شد. در خارج، ضدانقلاب به قدری راحت‌تر مورد تعقیب قرار خواهد گرفت و امنیتش بیش و بهتر از آنچه که الآن وجود دارد، برقرار خواهد شد.»

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با روزنامه‌ی کیهان

(۱۲ بهمن ماه ۱۳۶۰)

س: آینده‌ی انقلاب را چگونه می‌بینید؟

ج: من آینده‌ی انقلاب را خیلی زیبا می‌بینم؛ یعنی آن قدر برابرم روشن است و کرانه‌ی آن امیدبخش، که می‌بینم کشتی انقلاب به طرف ساحل فلاح در حرکت است؛ چرا که این جامعه در مدت سه سال، آن قدر آدم ساخته که هیچ جامعه‌ای در طول تاریخ به گردش نرسیده است.

وقتی به اکثر نهادهای انقلاب نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که پر از آدم‌های خوب شده‌اند. جوان‌های مخلص و فداکاری که به جز پیروزی انقلاب و اجرای اسلام، چیز دیگری نمی‌خواهند. اگر چیزی می‌گیرند، به اندازه‌ی امرار معاش و ادامگی حیات خودشان است، نه به فکر مال هستند و نه نام. این جنگ علی‌رغم این همه ویرانی و مخارجی که برای ما داشت، جامعه‌ی ما را آگاه کرده است. جامعه‌ی ما امروز با وجود جنگ می‌داند، بزرگ‌ترین خطر پس از جنگ، پرتوقمی و رفاه‌طلبی است. جامعه‌ی امروز ما تلاش‌گر، فداکار، و شهادت‌طلب شده و می‌خواهد برای فضیلت مبارزه کند.

من نمی‌خواهم بگویم همه این‌طور هستند. عده‌ای هم در همین شرایط، دلشان می‌خواهد محیط آلوده‌ای درست کنند. این‌ها همیشه هستند. محیط بشری از این چیزها خالی نمی‌شود؛ اما خوشبختانه، تپ انقلابی‌ها در همه‌جا هستند. از وزرا گرفته تا مدیران بخش‌ها، از مجلس گرفته تا معلمان و نویسندگان، همه دلسوز و خدمت‌گزار هستند و هیچ‌کس نمی‌تواند این همه آدم را کنار بزند.

علاوه بر آن، روال حکومتی جامعه به‌مسیر درستی هدایت شده است. فرهنگ جامعه متحول شده است. یادتان هست که تا چند سال پیش، همدی افتخارات به‌ظواهر خلاصه می‌شد؛ الآن معکوس شده است، حتی داشتن مدرک علمی هم از ارزش افتاده و حرف اول را صاحبان اندیشه و ابتکار می‌زنند. خوشبختانه در گوشه و کنار، اصلاحات زیادی به‌چشم می‌آید. در اداره‌ها می‌بینید که بازوان رژیم گذشته، امروز صادقانه به‌خدمت انقلاب درآمده‌اند. این خانم‌ها را یادتان هست که در خیابان‌های تهران با چه وضعی می‌گشتند؟ انگار در بازار شانزلیزه‌ی فرانسه رفت و آمد می‌کردند. شمال تهران هیچ فرقی با لوس آنجلس نداشت. همان خانم‌ها امروز خجالت می‌کشند در خیابان‌ها ظاهر شوند. محیط اداره‌ها پاک شده، کافه‌ها و کاپاره‌ها جمع شده‌اند، زندگی مردم خیلی عوض شده است. سال اول گفتیم با آن وضع کنار دریا نروند، چه مشکلاتی بود؛ و امسال به‌چه آسانی گذشت.

اقتصاد، علی‌رغم کمبودها در حال بهبود است. خدا می‌داند که به‌واسطه‌ی جنگ و محاصره‌ی اقتصادی، تا چه اندازه کالاهایی را که از خارج با قیمت گزافه وارد می‌کردیم، خودمان در حال ساختنشان هستیم. مسئولان می‌گویند، تقاضای ثابت شرکت‌های کوچک تولیدی، امسال به‌مراتب بیشتر از سال‌های قبل از انقلاب بوده است. این مسأله نشان می‌دهد که بخش خصوصی آماده‌ی فعالیت می‌شود. علی‌رغم تبلیغاتی که برای عدم ثبات اقتصادی شده بود، شرکت‌های خصوصی فراوانی تقاضای ثابت داده‌اند. از طرف دیگر هم جلوی ورود کالاهای لوکس و بی‌معنا از خارج گرفته شده است. بسیاری از اجناس غیرضروری، نه وارد می‌شوند و نه تولید. بعضی از کمبودهای امروز انقلاب برای ما نعمت است. اگر چیزی در کار نباشد، چطور می‌شود؟

عده‌ای به فکر افتاده‌اند که چینی کالای مضر نیست و می‌توان آن‌را در داخل کشور ساخت. ممکن است تا دو سه سال چینی نداشته باشیم، اما بعد از سه سال دیگر، کارخانه‌های چینی‌سازی از خاک و گاز کشور خودمان چینی می‌سازند و به دست مردم می‌دهند، حتی می‌توانیم صادر کنیم. الآن کمبود مرغ هست. در گذشته جوجه‌های یک‌روزه اسرائیل را با هواپیما وارد می‌کردند، اما حالا در صدند جوجه‌ی یک‌روزه را با مرغ مادر تولید کنند. بسیاری از رشته‌های تولید، حتی در سطح بالا، فعال شده‌اند. ذوب‌آهن و بسیاری دیگر از صنایع تمایل دارند، تحت پوشش بخش خصوصی فعال بشوند تا آن کالاهایی که نمی‌خواهیم از خارج وارد کنیم، در داخل ساخته شود. ما اگر احتمال این را بدهیم که اکثر تولید را به بخش خصوصی واگذار کنیم، در آینده‌ای نه چندان دور، مشاغل زیادی در جامعه به وجود خواهند آمد. این رونق، سبب تشویق نیروهای تخصصی می‌شود تا از اطراف دنیا دوباره به کشور خودشان روی بیاورند.

ان‌شاءالله راه یک زندگی سالم اقتصادی را بدون استثمار باز می‌کنیم تا سرمایه‌ها بتوانند خودشان را نشان بدهند. وزرای ما چنان سرگرم خدمت به انقلاب هستند که دیگر برای آن‌ها شب و روز، وقت اداری و غیراداری مطرح نیست. مدیران اداره‌ها نیز اکثراً به این نحو، روز و شب را به هم دوخته‌اند.

انجمن‌های اسلامی در همه‌جا حضور دارند. شر قلم به دست‌های فاسدی که با شعارهای انحرافی و کثافت‌کاری‌هایشان نمی‌گذاشتند این جامعه آرام گیرد، از سر مطبوعات و صدا و سیما می‌کنند شده است. این مراکز مهم فرهنگی، راه خودشان را پیدا کرده‌اند. مراکز فرهنگی دیگر و دانشگاه‌ها در حال بازگشایی هستند. ان‌شاءالله تا چند ماه آینده، همه‌ی دانشگاه‌ها باز می‌شوند. نهادهای انقلابی به کار خود آشنا و مسلط شده‌اند. جنگ را ان‌شاءالله با افتخار و سربلندی آن‌را به پایان می‌بریم. مبارزه با ضدانقلاب داخلی هم، خوب پیش می‌رود. شر ضدانقلاب داخلی را به زودی برای همیشه خواهیم کند. دنیا به مقاومت ملت‌ها احترام می‌گذارد. همه متوجه شده‌اند که یک ملت می‌تواند با استقلال روی پای خودش بایستد.

این‌ها همدی آن چیزهایی نیست که برایمان خوشبینی به‌ارمغان آورده‌اند؛ مسأله‌ی گاز و نفت است که در دنیا و خاورمیانه، کلید حل سخت‌ترین معماها شده‌اند. ذخایر معادن ما کار استخراج خود را آغاز کرده‌اند. صنایع بزرگی که پیش از این وابسته بودند، راه‌های استقلال هرچه بیشتر را برایمان به‌ارمغان خواهند آورد. معادن ذغال سنگ و فلزات توسعه پیدا کرده و در حال استخراج هستند. به‌این ترتیب، برنامه‌های مدونی برای صنایع ما در حال تنظیم و بررسی هستند که ان‌شاءالله در سال آینده تأثیرات آن‌را خواهیم دید. به‌هرحال، ما خوشبین هستیم.^(۱)

نوی: دادگاه لاهه به تخلفات آمریکا از بیانیه الجزایر خارج از نوبت رسیدگی می‌کند

مهندس بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرایی، سرپرست دفتر هماهنگی بیانیه الجزایر و سرپرست ستاد بسیج اقتصادی، در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیوتلوویزیونی، به سؤالات خبرنگاران در زمینه توزیع و کمبود کالا، و نیز مسائل مربوط به اجرای بیانیه الجزایر پاسخ گفت.

وزیر مشاور در ابتدای مصاحبه در زمینه مشکلات موجود بر سر راه تأمین نیازمندی‌های خانواده‌ها و احتکار و کمبود اظهار داشت: در شرایط فعلی، نباید انتظار داشت که معجزه‌ای صورت بگیرد و تمام کمبودها از بین برود. کمبودها ناشی از این است که ما بسیاری از نیازهای اساسی جامعه را از طریق واردات به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تأمین می‌کردیم که به‌صورت مستقیم آن، کالاهایی است از قبیل برنج، روغن، گندم، تخم مرغ، گوشت، مرغ و همه‌ی آن چیزهایی که شما امروز برای دریافت آن در صف می‌ایستید، حتی سیگار مانند سیگار بهمن و آزادی و الآن چون کمبودهایی در زمینه واردات داشتیم و سیگار وارد نشده، طبیعی است وقتی کم بیاید میزان آن کم می‌شود و دریافت آن صنفی

می‌شود. از آنجا که احتیاجات ما از خارج وارد می‌شود، محدودیت‌ها و صرفه‌جویی‌های ارزی و به‌حق دولت سبب کاهش واردات شده است. طبیعی است که زمین‌های کمبود و گرانساز به‌وجود می‌آید و زمین‌هایی برای احتکار به‌وجود بیاید و کسارهایی هم که بشارت آن‌را می‌دهیم که دولت و ستاد بسیج اقتصادی در آینده انجام خواهند داد، به‌طور کامل مشکل را از بین نمی‌برد. مشکل وقتی از بین می‌رود که ان‌شاءالله ما به اندازه‌ی نیاز جامعه کالا بتوانیم عرضه کنیم، آن‌هم نه به‌قیمت وابستگی به‌نفت تنها؛ یعنی شش میلیون بشکه نفت بفروشیم و هرچه که جامعه می‌خواهد تأمین کنیم بلکه مشکل وقتی به‌طور کامل برطرف خواهد شد که ان‌شاءالله تولید داخلی ما بالا برود و بتواند نیازهای داخلی را تأمین نماید و تا آن‌روز از این نوع مشکلات وجود خواهد داشت؛ خصوصاً تا زمانی که جنگ را داریم و محدودیت‌های ارزی داریم و مردم با توجه به این مسائل باید با قضا یا برخورد کنند. این تصور غلط است که چون مردم در صف می‌ایستند، برای مرغ و تخم مرغ، پس ما مرغ و تخم مرغ فراوان داریم و در سردخانه‌های محتکرین وجود دارد، این‌طور نیست؛ بلکه مسأله این است که مصرف مرغ و تخم مرغ ما بیش از میزان موجود است. به‌رحال بسیاری از عواملی که سبب گرانی، کمبود و احتکار می‌شود، مربوط به کمبود عرضه نسبت به تقاضا است و این کمبود را هم عمدتاً بایستی از طریق واردات جبران کنیم و این به‌مصلحت کشوری که در حال جنگ است نخواهد بود، زیرا احتیاج داریم به اسلحه و مهمات و تجهیزات نظامی و خرج کردن ارز در آن نوع بخش‌ها، خدای نکرده! خللی در کار جنگ به‌وجود می‌آورد.

احتکار و راه مبارزه با آن

سرپرست ستاد بسیج اقتصادی در مورد احتکار و شیوه‌ی مقابله با آن گفت: مسأله‌ی احتکار همان‌طور که می‌دانید مسأله‌ی مهمی است. همین‌که ثبت و سفارش یک کالا از طریق وزارت بازرگانی متوقف می‌شود، فردای آن‌روز این جنس در بازار نایاب می‌شود. واضح است که این جنس در عرض یک‌روز تمام نمی‌شود. محتکرین و سودجویان آن‌ها را انبار می‌کنند، و بعداً به‌تدریج آن‌ها را به بازار می‌آورند و این مسأله توسط دادگاه‌ها و قوه‌ی

قضائیه علی القاعده پی گیری می شود. خبرهایی هم در روزنامه ها در این مورد می خوانیم اما راه حل اساسی این مسأله در این شرایط بحرانی و جنگی صرفاً گرفتن دو محکمر و جرمه کردن آنها نیست. دولت باید روش های اساسی برای توزیع در نظر بگیرد و به مرحله ای اجرا درآورد. منطبق با این شرایط ویژه، ما هم در پی این هستیم که چه کالاهایی را دولت باید کنترل کند، زیرا همیشه سیاست دولت براین بوده است که کالاهای اساسی که مورد نیاز عموم مردم است را در حدی که داریم بین همه به طور عادلانه و با قیمت ثابت توزیع شود. ممکن است این حداقل کم باشد، اما مردم مسلمان ما توجه دارند که کمبود در هر جنگی هست و باید با کم ساخت، ولی همان کم، اگر به طور عادلانه و با قیمت ثابت به دست مردم برسد راضی خواهند بود. کالاهای اساسی هم مشخص هستند و کالاهایی هستند که از نظر قیمت سهم عمده ای را در هزینه ی زندگی یک خانوار دارند و از نظر اهمیت در زندگی اساسی هستند؛ مثلاً امروز اگر میل و صندلی گران شود، یک کالای اساسی و ضروری نیست و مردم می توانند روی زمین بنشینند، اما اگر نان گران شود، نان رزق و روزی مردم است. تلاش دولت این است که قیمت این قبیل کالاها ثابت بماند و با یک حداقل ممکن به دست مردم برسد. در این رابطه نیاز به کمک مردم داریم و همه اقشار باید به دولت کمک کنند که قاطعانه این سیاست ها را به اجرا درآوریم.

تخلفات آمریکا

سرپرست دفتر هماهنگی بیانیه ی الجزایر در زمینه ی موفقیت در اجرای این بیانیه و تخلفات آمریکا از انجام تعهدات خود اظهار داشت: آن چه که مسلم است، آمریکا تخلفات زیادی نسبت به بیانیه ی الجزایر کرده است که این تخلفات از طرف دولت ایران در داوری مطرح شده است و قرار است خارج از نوبت رسیدگی شود. دستاوردهای ما بعد از بیانیه، چهار میلیارد دلار از پول هایمان است که وصول کرده ایم. همان طور که می دانید حدود ده میلیارد یا بیشتر و نزدیک پانزده میلیارد دلار آن جا داشته ایم که البته روزی که بیانیه را امضا کردیم، مشخص نبود چقدر پول آن جا داریم. به هر حال، حدود چهار میلیارد دلار نقداً از این ده میلیارد را دریافت کردیم. حدود ۳ و نیم تا چهار میلیارد دلار وام های حال شده بود که

نیوی: دادگاه لاهه به تخلفات آمریکا از ... ۲۱۷

پرداختیم. یک میلیارد دلار هم الآن توی حساب دولت الجزایر در لاهه است و حدود یک و نیم میلیارد دلار هم باز به حساب دولت الجزایر در لندن است که بخشی از این ۱/۵ میلیارد دلار متعلق به آمریکا است و بخشی از آن متعلق به ماست؛ منتها در این مورد اختلاف وجود دارد و روی آن هم ما دعوی داریم، با آمریکا که داریم روی آن کار می‌کنیم. در واقع، از پولی که می‌بایست علی‌القاعده در ابتدای امضای بیانیه به دست ما می‌آمد و حدود پنج و نیم میلیارد دلار بود، حدود چهار میلیارد آن به دست ما رسیده است و ۱/۵ میلیارد آن هم توی حساب دولت الجزایر است که دولت ایران می‌تواند پس از حل این اختلافات و یا بعد از ارجاع آن به دادگاه دآوری بین‌المللی آن‌ها را وصول کند (البته این ارقام تخمینی است و روی آن‌ها هم اختلاف است).

البته اگر در دادگاه ببازیم و تمام دعاوی آمریکا علیه ما حق باشد و همه‌ی دعاوی ما علیه آمریکا غلط باشد (که این امر محال است) هیچ از این پول‌ها گیرمان نمی‌آید، اما ما امیدواریم و مطمئنیم که خیلی از این پول‌ها را به دست بیاوریم و خیلی بیشتر از این را به دست می‌آوریم. این یک قسمت از بیانیه‌ی الجزایر است.

قسمت دوم، راجع به اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا است که یکی از تخلفات آمریکا هم همین است که اموال و دارایی‌های ما را تا به حال پس نداده است. البته این‌را توضیح بدهم که بهانه‌هایی در این موارد می‌آورند؛ مثلاً جنسی که ما در فرودگاه داریم و آماده است برای حمل به ایران، می‌گویند شما بیاید و دو بیست هزار دلار هزینه‌ی انبارداری بدهید و آن‌را ببرید. بر سر همین مسائل مدت‌ها بحث و گفت‌وگو می‌شود، ولی ما امیدواریم که در روزها و ماه‌های آینده بتوانیم این اموال و دارایی‌ها را به ایران منتقل کنیم. خوشبختانه بعد از یک‌سال و اندی، امروز می‌توانیم بگوییم که لیست و قیمت آن‌ها مشخص شده است و در دست ماست.

مطلب دیگری که قرار بود بر طبق بیانیه‌ی الجزایر انجام شود، تشکیل دآوری و ارجاع دادخواست‌های طرفین به دآوری مرضی‌الطرفین است. در ابتدای امضای بیانیه، تصور خود ما این بود که ما هیچ نوع دعوی مدون و مستدل علیه آمریکا نداریم، چون آن موقع هیچ سازمان ایرانی علیه آمریکا اقدامی دعوی نکرده بود زیرا یک پلبیشویی بعد از انقلاب اسلامی بود

که دستگاهی هنوز به کار نیفتاده بود و هیچ کس نمی دانست چی به چی است. در آن شرایط تصور ما این بود که دعوی‌ها عمدتاً از طرف آمریکا مطرح می‌شود، تصور خود آمریکا هم چنین بود، حتی تا روزهای آخر همین‌طور فکر می‌کردند و این را بگویم که تقریباً تا آخر شهریورماه هم ما حتی یک دادخواست علیه آمریکا تنظیم نکرده بودیم و نداشتیم، چون باز به خاطر اشکالاتی که در داخل داشتیم، تغییرات دولت‌ها، جابه‌جایی‌ها و غیره، دفتر هماهنگی بیانیتهای الجزایر یک وضع با ثباتی پیدا نکرده بود، ولی با تلاش شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیری که برادران ما در دفتر بیانیتهای الجزایر از شهریورماه یعنی بیست شهریورماه آغاز کردند تا اواسط دی که آخرین روزی بود که می‌توانستیم دادخواست‌های خود را به دادگاه لاهه بدهیم در عرض این مدت کوتاه و در حدود چهارماه، دولت ایران توانست بیشتر از ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ دادخواست علیه آمریکا تهیه کند که حدود ۶۶۴ دادخواست که میزان آن‌ها مشخص شده است بیش از ۳۲ میلیارد دلار ادعا علیه آمریکا است و بسیاری از این دادخواست‌ها در روز آخر با یک هواپیمای دربست از ایران به لاهه در ۲۹ صندوق حمل شد، به طوری که خیلی از محافل بین‌المللی و خیلی از کسانی که آن‌جا بودند و در جریان قضیه قرار گرفتند، تعجب می‌کردند.

دادخواست‌ها

شنیدم که یکی از روزنامه‌های خارجی گفته است که در ایران کار بیانیتهای گروه‌های زیرزمینی می‌کردند، چون تا آن موقع و تا لحظه‌ی آخر، تصور نمی‌کردند که ایران هم دادخواستی علیه آمریکا بدهد. اگر دیده باشید خبرهای روزهای آخر روزنامه‌های خارجی این بود که آمریکا سه هزار و اندکی دادخواست علیه ایران داده و ایران فقط چند دادخواست علیه آمریکا داده است.

طرف مقابل که اوایل به نظر می‌رسید دادخواست‌های زیادی داشته باشد تا آن‌جا که ما اطلاع داریم حدود ۲۹۰۰ دادخواست زیر ۲۵۰ هزار دلار دارد که کل این دادخواست‌ها از دویست میلیون دلار تجاوز نمی‌کند و حدود ۸۰۰ دادخواست بزرگ دارد که مبلغ آن حدود ۸ میلیارد دلار است و این مسأله سبب شگفتی شده و خود ما هم واقعاً تعجب کردیم، زیرا

نوی: دادگاه لاهه به تخلفات آمریکا از ... ۲۱۹

اطلاعات کم داشتیم و نمی دانستیم چقدر از آمریکا طلب داریم و تا چه میزان می توانیم ادعا کنیم و الآن خوشبختیم که می توانیم در دادگاه لاهه با دست خیلی پر وارد شویم و ان شاء الله در موارد متعددی بتوانیم احقاق حق کنیم و حقوق پایمال شده ی ملت مسلمان خود را از آمریکای جهانخوار بگیریم.

جالب این جاست که از میان دادخواست هایی که از طرف ما مطرح شده است، دادخواست راننده ی تاکری است که در طیس، آمریکایی ها نفت کشش را گرفتند؛ و برای کودتای ۲۸ مرداد دادخواستی تنظیم شده، البته برای مواردی مثل ۲۸ مرداد نمی توان مبلغ تعیین کرد، اما برای روشن شدن نقش آمریکا در کودتای خائانه ی ۲۸ مرداد، تهیه شده است و آن از طرف مقابل دادخواست های بسیار غیرقابل قبولی تنظیم شده است، مانند دادخواست لیازانوف روسی که امتیاز شیلات شمال ایران را قبل از کودتای سوم اسفند داشته است و حالا نوه ی او که تبعه ی آمریکا شده است شکایت کرده است و علیه ایران بابت لغو قرارداد پدر بزرگ روسی خود ادعای خسارت کرده است.

خبرهای خوش آینده

به هر حال، امیدواریم کار ما در دادگاه، خیلی خوب پیش برود و در آینده خبرهای خیلی خوشی را به شما بدهیم؛ بعضاً به من گزارش داده اند که آمریکا کارهای عجیبی در ارائه ی دادخواست ها کرده است و مثلاً یک اعتبار اسنادی بانک مرکزی را یک شرکت آمریکایی جعل کرده است که مبلغ آن چهار میلیون و ششصد هزار دلار است. در مجموع همان طور که گفتیم، کل ادعاهای ایران، علیه آمریکا حدود ۳۲ میلیارد دلار، و ادعاهای آمریکا علیه ایران حدود هشت میلیارد دلار است، البته تا لحظه ای که من اطلاع دارم.

نوی افزود: وقتی دادخواست های خود را با دادخواست های آمریکا مقایسه می کنیم، می بینیم که حقانیت دادخواست های ما خیلی بیشتر از آمریکا است و طبعاً حجم دادخواست های ما هم خیلی بیشتر است از نظر مبلغ و لذا ما مطمئن هستیم که اگر دادگاه بی طرفی خود را تا آخر حفظ کند، علی القائده ما، در دادگاه می توانیم بسیاری از مطالبات خود را از آمریکا بگیریم. ابتدای کار دادگاه هم با تخلفاتی که در اجرای مواد بیانیه ی الجزایر صورت گرفته،

شروع می‌شود. اختلافات در نحوه‌ی اجرا و تخلفات و بعد به‌اصل دعاوی خواهد پرداخت.

عملکرد ستاد بسیج اقتصادی

مهندس نبوی در مورد عملکرد ستاد بسیج اقتصادی و کاهش فعالیت آن در ماه‌های اخیر اظهار داشت: همان‌طور که قبلاً گفتیم، ستاد بسیج براساس مصوبه‌ی دولت شهید رجایی به‌وجود آمد. لازم بود بعد از تغییر دو سه دولت این مصوبه دوباره مورد تجدید نظر قرار بگیرد و شرح وظایف ستاد دقیقاً روشن شود و در چهارچوب آن شروع به‌کار کند. بخشی از دلایلی که ستاد موضع انفعالی به‌خود گرفته در ماه‌های اخیر همین بود. بخش دیگر مربوط به این است که طرح‌ها و برنامه‌های ستاد بسیج اقتصادی طوری بود که آن‌چنان هم با بخش‌هایی که منافع و سودهای کلان در جامعه می‌بردند درگیر می‌شد؛ لذا تا آن‌موقع با وجودی که فشار بنی‌صدر و لیبرال‌ها بود و همان‌طور که می‌دانید فشار زیادی علیه کوهن‌بندی، گران‌شدن بنزین، سهمیه‌بندی صابون به‌ستاد بسیج وارد شد، تا آن‌موقع ستاد بسیج تمام مشکلات را از پیش روی برمی‌داشت و جلو می‌رفت. کم‌کم بعد از یک‌مدتی ستاد دست به‌یک کارهایی زد و طرح‌هایی را مد نظر قرار داد که با منافع عده‌ای در تعارض و تضاد بود و این عده فعالیت شدیدی را علیه ستاد بسیج اقتصادی شروع کردند. اگر بروید به‌دکان بقال محل و بگویید چرا پنیر نیست؟ می‌گوید: برو از ستاد بسیج اقتصادی بپرس یا توی بازار اگر بروید و بپرسید مثلاً چرا لیوان نیست می‌گوید: برو از ستاد بسیج اقتصادی بپرس. این در اثر جوی است که این عده مخالفین ایجاد کردند، این مخالفین که خیلی از آن‌ها در واقع به‌خاطر ضربه‌خوردن به‌منافعشان مقابله می‌کنند با دولت، مقابله می‌کنند با ستاد بسیج و تصمیم‌گیری‌های دولت، در حالی که تصمیمات ستاد بسیج اقتصادی همان تصمیم‌گیری‌های دولت است. ستاد بسیج یک نهاد مستقل جدا از دولت نیست، اصلاً یک شخصیت مستقل ندارد. مجموعه‌ای است از وزرای اقتصادی، وزرای اجرایی یا نمایندگان تام‌الاختیار آن‌ها که با هم می‌نشینند و تصمیماتی راجع به‌مسائل اقتصادی مملکت با توجه به‌شرایط بحرانی جامعه می‌گیرند؛ منتها این عده چون فکر می‌کنند الآن تصمیم‌گیری‌های ستاد بسیج ممکن است به‌منافعشان لطمه بزند، علیه ستاد شروع به‌تبلیغ و سم‌پاشی و شاید پراکنی کرده‌اند که بسیاری از آن‌ها واقعیت

ندارد. مسؤول همه‌ی کمبودها و همه نارسایی‌ها در جامعه را این‌ها ستاد بسیج قلمداد می‌کنند و این یک‌جوی است که تا حدودی فروکش کرده است. بر اثر تبلیغات وسیعی که این عده می‌کنند، و جاهای مختلفی که می‌روند حتی بعضاً در بین دوستان هم نسبت به اقدامات، طرح‌ها و عملکرد ستاد، بدبینی‌هایی ایجاد شده که ستاد و دولت تلاش می‌کنند با کنار توضیعی روشنگرانه این مسائل را برای عموم مردم و خصوصاً دوستان روشن کنند.

دفترچه‌های خانوار

نبوی در مورد دفترچه‌های توزیع خانوار اظهار داشت: همان‌طور که قبلاً اعلام شده، این دفترچه‌ها در سطح کل کشور فعلاً پخش نمی‌شود و به‌عنوان آزمایشی در تهران پخش خواهد شد و برادران در تهران مشغول کار هستند. این چیزی جز آن شیوه‌ای که الآن در تهران مرسوم است؛ منتها به‌طور ناهماهنگ اجرا می‌شود، نیست. می‌دانید الآن در تهران محلات مختلف دفترچه دارند و محلاتی که دفترچه‌های منظمی دارند همین اجناس و کالاهایی را که کم است بهتر به‌دست مردم می‌رسانند.

طرح برنج و مشکلات موجود

نبوی در طرح خرید برنج و اشکالات آن و این‌که آیا اصولاً این طرح دنبال خواهد شد یا خیر؟ اظهار داشت: طرح برنج به‌نظر من یک طرح بسیار جامع و خوبی در شرایط بحرانی فعلی اقتصادی کشور است. این را من توضیح بدهم که بسیاری از طرح‌هایی که دولت و ستاد بسیج اقتصادی در زمینه‌های مختلف از جمله توزیع، اجرا می‌کند طرح‌هایی نیست که در آینده جزو برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر اقتصاد اسلامی در جامعه‌ی ما باشد. این‌ها طرح‌هایی است که براساس اضطرار و شرایط ویژه در جامعه مطرح می‌شود و تعارضی هم با احکام اسلامی ندارد به‌مرحله‌ی اجرا درمی‌آید. از جمله طرح برنج، که با اهداف بسیار مهمی تدوین شد و به‌مرحله‌ی اجرا درآمد. این طرح با توجه به کمبودهای ناشی از صرفه‌جویی‌های ارزی، عدم امکان تأمین نیازهای اساسی از طریق واردات، عدم کنترل برنج توسط دولت که یک کالای اساسی و حدود ده درصد از هزینه‌ی خوراک یک خانوار شهری را تشکیل

می‌دهد، برای کنترل این کالا و برای مقابله با کمبودهای احتمالی ناشی از کمبود واردات و برای خودکفا کردن؛ در زمینه‌ی برنج، طرح در ستاد بسیج اقتصادی مطرح و تصویب شد و به تأیید شورای عالی اقتصاد و دولت جمهوری اسلامی ایران هم رسید. تا این‌جا طرح خوب است و اجرا شده و بحثی هم در آن نیست، ولی در مرحله‌ی اجرا باید گفت، دچار مشکلات و نارسایی‌هایی بودیم. در زمینه‌ی خرید مشکل عمده نداشتیم. طبق نظرسنجی‌ای که در شمال کردیم، حقایق جالبی به دست آمده است. اکثریت و تقریباً شصت درصد از روستاییان، از قیمت خرید برنج راضی نیستند با این‌که قیمت بالا است ولی جالب‌تر این است که بیش از ۸۰ درصد از همین روستاییان موافق با ادامه‌ی طرح برنج با دلایل کلی و دلایل مملکتی هستند و این برای ما امیدوارکننده بود که روستایی علی‌رغم احساس فروش ارزان برنج با وجود این، از طرح راضی است؛ چرا می‌گوید: دولت در جنگ است و باید بتواند کالاهای اساسی را کنترل کند. می‌گوید: این خوب است به‌طور اساسی و ممکن است اگر دولت دستش را از روی این کالا بردارد، یک سری محترک، یک سری واسطه بیابند و قیمت بالاتر هم به ما پیشنهاد کنند و برنج ما را بخرند چون در اثر مشکلاتی که در توزیع داشتیم برنج قاچاق شده و بازار سیاه پیدا کرده. این را خودش می‌فهمد. مهم‌تر این‌که اکثریت این روستاییان از نحوه‌ی اجرای این طرح توسط مأمورین دولتی، توسط جهاد، توسط برادران وزارت کشاورزی اظهار رضایت کردند، در حالی‌که شایعاتی که عده‌ای از محترکین و واسطه‌ها راه انداخته‌اند و به گوش خیلی‌ها رسانده‌اند، این است که نحوه‌ی خرید بسیار بد بوده است و همه روستاییان ناراضی هستند، در حالی‌که نظرسنجی ما خلاف این را نشان می‌دهد. مسافرت خود ما به استان مازندران و گیلان خلاف این را نشان می‌دهد و روستاییان در این دو استان با این طرح دولت به‌عنوان یک حرکت صحیح و ضروری در شرایط فعلی برخورد کردند و اما این‌کاز دو بخش داشت: یک بخش آن، خرید برنج بود که به نظر من با موفقیت توأم بوده است و یک بخش آن توزیع بود که به نظر من موفقیت در امر توزیع کم بوده است.

اجرای طرح برنج

وقتی که طرح برنج اجرا می‌شد، دستگاه‌های اجرایی برای آن‌که بتوانند برنج را بخرند،

مجبور شدند دروازه‌های شمال را ببندند. همین‌که دروازه‌ها بسته شد، عده‌ای که برنج از سال گذشته داشتند، این برنج را احتکار کردند. به‌این ترتیب تا برنج خریداری شود و در سطح شهرهای مختلف توزیع شود، یک‌زمانی طول کشید، یک‌ماه و نیم تا دو ماه طول کشید. این دو ماه، شهرها و مصرف‌کننده‌ها بدون برنج ماندند؛ طبیعی است که وقتی برنج به‌بازار عرضه شد، یک ولع خاصی در جامعه داشت که باعث شد برنج بلافاصله جذب شود و ولع از بین نرود و بعضاً هم نامتعادل توزیع می‌شد و مشکلاتی در این زمینه وجود داشت که الآن وزارت بازرگانی به‌شدت در تلاش است و کمیته‌ی توزیع ستاد بسیج هم که تازه به‌راه افتاده، به‌شدت در تلاش است تا این مشکلات توزیع را برطرف کند.

نبوی در پاسخ به این سؤال که گفته می‌شود رسیدگی به‌دادخواست‌ها در دادگاه لاهه، ۳۰ سال یا بیشتر طول بکشد و در این صورت چه نفعی در اقامه‌ی دعوی داریم؟ اظهار داشت: البته موقعی که تصور می‌کردیم دادخواست‌های آمریکا علیه ما زیاد است فکر می‌کردیم که ۳۰ سال طول کشیدن دادگاه مسأله‌ی مهمی نیست، ولی الآن با توجه به این‌که دادخواست‌های ما از نظر مبلغ زیاد است، باید تلاش کنیم که داوری را سریع‌تر به‌کار اندازیم، مشکلات موجود را در کار داوری برطرف کنیم و اگر لازم شود با نیروی بیشتر و فعال‌تری در این‌کار وارد شویم.

به‌هرحال، دعاوی بین‌المللی این‌چنین که در مجموع پنج‌هزار دادخواست مطرح می‌شود، طول می‌کشد. این‌که دادخواست‌ها را چرا به‌دادگاه داده‌ایم و چه نفعی در آن داشته‌ایم، خوب! اگر ما نمی‌دادیم، آمریکا می‌داد و دادگاه سی سال دادخواست‌های آنان را بررسی می‌کرد و بالاخره چهار دادخواست آن‌ها را هم می‌پذیرفت. ما ناچار بودیم وقتی آمریکا علیه ما دادخواست به‌دادگاه می‌دهد و لو این‌که مبلغ دادخواست هم کمتر بود، ما هم دادخواست متقابل بدهیم. اگر این‌کار انجام نمی‌شد، در واقع آن‌چه آمریکایی‌ها اول پیش‌بینی می‌کردند، انجام می‌شد.

سرپرست دفتر هماهنگی هم‌چنین در پاسخ به این‌که آیا تاکنون لیستی از اموال و دارایی‌های شاه در آمریکا تهیه شده است یا نه؟ گفت: متأسفانه خیر! این هم از مواردی است که آمریکا تخلف کرده است. قرار بود که همه اطبا و شهروندان آمریکایی لیست اموال و

دارایی‌های شاه را به دولت آمریکا اطلاع دهند و دولت آمریکا در این مورد گزارش بدهد به ما تا به حال دولت آمریکا هیچ گزارشی به ما نداده است. البته ممکن است ادعا شود که شاه و بستگانش اموالی در آمریکا ندارند، چون ما خودمان باید اعتراف کنیم و بارها گفته ایم هیچ بخشی از ثروت‌های شاه و بستگانش را تاکنون نتوانسته ایم کشف کنیم.

جالب است که روزهای آخری که بنی صدر رئیس‌جمهور بود، هیاهویی به راه افتاد که بانک مرکزی و نوپری رئیس وقت آن، مقداری از جواهرات فرح را در سوئیس ضبط کرده و حکم توقیف روی آن صادر کرده‌اند. بعد از چند ماه فهمیدیم که هیاهو برای هیچ بوده و جواهرات اگر هم مال فرح بوده، به نام یک تبعه‌ی آفریقای جنوبی و یکی دو نفر نظیر این‌ها بوده است و هزینه‌ی دادرسی را هم دادیم و متوجه شدیم که با پول این ملت، نوپری هیاهو به راه انداخته است که مثلاً اموال شاه و بستگانش را مصادره کرده ایم.

در حال حاضر، سرنخی از اموال و دارایی‌های شاه در آمریکا نداریم و به نظرمان هم نمی‌رسد که چیزی گذاشته باشند در آمریکا بماند، ولی مصرانه و مجدانه مشغول پی‌گیری هستیم و از کلبه‌ی هم‌وطنان هم می‌خواهیم در این زمینه به هر شکلی که می‌توانند با ما همکاری کنند.

نبوی در زمینه‌ی سیاست ستاد بسیج اقتصادی در قبال تعاونی‌ها گفت: تعاونی‌ها زیر نظر وزارت بازرگانی شکل گرفته است. ستاد بسیج، دستگاه اجرایی نیست که با آن‌ها ارتباط داشته باشند، بلکه دستگاه طراح، هماهنگ‌کننده و ناظر است. یک چیز کلی را من توضیح می‌دهم و آن این است که سیاست دولت این نیست که ما کسبه‌ی جزء را از بین ببریم. تعاونی‌ها هم که تشکیل می‌شود، نباید عواملی باشد برای از بین بردن کسبه‌ی جزء که عمدتاً افراد صحیح‌العقل مسلمان و متعهد به انقلاب اسلامی هستند و بافت سنتی توزیع ما را که خیلی هم خوب است تشکیل می‌دهند و اگر این‌ها نباشند همه باید با یک پیکان به سوی مارکت‌ها بروند. سیاست ما بر این است که این‌ها از بین نروند. تعاونی‌ها هم باید به شکلی عمل کنند که به این‌ها ضربه نخورد.^(۱)

وزیر کشور در مصاحبه‌ی مطبوعاتی اعلام کرد:
**همزمان با برگزاری انتخابات میان دورهای، انتخابات مجلس خبرگان
برای انتخابات شورای رهبری برگزار می‌شود**

حجت‌الاسلام علی‌اکبر ناطق‌نوری وزیر کشور، بعد از ظهر دیروز در مصاحبه‌ای مطبوعاتی با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی شرکت کرد و ضمن بیان مطالبی در مورد توطئه‌های روزافزون دشمنان انقلاب اسلامی به‌ویژه امپریالیسم آمریکا در کشور و منطقه، به‌سؤالات خبرنگاران پاسخ داد.

وزیر کشور ابتدا با اشاره به سالروز تاریخی ورود امید مستضعفان جهان و آغاز تحریکات و توطئه‌های شیطان بزرگ علیه انقلاب اسلامی گفت: آمریکا این شیطان بزرگ به‌این‌زودی‌ها دست از سر ملت ما و منطقه برنخواهد داشت و هر روز طرح نو و نقشه‌ی تازه‌ای را برای ملت ما می‌کشد، تا بلکه رژیم جمهوری اسلامی را که به‌قیمت خون قریب ۱۰۰ هزار شهید و به‌قیمت تقدیم هزاران دست و پا و چشم از جانب‌ازانمان به‌دست آمده، از بین ببرد. غافل از آن‌که انقلاب ما یک انقلاب خدایی است و وعده‌ی خدا بود که عینیت پیدا کرد.

حجت‌الاسلام ناطق‌نوری در ادامه‌ی سخنانش گفت: مردمی که براساس عقیده و اعتقاد

به اسلام و برای دفاع از حریم قرآن به دنبال مقام امامت و ولایت حرکت کردند و به عنوان یک وظیفه‌ی شرعی و اسلامی در صحنه حاضر شدند. این‌ها با محاصره‌ی اقتصادی و حمله‌های نظامی و عروسک‌هایی را به‌جان آن‌ها انداختن، همانند صدام و صدام‌ها از میدان به‌در نمی‌روند. ملت ما براساس اسلام و قرآن و تکلیف شرعی، انقلاب کرده، آنرا ادامه داده و می‌جنگد و مبارزه می‌کند و تکلیف شرعی هم با تهدیدها و ارباب‌ها از میان نمی‌رود؛ لذا می‌بینیم که این ملت هرچه بیشتر شهید می‌دهد، مصمم‌تر می‌شود و قاطع‌تر می‌جنگد.

وزیر کشور سپس به‌جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اشاره کرد و در قسمتی از سخنانش گفت: با انسجام و قاطعیتی که در حال حاضر و پس از یک‌سال و پنج ماه از جنگ می‌گذرد وجود دارد، هنگامی که بحثی از مصالحه و مذاکره به‌میان می‌آید خود این ملت خصوصاً آنان که در مناطق جنگی هستند، پیشاپیش سایر مسؤولان فریاد برمی‌آورند که جنگ، جنگ و سرنوشت جنگ را جنگ تعیین می‌کند، نه افرادی در اتاق‌های دربسته. این ملتی که این‌طور کشته می‌دهد و دست بچی خود را از زیر خاک بیرون می‌آورد و پای عزیز را در جای دیگر جمع‌آوری می‌کند، با کشته دادن و شهید دادن و مجروح و معلول دادن از صحنه بیرون نمی‌رود.

تشریح حوادث آمل

وی آن‌گاه با یادآوری جنایات عوامل آمریکا در سالروز ننگین ۶ بهمن در آمل و تجلیل از فداکاری‌ها و از جان‌گذشتگی مردم مسلمان این شهر گفت: این‌گونه اعمال، تلاش‌های مذبوحانه‌ای است و به اعتقاد ما آمریکا و مزدوران داخلی و خارجی‌اش به‌جایی رسیدند که به‌در تخته پاره‌ای در هنگام غرق شدن دست می‌زنند.

وی افزود: در داخل، یک چنین جنایاتی پیش می‌آید و در مرز، حکومت ننگین صدام در هوای سرد و یخبندان مرزی، عده‌ای از برادران و خواهران ما را از زندان‌های عراق و در حالی که تعدادی از آن‌ها را شکنجه کرده‌اند، رها می‌کند که در این رابطه جمعی از این گروه، گرفتار سرمازدگی شده و قریب ۸ یا ۹ نفر نیز در بین راه به‌علت سرمای شدید از دنیا می‌روند و به‌تعبیری شهید شده‌اند و عده‌ای هم مفقودالامر شده که شاید به‌جمع این شهدا

پیوسته باشند و بعضی از زن‌ها و دختران جوان گرفتار کومله و دموکرات شده و مورد تجاوز این‌ها قرار گرفته‌اند. این اعمال حکایت از این دارد که دشمن آن تعادل خود را از دست داده است. در مقابل تمام این حرکات، ما می‌بینیم که ملت مصمم تر و قاطع تر می‌ایستد، که نمونه‌اش همان حادثه‌ی اخیر آمل بود.

در این حادثه گرچه جمعی از عزیزانمان به شهادت رسیدند و به لحاظی برای ما سنگین و ناگوار بود، اما از جهتی هم غرور آفرین بود و آن چنان حرکت کور این منافقین و مهاجمین در آن جا با مقاومت مردم روبه‌رو شد که در گزارشاتی که می‌رسید گفته می‌شد، شور و شوق و ایستادگی مردم همانند جریان روز ۲۱ بهمن بود. و به نظر من، آخرین امید این‌ها که در شمال خلاصه می‌شد، قطع شد و با این جریانات و مقاومت دلیرانه‌ی مردم اساساً آن منطقه واکسیناسیون شده و ما پی بردیم که از منطقه‌ی شمال باید خاطر جمع باشیم و اگر احیاناً نگرانی‌های احتمالی هم داشتیم، با این جریان آمل، این نگرانی‌ها رفع شد. من همین جا از مردم ایثارگر و وفادار شهرستان آمل به‌عنوان مسؤول وزارت کشور تشکر و تقدیر می‌کنم.

وضع رانده‌شدگان عراقی

آن‌گاه خبرنگاران سؤالات خود را مطرح کردند و وزیر کشور در پاسخ به اولین سؤال در مورد اخراج ناجوانمردانه‌ی حدود ۱۰۰۰ نفر از برادران و خواهران مسلمانان از عراق توسط رژیم وابسته‌ی صدام و این‌که وزارت کشور در این خصوص چه اقداماتی انجام داده است و آیا تاکنون از مقامات صلیب سرخ برای بازدید این جنایات دعوت به عمل آمده یا خیر؟ گفت: بلافاصله پس از کسب اطلاع از این جریان، ستاد رسیدگی و امداد در همان منطقه تشکیل شد و نیروهای امدادگر زیر نظر استاندار باختران به منطقه رفتند و این عده از مردم را که رژیم بعث با وسایل بسیار عجیب و غریب و ناراحت‌کننده در منطقه غلغله و در میان یخ و برف رها کرده بود، به مرکز استان بردند.

در این رابطه، هلال احمر و کمیته‌ی امداد امام، کمک‌های لازم در زمینه‌ی تهیه‌ی لباس و غذا و سایر مایحتاج اولیه را به عمل آوردند و ترتیباتی داده شد تا این برادران و خواهران به اردوگاه‌هایی در جهرم اعزام شوند. در حال حاضر تعدادی در حدود ۴۰۰ نفر از آن‌ها به این

شهر انتقال یافته‌اند و عده‌ی دیگری هم در حال انتقال هستند.

وزیر کشور گفت: عراق دقیقاً مانند اربابش که دائماً دم از حقوق بشر می‌زند و آن‌طور تجاوز اسرائیل را مورد حمایت قرار می‌دهد، در داخل خود را حامی و پشتیبان مردم محروم عراق می‌داند، ولی بلافاصله عده‌ای از مردم بی‌گناه را به این شکل در مرزها می‌کند. وی افزود: تاکنون اقدامی در مورد دعوت از نمایندگان صلیب سرخ برای بازدید از وضع این مهاجرین به عمل نیاورده‌ایم و علت آن‌هم این بوده که سعی داشتیم در وهله‌ی اول رانده‌شدگان را در محل‌های مناسب سکنی دهیم و بعد اگر لازم باشد با مقامات صلیب سرخ تماس بگیریم تا از نزدیک وضع آن‌ها را مورد بازدید قرار دهند.

جزئیات حمله به آمل

در مورد وقایع آمل و این‌که وزارت کشور در این رابطه چه اقداماتی انجام داده، هم چنین چند نفر در جریانات اخیر این شهر دستگیر شده از چه گروه‌هایی بوده‌اند؟ وزیر کشور گفت: ما از چند ماه قبل خبردار شدیم که نیروها و کسانی که از فعالیت گروهک‌ها در شهرها ناامید شده‌اند، رفته‌اند و در جنگل پنهانده شده‌اند که یکی از آن مناطق جنگل آمل، نور بود و اطلاع پیدا کرده بودیم که یک جمعی حدود ۱۵۰ نفر از گروه‌های مختلف از قبیل رنجبران، مجاهدین خلق، پیکار، فدائیان اقلیت و تعدادی از انسران سلطنت طلب و فراری‌های گذشته به صورت مجموعه‌ای متشکل شده‌اند.

جریان حمله به این صورت بوده که وقتی این‌ها در مقابل نیروهای متسجم ما که از سپاه ژاندارمری تشکیل شده و در آمل وارد عملیات شده بود و پایگاه‌هایی از این‌ها را گرفته و چند پایگاه نیز خودشان دایر کرده بود، مطلع شدند و فهمیدند که دولت با قدرت وارد جنگل می‌شود، طرح جدیدی را ریختند و به صورت دسته‌های مختلفی درآمد و گشت می‌زدند. یکی از طرح‌های آن‌ها این بود که در عرض یک هفته نفر به نفر و یا به طور سه نفری وارد شهر آمل شوند و در خانه‌های تیمی مستقر شوند و در ساعت ۱۲ شب روز سه‌شنبه یعنی سالروز ششم بهمن ماه هم‌زمان از ۸ نقطه وارد عمل شدند و قصدشان هم طبق اعترافات بعدی، تصرف شهر آمل و تصرف مراکز حساس از جمله فرمانداری، مرکز سپاه، شهربانی و مرکز

بسیج بود.

در آغاز این حمله، به‌علت تاریکی هوا و نامشخص بودن محل‌ها، خیلی نمی‌شد وارد عمل شد. اما صبح روز بعد نیروی انتظامی وارد عمل شد و معلوم گشت که مهاجمان از نقاط مختلفی تیراندازی می‌کنند که عمده‌ی آن در دو خیابان و رودخانه‌ی شهر آمل بود. مهاجمان که با ضد حمله نیروهای انتظامی و مردم در فشار قرار گرفتند، بالاخره در باغی در محله‌ی «اسپی‌کلا» به‌محاصره درآمدند. و سرانجام شب بعد، این حمله با هلاکت عده‌ای از مهاجمان و دستگیری تعداد دیگری از آن‌ها به‌پایان رسید.

وزیر کشور افزود: در این حوادث، ما ۳۲ نفر شهید داشتیم که بیشترین رقم مربوط به مردم است؛ یعنی ۸ نفر از برادران سپاه بودند و از نیروهای دیگری شهیدی گزارش نشده است. ما حدود ۶۰ نفر نیز مجروح داشتیم. از دشمن هم حدود ۳۲ نفر کشته و معدوم به‌جای مانده و حدود ۲۸ نفر مجروح و دستگیر شدند و عده‌ای هم فرار کردند و تعدادی هم شاید در خود شهر آمل پنهان شده باشند که در پاک‌سازی‌های بعدی احتمال دارد شناسایی و دستگیر شوند.

وی افزود: البته باید اضافه کنم که در همین رابطه تعدادی خانگی تیمی نیز کشف شده که در آن‌ها سلاح‌ها و مهمات بسیاری به‌دست آمده است.

اتحاد نیروهای مخالف

وی در رابطه با اتحاد نیروهای مخالف جمهوری اسلامی، ضمن اشاره به‌سوابقی که در این زمینه برای مردم مشهود بوده است، اظهار داشت: ما همیشه شاهد این بودیم که در بسیاری اوقات این‌ها برای اجرای مقاصد خود چگونگی چپ‌چپ گرفته تا راست راست با هم یکی شده و راه‌پیمایی‌ها علیه خط امام و حزب‌الله و علیه جریان حق پدراه انداخته‌اند و تسلیور آن‌هم همان رفتن بنی‌صدر و مسعود رجوی با خلبان شاه است که شبیه این انقلاب در آمل صورت گرفته و شبیه آن در جاهای دیگر وجود دارد و هدف آن‌ها هم کوبیدن جمهوری اسلامی ایران و کوبیدن قرآن و اسلام است.

۲۳۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

اعزام خانواده‌های اسرای ایرانی به عراق

حجت‌الاسلام ناطق نوری، سپس در پاسخ به‌سؤالی راجع به‌وضعیت ثبت‌نام خانواده‌های اسرا جهت اعزام به‌عراق گفت: آن‌چه که به‌عنوان وظیفه‌ی اصلی برعهده‌ی وزارت کشور قرار دارد این است که از این خانواده‌ها ثبت‌نام کند و مقدمات این سفر را تا مرحله‌ی گذرنامه فراهم کند، و از آن به‌بعد به‌عهده‌ی وزارت امور خارجه خواهد بود. البته تفاوت دعوت ما و دعوت عراق در این است که ما اعلام کردیم از هر خانواده‌ی اسیر، ۱ تا ۴ نفر را می‌پذیریم، ولی آن‌ها تنها پذیرفتن یک نفر از هر خانواده را اعلام کرده‌اند که این مسأله هم در حال حاضر در مرز اعلام است. از طرف دیگر، عراق مرکز مبادله را در ژنو تعیین کرده اما ما گفته‌ایم به‌لحاظ آن‌که کشور ترکیه کشوری اسلامی است و هم‌مرز ایران و عراق است این تبادل در کشور ترکیه انجام پذیرد. حال این پیشنهاد ایران تا چه اندازه مورد قبول واقع شود، این چیزی است که باید منتظر باشیم.

وزیر کشور سؤال خبرنگار خبرگزاری فرانسه را که پرسید: گفته می‌شود در جریان حوادث آمل، ۱۵۰ تن از نیروهای انتظامی به‌شهادت رسیده‌اند، به‌شدت تکذیب کرد.

انتخابات میان‌دوره‌ای

وی در پاسخ به‌سؤالی در زمینه‌ی تاریخ انجام انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی گفت: در مورد این انتخابات ما چند مشکل داریم، اول آن مناطقی که در آن‌جا انتخابات انجام نشده و یا نیاز به‌انتخابات مجدد در آن احساس می‌شود. یکی مناطقی است که نمایندگان آن‌ها یا شهید شده‌اند و یا پست گرفته‌اند، که در این مورد ما مسأله‌ای نداریم و مقدماتش آماده است و هر روزی که بنا شد انجام بگیرد قادر به‌انجام آن هستیم، یک قسمت از شهرهای ما نمایندگانی در دوره‌ی اول داشتند ولی به‌لحاظ این‌که از کومله و دموکرات بودند، جرأت شرکت کردن در مجلس را به‌خود ندادند؛ مانند بعضی شهرهای کردستان یا آذربایجان غربی مثل بوکان و مهاباد و پیرانشهر از اولین روزی هم که مجلس تشکیل شد، این‌ها نماینده‌ی رسمی بودند، ولی نیامدند. تاکنون هم نیامده‌اند و این برعهده‌ی مجلس شورای اسلامی است که تکلیف این شهرها را روشن کند، که آیا باید انتخابات مجدد در

آنها انجام شود یا خیر؟

در بعضی از شهرها هم به علت آن که زیر آتش دشمن و در موقعیت جنگی قرار دارند امکان برگزاری انتخابات نیست، مجموعاً در این رابطه ما یک مقداری منتظر مجلس هستیم.

انتخابات شورای رهبری

وی اضافه کرد: اگر خداوند توفیقی بدهد قصد داریم که انتخابات مجلس خبرگان برای انتخابات شورای رهبری در دور بعد را نیز هم‌زمان با انتخابات میان‌دوره‌ای انجام دهیم و طبق قانون، شورای نگهبان مسؤول تهیه قانون شورای رهبری بوده است و باید این قانون به تنفیذ امام نیز برسد که هم‌اکنون قانون مزبور تهیه شده و امام هم ملاحظه فرموده‌اند. اما در رابطه با وظایف و وزارت کشور، یک مقدار اشکالات اجرایی وجود دارد که قرار است این اشکالات را با شورای نگهبان حل کنیم.

وی افزود: به‌طور کلی از نظر وزرات کشور مقدمات برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای آماده است و منتظر نتیجه‌ی مجلس و شورای نگهبان هستیم.

طرح جدید تقسیمات کشوری

وزیر کشور سپس در مورد طرح تقسیمات کشوری به‌اهمیت این طرح و بیان این مطلب که به عقیده‌ی وی تقسیمات قبل کشوری به‌طور نابرابر و غیرعادلانه پایه‌ریزی شده است و نیز مراحلی که این طرح تاکنون طی کرده، اشاره کرد و گفت: با توجه به وسعت عمل این طرح و اهمیت آن از نظر مسائل مختلف سیاسی و اقتصادی و... وزارت کشور در نظر دارد تا از مجلس بخواهد که مهلت تعیین‌شده‌ی قبلی برای بررسی این طرح را که ۳ ماه تعیین شده است را تجدید نماید.

حجت‌الاسلام ناطق نوری در ادامه‌ی سخنانش در ارتباط با این طرح گفت: در چارت تشکیلاتی تقسیمات کشوری ما، ایران را مانند تقسیم‌بندی سپاه پاسداران منطقه‌بندی کرده‌ایم که شاید بفرض ایران به ۱۰ منطقه تقسیم شود. شهرهای خیلی بزرگ به‌صورت استان درآمد و بعد ۴ یا ۶ استان تشکیل یک ایالت را

بدهد و یک فرمانده در رأس این ایالت قرار گیرد. حالا نام این فرمانده چه باشد، این را بعداً تعیین خواهیم کرد و در رأس چند ایالت هم یک والی یا با نامی دیگر گمارده شود. وی افزود: هم‌چنین در این منطقه‌بندی اختیارات یک وزیر به آن والی منتقل شود تا بتواند با قدرت و حضور بیشتر امور را اداره کند. در واقع بین استان و وزارت‌خانه یک محلی به نام ایالت یا ولایت تعیین شود و این تقسیم‌بندی ادامه پیدا کند تا در سطح شهرستان‌ها و بخش‌ها که البته پیاده کردن این طرح شاید حدود ۲ یا ۳ سال وقت لازم داشته باشد.

وزیر کشور سپس از کسانی که برای اجرای تصمیمات کشوری تومار و نامه به وزارت کشور ارسال می‌کنند، خواست تا از ادامه‌ی این کار خودداری نمایند و افزود: ما براساس همان معیارها و عدل اسلامی و با توجه به فرهنگ و مسائل سیاسی منطقه عمل خواهیم کرد.

سازمان اطلاعاتی و امنیتی کشور

از وزیر کشور در مورد تشکیل سازمان اطلاعاتی کشور و مراحل تکمیلی آن سؤال شد. که وی در پاسخ با اشاره به این مسأله که نیمی از مسؤولیت حفظ جان شخصیت‌ها در مقابل توطئه‌ها و ترورها به‌عهده‌ی خود آن‌هاست، گفت: البته مسؤولیت حفظ جان شخصیت‌ها در وهله‌ی اول به‌عهده‌ی وزارت کشور است و اگر هم شخصیت‌ها و حضرت آیت‌الله منتظری بر این مسأله تأکید داشته‌اند، این به آن معنا است که در مراقبت و مواظبت از آن‌ها دقت بیشتری شود، اما خود شخصیت‌ها هم باید موارد امنیتی را رعایت کنند.

وی افزود: وزارت کشور وظیفه دارد که برای مقامات و شخصیت‌ها، وسایل و تجهیزات امنیتی فراهم کند؛ مثلاً ماشین‌های ضدگلوله در اختیار آن‌ها قرار دهد و در این رابطه تا آن حدی که این نوع وسایل را داشتیم در اختیار آن‌ها قرار داده‌ایم و ان‌شاءالله برای بقیه شخصیت‌ها نیز اقدام خواهیم کرد.

حجت‌الاسلام ناطق در مورد این سؤال که یکی از برنامه‌های موفق شهید رجایی تشکیل سمینارهای مشترک استانداران بوده است و آیا شما این برنامه را ادامه خواهید داد؟ گفت: قطعاً بله؛ منتها چون مدت زیادی نیست که بنده به وزارت کشور آمده‌ام برای ادامه‌ی تشکیل چنین جلساتی مدتی وقت لازم است، ولی حتماً آن‌را در آینده‌ی نزدیک تشکیل خواهیم داد.

بازسازی شهربانی و ژاندارمری

در مورد نیروهای انتظامی از جمله شهربانی و ژاندارمری، وزیر کشور گفت: شهربانی و ژاندارمری دو سازمانی هستند که باید گفت تقریباً دست نخورده باقی مانده‌اند، بنابراین برای بازسازی این دو نیروی انتظامی لایحه‌ای مانند لایحه‌ی بازسازی ادارات تقدیم دولت شده است که خود تغییر و تحولی به وجود خواهد آورد.

وی افزود: تصمیمات دیگری هم در رابطه با کل ژاندارمری و شهربانی اتخاذ شده و تغییراتی در بعضی از فرماندهی‌ها و قسمت‌ها صورت گرفته که به زودی اعلام خواهد شد؛ ضمناً در دانشکده‌ها و آموزشگاه‌های مربوط به این دو ارگان، نیز تغییراتی در سطح مسؤلین آن خواهیم داشت.

رسیدگی به جنگ‌زدگان

وضعیت هم‌وطنان جنگ‌زده و این‌که آیا از نحوه‌ی زندگی خود راضی هستند یا خیر؟ سؤال دیگری بود که از وزیر کشور پرسیده شد. وی در پاسخ گفت: این سؤال را باید از خود جنگ‌زدگان پرسید و یا از نمایندگان آن‌ها. اما در صحبتی که من با نمایندگان استان خوزستان داشتم، آن ناراحتی که قبلاً آن‌ها در رابطه با وضعیت جنگ‌زدگان داشتند برطرف شده بود و از ترکیب جدید بنیاد جنگ‌زدگان از زحمات برادرمان شفیق اظهار رضایت می‌کردند و از بنده هم خواستند که از ایشان تشکر کنم. این نشان‌گر خدمات ارزنده‌ی بنیاد جنگ‌زدگان است.

مهاجرین افغانی

از حجت‌الاسلام ناطق نوری سؤال شد: شما به‌عنوان وزیر کشور در مورد مهاجرین افغانی؛ به‌خصوص بعد از جلوگیری شدید از حمل مواد مخدر توسط شهربانی و ژاندارمری و سایر نیروهای انتظامی و هم‌چنین جلوگیری از ورود بی‌رویه‌ی دام که اخیراً شاهد ورود تعدادی از آن‌ها بوده‌ایم، چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

وی گفت: وظیفه‌ی اسلامی و شرعی ما است که این مهاجرین افغانی را بپذیریم و درست

۲۳۴ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

مانند زمان صدر اسلام که مهاجرین بر انصار وارد شدند و انصار خانه‌های خود را در اختیار آن‌ها قرار دادند، این اسوه و الگوست برای ما که هر کشور مسلمانی که خواهران و برادران در آن مورد هجوم و تجاوز قرار بگیرند، ما از این اسوه استفاده کنیم و این‌گونه برخورد کنیم. ما به فضل خدا، با این‌که این همه درگیری داریم در عین حال با جان و دل و با آغوش باز از آن‌ها یعنی آوارگان افغانی استقبال می‌کنیم.

اما، نکته‌ای که باید اضافه کنیم این است که ما نیز مانند همه حکومت‌ها یک سری مقررات داریم، که باید این برادران و خواهران مهاجر ما هم مثل سایرین تابع مقررات و قانون ما باشند و هستند.

وی افزود: دام‌های آن‌ها هم قرنطینه و کنترل می‌شوند و خود آن‌ها را نیز برای این‌که ممکن است بیماری داشته باشند در اردو نگه می‌دارند.

وزیر کشور در پایان گفت: مسأله‌ی دیگر این‌که امکان دارد در لابه‌لای این برادران و خواهران مسلمان ما که مهاجر و آواره هستند، جاسوس هم از طرف شوروی و آمریکا به‌این‌جا بیایند، دولت ناگزیر است که دقت عمل نشان دهد و ما برای این‌کار اقداماتی کردیم و به‌همین منظور اردویی احداث شده و ثبت‌نام و کنترل دقیق‌تری از آن‌ها به‌عمل می‌آید که خدای ناکرده عناصر ناپاب و عوامل جاسوس در بین آن‌ها نباشد.^(۱)

هشدار مهم و تاریخی آیت‌الله منتظری در آغاز دهه‌ی فجر

در آستانه‌ی چهارمین سال پیروزی انقلاب اسلامی و ورود رهبر کبیر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، فقیه عالی‌قدر حضرت آیت‌الله منتظری، طی پیامی ضمن تبریک این روز بزرگ و قدردانی از ملت فداکار اسلام، خواستار رعایت دقیق و همه‌جانبه‌ی خط امام به تمام معنای کلمه و رسیدگی جدی مسؤولین نسبت به کشف، علاج و جذب جوانان مخلصی که در دام گروه‌ها افتاده‌اند، شد.

حضرت آیت‌الله منتظری هم‌چنین خوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های کشور را مهم‌ترین منبع خلاقیت و رشد فکری جامعه خواند و شناخت و برآورد صحیح نیازهای آنان را به مسؤولین توصیه نمود و از مسلمانان جهان خواست در سایه‌ی توحید کلمه و کلمه‌ی توحید و تشکیل قدرتی الهی، بشریت مظلوم را از چنگ استکبار جهانی نجات بخشد. متن پیام بدین شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿واعتصموا به حبلا لله جميعاً ولا تفرقوا واذكروا نعمة الله عليكم اذا كنتم اعداء﴾

فالف بين قلوبكم فاصحبتم به نعمته اخواناً﴾

امت مسلمان و قهرمان ایران، برادران و خواهران مسلمان (ای‌دکم‌الله‌تعالی)!

اکنون که به فضل الهی در آستانه‌ی چهارمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته‌ایم و از آن‌جا که این لحظات مصادف با روز تاریخی بازگشت رهبر بزرگ انقلاب به‌این سرزمین و نیز شروع دهه‌ی فجر می‌باشد، طبیعی است که حوادث تاریخی و سرنوشت‌ساز و خاطرات شیرین و تلخ آن‌روزهای بزرگ را با خود تداعی کند. اینک فرصت را مغتنم شمرده، ضمن تجلیل شایسته از دستاوردهای عظیم مادی و معنوی انقلاب، نکاتی را یادآور می‌شود:

۱- در طول سه سال پس از پیروزی انقلاب، ملت و انقلاب ما، شاهد توطئه‌ها و کارشکنی‌های گوناگون ابرقدرت‌ها و عمال خارجی و داخلی آنان بود. این توطئه‌ها که پس از گذشت از مراحل اقدام به‌کودتا و طرح حمله‌ی نظامی و فشار اقتصادی و هجوم تبلیغاتی و تحریم همه‌جانبه، هم‌زمان با تشدید تروریسم و تقویت گروه‌های منحرف با جنگ تحمیلی رژیم وابسته‌ی صدام اوج گرفت. ملت ما را مقاوم‌تر و انقلاب را پایدارتر نمود؛ تا جایی که رشد مقاومت و ایمان ملت ما دنیا را متوجه‌ی خود کرده و دشمنان اسلام را مأیوس ساخت. آن‌ها تمام آمال و اهداف شیطانی خود را در شروع و ادامه‌ی این جنگ استعماری برآورده می‌دیدند. ولی اراده و ایمان ملت ما همچون گذشته خلاف آن‌را ثابت کرد.

امروز، جنگ و فداکاری در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها برای ملت قهرمان ما یک امر عادی گشته است. رژیم صدام با کمک‌های نامحدودی که از بلوک غرب و شرق و مزدورانی هم‌چون شاه حسین، قاتل انقلابیون فلسطین و دشمن اسلام و عرب به‌دو می‌شود، در برابر ملت مصمم ما، احساس حقارت می‌کند و شکست خود را به‌بالعیان می‌بیند. ارزش‌هایی که این ملت مؤمن و مستهد با تمام گرفتاری‌ها و مشکلاتی که بر سر راه حفظ دستاوردهای انقلاب خود داشت، دنیا را متحیر و پوچی معیارها و معادلات مادی دشمنان اسلام را آشکار نمود و مغزهای شیطانی متفکرین استعمارگر را به‌تحلیل ابعاد ناشناخته‌ی انقلاب اسلامی و به‌قول آنان آن‌چه در ایران می‌گذرد، واداشت.

ملت ما با ایثار و بزرگواری، مسؤولیت‌های خود را تاکنون به‌بهترین وجه، در تمام شئون انجام داده و مشکلات و سختی‌ها را کوچک و قابل تحمل کرده و در برابر خدای تعالی روسفید و سرافراز خواهد بود.

۲- از آن‌جا که اسلام به‌عنوان یک مکتب کامل و جامع، اساس و زیربنای

انقلاب ما می‌باشد و شروع و تداوم آن با پیروزی بر همین اساس استوار بوده، باید اسلام خالص را به‌عنوان فرهنگ عالی و اصلی انقلاب در تمام مراحل اداره‌ی انقلاب و کشور مراعات نمود و البته این بدان معنی نیست که هرکس بنا بر فریب و تظاهر فرصت‌طلبانه خود را مکتبی و انقلابی جا بزند.

در شرایط کنونی در اداره‌ی کشور، مهم‌ترین ویژگی که باید منظور داشت، تعهد عملی افراد نسبت به اسلام و لیاقت آنان برای انجام مسؤولیت‌های محوله می‌باشد و اگر کسی مسؤولیتی را بدون داشتن کفایت و لیاقت به کسی داد و یا خود قبول کرد، نمی‌توان او را متعهد نسبت به اصل مکتب دانست، زیرا پناهر نصی قرآن، مسؤولیت‌های اجتماعی که به‌سرنوشت یک انقلاب و ملت مربوط می‌شوند، در حقیقت امانت‌های الهی هستند که باید به‌دست اهلش سپرده شود.

﴿ان... یا مرکم ان تودوا الامانات الی اهلها﴾

بدون شک، ایادی مرموز دشمن که به‌صورت جریانی خطرناک و احياناً به‌ظاهر انقلابی، ممکن است در فضای کشور خودنمایی کنند با شیوه‌های پیچیده‌ای سعی می‌کنند انقلاب را از درون به‌حالت پوچی و انفجار بکشانند، زیرا تاکنون برای دشمن روشن شده که این انقلاب با توطئه‌های نظامی و تروریستی از پای در نمی‌آید و به‌دنیال آن است تا کاری کند که ملت به‌حالت یأس و زدگی و ناپاوری نسبت به آینده‌ی انقلاب برسد و در این رابطه نباید از نقش عوامل نفوذی دشمن که منافقانه و فرصت‌طلبانه خود را مکتبی و در خط امام جا زده‌اند، غافل ماند. اینان قهراً می‌کوشند جو سوءظن و بدبینی را در بین نیروهای مؤمن و اصیل انقلاب تشدید کنند و مهره‌های خود را پس از خالی نمودن پست‌های حساس از افراد مؤمن و متعهد به‌کارها بگمارند تا بتوانند به‌شکل پیچیده‌ای، فرصت‌ها را از میان برده و نارضایتی تدریجی و عمومی را به‌ارمغان بیاورند.

ضمناً، روش‌ها و اعمال تند و بی‌رویه‌ی دوستان انقلاب چه بسا ضربه‌های غیرقابل جبرانی به‌پرستیژ انقلاب اسلامی خواهد زد که جز خوراک تبلیغات برای دشمن نخواهد بود. به‌نظر می‌رسد انقلاب ما چنین مرحله‌ای را می‌گذراند و اگر مسؤولین معظم پست‌های کلیدی به‌این عارضه توجه نکنند، باید احساس خطر نمود. تنها راه حفظ انقلاب و گذر از این مسأله، تعبد نسبت به ضوابط شرعی و به‌کار بردن حالت تقوا و تسلیم در برابر رهنمودها و نصایح پدران‌هی مقام معظم

رهبری انقلاب است. ما اگر در برخورد با افراد و مسؤولیت‌ها، تقوا و متانت را منظور داریم، هرگز حاضر نمی‌شویم که کلام یا عمل ما به انقلاب و افراد متعهد و در خط اسلام ضربه بزند و زاضی نمی‌شویم پرستیژ و چهره‌ی جمهوری اسلامی که تاکنون هزاران شهید و مجروح برایش داده شده، در دنیا مشوه و خراب گردد. ما باید نه فقط با زبان، بلکه در عمل مقید و متعهد به اسلام و ضوابط آن باشیم. شعار بیش از اندازه، زدگی می‌آورد و از خاصیت آن در درازمدت کاسته می‌شود. اگر خدای ناکرده امید می‌که اکنون با پیروزی این انقلاب در جهان محرومین و مستضعفین به وجود آمده، در اثر سوءتدبیر و یا خودخواهی و گروه‌گرایی و بی‌تقوایی ما به یأس مبدل شد، در پیشگاه عدل الهی جوابی نخواهیم داشت. رفتار ما باید برای افراد بی‌ایمان و احياناً فریب‌خورده و منحرف، جاذبه داشته باشد. دشمن اصلی اسلام در صدد است از کوچک‌ترین ضعف و اشتباه ما کوهی ساخته و بر ما و انقلاب ما بتازد. ما نباید به دست خود با عمل خود، دشمن را مجهز و مسلح نماییم و کاری کنیم که افراد سست‌ایمان و بی‌تفاوت و کم‌تجربه، جذب جناح دشمن شود. چه بسا جوانانی مخلص که با داشتن زمینه‌های روحی مساعد در اثر برخوردهای غلط ما، دشمن آنان را از ما گرفت.

من بسیار متأسفم که سردمداران گروهک‌های وابسته و منحرف با شیطنت از نقاط ضعف این جوانان عزیز سوءاستفاده نموده و به جای کسب علاج و جذب از سوی ما، آنان از ضعف‌ها و کمبودهای نوجوانان در مسیر اهداف شیطانی و استعماری خود استفاده بردند و آن‌ها را از اسلام و ملت گرفتند. این موضوع را باید جدی گرفت و برایش فکری نمود و زمینه‌ها و ریشه‌های آن را بررسی و علاج کرد.

امروز دشمن برای گرفتن این قشر پرارزش از ما که سازندگان آینده هستند، سرمایه‌گذاری کرده و می‌کند. کسانی که با جو سازی و بدنام نمودن افراد مستدین خود آگاه یا ناخود آگاه به این جریان خطرناک کمک می‌نمایند، بدانند که عملاً آب به آسباب دشمن می‌ریزند. و باید به خدا پناه ببرند.

از سوی دیگر، باید هم‌چنان جاذبه‌ی انقلاب را حفظ نمود و این حقیقت هرگز با تعهد و تعبد نسبت به ضوابط شرعی منافات ندارد، زیرا اسلام دین عقل و منطق

است و هرگز با انقلاب واقع‌بینانه تضاد ندارد. برای دستیابی به این هدف، بهترین راه همان به‌کار بستن عملی خط امام به‌تمام معنای کلمه می‌باشد. ما اگر بیانات صریح و قاطع امام (مدظله) را در تمام شوئون به‌صورت یک جریان عظیم اسلامی تحلیل نماییم و الگو قرار دهیم، هرگز دچار انحراف به‌چپ و راست نخواهیم شد و قوی‌ترین عامل بقا و گسترش انقلاب که حال و آینده همین است و به‌همین دلیل ابرقدرت‌ها به‌خصوص آمریکا این جریان و افراد مربوط به آن را هدف اصلی توطئه‌های خود قرار داده‌اند.

۳- از آن‌جا که انقلاب اسلامی ما بر محور کسب استقلال کامل با شعار «نه شرقی و نه غربی» شروع و پیروز شد، طبیعی است که برای تأمین نیازها و رفع مشکلات آن نمی‌توان از الگوهای وارداتی شرقی و غربی استفاده نمود، بلکه باید ملت مسلمان ما با ابتکار و خلاقیت و رشد فکری خود، پاسخگویی آن‌ها باشد و مهم‌ترین منبعی که باید نیروهای لایق و متعهد به‌فرهنگ انقلاب را تربیت کند، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های کشور می‌باشد.

مسئولین حوزه‌ها و دانشگاه‌ها باید با تشریک مساعی و هم‌فکری نزدیک و ایجاد زمینه‌های تبادل فکری و فرهنگی بین دو قشر عظیم روحانی و دانشجو قدم اول را بردارند و تربیتی بدهند تا این دو نیروی خلاق و سازنده بتوانند مکمل یکدیگر باشند و از تجربیات و آموزش‌های مثبت یکدیگر بهره‌مند شوند. و این مهم با تشکیل جلسات شعارگونه و بدون برنامه و محتوا به‌دست نخواهد آمد و در حالی که بسیار شنیده می‌شود برای مسئولیت‌های تبلیغی قضایی و فرهنگی کشور نیروی لایق و متدین به‌حد کافی نداریم، حقیقت امر خلاف آن است و در حوزه‌های علمیه قم و شهرستان‌ها، افراد و نیروهای فراوانی وجود دارند که باید اول عامل زدگی آنان را کشف و رفع نمود و ثانیاً تربیتی داد تا از کانال صحیح و مورد نظر طلاب و فضلاء حوزه، آن نیروها کشف و جذب گردند و متأسفانه شورای عالی مدیریت حوزه برای انجام این مسئولیت مهم کاملاً موفق نبوده و جریان دانشگاه‌ها نیز به‌همین منوال می‌باشد. دانشجویان مسلمانی که به‌انقلاب و نظام جمهوری اسلامی معتقد باشند کم نیستند. مسأله‌ی مهم شناخت نیازهای روحی و بحران‌های فکری نوجوانان است که معمول در سنین جوانی با آن مواجه می‌شوند و در این‌مورد باید با تدبیر و روش صحیح برخورد کرد و آنان را

به اسلام جذب نمود.

۴ - انقلاب اسلامی ما، علی‌رغم کارشکنی‌ها و پیمان‌های جهانی ابرقدرت‌ها و بدراه انداختن شبکه‌ی وسیع تبلیغات صهیونیستی، راه خود را در جهان باز نموده و با سرعت در حال گسترش و نفوذ در دل‌های محرومین جهان می‌باشد. ارزش‌ها و دست‌آوردهای معنوی و مادی انقلاب ما، ارزش‌های دنیای معاصر را که کلاً در اختیار ابرقدرت‌ها و ابزار دست آن‌هاست زیر سؤال قرار داده و پیشرفت‌های علمی - صنعتی - اجتماعی جوامع به اصطلاح پیشرفته، وسیله‌ای جز برای تحمیل زورمندان و غارتگران بین‌المللی در جهان سوم تلقی نخواهد شد.

سازمان ملل با بودجه‌ی کلان و ظاهر نریبنده‌ی خود، به صورت عامل مشروعیت - مظلوم ۵ قدرت قوی جهان درآمده. جای تأسف است که ملل زیر ستم و مسلمانان جهان که بیشترین ثروت جهان در دست آن‌هاست، چشم امید به این مرکز جهانی تزویر ابرقدرت‌ها دوخته‌اند. مگر نمی‌دانستند که رژیم‌های غاصب و نژادپرستی هم‌چون اسرائیل و افریقای جنوبی در دامن همین سازمان به اصطلاح بین‌المللی مشروعیت و پرورش یافته و اگر احیاناً از گوشه‌ای صدایی بلند شود، فوراً با چماق «توتو» که به فرموده‌ی امام (مد ظله) بدتر از قانون جنگل است، در نطفه خفه می‌گردد.

آیا وقت آن نرسیده است که مسلمانان جهان، به ندای آسمانی قرآن و سنت پیامبر اعظم و ائمه‌ی بزرگ اسلام علیهم‌السلام از وابستگی‌ها و سرسپردگی‌های طاغوت‌های جهان آزاد گردند و در سایه‌ی توحید کلمه و کلمه‌ی توحید، قدرتی الهی در جهت اجرای احکام و قوانین وحی تشکیل داده و بشریت محروم و مظلوم را از چنگال استکبار جهانی نجات دهند.

آیا دولت‌های عرب منطقه نمی‌خواهند از سرنوشت سپاه صدام مزدور و کافر عبرت گیرند و با آتش، بازی نکنند؟

چرا خود را ملبیه‌ی آمریکا و اسرائیل و به صورت عامل اجرای مقاصد استعماری آن‌ها درآورده‌اند؟

چرا از قدرت اسلام و یک میلیارد مسلمانان جهان و ذخایر خدادادی که در اختیار دارند، غافلند؟ تا کی خودفروشی به مستکبران شرق و غرب و بی‌اعتنایی به اسلام و امت مسلمان را شیوه‌ی خود قرار می‌دهند؟

مسلمانان جهان! بیایید همه با هم دست اتحاد و برادری به هم دهیم و از
غول‌های استکبار جهانی و امپریالیست‌های خونخوار نترسیم؛ به اسلام چنگ زنی
و به برکت اسلام، مستضعفین جهان را نجات دهیم.
(ولاتخافوا ولا تحزنوا و انتم الا علون ان کنتم مؤمنین).

از خداوند بزرگ، نصرت و عظمت اسلام و مسلمانان و رشد و شکوفایی
حرکت‌های اسلامی در جهان محرومین و قطع ایادی کفر و استکبار جهانی و
پیروزی نهایی رزمندگان اسلام و نجات دو ملت مسلمان عراق و ایران را
مسألت دارم.

والسلام علی عباد الله الصالحین.

۱۱/۱۱/۱۳۶۰، قم، حسینعلی منتظری^(۱)

در این باره، آقای توکللی وزیر کار و امور اجتماعی و سخنگوی دولت جمهوری اسلامی ایران، صبح دیروز در یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیوتلوویزیونی شرکت کرد و به سؤالات مختلف خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ گفت. ماحصل این مصاحبه از نظر خوانندگان می‌گذرد.

ابتدا آقای توکللی خلاصه‌ای از فعالیت‌های جهاد سازندگی را برشمرد و گفت: در کشوری که در حال جنگ است و با این همه فشارهای مختلفی که ابرقدرتها و در رأس آنها آمریکا بر ایران وارد می‌سازند، برنامه‌ریزی با همت برادران فعال و متعهد ما ممکن شده است و می‌دانیم برای برنامه‌ریزی جهت امور کشور، اولین قدم، داشتن اطلاعات درست است. و چون اکثریت ملت ما در روستاها زندگی می‌کنند و تأمین‌کننده مواد اصلی زندگی همی کشور هستند، و معمولاً هم از محروم‌ترین اقشار جامعه‌ی ما محسوب می‌شوند. برادران جهاد سازندگی ما از سال ۵۸، مقدمات آمارگیری خود را شروع کردند. ابتدا در استان فارس آمارگیری نمونه انجام شد، که کم کم به وسیله‌ی کامپیوتر انجام گرفت که قابل بهره‌برداری باشند.

در ادامه، آقای توکللی گفت:

آمارگیری، اساس برنامه‌ریزی است.

اظهارات سخنگوی دولت درباره‌ی خاموشی‌های برق،

بیمه، بازنشستگی،...

احمد توکللی وزیر کار و امور اجتماعی و سخنگوی دولت جمهوری اسلامی ایران، صبح دیروز در یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیوتلوویزیونی شرکت کرد و به سؤالات مختلف خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ گفت. ماحصل این مصاحبه از نظر خوانندگان می‌گذرد.

ابتدا آقای توکللی خلاصه‌ای از فعالیت‌های جهاد سازندگی را برشمرد و گفت: در کشوری که در حال جنگ است و با این همه فشارهای مختلفی که ابرقدرتها و در رأس آنها آمریکا بر ایران وارد می‌سازند، برنامه‌ریزی با همت برادران فعال و متعهد ما ممکن شده است و می‌دانیم برای برنامه‌ریزی جهت امور کشور، اولین قدم، داشتن اطلاعات درست است. و چون اکثریت ملت ما در روستاها زندگی می‌کنند و تأمین‌کننده مواد اصلی زندگی همی کشور هستند، و معمولاً هم از محروم‌ترین اقشار جامعه‌ی ما محسوب می‌شوند. برادران جهاد سازندگی ما از سال ۵۸، مقدمات آمارگیری خود را شروع کردند. ابتدا در استان فارس آمارگیری نمونه انجام شد، که کم کم به وسیله‌ی کامپیوتر انجام گرفت که قابل بهره‌برداری باشند.

همراه این تلاش‌ها، جزواتی که نمونه‌ی آمارگیری این برادران را نشان می‌داد، انتشار پیدا کرد و به تدریج آن‌ها آماده شدند که در سراسر کشور، طرح را پیاده بکنند. برای اجرای طرح در سراسر کشور، برای هر روستا شناسنامه‌ای تهیه کردند که این شناسنامه کلیدی اطلاعات جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی روستا را نشان می‌دهد. برادران جهاد سازندگی، در همه روستاها به همه مزارع مستقل و ثابت مراجعه کردند؛ به استثنای روستاهایی که در حال جنگ هستند. اطلاعات کامل و جامعی تهیه کردند که این اطلاعات الآن در بیش از هشتاد هزار جزوه آماده شده است که کم‌کم نمونه‌هایی از آن تهیه می‌شود و در اختیار مسئولین اجرایی قرار خواهد گرفت. این اطلاعات خام در مراحل بعدی کامل می‌شود و به شکل‌های مختلف عرضه می‌شود. برادران جهاد سازندگی در شورای اقتصاد این قول را داده‌اند که ان‌شاءالله تا اردیبهشت‌ماه، آمارهای ابتدایی در سطح شهرستان تهیه می‌شود و تا مهر آینده با کامپیوتری کردن این آمار، دقیقاً ما بدانیم که در روستاها چه می‌گذرد و از امکانات و نیازهایشان باخبر شویم، و بودجه‌ای هم که به این کار اختصاص داده شده است، تقریباً یک‌دهم بودجه‌ی استانداری است.

وی، سپس به سؤالات مطرح‌شده از سوی خبرنگاران پاسخ گفت. در پاسخ این که اخیراً شایع شده است که بین ایران و عراق آتش‌بس اعلام شود تا اجساد جمع‌آوری شود، نظر شما چیست؟ سخنگوی دولت اظهار داشت: آتش‌بس برای جمع‌آوری اجساد از نظر ما بسیار حرف بی‌معنی است. البته ما این بدن‌ها را وسیله‌ای برای رشد می‌دانیم و نهایت رشد انسانی را هم در دنیا شهادت می‌دانیم و بنابراین آن لحظه‌ای که شربازی، پاسداری، افسری، درجهداری، بسیجی و داوطلبی شهید می‌شود این از زندان، تن‌آزاد می‌شود و به بهشت موعود واصل می‌شود و در نتیجه ما به هیچ وجه حاضر نیستیم به کاری تن دردهیم که خود آن شهدا هرگز راضی نیستند و آن شهدای زنده‌ای هم که در جبهه‌ها حاضر هستند، تن به چنین کاری نمی‌دهند و دولت هم چنین چیزی را نخواهد پذیرفت.

آقای توکلی در پاسخ سؤال خبرنگار ما که پرسید: هیأت‌های مختلف صلح که به ایران آمده‌اند، قرار است روز جمعه گرد هم جمع شوند و راجع به فعالیت‌هایشان یک‌جمع‌بندی بکنند، به نظر شما چه انگیزه‌ای باعث شده است که این کنفرانس تشکیل شود و با عجله

تصمیم‌گیری بکنند، اظهار داشت: به‌گمان ما، و با توجه به واقعیت‌های موجود و نگرشی به گذشته‌ی جنگ، هر زمانی که قدرت ایران در صحنه‌ی جنگ جلوه‌ی تازه‌ای کرده است، تلاش شرق و غرب به‌دلیل این‌که نمی‌خواهند منجر به سقوط صدام بشود، بیشتر شده است و این تلاش‌ها به‌این علت است که ما را مجبور سازند از حقی که همیشه به‌استناد اعتقادمان و به‌استناد پیروی از قرآن بیان می‌کردیم، منصرف شویم. در حالی‌که آن‌ها از این نکته غافل هستند که ملت مسلمان ایران که برای تحقق اسلام در ایران این همه شهید می‌دهد، هرگز حاضر نیست که در نیمه راه، هدفش را رها بکند، و این آمدن و رفتن‌ها چیز تازه‌ای نیست، فقط یک حقیقت را به‌اثبات می‌رساند این‌که ما می‌گوییم صدام در حال اضمحلال است، حقیقت دارد. به‌این دلیل است که از ما سؤال می‌کنند غرامتی را که شما می‌خواهید، چگونه باید به‌شما داده شود، معلوم می‌شود که خودشان پذیرفته‌اند که این کار غلطی که یک مزدور دست به‌آن زده است، چه عواقبی داشته است که الآن در پی چاره‌ی آن هستند.

در مورد خاموشی‌های برق و علت آن، آقای توکلی گفت: این خاموشی‌ها دو دلیل دارد: یکی مربوط به گذشته می‌شود و دیگری مربوط به‌الآن است. برنامه‌ریزی رژیم سابق برای برق‌رسانی به‌کشور بسیار غلط بوده است. یک‌سری از این برنامه‌ریزی‌ها را به‌اراده‌ی خودمان متوقف کردیم. قرار بود در سال ۶۰، دو هزار و چهار صد مگاوات برق یعنی به‌اندازه‌ی مصرف سال ۵۹، از طریق نیروگاه‌های بوشهر وارد مدار برق کشور بشود و یکی از نیروگاه‌ها همان‌طور که اطلاع دارید، ۸۵ درصد آن پایان گرفته بود، ولی از آن‌جا که ادامه‌ی طرح این نیروگاه‌ها به‌شدت ما را به‌کشورهای ابرقدرت وابسته می‌کرد، ما از تکمیل آن چشم‌پوشی کردیم و به‌این ترتیب از یک مقدار زیاد برق برای سال‌های فعلی و آتی به‌محروم شدیم.

برای قسمت‌هایی که برنامه‌ریزی آن انجام شده است، یک‌سری از آن برنامه‌ریزی‌ها خرید یک نیروگاه گازی بوده است که راندمان آن خیلی کم است و یک‌سری هم برنامه‌ریزی شده است؛ مثل نیروگاه بندرعباس که نیروگاه آن آماده شده است، اما خطوط انتقال نیروی آن آماده نیست.

این‌ها برنامه‌هایی است که از رژیم گذشته به‌جا مانده است و من این مسأله را از وزیر

محترم نیرو سؤال کردم و نموداری از ایشان گرفتم که نشان می‌دهد که مصرف برق ما از آبان‌ماه سال ۵۹، که دوهزار و دویست و هشتاد مگاوات بود، در آبان ۶۰، به سه‌هزار و پانصد و چهل مگاوات رسیده است؛ یعنی ۵۰ درصد افزایش داشته است، که این ۵۰ درصد افزایش مصرف با توجه به محاصره‌ی اقتصادی و با توجه به مسأله‌ی جنگ، آیا یک دولت در حال جنگ و در حال محاصره اقتصادی قادر است که ۵۰ درصد اضافه مصرف را در عرض مدت کوتاهی تأمین کند؟ وقتی چنین قدرتی نباشد و ما بخواهیم همیشه حدود حداکثر ظرفیت تمام تولیدمان برق مصرف بکنیم، به محض این‌که قسمتی خراب بشود، یک مقدار برق از مسیر خود خارج می‌شود و در نتیجه خاموشی‌های ناخواسته به وجود می‌آید. معمولاً در زمستان‌ها که مصرف برق کم است، فرصت است که نیروگاه‌ها برای تعمیر و تجهیز خودشان کوشش کنند. برای جلوگیری از این بی‌نظمی با توجه به واقعیت‌ها که ما به هیچ وجه نمی‌توانیم نیروگاه‌هایی که ما را وابسته می‌کند به کار بیندازیم و نیروگاه‌های فعلی خودمان را با تمام تلاش داریم تجهیز می‌کنیم. و با توجه به این‌که تهیه‌ی ابزار و تجهیزات در شرایط فعلی برای ما خیلی آسان نیست، دو راه پیش می‌آید. یک راه اصلی و مدلوای جدی آن، پایین آوردن مصرف است، از مجموع برق مصرفی ما، ۲۱ درصد آن مصرف خانگی شهری است و ۲۹ درصد آن مصرف صنعتی است و ۲۶ درصد مصرف عمومی است؛ از قبیل فروشگاه‌ها، مغازه‌ها، بیمارستان‌ها و مساجد و چهار درصد مصرف کشاورزی است و یک درصد آن مصرف روستایی است. با توجه به این ارقام مشخص می‌شود که مصرف خانگی ما ۳۱ درصد است و تقریباً یک سوم مصرف برق ما را تشکیل می‌دهد، اگر در مصرف خانگی صرفه‌جویی کنیم، اثر زیادی می‌گذارد و به بخش صنعت کمتر لطمه وارد می‌شود.

البته، ۲۴ درصد از مشترکین برق ما فقط ده درصد از لوازم خانگی را مصرف می‌کنند و برعکس ۴ درصد از مشترکین، ۲۰ درصد از وسایل خانگی استفاده می‌کنند و من در این جا هشدار می‌دهم اگر مصارف خانگی کم نشود و آن کسانی که بیشتر از حد معین برق مصرف می‌کنند، به آن‌ها برق نمی‌دهیم. الحمدالله مرحله‌ی آزمایشی خاموشی‌های منظم به پایان رسیده است و همان‌طور که برادرمان آقای دکتر غفوری در شورای عالی اقتصاد می‌گفت:

۲۴۶ : بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

آزمایش انجام شده است و از هفتهی آینده، خاموشی‌ها با اطلاع قبلی خواهد بود و برنامه‌ی آن‌را از قبل اعلام خواهیم کرد.

سؤال شد: بعضی از شرکت‌ها دارای دفترچه‌های خدمات درمانی و بعضی دیگر دارای دفترچه‌های بیمه‌های اجتماعی هستند، آیا قصد ندارید که این دفاتر را یکی کنید و با توجه به این که مدت خدمت بازنشستگی کارمندان ۳۰ سال و کارگران ۳۵ سال است و مرخصی کارمندان ۳۰ روز در سال و کارگران دوازده روز است، نظر شما چیست؟

آقای توکلی در پاسخ اظهار داشت: طبق قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی موظف است که به تأمین بیمه‌های اجتماعی بپردازد. از قبل سازمانی برای این کار وجود داشت به نام سازمان بیمه‌های اجتماعی و این سازمان مشکلات و نارسایی‌های زیادی دارد؛ مثلاً بعضی از کارگران که قبلاً دفترچه‌های خدمات درمانی داشتند و یا کسانی که دارای دفاتر بیمه‌های اجتماعی بودند، اجازه داشتند که با این دفترچه‌ها نزد هر پزشکی بروند، ولی این کار به علت این که دوگانگی وجود دارد، متوقف شده است که ان شاء الله امیدواریم برنامه‌های کوتاه‌مدت برای بعضی از نارسایی‌ها و برنامه‌های درازمدت برای رفع اساسی نارسایی‌ها داشته باشیم، اما در مورد بازنشستگی و مرخصی و اصولاً اختلافات ظاهری که بین قوانین کارمندان و کارگران هست، این حقیقت را من باید اعلام کنم که ما در بخش کارمندی، دچار تورم هستیم؛ یعنی کارمند بیش از کاری است که باید در ادارات ارائه شود ولی در بخش صنعت همیشه می‌گوییم که ما به تولید بیشتر نیازمند هستیم اگر با این مسأله درست برخورد شود من به عنوان وزیر کار ضمن این که بدریاف کارگران خیلی اهمیت می‌دهم ولی از آن جا که کارگران ما یکی از بهترین اقشار جامعه از جهت میل به حفظ و استقلال کشور هستند، خود با تغییر ساعت کار ۴۸ ساعت کارگران به ۴۴ ساعت، حتماً موافقت نمی‌کردم، چرا که این عمل ۲۶ روز از مجموع روزهای کاری سال کاهش می‌دهد و اگر این ۲۶ روز را با تعطیلات رسمی و مرخصی دوازده روز و جمعه‌ها جمع بزنید، حدود یک صد و بیست روز از روزهای سال، کار از بین می‌رود و تنها ماشین‌آلات ما که برای تهیه و نگهداری آن به شدت به خارج وابسته بوده و هستیم، یک سوم از سال با این شرایط استراحت خواهند کرد.

در نظر من، قانون کار در هفته ۴۴ ساعت برای کارمند و کارگر یک عمل عجولانه بوده،

زیرا که کارمند، چهل و چهار ساعت کار ندارد که در اداره انجام ندهد، اما کارگر کار دارد که بکند و اضافه کاری خودش را هم باید بگیرد. البته برای این که توزیع در ادارات از بین برود، برنامه‌هایی در دست تهیه هست که مسلماً این وضع را به همت مردم تغییر می‌دهیم.

آقای توکل‌ی ضمناً افزود: من این گونه مقایسه‌ها را درست نمی‌دانم. این مقایسه‌ها یک مقدار در اثر عدم دقت از نیاز و احتیاجی است که الان جامعه به‌بازوایان پرتوان کارگر دارد، اما در مورد بازنشستگی کارمندان چیزی که به کارگران می‌توانم بگویم این است که پایه‌ی حقوقی که کارگران و کارمندان بعد از بازنشستگی می‌گیرند با هم متفاوت است و اگر قرار باشد که سن بازنشستگی کارمند و کارگر مساوی بشود، باید پایه حقوقی‌شان هم یکسان شود که به ضرر کارگران تمام می‌شود.

لطفاً بفرمایید پس از متوقف شدن تشکیل شوراهای توسط وزارت کار، تاکنون چه اقداماتی در مورد تشکیل شوراهای اسلامی در آینده و قانون مربوط به آن در مجلس انجام گرفته است و نظر شما نسبت به شوراهایی که بدون مشورت وزارت کار تشکیل می‌شود، چیست؟
 آقای توکل‌ی در پاسخ اظهار داشت: بعد از مهلت قانونی پایان یافتن شوراهای ما اعلام کردیم، دو کار در این جهت انجام گرفت که یکی در جهت تدوین لایحه‌ای برای تقدیم به دولت و از آن جا به مجلس شورای اسلامی صورت گرفت که این کار در شرف اتمام است و از نظرات برادران کارگرم‌ان در شوراهای اسلامی استفاده کردیم و از تجربیات بخش‌های مختلف وزارت کار استفاده شده است و با حضرت آیت‌الله منتظری و بقیه علمای محترم اسلام مشورتی در این زمینه شده است که ان شاء الله تاییدش به زودی اعلام می‌شود.

اما در مورد شوراهایی که بدون نظر وزارت کار در کارخانه‌ها تشکیل شده است، طبیعاً این‌ها از مزایای قانونی برخوردار نیستند، اما تا زمانی که هر فرد مصلحان در جهت هماهنگی و رشد تولید در هر واحدی کار نکند همه آن‌ها را دوستشان خواهند داشت و ما هم دوستشان می‌داریم و حمایت معنوی را از آن‌ها می‌کنیم ولی چون از روشن قانونی برای تشکیل شوراهایشان استفاده نشده است، در نتیجه از مزایای قانونی نمی‌توانند استفاده بکنند. درباره‌ی فرود اضطراری هواپیمای انگلیسی و وضعیت آن سؤال شد، وی در پاسخ گفت: هواپیمای یک‌هفته‌ای انگلیسی که از دوی به سوی کراچی می‌رفته است، بدون سرنشین

به دلیل نقص فنی مجبور می‌شود که در جاسک فرود بیاید و فعلاً خلبانش این‌جا هست و تحقیق در این زمینه ادامه دارد تا اقدامات بعدی از طریق وزارت امور خارجه انجام شود.

سؤال شد: با آزاد کردن هواداران گروهک‌ها آیا احتمال تجدید فعالیت آنان می‌رود یا نه؟ سخنگوی دولت با استناد به دیاگرامی که به‌خبرنگاران نشان داد، گفت: در بیرون، دیگر چیزی از گروهک‌ها نمانده است که با آزاد کردن هواداران آنان از زندان بتوانند اشکالی فراهم کنند؛ یعنی این‌که از دی‌ماه به‌بعد، ترور و حرکات نظامی کم شده، پرتاب مواد منفجره کم شده، انفجار بمب کم شده، سرقت اتومبیل یکباره زیاد شده و مجموع حوادث هم کم شده است. زیاد شدن سرقت اتومبیل به‌خاطر پیدا نشدن خانه‌ی امن برای آن‌هاست و مجبورند ماشین مردم را به‌زور اسلحه بگیرند و با آن به‌این طرف و آن طرف بروند و در آن‌جا شاید تأمینی پیدا کنند که حزب‌الله این توان را نیز از آن‌ها خواهد گرفت و این‌ها توان این‌که دوباره بتوانند کمر راست کنند را ندارند. روی این مسأله بارها اعتراف کرده‌اند و خودشان با هم این‌قدر اختلاف دارند که نمودار صحت ادعای خداوند در این زمینه است «تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقَلُوبُهُمْ شَتَّى» ظاهرشان جمع به حساب می‌آیند ولی قلب‌هایشان از هم دور است. خوب است به یکی دو مدرکی که در خانه‌ی موسی خیابانی به‌دست ما افتاده است اشاره کنم. نامه‌ای هست از ابریشم‌چی خطاب به موسی خیابانی که یکی از محافظین مرا دستگیر کردند و چند روز بعد آزاد کردند و چون من احتمال می‌دادم این کار ممکن است مسأله‌دار شده باشد و ممکن است خیانت بکند، رهایش کردم برود پس کارش. موسی خیابانی در جواب او می‌نویسد: شما اشتباه کردید. باید در برخورد اول خیلی گرم با او تماس می‌گرفتید و وقتی مطمئن شدید، آن وقت سر به‌نیستش می‌کردید. این نشان‌دهنده‌ی اوج رذالت این افراد هست که ما بارها تأکید کرده‌ایم.

نامه‌ی دیگری از کمیته‌ی مرکزی هست به کادر رهبری که در اوایل زمستان نوشته شده که ما قبل از سی‌تیر، بیست و پنج‌هزار عضو دانشجویی و دانش‌آموزی داشتیم و بعد از این حوادث، به‌پانصد رسیده است و حالا هیچ پرایمان نمانده است. این‌ها شکست مفضحانه‌ی عوامل آمریکا و قدرت‌های خارجی را در کشور ما می‌رساند و عبرتی است برای دیگر مزدوران که ملت برای کسانی که بخواهند به‌خارجی کمک کنند چه معامله‌ای می‌کند، حالا آیا

اظهارات سخنگوی دولت درباره‌ی ... ۲۴۹

عبرت می‌گیرند، معلوم نیست روی این حساب است که مقامات قضایی اقدامات لازم در این مورد را به‌عمل خواهند آورد و طبعاً دقت کافی در این زمینه اعمال می‌شود.^(۱)

به بزرگداشت مقام و منزلت امامزاده علی (ع) در روز ولادت آن بزرگوار در شهرهای شمال شناسایی و دستگیر شد. متنی را جهت قرائت در جلسه‌ی علنی مجلس در زندان تهیه کرده که در آن به خاطر اعمال خود از امام و امت و نمایندگان پوزش خواسته است.

متن کامل پوزش‌نامه‌ی احمد غضنفرپور از مردم: بنی‌صدر، دستور ترور شخصیت‌ها را داده بود

احمد غضنفرپور نماینده‌ی لنجان در مجلس و یکی از همراهان و یاران نزدیک رئیس‌جمهور معزول (بنی‌صدر) که چند هفته پیش در یکی از شهرهای شمال شناسایی و دستگیر شد، متنی را جهت قرائت در جلسه‌ی علنی مجلس در زندان تهیه کرده که در آن به خاطر اعمال خود از امام و امت و نمایندگان پوزش خواسته است.

روابط عمومی مجلس شورای اسلامی با ارسال این متن به‌روزنامه، جهت انعکاس موضع جدید غضنفرپور، پس از مدتی که از بازداشت وی می‌گذرد، متذکر شده است که وی به‌علت غیبت‌های مکرر غیرمجاز از سمت نمایندگی مستعفی شناخته شده و قانوناً نمی‌تواند از تریبون مجلس استفاده کند.

متن نامه‌ی غضنفرپور که حاوی تحلیل او از موضع‌گیری و برنامه‌های بنی‌صدر و مناقین است، به شرح زیر از نظر شما می‌گذرد.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

خواهران و برادران! نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی! حضور امروز من در این مکان مقدس به خاطر بیان جریاناتی است که اگر حضور هوشیارانه‌ی مردم و رهبری به‌جا و قاطعانه‌ی امام نبود، انقلاب اسلامی ایران از مسیر اصلی منحرف و به‌سوی قدرت‌های جهانی و بدون شک امریکا سوق داده می‌شد و من به‌عنوان یکی از افرادی که در آن جریان قرار داشتم، از ملت مسلمان ایران، امام عزیز و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی پوزش می‌طلبم که امیدوارم خداوند متعال توبه‌ی مرا بپذیرد و در مقابل همه‌ی شما از دادگاه انقلاب اسلامی تقاضا دارم، اگر جرم من اعدام است، در اجرای آن درنگ نکند که خود را تسلیم عدل الهی نموده‌ام. ان‌شاءالله...

امروز حضور من تجزیه و تحلیل همه انحرافات نیست، بلکه کوشش می‌کنم آن خط اصلی را که منجر به جریانات اخیر گردید - گرچه برای همگان روشن است - به‌طور مختصر به‌منظور سبک‌کردن بار گناهان خود شرح دهم:

همان‌طوری که امام فرمودند: دیکتاتوری و انحراف یک مرتبه تحقق نمی‌پذیرد، بلکه از نقطه‌ای آغاز شده، مرحله به‌مرحله بر ابعادش افزوده می‌گردد. از زمانی که انقلاب اسلامی ایران به‌پیروزی رسید، دشمنان خارجی و عوامل داخلی با هوشیاری به‌بررسی اوضاع و احوال و نقاط ضعف‌های موجود پرداختند. از زمان شروع مجلس خبرگان و بحث‌هایی که بر محور ولایت فقیه دور می‌زد، شخصیت‌های موافق و مخالف را به‌دقت مورد شناسایی قرار داده و بنا استفاده بردن از وسایل و افراد گوناگون داخلی و خارجی به‌آماده نمودن زمینه‌های مساعد جهت حمله و پیاده کردن اهداف کوتاه‌مدت و درازمدت مشغول شدند.

تا آن‌زمان گرچه نظریات درباره‌ی ولایت فقیه مختلف بود ولیکن به‌عنوان نظریه در یک محیط تفاهم مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌گرفت و مطرح می‌شد و به‌اصطلاح اختلافات جنبه‌ی داخلی داشت، ولی همان‌طوری که عرض شد، آن گروه‌ها بی‌کار ننشستند، که اقدامات آن‌ها را می‌توان بدین‌گونه خلاصه کرد:

۱ - نفوذ دادن افراد مؤثر و جمع شدن در اطراف شخصیت‌هایی که یا مخالف ولایت فقیه بودند و یا نظریات کاملاً موافق با اکثریت مجلس نداشتند.

۲ - طرح کردن سؤالات گوناگون در سخنرانی‌ها، نوشته‌ها که جنبه‌ی خط دادن و

عمیق کردن اختلافات داشت.

۳ - پخش و گسترش شایعات گوناگون درباره‌ی شخصیت‌های مؤثر طرفدار ولایت فقیه.

۴ - بدین ترتیب در جامعه، به‌طور نمان و آشکار و البته به‌صورت پراکنده و انسجام‌یافته. دو صف‌بندی با دو جهت مختلف در مقابل هم قرار گرفتند که بعداً شکل دو جریان متضاد در صحنه‌ی سیاسی ظهور کرد: یکی جریان مخالف ولایت فقیه و دیگری موافق. از ابتدا، این دو جریان مرزبندی دقیق و مشخصی به‌خود گرفته بود، ولیکن به‌مرور زمان، این مرزبندی واضح و مسلم گردید. در جریان مخالف، طیف‌های گوناگونی به‌چشم می‌خورد که در رأس آن بنی‌صدر قرار داشت. بنی‌صدر با قرار گرفتن در رأس این جریان، خود و گروه خود را با چندین تناقض مواجه کرد:

۱ - تناقض در مواضع قبلی که کاملاً در جهت امام و خط امام قرار داشت و مواضع بعد از آن. این تغییر موضع سبب شد که بعضی عناصر و گروه‌های موافق او متدرجاً از او جدا شده، به‌جای آن‌ها گروه‌ها و عناصر فوق‌الذکر قرار گیرند و با ارائه دادن اطلاعات و خطوط حساب‌شده، او را به‌سمتی که قرار بوده، سوق دهند.

۲ - تناقض در اصول و پایه‌های فکری و اعتقادی؛ بنی‌صدر همیشه اعتقاد داشت که در ایران بدون یک وحدت گسترده بین روحانیت و روشنفکر، انقلاب اسلامی عملاً غیرممکن است، ولیکن بعد از سیر این جریان‌ات به‌این نتیجه رسیده بود که با حضور روحانیت عمل مثبتی جز شکست عاید او نخواهد شد.

۳ - در کتب و نوشته‌ها و سخنرانی‌های او، همیشه تکیه‌ی او بر پخش قدرت، شوراها، حضور مردم در صحنه‌ی حرکت خودجوش مردم و نهادها بود، اما از بعد از مجلس خیرگان و ریاست جمهوری، درست به‌عکس همه آن حرف‌ها و نوشته‌ها عمل می‌کرد، حمله به‌نهادهای خودجوش و رد کردن شورا، تکیه‌کردن بر قشون به‌طور کلاسیک و نه مردمی و غیره از این قبیل تناقضات بود.

۴ - همیشه اعتقاد داشت بدون یک گروه و هسته‌ی منسجم و هماهنگ که بر محور عقیده، به‌گرد یکدیگر جمع شوند، نمی‌توان در صحنه‌ی سیاسی اهداف انقلابی را تعقیب کرد، اما به‌تدریج کسانی که در دفتر جمع شدند فاقد چنین

ضوابط و اعتقادات بودند.

به عقیده من، منشای این تناقضات در عدم اعتقاد به رهبری امام بود و این مسأله، روز به روز شدت گسترده تری به خود گرفت و هر زمان نیروهای جدید ضد انقلابی راست و چپ بر محور دفتر جمع می شدند و هماهنگی با سایر گروه‌ها و نیروهای سیاسی، بیشتر و افزون تر می گشت.

هماهنگی و اتحاد این نیروها بر پای‌ی چندین مشخصه دور می زد:

۱ - عدم اعتقاد و یا در بعضی گروه‌ها کم توجهی به ولایت فقیه.

۲ - حذف روحانیت از صحنه‌ی سیاست.

۳ - مخالفت با نهادهای خودجوش.

۴ - نزدیک شدن به خط آمریکا؛ گرچه بنی صدر و منافقین در حرف، مخالف و طرفدار استقلال بودند، اما عملاً جریان به آن سمت کشیده می شد.

۵ - حاکمیت این نیروها و جناح‌های رفاه طلب حامی خود.

نیروهای تشکیل دهنده‌ی این جریان علی رغم ناهماهنگی و اختلافات، عبارت بودند از اقلشار و گروه‌های رفاه طلب، سازمان‌های سیاسی نظیر جبهه‌ی ملی، دفتر ریاست جمهوری بنی صدر، سازمان منافقین و گروهی که حالت میانه داشت را نهضت آزادی تشکیل می داد. این جریان برای تحقق بخشیدن به اهداف مزبور در طول انقلاب اسلامی به شیوه‌ها و طرق مختلفی متشبث شد، بدین قرار:

در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، عنوان می شد شاه سلطنت کند و نه حکومت.

زمانی که شاه مخلوع رفت و بختیار نخست وزیر شد، خواستند بختیار را با امام ملاقات دهند. وقتی که هیچ کدام از نقشه‌ها مؤثر قرار نگرفت، طرح انحلال مجلس خبرگان به امام ارائه داده شد. پس از شکست این طرح، مخالفت با نهادها آغاز گشت و بعد از تشکیل مجلس شورای اسلامی، مخالفت با آن شروع شد، و علناً برای حذف روحانیت کارشکنی‌ها به مرحله‌ی حاد رسید: حملات شدید به شخصیت‌های نزدیک به امام، شایعات مختلف درباره‌ی آن‌ها، از آن جمله است. بعد از بسته شدن دانشگاه، حملات به گونه‌ی حساب شده، دامنه‌ی گسترده به خود گرفت و جهات اصلی انقلاب فرهنگی به فراموشی سپرده شد.

انتشار اخبار غلط، شایعات گوناگون، بزرگ کردن عیوب کوچک، ارائه‌ی

اطلاعات و تحلیل‌ها به دفتر ریاست جمهوری و عنوان کردن آن‌ها مانند وجود شکست در زندان‌ها، اعمال بی‌رویه‌ی دادگاه‌ها، نارضایتی اکثریت مردم از نظام جمهوری اسلامی، شکست قریب‌الوقوع رژیم و غیره و از طریق بنی صدر زمینه را برای بی‌تفاوت کردن مردم آماده می‌ساخت. آن‌ها علاوه بر مسأله‌ی مزبور، خود را برای برنامه‌های بعدی آماده می‌کردند که بدین قرار بود:

۱- خارج کردن مردم یعنی گروه‌های مستضعف از صحنه و جایگزین کردن نیروهای رفاه‌طلب که نمونه‌اش را در تظاهرات جبهه‌ی ملی مشاهده نمودیم.

۲- حذف پایگاه مردمی ارگان‌ها، نهادهای خط امام، انحلال مجلس، حمله به دولت شهید رجایی.

۳- ایجاد اختلاف در صفوف مردم و نهادها و تشدید کردن این اختلافات.

۴- جایگزین کردن روحیه‌ی وابستگی و رفاه در مقابل استقلال و مقاومت در مقابل فشارهای اقتصادی.

۵- ایجاد اختلاف در صفوف داخل روحانیت و برانگیختن عده‌ای توسط عده‌ی دیگر.

این اهداف با چنین نقشه‌ها و زمینه‌چینی‌ها هم‌چنان با سیر طبیعی خود حرکت می‌کرد. سازمان منافقین، تظاهرات خیابانی ترتیب می‌داد و سرگرم تدارکات بود، جبهه‌ی ملی به عضوگیری مشغول بود و ترتیب تظاهرات و راه‌پیمایی می‌داد. هرکدام از نیروها در ظاهر و نهان، خود را برای جانشینی حکومت آماده می‌کردند و بنی صدر به‌عنوان رئیس اپوزیسیون، بلندگوی همه‌ی آن‌ها شده بود.

اما با عزل ناگهانی او از فرماندهی کل قوا، و شکست تظاهرات جبهه‌ی ملی، همه آن برنامه‌های معمولی با شکست مواجه گشت. از آن پس، صف‌بندی‌ها به‌طور مشخص و کاملاً متخاصم در مقابل هم صف‌آرایی کردند. من از یکی از دوستانم در زندان شنیدم که بنی صدر توسط نواب صفوی دستور ترور شخصیت‌ها را داده بود. بنابراین، انفجارها آغاز شد، ترورها یکی بعد از دیگری حتی در نماز جمعه‌ها صورت گرفت.

بنی صدر و رجوی توسط هواپیمایی که خلبانش حداقل مشکوک به‌نظر می‌رسید، بدون هیچ‌گونه مانعی از مرز تمام کشورهای سر راه گذشته، در فرودگاه نظامی فرانسه به‌زمین می‌نشینند. چگونه می‌توان این همه جریانات را ساده و

تصادفی تلقی کرد؟

و امروز پس از گذشت زمان، مسائلی حداقل برای این جانب کاملاً روشن و مسلم گشته که بتوانم بین حق و باطل یکی را انتخاب کنم و آن‌ها عبارتند از:

۱- کدامین جریان می‌توانست و می‌تواند کشور را به سوی وابستگی مجدد سوق دهد و به دیکتاتوری و حاکمیت بخشیدن سلطه‌گران بینجامد؟

۲- آیا جریانی که بر محور ولایت فقیه حرکت می‌کند و بر تقوی و اخلاق اسلامی متکی است و اساس حرکتش بر حضور فعال مردم در صحنه، خودجویی نهادهای وحدت واقعی است، می‌تواند به سوی دیکتاتوری و سلب آزادی‌های اسلامی سوق داده شود؟

بنی صدر در آن بیانیه که من در مجلس قرائت کردم، درست مسائل را به عکس آن چه حقیقت داشت، جلوه داده بود. جریانی که کشور را به دیکتاتوری و وابستگی و سلب آزادی‌های واقعی سوق می‌داد، جریان باطلی بود که خودش در رأس آن قرار داشت و خودمحوری او به حدی بود که صادقانه دروغ می‌گفت.

و من امروز شرمندهم که آن باورهای غلط را درست می‌پنداشتم و بار دیگر در حضور همی ملت، امام و نمایندگان محترم از پیشگاه خدای تبارک و تعالی، پوزش می‌طلبم، و با خدای خود عهد می‌کنم تا زنده هستیم از احکام ولایت فقیه که همان احکام الهی است به طور کامل و با تمام وجود پیروی نموده و از خدای بزرگ می‌خواهم در این امر خطیر مرا یاری دهد.

و در خاتمه از همین محل و تریبون به اطلاع بنی صدر و رجوی می‌رسانم: چنانچه هنوز بر این باورید که در حال یا آینده شما نیروی جانشینی خواهید شد، بدانید که یک باور کاملاً اشتباه و خلاف واقعیتی است. پیروزی‌های جنگ، مردمی شدن قشون، انسجام گسترده‌ی اکثریت قریب به اتفاق مردم مسلمان و اتحاد همه ارگان‌ها و نهادهای محاصره و مشکلات اقتصادی را حل خواهد کرد. و مهم‌تر از همه چیز، آنچه شما در تحلیل‌ها به حساب نمی‌آورید و به عقیده‌ی من علت تمام این سردرگمی‌ها و تناقضات و سرانجام اتحاد با ضدانقلابیون و ورشکستگیان رژیم شاهنشاهی، به خاطر آن بود، مسأله‌ی توکل و تقوی توده‌ی عظیم مردم و رهبری آن به خدای متعال می‌باشد.

با توجه به این امور و عقیده، هیچ نیرویی یارای مقاومت ندارد. دستگاه‌ها و

شبکه‌های گسترده تبلیغاتی، بیهوده می‌کوشند از شماها نیروی جانشینی بسازند. تبلیغات آن‌ها در مردم مسلمان ایران نه تنها بی‌اثر است، بلکه اثرات کاملاً معکوس داشته و دارد. مردم ایران از خود سؤال می‌کنند این همه شبکه‌ی رادیویی برای چیست؟ مخارجش از کجا و توسط چه گروه‌هایی تأمین می‌شود؟ هدف آن‌ها از این‌که زمانی به تبلیغ برای بختیار و نزیه می‌پردازند و زمانی برای بنی‌صدر و رجوی به اصطلاح خود، پایگاه مردمی به وجود بیاورند، به چه معنی است؟

تنها تأثیر این تبلیغات می‌تواند مسکنی باشد برای آن دسته‌ی قلیلی از مردم رفاه‌طلب که به خاطر بازگشت رژیم گذشته روزشماری می‌کنند و تازه همان قشر هم شما را برای نیروی جانشینی قبول نخواهند کرد.

برای نجات شما، تنها یک راه باقی مانده که امام بارها به آن اشاره کرده‌اند و آن راه این است که به‌طور واقعی توبه کنید و بیشتر از این خود و دیگران را به تباهی نکشید و تا دیر نشده و مرگ به سراغتان نیامده از بار گناهان خود بکاهید.

شما ادعا می‌کنید که در زندان، جوّ ارباب و وحشت و شکنجه حاکم است. و من که در داخل زندان هستم به جهانیان اعلام می‌کنم، این ادعا خلاف حقیقت است. جوّ زندان به‌صورت یک آموزشگاه درآمده و آینده‌ی درخشان‌تری خواهد داشت.

شما می‌گویید تروریسم، نتیجه‌ی منطقی اعدام هاست. این‌جا هم مسأله را وارونه جلوه می‌دهید. هرچه جوّ ترور کاهش پیدا کرده، بر آزادی‌ها افزوده شده است.

من این مطالب را از باب دلسوزی و از روی کمال صداقت عرض کردم و امیدوارم در دل همه‌ی کسانی که هنوز اندک روشنایی وجود دارد مؤثر واقع شود.
ان‌شاءالله - احمد غضنفرپور^(۱)

آیین جوانمردان از خاطرات زندان احسان نراقی

در این روزها، با تمام خطرات مستقیم و غیرمستقیمی که مرا تهدید می‌کرد، مع‌ذالک، آرامشم را حفظ می‌کردم و به‌طور کلی، همه روزهای زندانی بودنم را با نوعی خوش‌بینی، که شاید بتوان آن را مادرزادی دانست، می‌گذراندم.

نخست این‌که، به‌دلایل ذکر شده، شخصاً تصور این‌را نداشتم که دادگاه حکم اعدامی برایم صادر کند و بعد هم، از سومین روز بازداشت‌م تا زمان آزادی‌ام، یعنی بیست و هشت ماه بعد، در کندی وجودم، هرگز فکر و خیال اعدام مرا ترک نمی‌گفت و چون معتقد به‌سرنوشت بودم، لذا اعدام را هم نه‌ایستی برای زندگی می‌دانستم که مانند هر پایان دیگری، انسان باید با آن روبه‌رو شود.

از نظر من، مرگ چه پیش از زمان مقرر، چه ناگهانی، جزئی از مقتضیات زندگی است و در اغلب موارد این فکر صوفی‌گرانه به‌ذهنم خطور می‌کرد که: «زندگی و دیه‌های است نزد تو و چنان‌چه روزی پس گرفته شود، جایی برای اعتراض ندارد، زیرا در واقع از آن تو نیست». جوانمردان هم ملهم از همین طرز فکر بودند که ایران‌شناس معروف فرانسوی هائری کورین،

آن‌ها را در کتاب خود توصیف کرده است. به‌طور کاملاً اتفاقی، این کتاب را در کتابخانه‌ی اوین یافتیم و نسبت به ترجمه‌اش به‌فارسی، جهت چاپ آن پس از آزادی، اقدام ورزیدیم. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که وضع روحی من چنین بود: زندان را چون واقعه‌ای اجتناب‌ناپذیر می‌دانستم، اما از آن‌جایی که انقلاب و وقایع خوب و بد آن، مرا متعجب نمی‌ساخت، تلخی‌یی را نیز احساس نمی‌کردم.

با خیال راحت، به‌رهبران رژیم سابق می‌توانستم اعتراض کنم و بگویم که زیاده‌روی‌هایشان بر دو اساس متکی بوده است: غرب‌گرایی شدید در همه جهات و ثروتمند شدن بی‌حساب طبقه‌ی بالای جامعه؛ اما به انقلابیون چیز دیگری باید می‌گفتم، زیرا آن‌ها با گرایش‌های مختلف (مارکسیستی، ملی‌گرایی یا اسلامی) با مذهب‌یون همراه شدند تا شاه را سرنگون سازند، ولی با رسیدن به قدرت، درصدد حذفشان برآمدند تا بتوانند آن‌گونه که می‌خواهند حکومت کنند. به‌ایشان می‌گفتم: «شما از نیروی عظیم روحانیون استفاده کردید تا توده‌ها را علیه شاه بشورانید. پس چگونه می‌خواستید بدون وجودشان، انقلاب را اداره نمایید و بر مملکت حکومت کنید؟ آیا شما تصور می‌کردید که روحانیون به مسجدهای خود بازمی‌گردند و قدرت را به دست شما می‌سپارند؟ خوب! مذهب‌یون از شما قوی‌تر بودند و اجازه‌ی این کار را ندادند، نتیجه آن‌که شما هم دیگر حق اعتراض کردن را ندارید.»

البته خود من، هیچ‌گاه راه انقلابیون را نرفته بودم، بلکه برعکس، به‌طور ناموفق همیشه بر آن بودم تا قانون اساسی سال ۱۲۸۵، به‌واقع اجرا شود؛ منتهی این را هم بگویم، از شکست خودم سرخورده نشدم، زیرا دقیقاً می‌دانستم که این شاه و داروستانه‌اش بودند که آن قانون را زیر پا گذاردند و نه روحانیون. من نه تنها، روحانیت را مسؤول وقایع نمی‌دانستم، بلکه به کرات می‌دیدم، رژیم اسلامی همیشه درصدد مقابله با تجزیه‌ی کشور برآمده است، در حالی که چپ‌های افراطی، به دنبال تحریکات منطقه‌ای و جدایی طلبانه می‌گشتند.

در حقیقت، روحانیون با دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور، همانند ملی‌گرایان واقعی عمل کرده‌اند. به همین دلیل مانند برخی از هم‌بندانم به‌بدگویی مداوم از رژیم نمی‌پرداختم و از ایشان می‌خواستم تا موضوع را منصفانه‌تر مدنظر قرار دهند. به آن‌ها می‌گفتم: «اگر امروز ما زندانی هستیم، در وهله‌ی اول تقصیر شاه است و در مرحله‌ی بعد تقصیر شماهایی است که بعد

از انقلاب واقعیت‌ها را درک نکردید.»

در واقع، خود را اسیر یک سیستم نمی‌دیدم، بلکه زندانی موقعیتی پیچیده می‌دانستم که رهبران هم درگیر عواقب آن بودند. در نتیجه اگر تنش‌ها به‌طور مداوم افزوده می‌شدند و ما اولین قربانی‌هایشان محسوب می‌شدیم، علت آن را اقدامات جنون‌آمیز مجاهدین، تلقی می‌کردم. [بنابراین] اگر از شدت آن‌ها کاسته می‌شد و اگر به‌لطف خداوند زنده می‌ماندیم، آن وقت امکان آزادی‌مان هم پدید می‌آمد.

در آن دوران، ملاقات با افراد خانواده برای زندانیان لحظه‌ای حیاتی شناخته می‌شد؛ به‌طور مثال در مورد خودم، تنها ارتباطی که از تیرماه ۱۳۶۰ توانستم با خانواده‌ام برقرار کنم، همان مکالمه‌ی کوتاه تلفنی با همسرم بود که در آبان همان سال داشتم. به‌همین دلیل، هزاران زندانی همانند من، با نگرانی تمام در انتظار تعیین روز ملاقاتی بودند که نوید آن برای بهمن‌ماه سال ۱۳۶۰ داده شده بود. پاسداران به‌ما گفتند: اداره‌ی زندان مشغول ساختن سالن‌های ملاقات یا توجه به‌افزایش تعداد زندانیان است (۱۲۰۰۰ زندانی وجود داشت). بالاخره روز بزرگ ملاقات فرارسید، زندانیان از صبح زود لباس‌هایشان را پوشیدند و در انتظار شنیدن نامشان از بلندگوی زندان، در حیاط قدم می‌زدند. از ساعت ۸ صبح به‌بعد، اولین گروه بیست‌نفره‌ی زندانیان، که افراد خانواده‌شان در سالن ملاقات گرد آمده بودند، خوانده شدند. پس از بستن چشم‌ها، آن‌ها را سوار مینی‌بوس کردند تا به‌ساختمان جدیدی، کنار ورودی اصلی اوین ببرند. قبل از وارد شدن به این محل که به‌وسیله‌ی دیواری شیشه‌ای به‌دو قسمت شده بود، زندانیان اجازه یافتند چشم‌هایشان را باز کنند. ماه‌های اول، زندانیان فقط می‌توانستند ملاقات‌کنندگان را ببینند و امکان صحبت با آن‌ها را نداشتند، اما از اردیبهشت ۱۳۶۰ به‌دلیل نصب گوشی‌های مخصوص، چنین امکانی پدید آمد.

نوبت من هم رسید. همسر، مادر و دو فرزندم برای ملاقات آمده بودند. پسر کوچکم که پنج‌سال داشت، ناگهان به‌سمت من جهید، اما فوراً دریافت دیواری شیشه‌ای بین‌مان حایل است. اگرچه عمیقاً از این‌که نتوانست به‌آغوشم بیاید، ناراحت شده بود، ولی خود را سریعاً بازیافت و از ورای لبخندی سعی کرد با من سخن بگوید. هنگام بازگشت به‌بخشم، از عکس‌العمل پسر و معنای لبخندش، برای همراهانم گفتم؛ آن وقت یکی از ایشان دراین‌باره

شعری سرود و چند ساعت بعد آن را به من داد.

پس از چندماه، از رئیس زندان اجازه گرفتیم که پاسداران، فرزندان کمتر از ۷ سال ما را به نزدمان بیاورند تا در آغوششان بگیریم. آن‌ها این کار را با مهربانی و صمیمیت زیادی انجام دادند. ملاقات‌ها هر سه هفته یکبار صورت می‌گرفت، آن‌هم فقط برای زندانیانی که قادر به مبادله‌ی اطلاعات یا ملاقات‌کننده نبودند، تا با زوجی‌ها مخدوش نگردد. زمان هر ملاقات، حداکثر ده دقیقه بود که مسلماً به‌نظر ما بسیار کوتاه می‌آمد. لذا باید از نهایت کم‌گویی استفاده می‌کردیم. با توجه به این‌که حق نداشتیم کاغذی همراه داشته باشیم، زندانیان، موارد مهم و حساسی را که می‌خواستند بگویند به کمک خودکاری کف دستشان می‌نوشتند، تا فراموش نکنند. من شخصاً، نکات مهم را همان دقایق اول می‌گفتم، تا باقی وقت را به راحتی با زخم صحبت کنم.

نظر به این‌که برای یک زندانی سیاسی، در جریان وقایع سیاسی قرارگرفتن، از طریق ملاقات‌کننده‌اش بسیار مهم است و هر اطلاعاتی می‌تواند تأثیری بر شرایط آن زندانی بگذارد، لذا همسر من نه تنها تحولات اوضاع را به‌دقت پی‌گیری می‌کرد، بلکه به‌خاطر فرهنگ اسلامی خود، درصدد یافتن راحل‌های معما نیز برمی‌آمد. ملاقات‌های او بسیار تسکین‌بخش بود، زیرا تحلیل جو سیاسی ایران، از نظر روان‌شناسی و درست پس از انقلاب برای زندانیان بسیار مهم به‌حساب می‌آمد، ولی درک این مسأله برای نخبگان غرب‌زده‌ای که از فرهنگ اسلامی جدا شده بودند و پس از سال‌ها هنوز در سرگردانی به‌سر می‌بردند، ممکن نبود.

بعضی وقت‌ها، زندانیانی را می‌دیدم که پس از بازگشت از سالن ملاقات و صحبت با زنانیشان، کاملاً آشفته بودند، زیرا همسرانشان نمی‌توانستند تصویر ذهنی خود را جمع به‌محیط را تغییر دهند و لذا، وضعیت شوهرانشان را هم درک نمی‌کردند. علاوه بر این، با توجه به این‌که این ملاقات‌ها از هر دو سو، بدون برنامه‌ریزی دقیقی صورت می‌گرفتند، عملاً تأثیراتی منفی برجای می‌گذاشتند. زندانی به‌دلیل محبوس‌بودنش، هم چون کودکی به‌آهنگ خاصی از زندگی در دنیایی که مختص او بود، عادت می‌کرد و چنان‌چه حرکتی از خارج صورت می‌گرفت، که این روند روزانه را بیش از حد دگرگون می‌ساخت، او را می‌آزرد. افراد زیادی دیده می‌شدند که صبح‌ها با شادی و خوشحالی تمام به‌ملاقات افراد خانواده‌شان می‌رفتند و بعد از ظهرها

گرفته و غمگین در گوشه‌ای می‌نشستند. زیرا در حقیقت، مدت کوتاه ملاقات فقط سرخوردگی و ناراحتی‌شان را افزایش می‌داد.

اما، این‌گونه ناراحتی و افسردگی‌ها برای مبارزین مجاهد یا کمونیست، که سال‌های سال در رژیم قبل زندانی شده بودند، وجود نداشت. آن‌ها و افراد خانواده‌شان قادر بودند نهایت رضایت را از این ملاقات‌ها کسب کنند.

به هر صورت، ملاقات‌ها برای همه، مهم‌ترین واقعه‌ی دوران زندگی در محبس شمرده می‌شد. بعد از ظهر و عصر این روز فرخنده، به‌دقت تمام، اطلاعات گردآوری شده از طریق وابستگانمان را با یکدیگر مبادله می‌کردیم، تا بفهمیم بیرون از آن محیط چه می‌گذرد و ضمناً اجزای چیده‌های روانی - سیاسی رژیم را که برای خیلی‌ها غیرقابل درک بود، کنار هم گذاشته، کمترین اطلاعات افراد را که هر کدام بنابر حساسیت سیاسی‌شان، از این سو و آن سو به‌دست آورده بودند را به‌دقت تمام، کنار یکدیگر قرار می‌دادیم تا بدین ترتیب، وسیله‌ای برای روشنگری آینده‌ی نه چندان دورمان تدارک ببینیم.

نظر به این‌که رفقایم مرا مفسر خوش‌نقوسی می‌دانستند، لذا هر اطلاعی را که می‌شد به‌گونه‌ای مطلوب تفسیرش نمود، در اختیارم می‌گذاشتند؛ یعنی آن‌چه را که می‌توانست نویدبخش آزادی باشد، من هم از صبح روز بعد، فرضیه‌ای می‌ساختم تا هرچه بیشتر این خوش‌بینی را ترویج کنم. نکته‌ی جالب این‌که، حتی دیرباورترین این همراهان، با تمام نفرتی که از رژیم داشتند، مع‌ذالک، تحلیل‌هایم را اغلب موارد می‌پذیرفتند. آن‌ها در کُنهی وجودشان ترجیح می‌دادند تا به‌جای تکرار مداوم این‌که ما همگی اعدام خواهیم شد و یا به‌حبس ابد محکوم می‌گردیم، استدلال‌های مرا بپذیرند که حکایت از آزادی نه چندان دور می‌نمود. این افراد با وجودی که صحبت‌هایشان حاکی از سرخوردگی و بدبینی بود، مع‌ذالک، در نخواستن امیدهایمان را ابراز می‌کردند.

به‌خاطر نمایان ساختن ارزش این ملاقات‌ها برای زندانیان، نکته‌ی دیگری را ذکر می‌کنم. پس از آن‌که اداره‌ی زندان، اجازه‌ی در آغوش گرفتن فرزندان را صادر کرده، بسیاری از پدران تبدیل به سنگ تراش شدند... (در این باره توضیح می‌دهم). آن‌ها روزهای متمادی کنار حوض حیاط می‌نشستند و سنگ خاراکی را صیقل می‌دادند تا به‌صورت یک مدال سنگی درآید و

آن وقت، یک طرف آن نام فرزندشان و طرف دیگر، تصویری از یک گل را حک می‌کردند. گروهی از زندانیان، صبح روز ملاقات، غافلگیرم کردند و مدالی با نام پسر کوچکم، به من هدیه دادند. همین گروه، بعداً زمانی که به آزادی‌ام چیزی نمانده بود، تسبیحی از دانه‌های خرما به من پیشکش کردند، که همیشه آن را به همراه دارم.

اعیاد مذهبی و ملی هم در بهبود جو حاکم بر بند ما بسیار مؤثر بودند. علاوه بر اجرای شایسته‌ی برنامه توسط دوست تاریخ‌دان ما - تکمیل همایون - وجود شعرا، خوانندگان و سایر هنرمندان، و دانشگاهیان در میان ما، روزهای جشن را از چنان تنوعی برخوردار می‌کرد که پاسداران ترجیح می‌دادند، به جای رفتن به سالن بزرگ اوین، در بند ما بمانند. در آن سالن، اداره‌ی زندان، در حضور هزاران زندانی، بزرگداشت‌هایی رسمی‌تر، شامل سخنرانی‌هایی از افراد وابسته به جمهوری اسلامی ترتیب می‌داد.

این سالن، در ابتدای امر، برای ورزش اختصاص یافته بود، ولی از پاییز ۱۳۶۰ (قبل از انتقال به بند ۶) مراسمی در آن اجرا می‌گردید که شایسته توضیح است. بعضی از پنج‌شنبه شب‌ها، یعنی شب تعطیل جمعه، پاسداران به ما اجازه می‌دادند پس از این که تحت‌الحفظ به محل برده شدیم، در آن مراسم شرکت کنیم. بار اول که به آن‌جا رفتم، به شدت تحت تأثیر قرار گرفتم، زیرا لاجوردی، دادستان کل دادگاه [انقلاب] و رئیس پرهیت اوین آن‌جا بود و شخصاً انبوه زندانیان را تک تک، در آن محل جای می‌داد. او این حرکت را با چنان کاردانی و حتی مهمان‌نوازی انجام می‌داد که گویی در لذت‌بخش‌ترین لحظه‌های یک بزرگداشت سنتی و مرسوم در جنوب شهر، به سر می‌برد. حالت محبوب و بزرگوارانه‌اش، زندانیان را متحیر می‌ساخت، به طوری که در این شرایط مشکل می‌شد تصور کرد همین مرد، چند ساعت قبل ترتیب اعدام ۲۰، ۴۰ یا حتی ۸۰ نفر محکوم را داده است.

دین اسلام و مفهوم شهادت در شیعه، برای او نیز هم‌چون سایر رهبران رژیم، سلاجی را مهیا می‌کرد که نمی‌شد با آن مقابله نمود. و به وسیله‌ی آن نه تنها دشمنان خارجی (عراقی‌ها که در جنگ با ایران بودند) را متحیر می‌ساخت، بلکه مخالفان داخلی (مجاهدین و سایر گروهک‌های چپ افراطی) را نیز دچار سرگیجه می‌نمود. رهبران اسلامی، با ارتباط دادن زمان حال به گذشته، در سخنرانی‌هایشان موفق می‌شدند هر مخالفتی را درهم شکنند و مخالفین

جوان را جذب خویش نمایند. آن‌ها برای ایجاد شکاف و دودستگی میان دشمنانشان، از اسلام بهترین استفاده را می‌کردند. اشاره به نمادهای مذهبی که از نسل‌ها پیش در ذهنیت توده‌ها جای گرفته بودند، برای روحانیون بسیار ساده بود؛ چراکه، تفکر مارکسیسم توانسته بود صرفاً به صورت پوسته‌ای نازک با تأثیری کوتاه‌مدت، آن نمادها را پوشانیده و بر آن‌ها سایه افکند. رهبران مسلمان در سخنرانی‌هایشان، اجتماع شیعیان را می‌ستودند و در حالی که با زبانی حاکی از عشق و علاقه با جوانان سخن می‌گفتند، عزت‌نفس و شرف آن‌ها را تحریک می‌کردند.

در آغاز، امام خمینی و پس از او رهبران اسلامی دیگر، در نمازهای جمعه از سرگذشت شهیدان شیعه، بهره‌برداری می‌نمودند، به طوری که حتی پروپاقرص‌ترین مخالفین هم، به صورت طرفداران بی‌چون و چرای جمهوری اسلامی درمی‌آمدند.^(۱)

^(۱) «تاریخ معاصر ایران»، ج ۱، فصل ۱۰، «انقلاب اسلامی»، ص ۱۰۰.

^(۲) «تاریخ معاصر ایران»، ج ۱، فصل ۱۰، «انقلاب اسلامی»، ص ۱۰۰.

در این مقاله، ما به بررسی این موضوع می‌پردازیم که چگونه این روش‌ها در عمل اجرا شدند و چه تأثیراتی بر جامعه داشتند. ما همچنین به بررسی نقش رهبران مسلمان در این فرآیند می‌پردازیم و به این سؤال می‌پردازیم که آیا این روش‌ها واقعاً موفق بودند یا خیر. ما همچنین به بررسی نقش جوانان در این فرآیند می‌پردازیم و به این سؤال می‌پردازیم که آیا این روش‌ها واقعاً موفق بودند یا خیر. ما همچنین به بررسی نقش جوانان در این فرآیند می‌پردازیم و به این سؤال می‌پردازیم که آیا این روش‌ها واقعاً موفق بودند یا خیر.

گفت‌وگویی سردبیر اطلاعات با آیت‌الله موسوی اردبیلی اطلاعات پرسید، رئیس دیوان عالی کشور پاسخ داد

بند «ج» اصلاحات ارضی

س: چطور شد که شورای انقلاب، بند «ج» را تصویب کرد؟ چرا آن موقع مخالفت نشد؟ و با این‌که شورای انقلاب یک نهاد قانونی و شرعی بوده است، چرا امروز با برخی از مصوباتش مخالفت می‌شود؟ مثلاً با همین بند «ج»؟

ج: بند «ج» را من معتقدم؛ مسأله‌ی بند «ج» و دوسه قانون دیگر هم هست که به نظر من این‌جوری رفتار شده است. گناه سوء‌اجرا را به گردن اصل قانون گذاشتند. گفتند: این سوء‌تدبیر بوده است، ولی به نظر من قانون، قانون بدی نیست، اجرا را بد کردند.

اجرای این‌ها را دادند دست هیأت‌های هفت نفره. هیأت‌های هفت نفره - این جوان‌ها - هم آن‌وقت هنوز خط‌ها برای آن‌ها روشن نشده بود. همه به اصطلاح قاطی پاطی بودند. چپی، راستی، مجاهد، منافق، مسلمان، حزب‌اللهی، غیر حزب‌اللهی، همه درهم بودند و رفتند و واقعاً در بعضی از جاها بد عمل کردند.

بند «ج»، چه ربطی دارد به کسی که یک‌دانه باغ دارد؟ که باغ این بنده خدا را،

درخت‌هایش را ببرند و بدهند به این و آن؟ باغی که تعیش و زندگی یک فرد و یک خانواده بستگی به آن دارد، درخت‌هایش را ببرند و زمین‌اش را تقسیم کنند و در آن زمین، خانه‌سازی کنند؟ الآن اگر از ما بپرسند که فلان کس درخت‌های خودش را می‌کند و صاحبخانه می‌خواهد درخت‌های خودش را بکند و خانه بسازد ما نمی‌گذاریم. آن شخص حق ندارد. دو هکتار زمین، سه هکتار زمین را برداشتند، تقسیم کردند مابین دو نفر که این فئودال بود! در صورتی که این بابا بدون این باغ، نمی‌تواند زندگی کند، این فئودال نیست. بهر حال بد رفتار کردند، بد اجرا کردند. اجرای این مسأله خیلی ظریف و پیچیده است. اولویت‌ها را ملاحظه نکردند، کجا را زمین بایر می‌گویند. کجا را موات می‌گویند. کجا را بایر بالا صاله می‌گویند. کجا نیروی انسانی زیادتر است. کجا نیروی انسانی کمتر است. ملاحظه نکردند.

هنوز تازه دارد در ایران - دیروز متن یک گزارش را نگاه می‌کردم - آمار درست می‌شود. چند تا مالک بزرگ داریم؟ چند تا مالک متوسط داریم؟ چند خانوار داریم که خودش کار می‌کند و خودش می‌خورد؟ چند خانوار داریم که دیگری کار می‌کند و آن‌ها از حاصل کار او می‌خورند؟ و بسیار مسائل و موضوعات دیگر که باید واقعاً آمارگیری کرد. دقیقاً حساب کرد. بدون شناخت و بدون آمار و بدون بررسی و تفکیک این همه مسائل و اشکال متنوع و مختلف که در امر کشاورزی و بهره‌برداری از زمین در مناطق روستایی و شرایط اقلیمی مملکت وجود دارد، همین طوری و با عجله کار کردن آسیب‌پذیری کارها و برنامه‌ها و طرح‌ها را زیادتر می‌کند. قانون خوب را بد اجرا کردن و عجله به خرج دادن و ضرورت‌ها و واقعیت‌ها و اولویت‌ها را در نظر نگرفتن و بی‌رویه به‌جان زمین‌های کشاورزی افتادن، نتیجه‌اش این است. توقف بند «ج» مقدار زیادی معلول این بود. فکر می‌کنم ۸۰ درصد، ۷۵ درصد معلول این بود. البته ممکن است خود قانون را هم در عمل که پیاده کردند، ۱۰ درصد تا ۱۵ درصد معلوم شده خود قانون هم احتیاج به تکمیل داشته است. روی این مسأله الآن بررسی می‌شود.

س: البته در مورد این که اشاره کردید بند «ج»، شبیه به چند قانون دیگر است، باید گفت که آن قانون‌های دیگر به این صورت هنوز اجرا نشده است تا بگوییم توقف یا عدم تصویب آن‌ها هم به دلیل سوء اجرا بوده است؛ مثل اراضی شهری و آن چیزها که مسأله‌ی سوء اجرا در مورد

آن‌ها مطرح نیست و هنوز در مرحله‌ی قانون بودن مانده است، منتها به یک نسبت در مورد همه‌ی این قوانین شک می‌شود، تردید می‌شود؛ یعنی همان قدر که بند «ج» درگیر مشکل افتاده، مسأله‌ی زمین‌های شهری و مسائل دیگر نظیر این‌ها یا تجارت خارجی، این‌ها هم همین اندازه با مشکل مواجه شده است. حال آن‌که همان طور که عرض شد این‌ها هنوز به آن صورت اجرا هم نشده است.

ج: مسأله‌ی تجارت خارجی که خیلی فرق می‌کند. آن در دست تنظیم و اجرا است، از آن وقتی که تصویب شده، قانونش که عمل بشود، در دست ارگان معین و خاصی است و این‌ها دارند کار می‌کنند.

اصلاحات ارضی غیر از این است. در سطح مملکت، در هر کجا که بخواهند شش نفری، هفت نفری درست می‌کنند و رسیدگی می‌کنند، اجرا می‌کنند، این است. من همان اول هم گفتم که استانی‌اش کنند. وقتی که می‌خواستند قانون اصلاحات ارضی را پیاده کنند، پیشنهاد دادم که در یک استانی پیاده کنند، آزمایش کنند. ببینید نیرویش را دارید یا نه؟ نتیجه‌ی خوبی می‌دهد یا نه؟ بعد نواقصش را تکمیل کنیم و برویم سراغ دیگری.

س: اصلاحات ارضی؟

ج: همین بند «ج» و بند «الف» و «د» و «ب»، همین‌ها را. من طرفدار استانی شدن آن بودم که نشد.

س: با اصل قانون و بند «ج» که موافقید؟

ج: نظرم را عرض کردم. قانونش خوب بود. من در مورد اصل زمین نظراتی دارم که جداگانه تنظیم شده است.

س: در کجا؟

ج: در کتابی تحت عنوان «احکام زمین».

پرونده‌ی ۱۴ اسفند

س: سؤال دیگر ما مربوط به پرونده‌ی معروف ۱۴ اسفند است. این پرونده، هم به نوع دیگری بند «ج» دیگر انقلاب است که متوقف ماند و به اصطلاح «جیم» شد؛ و هم این‌که،

به همان اندازه شاید مشهور است. گرچه اصل قضیه به هر حال منتفی شد و صد با نودش رفت. ولی در عین حال، ما به چند دلیل تقاضایمان این است که در این زمینه هم مطالبی بفرمایید. یکی به دلیل لزوم آگاهی عموم بر این مسأله و حس کنجکاوی که وجود دارد. دیگر به منظور آگاهی از میزان زحماتی که واقعاً آن موقع دستگاه قضایی در این زمینه متحمل شد و بعضی‌ها این طور فکر نکنند که نکته‌ای بود و دستگاه قضایی بدان نپرداخت و رفت پی کارش. مهم‌تر از همه این‌ها، از نظر ثبت در تاریخ است. بفرمایید که خلاصه‌ای از نتیجه‌ی کار ۱۴ اسفند چه بود؟ در آن روزها، شما در یک مصاحبه‌ی تلویزیونی اشاره کردید که اگر سند معتبر و مهمی ارائه کنند و ما ببینیم یک مقامی یا یک کسی قبل از شروع بلوا می‌گوید که این طور بشود یا بعد از ختم ماجرا، می‌گویید که خوب شد این طور شد، شما (مخالفین) چه می‌گویید. ما آن روزها از فحوی کلام شما برداشت می‌کردیم که اسناد معتبری در این مورد هست. واقعاً این مقام یا این فرد چه کسی بوده است؟ در این زمینه‌ها مطالبی را بفرمایید.

ج: آن شخص، مسعودی بود (مشاور بنی‌صدر)... عرض کنم خدمت شما، بعد از آن‌که جریان ۱۴ اسفند پیش آمد و من روی جهاتی کشیده شدم به آن مسأله، امام دستور داد، دستور هم در تلویزیون خوانده شد، امام دستور داد به شخص من که شما این قضیه را تعقیب کنید، ما این کار را پی‌گیری کردیم. هر چه پی‌گیری کردیم، بیشتر به مدارک زیاد و هولناک رسیدیم؛ یعنی خیلی زود فهمیدیم که این یک حادثه نیست. البته من این را در پیام‌ها هم گفتم. این یک توطئه است، مقدماتی هم دارد و پی‌آمدهایی، ولی ما خیلی زود فهمیدیم. منتها، این که حادثه چه جور حادثه‌ای است و ریشه‌هایش کجا است، یک مقدار کار داشت. ما، ده دوازده نفر از بازپرس‌های بسیار قوی دادگستری را آوردیم تحت نظر دادستان و آن‌هم تحت نظر شخص خودم، مشغول کار شدند، البته استمداد کردیم از دادگاه انقلاب و کمیته‌ی مرکزی و هر کجایی که می‌شد. کمک کمیته‌ی مرکزی بسیار مؤثر بود؛ یعنی یک مقدار زیادی رهگشای کار بود. دو نفر از اعضای دفتر بنی‌صدر را آن‌ها گرفتند و آن‌ها هم اعترافاتی کردند و این اعترافات مستند بود. این برای کار ما خیلی روشن‌گر بود.

ارتباط ۱۴ اسفند با گروه‌های داخلی و خارجی

همان‌جا، این‌کار، ارتباطش با جبهه ملی، با رنجبری‌ها (گروه رنجبران)، با لیبرال‌های دیگر، با رجوی و روابطش با خارج کشف شد. ما هرچه پیش می‌رفتیم، مسأله از صورت یک جنایت هم بیرون می‌آمد. مسأله یک توطئه سیاسی بود. دارای ابعاد زیاد که به آن صورت درآمد.

با امام کار ما این بود که من رفتم خدمت امام، عرض کردم مسأله به این صورت درآمد است. خود من هر هفته گزارش مفصل کار را به امام تقدیم می‌کردم. و گزارش اجمالی را پیام می‌فرستادم. و این اولین باری بود که ما آمدم با بنی صدر - غیر از پیام اولم که مبهم بود، در پیام دوم قدری روشن تر شد، پیام سوم خیلی جنبه‌ی افشاگری داشت و امثال این‌ها - ما آمدم با بنی صدر رو به رو ایستادیم تا حدودی افرادی را هم شناسایی کردیم. و خیلی کار کردیم؛ یعنی بازپرس‌ها کار کردند. مثلاً از جمله مدارک زنده‌ای که پیدا کردیم، مجاهدین خلقی که شرکت کرده بودند و کتک زده بودند، عکس آن‌ها را به دست آوردیم. اعلام کردیم، روزنامه‌ی اطلاعات هم کمک کرد، روزنامه‌ی کیهان هم کمک کرد و جاهای دیگر هم کمک کردند، اعلام کردیم، افراد آمدند، آن‌ها را شناسایی کردند که این‌ها کی هستند و چی هستند و امثال این‌ها و بالاخره قضیه روشن شد. پرونده‌ای مستدل مستدل.

من به امام عرض کردم که حداقل مجازات این پرونده - راجع به یک گناهش ۱۵ سال زندان است، البته من پیام‌ها را که می‌فرستادم و افشاگری می‌کردم، ایشان (بنی صدر) پشت سرش به من نامه می‌نوشت و این نامه‌ها چند فقره‌اش به خط بنی صدر موجود است. بد و بیراه می‌گفت که... بله! فکر می‌کردی آدم منصفی هستی ولی اکنون چنین و چنان و... خیلی حرف‌های دیگر. بعد من صحبت کردم. من منظورم این بود که این، فرماندهی نیروهای مسلح بود و رئیس‌جمهور هم بود. یک وقت ما می‌خواهیم این را با همین وضع و با همین سمت‌های قانونی بگیریم. (البته ما تا مرحله‌ی جلبش هم پیش رفتیم، منتها جلبش کاری بود به دست خودش)

داستان «والا جلب خواهید شد!»

این برداشت علیه آقای رجایی اعلام جرم کرد. خیال می‌کرد که اگر علیه آقای رجایی اعلام جرم کند، رجایی را می‌آورند دادگستری و متوجه نبود که خود او را هم می‌آورند. بازپرس روی این جهت، برای ایشان احضاریه فرستاد که فردا ساعت فلان در دادگستری حاضر باشید. معمولاً این احضاریه‌ها نوشته‌هایی در زیرش دارد که چایی است. زیر همی این برگهای احضاریه این جمله، چاپ شده‌اش هست که...

والا جلب خواهید شد!

این را برای شخص نمی‌فرستند، نمی‌نویسند. این اصلاً چایی است. فقط بازپرس اسم متهم را بالا می‌نویسد، امضا می‌کند، می‌دهد دست مأمور که ببرد. این جور نوشته شده بود: «آقای ابوالحسن بنی‌صدر، فردا ساعت فلان برای دادن توضیحات درباره‌ی اعلام جرمی که کردید در بازپرسی شعبه‌ی فلان حاضر شوید، والا جلب خواهید شد...» ساعت ۲ بعد از نصف شب بود. آمدند مرا از خواب بیدار کردند و گفتند... (بنی‌صدر خوابش نبرده بود. ناراحت بود) تلفن‌کننده (حالا اسم آن شخص را کار ندارم که چه کسی بود) گفت: بنی‌صدر خیلی ناراحت است. می‌گوید، من فردا می‌روم دادگستری ولی عادی نمی‌روم. اعلام می‌کنم و تمام مردم تهران را می‌ریزم به دادگستری!...

تا این‌جا، مسأله آمد. ولی این مسأله مربوط به آن (۱۴ اسفند) نبود، در کنار آن مسأله بود. این کار یک بازپرسی بود به‌نام ادیب رضوی. پرونده آمده بود، در دست او بود. جهت من می‌گفتم اگر قرار است این (بنی‌صدر) محاکمه شود. مسأله سمت او مطرح است. با این سمت، ممکن است دیوانگیش بگیرد، دو تا دستور بدهد، دو تا فرمان بدهد. اگر فرمان را قبول نکنند، یک نحوه ضعف در ارگان حکومت است. به‌هر حال کسی که رسماً فرمانده است و دستور می‌دهد اگر به‌دستورش گوش ندهند این فتح باب تمرد و هرج و مرج است. اگر گوش بدهند نمی‌شود. این نمی‌شد. من هم امام را در جریان گذاشتم، در تمام مراحل. و گفتم پرونده تکمیل تکمیل است. آن‌چنان تکمیل است که اگر همین حالا در فرانسه بخواهند او را محاکمه کنند می‌توانند. پرونده عکس دارد، فیلم دارد، نوار دارد و چیزهای دیگر، همه چیز دارد. نواری هم در صدا و سیما دارد. خلاصه، این‌ها جمع‌آوری شده است.

دزد قانونی؟!

منتها با حفظ سمت. ما متعیر بودیم چه بکنیم؟ از آن طرف بگویم فرماندهی کل قوا، از آن طرف بگویم رئیس‌جمهور و از آن طرف هم بگویم دزدا این نمی‌شد و این را من خدمت امام عرض کرده بودم و گفته بودم که پرونده تکمیل تکمیل است. بعد مسأله به این صورت درآمد و طبیعی‌ترین راه همین بود. امام که فرمود: ایشان دیگر فرماندهی کل قوا نیستند؛ چرا گفتند؟ به استناد همان گزارشاتمی بود که خدمتشان رفته بود. کارهایی بود که او انجام می‌داد و گزارش‌هایی بود که کارهای او را صورت‌برداری می‌کرد با سند و مدرک و عکس و نوار. تمام نظر امام هم این بود که اگر بشود این اعضای دولت طوری باشند که دنیا نگوید این‌ها چرا انتخاباتشان چنین است. انتخاب می‌کنند و بعد بد از آب درمی‌آید. امام، هیچ راضی نبود که نه تنها درباره‌ی او، درباره‌ی هیچ‌کس که او بد بشود. البته وقتی که بد شد، هیچ‌کاری نمی‌شود کرد. باید عضو فاسد را بُرید و دور انداخت. اما حتی المقدور چنین نشود. بد نشود تا جایی که ممکن است حفظ بشود. حریم‌ها و حیثیت‌ها و انتخابات‌ها حفظ شود. چنین بود تا او آن‌کارها را کرد. وقتی که امام سمت را از ایشان گرفت، بلافاصله مجلس شروع کرد برای رسیدگی به عدم کفایت سیاسی. البته آن‌جا دو تا طرح وجود داشت. یک طرح این بود که دادگاه قضا، او را محاکمه کند و محکوم بشود در دادگاه جنایی. یکی هم این بود که نه، قوزیت مسأله ایجاب می‌کرد که در مجلس مطرح بشود. در مجلس که مطرح شد، سریع ظرف دو سه روز با یکی دو مجلس می‌توانستند به مسأله رسیدگی کنند، اما در دادگاه جنایی طول می‌کشید. دادگاه جنایی در ایران تشریفات خیلی مفصل دارد. به این زودی‌ها رسیدگی نمی‌شود به این زودی‌ها هم تصمیم گرفته نمی‌شود. فکر کردیم از راه دادگاه انقلاب این کار را بکنیم. دیدیم رئیس‌جمهور مملکت است. می‌گویند رئیس‌جمهور را بردند به دادگاهی که چنین و چنان می‌دانید که دادگاه‌های انقلاب را متهم می‌کردند و علیه آن جو سازی زیاد می‌شد. راه درستی پیدا نشد لذا سریع‌ترین راه همین بود که انجام شد. بعد هم اگر می‌ماند پرونده‌اش موجود بود.

س: آن قسمت ارتباط با خارجش (ارتباط ۱۴ اسفند با خارج) که فرمودید، کجا بود؟

ج: ثابت شده، مدارک دارد.

س: از نظر مکانی کجا بود؟ آمریکا مثلاً؟

ج: آن که ما مدرک داریم، ایرانی های مقیم خارج اند.

س: منظور، ضدانقلاب ها و این ها است؟

ج: بلی!

بازرسی در شهرها

س: سؤال دیگر ما مربوط به سؤالی است که اصلی تر شاید باشد. در رابطه با امور قضایی و دادگاه ها و مسائلی از این دست. با این که می دانیم، بسیاری از تبلیغات که علیه دادگاه ها (همان طور که اشاره کردید) می شود، دروغ است. می گویند: بسیاری از کارها را آن ها می کنند ولی بسیاری از این گفته ها در عمل که تحقیق می شود یا دروغ در آمده یا اغراق بوده است ولی یا این وجود همان طور که در پیام مشهور امام خطاب به شورای عالی قضایی هم مشخص بود به طور صریح و آشکار تجاوز از حدود قانونی، بعضاً در نقاط مختلف کشور شاید به خصوص در شهرستان های دور دست تر (این ها که دور تر از مرکز بودند) توسط بعضی از افراد نهادها انجام گرفته، در امور امنیتی و قضایی و این مسائل، می خواستم ببینیم که به خصوص با توجه به این که قانون اساسی، به قوه ی قضایی، اختیار این بازرسی را در همه ارگان ها داده، شورای عالی قضایی در رابطه با این مسائل چه کرده و آیا یک سازمان بازرسی هست که بدون این که در شهرهای کوچک تر، مثلاً ندانسته جانب یک طرف را گرفته باشد و به حرف یک طرف گوش کرده باشد. بدون این که افراد و مسؤولین در آن شهرها متوجهی حضور این بازرسی ها بشوند دقیقاً مطلع شود که در آن شهرهای دور دست چه می گذرد و مطلع شود بر بعضی کارها که ممکن است خدای ناکرده حیثیت حکومت جمهوری اسلامی را خدشه دار کند و بهانه به دست دیگران بدهد؟

ج: عرض کنم اتهاماتی یا تهمت هایی که درباره ی دادگاه های انقلاب و دادرسی انقلاب می گویند از این قبیل نیست که متخاصم باشند و یک طرف جوری بگویند و یک طرف دیگر جوری بگویند و این ها طرفداری نکنند و چه کنند و چه نکنند. این ها را سابقاً درباره ی دادگستری می گفتند. این ها معمولاً می گویند و اتهام می زنند که دادگاه ها و دادرسی ها، این ها با

شک می‌گیرند و با احتمال می‌کشند! و برای گرفتن اعتراف، شکتجه می‌دهند! تهمتی که می‌زنند به این‌ها، این است تهمت‌های دیگر کمتر گفته شده که مثلاً این‌ها در مورد مخاصمات چنین و چنان می‌کنند، چون مخاصمات، بیشتر پیش این‌ها نمی‌آید. این‌ها کارشان در جزئیات است. و طرفشان دادسرا است. همین‌طور که گفتید: یک کلاغ و چهل کلاغ، یک‌کار بسیار طبیعی است. یکی که می‌بیند فلانی انگشتش ناراحت است می‌آید و می‌گوید دستش از کار افتاده است؟ اگر می‌بیند چشمش بیمار است می‌گوید یک چشمش نمی‌دید، اصلاً این‌جور است!

اما انکار نمی‌کنیم که کارهایی در پیاده کردن آن مسائل پیش آمده است که این کارها در رسیدگی‌ها خلاف به حساب می‌آید. دو سه تا مسأله است که این‌ها را باید دقت کرد. یکی این است که الآن مسیر پاکسازی و سالم‌سازی است، یعنی؛ مثلاً در شش‌ماه دوم سال ۶۰، نسبت به شش‌ماه اولش خیلی فرق دارد. شش‌ماه اول نسبت به شش‌ماه دوم ۵۹ فرق دارد. این‌جوری است، مثل سایر نهادها. این یک مسأله است. مسأله‌ی دوم این است که ما هنوز به جای مشخصی که «عمداً» یک‌کار را کرده باشند، نرسیده‌ایم.

ما دادگاهش را تشکیل داده‌ایم و هرخلافی را هم رسیدگی می‌کنند، فردا هم اعضای همان دادگاه با من جلسه دارند که من می‌خواهم نتیجه‌ی کارشان را ببینم که چطور است.

البته ما موارد خلاف که به دلیل محکومیت این‌ها برسد نداریم. دو یا سه جا هم مثل این که تعدی در کار بوده (نظر دادگاه این بوده) و لذا این‌ها را زندانی کرده است. الآن در زندان اوین هستند. هم حاکم شرع‌ها، هم دادستان‌ها، بیشتر البته دادستان‌ها که در دادسراها کار می‌کنند جوآنند و اطلاعات کمتری دارند. آن‌ها گاهی خطاهایشان نسبت به حکام شرع بیشتر است. در مورد حکام شرع کمتر است، اما حکام شرع هم خطایشان رسیدگی می‌شود. با دقت رسیدگی می‌شود. اولین مرحله‌اش انفعال از خدمت است. به خدمتش خاتمه داده می‌شود، به پرونده‌اش رسیدگی می‌شود. اگر جنبه‌ی خطا و اشتباه داشته باشد، خطای قاضی احکامی دارد و به آن عمل می‌شود و اگر تعهدی هم باشد آن هم حکم دارد. ولی این را عرض کنم چیزهایی که می‌گویند نسبت به واقعیاتش، تا آن‌جا که ما تحقیق کرده‌ایم خیلی فرق دارد.

بازدید از زندان

از جمله، در هفته‌ی گذشته، آمدند، اخباری به ما داده‌اند. از اوین، گفتم من اوین رفتم چنین چیزهایی ندیدم. گفتند: شما کجا رفتید. فلان جا را که ما می‌گوییم بروید. بهداری را بروید. ببینید. گفتم چشم می‌روم. روز شنبه بدون اطلاع، بلند شدم و سرزده رفتم. بعد که رفتم آن جا، از برادرهای دیگر خواهش کردم با من باشند. از آقای گیلانی، آقای موسوی تبریزی، آقای ری شهری، آن‌ها هم با من بودند، با هم رفتیم، بهداری آن جا و با دانه دانه افراد مصاحبه کردیم. با همدی آن‌ها که در آن جا بودند. دیدم آن چیزهایی که به ما گفتند آن‌جا نبود. گفتند بروید بهداری، بهداری هم رفتیم.

عرض کنم خدمت شما، گزارش‌هایی که می‌دهند، از این قبیل است. یا دروغ عمدی است، یا اشتباهی است یا اغراق است. ما نمی‌خواهیم این‌جا، حتی را از کسی بگیریم. من نمی‌خواهم بگویم تخلفاتی در دادگاه‌ها نیست، مگر می‌شود در ارگانی که خودروست، تازه تأسیس است، افرادی تجربه‌ی کافی ندارند، شرح وظایفش خیلی دقیق و درست و خط‌کشی شده نیست و امثال این‌ها خطا و تخلفات نباشد؟ قضیه دو طرف بیشتر ندارد. یا باید آن دادگاه‌ها نباشد، جمع بشود، همه جهاتش درست شود. بعد در درازمدت دادگاه داشته باشیم. اصلاً ما در درازمدت هم دادگاه انقلاب نمی‌خواهیم. یا یک وقت این است که کاری را شروع کنیم، بعد در عمل، اشکالاتش را برطرف کنیم. البته تلاش می‌شود اشکالات به صورت حادی نیاید.

تقسیمات و تغییرات جدید در کار قضا

مثلاً برای قضات شرع، تقسیم‌بندی شده. به‌مرور زمان به قضات شرع درجه یک، درجه دو، و درجه سه. رسیدگی این‌ها حدودی دارد. درجه سه‌ها در مورد چیزهای خیلی کم حق رسیدگی دارند، بیش از دو سال زندان حق ندارند نظر بدهند.

حیس و جریمه‌اش محدود است. درجه دوازده یک مقدار بالا است. تا ده سال می‌توانند نظر بدهند، بیشتر نمی‌توانند نظر بدهند. درجه یک‌ها بالاتر هستند. اخیراً هم بالاخره دیدیم که اگر بتوانیم، جرم‌های سنگین را دو مرحله‌ای کنیم، دادگاه می‌رسد. اگر حاکم شرع حتی درجه یکش اگر در محاکمه، در پرونده به نظرش رسید به این‌که مجازاتش کمتر است اشکال

ندارد بدهد. اگر مجازات سنگین‌تری به‌نظرش رسید، مثل اعدام، مصادره‌ی اموال و امثال این‌ها، نظرش را مستقل و مستند روی پرونده بنویسد اما نظر ندهد، رأی ندهد. بفرستد بدیک دادگاه تجدیدنظر. آن‌ها مدارک را ببینند، بررسی کنند، مجدداً یک بررسی دیگر بشود. در این بررسی اگر ابرام شد نظر بدهد و اگر نه، حق ندارد دنبال نظر خود برود ولو آن‌که منجر شود که بدیک محکمه دیگر مراجعه کند: یک راه‌های خوب و احتیاط‌های خوبی پیش‌بینی شده است.

دستگیری‌ها و مصادره‌ها

س: بیشتر مواردی که در میان مردم صحبت می‌شود و حالا یا درست یا غلط مورد اعتراض است، یکی دستگیری‌هاست. گویا در این مورد، یک ارگان مشخصی وجود ندارد. چندین ارگان هستند که می‌توانند کار دستگیری را انجام بدهند و به‌همین دلیل فرض کنید وقتی کسی دستگیر می‌شود ممکن است بستگانش اصلاً ندانند کجاست و این موارد کم و بیش بوده...
مسأله‌ی دیگر این‌که البته شاید یک جوی است که ضدانقلاب ایجاد کرده است. همین مسأله‌ی اقتصادی و مسأله‌ی مصادره اموال است، که گفتیم، شاید جوی باشد برای این‌که از سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و این‌ها جلوگیری کنند. در هر حال این دو مواردی است که بیشتر مطرح می‌شود. حالا اگر توضیحاتی هست بفرمایید.

ج: موضوع اول که به‌طور کلی از بین رفته است. عرض کنم خدمت شما که قبلاً این جور بود. ولی شورای عالی قضایی با دادگاه انقلاب و دادسرای انقلاب و سپاه و کمیته‌ها مذاکره کرد و قرار شد جز دو جا با یک حکم حق دستگیری ندارد. فقط سپاه و کمیته، آن‌هم با حکم دادستان، بدون این حق دستگیری ندارند. هیچ!

ملاقات با زندانی

اما این‌که، مدت‌ها گرفتار می‌شود و معلوم نیست کجا است، اعلام شده است. هم جایش اعلام شده و هم شماره تلفنش اعلام شده است، به‌این‌که هرکسی را گرفتند، کار نداشته باشید کی گرفته و کجا گرفته. هرکسی را گرفتند، ۲۴ ساعت بعد (دادستانی به‌این پاسخگویی موظف

است؛ یعنی اگر عمل نکنند، مسؤول اند. اگر دادستان عمل نکند خود دادستان را می دهند به زندان، تخلف اش جنحه ای است. ۲۴ ساعت بعد مراجعه کنند، می گویند که بچه آن ها کجاست. منتها، تا می گویند بچه ات کجاست، می گوید: او را ببینم! صحبت کنم! و بعد می آید و می گوید هر چه رفتم نشد! عصبانی می شود، ناراحت می شود. هله! سابق این طور نبود. سابق لباس نمی گرفتند، الآن می گیرند. ملاقات نداشتند، الآن ملاقات دارند. روزی سیصد نفر ملاقات دارند. الآن حل شده است.

مصادره ی اموال

راجع به مصادره ی اموال از نظر قضایی می دانید که خیلی روشن است. معنای مصادره ی اموال این است که اگر کسی مالی در دست دارد و مال خودش نیست، گرفته می شود. چطور می شود مال خودش نباشد؟ از یک راه نامشروعی به دست آمده باشد. دزدی کرده است، رشوه گرفته، مال کسی را با تقلب به نام خودش ثبت داده و از این راه است کسب های نامشروع، عشرتخانه داشته از آن راه به دست آمده، مشروب فروشی داشته از آن راه به دست آمده، قاچاقچی مواد مخدر بوده و از آن راه به دست آمده، این اموال را می گیرند. حالا، بعد از گرفتن این اموال، ضرر اقتصادی می خورد یا نمی خورد، این دیگر کاری به این کارها ندارد. سر دولت کلاه گذاشته، قاچاقچی گری کرده و امثال این ها. خوب! این اموال را باید بگیرند. و بدهند به دولت، الآن هم می گیرند و می دهند به دولت.

اموال ناشی از استثمار و وابستگی به دربار

س: در مورد وابستگی به دربار چطور؟

ج: وابستگی به دربار هم دلیلش به این است. نه این که بخواهم بگویم، وابستگی به دربار، خودش یک دلیل مستقل است. آن ها که وابسته به دربار بودند، دربار یک دربار نامشروعی بود. از این راه این ها بند و بست می کردند و بیت المال را می چاییدند.

س: اگر از طریق به اصطلاح خوردن و ندادن حقوق یک سری اجیرها، حالا چه در کشاورزی و چه در صنعت؛ مثل دهقان و کارگر، درآمدهایی داشته و به دست آورده، آیا این هم جزو آن

موارد است؟

ج: بلی! منتها حساب ما با دیگران جداست. دیگران تا می‌بینند، در جیب یک‌دو نفر صد تومان هست، می‌گویند: معلوم می‌شود که این مال ده تا کارگر است!... ما باید بر اساس موازین اسلامی واقعاً ثابت کنیم.

بازرسی و شکایات

س: در رابطه با مسأله‌ی بازرسی شهرها و این‌ها، الآن به چه ترتیب است؟ یعنی در شهرها بازرسی یا شعبش هستند که ناظر باشند به اوضاع و اتفاقات؟

ج: الآن هفت استان با هفت هیأت بازرسی می‌شود. الآن که من با شما صحبت می‌کنم، هفت استان بازرسی دارد.

س: اگر مردم شکایاتی در این موارد داشتند، چه می‌کنند؟

ج: بله! این هم راه می‌افتد. بازرسی آشکار را فعلاً جا بیندازیم. گاهی همین را تحمل نمی‌کنند.

س: حتی طرح آن باعث می‌شود جلوی خیلی از کارها گرفته شود...

ج: بله! آن هم می‌شود.

س: بازرسی مخفی برای مسئولین، به خصوص...

ج: خوب! اگر مخفی باشد که من نمی‌توانم به شما بگویم. آن وقت آشکار می‌شود!

- به قول حضرت علی علیه السلام و ابعث العیون. و بالاخره خود گفتن و اعلام کردنش هم مؤثر

است.

- آن وقت همین گفتنش باعث می‌شود که مخفی نباشد!

رسیدگی سریع به پرونده‌ها

س: الآن رسیدگی به پرونده‌ها در دادگاه‌های انقلاب سریع انجام می‌گیرد؟

ج: بلی! معمولاً سرعت از خصلتش است. خصلت آن است.

- اشکال‌کنندگان البته به همین سرعتش هم اعتراض می‌کنند!

جزو «اکثریتی» ما هستیم (جزو اکثریت بودن چیزی است که سبب می شود فعالیت نظامی هم که کرده، عفو بشود!!!) ولی نمی شود، یک مسلمان متدین شیعه ای انشی عشیری را اگر فعالیت نظامی بکند، می گیرند، اما اگر یک اکثریتی این کار را بکند، نگیرند؟! این نمی شود. به اکثریت نگفتند، هرکاری می خواهی بکنی، بکن. نگران نباش! به «اکثریت» فقط گفتند: به دلیل «اکثریت» بودن شما را نمی گیریم. خیلی روشن است مسأله.

- البته! این هم هست. دستگیر شده هایی هم هستند که چنین برخوردی دارند.

- الان داریم با اسلحه گرفتند. مسلحانه. در سر قرار گرفته اند. می گوید: من اکثریتی هستم. اگر اکثریتی هستی، در سر قرار چه می کردی؟ چرا با سلاح؟ چرا با نارنجک؟ چرا با اسلحه ای کمری؟

س: شورای عالی قضایی، قبلاً یک سری دستورالعمل هایی داده بود، به دادگاه های انقلاب. مواردی بود که می شود از هوادارهای گروه های مخالف را اعدام کرد. یکی از این موارد، هوادار فعال بود. الان هم، این مورد به قوت خود باقی است؟
ج: اگر توبه بکنند و اطمینان داشته باشند که اگر بیاید بیرون، دیگر فعالیت مضره نخواهد داشت، نه.

توبه بعد از دستگیری

س: یعنی، حتی بعد از دستگیری؟

ج: حتی بعد از دستگیری؛ یعنی اسمش می آید جزو عفو ها.

س: این برای ما یک نکته ای تازه ای بود. فکر می کردیم هنوز مثل سابق است؛ یعنی طبق بخشنامه های قبلی.

ج: نه، نه! من یک مصاحبه ای رادیو تلویزیونی داشتیم، در آن جا هم توضیح دادم این مسأله را که ما، در مبارزه با آنها (گروه های ضد انقلاب) دو مرحله داشتیم. این مرحله دوم است. مرحله ای قبل، مرحله ای بود که به عنوان یک توطئه ای براندازی بود؛ جنگ بود. دستور داده بودند به آنها (به هواداران شان) که بزنید، بکشید. و امثال این ها. یک برنامه ای براندازی بود. اما با قاطعیت و حسن برخورد دادگاه ها، طوری شد که این مرحله گذشت و آنها صدمه

دیدند. اکنون دیگر از آن حالت افتاده‌اند.

کارهای آن‌ها به‌عنوان یک توطئه‌ی پرنده‌ازی در این مرحله دیگر نیست. اما یک محیط ناسالم و آلوده هنوز به‌وجود می‌آورند. الآن در این مرحله هستیم. یک سری کارهای تشکیلاتی هم الآن دارند می‌کنند، ولی در آن سطح به آن صورت دیگر نیست. س: کسانی که صرفاً در کارهای سیاسی کار کرده‌اند، کار نظامی نکرده‌اند؛ این‌ها وضعشان چطور است؟

ج: این سازمان یک ماهیت دارد... یکی سیاسی، یکی تبلیغاتی، یکی ایدئولوژی، یکی شاخه‌ی نظامی. همه این‌ها در رابطه با هم بوده‌اند.

س: الآن به‌استناد به این‌که یک کسی یک‌سال پیش یا دو سال پیش، در دانشگاهی یا یک جایی با این سازمان ارتباط سیاسی داشته، پوسته‌های آن‌ها را به‌دیوار می‌زد و یا در انتخابات آن‌ها فعالیت داشت، ولی بعداً برگشته و در محیطش هم خیلی‌ها شاهدند که برگشته است، می‌توانند این را جلبش کنند؟

ج: نه! ثابت بشود، جلبش نمی‌کنند. اخیراً شورای عالی قضایی به‌خشنامه کرده است، ولی هنوز به‌دست دادگاه‌ها نرسیده. شورای عالی قضایی به‌خشنامه کرده است که این‌گونه افراد را جلب نکنند، اما باید ثابت بشود.

سه مرحله

س: تا ثابت نشده، چطور؟

ج: سه مرحله‌ای کرده‌اند آن‌را. مرحله‌ی اول قبل از اعلام امام است. مرحله‌ی دوم، مرحله‌ی بعد از اعلام امام و قبل از ۲۸ خرداد.

س: منظورتان از اعلام امام، کدام است؟

ج: اعلامی که اخیراً کردند که این‌ها گروه‌های فاسدی هستند و همچو هستند و فلان...

س: یعنی در سال جاری؟

ج: هلی! مرحله‌ی سوم بعد از خرداد به این سوی است که نه تنها امام اعلام کرده بود، بلکه دیگر اصلاً این‌ها اعلام مبارزه‌ی مسلحانه کردند. این سه مرحله بود در به‌خشنامه‌ی

شورای عالی قضایی. مرحله‌ی اول را به‌طور کلی گفتند که قبل از اعلام امام، هرچه کرده است، غیر از این که آدم کشته باشد، هرکاری کرده قبل از اعلام امام، در صورتی که بعد از آن دست از کار کشیده و رفته باشد دنبال کار خودش، این شخص را اگر نگرفته‌اید، نگیرید و اگر گرفته‌اید، رها کنید.

مبارزه با منکرات

س: چون صحبت از بعضی خلاف‌های قانونی و غیرذالک شد، قبلاً در رابطه با دادگاه مبارزه با منکرات که تغییراتی هم یافت، مواردی برخورد می‌شد. این برای خود ما هم سؤال بود. هم جنبه‌ی قانونی داشت و هم جنبه‌ی شرعی و قضایی؛ مثلاً یک موردی بود از کسانی که خود او کاملاً مورد اعتماد است. می‌گفت که چند ماه پیش دوپار یا سه‌بار در خیابان به‌طور خیلی معمولی و عادی که خلوت هم نبوده و مردم می‌رفتند و می‌آمدند، با خواهرش می‌رفته است و او هم محجبه بوده، البته خیلی محترمانه کسانی از دایره‌ی مبارزه با منکرات به‌او می‌گویند شما بیاید، سؤالاتی داریم. آیا صرفاً به‌دلیل این که دو نفر زن و مرد در کنار هم دارند می‌روند، شرعاً می‌شود آن‌ها را جلب کرد؟

ج: نه، نمی‌شود. البته افراد هم نباید در جامعه‌ی اسلامی با رفتار و وضع زننده‌ای حرکت کنند.

س: اساساً می‌خواهیم به‌عنوان یک سؤال شرعی و قانونی بپرسیم که حتی اگر زنی بدون روسری بود، حجاب نداشت، ما به‌عنوان یک مسلمان در کوچه و بازار (ادارات و مراکز دولتی را کاری نداریم. آن‌جا مراکزی است که همه به‌عنوان مراکز دولتی و دولت اسلامی تعلق می‌کنند. کارمندان دولت فی‌الواقع بازوها و مجریان یک دولت و نقطه‌ی حاکمیت اسلامی محسوب می‌شوند، آن‌جا باید حجاب اسلامی رعایت شود)، اما در کوچه و بازار، مادر برخورد با این موارد آیا می‌توانیم برخوردهای خشونت‌آمیز داشته باشیم؟

اخیراً گاهی روی دیوارها مثلاً نوشته می‌شود: «خانم یا خواهر، حجاب داشته باش، والا...» زیر آن نوشته می‌شود: قصاص یا گروه تقاص. یا از قرار مسموع در کوه هم تراکت‌هایی تهدیدآمیز به‌همین مضمون پخش شده است.

ما خودمان فکر می‌کنیم که ممکن است ضدانقلاب این‌کارها را بکند تا جو آلوده شود و به پای مسلمانان گذاشته شود. در این‌گونه موارد نظر شما به‌عنوان یک مقام قضایی و صاحب‌نظر مذهبی و فقهی چیست؟

ج: بله! گاهی این قبیل کارها می‌شود که متأسفانه موجب بی‌انضباطی و تضعیف دستگاه است. واقع قضیه این است که گاهی ما هم فکر می‌کنیم این‌کارها کار ساده‌ای نباشد، چون ما نه آن نویسنده‌ها را می‌شناسیم و نه انگیزه‌ی آن‌ها را که... کی هست و به هر دو طرف ما قابل توضیح است. یا کسی است که غیرت مذهبی به‌جوش آمده و این‌کار را کرده. این یک توضیح است. یک توضیح دیگر هم این است که می‌خواهند نگذارند تا حکومت اسلامی خودش دست به‌کار شود و هرکسی، هر روزی، هر مسأله‌ای دلش خواست انجام دهد. این نمی‌شود. می‌خواستم در یکی از مصاحبه‌ها این مسأله را بگویم، بعد دیدم که آقای رئیس‌جمهور این مسأله را ذکر کردند، کافی دانستم.

مسائل اجتماعی و مسؤولین

مسائل اجتماعی را، مسائل مذهبی را که جنبه‌ی اجتماعی دارند، باید به‌عهده‌ی مسؤولین قانونی گذاشت. یک وقت دولت ما، دولت غیراسلامی است. اعتمادی به‌او نداریم و خودمان دست به‌کار می‌شویم، این مسأله‌ای است. اما وقتی دولت و نظام، اسلامی است، همه‌ی افراد مملکت در عین این‌که متعهد و مسؤولند، قانون‌شناس و اهل نظم و قانون هم هستند. این درست نیست که کارهای اجتماعی را فردا در هر کوچه و بازاری درگیری ایجاد کنند. ده تا مسأله از این بیرون آید، به‌نام این‌که مثلاً در تاکسی یا در فلان‌جا، امر به‌معروف می‌کردیم. این موجب هرج و مرج می‌شود. این را بگذارند به‌عهده‌ی مسؤولان. حتی دیوان‌نویسی را هم من کار صلاحی نمی‌بینم. این را نمی‌شود به‌عنوان و به‌حساب امر به‌معروف و نهی از منکر گذاشت. اگر دستوری از یک‌جا داده شده باشد، در کنترل دولت باشد، سوءاستفاده نشود، مسأله‌ی دیگری را ایجاد نکند، خوب، در این مورد درست است. باید اقدام کرد. اما اگر قرار باشد که ما ندانیم چه کسی برای چه منظوری این‌گونه کارها را ایجاد می‌کند، این قابل تأیید نیست.

س: گاهی مطالبی و تهدیدهایی به صورت تراکت چاپی می آید یا فرض بگیرید ما چند ماه پیش اطلاعیه‌ای داشتیم از دادگاه مبارزه با منکرات در مورد زن‌های پرستار. مورد خاصش این بود که اگر باز هم کارشان را ادامه بدهند و مثلاً بدون حجاب بیایند و رفتارشان یادآور اشرف و زنان فاسد باشد، ما با دعوت از امت حزب‌الله به عمر سراسر ننگین و پر از معاصی آن‌ها خاتمه خواهیم داد؛ یک چنین عبارتی. آیا برای مبارزه با یک امر باطلی از این قبیل؛ یعنی بی‌حجابی و رفتار زننده‌ی بعضی زنان، می‌توان این‌طور خشن برخورد کرد؟ فردا هرجا زنی کشته شود، ضدانقلاب همین اطلاعیه را مدرک نخواهد کرد؟ چنان‌که کردند.

ج: دادگاه مبارزه با منکرات حق ندارد در جامعه، مردم را این‌طور تهدید کند. این قابل تعقیب است.

مسأله‌ی حجاب در مقام عمل

س: الان، همه نیروهای صادق و سالم و مؤمن مذهبی در مواجهه با این مسأله - مسأله‌ی حجاب در جامعه - چه باید بکنیم؟ یعنی در خارج ادارات و سازمان‌هایی که در دست دولت و حکومت اسلامی است و ما می‌پذیریم که الزاماً حجاب اسلامی باید رعایت شود، در کوچه و بازار در صورتی که لباس‌های زننده نداشته باشند و فاقد روسری باشند، واقعاً ما چگونه در مواجهه با این‌ها لااقل فکر بکنیم؟

حجاب، امر قرآن است

ج: البته می‌دانید که حجاب که جزو مسائل اسلامی است و ما نمی‌توانیم منکرش باشیم. و سرپوشیدن زن، ادله و آیات قرآنی دارد؛ در این بحثی نیست. کلام در پیاده کردن آن است. من در دادگستری این مسأله را این‌جوری گفتم، گفتم بگویید که هیچ خانمی حق ندارد با آرایش سرکار بیاید. محیط کار است. محیط کار، لباس کار می‌خواهد و قیافه‌ی کار. عروسی که نیست! جلسه‌ی تفریح هم نیست! گفتند که شما بگویید حجاب اسلامی داشته باشند. گفتم: اگر آرایش نکنند، حجاب را خودشان مراعات می‌کنند!

س: بله، لازمه‌اش این است! آرایش که نکند، باید خودش را بپوشاند!

ج: دیگر موی سرش رانساخته تا بگوید: موی سرم خراب می شود. لباسی مثلاً شاد و رنگارنگ، در محیط کار نمی شود. لباس کار می خواهد، تو کارمند این جایی. بگذار دیگران هم کار بکنند. با لباس رنگارنگ و آرایش، آمدن، عطر زدن، محیط کار را تبدیل به یک محیط دیگری می کند. کار مردم می ماند. این یک کار مشروعی است. من حق دارم به کارمندی بگویم. شرایط محیط کار را رعایت کند. این کار در این جا انجام شد.

برخورد صحیح با مسأله‌ی حجاب

الآن هم برخورد صحیح، در مسأله‌ی حجاب باید چنین باشد. یک مقدار تبلیغ، یک مقدار هم برخورد صحیح، من فکر می کنم این طور مسأله را بهتر حل می کند تا موضع گیری و برخوردهای تند و بی رویه.

س: در خارج وزارت خانه ها چگونه باید برخورد کرد؟

ج: در همه جا، روش همین است. البته باید با بی حجابی مبارزه کرد، ولی مبارزه این نیست که چوب بردارند، کتک بزنند، یا فحش بدهند، تهدید کنند یا حمله و هجوم ببرند. یک وقتی، سابقاً در رامسر یا در بعضی جاها نوشته بودند، در بعضی از هتل ها که زن باحجاب حق ورود به این هتل را ندارد. آن شخص، هتل خودش بود و اختیار هتل خودش را داشت. حالا کاری به این نداریم. خوب! اگر امروز کسی در هتلش، در محل کارش برعکس آن را بنویسد، بنویسد که زن بی حجاب را راه نمی دهیم، ما نمی توانیم به او بگوییم چرا؟ اختیار خودش را دارد. این سبب می شود که وقتی چیزی در جامعه تشویق نشود، خود به خود از بین برود.

یک مسأله‌ای برای شما بگویم که برای خود من جالب است. پاسدارهایی که می آیند پیش من عقد بکنند، آنهایی که هیچ مهریه قرار نمی دهند، هیچ! می پرسم مثلاً مهریه چقدر است؟ می گوید: یک جلد کلام الله مجید، هدیه ده تومان، ده تا یک تومانی. یا مثلاً مهریه، یک دوره تفسیرالمیزان، یا یک مکه رفتن. یا یک سکه آزادی، یا چهارده سکه آزادی به نام چهارده محصوم.

ولی یکی می آید که مهریه اش، مثلاً یک مقدار پول است، یک ۵۰ هزار تومانی.

یک صد هزار تومنی مهریه قرار داده است، رویش نمی شود بگوید. می پرسم مهریه چقدر است؟ یواش می گوید، یک صد هزار تومن!

وقتی فرهنگ عوض شد

ببینید! وقتی که فکر عوض شد، این طور است. در دوره ی سابق، وقتی یک زنی مهریه اش صد هزار تومن بود، با شوهرش دعوا می کرد که وقتی از من بپرسند مهریه ات چقدر است، من خجالت می کشم بگویم صد هزار تومن. چهار صد هزار تومان باید اضافه کنی. درمی ماند که عقدی که ده سال پیش خوانده شده، حالا چطور مهریه اش را اضافه کند. یک روز، فرهنگ این بود. الآن، فرهنگ این است. باید فرهنگ عوض بشود. باید فکر عوض بشود. من نمی خواهم این بهانه را بکنم که در مورد بی حجابی اقدام نشود. در مورد بی حجابی اقدام بشود، ولی از راه صحیح. راهش این نیست که هر رهگذری سنگی بردارد بزند بر سرش. این موضع گیری جز این که شخصیت آن طرف را خرد کند و امنیت جامعه از یک گوشه ای مختل شود، نتیجه ی دیگری ندارد.

مصادره ی اموال حرام

س - برویم سراغ مسائل اقتصادی. در مورد اصل ۴۹ قانون اساسی (استرداد اموال نامشروع)، آقای هاشمی گفتند: تنظیم لایحه اش به قوه ی قضایی سپرده شده است. در این مورد چه کاری انجام گرفته؟

ج: این جزو وظایف ما نیست. مجلس به دولت ارجاع کرده و دولت هم به ما. اما به هر حال، ما هم از باب این که همه با هم هستیم، پذیرفته ایم و مقداری مطالعه شده است، ولی مسأله ی مهم اجرائی آن است. یک موقع، ما می خواهیم بدانیم اموال حلال کدام است. اموال حرام کدام است. این را حالا همه می دانند. مهم این است که به شکل مادی قانونی در بیاوریم. یک وقت مسأله این است که چه باشد که «قابل عمل» باشد. مسأله، بدون تردید از نظر اسلامی، اصلی است مهم و از اساس اسلام. حتماً باید قوانینش نوشته و اجرا بشود. در این شکی نداریم؛ اما بعضی از اصول و بعضی از لواحق به دلیل خاص در یک مقطع زمانی، گاهی یک خرده گره

می خورد؛ چون همیشه شرایط مکانی، زمانی مسائل اقتصادی و سیاسی و اشخاص... مطرح است که باید آن‌ها را در نظر گرفت. هرچه با حوصله‌تر و درست‌تر طرح‌ها پیاده شود، بهتر است.

س: در هر حال، اصلی است از اصول قانون اساسی و همه هم منتظرند تا ببینند که در این زمینه چه می‌کنیم؟

سرمایه‌داری، پیچیدگی و وابستگی

ج: ببینید؛ در رژیم سابق، سرمایه‌داری غربی حاکم بود و مغایر با اسلام بود. وقتی هم می‌خواهند که یک کشوری را وابسته کنند، قوه قضائیه و قانونش را هم به نفع سرمایه‌داری، وابسته می‌کنند. این مسأله خیلی پیچیده است. شورای عالی قضایی می‌خواهد کمیسیون قضایی مجلس دنبالش هست؛ یعنی با همه‌ی پیچیدگی‌ها، دلیل نمی‌شود که طرح‌ها را پیاده نکنیم. فقط مسأله این است که نباید شتاب به خرج داد. حل مشکلات باید از دقت کافی برخوردار باشد.

مسأله، دارای ابعاد پیچیده‌ای است. وقتی می‌خواهید به این مسأله رسیدگی کنید، می‌بینید در نظام سرمایه‌داری سابق، نظام غربی سابق، همه‌چیزش را، حتی قوانین دادرسی را هم متناسب با اصل آن نظام تنظیم کرده‌اند. همه‌چیز بسته و پیچیده به هم است. شکی نداریم که در حکومت اسلامی هیچ قانونی نباید بماند که غیراسلامی باشد. این قانون (اصل ۴۹) هم همین‌طور است. این یک.

نظام سرمایه‌داری سابق

شکی هم نداریم که سیاست مالی دولت سابق، با موازین اسلامی منطبق نبود. یک سرمایه‌داری غربی بود. بدترین نوعش هم بود؛ یعنی به شکل وابستگی و مصرفی، که تازه اگر هم صنعت به ما می‌دادند، مونتاژی بود. یک وقت سرمایه‌داری‌ای هست مثل مراکز صنعتی که هرچه هست، بالاخره از خودش صنعتی دارد، ولی در سابق سرمایه‌داری‌اش از این نوع هم نبود. تازه! ما فقط اقتصادمان که این‌گونه نبود.

گفتم وقتی مملکتی را می‌خواهند وابسته کنند، همه‌چیزش را مناسب او درست می‌کنند. قوه قضایی و قانونش را هم به‌نفع او می‌سازند.

قوانین در نظام سرمایه‌داری

در همین قوانین قضایی و دادرسی مدنی نگاه کنید. اگر کسی وام بگیرد، از کسی و در پرداختش تأخیر کند، باید خسارت تأخیرش را بدهد. ظاهر قانون هم حق به‌جانب و صحیح به‌نظر می‌رسد.

ظاهر قضیه، درست به‌نظر می‌رسد؛ اما اگر ببینیم این کیست که وام می‌دهد و این کیست که وام می‌خواهد. ماهیت امر فرق می‌کند.

اگر بنا باشد همین‌طور، مستکبر و مستضعف را میان این دو قطب (وام‌دهنده و گیرنده) تقسیم کنیم، کدام یک مستکبر و کدام یک مستضعف می‌شود؟

پیدا است که مستضعف بدهکار است و مستکبر طلبکار. این قانون (قانون پرداخت خسارت تأخیر تأدیه) به‌نفع کیست؟ به‌نفع طلبکار؛ یعنی به‌نفع مستکبر خیلی روشن است. این آقا قرض را بدهد، بعد با یک شرایطی هم می‌دهد، شرایطی که وام‌گیرنده بتواند عملاً اجرا کند.

با یک شرایطی می‌دهد که سر موعد بتواند پول را بدهد. بعد هم که نتوانست بدهد، تمدید مدت کند، بعد خسارت تأخیر تأدیه بپردازد روی آن، بعد ربا بپردازد روی آن و بعد دوبار که برگشت به‌جای این که چهاربار برگردد تا ببرد در عرض دوبار می‌خواهد ببرد.

این که می‌گویم وقتی یک نظام، سرمایه‌داری شد، همه‌چیز را به‌نفع و به‌تناسب او درست می‌کند، این یک مثال کوچکی بود و خیلی روشن‌گر مسأله. ما چنین جامعه‌ای داریم برادر! حالا، من می‌خواهم قانون «خسارت تأخیر تأدیه» را بردارم. امروز حکومت اسلامی است و باید این قبیل قوانین لغو شود. بانک‌ها را چکار کنیم؟ طلب‌های بانک‌ها را چکار کنیم؟ بانک‌ها الآن دولتی شده است. آن‌ها از بانک پول گرفته‌اند. همیشه که تأخیر تأدیه در این نیست که یک تاجری به یک پیله‌وری قرض داده باشد.

بانک‌ها، دیروز و امروز

بانک، قرض داده است؛ متنها بانک که آن وقت قرض می‌داد، بانک مستکبرین بود و حالا بانک مستضعفین است. حالا که بانک مال دولت شده، اگر بگوییم او یک بانکی درست کرده بود، یک کارخانه‌ای درست کرده بود، در اطرافش چند تا شرکت درست کرده بود، بعد هم ده تا حساب صوری درست کرده بود. حالا ما آمدیم و این‌را به‌هم زدیم و خسارت تأخیر تأدیه را می‌خواهیم برداریم. این، به‌نفع کی می‌شود؟ باز به‌نفع او می‌شود. بانک‌ها هم ورشکست می‌شود.

مسئله این است؛ وگرنه یک قانون نوشتن که کاری ندارد. اصل ۴۹ چیست؟ پولی که از رشوه می‌آید، حرام است، از ربا می‌آید، حرام است، پولی که... می‌بینید که این اصلاً کاری ندارد، این‌را هم از ما نخواستند. هرکس می‌تواند کتاب «مکاسب محرمه»ی شیخ انصاری را بگذارد جلو و از روی آن بنویسد که چه درآمدهایی حرام است، اموال نامشروع کدام است.

مشکل، ولی لازم

این است مسئله! چیزی باید نوشت که قابل اجرا باشد. لایحه لازم است. این پیچیده است، نه نوشتن صورت و اسم اموال و درآمدهایی که از کسب نامشروع می‌آید. شورای عالی قضایی یا کمیسیون اقتصادی مجلس یا اداره‌ی حقوقی نخست‌وزیر، هرکدام بخواهند این لایحه را برای اجرا بنویسند، پیچیده است.

اما این پیچیدگی دلیل براین نمی‌شود که نکتیم. باید اجرا شود. حتماً بشود. اما توجه باید بکنیم که این کار مسأله‌ای است مشکل و نباید آن مقدار به مسأله شتاب دهیم که این شتاب سبب شود از دقت کافی کاسته شود.

پس ما هیچ شکی نداریم که اصل ۴۹ براساس اسلام است و باید اجرا شود و شک هم نداریم که بعضی لوایح را در یک مقطع و یک شرایط زمانی و مکانی، یک‌جور باید اجرا کرد و در مقطع دیگر، شرایط دیگر طوری دیگر. این مسأله با همه اوضاع و احوال و شرایط سیاسی و اجتماعی و انسانی و این‌ها دست به‌گریبان است. باید همه این‌ها را در نظر گرفت.

تأخیر در اجرا، زیانبار است

- الان، کمیونی در نخست وزیری هست که آنجا هم طرح های مختلف را جمع می کنند. هرکس هر طرحی دارد، می فرستد. آنجا، همه طرح ها جمع می شود. بررسی می شود (توضیح وزیر دادگستری)

- اشکالی ندارد، آن ها هم کار کنند.

س: مواردی که شما در پیچیدگی مسأله ی اقتصاد گفتید، غیر قابل انکار است، ولی بالاخره با این همه، این اصل ۴۹ هم قانونی است که نوشته شده، اعلام شده و تأخیر در اجرائش باعث می شود سرمایه دارانی که خود را مشمول آن می دانند و خودشان بیشتر از همه به کار خودشان واقفند تا موقع اجرا، اموال نامشروعشان را به طرق مختلف از دسترس بیرون ببرند. کلک زیاد است. همان طور که بسیاری از آن ها زمین ها و املاک و ثروت های غیر منقولشان را در طول انقلاب و حتی بعد از آن در گرو بانک ها گذاشتند و تبدیل به ارز کردند و بیرون بردند یا به ثروت منقول تبدیل کردند و در داخل نگه داشتند یا با ظاهر سازی، بسین اقوام و اولاد و وابستگان شان تقسیم کردند و به نام چندین نفر (به طور صوری و ظاهری) ثبت دادند. از این به بعد هم چاره ای برای این قانون بیندیشند و از کجا معلوم که همین آن چنین نمی کنند؟ و تأسف بر این است که تأخیر در اجرا هر چند لازم و اجتناب ناپذیر باشد، این ضایعات را دارد. وقتی بخواهیم اجرائش کنیم، ببینیم سرمایه ی نامشروعی نمانده که مشمول این قانون شود! این ها با آن سوابق و تجربه هایی که در نظام سرمایه داری دارند، همه راه حل ها و پادزهرها را بلدند. فرصت از دست می رود، به هر حال در هر دو صورت (شتاب و تأخیر) ضررهایی هست و باید اقل ضررین را انتخاب کرد، که فی التاخیر آفات!

ج: بله! این جور است. تأخیر زیاد هم این ضررها را ممکن است داشته باشد. باید همه جوانب را در نظر گرفت.

احتکار و جنگ با دولت

س: در مورد مسائل گرانی و احتکار و این مشکلاتی که الان دامنگیر ما است، صحبت زیاد است. اخیراً رئیس دادگاه امور صنفی هم طی مصاحبه ای به موارد بسیار و مشخصی از مبارزه

محتکرین با اقدامات دولت اشاره کرده است. در مورد کشف طلاهایی که به بهانه‌ی طلای دندان وارد می‌کرده‌اند، اختکارهای سنگین در مورد سیگار و پیاز و امثال آن. این همه نشان می‌دهد که سرمایه‌داران محتکر علیه اقدامات دولت در مورد توزیع عادلانه و نظارت بر قیمت‌ها و کالاها عمل می‌کنند. این‌ها با دولت می‌جنگند و ناگهان جنسی را مخفی می‌کنند، نایابش می‌کنند و دست و پای هر اقدامی را می‌بندند، دست مسئولین را می‌بندند.

می‌خواستم ببینم برای مبارزه با این کارها و این اشخاص اولاً گروه‌های بازرسان و کسانی که تفتیش بکنند و بشناسند که ائمه‌الکفر چه کسانی هستند و در سرچشمه چه کسانی سلطه دارند و عامل اصلی گل آلود کردن آبند. چنین کسانی هستند که عوامل اصلی اختکار (نه فقط بقال سرکوپه) را ردیابی کنند؟ ثانیاً به نظر نمی‌رسد حالا که این‌ها علی‌رغم این همه نصایح و اخطارها باز هم اختکار می‌کنند، دستگاه قضایی باید مجازات‌های شدیدتری را علیه آن‌ها اعمال کند؟

اختکار به قصد براندازی یا سودجویی

ج: می‌دانید تعیین مجازات برعهده‌ی دستگاه قضایی نیست. قانون باید تعیین کند. دستگاه قضایی فقط از روی قوانینی که تصویب می‌شود، قوانینی راجع به اختکار به گرانفروشی، تقلب و امثال آن باید کار کند. این‌که دادگاه‌های انقلاب بتوانند یا نتوانند به این مسائل رسیدگی کنند، مشکوک است. این‌که این مسائل جزو مسائل ضدانقلابی هست یا نیست، آیا این‌ها قصد براندازی دارند یا سودجویی به این کارها و ادارشان می‌کند، جواب قطعی که حتماً آن نوع اولش است؛ یعنی اعمال ضدانقلابی به منظور براندازی رژیم صورت می‌گیرد و همه‌اش در حوزه‌ی کار دادگاه انقلاب است، نمی‌شود داد. این قطعی نیست که حتماً این کارها جنبه و انگیزه‌ی سیاسی داشته باشد، پس اولاً کار، کار دستگاه قضایی نیست. به نظر می‌رسد کار تفتیش است. ثانیاً: این‌که می‌گویید الآن دارد انجام می‌گیرد. الآن دادگاه امور صنفی یک گروه ضربت دارد برای کشف اختکار، برای کشف قاچاق و امثال آن، الآن دارد می‌شود. جریمه هم می‌کنند. دو سه روز پیش بود، گزارشی بود که فلان کس، بخاری آورده یا چیز دیگر، چه آورده و ۱۶ میلیون تومان، گرانفروشی کرده است! یک کسی دیگر چه آورده و ۸

میلیون تومان گرانفروشی کرده. این‌ها را جریمه کرده بودند. شناسایی کرده بودند، بقال سرکوجه نیست. این مسأله الآن هست. یک مقدار اشکال هم دارد که رسیدگی می‌شود. اما، باید دقت کرد، آیا با این کارها می‌شود واقعاً جلو احتکار را گرفت؟ آیا این کارها کافی است و راه حل قطعی است؟ پانصد نفر گزوه ضربت در چهل قسمت و افتادند به جان تهران که احتکارها را پیدا کنند، گاهی هم اشتباه می‌کنند و انباری را که مربوط به محترک نیست می‌گیرند و بعد معلوم می‌شود، اما گمان نمی‌کنیم با این خانه‌گره‌ی جلو احتکار گرفته شود.

باید ریشه‌یابی کرد. با خانه‌گردی، نه جلو احتکار گرفته می‌شود نه گرانفروشی. سیاست مالی درست لازم است. باید ریشه‌یابی کرد. وقتی یک جنس در داخل مملکت، قیمتش با قیمت خارج مملکت متفاوت شد، حالا ارز باشد، فرش باشد، هرچه باشد، بالاخره سرمایه از یک طرف به یک طرف جذب می‌شود. از داخل به خارج یا از خارج به داخل. بحث بر سر این است که واقعیت‌های اقتصادی - اجتماعی را چه در داخل، چه در خارج بشناسیم. این‌ها به هم مربوط است. باید شناخت و محاسبه کرد که ریشه‌ی گرانی‌ها و احتکارها کجاست. تجارت خارجی را که اجرا می‌کنند، برای همین است که کار از ریشه درست شود. باید رفت و دید کجای کار لنگ است که ناگهان چند نفر می‌توانند مطلقاً ورود یک جنس یا فروش آن را مانع شوند. یا یک‌باره می‌توانند کاری کنند که یک کالا از همه‌جا جمع شود. این معلوم است در یک‌جایی از کار اشکال مهمی هست. باید دید در سیستم ورود کالا از خارج به داخل این جور است؟ در تولیدات داخلی وضع این طوری است؟ در سیستم توزیع این جور است.

تمرکز و انحصار
 اگر ثابت شود که این وضع معلول تمرکز ثروت یا امکانات تولید و توزیع در دست یک عده‌ی معدودی سرمایه‌دار است، چگونه؟

بجای به همین مطلب هم اشاره کردم. ممکن است اشکال در این باشد که یک عده‌ی خاصی بر کالاها یا تولید و توزیع کالای خاصی مسلط باشند. الآن در مسأله‌ی کالاهایی که از خارج

می‌آید که بسیار هم زیاد است، اصل دولتی شدن تجارت خارجی را داریم اجرا می‌کنیم. در مورد صنایع و تولیدات صنعتی داخلی هم که بیشترین رقم مالکیت دولتی را تشکیل می‌دهد و کارخانه‌ها دست عده‌ی معدودی نیست، می‌ماند بخش کشاورزی و امثال آن. باید با سیاست مالی و برنامه‌ریزی، کار را درست کرد. چنین نباید باشد که مثلاً فرد یا جمع محدودی بتوانند تولید و توزیع به‌خصوص مایحتاج مردم را در اختیار خودشان داشته باشند. همان‌طور که گفتم باید سیاست مالی تنظیم شود و در این موارد کار شود که وارد می‌شود. مسأله‌ی اصلاحات ارضی هم هست که در بخش کشاورزی مؤثر است.

انتقاد و رسانه‌های گروهی

س: به‌طور کلی نظر شما در مورد مسأله‌ی انتقاد و ضرورت وجود آن در رسانه‌های گروهی چیست؟

ج: طبیعی است که انتقاد باید باشد. انتقاد سازنده، بدون فحش، بدون دروغ و مستند، لازم و ضروری است.

س: موقمی که هنوز بنی‌صدر سرکار بود، یادتان هست، شبی ضمن بحث از لایحه‌ی قصاص به‌این مسأله اشاره شد و شما گفتید: بسم‌الله! از همین فردا من به‌سهم خودم به‌شما (روزنامه‌ی اطلاعات) می‌گویم کاملاً مجازید که هر انتقادی نسبت به‌دستگاه قضایی دارید با صراحت و به‌تفصیل بنویسید. فقط فحش ندهید! دروغ ننویسید!

ج: بله! الآن هم همین‌طور است. من بارها این مطلب را گفته‌ام که آقا اگر بنا باشد آدم غیر از فکر خودش، غیر از راه‌حل‌های خودش، حرف هیچ‌کسی دیگر را گوش نکند، توجه نکند و تا کسی آمد و حرفی زد و انتقادی کرد، فوراً او را طرد کند. این نمی‌شود. این موجب انفجار می‌شود. این روحیه، روحیه‌ی بسیار بدی است و باید ما همه عادت کنیم که حرف مخالف را بشنویم. این که نمی‌شود که به‌دیگری بگوییم اصلاً تو هیچ نگو، هیچ حرف نزن. نه! انتقاد لازم است.

روحیه‌ی انتقادپذیری

س: متأسفانه جریان‌ات قبلی کشور و حقه‌بازی‌ها و خیانت‌های امثال بنی‌صدر و منافقین که خود را وکیل و سرفق‌لی دار آزادی و آزادیخواهی و به اصطلاح انتقاد و واقعیت‌گویی! قلمداد می‌کردند و بعد آن کثافت‌کاری‌ها را کردند، موجب این شده است که گاهی اگر انتقادی از مسأله‌ای بشود، همین‌اُ کسی یا کسانی قبل از آن که در پی پاسخ منطقی و توضیحی برآیند و به انتقادکننده اشتباهاتش را برادرانه گوشزد کنند، فوراً با سوءظن به او می‌نگرند و در پی این برمی‌آیند که این چه جریان‌ی و چه خطی بوده که می‌خواست توطئه کند، ضربه بزند.

ج: این روحیه، غلط است. البته من این را هم گفته‌ام که اگر دو نفر، دو جمعیت، یکی به‌طور مستدل و منطقی نه با داد و فریاد و شعار انتقاد کند و دیگری به‌هین ترتیب به‌او پاسخ دهد تا روز قیامت، هم می‌توانند چنین کنند. تا قیامت این بگوید برادر، تو نظرات، این‌جا و آن‌جایش به این دلیل و به آن دلیل اشتباه بود و من به این دلیل و آن دلیل، این‌نظر را می‌دهم. اما یک وقت این‌طور نیست. به جای انتقاد، نزاع و بدگویی و انتقام و خراب‌کردن است. این نادرست است.

س: وقتی بنا بر انتقاد شد، ممکن است اشتباه هم باشد. درست است که انسان، یکی دو اشتباه انتقادکننده را مثلاً بر دارد و بر سرش بکوبد و پیشاپیش قضاوت کند که این قصد تخریب و توطئه بوده است؟

ج: نه! این طرز برخورد درست نیست. تیت‌ها را خدا می‌داند و پس، پاسخ‌دهنده نباید بی دلیل دچار سوءظن شود و تهمت تخریب و توطئه بزند. باید انتقادکننده موارد را با دلیل، مستدل و بدون متلک و حرف‌های موبعد سوءتفاهم، بدون داد و فریاد و دروغ بیان کند. طرف او هم هر که هست باید مستدل و بدون تهمت‌زنی و سوءظن موارد را توضیح دهد، پاسخ بدهد.

سوابق زندگی سیاسی و علمی

س: ما بنایمان این است که با هریک از مسؤولین مصاحبه می‌کنیم به‌خاطر لزوم شناخت هرچه بیشتر مردم و به‌خاطر پاسخگویی ضمنی به اراجیف ضدانقلاب و نیز به‌خاطر اغتنام

فرصت و ثبت در تاریخ، از او بخواهیم سوابق زندگی عادی، سیاسی و عملی اش را بیان کند. از شما هم همین را می‌خواهیم

ج: من در یک خانواده‌ی روحانی به دنیا آمدم و خوشبختانه از همان آغاز، پدرم ضد دستگاه بود. ضد رژیم بود و جزو افرادی که رژیم پهلوی دستور داده بود که او را بگیرند. من در چنین خانواده‌ای بزرگ شدم، رشد کردم، راهم را پیدا کردم و از چنین پدری درس گرفتم. بنابراین، طبیعتاً من هم از همان بچگی یک انسان ضد دستگاه به وجود آمدم. من هیچ وقت لباس یقه‌دار نپوشیدم و کلاه لبه‌دار سر نکردم. پدرم می‌گفت: این‌ها جزء آثار پهلوی است و آثار پهلوی حرام بود. گفتم که پدرم از طرف رژیم پهلوی تحت تعقیب بود و به اصطلاح زیرزمینی شده بود و ما خیلی که او را می‌دیدیم، هفته‌ای یک شب، ده روز یک وقت قرار داشتیم. آن زمان، دستگاه پهلوی سروصدایی راه انداخته بود و اقداماتش را شروع کرده بود و راجع به حجاب، لباس متحدالشکل و امثالهم.

ضد رژیم بودن، از همان سابق، جزو خصیصه‌ی همشهری‌های ما، اردبیلی‌ها بود. بعد هم که من در اردبیل طلبه شدم، به‌طور طبیعی این خصیصه را داشتیم. در میان شهرهای آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل در ضدیت با رژیم سابق تقریباً به‌طور یک‌دست در اهالی وجود داشت. بعد از انقلاب هم این یک‌دست بودن در جبهه‌ی هواداری از انقلاب حفظ شد؛ یعنی یک‌دست انقلابی، یک‌دست خط امامی‌اند. الان هم این‌جوری است. از شهرهای دیگر، گاهی گرفتاری‌هایی، چیزی پیدا شده، اما با این‌که آن‌جا شهر مرزی است و از اول انقلاب هم گاهی گفته می‌شد، آن‌جا جزو آذربایجان است. چنین می‌شود و چنان می‌شود. من می‌دانستم هیچ چیز نمی‌شود. می‌گفتم: نه! از آن‌جا فکرتان راحت باشد.

در اردبیل، این خصلت ضد رژیم بودن در هر زمانی، به یک صورت بود، قبل از چهل، به یک صورت بود، بعد از چهل به یک صورت دیگر. در دوره‌ی پهلوی به گونه‌ای دیگر، در دوره‌ی طاغوت کوچک به صورتی دیگر. اگر هم صف‌های ما جدا می‌شد، ما در ضد دستگاه بودن، متحد بودیم. گاهی غیر موثر، گاهی خیلی کوچک و گاهی خیلی بزرگ. ولی بالاخره در این سلک بودیم.

سرفصل‌ها

س: سرفصل‌هایی از این گذشته‌ها را بگویید.

ج: سرفصل‌هایش، جریان انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود که در قم حرکتی به وجود آورد. قبل از آن، در دوره‌ی مصدق، یک انقلابی، قیامی در قم علیه آن‌ها که پیمان صلح را امضا کرده بودند، شد. در دوره‌ی مرحوم آیت‌الله‌العظمی آقای بروجردی، آن وقت ما در آن قسمت نسبتاً نقش داشتیم. بعد از آن، دوره‌ی تبعید امام و عوض شدن وضع و حتی یک مقدار از نیروهای مبارز و روشن شدن خطوط، این‌را هم می‌توانیم ما، یک سرفصلی در انقلاب حساب کنیم. مسائل دیگری که در انقلاب پیش می‌آمد، در رابطه با افراد و قشرهای دیگر، البته من هیچ وقت، داخل هیچ کدام از این قشرها نبودم. هیچ وقت وارد جبهه‌ی ملی نبودم، هیچ وقت وارد نهضت آزادی نبودم. هیچ وقت وارد امثال مجاهدین نبودم. در جریان جنگ اعراب و اسرائیل، آن وقت وضعی برای من پیش آمد که من تبعید شدم. بعد در آذربایجان مبارزات بود و افرادی بودند که در این مبارزات؛ مثلاً در تبریز، مرحوم آیت‌الله مدنی، قبل از مرحوم آقای مدنی، مرحوم آقای قاضی، ایشان بودند و اداره می‌کردند. البته معنی‌اش این نیست که دیگران نبودند، دیگران هم بودند. هرکس به اندازه‌ی خودش کار می‌کرد. آن وقت‌ها من در اردبیل بودم، در رابطه با این کارها. تا این‌که وضع من طوری شد در آذربایجان که دیگر برای من جای ماندن نبود. همان وقت یک نامه‌ای خدمت امام نوشتم و وضع خودم را تشریح کردم که من وضعم فعلاً به این صورت است، شما فکر می‌کنید که من در اردبیل بمانم؟ البته من خودم فکر می‌کنم که دیگر من این‌جا در آن چنان وضعی قرار گرفته‌ام که نمی‌توانم کار بکنم و هیچ کاری از من ساخته نیست.

امام، در جواب مرقوم فرموده بودند. کلیاتی فرموده بود که بالاخره تصمیم‌گیری در این‌گونه مسائل با یک خصوصیتی، زمانی، مکانی، شخصی و امثال آن است. شما ببینید در کجا می‌توانید سودمند باشید؟ اگر این طوری است که می‌گویید، خوب طبعاً مانندتان دیگر لزومی ندارد. و اگر این جور نیست، منطقه را ترک نکنید.

من مدتی قم بودم، بعد رفتم اردبیل. حدود هشت - نه سال در اردبیل بودم. بعداً این وضع پیش آمد که من در یک وضع بهرانی اردبیل را ترک کردم و آمدم تهران. من تهران را

که انتخاب کردم به این فکر بود که در تهران شاید یک مقدار از فشار کم بشود. برای این که فکر کردم تازه آمده‌ایم، شاید از نظرها پنهان بمانیم، ولی ما دستگاه را هنوز آن‌جور که باید بشناسیم، نشناخته بودیم و آن‌ها در همان هفته‌ی اول مرا شناختند؛ هم خانه را شناختند، هم آدرسم را شناختند و آمدند مرا بردند، به ساواک بردند. به ساواک بردند. بردند بازجویی، خیابان امیریه، نزدیکی‌های خیابان فرهنگ. آن‌جا یک جایی داشتند مقابل ایستگاه انتظام. مرا بردند آن‌جا و بعد گفتند: فکر نکنید که ما نمی‌دانیم و امثال این حرف‌ها و تهدیدها.

س: در مورد مراکز و موارد فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی...

ج: تا آن موقع مسجد امیرالمؤمنین بود. آن‌جا را تلاش می‌کردیم به صورت یک مرکز این مبارزاتی دریاوریم، البته در آن‌جا بود که یک مقدار از گروه‌ها راه یافتند. آن وقت که به صورت نبود. یادم می‌آید که یکی از آن‌هایی که آن موقع آمد آن‌جا و نزدیک بود فاجعه‌ای به وجود بیاید؛ به این معنی که تیراندازی شد و نزدیک بود او، و من هر دو کشته شویم. مهدی رضایی بود، دو سه بار آمد آن‌جا و یک بار گرفتار یک مسائلی شد. به هر حال، بچه‌ها در آن‌جا تفسیر قرآنی گذاشته بودند و ضمن تفسیر قرآن، کارهای سیاسی می‌کردند و کارهای تئوری و مبارزاتی انقلابی می‌کردند. البته آمدند، آن‌جا را کشف کردند و جمع کردند و ما دستمان کوتاه شد. بعد رفتیم کانون توحید. در کانون توحید، هم آزادی به آن صورت نداشتیم، از همان اول مشکلات و محدودیت‌ها و مزاحمت‌های رژیم وجود داشت و برنامه‌ها به هم می‌خورد. کارها این طوری بود تا رسید به ۲۲ بهمن. دیگر سرفصل‌های شخصی ندارم. سرفصل‌های ما هم همان سرفصل‌هایی است که دیگران هم داشتند.

سران مجاهدین

س: مسجد امیرالمؤمنین یکی از مساجدی بود که بچه‌های مبارز و مذهبی آن‌جا زیاد می‌آمدند. در رابطه با «مجاهدین» که آن سال‌ها به مسجد شما هم می‌آمدند، چه برخوردها و حرف‌هایی داشته‌اید؟

ج: این گروه‌ها تا به این صورت، چهره‌ی منافق‌پودن را پیدا نکرده بودند. شخص من تا اعلام مواضع این‌ها، وضع خاصی نداشتیم. در اعماق دلم هم می‌گفتم: اشخاصی هستند که

مبارزه می‌کنند. اصولاً بعضی از این‌ها همشهری‌های ما بودند. ما می‌شناختیم، پدرشان و جدشان را. این محسن (سعید محسن) بزرگ‌شده‌ی زنجان است، اما اصلش اردبیلی بود. از نوه‌های حاج میرزا محسن مجتهد است و از بچه‌های میرزا سلیمان اردبیلی که سردتری بود در زنجان. حنیف‌نژاد هم که خاتمه‌اش همان نزدیکی‌های خانگی ما بود. این‌ها وقتی اعلام مواضع کردند (اعلام کردند که مارکسیست شده‌اند)، خیلی‌ها مواضعشان را در برابر آن‌ها روشن کردند. یکی از آن‌ها هم من بودم. لاقلاً برای من و امثال من که سرا می‌شناختند، روشن شد. یادم هست آن‌سال ماه مبارک رمضان، قرار شد من روزهایی که منبر می‌رفتم، درباره‌ی سازمان (سازمان مجاهدین خلق) و موضع‌گیری‌های سازمان صحبت کنم. روز اول ماه رمضان، ظاهراً جمعه بود، من منبر رفتم تا آخر ماه رمضان. برنامه را تعیین کنم. آن‌روز گفتم صحبت‌های من یک روال خاصی دارد. شاید به‌درد همه بخورد، شاید به‌درد یک تیپ خاص بخورد. بنابراین، آقایان خیال نکنند، من هر روز یک چیزی می‌گویم که اگر یک‌روز به‌دردشان نخورد، بگویند فردا می‌رویم پای منبر. نه! اگز همین امروز که من شروع می‌کنم، دیدید که به‌دردتان نمی‌خورد بدانید که تا آخر ماه رمضان به‌دردتان نخواهد خورد. من در این روال، صحبت می‌کنم، شروع کردم یک چیزهایی گفتم و خیلی مبهم. چون می‌خواستم آرام آرام مسائل را بگویم. مجاهدین مرا تهدید به‌قتل کردند.

یادم هست، یک‌روز وقتی که صحبت‌هایم را تمام کردم، می‌خواستم بروم منزل. جوانی که می‌آمد مسجد نماز می‌خواند و یک قیافه‌ی خیلی اسلامی داشت، آمد گفت: من با شما کاری لازم دارم. گفتم: من الآن باید بروم استراحت کنم. گفت: نه. و آمد منزل من. رو به‌من کرد و گفت: از وضع امروز شما فهمیدم که شما می‌خواهید مجاهدین را بکوبید و در مقابل آن‌ها موضع بگیرید. من نمی‌دانستم این کیست. هیچ نمی‌دانستم این کیست. بالاخره دیدم این‌طور نمی‌شود بحث کرد. احتمال می‌دادم ساواکی باشد. احتمال می‌دادم مجاهد باشد... اما با همدی این‌ها به‌ایشان گفتم که با شما روشن صحبت می‌کنم. به‌شما تبریک می‌گویم از این‌که فهمیدید من چه می‌خواهم بگویم؛ چون من مبهم صحبت کرده بودم.

یک مقداری با من صحبت کرد که این به‌نفع دستگاه می‌شود. من هم به‌سلیقه‌ی خودم جواب‌هایی دادم و گفتم که مثلاً وقتی دستگاه بپاید بگوید نماز بخوان. آیا ما می‌آییم برای

مقابله و مبارزه با او بی‌نمازی را اختیار می‌کنیم که به نفع دستگاه تمام نشود؟! این مرتبه‌ی اول دیدار ما بود. در مرتبه‌ی دوم گفتم: شاید خالصاً اشتباه کرده‌اند بچه‌ها. درست نیست که کوبیده بشوند. گفتم: این حرف درستی نیست که ما هر موضعی را وقتی می‌بینیم مخالف است می‌گوییم شاید اشتباه کرده باشد و حرفی نباید بزنیم. بالاخره آمد به من گفت: آخر چه می‌گویید شما، این‌ها سهمشان در انقلاب بیش از شماست. شما آمده‌اید این‌ها را بکوبید. سهم‌ها را نادیده می‌گیرید. یک مقدار با طنز و یک مقدار جدی، جوابش را دادم. بنای تهدید را گذاشت و به من گفت: تو آدمی هستی که باند و دار و دسته نداری، تجهیز هم نداری، کشتن تو مثل آب خوردن است. کافی است که وقتی از خیابان می‌روی، با یک موتور تصادف کنی و کشته شوی! تازه، شهید هم نمی‌شوی. می‌گویند از خیابان می‌رفته با موتور تصادف کرده، مرده است! بدو گفتم: من عزم را کرده‌ام. این مقدار زیادی‌اش را هم فکر نمی‌کنم آنچه که بعد بیاید بهتر از این باشد. جوانی این عمر گذشته است. موتور هم به ما برخورد، اشکالی ندارد! بابت این نگرانی ندارم. گذشته از این، شما که مدعی هستید، مثلاً چند تا شهید در راه هدف‌تان می‌دهید. یک آخوند هم، موتوری بدو برخورد و در راه هدفش کشته شود، آسمان که به زمین نمی‌آید. بلند شد و رفت. خیلی دلم می‌خواست بشناسم این کی بود؟ چه بود؟ یک روز دیدم توی مسجد است، اما با من نماز نمی‌خواند و تنها نماز می‌خواند. پرس و جو که می‌کردم بالاخره یکی از دوستان که در زندان با هم بودیم، این‌را شناخت و گفت که با او هم‌بند بوده است. قضیه‌ی تهدید را به آن دوست گفتم. دوستم گفت: بله! این شخص تمایلی دارد به مجاهدین، مجاهد است. اسمش هم «زهتاب‌چی» است.

از سال ۵۴ - ۵۵. این آقا را ما دیگر گم کردیم تا این‌که بعد از انقلاب، اواخر خرداد پارسال، همان دوست آمد و گفت: می‌دانی «زهتاب‌چی» چی شد؟... فهمیدم آن جوان را می‌گوید. گفتم: نه! مدت‌ها است او را ندیده‌ام. دوستم گفت که «زهتاب‌چی» هم مثل آن‌های دیگر، روز سی‌خرداد، دشنه و کارد موکت‌بری برداشته و رفته است خیابان. نمی‌دانم در زد و خورد مسلحانه یا این‌که اعدام، بهر حال کشته شده است. قبل از این جریان‌ات هم این‌ها این‌جور بودند. مهدی رضایی هم که می‌آمد، جریانی دارد. نزدیک بود یک‌روز مهدی و من را هر دو را بزنند که جریانش مفصل است.

۲۹۸ که بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

این‌ها هم یک‌نوع مهمان‌اند! ...
شما: بازداشت و زندان شما در همین رابطه‌ها بود؟

س: بازداشت من در رابطه با این‌ها پیش نیامد. در رابطه با بچه‌هایی که می‌آمدند مسجد ما را بازداشت کردند... گفتم که تحت پوشش تفسیر قرآن، فعالیت ضد دستگاه داشتیم. روزی که برای بردن من آمده بودند، در خاطر من هست، بچه‌ای دارم که حالا بزرگ شده. وقتی رفتم منزل، دم در آمد و دیدم می‌لرزد. پرسیدم: چه شده؟ گفت: پلیس آمده. گفتم: دختر جان! نترس، این‌ها مهمانند. گفت: نه مهمان نیستند. همه لباس‌ها مان را به هم زبختند. کتاب‌های تو را به هم ریخته‌اند. مهمان نیستند. گفتم: چرا. این‌ها هم یک‌جور میهمان است! آن‌ها به مسجد هم رفته بودند، دستگاه فتوکپی و پلی‌کپی را خودشان برده بودند. مدرسه‌ی مفید را که وابسته به مسجد امیرالمؤمنین بود، بستند و خادم آن‌جا آقای ثقفی را هم گرفتند. مرا بردند، رسولی (بازجوی شکنجه‌گر معروف ساواک که حالا فراری است) هم از ما بازجویی کرد. در یک اتاقی بود که یک‌چیزی هم آن گوشه انداخته بودند. می‌توانم بگویم با خشونت رفتار کردند، البته با بعضی‌ها خیلی بدتر رفتار کرده بودند.

س: ...
نوشته‌ها، تحقیقات و اساتید ...

س: گفتید نوشته‌ها و تحقیقات علمی هم داشته‌اید. در این مورد بیشتر توضیح دهید.
س: من یک مدتی، سال اول با مجله‌ی مکتب اسلام، همکاری داشتم. بحثی از قرآن را می‌نوشتم با عنوان «قرآن، آفتابی که غروب ندارد». وقتی به اردبیل رفتم، مرحوم علامه‌ی طباطبایی بحث را دنبال کرد. یک وقتی هم در اردبیل مذاکراتی بود با بچه‌ها. می‌آمدند در بازه‌ی بهایی‌ها صحبت می‌کردند. آن وقت یک مدت کمی بهایی‌ها، در آذربایجان فعالیت چشمگیری داشتند. این‌ها را این‌گفت و شنودها را من کتاب کردم به نام کتاب (جمال ابهی...) منتهی نوشتنم نویسنده کیست. فقط روی کتاب نوشتیم «س. ع» یعنی سید عبدالکریم.

س: «جمال ابهی، نقطه‌ی اولی، مرکز میثاق»؟ این کتاب نوشته‌ی شما است؟

س: بله! این کتاب را نوشتنم با سه مرحله: نقطه‌ی اولی، جمال ابهی، مرکز میثاق که مربوط است به سه مرحله و این اسم هم اشاره به سه مرحله است. نقطه‌ی اولی، مربوط به «باب» و

جمال ابهی مربوط به «بهاء» و مرکز میثاق هم مربوط به «عباس افندی» است. علاوه بر این نوشته‌های تفسیری هم از من منتشر شده است. یکی از کارهای من در تهران، اردبیل و قم، تفسیر بود. ما، در قم، یک جلسه تفسیری داشتیم که آن جلسه الآن هم ادامه دارد. طی همین تفسیرها در تهران و اردبیل یکی دوبار تمام قرآن را تفسیر کردم. حواشی و نوشته‌هایی هم در مسائل اصول و فقه و علوم اسلامی از این قبیل و مباحث مختلف فقهی، احکام و غیره.

س: در کانون توحید، درس‌هایی درباره‌ی اقتصاد و فلسفه‌ی تاریخ داشتید.

ج: بله! بعضی از آن درس‌ها هم بعدها تنظیم شد و به صورت جزوه درآمد. در مورد فلسفه تاریخ بحث‌های زیادی داشتیم، همین‌طور مسائل اقتصادی.

س: در مورد مسائل اقتصادی کار دیگری، کتاب دیگری ندارید؟

ج: کتاب «احکام زمین» هست و یادداشت‌هایش و نوشته‌های دیگر.

س: پس افشاگری شد. کتاب «جمال ابهی» نوشته‌ی شما بوده است؟

ج: بله، افشاگری شد!

س: اساتید شما در دوران تحصیل چه کسانی بودند؟ (سؤال وزیر دادگستری)

ج: من در اردبیل تحصیل طلبگی را شروع کردم. آن وقت بود که خیلی بازار طلبگی کساد بود. در اردبیل فقط چند تالطیه بود. یکی از آن‌ها ما بودیم. یکی رفت روسیه، یکی هم الآن تهران است. یک مقداری در تهران تحصیل کردم. در آن جا صرف و نحو و منطق و بیان و بدیع و شرایع فقه را فراگرفتم. سپس در قم نزد آسید محمد داماد، آیت‌الله احمد خوانساری و مقدار کمی هم خدمت حضرت امام درس خواندم. در آن جا حاج شیخ عبدالله مازندرانی بود که درس فلسفه می‌گفت. مقداری هم پیش علامه طباطبایی خواندم و بعد رفتم نجف که آقای حکیم و آقای خویی، آقای زنجانی و آقای شیرازی و مرحوم صدر، تدریس می‌کردند و من پیش آقای صدر فلسفه می‌خواندم. آقای صدرا، بعد برگشتم قم، مدرسه‌ی آقای بروجردی و فلسفه را نزد مرحوم علامه طباطبایی ادامه دادم.

س: شما و استاد مطهری با هم بودید؟

ج: آقای مطهری - رحمه الله علیه - ایشان هم، سنش چندسالی از ما بزرگ‌تر بود و هم، دوره‌اش، گردش کار او با گردش کار ما فرق داشت.^(۱)

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با مجله‌ی سروش، پیرامون موفقیت موقیت انقلاب اسلامی (۱۷ بهمن ماه ۱۳۶۰)

س: موفقیت‌های اقتصادی انقلاب را، چگونه ارزیابی می‌کنید و چه رهنمودهایی برای حل معضلات اقتصادی دارید؟

ج: علی‌رغم فقدان تبلیغات و زرق و برق‌های خاص در امور اقتصادی، و داشتن مشکلات بسیار، موفقیت‌های بزرگ اقتصادی هم داشته‌ایم. مهم‌ترین معضل اقتصاد این کشور، تابعیت از اقتصاد غرب بود. کارشناس‌های غربی یا غرب‌زده، اصلاً دلال استعمارگران بودند. در همه‌ی زمینه‌ها اغلب، طرح‌ریزی‌های اقتصادی بر مبنای منافع غرب بود.

زرق و برقی درست می‌کردند، کارخانه‌ی مونتاژی راه می‌انداختند، راه اتوبانی می‌ساختند، و از طرفی هم، ذخایر کشور را مثل سیل می‌بردند؛ یعنی نفت کشور ما با محاسبات انجام‌شده، توسط آن‌ها، قرار بود ظرف بیست‌سال تمام شود. در واقع با این سبکی که آن‌ها عمل می‌کردند، ده پانزده سال نمی‌گذشت که باید نفت هم وارد

می‌کردیم!

چنین قضیه‌ای هم، یعنی اضمحلال و نابودی کامل. حتی تصورش هولناک و غم‌انگیز است. انقلاب اسلامی ایران، اولین وظیفه‌ی مهمش، جلوگیری از فرار سرمایه‌های عظیم کشور بود. در آن زمان، بیش از پنج میلیون بشکه نفت در روز صادر می‌کردیم. و در این زمان، معدل صدور، به یک و نیم میلیون بشکه هم نمی‌رسد (یعنی یک چهارم!)

مسأله‌ی دیگر، صدور بی‌رویه‌ی گاز با هزینه‌های گزاف بود. این سرمایه‌ی ملی را تقریباً معادل هیچ، به منبع‌های شوروی هدایت می‌کردند. ما وقتی که ارقام بودجه‌ی سالانه را حساب می‌کردیم، متوجه می‌شدیم هیچ وقت از فروش گاز درآمد خوبی نداشته‌ایم؛ حداقل به اندازه‌ی خرج صدور آن، سودی برای اقتصاد ما نداشت! بنابراین تصمیم گرفتیم، علی‌رغم مشکلات و گرفتاری‌های موجود، مصرف گاز در ایران را تشویق نکنیم.

وقتی که به مواد شیمیایی، کود و این قبیل منابع برسیم، معلوم می‌شود که منابع انرژی سوختی خانه‌ها و تأسیسات در کشور ما چقدر عظیم است. بخشی از صنایع ما خوابیده بودند. دلیل این رکود، شیوع اجناس و تبلیغ بی‌رویه‌ی اجناس و صنایع خارجی بود. در، درجه‌ی اول ما سعی کردیم از واردات این قبیل اجناس و صنایع جلوگیری کنیم.

مرحله‌ی بعد، تشویق به ساخت و تولید همین اجناس بود. در حال حاضر، حرکت صحیحی آغاز شده است. اگر این تصمیم‌ها عملی شود، در داخل ساخته خواهد شد. فلان کالای صنعتی مونتاژ شده، با کیفیت مناسب برای استفاده در داخل ساخته می‌شود. شیوه‌های غلط پیمان‌کاری و مشاوره که راهی برای بهبود سرمایه‌های داخلی بود از کار افتاده‌اند.

حرکت مهم استراتژیک در زمینه‌ی اقتصاد، جلوگیری از تخلیه‌ی روستاها (یعنی منابع پکر تولید) و هجوم بی‌رویه به شهرها بود. این اقدام، جنبه‌ی انسانی و اجتماعی هم دارد و فواید بی‌پایانی برای آینده‌ی این کشور به دنبال خواهد داشت. ما این

۳۰۲ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

هجوم کورکورانه را برعکس کردیم؛ یا به عبارت دقیق تر، این حرکت فرسایشی حداقل متوقف شده است. می خواهیم پایهی اقتصادی را در روستاها بگذاریم تا همه چیز در داخل کشور تولید بشود.

علی رغم مشکلاتی که بوده، محصولات کشاورزی، امسال، رشد نسبتاً خوبی داشته است. در آینده مطمئناً بهتر خواهد بود.

شیلات، که منبع عظیمی برای تأمین مواد غذایی و پروتئین کشور به حساب می آید، از آب های آزاد خودمان به دست می آید. این اقدام مهم اقتصادی، کاملاً متوقف مانده بود. در یکی دو سال اخیر، تأمین منابع شیلات کشور، راه افتاده و ان شاء الله در بسیاری از مناطق دیگر گسترش خواهد یافت.

روی هم رفته، مبنای اقتصاد این کشور، سالم شده؛ در صدیدیم تا به طرف برنامه ریزی های درازمدت و کوتاه مدت برویم، اگر بتوانیم اعتماد بخش خصوصی را جذب کنیم، بسیاری از سرمایه های خصوصی با همدی امکانات موجود، به رشد اقتصاد مملکت قدرت بیشتری می بخشند.

به نظر شما، برای بازسازی اقتصاد کشور و ایجاد زمینه های سالم برای آن، چه باید کرد؟

کدام راه های عملی را برای این امر پیشنهاد می کنید؟

ج: همان طور که گفتم، من فکر می کنم نخستین اقدام مؤثر ما در این راه، می تواند جلب اعتماد بخش خصوصی باشد. سیستم اقتصاد اسلام، سیستم سوسیالیستی نیست که بگوییم دولت همه کاره است. این مردم باید کار و فعالیت بکنند.

ما باید بتوانیم انگیزه و نشاط مردم را حفظ بکنیم. خوشبختانه، سرمایه داری هم حاکم همه چیز نیست و نیروهای انسانی به صورت ابزار سرمایه تلقی نمی شوند.

ما طالب جامعه ی هستیم که کرامت انسان در آن محفوظ باشد. فکر و نیروی انسان مقدس است. باید مردم بتوانند از امکاناتی که در بخش خصوصی دارند، با اختیار خودشان استفاده کرده و به دیگران بهره برسانند. ما با استثمار و تبعیض مخالفیم.

با توجه به زیربنای فرهنگی مردم، بناست که از ادامه و ترویج سودپرستی و

تجمل‌گرایی جلوگیری شود و زندگی سالم و سودآور، با امکانات مشروع بخش خصوصی تقویت گردد. هرکسی که فکر و ایده‌ی کار داشته باشد، ما به او میدان می‌دهیم. افراد اهل کار و تلاش می‌توانند در تولید و رونق کشاورزی یا صنعت، وارد میدان بشوند. کارهایی هم مثل تجارت خارجی که در آن سودهای سرسام‌آور و بی‌زحمت از راه تماس تلفنی سرازیر می‌شوند، به عهده‌ی خود دولت باشد، بهتر است. سود آن خودبه‌خود در خدمت همین کشور قرار خواهد گرفت. کارهایی که فکر، تلاش و جریزه لازم دارد، برای آن‌هایی بعاند که شوق توان تولید دارند. برنامه‌ریزی در صدر همه‌ی این اقدامات قرار می‌گیرد. ما باید بدانیم چه می‌خواهیم؛ از چه راهی، چه مقدار و تا چه مدت لازم است. امکانات زیرزمینی موجود باید کشف شده، به دست بهره‌برداری برسد. نیروهای انسانی که عظیم‌ترین منبع اصلی به حساب می‌آیند، باید به‌طور جدی در همه‌ی صحنه‌ها به کار گرفته شوند. مجلس در این جا نقش مهمی دارد. باید قوانین مناسب برای این حرکت را تنظیم بکند. اگر دولت توانست زمینه‌های آن را فراهم کند، ما تا حد زیادی به مقصود نزدیک می‌شویم، البته این حرف‌ها را باید شورای اقتصاد بزنند. آن‌ها در این مورد تخصص دارند. آن‌ها باید برنامه‌های مناسب در این زمینه‌ها را برای حرکت پیشنهاد کنند.

س: نقش مجلس شورای اسلامی را در تداوم و گسترش انقلاب چگونه می‌دانید؟

ج: خیلی زیاد؛ مجلس لنگر این انقلاب است. البته امام برای بیان این حرف یک شان دیگری دارند.

مجلس، جایی است که تعداد زیادی از نیروهای انسانی مورد قبول مردم با رأی و نظر خود آن‌ها، در آن متمرکز شده‌اند و با حضور و تماس مستقیم مردم، سرگرم قانون‌گذاری هستند. این مجلسی است که تمام حرکات نمایندگانش زیر نظر مردم است و هیچ مورد مخفی در کارشان نیست. جمع این نیروها، کلاه سرشان نمی‌رود. امکان ندارد بتوان این جمعیت بزرگ را منحرف کرد. اکثراً متدین، پاک و دلسوز هستند.

از طرف دیگر، مجلس محور انجام کارهای کلیدی و حساس مملکت است.

تصمیمات اساسی این کشور، در مجلس گرفته می‌شود. دولت در مجلس رأی اعتماد می‌گیرد. مجلس حق رأی، نظارت و تفحص را دارد. نمایندگان، واسطه‌ی بین مردم و مسؤولان اجرایی هستند. این‌ها، تنها بخشی از عوامل است که مردم را به این مرکز، مطمئن کرده است؛ به خصوص بعد از این‌که مجلس، شهدایی را تقدیم انقلاب کرد. دشمن علی‌رغم تمام سعی و تلاشی که برای تضعیف آن به‌کار برده بود، دقیقاً عکس آن را تحویل گرفت. توجهی مردم بیش از گذشته به اهمیت مجلس جلب شده است؛ چرا که جامعه‌ی ما، امروز متصف به شهیدپروری است، و مجلس نشان داد در این‌جا هم نماینده‌ی مردم است. به نظر می‌رسد، هرچه زمان می‌گذرد، ما به مفهوم عبارت و توصیف امام از مجلس بیشتر پی می‌بریم، امام فرمودند: «مجلس بالاترین ارگانی است که حرکت‌های این کشور را کنترل می‌کند.»

س: سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید چگونه باشد تا بتواند مردم تشنه‌ی اسلام را اشباع نموده، دوستان واقعی خود را بازشناساند؟ به عبارت دیگر، مشکلات سیاست خارجی جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف چیست؟ و راه‌حل‌های آن‌ها کدام است؟

ج: همان اصلی که در قانون اساسی در این‌باره آمده، مهم‌ترین ملاک عمل ما، در دنیا و ارتباط با دولت‌هاست. در هرکجای دنیا، نهضتی براساس حق و حقیقت، علیه جریان ناعاقی بایستد، این وظیفه‌ی اسلامی و انسانی ماست که از آن حمایت کنیم. نهضت‌های اسلامی برای ما، در صف مقدم نهضت‌های صحیح دنیا هستند. نهضت‌های آزادیخواه تا حدودی که آلوده نباشند، مورد حمایت ما قرار می‌گیرند. در حقیقت نهضت‌هایی که آلوده به الحاد، کفر، مارکسیسم و این‌چویر پیرایه‌ها نباشند، مورد حمایت ما قرار خواهند گرفت.

مشکل این‌جاست که این‌رویه مخفی نمی‌ماند و دولت‌ها نوعاً، با ما دشمن می‌شوند. ما متهم به دخالت در امور کشور می‌شویم. هم‌چنین خواهند گفت ما خواهان شورش و درگیری هستیم، و از این قبیل اتهامات مرسوم؛ که ما باید طوری حرکت کنیم که دخالت در امور داخلی کشورها به حساب نیاید، و در عین حال حامی این نهضت‌ها هم باشیم. مدافع حقوق محرومان در دنیا، و مخالف با تجاوزگر باشیم.

حالا چطور باید این مسأله را حل بکنیم؛ تا به حال تجربه‌هایی به دست آورده‌ایم و در آینده قطعاً بیشتر موفق خواهیم شد. باید با توجه به وضعیت موجود دنیا و امکاناتی که داریم، ضمن حفظ حریم جمهوری اسلامی، سیاستی را تمرین بکنیم که من فکر نمی‌کنم هنوز، فرمول آن مشخص شده باشد. بار اجرایی این کار، به عهده‌ی وزارت امور خارجه است.

س: اکنون بیش از یک سال از آغاز جنگ تحمیلی عراق با کشورمان می‌گذرد. آینده‌ی جنگ را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

ج: خیلی خوب! در حال حاضر، ابتکار عمل در میدان‌های جنگ به دست ماست. با محاسبه‌ی مجموع شرایط سیاسی - اقتصادی، هر جا که لازم باشد ضربه را می‌زنیم. حداقل باید در یک مرحله‌ی مناسب، جنگ را از خاک خود بیرون ببریم، و اگر بناسد جنگی در کار باشد، آن طرف مرزها و در خاک متجاوز ادامه یابد.

س: پس از پیروزی انقلاب، کشور به سوی خودکفایی کشاورزی و صنعتی حرکت کرده است. موفقیت‌های این حرکت را چگونه می‌بینید؟

ج: در حرف‌های قبلی‌ام کمی به این سؤال جواب دادم. توضیح بیشتر، احتیاج به فرصت بیشتری دارد.^(۱)

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با تلویزیون C.B.C آمریکا

(۱۸ بهمن ماه ۱۳۶۰)

س: اگر امکان دارد، برای مردم آمریکا، درباره‌ی نظام مجلس ایران توضیحاتی بفرمایید و بگویید که این مجلس، چه تفاوت‌هایی با پارلمان‌های غربی و مخصوصاً کنگره‌ی آمریکا دارد؟

ج: مهم‌ترین تفاوت مجلس ما با پارلمان‌های شما، این است که قانون‌گذاری ما در محدوده‌ی اسلام انجام می‌گیرد. این طور نیست که اکثریت، هرچه که خواستند، همان بشود. هیچ تصمیمی خارج از محدوده‌ی اسلام مطرح نمی‌شود؛ چرا که نظام ما، نظام اسلامی است. شاید در بقیه‌ی موارد، خیلی چیزهای آن، شبیه پارلمان‌های غرب باشد؛ مثلاً انتخابات ما مبتنی بر رأی مردم است، یا کیفیت اداره‌ی مجلس، تقریباً مثل پارلمان‌های غربی است با یک تفاوت اساسی؛ در این جا هیچ حزبی، نمایندگان را محدود نمی‌کند. اجباری نیست که طبق خواسته‌ی احزاب رأی بدهند. با شناخت معیارهای اسلامی، نمایندگان آزادند در مسائلی که مطرح می‌شود، رأی مناسب را بدهند. به غیر از این‌ها، تفاوت عمده‌ی دیگری با پارلمان‌های غرب نداریم.

س: از نظر ایران، جنگ با عراق چگونه پیش می‌رود؟ در ضمن، شما فکر می‌کنید جنگ چه موقع خاتمه پیدا کند؟

ج: به نظر من، جنگ در ایران، ماه‌های آخر عمرش را می‌گذراند. سرنوشت جنگ را نیروی زمینی باید تعیین بکند. عراق، فعلاً در زمین، قدرت تحرک ندارد. در مقابل ارتش، سپاه و بسیج، عملاً قدرت تصمیم‌گیری و تحرک از عراق سلب شده است. من فکر می‌کنم، با وارد کردن چند ضربه‌ی دیگر - از همان ضربه‌های شرق کارون - عراق نمی‌تواند به‌حضور خود در خاک ما ادامه بدهد.

این مقدار نیرویی هم که در ایران دارد، یا تسلیم خواهند شد، یا فرار را برقرار ترجیح خواهند داد!

س: به عقیده‌ی شما، آیا پایان جنگ در عراق، با قیام ملت عراق، یا یک کودتای نظامی انجام می‌پذیرد؟

ج: بعد از وارد کردن چند ضربه‌ی قاطع و اساسی در چند جبهه‌ی مهم به عراق، آن‌گاه می‌توان پیش‌بینی کرد، که چه خواهد شد. اگر صدام تسلیم شود، چون در مقابل ملت عراق و دنیای عرب، جوابی ندارد، طبعاً نمی‌تواند به‌حکومتش ادامه بدهد. اگر هم تسلیم نشود، شکست در جنگ کافی است که به پایان دوران حکومتش نزدیک شود. صدام این جنگ را برای تحکیم حکومت خودش راه انداخته بود. به هر حال، با شکست عراق، واضح است که زمینه‌ای برای ادامه‌ی حکومت صدام باقی نمی‌ماند. وقتی که جنگ برای عراق، نتیجه‌ی معکوس داشته باشد، ملت عراق دیگر دلیلی برای تحمل حکومت صدام ندارند. غیر از این، من نمی‌توانم به احتمال بروز کودتا یا قیام علیه صدام، تکیه بکنم. بعد از پیروزی، هرچه باید اتفاق می‌افتد.

س: مسأله‌ی اصلی که امروز در ایران مطرح شده، تقسیم عادلانه‌ی ثروت است. گویا لایحه‌ای نیز به همین منظور برای تقسیم زمین و اصلاحات ارضی، به مجلس آورده شد. اگر ممکن است قدری پیرامون این لایحه توضیح بدهید؟

ج: برنامه‌ی ما در انقلاب اسلامی مبتنی بر حذف بخش خصوصی نیست. ما که به طرف سوسیالیسم - کمونیسم پیش نمی‌رویم. آن چه مهم است، توقیف ثروت‌های

حرامی است که در دست عده‌ی معدودی جمع می‌شود، البته نباید این عمل به راه‌اندازی سرمایه‌داری از نوع غربی تعبیر شود. اگر ما بتوانیم با ایجاد زمینه‌ای، از تجمع ثروت‌های نامشروع در آینده جلوگیری کنیم، گام عمده‌یی در تقسیم عادلانه‌ی ثروت برداشته‌ایم. این سرمایه‌های نامشروع که اغلب بی‌هیچ زحمتی انباشته شده‌اند باید در تولید، توسط بخش‌های خصوصی به کار گرفته شود.

اصلاحات ارضی هم قبلاً در شورای انقلاب تصویب شده بود و چیز تازه‌ای نیست. بخشی از آن عمل شده و چون مشکلاتی در ادامه‌ی کار ایجاد شد، مجلس در صدد است هرچه زودتر کار از سر گرفته شود. موارد دیگر شبیه به این هم داریم. تجارت خارجی که وسیله‌ای برای ثروت‌اندوزی بی‌حد و حصر عده‌یی فرصت‌طلب شده است، باید تحت اختیار قانون، صرف کارهای ملی بشود.

هم‌چنین در نظام تولید، برای کارخانجات و سایر قطب‌های پول‌ساز، چنین برنامه‌هایی خواهیم داشت تا در آینده جلوی غارت مردم و استثمار و دزدی اموال عمومی گرفته شود. هرچه دزدی شده باشد به شکل قانونی پس می‌گیریم و این سیاست کلی ماست.

س: شما راجع به تروریست‌های اقتصادی، مطالبی را بیان فرمودید. آیا مطالبی که گفته شد این نظریه را تقویت نمی‌کند که غرب به سرکردگی آمریکا، در حین راه‌اندازی جنگ اقتصادی علیه ایران است؟

من، تعبیر جنگ را در مورد مسایل اقتصادی زیاد صحیح نمی‌دانم. در واقع تا این حد نیست که بتوان اسم آن را جنگ گذاشت. در این که معمولاً اقتصاد حربه‌ی معمولی غرب برای وارد کردن فشار به ملت‌های خواهان استقلال بوده، شکی نیست. محاصره‌ی اقتصادی و بلوکه کردن اموال ما، در آمریکا و اروپا، از جمله‌ی همین سیاست‌ها است. با این حال، به نظر من، در کشوری مثل ایران که راه‌های مختلف برای تداوم کار شریان‌های اقتصادی وجود دارد، این حربه‌ها تأثیری ندارد. برای ما، ده‌ها راه، جهت تأمین مایحتاج اقتصادی از کشورهای غیرمتعهد، بلوک شرق و کشورهای آزاد وجود دارد.

س: اخیراً، امام خمینی تبلیغات ایران در خارج را ضعیف دانسته‌اند، نظر شما چیست؟
ج: واقعیتی مسلم است! به دو جهت، اولاً: تبلیغات شدید مراکز تبلیغی غرب علیه ما، با در دست داشتن صحنه‌ی ارتباطات جهانی، مسلماً بر هرکار تبلیغی دیگر می‌چربد. ثانیاً: سفارت‌خانه‌ها و رایزن‌های فرهنگی ما، در خارج از کشور به دلیل فعال نبودن وزارت امور خارجه‌ی کشورمان فعالیت نداشته‌اند.

تنها تبلیغات ما را، جوانان مخلص و مسلمانان به‌عهده گرفته‌اند که ارتباطی هم با ما ندارند و تنها ندای حقیقت را در گوشه و کنار دنیا فریاد می‌زنند. بنابراین، می‌بینید که این‌ها هیچ کافی نیستند. امیدواریم زودتر بتوانیم برای رفع این مشکل بیشتر بکوشیم.
س: شما به رسانه‌های گروهی خارج اشاره کرده‌اید؛ به عقیده‌ی شما در آینده، آمدن مخبرین خارجی نظیر ما به ایران، چگونه خواهد بود؟

ج: ما مخالف آمدن شما نیستیم، بلکه ما همواره پذیرای مخبرینی هستیم که واقعاً می‌خواهند برای دریافت حقایق و انعکاس درست آن‌ها در رسانه‌هاشان به این‌جا بیایند. و علاوه بر این‌که ما همیشه از حقیقت استقبال می‌کنیم، می‌خواهیم تا اگر نقاط ضعفی داریم، در همین انعکاس خبرها، آن‌ها را به‌خوبی دریافته و به‌اصلاحشان همت گماریم. نقاط قوت انقلاب هم برای اصلاح مردم، بد نیست؛ منتها ما گاهی خاطره‌های بدی از مخبرین خارجی داریم. خیلی از آن‌ها با سوءنیت، گزارش‌ها را منعکس کردند. اگر این اعمال ناشایست در کار نباشد، دلیل ندارد که ما از حضور مخبرین بترسیم یا بدمان بیایند. برعکس، استقبال هم می‌کنیم. خبرنگاری که حقایق را به‌درستی منعکس کند، شرافت دارد. حالا چه آمریکایی باشد چه از هر جای دیگر.

س: در هر انقلابی، معمولاً بعضی از ارگان‌ها به‌علت‌های مختلف از قدرتشان سوءاستفاده می‌کنند. به‌نظر می‌آید، برخی معتقدند باید سپاه پاسداران قدرتش محدود شود. گویا یک لایحه‌ای هم در این مورد تقدیم مجلس شده است. نظر شما راجع به این لایحه چیست؟

ج: من به این اصل که معمولاً در انقلاب‌ها قشری که بیشتر خدمت کند، ممکن است بیشتر قدرت بگیرد، معتقدم. در انقلاب ما هم، سپاه، نهاد محبوب و مقتدری است. به این علت که نیروهایش بی‌دریغ، در نثار جان خود برای انقلاب حاضر و آماده‌اند.

در حال حاضر هم علی‌رغم این‌که سپاه مسؤلیتی در جنگ به‌عهده‌اش نیست، اما نیروهای زیادی را در جنگ شرکت داده است. در داخل هم، شکست ضدانقلاب تا حدود زیادی مرهون جانفشانی‌های سپاه پاسداران است. خدمات فرهنگی و تبلیغاتی سپاه نیز، فعالیت کوچکی نیست و ارزش فراوانی دارد. بخشی از بهترین جوان‌های ما، همواره در سپاه، آمادگی جانفشانی بوده‌اند؛ طبعاً این‌ها چون در همه‌ی صحنه‌ها حضور دارند، قدرشان بیشتر به‌چشم مردم می‌آید، البته مردم نیز استقبال می‌کنند. لایحه‌ای که الآن در مجلس برای سپاه هست، اساسنامه‌ی این نهاد عزیز می‌باشد. طرحی نیست که ما برای محدود کردن سپاه آورده باشیم. اساسنامه‌ی است که خود سپاه برای قانونی کردن نظام مدیریتی به‌مجلس آورده تا ما بررسی کنیم. سپاه، یک اساسنامه‌ی مختصری هم از قبل داشته که برای گستردگی امروز کافی نیست. به‌نظر ما، سپاه یک نهاد قدرت طلب نیست، بلکه نهاد شهادت طلبی است. هرگز دلیلی برای محدود کردن آن نمی‌بینیم. سپاه از مردم عادی تشکیل شده و اصولاً قدرت زیادی ندارد که بخواهیم محدود بکنیم. مسؤلیت سپاه، مبارزه با ضدانقلاب است.

س: در مجلس، چهار نماینده‌ی زن وجود دارد. به‌عقیده‌ی جناب‌عالی، آینده‌ی زنان برای شرکت در سیاست ایران چگونه است؟

ج: از نظر اسلام، در این‌جهت هیچ مانعی وجود ندارد. ما براساس لیاقت و صلاحیت کار می‌کنیم. اگر خانم‌ها بتوانند در مجلس یا مسؤلیت دیگر لیاقت بیشتری از خودشان نشان بدهند، طبعاً در آینده، میدان برای آن‌ها وسیع‌تر می‌شود. البته مشاغل فراوانی برای زنان در انقلاب اسلامی وجود دارد. کارهای آموزشی، تحقیقاتی، اداری و از این قبیل در جامعه هست که زنان می‌توانند دوش به‌دوش مردان در آن‌ها مشغول به‌کار باشند، البته معززترین و مهم‌ترین وظیفه‌ی زنان را ما، در اداره‌ی خانواده می‌دانیم. در نظام و شرع مقدس اسلام، اساس اجتماع را خانواده تشکیل می‌دهد، و خانم‌ها در این‌بخش اصلی جامعه، بهترین نقش را ایفا می‌کنند. به‌رحال، از لحاظ کلی راه برای خانم‌ها باز است.

س: بسیاری از رسانه‌های گروهی در غرب معتقدند ایران به‌وسیله‌ی یک‌گروه مرتجع

بنیادگرا و قرون وسطایی اداره می‌شود. به عقیده‌ی شما، چرا در آن‌جا به‌طور وسیعی این تصور پخش شده است؟ دیگر این‌که، سفیر سابق ایران در سازمان ملل - که آقای فرهنگ از افراد نزدیک به بنی صدر بوده - به یکی از دوستانش گفته: «وقتی که روحانیون ایران همکاری خود را با کمپانی‌های چندملیتی و خیلی قدرتمند خارجی شروع کنند، پای آن‌ها دوباره به ایران باز می‌شود.» نظر شما در مورد این دو موضوع چیست؟

ج: در مورد اولی باید بگویم: این شیوه‌ی تبلیغاتی، تازگی نداشته و ندارد. ریشه‌اش به‌زمان شاه برمی‌گردد. زمانی که روحانیت با شاه مبارزه می‌کرد، شاه دو شیوه برای دفاع از خود داشت؛ یا آن‌ها را متهم به کمونیسم می‌کرد و یا این‌که مرتجع می‌خواندشان. می‌گفتند: دشمنان شاه یا باید کمونیست باشند، یا مرتجع. حالا هم که به‌مانی‌توانند بگویند کمونیست؛ چون می‌دانند حرف ما روی دین اسلام و خداست، طبعاً آن یکی را باید بگویند. البته بهانه‌ی خوبی هم دستشان است. از آن‌جا که اسلام تاریخ هزار و چهارصد ساله‌ی پشت سر دارد، بنابراین می‌توانند تأکید ما بر مسائل اسلامی را متهم به واپس‌گرایی و ارتجاع کنند.

در مورد اظهارات آقای منصور فرهنگ، باید بگویم: قضاوت نادرستی کرده. ما همیشه با همه‌ی وجودمان با کمپانی‌های مذکور که خونخوارترین مراکز بین‌المللی جهان هستند، مخالفت کرده‌ایم. ما با هر نوع استعمار، چه از خارج و چه از داخل مخالفت می‌کنیم. البته اگر منظور آن‌ها اشاره به برقراری ارتباط بین‌المللی است، باید بگویم که ما تمایلی به قطع این روابط نداریم. ما خواهان روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سالم و مستقل با همه‌ی دنیا هستیم.^(۱)

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با روزنامه‌ی کیهان

(۱۸ بهمن ماه ۱۳۶۰)

س: طی دیدار با هیأت میانجی برای خاتمه‌ی جنگ تحمیلی، به چه نتایجی رسیدید؟

ج: مسائل فراوانی مطرح شد که بی نتیجه نبود؛ اما به هر حال، مسائل زیادی هم باقی ماند. همان طور که ملاحظه کردید، مدت پنج ساعت مذاکره کردیم. یکی دو ساعت از این مدت، جلسه‌ی عمومی داشتیم. بعد آن‌ها گفتند: «ما مطالبی داریم که می‌خواهیم در جلسه‌ی خصوصی بگوییم.» موافقت کردیم تا جلسه‌ی خصوصی تشکیل شود. در جلسه‌ی خصوصی هم بیش از دو ساعت، مذاکره به طول انجامید. بیشتر حرف‌ها به سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه رد و بدل می‌شد.

به هر حال، مذاکرات فشرده و شتاب‌زده‌ای بود. اگرچه هنوز حرف‌های زیادی باقی مانده، اما حرف‌های گفته شده‌ی زیادی بی نتیجه نماند. ادامه‌ی بحث را به جلسات بعد موکول کردیم.

در جلسه‌ی خصوصی، ما نکات زیادی را کشف کردیم. خوشبختانه! صریح و بی‌پرده بحث کردیم. حرف‌های صدام را برای ما عیناً نقل کردند. برای همین دانستیم

که صدام خواهان صلح نیست. حزب بعث، هستی خود را در گروی نتیجه‌ی این جنگ می‌بیند. با این‌که به‌این نتیجه رسیده که در جنگ امتیازی به‌دست نمی‌آورد، اما تلاش می‌کند تا بلکه چیزی به‌عنوان امتیاز بگیرد. صدام اگر از این جنگ امتیازی به‌دست نیاورد، هیچ وسیله‌ای برای توجه‌ی مردم عراق در دست ندارد؛ مثلاً در صحبت‌هایش گفته، ایران در قرارداد الجزایر به‌عراق در مرزهای زمینی امتیاز داده است. یا این‌که عراق پذیرفته که در باره‌ی شط‌العرب مذاکره بکند. یا مثلاً مطرح کرده، آتش‌بس را قبول می‌کنیم، اما پیش از این‌که نیروهایش بیرون بروند، باید مذاکره بشود. و خلاصه از این قبیل ادعاها. البته، هیأت میانجی این حرف‌ها را قبول نداشت. اول آتش‌بس، بعد خروج نیروها و در آخر مذاکره انجام بگیرد. ما و هیأت میانجی به‌این نتیجه رسیدیم، عراق بدون فشار حاضر به‌تسلیم نیست.

س: سکوت آقای سکوت‌توره را در این جلسات، چطور ارزیابی می‌کنید؟

ج: شاید فشار از دید ما و آن‌ها دوجور باشد. ما معتقدیم این فشار را باید کشورهای خواهان صلح به‌صدام بیاورند. به‌جای این‌که به‌عراق کمک کنند، به‌او فشار بیاورند. فشار ما، همین کاری است که رزمندگان در جبهه‌ها می‌کنند. فشار نظامی را ما می‌آوریم. فشار سیاسی و اقتصادی را دیگران بیاورند.

خوشبختانه، این‌ها به‌همان نتیجه‌ای که ما رسیده‌ایم، رسیده‌اند. ضمن این‌که در صحبت‌هایشان هیچ اعتراضی به‌خواسته‌های ما نداشتند، از ما می‌خواستند که گذشت کنیم. بعضی دیگر می‌گفتند: شما به‌حق می‌گویید عراق باید بیرون برود، خسارت بپردازد و مجازات شود. این‌که آوارگان عراقی باید به‌شهر و کشورشان برگردند، همه را پذیرفتند؛ ولی می‌گفتند: «اگر شما امتیاز بدهید، عراق هم امتیاز می‌دهد». ما به‌شدت رد کردیم. گفتیم ما جنگ را شخصی نمی‌دانیم که بخواهیم امتیاز بدهیم. به‌طور کلی هم در سطح جهانی، و هم در سطح منطقه، صحیح نیست که به‌متجاوز امتیاز داده شود. به‌علاوه ما لازم می‌دانیم که متجاوز حتماً تنبیه بشود. خلاصه تا حدی با توضیحات ما قانع شدند. گفتند: عراق می‌گوید، ما در دوران ضعف به‌قرارداد الجزایر تن دادیم. ما گفتیم: اصلاً چنین نبوده، اتفاقاً در آن‌زمان، شاه تحت فشار

مبارزات داخلی بود. امام در آن زمان نجف بودند. رادپوهای بغداد علیه ایران فشار می آوردند. شاه در زمین به عراق امتیاز داد، برای این که به آن صلح نیاز داشت. همان امتیاز باعث شد انقلاب، چند سال به تأخیر بیفتد. روی هم رفته، همان طور که در اول صحبتیم گفتم، ما به این نتیجه رسیدیم که عراق برای گرفتن هرگونه امتیازی حیاتی است. اگر بدون امتیاز از مرزها برگردد، خطر سقوط، دولت بعث را تهدید می کند. واسطه ها هم به این نتیجه رسیدند که اگر قرار است از ما چیزی بخواهند، صرفاً باید از ما گذشت را بخواهند. ما هم چیزی برای گذشت نداشتیم. در عین حال گفتیم که می توانند مذاکرات را ادامه بدهند. قرار شد آقایان میانجی، حرف های ما را برای طرح به کنفرانس اسلامی ببرند. و اگر در زمینه ی حرف های ما مطلبی گفته شد، برگردند یا پیغام بدهند.

س: لطفاً نکات مهم در مذاکرات فوق را برای ما بفرمایید.

ج: همان طور که گفتم، اولین نکته، عقیده ی مشترک ما و هیأت میانجی در مورد اعمال فشار به عراق بود.

دوم این که: هیأت میانجی، معتقد بودند ما نباید به هیچ وجه قبل از خروج نیروهای متجاوز، حاضر به مذاکره با عراق بشویم. خروج عراق حتی بیش از مذاکره را حق می دانستند و در مورد خسارت هیچ پیشنهاد مشخصی ندادند. برگشتن آوارگان عراقی به خاک عراق هم، اصلاً مورد اشاره قرار نگرفت. پیشنهاد می کردند ما برای شط العرب، حاضر به مذاکره با عراق بشویم.

در واقع، بیشتر از این که بخواهند قضاوتی بکنند، خواست عراق را مطرح می کردند. هم چنین از ما می خواستند از موضع خودمان بگذریم.

س: با توجه به مذاکرات اخیر، سرنوشت جنگ را چگونه ارزیابی می کنید؟

ما از همان روز اول جنگ، اعلام کردیم راه کشور ما به روی هرکسی که می خواهد حرف ما را بشنود، باز است. هر هیأتی که برای مذاکره بیاید، ما حرفی جز حرف حق نداریم. می گویم دنیا تسلیم این تبلیغات عوام فریبانه ی صدام نشود که او صلح طلب است و ما جنگ طلب. هرکس تا به حال این جا آمده، از این که ما چیز زیادی

نمی‌خواهیم قانع شده است. آقایان، حسن نیت داشتند و واقعاً برای خاتمه‌ی جنگ تلاش می‌کردند؛ منتها اشتباهشان این است که گذشت را از مظلوم توقع دارند. اگر بپذیرند که باید به عراق فشار وارد شود، باید اقدام جدی به عمل آوریم.

س: آیا می‌توانیم سرنوشت جنگ را هرچه زودتر در جبهه‌ها معین بکنیم؟

ج: در مورد جنگ، نظر من این است که ما می‌توانیم حقان را با قدرت بگیریم. همین مقدار هم که دنیا تا حدی قانع شده، به خاطر پیشرفت‌هایی است که ما در جبهه‌ها داشته‌ایم. من فکر می‌کنم رزمندگان ما، در جبهه و پشت جبهه، بیش از هرچیز، باید متکی به قدرت و نیروی خودشان باشند. دنیا، امروز طرفدار مظلوم نیست، بلکه با تئوری قدرت، حرکت می‌کند. البته بخشی از ملت‌ها طرفدار مظلومند، اما جریان کلی حرکت دولت‌ها، این‌طور نیست. من در همین‌جا اعلام می‌کنم نیروهای رزمنده‌ی ما در جبهه‌ها باید با پیروزی‌هایی که به دست می‌آورند، صدام را وادار به تسلیم کنند. به نظر می‌رسد راهی غیر از این وجود ندارد. ضمن این‌که هیأت‌های صلح، سازمان ملل، کنفرانس غیرمتعهدها، کنفرانس اسلامی، گروه‌ها و شخصیت‌ها و خلاصه همه‌ی آن‌ها که خواستار صلح ما هستند، در این‌راه حرکت می‌کنند، ما از پذیرش حرف حق هم، ترسی نداریم.^(۱)

سیری در جنگ ایران و عراق و روابط ایران و عراق با غرب

با انقلاب اسلامی ایران تمامی معادلات استراتژیکی منطقه در هم ریخت. شاه، متحد اصلی و عمده آمریکا در خلیج فارس، یک شبه از صحنه کنار زده شد و در افق سیاسی منطقه هم کسی که بتواند چون او منافع آمریکا در منطقه را تضمین نماید، وجود نداشت. دولت کارتر در اوایل انقلاب کوشید، رهبران مذهبی را به ادامه همکاری امنیتی با ایالات متحده تشویق نماید، اما بامداد روز چهارم نوامبر ۱۹۷۹ (۱۳ آبان ۱۳۵۸) هنگامی که ۳۰۰ دانشجوی ایرانی از دیوارهای سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران بالا رفتند و به نام مبارزه با امپریالیسم، سفارتخانه را در اشغال خود گرفتند، هرگونه توهم نسبت به همکاری انقلابیون ایران بی رحمانه بر باد رفت. ایران انقلابی، دشمن آمریکا بود؛ از آن بدتر این که ایران به تحریک شیوخ محافظه کار سرزمین های نفت خیز حاشیه خلیج فارس پرداخت و ترس واقعی از موج اسلامی در غرب، همه جا را فراگرفت. این موج می توانست ثبات منطقه و مخازن نفتی غرب را در معرض تهدید جدی قرار دهد.

با این رویدادها، عراق از زاویه ای تازه ای مورد تحلیل قرار گرفت. تحلیل گران وزارت امور

خارجی آمریکا می‌گفتند: صدام حسین یک ضدکمونیست دوآتشه است. به‌هنگام تهاجم شوروی به افغانستان در روز ژانویه ۱۹۷۹، صدام همگام با کشورهای محافظه‌کار عرب، تجاوز به افغانستان را محکوم کرد. از آن بالاتر این‌که صدام به تحکیم مناسبات دوستانه با عربستان سعودی، تنها دوست باقیماندهی آمریکا در خلیج فارس پرداخته بود. در ۲۵ مارس ۱۹۸۰، صدام حسین یک پیمان ضدشوروی یا عربستان سعودی امضا کرد. این پیمان در حمایت از یمن شمالی - همسایه‌ی عربستان - بود که می‌خواست شورش کمونیستی مورد حمایت شوروی و نشأت‌گرفته از یمن جنوبی را سرکوب نماید. صدام به‌موجب این پیمان، تهدید کرد ارتش عراق در «آزاد کردن یمن جنوبی از عوامل کمونیستی و اریابانشان» کمک کند. در آن‌هنگامه‌ی پرآشوب، پیمان عراق - سعودی، تنها خبر خوش منطقه بود که وزارت امور خارجه به اطلاع کارتر رسانید.

بزرگ‌ترین نگرانی کارتر و مشاور امنیتی‌اش زیگیو برژینسکی آن بود که شوروی، ایران را اشغال کند. در آوریل سال ۱۹۸۰، بنابه شواهد روشن، مسلم شود که اشغال سفارت آمریکا، توسط عوامل اطلاعاتی شوروی طرح‌ریزی شده و هدف از آن، سرنگونی دولت معتدل و میانه‌رو مهندس مهدی بازرگان بوده است. این دولت از زمان سرنگونی شاه در ایران، بر سرکار آمده بود. شواهد موجود نشان می‌دهند که شوروی در آن‌هنگام امیدوار بود، رژیم ایران را به‌حدی رادیکالیزه کند که روحانیون طرفدار شوروی بتوانند سدّ راه عادی‌شدن روابط ایران و ایالات متحده‌ی آمریکا بشوند. به‌دلیل چنین وضعیتی، و نیز به‌دلیل تهاجم شوروی به افغانستان و حمله‌ی یمن جنوبی (تحت حمایت شوروی) به یمن شمالی، دولت کارتر نگران شد که مبادا این اقدام‌های هماهنگ شوروی به‌هدف برهم زدن موازنه‌ی قدرت در منطقه طرح‌ریزی شده باشند. به‌اعتقاد برژینسکی، شوروی می‌خواست به‌هدف دیرین خود یعنی دستیابی به آب‌های گرم خلیج فارس از طریق ایران، افغانستان و بلوچستان برسد. از نظر مشاور کارتر که جزو عقاب‌های کاخ سفید و مخالف سیاست نرمش در برابر شوروی بود، این وضعیت یک کابوس استراتژیک به‌حساب می‌آمد.

ایالات متحده، هرچند در این زمان با بغداد روابط دیپلماتیک نداشت (عراق به‌دنبال جنگ شش‌روزه‌ی اعراب و اسرائیل در ژوئن ۱۹۶۷، روابط خود را با آمریکا قطع کرد)، اما از

اواسط سال ۱۹۸۰ به بعد، برژینسکی صدام را نیروی متعادل کننده‌ی آیت‌الله خمینی و قدرتی تلقی می‌کرد که مانع توسعه طلبی شوروی در منطقه است. تمایلات دوستانه‌ی آمریکا نسبت به صدام از همین جا آغاز گردید، درست همان گونه که جنگ سرد وارد مرحله‌ی تازه‌ای می‌شد. از این تغییر سیاست آمریکا نسبت به عراق، در بغداد به گرمی استقبال شد، البته دلایل صدام با دلایل مشاوران کارتر کاملاً فرق داشتند. صدام حسین معتقد بود که اگر آمریکا نقش عراق را به عنوان کنترل کننده‌ی ایران تدریجاً و بنیادگرا بپذیرد، او رهبر مقبول دنیای عرب خواهد شد و به هدف‌های جاه طلبانه‌اش خواهد رسید. مصر از جامعه‌ی عرب کنار گذاشته شده بود، سوریه هم با مشکل لبنان دست و پنجه نرم می‌کرد؛ پس عراق تنها نامزد تاج و تخت امپراتوری عرب می‌شد. صدام برای نیل به این هدف که به هر حال او را رویاروی اسرائیل قرار می‌داد، مایل بود تاکتیک‌های خود را با برداشتی که از مقتضیات و خواست‌های آمریکا خاصه در رابطه با ایران داشت، دم‌ساز نماید.

صدام، یک حساب قدیمی با ایران در مرزهای جنوبی داشت که می‌خواست در فرصتی مناسب به حل و فصل آن بپردازد، زیرا او هرگز با قراردادی که در ۱۹۷۵ با شاه ایران منعقد کرد، موافق نبود. او حساب کرده بود که وقت آن رسیده که سرزمین‌های واگذار کرده را باز پس گیرد و شاید هم طی یک اقدام برق‌آسای نظامی، بتواند رژیم ضدآمریکایی تهران را سرنگون سازد. صدام تردیدی نداشت که در صورت حمله‌ی عراق به ایران، ایالات متحده از اقدام جنگی وی حمایت خواهد کرد. به اعتقاد صدام، کنار زدن آیت‌الله خمینی، آشکارا به سود آمریکا بود و آمریکا و عراق در بسیاری از زمینه‌ها نفع مشترک داشتند. حالا زمان از سرگیری مناسبات عراق با واشنگتن و حرکت سریع به سوی همکاری استراتژیکی علنی و صریح بود. سناتور استفن سولارز، نخستین شخصیت خارج از دولت کارتر بود که پی برد دولت ایالات متحده تا چه حد به اتحاد استراتژیک با عراق نزدیک شده است. سولارز، در دیدار سال ۱۹۸۲ از بغداد، با صدام حسین ملاقات کرد و صدام دلایل عراق را در ایجاد پیوندهای مستحکم‌تر با واشنگتن برایش تشریح نمود. او چند ماه قبل از اعلان جنگ به ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ گفت که وی با شورای فرماندهی انقلاب عراق تمامی مسائل مربوط به مناسبات با ایالات متحده را مورد بازبینی قرار داده است. او به سولارز گفت: «من فکر کردم این درست

نیست که عراق به عنوان کشوری غیرمتعهد و مستقل با یکی از دو ابرقدرت جهان رابطه نداشته باشد. و بعد جنگ آغاز گردید و فکر مطرح کردن مسأله در شورای رهبری به کنار نهاده شد.»
صدام دوست نداشت چنان وانمود شود که به هنگام نیاز، دست کمک به سوی آمریکا دراز کرده است.

با عطف توجه بغداد به سوی واشنگتن و تمایلات دوستانه‌ی واشنگتن به بغداد، حالا دیگر راه برای دیدار مقامات دو کشور هموار شده بود. برای نخستین بار در تاریخ حزب بعث عراق، یکی از نمایندگان آن حزب با یک مقام رسمی دولت ایالات متحده دیدار کرد. فکر مذاکره‌ی محرمانه‌ی مقامات عالی‌رتبه‌ی دو طرف، از ابتکارهای برژینسکی بود. به نوشته‌ی نیویورک تایمز و اظهارات یک ایرانی مقیم خارج از کشور، برژینسکی به امان پایتخت اردن رفت و با رهبر عراق در نخستین هفته‌ی ماه ژوئیه‌ی سال ۱۹۸۰، محرمانه دیدار کرد. به نوشته‌ی این روزنامه، هدف از این دیدار بحث و مذاکره پیرامون راه‌های هماهنگ کردن فعالیت‌های آمریکا و عراق «و مخالفت یا سیاست‌های ایران» بود. اگر هدف دیدار واقعاً این بوده است، باید گفت اجلاس، در حکم یک شورای جنگی بوده است.

برژینسکی و دستیاران پیشین او، هر نوع دیدار رویاروی با صدام را انکار می‌کنند، اما صدام برای نشان دادن و به رخ کشیدن اهمیت خویش، از این موضوع بهره‌برداری کرده است. در هر حال، برژینسکی در سفری به اردن با ملک حسین دیدار نمود و احتمال دارد با یکی از فرستادگان بلندمرتبه‌ی عراقی، در مورد احتمال وقوع جنگی بین ایران و عراق و نظر آمریکا در این باره مذاکره کرده باشد. در بغداد، چنان دیداری به منزله‌ی چراغ سبز آمریکا به عراق در مورد جنگ با ایران تلقی شد. گاری سیک، مشاور پیشین برژینسکی در مصاحبه‌ای گفت: «شکی در این نبود که قلب برژینسکی برای کدام طرف می‌تپد؛ انقلاب اسلامی منافع آمریکا در منطقه را تهدید می‌کرد و یک عراق قدرتمند می‌توانست جلوی آرزوهای توسعه‌طلبانه‌ی (آیت‌الله) خمینی را سد کند.

برژینسکی عمداً این تلقی را در صدام به وجود آورد که آمریکا در مورد تهاجم عراق به ایران به او چراغ سبز نشان داده است، چون هیچ چراغ قرمز آشکاری در مورد تهاجم به صدام نشان داده نشد. اما اگر گفته شود آمریکا از قبل توطئه‌چینی و برنامه‌ریزی کرده،

درست نیست. صدام برای تهاجم به ایران دلایلی داشت و همین‌ها کافی بودند.

مذاکرات برژینسکی با ملک حسنین یک نکته را در سیاست ایالات متحده روشن می‌کرد، این کشور در منطقه به دنبال شرکای جدیدی می‌گشت که بتوانند امنیت خلیج فارس را حفظ کنند. و به‌رغم نگرانی آمریکا در مورد برنامه‌ی هسته‌ای عراق و رشد سریع قدرت نظامی صدام حسین، باز بغداد بهترین نامزد تأمین این خواست آمریکا بود. از نظر یک استراتژ سرسخت مثل برژینسکی این یک اقدام خطیر بود که به‌ریسک کردنش می‌ارزید. خاصه این‌که مسأله‌ی گروگان‌ها در تهران هنوز حل نشده بود و انتخاب ریاست جمهوری [آمریکا] هم در ماه نوامبر در پیش بود.

صدام، ایالات متحده را «شیرینی‌فروشی بسیار بزرگی می‌دید که پر از شیرینی‌هایی از تکنولوژی پیشرفته و بزرگ‌تر است.» این نظر یکی از دیپلمات‌های آمریکایی مقیم بغداد بود. هدف صدام از برقراری و تقویت مناسبات عراق با واشنگتن دستیابی به تکنولوژی پیشرفته‌ای بود که در تمامی جنگ‌های اعراب و اسرائیل، موجب برتری اسرائیل شده بود. او فکر می‌کرد باید حسن نیت برژینسکی در مورد عراق را محک بزند تا بداند آمریکایی‌ها در مورد تحکیم مناسبات، واقعاً جدی هستند یا نه. آزمایش صدام آن بود که به آمریکاییان پیشنهاد خرید سلاح و جنگ‌افزار بدهد. او می‌خواست آن‌ها را هم در مقاطعه‌های تسلیحاتی اروپاییان یا عراق شرکت دهد. نخستین تلاش عراق در «خریدن آمریکایی» درست هنگامی صورت گرفت که بر میزان تنش‌های ایران و عراق افزوده می‌شد.

عراق در حال مذاکره برای خرید یک ناوگان کامل جنگی و پیشرفته از ایتالیا به‌ارزش ۲/۶ میلیارد دلار بود. چهار کشتی ۲۵۰۰ تنی از نوع لوپو، شش رزم‌ناو ۶۵۰ تنی از نوع اسد، یک کشتی باری ۸۷۰۰ تنی و یک لنگرگاه شناور ۶۰۰۰ تنی، جزو این سفارش بود. با این ۱۱ کشتی، خدمات کامل بندری، موشک‌ها، تجهیزات الکترونیکی، رادار، نگهداری، و تربیت پرسنل نیز همراه بود. مقرر شد ۱۲۰۰ افسر نیروی دریایی عراق در ایتالیا دوره ببینند. شرکت ایتالیایی «فینسانتیری ناوالی ریوتی» از جنوا، توانست با پایین آوردن قیمت مناقصه به‌میزان ۲۰۰ میلیون دلار، رقبای فرانسوی را شکست دهد. به پیشنهاد شوروی‌ها ترتیب اثری داده نشد.

این ترجیح دادن ایتالیا بر فرانسه و شوروی یک دلیل استراتژیک داشت نه دلیل فنی. عراق می‌خواست بر تعداد فروشندگان سلاح بیفزاید و بدین ترتیب باشگاه حامیان بین‌المللی خود را توسعه و تقویت نماید. صدام معتقد بود با چنان قراردادی دولت و جامعه‌ی سوداگر ایتالیا نیز بر حامیان عراق افزوده خواهند شد. حال که ایدئولوژی صدام نتوانسته بود حامیانی در سطح جهانی برای این کشور دست و پا کند (زیرا تنها گروه‌های کوچک ثوفاشیست و ضدآمریکایی آلمان و فرانسه هوادار ایدئولوژی صدام بودند) پس تنها راه، خریدن این حمایت بود.

وزارت دفاع عراق - به‌رغم بی‌میلی ایتالیایی‌ها - اصرار داشت که ناوگان ایتالیایی خریداری شده به‌موتورهای توربین گازی جنرال الکترونیک آمریکا مجهز گردد. فینسانتیری، هشت دستگاه موتور به‌ارزش ۱۱/۲ میلیون دلار از آمریکا خرید و وزارت بازرگانی ایالات متحده در تاریخ ژانویه ۱۹۸۰، اجازته‌ی صدور این موتورها را صادر نمود. یک‌ماه بعد، سنای آمریکا معامله‌ی مزبور را ممنوع کرد، زیرا نام عراق در فهرست کشورهای بود که به استناد وزارت امور خارجه‌ی آن کشور، از تروریسم بین‌المللی حمایت می‌کرد. طی ماه‌های بعد، وزارت امور خارجه و کاخ سفید به‌طور پنهانی درصدد پیدا کردن راه حلی بودند. کارتر در ماه ژوئیه با فروش پنج فروند جت بوئینگ مسافربری به‌عراق موافقت نمود. عراق می‌خواست از این هواپیماها برای مسافرکشی در خطوط داخلی خود استفاده کند. این نخستین بار از زمان به‌قدرت رسیدن بعثی‌ها در عراق بود که چنین معامله‌ای صورت می‌گرفت. در ماه اوت همان سال، وزارت امور خارجه توانست رأی سنای را در مورد تحریم فروش موتورهای جنرال الکتریک خنثی سازد و در ماه سپتامبر درست چند روز پیش از حمله‌ی صدام به ایران، عراق اعلام کرد که برای تجهیزات نیروی دریایی و تربیت پرسنل عراقی، ایتالیا را به‌عنوان شریک عمده و اصلی خود انتخاب کرده است. «تمایل» آمریکا به عراق، ثمرات خود را به‌بار می‌آورد. در همان اوان، ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور ایران، در معرض حملات شدید روحانیت تندرو از ناحیه‌ی چپ، و شورش و نافرمانی افسران ارتشی تربیت‌شده‌ی آمریکایی از جناح راست قرار داشت. به‌منظور «پاسداری از انقلاب» ۱۲۰۰ افسر عالی‌رتبه‌ی تربیت‌شده‌ی آمریکایی از ارتش پاک‌سازی شدند که اکثر آن‌ها از رده‌ی سرهنگ به‌بالا بودند. از ۲۰۰ امیر ارتشی، «۲۶ نفر اعدام و بقیه به‌اجبار بازنشسته شدند.» بحران گروگان‌گیری حل نشده بود و

بنی صدر از آن می‌ترسید که آمریکا در ایران مداخله بکند که این مداخله می‌توانست مستقیم باشد (مثل عملیات طیس به منظور نجات گروگان‌ها که به شکست انجامید)، و یا به یاری و پشتیبانی عراق انجام شود. تا به امروز هم بنی صدر معتقد است، آمریکا سعی کرده تا رژیمش را سرنگون سازد. او که اکنون در پاریس به حال تبعید به سر می‌برد از کودتای عقیم شده‌ای سخن می‌گوید که به اعتقاد او، آمریکا و عراق مشترکاً در آن دست داشته‌اند.

سردسته‌ی توطئه‌گران، ارتشبد غلامعلی اویسی، رئیس پیشین ستاد ارتش شاهنشاهی بود که به همراه شاهپور بختیار آخرین نخست‌وزیر شاه به بغداد رفته بود. آن‌ها در نزدیکی شهر عراقی سلیمانیه یک اردوگاه آموزشی دایر کردند. به گفته‌ی بنی صدر، هواداران اینان در داخل ایران در پایگاه نیروی هوایی نوژه در نزدیکی همدان مستقر شده بودند. همدان در نیمه راه بین تهران و مرز عراق واقع شده است. بنی صدر می‌گوید: «ما موفق شدیم هشت هسته‌ی اصلی کودتا را کشف کنیم. بزرگ‌ترین هسته‌ها در نیروی هوایی بود و بقیه در پادگان‌های کرمانشاه، خوزستان، کردستان و آذربایجان واقع شده بودند که همگی در راستای مرز ایران و عراق قرار داشتند. مأموریتشان فلج کردن نیروی هوایی و نیروی زمینی هم‌زمان با تهاجم عراق به خاک ایران بود. این نه یک کودتا، بلکه یک حمله‌ی سازمان‌یافته توسط عراق بود.

نخستین قرینه‌های مربوط به توطئه، از یک نامه به دست آمد. افسران اطلاعاتی ایران نامه را با نمونه دستخط‌های موجود در بایگانی ارتش مقایسه کردند و نویسنده را که یک کماندوی واحد هلی‌کوپتر بود، شناختند. «مشکل این‌جا بود که نمی‌دانستیم عراقی‌ها کی حمله خواهند کرد اما مطمئن بودیم که در تدارک کودتایی به منظور بازگرداندن شاه هستند، این لااقل پوششی برای تهاجم بود.»

در بیست چند روز بعد از سفر برژینسکی به امان، در ژوئیه ۱۹۸۰، یک دیپلمات شوروی خیر توطئه را در اختیار بنی صدر می‌گذارد و او با آرامی دست به کار می‌شود. در نهایت مخفی‌کاری، ۶۰۰ افسر طرفدار بختیار را که در پایگاه نوژه به منظور برنامه‌ریزی گرد آمده بودند، دستگیر می‌کنند. ۲۵ خلیان نیروی هوایی و ۲۷۰ افسر کادر از نیروی زمینی مستقر در خوزستان جزو این دستگیرشدگان بودند، به افسران نیروی زمینی مأموریت داده شده بود، مرزداران ایران در خطوط مرزی عراق را خلع سلاح کنند. نقشه‌ی صدام حسین آن بود که

به تهران رفته [آیت‌الله] خمینی را سرنگون نماید و برای همیشه واشنگتن را رهین منت خود سازد.

یکی از نکات طنزآمیز کودتای نوژه، تا سال‌ها بعد افشا نشد. عامل رابط بختیار با توطئه‌گران در همدان یک بازرگان ایرانی بود که تعهد کرده بود اموال و امکانات سازمانی‌اش را در خدمت این برنامه بگذارد. او پیام‌ها را از ایران به عراق یا از عراق به ایران می‌رساند و بین هسته‌های متعدد داخل ایران به توزیع پول می‌پرداخت. وی بعدها و در شرایطی کاملاً متفاوت وارد ماجرای رسواکننده‌ی ایران - کنترا شد. او واسطه‌ی بین ایالات متحده‌ی آمریکا، اسرائیل و ایران؛ یعنی منوچهر قربانی فر بود.

تا اوت ۱۹۸۰، عراق با برنامه‌ی دووجهی صنعتی شدن، مسیر کاملاً روشنی را برگزیده بود. در برنامه‌ی صنعتی کردن عراق، ایجاد صنعت پدمانه و عظیم شیمیایی یا در نظر گرفتن مخازن بزرگ نفت و فسفات این کشور مورد توجه خاص قرار داشت. عامرالسعدی می‌گوید: «ما از همان آغاز، صنایع را بسیار عظیم و گسترده گرفتیم.» او مغز متفکری بود که می‌خواست با استفاده از صنایع شیمیایی، سلاح‌های سمی و کشنده بسازد. عامرالسعدی توسط عامر رشیدالعبيدی، مهندس جوان الکترونیک به سازمان دولتی صنایع فنی (SOTi) ملحق گردید. العبيدی به پاداش تخصص فوق‌العاده‌اش به‌اخذ درجه‌ی سرلشکری افتخاری نایل آمده بود. به اعتقاد او، عراق می‌بایست بر روی صنایع الکترونیکی تمرکز کند، چون الکترونیک کلید تسلیحات مدرن است. عراقی‌ها بعد از مذاکرات طولانی که طی آن شرکت فرانسوی تامسون سی. اس. اف. را به‌جان شرکت بریتانیایی پلستی انداختند، در اوت ۱۹۸۰ اعلام کردند «به‌منظور ایجاد صنایع الکترونیک عراق» با شرکت تامسون به توافق رسیده‌اند. نام این طرح را «سعد ۱۳» گذاشتند.

در مطبوعات فرانسوی ذکر چندانی از این قرارداد میلیارد دلاری به‌میان نیامد و تا سال‌ها بعد نیز جزو اسرار دولتی بود. حتی یک‌بار تامسون امضای چنان قراردادی را انکار نمود، هرچند هزاران مهندس تامسونی در زمان‌های مختلف به تربیت تکنسین‌های عراقی در فرانسه مشغول بوده یا تولید در عراق را زیر نظر داشتند.

کارخانه‌ی الکترونیکی «سعد ۱۳» در ۱۴۰ کیلومتری شمال بغداد در روستای الدور،

نزدیکی‌های تکریت دایر شد. رنه آناستاز، معاون شرکت تامسون سی. اس. اف. و مسوول طرح می‌گفت: «هدف آن‌است که عراقی‌ها به ابزارها و وسایل مورد نیاز آینده مجهز گردند.» مهندسانی که از شرکت تامسون در محل کارخانه مشغول کار بودند می‌گفتند: «این مجموعه پیشرفته‌ترین تکنولوژی موجود غرب را در خود جای داده است.»

«سعد ۱۳ یکی از بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین مجتمع‌های الکترونیکی در جهان است؛ این جمله‌ای بود که آنان در گفت‌وگو با یکدیگر در خیابان‌های بغداد، یا در بالکن‌های هتل‌ها نجوا می‌کردند تا به گوش مأموران مخابرات (سازمان امنیت) نرسد. بی‌شک این بلندپروازانه‌ترین طرحی بود که تا آن زمان در یک کشور جهان سومی به اجرا درمی‌آمد و البته تمامی محصولات مجتمع به تأمین نیازهای نیروهای مسلح اختصاص داده شده بود.

عامر رشیدالعیدی که مسوولیت طرح صنعتی را (SOTi) برعهده داشت، مورد احترام توأم با ترس مهندسان فرانسوی بود. یکی از این مهندسان می‌گوید: «ژنرال عامر خیلی نازنین بود، او کپه‌ای از مدار می‌گرفت، چند لحظه‌ای بررسی‌اش می‌کرد و بعد به شما می‌گفت که کجای طرح ایراد دارد.»

فرانسویان به عامر توصیه می‌کردند، تولید «سعد ۱۳» را از همان آغاز کار، زیاد نکنند بلکه به تدریج بر میزان آن بیفزایند. یک نیروی کار ۱۵۰۰ نفره‌ی عراقی در اوایل سال ۱۹۸۴ مونتاز رادیو تامسون سی. اس. اف را شروع کردند. این کار زیر نظر یک صد مهندس شرکت تامسون انجام می‌شد. به‌مرور زمان عراقی‌ها تجربه کسب نمودند. از همان آغاز، دستگاه‌های رادیویی را برای ارتش می‌ساختند. در واحدهای دیگر، کریستال کوارتز را برش می‌دادند و مدارهای یک‌پارچه می‌ساختند. دستگاه‌های استراتژیک نیز در این مجتمع تولید می‌شد که شبکه‌ی رادار، ابزار الکترونیکی اقدام متقابل، و تجهیزات الکترونیکی صنایع هواپیمایی از آن جمله بود. بنا بود کارخانه‌ی تولید کامپیوتر نیز در نزدیکی مجتمع دایر گردد و تکنولوژی پیشرفته‌ی ذوب سیلیکون در آن انجام شود.

کارآموزی متخصصان عراقی در فرانسه بخش دیگری از قرارداد بود. در مصاحبه‌هایی که در عراق داشتم منابع نظامی به من گفتند بین ۳ تا ۴ هزار عراقی به فرانسه اعزام شدند تا در زمینه‌ی کار در مجتمع «سعد ۱۳» تخصص بیینند. این مسأله برای عراق به قدری اهمیت داشت

و آن قدر برای آن پول پرداخته بود که شرکت تامسون در جویان جوسا، نزدیک ورسای در حومه‌ی پاریس، یک «مرکز آموزشی» را به این منظور دایر کرد که تنها عراقی‌ها در آن آموزش دوره‌های اساسی الکترونیک را می‌دیدند؛ سپس در شاخه‌ی خاصی از تکنولوژی تولید، فوق تخصص را می‌گذراندند. آن‌هایی که با استعدادتر بودند به سایر مراکز آموزشی تامسون در نقاط مختلف فرانسه اعزام می‌شدند تا به‌اسرار آخرین و پیشرفته‌ترین رادارهای جنگی آشنا شوند (این رادارها بر روی جنگنده بمب‌افکن‌های میزاج نصب شده بودند)، یا نحوه‌ی گمراه کردن هواپیمای دشمن یا دفاع موشکی را بیاموزند، این سیستمی بود که بر روی هواپیماهای جنگنده‌ی ناتو نصب می‌شد تا آن‌ها را از خطر حمله‌ی موشک‌ها و هواپیماهای دشمن مصون دارد.

نقشه‌ی عامر رشید آن بود که کادر مهندسی الکترونیک خبره‌ای به‌وجود آورد که تمامی مهارت‌ها و تخصص‌های لازم برای تولید ابزارهای الکترونیکی جنگی برخوردار باشند. در این جا هم مثل هر زمینه‌ی دیگر، استراتژی بغداد، رسیدن به خودکفایی و مصون ماندن از تحریم‌های تسلیحاتی احتمالی بود. [پدین ترتیب] عراق با داشتن مجتمع‌هایی مثل «سعد ۱۲» و حامیانی مثل تامسون سی. اس. اف، نگرانی چندانی از تحریم تسلیحاتی نداشت.

طی ماه آوریل، گروه شیعی طرفدار ایران در عراق، بمبی در دانشگاه بغداد کار گذاشت که نزدیک بود طارق عزیز، عضو کلیدی شورای فرماندهی انقلاب عراق را بکشد. صدام به تلافی این حمله به‌برادر ناتنی‌اش برزان، رئیس مخابرات دستور داد آدم‌کشسان خود را به سراغ روحانیون شیعه بفرستد. تعداد زیادی در این ماجرا دستگیر و عده‌ای از روحانیون شیعه و از جمله آیت‌الله محمدباقر صدر، رهبر جامعه‌ی شیعیان عراق اعدام شدند. سرکوب شیعیان موجب ناراضی‌اشدید این جامعه را فراهم آورد و موضع ایران را نسبت به رژیم بعثی سخت‌تر کرد. ایران از طریق برنامه‌ی عربی رادیوتلوویزیونی که برای عراقی‌ها پخش می‌شد، خواهان سرنگونی صدام حسین گردید. صدام به تلافی این عمل در برنامه‌های فارسی رادیوتلوویزیونی خود مقابله به‌مثل کرد.

در این اثنا، ارتش صدام خود را برای جنگ با ایران آماده می‌کرد؛ در مرز ۱۴۰۰ کیلومتری دو کشور، ارتش عراق مستقر شد و مأموریت داشت به‌مجرد شروع جنگ، مناطق

کلیدی را در منطقه‌ی مورد منازعه اشغال کند. در چهارم سپتامبر (سیزده شهریور)، میادله‌ی آتش توپخانه‌ی دو طرف آغاز شد و واحدهای کماندویی دو کشور از مرز گذشتند و دست به اقدامات نظامی زدند. روز هفده سپتامبر (بیست و شش شهریور)، صدام در یک نطق تاریخی در مجلس ملی عراق، که مجمعی فرمایشی بود، متن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را که خود وی با شاه امضا کرده بود، پاره کرد. دوربین‌ها از این نمایش، عکس و فیلم گرفتند. صدام در توجیه اقدام خود گفت: «ایران در موارد متعددی این قرارداد را نقض کرده است.» او تأکید کرد که عراق حاضر نیست اجازه دهد ایران از ثمرات آن قرارداد (یعنی حاکمیت بر آبراه اروندرود یا شط العرب) استفاده کند، مگر آن‌که این کشور دست از اشغال تعدادی از دهکده‌های مرزی متعلق به عراق دست بردارد و آن‌ها را تخلیه نماید.

این بهانه‌ی چندان محکمی برای جنگ نبود، ولی برای شخصی مثل صدام حسین همین اندازه بهانه هم کفایت می‌کرد. پنج روز بعد به ارتش عراق دستور داده شد از مرز ایران عبور کنند. تمرکز و فشار نیروهای عراقی در آغاز جنگ در استان نفت‌خیز خوزستان، در جنوب باختری ایران بود. مردم این استان عمدتاً عرب‌زبانند و به همین جهت عراقی‌ها آن‌را «عربستان» می‌نامیدند. صدام امیدوار بود با ورود ارتش عراق، عرب‌زبانان خوزستانی به حمایت او علیه حکومت مرکزی دست به شورش بزنند؛ امری که اتفاق نیفتاد. او در محاسباتش دچار اشتباه شده بود.

صدام هنوز روی ستون پنجمی حساب می‌کرد که رئیس سازمان امنیت او، برزان به یاری شاهپور بختیار در ایران سازماندهی کرده بود. صدام عمیقاً معتقد بود که ایرانیان در نخستین ساعات جنگ، اسلحه را به زمین خواهند گذاشت. همدستان ایرانی صدام نتوانسته بودند به او اطلاع دهند که کودتای نوزده در ماه ژوئیه [۱۹۸۰] کشف و خنثی شده است. بعد از این‌که نخستین ساعات جنگ سپری شد و ایرانیان تسلیم نشدند، صدام با خود فکر کرد، ظرف چند روز آینده جنگ به پایان خواهد رسید، عراق به پیروزی درخشان و کوبنده‌ای دست خواهد یافت و احیاناً رژیم اسلامی هم در تهران سرنگون می‌شود، اما تهاجم عراق اثر عکس داد و به جای آن‌که موجب سرنگونی رژیم انقلاب گردد، باعث تقویت و تحکیم آن شد. حتی طرفداران رژیم سلطنتی در نیروی هوایی نیز در صفوفی فشرده، تصمیم جدی گرفتند از میهن

خود دفاع کنند.

کنت الکساندر مارنشه، رئیس وقت سازمان اطلاعاتی فرانسه از کسانی است که خاورمیانه و سیاست آن را به خوبی می‌شناسد و دوست دارد مانند خدایان المپ، دورادور به رویدادها بنگرد. پدرش یک اشرافی فرانسوی و مادرش آمریکایی بود. او در جریان جنگ دوم جهانی، مفسر ژنرال شارل دوگل بود و مانند ژنرال ورنون والترز آمریکایی یکی از معدود بزرگانی است که چهار رهبر بزرگ متفقین (چرچیل، روزولت، استالین و دوگل) را از نزدیک می‌شناخت. امروز هم که در ریویرا، دوران راحت بازنشستگی را می‌گذراند به رهبران سیاسی و اقتصادی جهان خدمات مشورتی می‌دهد. با شروع جنگ ایران و عراق، صدام حسین هم جزو «مشتریان» او شد. مارنشه به قدری در زمان ریاست بر سازمان SDECE به عراقی‌ها نزدیک بود که دولت عراق ویلای میلیون دلاری او در کراسه را برای اقامت سفیر بغداد در پاریس خریداری کرد.

به اعتقاد مارنشه: «جنگ با ایران از یک برداشت بسیار نادرست سرچشمه می‌گرفت». صدام هم مثل خیلی از دیکتاتورهای دیگر، خلأیی وحشتناک در پیرامون خود ایجاد کرده بود، آن‌چنان‌که حتی نزدیک‌ترین مشاوران در بیان حقایق به او مرّد بودند. به اعتقاد مارنشه: «تهاجم صدام به ایران ناشی از اطلاعات غلط و نادرست بود.» و این تراژدی همه‌ی رژیم‌های خودکامه است. وقتی رهبر کبیری اشتباه می‌کند پی‌آمدهایش جبران‌ناپذیر است. به صدام حسین چنین باورانده بودند که به مجرد پیداشدن نخستین سرباز عراقی در مرز ایران، قیامی مردمی روی خواهد داد و مردم به استقبال عراقی‌ها می‌روند. مارنشه، گناه این خطا باوری صدام را به گردن برزان رئیس سازمان اطلاعاتی او می‌اندازد و با حسرت می‌گوید: «برزان، رئیس را اغفال کرد، در حالی‌که مهم‌ترین وظیفه‌ی رئیس سازمان اطلاعاتی بیان حقایق است.»

صدام دست‌کم یکی از پی‌آمدهای تهاجم عراق به ایران را پیش‌بینی کرده بود و آن متوقف شدن تحویل سلاح‌های شوروی به عراق بود. به‌هنگام شروع تهاجم، شوروی‌ها سرگرم بازی با ایران بودند. و از این‌که عراقی‌ها تمام نقشه‌های آن‌ها را به هم زدند تعجبی نکردند. شوروی و کا.گ.ب، از سال‌ها پیش می‌خواست در روحانیت شعبه‌ی ایران نفوذ کنند. در فوریه‌ی

۱۹۷۹ که آیت‌الله خمینی در ایران به قدرت رسید، سودی که عاید شوروی شد به مراتب بیش از آن بود که فکرش را می‌کردند. یکی از عوامل کا. گ. ب. به عنوان منشی در کابینه‌ی دولت [آیت‌الله] خمینی کار می‌کرد. بقیه نیز در میان روحانیان شیعه، نیروهای مسلح، مطبوعات و دستگاه‌های دولتی پراکنده بودند. عده‌ای هم سازمان‌های اطلاعاتی را کنترل می‌کردند. این سازمان‌ها به تازگی از عناصر سلطنت طلب تصفیه شده بودند. در حالی که از حزب توده‌ی طرفدار شوروی که از سال ۱۹۲۰ به بعد به طور مخفی فعالیت می‌کرد، دعوت شده بود در دولت شرکت کند. یوری آندروپوف، رئیس کا. گ. ب. و مسؤول امور ایرانی این سازمان، حیدر علی‌اف، به شدت از دست صدام عصبانی بودند که با تهاجم به ایران، هرچه را که سال‌ها رشته بودند، پنبه کرده است. آندروپوف که عضو کامل دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی بود، برای قانع کردن لئونید برژنف و آلکسی کاسیگین در تحریم تسلیحاتی عراق به دنبال تهاجم آن کشور به ایران، مشکل چندانی نداشت. آندروپوف معتقد بود که شوروی علاوه بر تحریم تسلیحاتی عراق باید به ایران نشان دهد که در جنگ از آن کشور حمایت می‌کند.

اما این بار تحریم تسلیحاتی شوروی تأثیر چندانی برجای نگذاشت. طی پنج سال گذشته، صدام توانسته بود منابع خرید اسلحه خود را به گونه‌ای که در جهان بی‌سابقه بود، تنوع بخشد. و چون اسلحه را نقدی می‌خرید ناچار نبود مثل اکثر رهبران جهان سومی به مصالحه و سازش تن دردهد؛ در حالی که رهبران جهان سوم هم از نظر اسلحه و هم از نظر تأمین بودجه‌ی خرید آن به فروشندگان این کالا متکی بودند. اصولاً یکی از هدف‌های استراتژیک صدام حسین آن بود که تحریم تسلیحاتی شوروی را بی‌هیچ خسارتی از سر بگذرانند و در این راه چنان موفق بود که به دنبال قطع جریان سلاح‌های شوروی، ارتش عراق بی‌وقفه تهاجم به ایران را ادامه داد؛ حتی دلالتان صدام توانستند در اوج تحریم، تانک‌های ساخت شوروی را از کشورهای بلوک شرق مثل لهستان و آلمان شرقی تهیه کنند. صدام در ژوئیه ۱۹۸۰ به مناسب دوازدهمین سالگرد روی کار آمدن حزب بعث، به گروهی از روزنامه‌نگاران فرانسوی گفت: «حالا دیگر هنگامی که شوروی از تحویل سلاح به ما خودداری می‌ورزد، درمانده نمی‌شویم، به جاهای دیگر و خاصه فرانسه مراجعه می‌کنیم.»

در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰ که صلح و آرامش بر عراق حکمفرما بود، صدام

معادل چهار میلیارد دلار اسلحه به فرانسه سفارش داد. حالا در اواخر سپتامبر که عراق با ایران در جنگ بود، صدام می‌خواست بداند فرانسه به جریان تحویل سلاح ادامه خواهد داد یا نه. برای این کار، طارق عزیز را به پاریس اعزام کرد. طارق عزیز معاونت ریاست جمهوری عراق را برعهده داشت و در گذشته کاردانی خویش را در مأموریت‌های دشوار خارجی به ثبوت رسانده بود. این فرستاده‌ی ویژه‌ی صدام با آن سیگار برگ و قیافه‌ی خنده‌رویش، کسی را به اشتباه نمی‌انداخت. طارق عزیز مذاکره‌کننده‌ای سرسخت بود و در آن واحد، در عین این‌که حرف‌های مبتذل و مستهجن می‌زد، ناگهان حالت تهدیدآمیز به‌خود می‌گرفت. هوشی سرشار و لهجه‌ای صریح داشت. فرانسوی‌ها ضمن این‌که به او احترام می‌گذاشتند، از او می‌ترسیدند. به‌همان راحتی که کسی را تحسین می‌نمود و پاداش می‌داد، توبیخ و تهدید می‌کرد. مقامات فرانسوی بیشتر از آن بیم داشتند که طارق عزیز دست به افشاگری بزند و در مورد پول‌هایی که عراق در مبارزات انتخاباتی در حمایت این یا آن دولتمرد خرج کرده بود، همه را رسوا سازد؛ مثلاً بگوید همسر فلان مقام فرانسوی «هدایایی» از سفیر عراق در پاریس دریافت داشته که این هدایا از جواهرفروشی و اندوم آن طرف هتل ریتس خریداری شده بودند. طارق عزیز در دیدار بیست و چهار سپتامبر (دوم مهر) خود یا ژیسکارستن رئیس‌جمهور و رمون بار نخست‌وزیر فرانسه مؤدبانه به آنان یادآور شد که یک چهارم نفت مصرفی فرانسه از عراق تأمین می‌شود و چقدر جای تأسف است که عراق از روی ناچاری در این معامله تجدیدنظر کند. در حالی که صدام منتظر تحویل نخستین جنگنده‌ی بمب‌افکن‌های میراژ چند ماه آینده به عراق بود.

ژیسکارستن توضیح داد که قرارداد فروش میراژها زمانی به‌امضا رسیده که عراق وارد جنگ نشده بود و فرانسه این سلاح‌ها را تنها برای مقاصد دفاعی به عراق فروخته است. طارق عزیز گویی منتظر بود چنان جمله‌ای از رئیس‌جمهور فرانسه بشنود. او بلافاصله در پاسخ گفت: «پس چرا در سال ۱۹۶۸ که تصمیم به ارسال سلاح برای جدایی‌خواهان بیافرا، در نتیجه گرفتید، لحظه‌ی در زیرپا گذاردن قوانین خود درنگ نکردید؟» عزیز ادامه داد که فرانسویان در آن سال از خزانه‌ی دولت، مزدورانی اجیر کردند و به بیافرا فرستادند تا دولت نیجریه را سرنگون کنند، در حالی که نیجریه دولتی مستقل و عضو سازمان ملل متحد بود. «ما

از شما نمی‌خواهیم حقوق بین‌الملل را زیر پا بگذارید، ما فقط می‌خواهیم شما به تعهدات خود عمل کنید.» و ادامه داد: تفاهم فرانسویان با نیازمندی‌های عراق، بی‌پاداش نخواهد ماند و اشاره کرد که می‌خواهد یک قرارداد خرید جت آموزشی ۳ میلیارد دلاری منعقد کند که ترجیح می‌دهد به جای بریتانیا، فرانسه طرف این قرارداد باشد. عزیز مطمئن بود که این پیشنهاد حتماً جلب نظر مطبوعات را خواهد کرد.

ژیسکاردستن نگران بود که ایران صدور اسلحه‌ی فرانسوی به عراق را نشانه‌ی دشمنی فرانسه با ایران تلقی کند؛ و از آن بدتر، این که می‌ترسید عراق فرانسه را به بن‌بستی بکشاند که سرانجامش اتحاد استراتژیک دو کشور باشد. فرانسه ترجیح می‌داد این جنگ بی‌طرف بماند و جانب هیچ‌یک از دو کشور را نگیرد؛ وانگهی فرانسه مطمئن بود که ایران به ترمینال‌های نفتی عراق در خلیج فارس حمله خواهد کرد و فرانسه ناچار بود برای تأمین نفت مورد نیاز به منابع دیگری رجوع کند.

طارق عزیز می‌توانست در مورد تحریم تسلیحاتی عراق از جانب شوروی نیز برای ژیسکاردستن توضیحاتی بدهد اما رهبری عراق تصمیم گرفته بود فعلاً مسأله را مخفی نگاه دارد. وقتی طارق عزیز پاریس را ترک کرد هنوز مسلم نبود که تحویل میراژها به عراق انجام خواهد شد یا نه.

هرچند صدور سلاح‌های غیرهسته‌ای و متعارف به دلایل گوناگون حساسیت‌های سیاسی زیادی را در فرانسه برمی‌انگیخت، اما همکاری هسته‌یی این کشور با جهان سوم از چنان حساسیتی برخوردار نبود. ژیسکاردستن به طارق عزیز قول داد فرانسه به تعهدات خود در مورد اتمام کارهای مجتمع هسته‌یی «ازیراک» عمل کند و فردای روزی که طارق عزیز پاریس را ترک کرد، ژیسکاردستن دستور داد، ۱۲/۵ کیلوگرم سوخت اورانیوم بسیار غنی شده به عراق تحویل شود. طبق برنامه بنا بود رآکتور عراقی در نیمه‌های سال ۱۹۸۱ پایان یابد و بلافاصله تولید پلوتونیوم برای بمب اتمی عراقی را آغاز کند.

ایران و اسرائیل هر دو نگران برنامه‌ی تسلیحات هسته‌ای عراق بودند. بعضی منابع می‌گویند اسرائیلی‌ها ممکن است از طریق عواملی که در رژیم شاه در ایران داشتند و هنوز باقی مانده بودند، اطلاعات خود در این مورد را در اختیار تهران نیز گذاشته باشند. روز ۲۸

سپتامبر ۱۹۸۰ (۶ مهرماه ۱۳۵۹)، ژنرال یهوشوعا ساگوی، رئیس ضداطلاعات ارتش اسرائیل به خبرنگاران گفت: از این متحیر است که چرا ایرانی‌ها در همان نخستین روزهای جنگ، راکتور اذیراک را منهدم نساختند، با وجود این‌که برتری هوایی‌شان بر عراق محرز بود. دو روز بعد، دو فروند فانتوم اف ۴ ایرانی به اذیراک حمله بردند اما بمب‌های آن‌ها آسیبی به راکتور عراقی وارد نساخت. این حمله صرفاً یک اعلام خطر بود.

فرانسویان تنها کسانی نبودند که از تحریم تسلیحاتی عراق توسط شوروی سود می‌بردند؛ انور سادات رئیس‌جمهور مصر نیز در پاییز ۱۹۸۰ یکی از خوشبخت‌ترین مردان خاورمیانه بود. مصر که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مقادیر زیادی سلاح‌های ساخت شوروی، یدکی‌ها، هواپیما و موشک را به فروش رسانده بود، اکنون چند روز بعد از تحریم تسلیحاتی عراق از سوی شوروی، در اواخر سپتامبر ۱۹۸۰ به‌دنبال رایزنی سادات با جیمی کارتر، اعلام کرد که سلاح‌هایی را به ارزش یک میلیارد دلار که ساخت شوروی است، به فروش رسانده است.

با در نظر گرفتن نقش مهم صدام در اخراج مصر از جامعه‌ی عرب، درست یک‌سال پیش و به‌دنبال معاهده‌ی کسب دیوید، چنین معامله‌ای از جانب مصر بسیار عجیب می‌نماید، اما صدام در موارد گوناگون نشان داده بود که در حیطه‌ی مسائل مربوط به قدرت، ایدئولوژی، نقش چندانی ندارد. مصر چیزی داشت که مورد نیاز مبرم عراق بود و صدام هم با اندکی اکراه برای کسب آن گام پیش نهاد. این فروش بزرگ مصر، ساز و برگ ارتش صدام را تا هجده‌ماه تأمین نمود.

چینی‌ها هم به صدام اسلحه می‌دادند. در نخستین روزهای جنگ، دولت چین صدها - و بعداً هزارها - تانک ساخت دهه‌ی ۱۹۵۰، آتشبار توپخانه و نفربر زرهی به بغداد فروخت. ارتش عراق از این تانک‌ها به‌دو شیوه استفاده کرد: هم برای مقاصد آتشباری توپخانه آن‌ها را در مناطق جنگی استتار کرده بودند و نیروی آتش شدید آن‌ها را به کار می‌گرفتند و هم در گرم‌اگرم نبرد به‌عنوان نفربر زرهی آن‌ها را مورد استفاده قرار می‌دادند و نفرات را به‌خط مقدم جبهه می‌بردند. عراق ۱۳۰۰ تانک چینی خریداری نمود و بعد هم که خراب شدند آن‌ها را در میدان نبرد رها کرد. این تانک‌ها به قدری ارزان بود که عراق ترجیح می‌داد به‌جای تعمیر آن‌ها، تانک‌های جدیدی بخرد.

۳۳۲ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

قروض چینی‌ها از حد اسلحه‌ی صرف تجاوز کرد. عراق که با مبلغ قابل توجهی پول به‌چینی‌ها روی آورده بود (نخستین معامله‌ی فروش تانک در پاییز ۱۹۸۰ به‌مبلغ یک میلیارد دلار انجام شد) به‌شوروی می‌گفت دیگر آن کشور تنها تأمین‌کننده‌ی انحصاری سلاح به‌عراق نخواهد بود، بنابراین اگر می‌خواهد سهمی از معامله‌ی اسلحه‌ی عراق نصیب آن کشور بشود باید دست از تحریم تسلیحاتی عراق بردارد.

شوروی با فراخواندن مشاوران خود از عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ و تحریم تسلیحاتی عراق، تنها یک مشتری را از دست نداد. از آن پس دیگر به‌بندر عراقی در خلیج فارس نیز دسترسی نداشت. شوروی از دیرباز به‌بندر ام‌القصر چشم طمع دوخته بود. در سال ۱۹۸۶ برای نخستین بار، رزم‌ناو شوروی از این بندر بازدید کرد و بعد از انعقاد پیمان دوستی و همکاری سال ۱۹۷۲ این بازدیدها از پایگاه نیروی دریایی عراق در منتهی‌الیه شمالی خلیج فارس بیشتر و بیشتر می‌شد. در نیمه‌های دهه‌ی ۱۹۷۰ استراتژیست‌های پنتاگون، ام‌القصر را جزو «تسهیلات» شوروی به‌حساب می‌آوردند. آنان این بندر را پایگاه نیروی دریایی به‌منظری واقعی کلمه نمی‌دانستند. بندری بود که ناوگان آبی شوروی برای سوخت‌گیری، تعمیر و تدارکات به‌آن رفت و آمد می‌کردند و از همه مهم‌تر در منطقه‌ی قرق آمریکایی‌ها خودنمایی می‌کردند. صدام هرگز حضور افسران شوروی را در پایگاه‌های نظامی عراق خوش نداشت. و شاید به‌حق، فکر می‌کرد اینان افسران نیمه‌وقت اطلاعاتی‌اند که وظیفه‌شان تضعیف حمایت از حزب بعث در میان نیروهای مسلح عراق به‌سود حزب کمونیست آن کشور می‌باشد. حالا که تحریم تسلیحاتی را آغاز کرده بودند صدام فرصتی یافته بود تا آن‌ها را از سر باز کند. عراق می‌خواست با اندکی کمک گرفتن از دوستان، خودش به‌تنهایی به‌جنگ ادامه دهد.

تا قبل از کریستس، طارق عزیز دست‌کم دوبار دیگر به‌پاریس رفت تا فرانسه را به‌تحویل میراژهای جنگنده به‌عراق متعقد سازد، ترس فرانسوی‌هایی‌جا نبود، زیرا هواپیماهای ایرانی حملات شدیدی را به‌سکوهای نفتی عراق در خلیج فارس انجام دادند که حاصل آن تقریباً متوقف شدن صادرات نفت عراق بود. مخالف نفتی پاریس به‌دولت هشدار دادند که به‌دنبال منابع نفتی دیگری باشد. آندره ژیرو، که وزیر نفت ژیسکار دستن بود، گفت: فرانسه هر روز به‌خاطر جنگ، ۴۸۰ هزار بشکه نفت عراق را از دست می‌دهد، اما در عین حال به‌ملاط

کسانی پرداخت که می‌گفتند دیگر نفت به فرانسه نمی‌رسد. ژیرو، یک فن‌سالار بود که از ریاست کمیسیون انرژی اتمی فرانسه به‌مقام وزارت رسیده بود و می‌گفت او در مقام یک فن‌سالار که کلید دانش فوق تخصصی را در دست دارد، کافی است به مردم بگوید نگران نباشند و بلافاصله نگرانی مردم از بین خواهد رفت.

صدام کم‌کم از دریافت میراژهای فرانسوی و خلبانانی که در فرانسه آموزش دیده بودند مأیوس شد. نیروی هوایی عراق در نخستین روزهای جنگ بسیار بد عمل کرده بود. بسیاری از اسکادران‌ها حاضر به جنگ نشدند و به‌کشور اردن پناه بردند تا از تلفات مصون بمانند. عراقی‌ها با مسأله‌ی نگهداری و تعمیر هواپیماها هم درگیر بودند چون شوروی‌ها به‌هنگام ترک عراق دستورالعمل تعمیر و نگهداری میگ ۲۲ را نیز با خود برده بودند. به‌رغم تصفیه‌ی نیروی هوایی ایران، خلبانان ایرانی به‌مراتب بر خلبانان عراقی برتری داشتند.

آنچه سرانجام باعث شد تا فرانسه با تحویل میراژها به‌عراق موافقت کند سفارش‌های ملک خالد پادشاه عربستان و امیر کویت بود. طارق عزیز در دیدار قبل از کریسمس با رمون بار، زده‌ی هدیه‌ی او را به‌فرانسه داد؛ برادران عرب قبول کرده بودند که بخش عمده‌ی از تعهدات نفتی عراق را برعهده گیرند. اگر فرانسه حاضر می‌شد میراژها را به‌عراق تحویل دهد، نفت به‌قیمت قبل از جنگ در اختیارش قرار می‌گرفت. ژیسکاردستن بعد از مشورت با «وزیر نفت» با تحویل میراژها موافقت نمود. ژیرو، به‌او توصیه کرد پیشنهاد کویت و عربستان سعودی را جدی بگیرد.

طارق عزیز، در تردستی، مهارتی فطری داشت. او دوست داشت کاری کند که مطبوعات دیدگاه‌های موردنظرش را منعکس نمایند. او در بیست و سه سپتامبر ۱۹۸۰ (یکم مهر ۱۳۵۹) در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی در پاریس پیامی فرستاد که گیرندگانش فرانسه و شوروی - هر دو - بودند. طارق عزیز گفت: «قصور شوروی در انجام تعهداتش نسبت به‌عراق تأثیری نداشته است... زیرا عراق به‌تجربه می‌داند که چگونه منابع تأمین اسلحه‌اش را متنوع سازد و صنایع نظامی خاص خویش را ایجاد نماید.» در پاسخ به‌این سؤال که «آیا عراق انتظار دریافت جنگنده بمب‌افکن‌های میراژ را در آینده‌ی نزدیکی خواهد داشت؟» با لبخند گفت: «تحویل سلاح‌های فرانسوی به‌طور عادی جریان دارد.»

۳۳۴ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

اما کسی به این افشاگری وی در مورد ایجاد صنایع نظامی در خود عراق توجهی نکرد. در حالی که مهم ترین قسمت سخنانش را تشکیل می داد. تلاشی که سرگبارتر از همه بود و با سرعت نیز به پیش می رفت. (۱)

جزئیات به‌هلاکت رسیدن موسی خیابانی و همسر رجوی

روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: دیروز اعضای سپاه، طی عملیاتی به‌نام عملیات ده‌دهی فجر، موفق شدند در یک درگیری خیابانی، تعدادی از افراد کادر مرکزی سازمان منافقین از جمله موسی خیابانی، جنانشین رجوی خائن و فراری، همسر خیابانی، همسر رجوی و بیش از ده تن دیگر از عناصر اصلی این سازمان آمریکایی را به‌هلاکت برسانند. در این اطلاعیه آمده است:

امت رزمنده و بیدار! به‌هوش باش که یاری و نصرت الهی با تو است و در این ایام که ده‌دهی فجر و ده‌دهی رحمت برکت است، برادران جان برکف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تلاش شبانه‌روزی خود، به‌کمک برادران رزمنده و ایثارگر کمیته‌ی مرکزی انقلاب اسلامی و هم‌چنین بسیج سلحشور سپاه پاسداران، تحت توجهات ولی‌عصر «عج» و عنایات خداوندی، با عملیات غرورآفرین به‌نام ده‌دهی فجر، توانست ضربه‌ای مهلک بر پیکر سران جنایتکار سازمان منافقین وارد آورند و تعداد زیادی از افراد کادر مرکزی این سازمان که به‌غلط تشکیلات خود را پولادین تصور می‌کردند، به‌هلاکت برسانند و به‌جهانیان نشان دهند که علی‌رغم تبلیغات جبهه‌ی متحد ضدانقلاب و بوق‌های امپریالیستی که کار جمهوری اسلامی

۳۳۶ که بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

را تمام شده می‌پنداشتند، رزمندگان اسلام غرورآفرینی کرده و در عملیات قدرتمندانه‌ی دهه‌ی فجر، موفق شدند افرادی مانند موسی خیابانی، فرد اول سازمان منافقین و وصی رجوی فراری و خائن، و اشرف ربیعی، همسر جنایتکار رجوی فراری و همسر جنایتکار موسی خیابانی و هم‌چنین بیش از ده تن از عناصر اصلی مرکزیت این سازمان پوشالی را به دست غضب الهی بسپارند و راهی جهنم کنند.

به یاد داشته باشید که این پیروزی، ثمره‌ی خون شهیدان مظلومی چون آیت‌الله بهشتی، شهید محراب آیت‌الله مدنی و امام جمعه‌ی گرانقدر شیراز آیت‌الله دستغیب، و رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر محبوب میهنمان شهید رجایی و شهید باهنر و دادستان کل انقلاب اسلامی شهید قدوسی و صدها شهید دیگر است.

آری! سرنوشت خانه‌های تار عنکبوتی که به خیال باطل خودشان، سازمان آهنینی است، چنین می‌باشد و این سرنوشت مخوم و غضب الهی در انتظار یکایک آن‌هاست.

به‌جاست؛ امت رزمنده و بیدار، در این ایام که تشکیلات منافقین از هم پاشیده است، همانند گذشته، هوشیاری خود را حفظ نمایند و تمام حرکات و رفتار این فریب‌خوردگان را همان‌طور که تاکنون بوده، تحت نظر شدید خود قرار داده و عوامل مشکوک را به‌ستاد خبری سپاه پاسداران با شماره تلفن‌های ۸۳۱۱۱۱ و ۸۳۷۷۹۹ اطلاع دهند. دیگر مطالب و موارد لازم را طی اطلاعیه‌های بعدی به‌استحضار ملت رزمنده خواهیم رساند. در بخش پایانی اطلاعیه می‌خوانیم:

جزئیات ماجرا

محل جلسات محرمانه‌ی رهبران سازمان منافقین، واقع در خیابان زعفرانیه‌ی شمیران، خیابان سرلشکر فلاحی، کوچه‌ی بن، پلاک ۷، طی ۵ ساعت درگیری مسلحانه به‌تصرف پاسداران درآمد.

با کشف این خانه‌ی امن، موسی خیابانی مرد شماره‌ی ۲ سازمان منافقین خلق، اشرف ربیعی، همسر مسعود رجوی رهبر فراری سازمان منافقین و کاندیدای سازمان مجاهدین خلق و همسر موسی خیابانی و محافظین آن‌ها و ۱۰ تن از اعضای کادر مرکزی و نظامی این

سازمان در این درگیری به‌هلاکت رسیدند.

هم‌چنین از این خانه‌ی تیمی، مقادیر قابل توجهی اسلحه‌ی کمری، کلاشینکف، ژ - ۲، یوزی، تعداد بی‌شماری آر - پی - جی هفت، تیربار، مواد منفجره و فشنگ جنگی، به‌همراه مقادیر زیادی اسناد و مدارک درون گروهی و صورت جلسات محرمانه و حکم مأموریت و طرح ترور و انفجار اماکن، کشف و ضبط گردید.

به‌گزارش خبرنگار ما به‌نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران تهران، ساعت یک‌بامداد دیروز (دوشنبه)، سپاه پاسداران تهران، پاسداران کمیته‌ی مرکزی و منطقه یک و پاسداران بسیج منطقه با طرح‌ریزی قبلی وارد عملیات شدند. چون از قبل، مخفی‌گاه رهبران سازمان منافقین توسط مردم و مأموران شناسایی شده بود، پاسداران، خانه‌ی تیمی را به‌محاصره‌ی خود درآوردند.

ساعت ۵ و پنجاه دقیقه، موسی خیابانی مرد شماره‌ی ۲ سازمان و رهبر شاخه‌ی نظامی سازمان، به‌اتفاق همسرش وارد خانه‌ی امن شد تا در جلسه‌ی محرمانه شرکت کند. پس از وارد‌شدن موسی خیابانی به‌مخفی‌گاه، عملیات آغاز شد.

در اولین ساعات درگیری، پاسداران جان برکف و برادران بسیج و غیره موفق شدند عده‌ای از کادر نظامی این سازمان را همراه سه بچه‌ی خردسال دستگیر کنند.

همین گزارش حاکی است، پس از درگیری این افراد، سه تن از محافظین موسی خیابانی، بر اثر اصابت گلوله‌ی پاسداران به‌هلاکت رسیدند. در همین هنگام، یکی از بهترین نیروهای جانباز اسلام به‌نام ابوالقاسم دهنوی که پاسدار کمیته‌ی مرکزی بود، بر اثر اصابت گلوله‌ی مهاجمین از خدا بی‌خبر، به‌لقاالله پیوست.

روابط عمومی سپاه تهران اضافه کرد، پس از مدتی درگیری مسلحانه، اشرف ربیعی همسر مسعود رجوی فراری و همسر موسی خیابانی به‌هلاکت رسیدند و موسی خیابانی نیز بر اثر اصابت دو گلوله مجروح گردید، وقتی موسی خیابانی مجروح شد، با خوردن چند قرص سیانور، خود را به‌هلاکت رساند.

بنابراین گزارش، عملیات در ساعت ۹ و بیست دقیقه با به‌هلاکت رسیدن موسی خیابانی و اشرف ربیعی و همسر موسی خیابانی و چند تن دیگر از اعضای کادر مرکزی شاخه‌ی نظامی

خاتمه یافت و پاسداران خانه‌ی مزبور را به تصرف خود درآوردند. پاسداران وارد خانه‌ی تیمی و امن سازمان مجاهدین شدند و با جنازه‌ی موسی خیابانی، اشرف ربیعی و همسر موسی خیابانی و ده تن دیگر از اعضای کادر مرکزی و شاخه‌ی نظامی که محافظین موسی خیابانی بودند، روبه‌رو شدند. ضمناً، پاسداران پس از بررسی خانه، چند قبضه آر - پی - جی هفت، چند قبضه تیربار ژ - ۳ و مقادیر زیادی اسلحه‌ی کمری، یوزی، و کلاشینکف، و مقادیر بی‌شماری فشنگ و مواد منفجره، به همراه مقادیری صورت‌جلسه‌ی جلسات محرمانه‌ی رهبران سازمان منافقین، حکم فرماندهی و کروکی منازل و طرح ترور و بمب‌گذاری به دست پاسداران افتاد.

از این خانه‌ی فساد، دو اتومبیل پژو و یک اتومبیل تویوتای ضدگلوله متعلق به موسی خیابانی و اشرف ربیعی، به همراه مقادیری جلیقه‌ی ضدگلوله کشف شد.

براساس گزارش روابط عمومی سپاه پاسداران تهران، با کشف مخفی‌گاه رهبران کادر مرکزی، یک خانه‌ی تیمی متعلق به شاخه‌ی نظامی سازمان منافقین نیز در حوالی جنوب شرق تهران پس از چند ساعت درگیری مسلحانه، به تصرف پاسداران درآمد.

براساس همین گزارش، پاسداران سپاه تهران به همراه پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی، یک خانه‌ی دیگر نیز که مخفی‌گاه اعضای شاخه‌ی نظامی سازمان منافقین بود، کشف شد که پس از چند ساعت درگیری مسلحانه، ۴ تن از اعضای شاخه‌ی نظامی در این خانه به هلاکت رسیدند.

برپایه‌ی همین گزارش، پاسداران پس از بررسی از داخل این خانه نیز مقادیری مسلسل یوزی، اسلحه‌ی کمری، ژ - ۳، مقناری قرص سیانور، به همراه مقادیری اسناد و مدارک سازمانی درون‌گروهی کشف کردند.^(۱)

دیدار رئیس جمهور، جمعی از وزرا، رئیس و نمایندگان مجلس،
با رهبر انقلاب اسلامی ایران
امام: این پایین شهری ها، ولی نعمت ما هستند.

در هشتمین روز دهه‌ی فجر و هم‌زمان با روز نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهوری، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، چند تن از وزرا، جمعی از پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران و گروهی از اқشار مختلف مردم در حسینیه‌ی جماران، با امید مستضعفان جهان، امام امت دیدار کردند. به گزارش خبرنگاران خبرگزاری جمهوری اسلامی در این دیدار، ابتدا حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، گزارشی از عملکرد مجلس شورای اسلامی و برنامه‌های آینده‌ی مجلس را به استحضار امام امت رساند. آن‌گاه حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، سخنان مشروحی ایراد فرمودند.

اظهارات رئیس مجلس

رئیس مجلس شورای اسلامی، ابتدا گفت: از این‌که نمایندگان مجلس شورای اسلامی

توفیق پیدا کردند که در دهه‌ی فجر، به‌زیارت امام عظیم‌الشان مشرف شوند، خداوند را سپاسگزاریم.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، خطاب به‌امام عزیز اظهار داشت: ما از خودتان آموخته‌ایم که مجلس مرکز تصمیم‌گیری و نقطه‌ی اتکای این انقلاب است، البته ما معتقدیم که مجلس، این مقام را هم تا حد زیادی از جناب‌عالی دارد. من با آشنایی نسبتاً وسیعی که با روحیه‌ی نمایندگان و وضع مجلس دارم، می‌توانم خدمت شما با اطمینان عرض کنم که مجلس در خط اسلام و انقلاب، آن‌چنان نیرومند و محکم است که ملت ایران و تمام مستضعفین جهان می‌توانند کاملاً امیدوار باشند که این پایگاه برای دوام انقلاب و ترویج حق برای مدت‌های طولانی می‌تواند فعال باشد.

رئیس مجلس در رابطه با عملکرد مجلس گفت: کارهای عظیمی که مجلس در این دو سال انجام داده، عیازت است از تعیین کابینه‌های صالح، رأی به‌عدم کفایت سیاسی شخصی که مثل سرطان به‌جان انقلاب افتاده بود و حل مسأله‌ی گروگان‌ها، تأسیس بنیادهایی مثل بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری و پلیس قضایی کشور و همچنین لوایح و طرح‌هایی از قبیل احزاب - مطبوعات و اراضی شهری از جمله کارهای مهم اقتصادی - سیاسی است که تا به‌حال در مجلس انجام شده است.

علاوه بر این، کارهایی هم‌چون ایجاد نظام بانکی بر مبنای قوانین اسلام و حذف ربا از سیستم بانکی و اقتصادی کشور، سرانجام دادن به‌اراضی کشاورزی و ایجاد محیط سالم و اسلامی برای کشاورزی منلکت، به‌سامان رساندن تجارت خارجی، تقسیم عادلانه‌ی آب، تنظیم وضع اداری و استخدامی کشور، تأسیس مرکز اطلاعات برای کشور، تصویب اساسنامه‌های نهادهای جدید، سازمان‌ها، وزارت‌خانه‌ها و ادارات کارهایی هستند که ان‌شاءالله... در ماه‌های آینده انجام می‌شود و نظارت مجلس و حضور پدرا، خیرخواهانه و ناصحانه‌ی آن بر همه ارگان‌ها و نیروهای اجرایی، مجلس را مایه‌ی امید کرده است.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در پایان سخنان خود از امام تقاضا نمود که طی فرمایشاتی، نمایندگان را راهنمایی فرمایند. آن‌گاه امید مستضعفان جهان فرمودند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

من سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و دهه‌ی فجر را به‌همه‌ی ملت و همه‌ی مستضعفین جهان و شما آقایان که اسوه‌ی حسنه‌ی این ملت هستید، تبریک عرض می‌کنم و از خداوند تعالی، توفیق همه را برای خدمت به‌بندگان خدا و ادامه‌ی پیروزی از خداوند تعالی می‌خواهم. اساس ادامه‌ی یک پیروزی و ادامه‌ی یک انقلاب در یک امری است که به‌نظر می‌آید در رأس امور واقع است و آن این‌که دولت، مجلس و کسانی که در ارتش هستند و سپاه و همه‌ی این‌ها از طبقه‌ی متوسط و مادون متوسط باشد، اساس سلطه‌ای که بر کشورها و بر کشور ما از طرف غیر، واقع شده است.

افراد مرفه و کسانی که سرمایه‌های بزرگ داشته‌اند یا قدرت برای حفظ خودش و حیثیت خودش در دست داشته است، مادامی که مجلس و ارگان‌های دولتی و همه‌ی این‌ها و مردم از این طبقه‌ی متوسط و مادون متوسط تشکیل بشود، امکان ندارد که یک دولت بزرگی، یک قدرت بزرگی هم به‌هم بزنند. اوضاع را، همیشه این قدرت‌های بزرگ در هر کشوری یک‌نفر را با او تفاهم می‌کردند که این یک نفر برای خودش و برای قدرتمندی خودش و برای سرمایه‌ی خودش فعالیت می‌کرد، او را می‌دیدند و ملت را می‌چاپیدند و به‌اصطلاح کدخدا را می‌دیدند و ده را می‌چاپیدند.

انسان در فطرت خود، تنهایی ندارد

هیچ‌وقت، قدرت‌های بزرگ مواجه با ملت‌ها اگر شدند، نتوانستند کار خودشان را انجام بدهند و مواجه هم نشدند. هر وقت که می‌خواستند یک دولتی را یا یک سلطنتی را یا یک ریاست جمهوری را که برون‌مقام آن‌ها عمل نمی‌کرده، از بین بردارند، در مقابل او یک قدرت دیگری می‌تراشیدند و با آن قدرت، این قدرت را از بین می‌بردند. کار به‌دست ملت نبوده است و کار به‌دست طبقه‌ی متوسط و مادون متوسط نبوده است. این‌که این عمل را آن‌ها انجام می‌دادند، یک نکته‌ی روحی دارد و آن این است که انسان در باطن خودش و فطرت خودش تنهایی ندارد. آمالش، آمال غیرمتماهی است، وقوف نمی‌کند آمال انسان و وقتی که

این طور است، اگر انسان اسیر همین آسأل غیر متوقف بشود و ببیند که یک ابر قدرتی، این آسأل او را و آن خواست های مادی او را و آن قدرت او را و سلطه ی او را بر ملت خودش حفظ می کند، او دیگر در بند این نیست که برای ملت کار بکند، برای این که از طبقه ی مرفه است و از طبقه ی قدرتمند است و قدرتمندی هم و همین طور حب مال و جاه هم حدی ندارد، مرزی ندارد. آن برای حفظ قدرت خودش و پشتوانه ای که دارد، برای این حفظ قدرت با ملت، آن می کند که همدی حیثیت ملت و گنجینه های ملت را در دسترس او قرار بدهد، یک سهم ناچیزی هم برای خودش قرار گیرد.

الآن شما ملاحظه می کنید که قدرت هایی در دنیا هست، از حیث مال که اگر چنانچه اموالشان را تقسیم بکنند، به این ۳۶ میلیون جمعیتی که ما داریم، اگر یک نفر از آن ها اموالشان را تقسیم بکند، تمام افراد این ۳۶ میلیون مرفه می شوند و از طبقه ی به اصطلاح خودشان بالا می شوند. یک نفر از آن ها این طور است، لکن همان دارایی او به این اندازه بود. از این آدمی که درویش سرمحل است حرصش به دنیا بیشتر بود، حرصش به مال بیشتر بود و بیشتر می خواست جمع بکند. هر چه مال اضافه بشود، حرص انسان اضافه می شود و اگر مهذب نباشد انسان، آن قدرت را برای خودش به کار می گیرد؛ وقتی برای خودش به کار گرفت، دولت های بزرگی که هستند ابر قدرت هایی که هستند، یک همچو آدم قدرتمندی را پیدا می کنند و آدم قدرتمند را به او بال و پر می دهند و این را به مقام می رسانند تا این که ملت را استضعاف کند و دخیل ملت را بچاپد.

شما ملاحظه ی وضع این ۵۰ سال، یک قدری را بیشتر بکنید که انتخاب کردند خارجی ها و بعد هم این مطلب خودشان را گفتند که رضاخان را انتخاب کردند و به او قدرت دادند و قدرت آن طور دادند که تمام این ملت را به استضعاف کشانید و حکومت چهار خود را بر این ها قرار داد و بعد از او هم محمدرضا را گذاشتند با آن همه افرادی که اطراف او بودند و همه از آن ها بودند که طبقه ی بسیار مرفه و خوشگذران و بالابالاها به اصطلاح آن ها.

باید ما متوجه باشیم که وقتی که مجلس آن یک مجلسی است که از طبقه ی متوسط است و توی این مجلس آن دوله ها و سلطنت ها و سلطنتی ها را نداریم و

در دولت هم آن‌طور دولت‌هایی که افراد مرفه سرمایه‌دار گذا باشند، نداریم. در ارتش هم آن افراد سپهبد و کذایی که املاک بی‌اندازه داشتند و آپارتمان‌های چندین طبقه داشتند، نداریم، این مملکت محفوظ می‌ماند.

آن‌روزی که هر یک از ماها را ملت دید که دارید، از مرتبه‌ی متوسط می‌غلطید به طرف مرفه و دنبال این هستید که یا قدرت پیدا کنید، یا تمکین پیدا کنید، مردم باید توجه داشته باشند، این‌طور افرادی که به تدریج ممکن است، یک وقتی خدای نخواستہ پیدا بشود، آن‌ها را سر جای خودشان نشانند. اگر ملت می‌خواهد که این پیروز تا آخر برسد و به منتهای پیروزی که آمال همه است، برسد، باید مواظب آن‌هایی که دولت را تشکیل می‌دهند آن‌که رئیس‌جمهور است، آن‌که مجلس هست، مجلسی هست همه این‌ها را توجه بکنند که مبادا یک وقتی از طبقه‌ی متوسط به طبقه‌ی بالا و به اصطلاح خودشان مرفه به آن طبقه برسد. بداند که اگر دولت این‌طور باشد اگر یک قدرتی بخواهد بجمعه بکند به این‌جا، مواجه با سی میلیون جمعیت است و نخواهد توانست نمی‌تواند، آن وقت پیدا کند یک کسی که قدرتمند باشد و آن قدرتمند را وادار کند که ملت را به استضعاف بکشند و بچاپند ملت را. برای آن‌ها تاریخ همین‌طور بوده. مادامی که این ملت‌ها در بین‌شان افرادی پیدا نشده است که به آن مرتبه برسد، در بین آن‌ها که قدرت مالی یا قدرت دیگرش زیاد بشود و به مردم حکومت کند، نمی‌توانند آن‌ها این ملت‌ها را از بین ببرند و حکومت برشان بکنند و بالاخره یک وقت یک ابرقدرتی مواجه با یک نفر، دونفر، صد نفر، پانصد نفر هست که آن‌ها را سیر می‌کند و آن‌ها به‌جان مردم می‌افتند و خودش هم کنار می‌نشیند و حکومت بالاتر را خودش دارد، حکومت پایین‌تر را به این آدمی که با این آدم‌هایی که در این کشور هستند، واگذار می‌کند.

اساس استضعاف ملت‌ها، از خودشان و از قدرتمندان بین خودشان بوده و شما شکر کنید که یک همچو مجلس دارید که از طبقه‌ی مرفه در آن هیچ نیست. طبقه‌ای که اگر مالش را تقسیم کند بین ملت ما، ملت ما ثروتمند می‌شوند، ندارید حالا، در دولت هم ندارید یک همچو ثروتمندانی و یک همچو قدرتمندانی، ندارد دولت یک همچو قدرتی رئیس‌جمهور یک همچو قدرتی که بتواند یک چیز

انحرافی را به ملت تحمیل کند. یک همچو مجلسی نداریم که بتواند یا بخواهد. یک امر انحرافی را تصویب کند و دولت هم مجری او باشد. مادامی که این حد متوسط محفوظ است، این جمهوری محفوظ است و امکان مقابله نیست. ما بین قدرت‌های بزرگ، با همچو دولتی بخواهند کودتا کنند یا کی کودتا کنند؟ بخواهند از خارج وارد کنند، مواجه با کی می‌شوند؟ مواجه با یک ملت می‌شوند که همه‌شان از این طبقه هستند که این نهضت را به پیش بردند و با آن قدرت و با آن عظمت به پیش بردند. آن‌ها مطالعه‌ی امور را می‌کنند و اقدام می‌کنند. آن‌ها الآن در صدد آن هستند که در بین خود این مردم یک بساطی درست کنند و اختلافاتی درست کنند و بعد که میان اختلافات یک نفر پیدا بکنند که آن نفری که پیدا است، در یک طرف واقع بشود و آن هم بهش قدرت بدهند، تا آن که کم کم با قدرت داخلی، این کشور کم کم ضعیف بشود و مردم روحیه‌شان ضعیف بشود و بعد تقدیم کنند، به آن‌ها.

مردم باید مراقب باشند

تا کشور ما این مقام را دارد که به حمدالله از آن طبقه‌ی مرفه‌ی بالایی که امور را در دست گرفته‌اند، مبرا هست و امور کشور ما به دست امثال شماها و امور کشور ما به دست امثال این رئیس‌جمهورها و رئیس‌مجلس‌ها و نخست‌وزیرها و وزرا، و وکلا هست، شما مطمئن باشید که نخواهد توانست یک قدرت خارجی این پیروزی را از بین ببرد و آن روزی که دیدید و دیدند که انحراف در مجلس پیدا شده، انحراف از حیث قدرت‌طلبی و از حیث مال‌طلبی، در وزیرها پیدا شد، در رئیس‌جمهور پیدا شد، آن روز بدانند علامت این‌که شکست بخوریم، خودنمایی کرده، از آن وقت باید جلوی‌ش را بگیرند. رئیس‌جمهوری که بخواهد سلطنت کند به این مملکت خود مردم باید جلوی‌ش را بگیرند. مجلسی که بخواهد قدرتمندی نشان بدهد و آن مسائلی که سابق و آن افرادی که سابق در مجلس بودند، آن کارها را بکند، خود مردم باید جلوی‌ش را بگیرند. اگر مردم بخواهند که اسلام را حفظ کنند، جمهوری اسلامی را حفظ کنند، دولت و مجلس و رئیس‌جمهور و این‌ها را حفظ‌شان کنند؛ یعنی حفظ کنند از این‌که خدای نخواسته

یک وقت قدمی از آن‌ور برندارند، این شیطانی است که در انسان هست و ممکن است که هرکس را منحرف کند و لازم است که انسان خودش را مهذب کند. شمای که می‌خواهید خدمت به این مردم بکنید و دولت که می‌خواهد خدمت به این مردم بکند و رئیس‌جمهور و امثال این‌ها که می‌خواهند خدمت به این مردم بکنند توجه بکنند که خدمت‌گذارند، در دل خودشان این مطلب را ایمان بیاورند بهش که ما خدمت می‌خواهیم به این مردم بکنیم. ما در جمهوری اسلامی داریم زندگی می‌کنیم، جمهوری اسلامی که در اسلام مثل رسول اکرم صلی الله علیه و آله مثل امیرالمؤمنین علیه السلام، برش حکومت کرده‌اند. می‌خواهیم یک همچو حکومتی باشد، یک همچو حکومتی که کفش وصله‌خورده‌ی خودش را می‌گوید از این ریاست‌ها پیش من ارزشش بیشتر است یا ریاست‌ها ارزشش کمتر از این است.

شما باید در روحیه‌تان این مطلب را حفظ کنید و مردم هم باید مواظب شما باشند و مواظب همه‌ی این‌ها باشند و هریک از ما و شما و همه خواستیم که از آن‌راهی که اسلام داشته است، از اول راهی که داشته است و از آن طریقه‌ای که انبیا داشته‌اند ما بخواهیم عدول کنیم. آن روز نمونه‌ی شکست پیروزی اسلام پیدا می‌شود و تا یک همچو مسأله‌یی پیدا نشده، پیروزی در جای خود شک نکنید که هست. البته برای خدا باید باشد. شما برای خدا در این مجلس حالا آمدید. وقتی مجلس این‌طور است که یک امتیازی نیست که حالا وقتی شما رفتید توی بازار، مردم کنار بروند که رئیس مجلس آمد یا وکیل مجلس آمد، نخست‌وزیر هم این‌طور است. این جور نیست که وقتی توی مردم برود، مردم فرق بگذارند با هم و همه این‌ها این‌طور هستند.

پایین‌شهری‌ها و پابره‌نه‌ها، ولی نعمت ما هستند

وقتی یک همچو مطلبی را دارید احساس می‌کنید که امتیاز دنیایی ندارید، این را باید شکر کنید و در شکرانه‌ی این نعمت، خدمت به خلق بکنید و خدمت به احکام اسلام بکنید و برای این‌هایی که اولیای ما هستند. این پایین‌شهری‌ها و این پابره‌نه‌ها به اصطلاح این‌ها ولی نعمت ماها هستند، اگر این‌ها نبودند ما یا در تبعید بودیم یا در حبس بودیم یا در انزوا. این‌ها بودند که همه‌ی ما را از آن

مسائل نجات دادند و همه‌ی ما را آوردند و نشانند به جایی؛ به خیال خودمان، جایی است باید ملتفت باشید که آقا شما همان آدمی هستید که توی حبس بودید و شما همان آدمی هستی که در تبعید بودی و شما همان آدمی بودی که در انزوا بودی. این مردمنده که آمدند ما را آوردند بیرون از همه‌ی این‌ها و ما اگر تا آخر عمرمان به این‌ها خدمت بکنیم، نمی‌توانیم از عهده‌ی خدمت این‌ها برآییم. خداوند به ما توفیق بدهد که یک خدمت‌گزاری برای این‌ها باشیم و به این نعمت موفق بشویم.

شما امروز هم که ملاحظه می‌کنید این‌هایی که در جبهه‌ها الآن دارند جانفشانی می‌کنند، این‌ها از کدام طبقه هستند. شما اگر پیدا کردید در تمام این‌ها یک نفری که مال آن اشخاص باشد که دارای سرمایه‌های بزرگ هستند. آن اشخاص باشد که در سابق دارای قدرت‌هایی بودند، اگر یک نفر از آن‌ها پیدا کردید، این محتاج به این است که از ما مزدگانی بگیرید، ولی می‌دانم که پیدا نمی‌کنید. از همین جمعیتد الآن هم این‌هایی که جانشان را در دستشان گرفتند و شما را حفاظت می‌کنند و آن‌هایی که در بین شهرها، در بین روستاها حفظ می‌کنند ما و مردم را همین طبقه هستند. این طبقه‌اند که به ما الآن منت دارند و از اول منت داشتند. همین‌ها بودند که هیچ توقمی هم ندارند. هیچ وقت هم نمی‌آیند توقع کنند.

شما باید توجه به این معنی بکنید که ما را، این‌ها آوردند و وکیل کردند، آورده‌اند و وزیر کردند، رئیس‌جمهور کردند، این‌ها ولی نعمت ما هستند و ما باید ولی نعمت خودمان را از ش قدردانی کنیم و خدمت کنیم به او و همین‌ها هستند که الآن هم حفظ این کشور را می‌کنند و حفظ نظام این کشور را می‌کنند. شما آقایان نمی‌توانید که بروید توی کوچه‌ها و عرض بکنم که خیابان‌ها و آن‌جا را اداره کنید. شما یک‌شان دیگری دارید. یک شغل دیگری در خدمت دارید، آن‌ها هم یک شغل دیگری دارند.

توصیه به حفظ روحیه‌ی شهادت‌طلبی

اما، شغل آن‌ها آن‌طور است که ما را هم حفظ می‌کنند و من امیدوارم که این روحیه در این ملت باقی باشد و با این روحیه که سربازهای ما دارند و

پاسدارهای ما دارند و آن‌هایی که حفاظت این کشور را می‌کنند، آن روحیه را دارند که روحیه بسیار ارزشمندی است، شهادت‌طلبی است و خود را به حلقوم مرگ انداختن برای نجات اسلام و نجات کشور. خداوند این روحیه را به همه عنایت کند و مادامی که این روحیه هست و آن مسأله‌ای که قبلاً عرض کردم، هست، مطمئن باشید که این کشور بیمه است و هرگز نخواهد آسیب دید.

خداوند به همه‌ی شما، به همه‌ی ما، توفیق خدمت به خلق که خدمت به خلق هم از بزرگ‌ترین عبادت‌های الهی است، عنایت فرماید و شرکسانی که می‌خواهند این کشور و مسلمین را بازگردانند، به حال انزوا یا به حال تحت سلطه بودن، آن‌ها را یا اصلاح و یا اعدام فرماید.

والسلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته^(۱)

رئیس جمهوری از عناصر اصلی انقلاب، دولت موقت، شورای انقلاب و وضع جسمانی خود با کیهان سخن گفت

رئیس جمهوری در یک مصاحبه‌ی اختصاصی به مناسبت سومین سالگرد انقلاب، به سوالات خبرنگار ما پاسخ گفت. ذیلاً متن این مصاحبه از نظر خوانندگان می‌گذرد.

س: با عرض تشکر از این که ما را به حضور پذیرفتید، تحلیل کلی شما از انقلابی که در ۲۲ بهمن به پیروزی رسید، چیست؟ و برای پیروزی کامل انقلاب، چه مسائلی را تصور می‌کنید که طرح آن لازم است و برای این که محتوای «۲۲ بهمن» انقلاب محفوظ بماند - هم چنان که الآن هست - چه نقطه نظرهایی دارید؟

ج: تحلیل من از حادثه‌ی ۲۲ بهمن، به طور خلاصه عبارت است از این چند جمله: «یک حرکت صد در صد متکی به مردم با سمت‌گیری و جهت‌گیری ایدئولوژیک. این حرکت، به تدبیر یک رهبری قاطع توانست بر قدرت‌هایی که در کشور نفوذ و سلطه‌ی عمیقی داشتند پیروز بشود.

ما، تحلیل‌مان از این حادثه نه یک تحلیل طبقاتی است و نه یک تحلیل نادرستی از قبیل آن چه که، افرادی این را یک نوع حرکت کور و بی‌جهت تصور می‌کردند، بلکه آن را هم یک

حرکت مردمی می‌دانیم؛ یعنی مربوط به عام مردم است و هم دارای سمت و جهت و بصیرت می‌شماریم.

البته، برای این‌که یک چنین حرکتی به وجود بیاید، عناصر اساسی عبارت است از وجود رهبری، آگاهی‌های ایدئولوژیک، آگاهی‌های سیاسی و شرایط ویژه‌ی اجتماعی؛ مثل اوج نارضایی‌ها، مثل تناقض و تضاد در سیاست‌های بین‌المللی که اگر هریک از این ارکان نباشد، چنین حرکتی پیش نمی‌آید. ما این نوع حرکت را، عمیق‌ترین و بنیادین‌ترین حرکت‌های انقلابی می‌شماریم و معتقدیم که هر نوع حرکت دیگری در جامعه، ثبات و دوام این حرکت را ندارد. ممکن است آن حکومتی که بر مبنای چنین حرکتی سرکار می‌آید، حکومتی باشد که دارای نقطه‌ی ضعفی باشد یا فرض بفرمایید در مقابله با یک حوادث خیلی سختی، نتواند خودش را حفظ کند و احياناً از بین برود، لکن این حرکت از بین رفتنی نیست؛ یعنی به مجرد این‌که حادثه‌ای برای حکومت ناشی از این حرکت به وجود بیاید، این حرکت با اوج متناسب و شایسته‌ی خودش و با یک قدرت و قوتی که در هیچ حرکت دیگری متصور نیست، می‌تواند راه خودش را ادامه دهد و باز به موفقیت‌های دیگری نائل بشود. این اعتقاد من است.

عناصر تداوم بخش حرکت انقلاب

دنباله‌ی سؤال این بود که چه عواملی می‌تواند این حرکت را در همان شکل «۲۲ بهمنی» آن حفظ کند؟ شما ببینید که در ۲۲ بهمن، چه داشتیم. اول این مشخص بشود و بعد ببینیم چه عواملی می‌تواند آن را حفظ کند.

در ۲۲ بهمن، یک حضور کامل مردمی داشتیم؛ یعنی شما در خیابان‌ها و کوچه‌ها و محلات تهران و همه شهرهای دیگر، مردم را با همان معنای واقعی این کلمه، نه یک قشر خاص و نه طبقه‌ی خاص، بلکه عامه‌ی مردم را حاضر و مصمم و تصمیم‌گیرنده مشاهده می‌کردید که خود این کار، البته بی‌نظمی‌هایی را به وجود می‌آورد - چون سازماندهی نداشت - اما برکت وجود مردم بر اشکال ناشی از این بی‌سازمانی و بی‌تشکیلاتی کاملاً می‌چربید. مردم را در صحنه داشتیم. هدف و جهت مردم که همان توجه به اسلام است را داشتیم، به طوری که بعد از حرکت ۲۲ بهمن، به فاصله‌ی یک ماه و نیم، شما ملاحظه می‌کنید که در دهم

فروردین، وقتی که روز جمهوری اسلامی مطرح می‌شود و فرزندوم صورت می‌گیرد، صدی ۹۸ و چیزی بالاتر از همین مردم، رأی به جمهوری اسلامی می‌دهند. در حالی که ما شاهد و ناظر بودیم که آن روز تلاش‌های زیادی صورت می‌گرفت که عنوان جمهوری اسلامی را به عنوان‌های دیگری از قبیل جمهوری دموکراتیک اسلامی و جمهوری دموکراتیک خلق و چیزهای دیگر بدل کنند. در عین حال مردم می‌آمدند و قاطعانه به شکل ۹۹/۵ درصد رأی به جمهوری اسلامی می‌دادند. این حاکی از وجود عنصر ایمان مذهبی و ایمان اسلامی است در میان مردم. و سومی وجود رهبری قاطع و تغییرناپذیر و مصمم و فداکار. این سه عنصر را ما می‌توانیم حفظ کنیم.

توطئه‌های استکبار جهانی برای حذف عناصر اصلی انقلاب

تداوم این انقلاب، به تداوم این سه عنصر است و در طول این مدت، شما اگر درست ملاحظه کنید، خواهید دید که برای هر یک از این سه عنصر، توطئه‌هایی چیده شده تا از مجموع این انقلاب، آنرا خارج کند.

هم توطئه‌شده برای این که رهبری را تضعیف کنند. و هم توطئه‌شده برای این که وجود مردم را ضعیف کنند و هم توطئه‌شده برای این که اسلام و باور مذهبی را از مردم بگیرند و دقیقاً روی این سه عنصر برنامه‌ریزی شده و سرمایه‌گذاری شده، از طرف استکبار جهانی تا بتوانند این‌ها را از بین ببرند.

از جمله برای تضعیف رهبری، من اشاره می‌کنم به حرکات و اظهاراتی که در ماه‌های اول انقلاب می‌شد که می‌خواستند رهبری را از امام خمینی به یک گروه و به یک جمع یا به یک شخصیت‌هایی منتقل کنند یا رهبری را لااقل تجزیه کنند که من همان وقت پادم می‌آید که در یکی از اجتماعات بزرگ در یکی از شهرهای بزرگ ایران، شرکت کرده بودم. شعار مردم دقیقاً هوشیارانه می‌زد توی دهن آن کسانی که این سعی را داشتند و مردم صریحاً می‌گفتند که رهبر ما و امام ما، همان کسی است که ما فزایض دین‌مان را از او فرامی‌گیریم؛ یعنی مرجعیت و رهبری مبارزه را با همدیگر هم عنان می‌دانستند.

کوشش‌هایی می‌شد که این وحدت رهبری از بین برود و تجزیه بشود یا به صورت

رهبری رجال سیاسی یا به‌صورت رهبری رجال روحانی و یا به‌صورت رهبری افرادی از سران و رهبران گروه‌ها، می‌خواستند بیایند. رهبری امام را در بین یک دسته‌هایی از این قبیل تقسیم و تجزیه‌کنند. و وحدت و رهبری را از بین ببرند. حالا این دو اشکال داشت. یکی این‌که رهبری واحد از بین می‌رفت و تصمیم‌گیری مستقل امکان‌پذیر نبود و دیگر این‌که در عناصر دیگر، این قدرت و قاطعیت و این تصمیم وجود نداشت. این‌ها منظورشان این بود که قاطعیت را از رهبری بگیرند.

توطئه‌ی حذف اسلام یا مثلاً توطئه‌ای که برای حذف اسلام از آن دو عضو انقلاب و از مجموعه‌ی انقلاب می‌شد، به‌این صورت بود که کسانی می‌گفتند که روی پیاده کردن اهداف اسلام، چرا این قدر اصرار می‌ورزید؟! البته یک نمونه‌ی بارز آن صحبت آن شخصی بود که در یک مجمع عمومی گفته بود که پیاده‌کردن اسلام امروز نه ممکن است و نه لازم است، ولی دیدیم که بعد، مرحوم شهید بهشتی در مقابل این صحبت، قاطعانه ایستاد و از همان زمان بود که مخالفت‌ها علیه مرحوم بهشتی علنی شد. این شکل علنی مخالفت با اسلام و عنصر اسلام بود، اما شکل‌های مخفی هم داشت که آن‌هم قابل توجه است. در داخل شورای انقلاب حتی کسانی بودند که با پایبندی صددرصد به احکام فقهی اسلام موافق نبودند؛ یعنی معتقد بودند که این الآن عملی نیست و ما یک چیز میانه‌ای فعلاً بیاوریم تا مثلاً زمینه آماده بشود برای آن شکل فقهی کامل که اجرا بشود!

مخالفت با حضور مردم

هم‌چنین با حضور مردم هم مخالفت می‌کردند با انواع و اقسام تدابیر که به‌نظر من این عنصر حضور مردم بیش از بقیه عناصر مورد تهاجم قرار گرفت؛ چه به‌وسیله‌ی کوییدن نهادهای انقلابی که عمدتاً از مردم تشکیل می‌شد و چه به‌وسیله‌ی مأیوس کردن مردم و آیه‌ی یأس خواندن برای مردم و مردم را بدبین کردن به آینده‌ی انقلاب و چه به‌وسیله‌ی زشت‌کردن چهره‌ی رهبران مردمی؛ یعنی کسانی که فریادشان مردم را جمع می‌کرد. شاید شما یادتان باشد در همین دوران سه ساله وقتی رسید که روحانیون - که بزرگ‌ترین بازوی جمع‌کننده‌ی مردم هستند - در داخل خیابان‌های تهران به آسانی نمی‌توانستند

عبور و مرور کنند. امام هم در یک سخنرانی اشاره کردند. عناصر ضدانقلاب می آمدند و در حضور مردم به این ها اهانت می کردند. یک روحانی نمی توانست در مقابل یک جوان ضدانقلابی و حتی غیر جوان - که به او اهانت می کند - جوابی بدهد. اهانت می شد و این ها کم کم سعی می کردند از مجامع مردم خودشان را کنار بکشند تا مورد اهانت ضدانقلاب قرار نگیرند. این تنها برای این بود که با انزوای روحانیت، حضور مردم در صحنه دیگر امکان پذیر نشود.

من همان گونه که در صحبت دیگری اشاره کردم، اتمی جمعه در سراسر کشور و روحانیون ستون بزرگ، بازوها و در حقیقت پر وبال امام هستند. وقتی که امام فریاد می کشید، این ها هستند که آن فریاد را به درستی منتقل می کنند و مردم را جذب صحنه و عرصه می بارزه می نمایند. از این تدابیر و شیوه های گوناگون استفاده می شد، برای این که مردم را از صحنه خارج کنند.

لذا، ما بایستی امروز کوششمان این باشد که این سه عنصر را هر چه ممکن است قوی تر حفظ کنیم: عنصر اسلام باوری را، عنصر حضور مردم در صحنه را، عنصر وجود رهبری مطمئن و قاطع را که آن رهبری فعلاً حضرت امام است.

س: چگونه بود که گروه های مختلف، زمینه های مناسب و گسترده ای برای توطئه های

خود یافتند و آیا این امر به شورای انقلاب مربوط می شد؟

ج: این گروهک ها که البته یک بخش از آن صحبتی است که من کردم، و این ناشی از شورا نیست و فکر نمی کنم که ترکیب شورای انقلاب چندان تأثیری در وضع گروهک ها داشت، ولی در آن زمان مسؤولان دولتی طرز فکرشان نسبت به گروهک ها یک طرز فکر دیگری بود. آن ها معتقد بودند که بایستی ما اجازه بدهیم که این گروهک های سیاسی فعالیت خودشان را هر طور می خواهند انجام بدهند.

س: تا قبل از این که امام صحبتی کرده باشند، سخن از سوی آن عده از اعضای

شورای انقلاب که خطشان در تخالف و تقابل با لیبرال ها بود، گفته نمی شد چرا؟

اختلافات داخل شورا

ج: خیلی روشن است؛ آن‌زمان، ما به‌هیچ‌وجه مصلحت نمی‌دانستیم که اختلافات داخل شورا را در میان مردم مطرح کنیم که خود این، موجب دلسردی مردم می‌گردد و چیزی را هم حل نمی‌کرد. ما اختلافاتمان را در خیلی اوقات، خدمت امام می‌بردیم و امام وجود این اختلافات را می‌دانستند و تلاش‌هایی هم برای حل آن می‌کردند.

خود ما هم تلاش زیادی داشتیم که بتوانیم در داخل خودمان مسائل را حل کنیم، اما آوردن این اختلافات به‌میان مردم، هیچ فایده‌ای نداشت. ما چکار می‌خواستیم به‌این‌وسیله بکنیم؟ می‌خواستیم چهره‌ی افرادی را که امام این‌ها را به‌عنوان اعضای شورا، انتخاب کرده، این‌ها را در نظر مردم خراب کنیم و آیا این کار مفید بود؟

مسلماً این کار زیان‌بار بود. اگر چنان‌چه این‌ها شایسته‌ی حضور در شورا نبودند باید برای امام این مسأله ثابت می‌شد و امام این‌ها را از شورا اخراج می‌کردند. راه حل این نبود که ما مسأله را با مردم مطرح کنیم، مردم علاجی نمی‌توانستند بکنند، البته در همان زمان بعضی از اعضای شورای انقلاب این کار را می‌کردند. من یادم می‌آید در همان اوقات، یکی از اعضای شورا گاهی در مسافرت‌هایی که می‌کرد، سعی می‌نمود که چهره‌ی خودش را در نظر مردم موجه کند و همه اشکالات دیگر را به‌گردن دولت و یا شورای انقلاب بیندازد. و مثل کسی که در اقلیتی قرار دارد و کسی حرف او را گوش نمی‌کند، این‌طور مسائل را به مردم وانمود کند، البته این واقعیت هم نداشت، لکن ما این عمل را یک عمل درستی نمی‌دانستیم، حتی خود امام هم هرگز توصیه نمی‌کردند که ما این مسائل را به مردم بگوییم.

من می‌خواهم به‌شما بگویم در این اواخر از اختلافات ما با بنی‌صدر، ما خیلی مسائل گفتنی داشتیم که به مردم بگوییم و هرگز این‌ها را به مردم نگفتیم، حتی الآن هم خیلی از این مسائل برای مردم ناگفته مانده است. علت این بود که امام می‌گفتند اگر اختلاف با هم دارید برای مردم این اختلافات را مطرح نکنید. و به‌نظر ما یکی از گناهان بزرگ بنی‌صدر این بود که اختلافات را میان مردم می‌کشید و مردم را ناراحت می‌کرد. آن‌هم یک طرفه و بدون این‌که امکان و مجال باشد که طرف دیگر پاسخ‌های خودش را بیان کنند. بنابراین مطرح کردن این اختلافات، به‌هیچ‌وجه، آن‌جور به‌صالح نبود.

علت گزینش بازرگان

س: شاید هنوز در ذهن بعضی این مسأله مطرح بشود که معرفی مستقیم و یا پس از این که یکی از اعضای مورد اعتماد امام، شخصی را معرفی می‌کرد و امام تأیید می‌فرمودند، به چه دلیل صورت گرفت. این در ذهن مردم تا حدی مطرح است؛ به خصوص در مورد آقای بازرگان که به عنوان اولین نخست‌وزیر معرفی شد. از نظر شما به چه شکل قابل تبیین است؟

ج: من فکر می‌کنم آن کسانی که این حرف را می‌زنند، در روزهای اول انقلاب هیچ‌کدامشان این حرف را نمی‌زدند. آن‌روزی که امام، مهندس بازرگان را معرفی کردند، از میان آن گروه کثیری که ممکن است این فکر در ذهن‌شان باشد که چرا آن‌روز مهندس بازرگان به عنوان نخست‌وزیر معرفی شد، حتی یک نفر هم نبود که آن‌روز این فکر را بدهنش بگذارند. ما باید ببینیم که در شرایط معرفی مهندس بازرگان وضع در ایران چگونه بود، اولاً به عنوان یک فردی که از لحاظ تحقق آرمان‌های اسلامی با ما و با جریان خط امام اختلاف دارد آن‌روز شناخته نشده بود. آن‌روز مهندس بازرگان به عنوان یک شخصی شناخته می‌شد که معتقد است به اسلام و به جمهوری اسلامی. سوابق مبارزات هم داشت. یک فردی هم بود که در گذشته‌ی او، چیز مهمی به عنوان نقطه‌ی ضعف نمی‌شد معرفی کرد. چنین شخصی خیلی راحت می‌تواند معرفی بشود.

خود ما هم نمی‌دانستیم مهندس بازرگان در چه وضعیتی است. ما بعد از آن که با ایشان مشغول کار شدیم، تدریجاً نقاط اختلاف و افتراق خودمان را با ایشان ملاحظه کردیم. من می‌خواهم بگویم امام هم وقتی که مهندس بازرگان را معرفی می‌کردند نظر و قضاوتی مشابه قضاوت امروز نداشتند. ما بایستی خودمان را در آن شرایط قرار بدهیم تا ببینیم چگونه می‌شد مهندس بازرگان را بشناسیم، روی شخص ایشان که این فکر الان می‌شود و سؤال مطرح می‌شود. آن‌روز این همه سؤال و این همه ابهام وجود نداشت، لذا امام یک فردی را می‌دیدند که سوابق مبارزاتی دارد. دارای دیانت است. اعتقاد به اسلام دارد. اعتقاد به جمهوری اسلامی دارد و سابقه‌ی بدی هم ندارد و دیگران و اعضای اولیه‌ی شورا هم

ایشان را پیشنهاد کرده بودند و امام هم مطرح کردند. بنابراین، این اعتراض وارد نیست، به‌رحال یواش یواش، وقتی که به تحقق و عمل آن آرمان‌ها نزدیک شدیم، آن وقت نقاط اختلاف ما آشکار شد.

س: عمده‌ترین وجوه موفقیت انقلاب را در ظرف ۳ سالی که از عمر آن می‌گذرد - به صورت محوری - چه چیزهایی می‌دانید؟

موفقیت‌های انقلاب

ج: چیزهایی که انقلاب ما را موفق کرده، همان چیزهایی است که یک‌روز انقلاب ما را به پیروزی رساند؛ یعنی همان ۳ عنصری که قبلاً گفته شد. اگر مردم نبودند و انقلاب مردم را از دست داده بود، یقیناً در مقابل این توطئه‌ها موفق نبود. هم‌چنان‌که اگر رهبری قاطع و متوکل از خدا نبود، باز انقلاب پیروز نمی‌شد و حضور مردم و حضور آن رهبر خود متکی به آن عنصر سوم است؛ یعنی ایمان و اعتقاد به اسلام. آن اگر نبود، نه مردم در صحنه حاضر بودند و نه رهبری که با این قاطعیت و تمامی وجود داشت.

بنابراین، چیزی که تداوم انقلاب را موجب شده، همان چیزی است که پیروزی انقلاب را در روز اول موجب شد؛ به‌عنوان مثال، شما مسأله‌ی اخراج بنی‌صدر را صلاح‌نظر کنید؛ بنی‌صدر یک فردی بود که به قول خودش می‌گفت: من تبلیغات چی خوبی هستم! از اول انقلاب هم، حتی پیش از انقلاب هم این مرد مشغول تبلیغات برای خودش بود. من می‌خواهم بگویم که روزنامه‌های زمان شاه و عوامل وابسته به دستگاه رژیم پادشاهی هم به او کمک کردند در مطرح شدنش.

پادتان هست که در روزنامه‌های ما، نام بنی‌صدر به‌عنوان یک دانشجو و به‌عنوان جوانی که در خارج با ایران مخالفت می‌کند، آمده بود. در حالی که سیاست رژیم این نبود که مخالفین خودش را نام ببرد و یک دانشجوی ساده را بزرگ کند. این را شما بی‌ارتباط ندانید به آینده؛ یعنی دستگاه‌هایی که آن‌روز تبلیغات کشور را می‌گرداندند، یقیناً قوی‌تر از خود رژیم بودند و آن‌ها عناصر پشت پرده‌ی وابسته به آمریکا بودند که سعی می‌کردند بنی‌صدر را برای ملت ایران یک چهره‌ای نشان دهند. از آن‌روز بنی‌صدر مطرح شد، بعد هم با امام به ایران آمد.

خود و اطرافیانش با یک طرح ریزی دقیق و ظریفی سعی کردند مسؤلیت به عهده نگیرند و توجه به مسائل دولت نکنند. آن وقت که قرار شد چند نفر از اعضای شورای انقلاب به دولت منتقل بشوند و در دولت هم برنامه‌ای داشته باشند که من و آقایان هاشمی و مهدوی‌کنی و بنی‌صدر ما چهار نفر معین شدیم که در دولت مشاغلی داشته باشیم. من در وزارت دفاع و آقای هاشمی در وزارت کشور و مهدوی‌کنی هم در وزارت کشور و بنی‌صدر هم در وزارت دارایی، همه‌ی ما قبول کردیم، ولی بنی‌صدر قبول نکرد و کار مسؤلیت‌داری را حاضر نشد قبول کند. این برای آن بود، اشکالاتی که از طرف مردم متوجهی دولت می‌شود، متوجهی او نباشد. راحت بتواند انتقاد کند و موضع بگیرد و راحت بتواند نظر مردم را جلب کند.

توسل بنی‌صدر به شیوه‌های نادرست

بعد هم سخنرانی‌های فراوانی کرده بود و این طرف و آن طرف رفته بود و نظر افرادی را جلب کرده بود. و در انتخابات ریاست جمهوری هم با انواع و اقسام وسایل تبلیغاتی به شیوه‌های نادرست و درست و همه‌جور تمسک جست که رئیس‌جمهوری بشود. یک چنین آدمی که با این کیفیت از اول انقلاب بلکه از پیش از انقلاب در میان مردم تبلیغات کرده و بعد از این که به ریاست جمهوری هم رسیده است، تمام وسایل و ابزار ممکن را در خدمت چهره‌شدن و موجه‌شدن خودش قرار داده، از لباس نظامی پوشیدن و سوار موتورسیکلت شدن و به جبهه رفتن و خاطرات نوشتن و مظلومانه پیش مردم حرف زدن و غیره؛ تا رفتن خدمت امام و نامه نوشتن به امام و متهم کردن دیگران.

یک چنین آدمی که در مدت کوتاهی آن‌چنان مورد نفرت مردم قرار گرفت که اگر در ایران می‌ماند و ظاهر می‌شد و هم‌چنان تا امروز اگر در ایران ظاهر بشود، خود این مردم بدون اشاره‌ی احدی او را تکه تکه خواهند کرد. این بر اثر این است که مردم در صحنه‌ی انقلاب به معنای واقعی کلمه وجود دارند و مسائل را می‌بینند و می‌سنجند و روی آن تصمیم می‌گیرند. حضور مردم فقط این نیست که در یک‌جایی اجتماع کنند. حضور مردم به این معنا است که مردم در انقلاب تصمیم‌گیرنده باشند و این هم‌چنین به معنای حضور رهبری قاطع انقلاب است که اگر رهبری انقلاب آن‌طور قاطع و خلل‌ناپذیر تصمیم نمی‌گرفته، این‌جوری

نمی‌شد و باز به صفای ایمان و باور اسلامی مردمی است که احساس کردند این آدم، پایبندی به اسلام ندارد و دلسوز و معتهد در مقابل اسلام نیست. این بود که خیلی راحت او را تبدیل کردند از یک رئیس‌جمهوری به یک فراری محکوم! که اگر به دست مردم بیفتد خودشان مجازات خواهند کرد. این‌ها هم براساس وجود مردم و رهبری اسلام است و این سه عنصر است که انقلاب ما را به پیروزی رسانده. من هم همیشه تأکیدم این است که این سه عنصر را ما باید حفظ کنیم؛ که به صورت ایزاری برای آمریکا در منطقه و ایران دربیاید. شکی نیست راجع به گذشته‌ی او، ان شاء الله زمان خودش روشن خواهد کرد.

س: در رابطه با روزهایی که در شورای انقلاب بودید، اگر به ذهن‌تان خاطرات و مسائلی می‌رسد که برای مردم جالب باشد و واقعاً نشان بدهد که چقدر بین اعضای شورا، تقابل وجود داشته که در عین حال، همه دندان روی جگر می‌گذاشتند و چیزی نمی‌گفتند، بفرمایید.

ج: اولین مسأله‌ای که برای ما وجود یک اختلاف و تضادی را روشن می‌کرد، مسأله‌ی انتخاب مسؤولانی بود که به وسیله‌ی نخست‌وزیر باید معرفی می‌شدند؛ چه وزرا و چه کسانی از قبیل وزرا؛ مثلاً رئیس کل بانک مرکزی و سخنگوی دولت، معاونان و رئیس ستاد. در مصاحبه‌ی تلویزیونی هم من گفتم منتظر بودیم که آقای بازرگان بیایند در شورای انقلاب مطرح کند که من می‌خواهم فلان کس را به عنوان مثلاً وزیر بازرگانی انتخاب کنم و در این مورد با ما مشورت نمایند. ما هم بگوییم خوب است یا بد، یا مثلاً این شخص مناسب نیست و فلان کس مناسب است. و بعد از مشورت‌هایی که با ما و دیگران انجام می‌دهد آن‌را به شورای انقلاب می‌آورد و ما مورد تصویب قرار بدهیم. این کار را که اصلاً نکرد و به هیچ وجه مشورت هم صورت نگرفت. من خودم چندین بار شخصاً به آقای مهندس بازرگان گفتم: آقای مهندس! ما به عنوان یک وظیفه نمی‌گوییم بلکه به عنوان یک مشورت؛ چون ما با هم رفیق هستیم. سال‌ها با هم بودیم و کار کردیم. چقدر در امور و مسائل مشورت کردیم. این هم یک کاری است. گفت: نه، من نمی‌خواهم مشورت کنم. مگر اجبار است. گفتیم:

نه! اجبار نیست. بعد یک مرتبه ۶ الی ۸ وزیر را می‌آورد و می‌گفت: این‌ها وزرا هستند. ما یک یا دوتا از این‌ها را یا نمی‌شناختیم یا قبول نمی‌کردیم. می‌گفت: نه! یا همه‌ی آن‌ها را

قبول کنید یا همه‌شان را رد کنید! می‌گفتم: این چه رسمی است؟ می‌گفت: در مجلس هم وقتی که دولت کابینه را معرفی می‌کند مجلس نمی‌گوید من یکی را قبول دارم یا ندارم یا همه را رد می‌کند یا همه را قبول می‌کند! که البته این برخلاف قوانین کنونی مجلس است. این همان قوانین مجلس سابق است، ولی در هرحال، مجلس یک چیز رسمی است. من می‌گفتم: ما با هم دوست هستیم، این‌جا این‌طور نمی‌شود عمل کرد. می‌گفت: یا همه را قبول کنید یا همه را رد کنید!

ما هم اول کارمان بود و بی‌تجربه بودیم، می‌دیدیم اگر همه این‌ها را رد کنیم، ممکن است مهندس بازرگان اولاً؛ تعیین وزرا را یک‌ماه دیگر به تأخیر بیااندازد و بگوید شما که آن‌ها را رد کردید، من دوباره باز باید بروم بگردم، پیدا کنم! ثانیاً؛ ممکن است خودش قهر کند و استعفا بدهد. ما اوایل خیال می‌کردیم که اگر مهندس بازرگان استعفا کند، تمام ایران به هم می‌خورد. البته خیلی نگذشت از آن وقتی که فهمیدیم، نه! این‌طور هم نمی‌شود و به فکر تشکیل به اصطلاح دولت سایه افتادیم و یک لیستی فراهم کردیم که اگر یک وقتی مهندس بازرگان آمد و گفت من دیگر نخست‌وزیر نیستم، ما دست‌مان توی حنا نماند! فکر آماده‌باش برای خودمان را در نظر گرفتیم! این اولین نقطه‌ی اختلافی بود که بین ما و آقای مهندس بازرگان به وجود آمد. بعد افتادیم در اختلافات دیگری از جمله؛ مثلاً راجع به انتخاب رئیس ستاد. ایشان سرلشکر ناصر فرید را به عنوان رئیس ستاد انتخاب کرد. ما گفتم ایشان کی هست؟ گفت: این وظیفه‌ی من نیست که به شما بگویم و از شما اجازه بگیرم! اما، در عین حال، در شورای انقلاب، مطرح می‌کنم. ایشان یک سرلشکر و چنین و چنان است.

اتفاقاً همان اوقات، یک کتابی از آقای فرید به دست ما رسید که حاکی از جان‌فدایی او نسبت به رژیم گذشته بود. این‌را به آقای مهندس بازرگان نشان دادیم. گفت که نه این مهم نیست! بعد سرتیپ ریاحی که دوست قدیمی مهندس بازرگان بود، او را معرفی کرد، که همین فرید بود که در قضایای کردستان، کمال خیانت را انجام داد، به طوری که همین تیمسار ظهیرنژاد که آن وقت فرماندهی لشکر ۶۴ ارومیه بود و سرهنگ بود و با مسائل کردستان کاملاً آشنا و مطلع بود. آن وقت می‌گفت که فرید را باید محاکمه و اعدام کرد، خیلی کارهای خلاف کرده بود. مثل این‌که برنامه‌اش این بود که حزب دموکرات و کومله و این‌ها را مسلط کند.

غرض، این نوع اختلاف ما بود که یکی از این‌جا شروع شد. و همین‌طور در مورد اعضای دیگر نخست‌وزیری مثل معاونین و سخنگوی دولت. ما در مورد امیرانتظام چندین بار به‌ایشان گفتیم، و گزارش‌هایی هم خدمت امام رسیده بود. حتی امام هم به‌ایشان تذکر داده بود ایشان محکم ایستاده بود که الا و بالله، بایستی سخنگوی دولت همین شخص باشد! در پاسخ اعتراض‌های ما، یک‌روز ایشان آمد در تلویزیون ظاهر شد، گفت که به‌من ایراد می‌کنند که چرا این معاونین را انتخاب کردی؟ البته این معاونین که گفته می‌شد، بیشتر مطلب روی امیرانتظام بود؛ دکتر یزدی و صباغیان هم معاونین او بودند. ما به‌آن‌ها نظر خاصی نداشتیم. ایشان گفت که به‌من ایراد می‌کنند که چرا این معاونین را انتخاب کردید. حالا ایرادکننده هم ما بودیم. من در جواب ایرادکننده‌ها می‌گویم که من اگر بهتر از این‌ها کسی را سراغ داشتم به‌معنای انتخاب می‌کردم! یعنی ایشان اعلام می‌کرد که بهتر از امیرانتظام کسی در ایران وجود ندارد. یا ایشان سراغ ندارد! بعد هم در طرح لوایح و تصمیم‌گیری‌ها و در مذاکرات گوناگونی که ما داشتیم؛ مثلاً در مورد سیاست خارجی، ما می‌گفتیم که طراح اصول سیاست خارجی باید شورای انقلاب باشد. ایشان قبول نداشت. می‌گفت: نه باید وزارت خارجه باشد. و وزارت خارجه طرحی را تهیه کند، بیاورد به‌شورای انقلاب و شورای انقلاب هم آن‌را تصویب کند. ما گفتیم: بسیار خوب! این‌کار را می‌کنیم.

آقای دکتر یزدی که در آن وقت وزیر خارجه بود، چند صفحه‌ای را نوشت و به‌شورای انقلاب آورد. فکر می‌کنم در یک یا دو جلسه مطرح شد. یک چیز کلی و اصلاً غیرقابل اعتنا. مسائلی بود که به‌عنوان سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی نمی‌شد این‌را عنوان کرد، البته در آن کلیات، به‌هیچ وجه اصول تفکر انقلاب ما که ضدیت و معاندت با آمریکا از اصول سیاست خارجی ماست، منظور نشده بود؛ و مسائل زیادی از این قبیل.

س: در شورای انقلاب، آیا مسائل به‌صورت رای‌ی طرح می‌شد و هیچ وقت نبود که

افراد منتسب به‌جریان خط امام تعدادشان بیشتر بشود؟

ج: این یک سؤال دیگری است. این مربوط می‌شود به‌کی و کدام شورای انقلاب؟ چون شورای انقلاب چند دوره را گذراندند. رأی بود و وقتی که چیزی مطرح می‌شود، باید رأی بیاورد، اما افراد منتخب به‌خط امام، تعدادشان کمتر بود؛ یعنی آن‌ها ۷ نفر بودند و ما ۶ نفر.

طوری نبود که ما اکثریت را بیاوریم. هیچ وقت اکثریت نبود. اگر چنانچه فرضاً یکی دو نفر ما در جلسه نبودند، دیگر معلوم است. آن‌ها خیلی جالب بود. گاهی یک چیزی را می‌خواستند مطرح کنند و آن‌را رد کنند. در جلساتی که چند نفر از ما نبودند، شاید همدیگر را خیر می‌کردند به احتمال زیاد، حالا یقین ندارم و آن‌را به جلسه می‌آوردند و رد می‌نمودند. دو سه مورد از این قبیل وجود دارد. بعدها کمیسیونی شد. در بعضی از کمیسیون‌ها، ما اصلاً وجود نداشتیم؛ مثل کمیسیون دو، که مربوط به امور اقتصاد و دارایی بود. رئیس کمیسیون، آقای مهندس سبحانی بود و چند نفر دیگر هم از اعضای شورای انقلاب بودند. چند تن از وزرا و رئیس کل بانک مرکزی هم شرکت می‌کردند. هرکار که دلشان می‌خواست، انجام می‌دادند. ما خبر نداشتیم و در جلسات شورا هم نمی‌آوردند؛ چون در این اواخر، بنا بر این بود که در کمیسیون‌ها، اگر مطلب مهمی هست، بیاید در جلسات عمومی شورا مطرح بشود. و تشخیص اهمیت به عهده‌ی خود این آقایان بود. آن‌را مهم نمی‌دانستند و رد می‌کردند.

س: مردم مایل هستند که در خصوص وضع جسمانی خودتان به خصوص پس از آن حادثه و در رابطه با دست‌تان، مطالبی را بیان کنید.

ج: اولاً: از مردمی که شما از قول آن‌ها نقل می‌کنید که نگران حال من و دست من هستند، بی‌نهایت سپاسگزارم. بلکه به خود من هم زیاد مراجعه می‌شود و خبردار می‌شوم که آن‌ها دعا می‌کنند و لطف دارند و واقعاً برای من جای سپاس از این مردم مهربان و قدردان و بزرگواری است؛ اما وضع دست من به حمدالله خوب است؛ یعنی الآن حدود سه ماه ونیم است که دست، در حال بهتر شدن است و می‌توانم بگویم که تقریباً روز به روز بهتر می‌شود و صدی ۷۰، حرکات دست برگشته است و این در حالی است که یک‌روز اطبا فکر می‌کردند که به هیچ وجه این دست خوب‌شدنی نیست و شاید لازم است قطع بشود. امروز خوشبختانه با این که خیلی هم از آن زمان نمی‌گذرد، علاوه بر این که دست قطع نشده، صدی ۷۰، حرکات خودش را هم به دست آورده و دوستان پزشک که صحبت می‌کنند و به این جا می‌آیند و دست من را می‌بینند، نظر می‌دهند که مابقی هم، حرکاتش درست خواهد شد. به هر حال، مسأله‌ی مهمی از نظر وضع جسمانی ندارم.^(۱)

در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی:
**فرماندهی سپاه پاسداران، جزئیات کشف خانه‌ی تیمی سران مرکزیت
سازمان مجاهدین، توطئه‌ی جدید امپریالیسم آمریکا
علیه ایران را تشریح کرد**

محسن رضایی، فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بعد از ظهر دیروز در یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی، جزئیات کشف خانه‌ی تیمی عناصر کادر مرکزی سازمان منافقین، آخرین رویدادهای جبهه‌های جنگ و نقش امپریالیسم آمریکا در تحریک کشورهای مرتجع منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران را تشریح کرد.

وی، ابتدا در مورد جزئیات کشف خانه‌ی تیمی متعلق به کادر مرکزی سازمان منافقین با استناد به آیات قرآن، موفقیت‌های برادران پاسدار در کشف خانه‌های تیمی، طی چند روز اخیر را تجلی اراده‌ی خداوند دانست و با اشاره به همیاری بی‌نظیر مردم در یاری نیروهای انتظامی گفت: علاوه بر ضربات سنگینی که در این جریانات بر اعضای کادر مرکزی سازمان منافقین وارد آمد، ضربات دیگری نیز به گروهک‌های دیگر وارد آمده است که کمتر از ضربه‌ی وارده به کادر مرکزی منافقین نیست.

وی افزود: در اثر دوماه تلاش پیگیر واحد اطلاعات سپاه پاسداران و کمک سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی، سرخ‌های مهمی از باقیمانده‌ی تشکیلات سازمان منافقین به دست آمده است که در ادامه‌ی آن، خانه‌های تیمی متعددی کشف شد.

وی افزود: چند شب پیش که از حضور عناصر کادر مرکزی منافقین در خانه‌ی تیمی واقع در منطقه‌ی زعفرانیه، یقین حاصل کردیم، به‌رغم حفاظت شدید از خانه‌ی تیمی مزبور و وجود راه‌های فرار مخفی متعدد، عملیات هماهنگی را با ترکیب برادران سپاه، کمیته و بسیج به‌قصد دستگیری عناصر مرکزی آغاز کردیم. و علی‌رغم آن‌که در نهایت دقت عمل شد، به‌علت آمادگی محافظین خانه، به‌محض بازکردن درب خانه‌ی مزبور، تیراندازی به‌سوی برادران پاسدار آغاز شد.

وی افزود: در جریان این درگیری، ضدانقلابیون ضمن استفاده از اتومبیل پژوی ضدگلوله و ماشین‌های تمام اتوماتیک دیگری که طبق اسناد به‌دست آمده از طرف بنی‌صدر در اختیار رجوی قرار گرفته بود، از انواع مختلف سلاح‌های کلت، ژ - ۳، پیوزی، نارنجک دستی و آر. پی. جی هفت، علیه برادران ما استفاده می‌کردند.

فرمانده‌ی سپاه پاسداران در مورد تلفات منافقین در این درگیری گفت: هم‌زمان با کشف خانه‌ی تیمی مرکزیت منافقین، چند خانه‌ی تیمی دیگر نیز کشف شد و مجموعاً بیست تن از عناصر برجسته‌ی این سازمان کشته و تعدادی نیز دستگیر شدند که موسی خیابانی عنصر دوم سازمان، اشرف ریعی همسر رجوی خان! و عضو کادر مرکزی منافقین نیز جزو کشته‌شدگان بودند.

وی افزود: در این عملیات، تنها برادر ابوالقاسم دهنوی از کمیته‌ی مرکزی که قصد نجات فرزند خردسال یکی از منافقین را داشت، به‌ضرب گلوله آنان به‌شهادت رسید و دو تن دیگر از سپاه و کمیته نیز زخمی شدند.

برادر رضایی در مورد کیفیت خانه‌ی تیمی مزبور، افزود: در این خانه، جاسازی‌های بسیار محکم و مخفی وجود داشت که در آن‌ها انواع مختلف سلاح‌های دستی، مواد منفجره، قرص‌های سیانور، بی‌سیم، اسلحه‌های کلت، ژ - ۳، پیوزی و مقادیر بسیار زیادی اسناد درون‌گروهی، جاسازی شده بود.

وی، در مورد تحلیل سپاه پاسداران درباره‌ی موسی خیابانی با اشاره به سیاست‌کاری‌های ماهرانه‌ی مسعود رجوی گفت: خیابانی، برحسب اعلامیه‌ی رجوی که نخست‌وزیر بنی‌صدر به حساب می‌آمد، قائم‌مقام او در داخل کشور بود. این از این رو که به دلیل سادگی‌اش، فرمانبر خوبی برای مسعود رجوی به شمار می‌رفت، می‌توانست فرد قابل اعتمادی برای او باشد؛ به عنوان اداره‌کننده‌ی تشکیلات سازمان انتخابش کرد.

وی افزود: فرار رجوی به دلیل وجشت او از مردم و اختلافتش با اعضای دیگر کادر مرکزی منافقین بود که آن را با شعار «می‌رویم خارج تا فعالیت‌مان را علیه جمهوری اسلامی ایران، گسترده‌تر کنیم» توجیه می‌کرد.

فرماندهی سپاه پاسداران در همین زمینه افزود: سازمان مجاهدین خلق، در اکثر تحلیل‌هایش بر این نکته بیش از هر چیز دیگر تکیه می‌کرد که علی‌رغم همه‌ی ضربات وارده به تشکیلات سازمان، مرکزیت آن هنوز باقی است که این خود ارزش قابل‌نشدن به عناصر پایین سازمان و تکیه آن، بر مرکزیت است.

وی تصریح کرد: با متلاشی شدن مرکزیت سازمان، نقطه‌ی اتکای آن‌ها از بین رفته و پوچی تحلیل‌هایشان به اثبات رسیده است.

محسن رضایی، در مورد آخرین رویدادهای جبهه‌های جنگ گفت: پس از یک دوره نسبتاً عادی که بر جبهه‌ها حاکم بود، از سه روز پیش، صدام با حضور در شهر العماره‌ی عراق، با ترغیب نیروهای مزدورش علیه ایران، عملیاتی را در «تنگه‌ی چزابه»، آغاز کرده است که دو شب پیش با مقابله‌ی سرسختانه‌ی نیروهای عراقی متلاشی شد که از گردان مزبور، یک گروهان به کلی منهدم و نفرات دو گروهان دیگر کشته و زخمی شدند، و شش تن از آنان به اسارت نیروهای ما درآمدند.

برادر رضایی، در مورد تصمیم دولت ایران دایر بر اعزام گردان‌های زرهی جولان، گفت: برای اعزام گردان‌هایی مرکب از پناهندگان و اسرای عراقی به همراه برادران پاسدار با مقامات سوریه، سرگرم مذاکره هستیم تا جلب رضایت آنان، نیروهای اعزامی را آموزش خواهیم داد.

فرماندهی سپاه پاسداران، در پاسخ سؤال یکی از خبرنگاران که پرسید: وضعیت فعلی

۳۶۴ که بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

گروهک‌ها در جنگل‌های آمل، چگونه است؟ و ارتباط آنان را با مدارک به‌دست آمده از خانه‌ی تیمی متعلق به‌اعضای کادر مرکزی سازمان منافقین چگونه توجیه می‌کنید؟ گفت: مدارک به‌دست آمده از خانه‌ی تیمی در زعفرانیه، بنیانگر همکاری صریح آن‌ها با ضدانقلابیون متواری در جنگل‌های آمل است.

وی افزود: سه کمپ دیگر از ضدانقلابیون متواری در جنگل‌های آمل، از دو روز پیش به‌محاصره‌ی نیروهای انتظامی درآمده‌اند که امیدواریم به‌زودی مسأله‌ی جنگل نیز حل شود. وی، سپس شورای همکاری کشورهای خلیج فارس را توطئه‌ی جدید امپریالیسم آمریکا علیه ایران توصیف کرد و گفت: این حرکت دشمن در شرایطی که ما پر دشمنان داخلی و خارجی کشورمان، پیروزی‌های چشمگیری به‌دست آورده‌ایم، تثبیت انقلاب اسلامی و ضعف آن‌ها در برابر قدرت مردم ما، به‌شمار می‌آید و اگر تا دیروز، انقلاب اسلامی ما برای آمریکا خطر واقعی نبود، امروز ما یقین داریم که بزرگ‌ترین خطر برای آمریکا هستیم.^(۱)

نظرات سخنگوی دولت، در مورد چگونگی به‌هلاکت رسیدن منافقین، گرانی، آغاز کار کوردها و مسائل مختلف روز

احمد توکلی، سخنگوی دولت، دیروز در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی در مورد کشف خانه‌های تیمی سازمان منافقین و کشته‌شدن ۲۲ تن از آنان، حمله‌ی تروریست‌ها به اتومبیل حامل سفیر آلمان غربی و به‌راه‌افتادن دومین کوره‌ی بزرگ ذوب‌آهن، برنامه‌های دولت در زمینه‌ی مسکن و خانه‌سازی و ایجاد صنایع سنگین و موضع قاطع ایران در جنگ با عراق، اطلاعاتی در اختیار خبرنگاران قرار داد.

سخنگوی دولت، در آغاز این مصاحبه گفت: به‌وسیله‌ی اطلاعات ۳۶ میلیونی مردم و کنترل‌های دقیق سپاه پاسداران کمیته‌ی مرکزی، دیروز (پریروز)، ۶ خانه‌ی تیمی سازمان منافقین کشف و تصرف شد که جمعاً ۲۲ نفر از سران نظامی و حفاظتی این سازمان که در این خانه‌ها قرار داشتند، کشته شدند که از جمله‌ی آن‌ها، موسی خیابانی جانشین مسعود رجوی است. این ضربه، شاید آخرین ضربه‌ای است که به‌تمام کادرهای اصلی این گروه وارد آمده است.

سخنگوی دولت، سپس اضافه کرد: خانه‌هایی که سازمان منافقین در زعفرانیه اجاره کرده

بودند، ماهیانه ۱۹ هزار تومان اجاره پرداخت می‌کردند. و موسی خیابانی هنگامی که با یک اتومبیل پژوی زره‌دار، متعلق به بنیاد پهلوی سابق که اوایل انقلاب دزدیده شده بود، قصد فرار داشت، موفق نشد و به وسیله‌ی گلوله به‌هلاکت رسید. موسی خیابانی یک بدل هم شبیه خودش داشت که عیناً شباهت زیادی به خودش داشت.

وی گفت: من این پیروزی را به مردم مسلمان ایران تبریک می‌گویم و مطمئناً هر حرکتی که در آینده صورت گیرد با ناپودی کامل و قطع ریشه‌های فاسد در کشور مواجه خواهد شد. هم‌اکنون در زندان‌ها، آموزش‌های لازم به افرادی که هوادار این گروه هستند، داده می‌شود و اقداماتی در دست تهیه است که این افراد به‌مراکز آموزش‌های فنی منتقل شوند تا یک عضو موثر و مفید در جمهوری اسلامی باشند.

سفر وزیر دفاع آمریکا

سخنگوی دولت در پاسخ به پرسشی یکی از خبرنگاران در مورد سفر اخیر وزیر دفاع آمریکا به منطقه‌ی خلیج فارس و کشورهای عربی گفت: پس از شکست طرح فهد و ضمیمه کردن بلندی‌های جولان به خاک اسرائیل و سفر هیگ، وزیر خارجه‌ی آمریکا به منطقه، حالا وزیر دفاع آمریکا به‌بازدید از این مناطق پرداخته است. و این قبیل سفرها، ادعای ما را به اثبات می‌رساند که صدام یک عنصر آمریکایی است و ملک حسین از عراق پشتیبانی می‌کند؛ قطعاً حضور وزیر دفاع آمریکا در منطقه، توطئه علیه جمهوری اسلامی است و ما از این توطئه‌ها هیچ واهمه‌ای نداریم و همه‌ی این‌ها، دست‌نشانده‌ی آمریکا هستند.

سخنگوی دولت در مورد سؤال یکی دیگر از خبرنگاران مبنی بر این‌که شورای همکاری خلیج فارس، پیشنهاد قطع روابط با ایران را کرده است، گفت: البته، اظهارات ضد و نقیض افراد وابسته به کشورهای خلیج فارس برای ما اهمیت ندارد. ما خواهان اتحاد همه‌ی مسلمین هستیم. این مسأله برای همه‌ی سران کشورهای خلیج فارس، یکسان نیست و این‌ها به‌نسبت‌های مختلف برخورد می‌کنند و می‌دانند منافع‌شان با همه کشورهای اسلامی است. ما اعلام می‌کنیم که هر نوع حرکت‌های مخالف در منطقه، به‌ضرر منافع کشورهای این منطقه است. در روزهایی که جولان زیر تسلط اسرائیل است و سوریه متوجه‌ی این حقیقت شده

است، ایران دشمنی با اسرائیل را وظیفه‌ی خود می‌داند و ایران نداده‌نده‌ی آزادی قدس است و از این حرکات، واهمه‌ای نخواهد داشت.

بازگشایی صنایع سنگین

خبرنگاری پرسید: دولت در مورد بازگشایی صنایع سنگین، تا چه حد حمایت می‌کند و چه صنایعی می‌تواند اشتغال‌زا باشد؟ سخنگوی دولت در پاسخ گفت: تلاش آمریکا بر این بود که کشور ما را، تک‌محصولی کند و تمام درآمد نفت، صرف خرید گردد و در این‌کار هم موفق شده بود. در واقع، نفت، ارزان به‌غرب می‌رفت و دلار حاصل می‌شد و از ورود این محصولات مالیات می‌گرفتند و از این ریال‌ها حقوق می‌دادند و چرخ اقتصادی می‌چرخید. صنایعی که ما داشتیم، صنایع وابسته به‌غرب بود. تلاش دولت بر این است که تا ممکن است از این وابستگی خود را خارج سازد و مشکلات را یکی پس از دیگری از میان بردارد. وی گفت: عیدی اقتصادی به‌مردم عزیزمان که مدیون آن‌ها هستیم، این است که فردا کورهی دوم ذوب‌آهن شروع به‌کار خواهد کرد و این‌کار، ۵ ماه زودتر از برنامه‌ریزی انجام می‌گیرد. ما تا پایان سال آینده، ۱/۸ میلیون تن آهن تولید خواهیم کرد که این مقدار برابر نیازهای داخلی است و این افتخار می‌باشد. در مورد صنایع، من باید عرض کنم کورهی تولیدکننده که با ۲۵ درصد کار می‌کرده، از فردا ۲۱ بهمن‌ماه با ۵۰ درصد کار خواهد کرد.

تشکیل مجلس خبرگان

سخنگوی دولت، در پاسخ خبرنگاری دایر بر این‌که تشکیل مجلس خبرگان برای چیست، گفت: در قانون اساسی، پیش‌بینی شده است، انتخاب کسی که شایستگی رهبری را دارد، به‌وسیله‌ی مجلس خبرنگان صورت می‌گیرد و صلاحیت آن‌را معرفی می‌کند. طبق قانون، مجلس خبرگان رهبر و شورای رهبری را به‌مردم معرفی خواهند کرد. خبرنگاری دلیل کاهش قیمت نفت ایران را سؤال کرد؛ سخنگوی دولت گفت: ما افتخار می‌کنیم که یک‌مقدار از قیمت واقعی نفت را از مصرف‌کنندگان بگیریم، اما کشورهای زیر

نفوذ آمریکا با بالا بردن تولید از ۸ میلیون به ۱۴ میلیون بشکه در روز، بازار را اشباع کردند. این به نفع غرب است که قیمت پایین می آید و به گردن کسانی است که سرسپردگی آمریکا را دارند، ولی آن‌ها در عملشان موفق نخواهند بود. کسانی که به ثمن بخش سرمایه‌ها را می‌فروشند و پول آن‌را در بانک‌ها نگاه می‌دارند، خیانت می‌کنند. ما قیمت واقعی نفت را عرض می‌کنیم و این به نفع کشور و ملت‌مان است.

سخنگوی دولت در مورد مسأله‌ی گرانی کالاهای ضروری مردم و برنامه‌ی دولت در آینده گفت: گرانی، یک مقدار محصول سودجویی و طمع‌ورزی فروشنده‌ها و واسطه‌ها و معلول کمبود جنس است. وقتی جنگ پیش می‌آید و همه فریاد می‌زنند: جنگ، جنگ تا پیروزی؛ دولت تمام امکانات خودش را صرف جنگ می‌نماید. وقتی که بودجه‌ی جنگ به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد، این‌ها همه اثر در واردات و تولیدات می‌گذارد و در نتیجه، کمبود پیش می‌آید و قیمت‌ها بالا می‌رود و کنترل دولت مشکل‌تر می‌شود.

وی در مورد کمبود گوشت و مرغ و شیر گفت: گوشت، قبلاً ۷۰۰ تن در سطح کشور توزیع می‌شد و پس از جنگ به ۵۰۰ تن رساندیم؛ یعنی ۳۰۰ تن در تهران و ۲۰۰ تن در شهرستان‌ها توزیع می‌شود.

در مورد مرغ و تخم‌مرغ باید عرض کنم که مرغ ۱۳۰ هزار و تخم مرغ ۲۲۰ هزار تن تولید می‌شود که احتیاج به یک میلیون و ۸۵۰ هزار تن دان و علوفه است که باید وارد کنیم و این مقدار نیاز به ۱۸۰۰ کامیون است که از بنادر به نقاط مختلف کشور حمل شود و دولت به فکر آن است که احتیاجات لازم را تأمین کند. و تولید شیر هم از ۱۵۰ هزار تن به ۴۱۰ هزار تن رسیده و توزیع آن بیشتر در مناطق پرجمعیت صورت می‌گیرد تا از این‌همه، اشکالاتی پیش نیاید.

سفر هیأت‌های اعزامی

سخنگوی دولت در پاسخ به سؤال خبرنگار ما در مورد سفر هیأت‌های اعزامی ایران به کشورهای مختلف جهان گفت: این هیأت‌ها در ابلاغ پیام‌های انقلاب به مردم دنیا موفق بودند و تماس‌های بیشتری با شخصیت‌ها و افراد مختلف این کشورها برقرار کردند و مطمئن

هستیم که این ندا، اثر خودش را خواهد بخشید و تلاش بر این است که تا می‌کن است انقلاب ایران در جهان بیشتر شناسانده شود.

سخنگوی دولت، راجع به توافق ایران و عراق در مورد ملاقات خانواده‌ها با اسرای جنگی دو کشور گفت: ایران پذیرفته است که خانواده‌های اسرای جنگی دو کشور، در یک کشور ثالثی ملاقات کنند، ولی اجرای این کار به نفع عراق نیست، زیرا اگر عراق بپذیرد اسرای آن چگونه پذیرایی می‌شوند، طبعاً از نظر سیاسی، به نظر، صدام محکوم است و مسلماً از این کار طفره خواهد رفت.

سخنگوی دولت در پاسخ به این پرسش که عرضی سکه‌ی بهار آزادی، چه اثری در وضع اقتصادی خواهد گذاشت، گفت: فروش سکه‌ی بهار آزادی، جنبه‌ی فرهنگی و اخلاقی و عیدی دارد و اثر اقتصادی آن این است که تقدینگی بازار کم می‌شود.

سخنگوی دولت در پاسخ به سؤال خبرنگاری فرانسه، دایر بر این که سوء قصد به سفیر آلمان غربی از جانب چه گروه‌هایی صورت گرفته است، گفت: هدف از این کار گروه‌ها این است که ایران را چنین نشان دهند که امنیت ندارد، ولی ما تعهد کردیم، حفاظت جان دیپلمات‌ها را حفظ کنیم، مسلماً این قبیل حرکات، به جایی نخواهد رسید و هیچ اثری در پی نخواهد داشت.

پاسخ به ادعای اخیر عراق

سخنگوی دولت در مورد ادعای اخیر عراق مبنی بر این که در بیستان پیروزی به دست آورده است، گفت: این ادعاها واهی است. ما گفتیم که خبرنگاران بروند از نزدیک منطقه‌ی بیستان را مشاهده کنند تا حقانیت ما ثابت شود. بیستان در دست ما است و حتی در حملات اخیر ما، تعدادی اسیر عراقی گرفته‌ایم.

سخنگوی دولت، راجع به مسکن و مشکلات ناشی از آن گفت: برنامه‌ی دولت این است که خانه‌های ارزان قیمت بسازد و تولید مصالح ساختمانی را بالا ببرد و حتی دولت اعلام کرده است که وام در اختیار کسانی قرار می‌دهد که سرمایه‌گذاری در امر تولید مصالح ساختمانی بنمایند. دولت سعی دارد مسکن در شهرستان‌ها ساخته شود و اولویت هم به خارج از تهران داده است.

حزب بی‌آبروی توده

احمد توکلی در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران که پرسید: اخیراً حزب توده، شعار: استقلال - آزادی و عدالت اجتماعی را در تبلیغات خود عنوان کرده است، گفت: وقتی من می‌گویم که این حزب بی‌آبرو است، برای همین است. آدم چقدر باید پررو باشد که سه سال از انقلاب گذشته و هنوز مردم شعار استقلال - آزادی و جمهوری اسلامی را سر می‌دهند، آن وقت حزب توده‌ی ایران، شعار استقلال - آزادی و عدالت اجتماعی را مطرح و عنوان می‌کند. در این جا باید این جمله‌ی امام را متذکر شد که فرمودند: آمریکا، شوروی را هم بازی می‌دهد. حزب توده در انقلاب اسلامی نقشی نداشته است و این‌ها در آن موقع در خارج بودند و حالا چقدر وقیح هستند که این قبیل شعارها را عنوان می‌کنند. این قبیل کارها فایده‌ای ندارد. قبله‌گاه آن‌ها شوزوی است و هنوز نیازمند گندم آمریکا است و هر سال بیش از سال پیش، گندم و نیازهای غذایی را از آمریکا وارد می‌کند.

سخنگوی دولت، در پاسخ به سؤال خبرنگاری دایر بر این که کمپانی میتسویی، قرارداد پتروشیمی ژاپن و ایران را ملغی اعلام کرده است، گفت: این قرارداد، یک طرفه لغو شده است و ما اعلام کردیم که حق و حقوق خودمان را خواهیم گرفت. ما آستین‌ها را بالا زده‌ایم و کار این مجتمع را خودمان انجام خواهیم داد.

سخنگوی دولت در پایان در مورد میانجیگری الجزایر در جنگ ایران و عراق گفت: موضع دولت ایران همان است که قبلاً اعلام کرده است؛ اول: متجاوز، بی‌قید و شرط خاک ما را ترک کند؛ دوم: متجاوز مغرقتی شود و سوم این که خسارات ایران در جنگ، پرداخت گردد. و جنگ جنگ تا پیروزی ادامه دارد.^(۱)

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با خبرنگاران داخلی،

درباره‌ی سرنوشت جنگ

(۲۲ بهمن ماه ۱۳۶۰)

س: نظر شما، راجع به سرنوشت جنگ چیست؟

ج: سرنوشت جنگ در این دنیای زور، جز در میدان جنگ نباید تعیین شود. زمان آن فرازسیده که انتظار مردم خرمشهر و قصر شیرین برآورده شده و شهرهای از دست رفته، بازپس گرفته شوند. ما برای پایان دادن به جنگ، باید خودمان عمل کنیم و این کار را با زور، تمام خواهیم کرد!

س: نظر خود را درباره‌ی رفت و آمد هیأت‌های صلح، بیان بفرمایید.

ج: تاکنون نتیجه‌ای در سرنوشت جنگ نداشته است. البته از این جهت که مقداری برای روشن شدن مواضع به حق ما، مفید بوده است، شکی نیست.

اعضای هیأت، به خاطر این که فکر می‌کنند میانجی هستند، هیچ وقت قضاوت نکرده‌اند. حالت بی طرفی خود را حفظ می‌کنند. مطلبی نمی‌گویند تا بتوانند در دو

طرف مواضعی اثر بگذارند.

از جایی که صدام و ارتجاع منطقه و امپریالیسم، هیاهوی بسیاری برای آمدن هیأت‌ها راه انداخته بودند، آمدن هیأت‌ها، تا حدی پرده را بالا زد و معلوم شد عراق دروغگو است و صلح نمی‌خواهد. آن‌ها مخصوصاً به این نکته تصریح کردند و گفتند: «صدام می‌گوید ایران آتش‌بس را بپذیرد. سربازهای عراقی در ایران باشند، ما مذاکره کنیم.» تازه، ما و دنیا معنی مذاکره را فهمیده‌ایم! به این ترتیب ممکن است چند سال این مذاکره طول بکشد و نیروها در خاک ما بمانند.

اما سرنوشت جنگ؛ من خیال می‌کنم در این دنیایی که ما می‌بینیم همه معیارش با زور همراه شده، راهی نداریم جز این‌که در میدان جنگ حرفمان را بزنیم. لذا آن طوری که من در همان شب گفتم، رزمندگان ما به تفنگ خودشان تکیه داشته باشند. حالا دیگر وقت آن رسیده که انتظار مردم خرمشهر و قصرشیرین را برآورده کنند و شهرهای از دست رفته را بازی پس بگیرند. تا مردم به خانه‌هایشان برگردند، اگر منتظر بمانیم که هیأت‌ها بیایند و دست ما را بگیرند و به خرمشهر ببرند، من فکر می‌کنم، نه صدام شجاعت این کار را دارد که بپذیرد و نه، چنین چیزی را می‌خواهیم. ما برای خاموش کردن آتش جنگ، فقط باید به خودمان تکیه کنیم و سرنوشت را با زور به همه ثابت کنیم!

س: نظر شما درباره‌ی فرمایشات اخیر آیت‌الله گلپایگانی چیست؟

ج: به نظر من که سخنان بسیار مفید و آموزنده بود. تا آن‌جا که با نمایندگان مجلس برخورد کردم، آن‌ها نیز همه راضی هستند. مطالب بسیار مثبت در سخنرانی ایشان بود. اولاً: ایشان نصایح مشفقانه و پدران‌های داشتند که برای مجلس بسیار مفید است. ثانیاً: پیشنهاد امام مبنی بر تشخیص ضرورت مجلس را در خصوص نیازها و احتیاجات مملکت تصریح کردند. ایشان با صراحت گفتند: «چیزی را که امام تنفیذ کرده‌اند، باید پذیرفت و کاملاً برحق است.» ثالثاً ایشان گفتند: «اگر مجلس تشخیص ضرورت داده و فکر کند که اگر چنانچه ضرورتی عملی نشود، جمهوری اسلامی تضعیف خواهد شد، واجب است این ضرورت که تشخیص داده شده از سوی مجلس قطعی تلقی شود.» ایشان در فرمایشات خود، فوق انتظار ما سخن گفتند و این مسأله

موجب دلگرمی بیشتر ما خواهد شد. دیگر این که ایشان در مورد ولایت فقیه با صراحت اعلام کردند نظر خود ایشان هم موافق با ولایت فقیه است. این مسأله از لحاظ مقلدین ایشان، بسیار جالب است. البته سوء تفاهم و اشتباهی نیز در این باره پیش آمده بود که ایشان فرمودند و گلایه داشتند از این که چرا عده‌ای شعار مرگ بر ضد ولایت فقیه می‌دهند؛ چرا که هستند در بین فقها، ولو فقهای گذشته، که ولایت فقیه را با وسعت مورد نظر قبول ندارند. ایشان می‌گویند نباید آرزوی مرگ آنان را در هر جا فریاد زد.

من فکر می‌کنم نکته‌ی انحرافی ظریفی در این جا بوده و آن این که شاید بعضی از خناسان نگذاشته‌اند که ایشان به آن توجه کنند. مردم ما مرگ منکرین ولایت فقیه را نمی‌گویند، بلکه مرگ ضد ولایت فقیه را می‌خواهند. این شعار جالبی است و شأن نزول این شعار را شاید خدمت ایشان نگفته‌اند که در زمان بنی صدر و منافقین خلق و لیبرال‌ها، ضدیت شدیدی علیه امام و علیه ولایت فقیه طراحی شده بود. مردم، با وجدان و شعور اجتماعی خودشان مبارزه‌ای را علیه این خط انحرافی شروع کردند. تحقیقاً، حضرت آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی هم با این خط سخت مخالفند و این شعار مردم، شأن نزولش همان‌ها بود و ادامه‌ی آن هم به‌خاطر ادامه‌ی مزاحمت‌های آن‌هاست.

ما امروز فقیهی را سراغ نداریم که با نظر ایشان مخالفتی داشته باشند. ممکن است در حدود ولایت، حرف‌ها باشد که این ولایت، چه محدوده‌ای دارد؟ آیا این ولایت، برابر تمام ولایت پیامبر و ائمه است؟ یا در بعضی از چیزها نیست؟ به‌رحال، چه بسا این بحث‌ها باشد، ولی اصل ولایت فقیه را، حتی ولایت عدول المؤمنین را در کارهای عمومی کشور، فکر می‌کنم آن‌ها همه قبول داشته باشند.

روی هم رفته، سخنان خوب آیت‌الله گلپایگانی، بسیار بود و من همین جا خدمت ایشان می‌گویم: مجلس شورای اسلامی به‌نصایح ایشان و قبل از نصایح ایشان، به‌نصایح امام که دستور دادند، گوش جان می‌سپارد و همواره با مشورت خبرگان، عمل خواهد کرد. ایشان کاملاً اهل نظر هستند و چیزی را بدون دقت ارائه نمی‌دهند.

۳۷۴ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

امیدوارم که خناس‌ها نتوانند در ذهن مراجع ما، تشویشی درباره‌ی مصوبات مجلس ایجاد نمایند.^(۱)

میلیون ها تن در سراسر کشور، ۲۲ بهمن را باشکوه تمام گرامی داشتند ۹ دستورالعمل قاطع امام

مردم مسلمان و متمهد تهران، از صبح پنجشنبه، راه پیمایی خود را از مسیرهای هشتگانه به سوی میدان آزادی، محل برگزاری مراسم روز ۲۲ بهمن، آغاز کردند. از ساعت ۹ بامداد، رژه ی نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی از مقابل کلام الله مجید و تمثال رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی آغاز شد.

دو سوی میدان آزادی، مملو از مردم مسلمان تهران بود. در این مراسم که میهمانان خارجی دهه ی فجر و شخصیت های سیاسی - مذهبی کشورمان، گروهی از جانبازان انقلاب و خانواده ی شهدا، حضور داشتند، در حالی که دسته ی موزیک، مارش رژه می نواخت، نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران باشکوه خاصی رژه رفتند.

میدان آزادی در زیر پای جان برکفان سپاه اسلام به لرزه درآمده بود و خاطره ی ورود امام عزیز به وطنمان را تداعی می کرد و امت قهرمان تهران با صلابت و وقار خاصی با شعارهای خود، بار دیگر با امام امت و امید محرومان جهان، تجدید پیمان کردند و بر تداوم مبارزه ی خود با امپریالیسم جهانخوار تأکید کردند.

در تمامی طول مسیر راه پیمایی، حضور نیروهای انتظامی برای برقراری نظم راه پیمایی چشمگیر بود. در مسیر راه پیمایی، نفربرها، تانک‌ها و خودروهای لجستیکی ارتش جمهوری اسلامی ایران و ماکت‌هایی از موشک‌های نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران به چشم می‌خورد. هم‌چنین در طول مسیر، خواهران و برادران بسیج و سپاه مناطق مختلف تهران و کارگران کارخانجات تهران در صفوفی بسیار منظم یا دادن شعارهای مرگ بر آمریکا؛ خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار؛ تا خون در رگ ماست، خمینی رهبر ماست، به طرف میدان آزادی در حرکت بودند.

در مسیر راه پیمایی، خودروهای ارتشی، توپ‌های ضد هوایی و غنایم به دست آمده از ارتش مزدور عراق به نمایش گذاشته شده بود.

در میان رژه‌روندگان، برادران غواص، دانشجویان دانشکده‌ی پلیس، ملوانان نیروی دریایی، کلاه سبزه‌ها و پرسنل نیروی هوایی و شهربانی نیز بودند. هم‌چنین برادران عشایر با لباس‌های محلی و مسلح در صفوفی منظم همراه دیگر نیروها رژه رفتند. مردم مسلمان تهران در دو سوی خیابان انقلاب، نظاره‌گر رژه‌ی جان برکفان سپاه اسلام بودند و در میان آنان، پلاکاردهایی از سخنان امام امت نیز مشاهده می‌شد.

چند فروند فانتوم نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران برفراز میدان آزادی ظاهر شدند و یک فروند از آنها اقدام به سوختگیری در آسمان نمود و در همین حال، پرسنل نیروی هوایی از مقابل جایگاه رژه رفتند.

همین گزارش حاکی است، در پایان رژه‌ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، برادران پیشمرگ مسلمان گرد، در حالی که مردم با شعار «برادرِ گُردم، خدا نگهدار تو، بمرید دموکرات، دشمن خونخوار تو»، آنان را همراهی می‌کردند. از مقابل قرآن و تمثال امام خمینی رژه رفتند و با عبور از روی پرچم آمریکا، توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب اسلامی را محکوم کردند.

حجت‌الاسلام حاج سیداحمد خمینی در ساعت ۱۹ و پنجاه و پنج دقیقه، وارد میدان آزادی شد و با ورود وی در ساعت ۱۰ و پنجاه و هشت دقیقه به جایگاه، مردم با شعار «خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار» از فرزند امام عزیز استقبال کردند.

گروهی از روحانیون نیز در حالی که پلاکاردی با عنوان «ای امام! ما جانبازان تا آخرین قطره‌ی خون، گوش به فرمان تو هستیم» از مقابل جایگاه رژه رفتند. هم‌چنین گروهی از برادران جانباز کفن‌پوش، در حالی که شعار می‌دادند «جنگ، جنگ، تا پیروزی» و در حالی که گروهی از جانبازان نیز با صندلی‌های چرخدار در جلو آنان در حرکت بودند، از مقابل جایگاه عبور کردند.

چتربازان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این مراسم، عملیات نمایشی اجرا کردند و از هلی‌کوپترها فرود آمدند و مردم با تکبیر و شور و شغف فراوان از آنان استقبال کردند. چتربازان در حالی که پرچم ۲۲ بهمن مبارک باد و عکس امام امت را در هوا پخش می‌کردند، فرود آمدند.

حجت‌الاسلام حاج سیداحمد خمینی، پیام امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به مناسبت آغاز چهارمین بهار آزادی، سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران را پس از پایان رژه و بانگ اذان ظهر بدین شرح قرائت کرد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سه سال از پیروزی انقلاب اسلامی سپری شد و در آستانه‌ی سال چهارم هستیم. با پیشگویی‌های قشرهای غیرآشنا به اسلام و مردم دلیر ایران، باید جمهوری اسلامی بیش از دو سال از شکست خود را پشت سر گذاشته باشد. خواب‌های شیرینی که مخالفان داخلی و پشتوانه‌های خارجی آنان دیده بودند و رویاهای امیدبخشی که کاخ‌های طلایی برایشان بنا نموده بود، یکی پس از دیگری با همت والای ملت عظیم‌الشان و جوانان پرومند اسلام فروریخت. این کوردلان، که از نصرت خداوند غافل بوده و وعده‌های الهی را نمی‌توانند باور کنند و انقلاب اسلامی را چون سایر انقلابات، بلکه ناچیزتر می‌دانستند و با دید مادی و محاسبات غلط، به این پدیده‌ی الهی می‌نگرند و از ارزش‌های انسانی و حجم قدرت ایمان و تحولی که به‌خواست خداوند قادر در ملت انقلابی ایران پیدا شده، خبری ندارند و ارزش‌ها را با دیده‌های مادی خود خلاصه در سلطه‌جویی و استضعاف و ملت‌های زیر ستم می‌کنند، ناچار گرفتاری‌های پس از

انقلاب ایران و توطئه‌های همه‌جانبه‌ی قدرت‌های بزرگ و کوچک، آنان را به این نتیجه رسانده بود که جمهوری اسلامی پس از چند ماه، سرنگون خواهد شد و آمریکا با عوامل داخلی خود، بر اریکه‌ی قدرت خواهد نشست و درست این انگیزه بود که گروهک‌های داخلی و عوامل جهان‌خواران خارجی مثل صدام را به‌مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی برانگیخت، تا خود و هواداران بازی خورده‌ی خود و ارتش بی‌اطلاع خود را به‌دامی مبتلا کنند که راه مفری جز تسلیم یا تباهی نداشته باشند و از صدام بی‌خبرتر و وابسته‌تر، حسین اردنی است که پس از تجربه‌ی برادر جنایتکارش از خواب خرگوشی برنخاسته و داوطلب جنگ با اسلام و قرآن شده و پیشقدم برای نام‌نویسی در این جنایت و خیانت بر ملت و ارتش خود گردیده است. غافل از آن‌که علاوه بر این‌که ملت اردن مسلمان است و هرگز با اسلام به‌جنگ برنخواهد خاست و در این اسم‌نویسی توفیقی پیدا نخواهد کرد، سرنوشت او همان سرنوشت شاه مخلوع با آن‌قدرت بزرگ شیطانی و پشتیبانی قدرت‌های بزرگ و کوچک خواهد بود و چنان‌چه سرنوشت صدام به‌خواست خداوند قادر، همان است.

اینان نمی‌دانند قیام یک ملت منسجم از مرد و زن و کوچک و بزرگ یعنی چه و نمی‌دانند ملتی که برای خدا و نصرت احکام آسمانی او و نجات مظلومان و محرومان قیام نموده است، نصرت خداوند قادر را با خود دارد. من به‌حسب وظیفه‌ی اسلامی و انسانی، او را نصیحت می‌کنم که گول وعده‌های شیطان بزرگ را نخورد و خود را با جنود خداوند قهار درگیر نسازد و به‌جای این حرکت سفیهانه غیراسلامی، ارتش خود را برای نجات بیت‌المقدس مجهز کند که نفع خود و ملت عرب و اسلام در آن است، والا بازی کردن با آتش و مقابله با قدرت اسلام، عواقبی دردناک دارد و ملت و دولت ایران نمی‌خواهند که به‌کشورهای اسلام صدمه و ضرری وارد شود، بلکه می‌خواهند همه با برادری در مقابل دشمنان اسلام خصوصاً اسرائیل - دشمن سرسخت اسلام و اعراب - ایستاده و آنان و چپاولگران جهان‌خوار را از سلطه بر کشورهای اسلامی و مسلمانان و مستضعفان جهان بازدارند و دست چپاولگران و ستمکاران را قطع کنند.

اکنون در آغاز چهارمین سال پیروزی اسلام در کشور عزیزمان، لازم است

تذکراتی هرچند تکراری، عرض کنم: ﴿فان الذکری تنفع المؤمنین﴾

۱ - نصرت حق تعالی از کشور اسلامی ما و هرکشور اسلامی مشروط است به نصرت دادن کشور و کشورها به دین مبین اسلام و احکام مترقی آن که نصرت مظلومان و محرومان جامعه را نیز دربردارد و ما اگر حق را نصرت نماییم، نباید در انتظار نصر خدا باشیم و از این جمله است: اجرای عدالت اسلامی در تمام دستگاه‌های قضایی و اجرایی در سراسر کشور و از جمله مهمات رسیدگی سریع به پرونده‌های زندانیان و خصوصاً آنان که جرمشان مادون جرم گروه‌های مفسدین و ملحدین اعتشاش گراست و رسیدگی به پرونده‌های کسانی که به‌عللی تعویق افتاده است اولویت دارد، چنان‌چه رسیدگی به دادگاه‌های قضایی و دادستانی‌ها از اولویت خاص برخوردار است و امیدوارم کیفیت برخورد ادارات و دستگاه‌های اجرایی با مردم به‌گونه‌ای باشد که احتیاج به رسیدگی نداشته باشد.

۲ - تقویت و توسعه تبلیغات، خصوصاً در خارج از کشور از اهم امور است و کشور ما در این چند سال تقریباً فاقد آن بوده است. ما، در مقابل همه بوق‌های تبلیغاتی جهان‌خواران در خارج که اسلام عزیز آنان را به وحشت انداخته است، فاقد تبلیغات صحیح هستیم. سفارتخانه‌های ما عمل مثبتی انجام نداده‌اند و وزارت ارشاد، قطع نظر از تلاش‌های اخیرش تاکنون نتوانسته است این امر مهم و حیاتی را توسعه دهد و کشور اسلامی ما مظلومانه مورد هجوم رسانه‌های گروهی و دستگاه‌های دروغ‌پراکنی واقع شده است و لازم است دولت به مقدار قدرت و توانایی، این نقیصه را رفع کند و برای رساندن صدای مظلومان به جهان در توسعه‌ی شبکه‌های رادیویی جدیدت نمایند تا ملت‌ها هرچند مختصر از آنچه بر ما گذشته است و می‌گذرد، مطلع شوند و گروه‌هایی برای روشنگری و تبلیغ در فرصت‌های مناسب به کشورهای اعزام که صدای مظلومیت ملت و جرایم قدرتمندان ستمگر را به اطلاع ملت‌ها و مظلومان جهان برسانند و به آنان بفهمانند که مخالفان جمهوری اسلامی همان‌گونه که از اقوال و اعمالشان به‌خوبی ظاهر می‌شود، مخالفت اصلی و هدفشان با اسلام است و اسلام هرچا برود، اینان مخالفت می‌نمایند.

۳ - ملت ایران، پس از انقلاب مواجه با اشکالات و گرفتاری‌هایی که لازمی

اجتناب ناپذیر هر انقلابی است، می‌باشند و باید بدانند که این انقلاب چون مردمی و اسلامی است، از همه انقلاب‌های جهان پرثمرتر و کم‌ضایع‌تر است و مردم انقلاب ما باید بدانند که برای حفظ اسلام و انقلاب و نگرانی از ثمرات آن و پاس خون شهیدان لازم است از خود صبر و بردباری انقلابی نشان دهند و به تبلیغات غرض‌آلود دشمنان انقلاب و اسلام که با تمام وجود کوشش می‌کنند تا مردم را از انقلاب و جمهوری اسلامی نگران و دلسرد کنند، گوش فراندهند و باید بدانند که اکثر کسانی که علیه انقلاب سمپاشی می‌کنند، از طبقاتی هستند که جلو استفاده‌های نامشروع آنان گرفته شده است و یا از عیاشی‌ها و هزینه‌گری‌ها بازمانده‌اند و الا طبقه‌ی محروم که اکثریت قاطع را تشکیل می‌دهند، وفادار به اسلام و جمهوری اسلامی می‌باشند. البته، هدف بزرگ، دارای اشکالات و گرفتاری‌های بزرگ نیز هست. طبقات محروم و زجرکشیده انقلاب به‌اندازه‌ی پیامبران عظیم‌الشان و پیغمبر بزرگ اسلام در طول زندگی خصوصاً سیزده سال قبل از هجرت، رنج و زحمت متحمل نشده‌اند، ولی چون هدف بزرگ بود، با روی گشاده تحمل کردند و هدف انقلاب ما همان هدف پیامبر عظیم‌الشان است، با صبر و تحمل انقلابی به‌پیش تا گسترش عدل الهی و اسلام عزیز.

۴- از جمله کمبودهای چشمگیر که پس از انقلاب، ناگهان با آن مواجه شده و هستیم، کمبود قاضی شرع و مبلغ اسلامی است. امروز هزاران قاضی و مبلغ، مورد حاجت است که باید با هست اکابر و علما و مدرسین و فضلاء حوزه‌ها در سراسر کشور؛ خصوصاً قم، مشهد و شهرستان‌های بزرگ تربیت شوند. امروز از گوشه و کنار کشور، قاضی می‌خواهند و مبلغ و هر روز احتیاجات روزافزون می‌شود. حوزه‌های علمیه باید با صرف وقت برای این امر بسیار مهم، کوشش خستگی‌ناپذیر نموده و به‌پاخورند. البته در قم، به‌همت فضلاء و مدرسین محترم، این امر شروع شده است، لکن چون حجم کار بسیار زیاد است، لازم است حوزه‌ها، تعلیماتشان را افزایش دهند که ان‌شاءالله این کمبودها تا چند سال دیگر رفع شود.

۵- یکی از امور مهمی که مورد توجه بزرگان و علمای حوزه‌ی علمیه قم بوده است، لکن عمل مثبتی درباره‌ی آن انجام نگرفته، ایجاد نظم و انضباط در حوزه‌ها

است که لازم است از حوزه‌ی علمیه‌ی قم شروع شود و به‌طور جدی و اساسی عمل شود. البته این امر برای حفظ حوزه‌ها از ورود عناصر منحرف از حیث عقاید و اخلاق و اعمال از اهم وظایف شرعی است که به‌عهده‌ی همه؛ خصوصاً فضلا و علما و مدرسین می‌باشد و با همکاری جدی همگان و تأیید مراجع معظم، می‌تواند جامه‌ی عمل پوشد. در این زمان که حوزه‌های علمیه و روحانیون معظم در پیشبرد مقاصد اسلام و تحکیم جمهوری اسلامی نقش بسیار مؤثری دارند، شک نیست که قدرتمندان و قدرت‌طلبان بی‌کار ننشسته‌اند، بلکه در تلاشند تا این قدرت فعال را تضعیف کنند و این امر برای آنان میسر نیست، مگر با رخنه کردن عناصر فاسد در حوزه‌ها که از داخل موجبات تباهی و از کار افتادن این پدیده‌ی الهی را فراهم آورده و خدای ناخواسته به تدریج و در درازمدت، ملت را از آن‌ها مأیوس و روی گردان کنند و همه می‌دانیم که اگر خدای ناخواسته، حوزه‌ها از عهده‌ی تربیت فقها و علما و خطبای موجه و مورد علاقه‌ی مردم برنیایند و حوزه‌ها به‌طور هرج و مرج و بدون برنامه‌ی صحیح و ضابطه‌ی اسلامی عقلانی اداره شوند باید همه منظر فاجعه‌ی شکست جمهوری اسلامی و اسلام بزرگ باشیم و اگر اکنون با همت همگان از سرچشمه‌ی فساد جلوگیری نشود، فردا و فرداها دیر است و بسا باشد که به‌جایی رسد که از قدرت همه خارج شود. مقایسه‌ی امروز حوزه‌ها با قبل از انقلاب که روحانیون به‌واسطه‌ی تبلیغات و فشارها و کج‌فهمی‌ها از سیاست و نظر در امور کشور منعزل و برکنار بودند، بسیار نابه‌جا و غلط است، گرچه ممکن است بعضی کج‌فهم‌ها با این امر حیاتی مخالف بوده و با تز نظم در بی‌نظمی است، با توهمات شیطانی دست‌پدگیران باشند، لکن اینان در اقلیت هستند و قشرهای عظیم روحانیون متفکر و متوجه به‌مسائل و پیشآمدها در این فکر هستند و بالاخره همان‌طور که پاکسازی و تصفیه در همه ارگان‌های دولتی اعم از کشوری و لشکری لازم است، در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها که همگام با حوزه‌ها هستند و هر دو از ویژگی خاصی برخوردارند، تصفیه و پاکسازی مهم‌تر است و با تصفیه‌ی این دو پایگاه اسلامی و ملی، محتوای جمهوری اسلامی به‌رشد و ترقی خود ادامه خواهد داد و با انحراف این دو، انقلاب و جمهوری از مسیر اصلی خود منحرف خواهد شد.

۶ - چنانچه این جانب و مسؤولین جمهوری اسلامی مکرراً اعلام نموده ایم: ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران، تسلیم احکام مقدس قرآن و اسلامند و به حکم قرآن خود را برادر ایمانی تمام ملت های اسلامی و کشورهای مختلف از حیث فرهنگ و جغرافیا می دانند و صلح جوئی و زندگانی مسالمت آمیز با تمام دولت ها و ملت ها را طالب می باشند و تا دولتی به حریم کشور آنان تجاوز نکند و متعهد به احکام اسلام باشد، آن را برادر خود می دانند و از همه کشورها و ملت ها می خواهند که با هم متحد و یک صدا در مقابل تجاوزگران - هرکس باشد - قیام کنند و خود را از چنگ جهانفروزان نجات دهند و نیز به حکم اسلام، از تجاوز به حقوق و حدود خود دفاع کرده و تجاوزگر را تأدیب نمایند و در این صورت است که هیچ قدرتی به فضل خداوند متعال نمی تواند آنان را از این دفاع مقدس بازدارد و به دولت ها نصیحت می کنم که دست از کینه توزی و زور آزمایی بردارند و با ملت و دولت ایران دست برادری دهند تا به اتفاق، اسرائیل غاصب را از کشورهای اسلامی و زمین های مغضوب بیرون رانیم و نژادپرستی و زبان سالاری را که در اسلام محکوم و مردود است، کنار زنند تا سعادت را در آغوش گیرند و هیچ قدرتی نتواند با آنان مقابله کند.

۷ - سال گذشته برای ملت ایران، سال پر خسارتی بود و شخصیت های بزرگ و متعددی را چه لشکری و چه کشوری در تهران و تبریز و شیراز و سایر نقاط کشور از دست داد و همه را سوگمند کرد. گرچه دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی گمان می کردند با ترور وحشیانه به اسلام و جمهوری، شکست وارد شده و روحیه ی مردم تضعیف می شود و در اداره و پیشرفت امور، کسی جایگزین آنان نمی شود، لکن همه دیدند و دشمنان کوردل فهمیدند که این حساب ها غلط از کار درآمد. این حسا بگران داخل و خارج با همه پرمدعایی، انقلاب اسلامی را که از دل پاک یک ملت سرچشمه گرفته بود و با جان مردم و ایمان و عقیدت آنان آمیخته بود، شناخته بودند. گویی آمال طبیعی حیوانی و شیطانی، چشم و گوش آنان را بسته و از معنویات کور و کرشان نموده است. ملتی که عشق شهادت در دل زن و مرد و کوچک و بزرگش جوش می زند و برای شهادت، هر یک بر دیگری سبقت می گیرد و از شهوات حیوانی و دنیایی گریزان بوده و عالم غیب و

رفیق اعلی را باور کرده است، با این خسارات، هرچند بزرگ باشد، از صحنه خارج نمی‌شود و همه دیدیم که هرشهادتی برای ملت رشید ما، رشدی چشمگیر به‌ارمغان آورد، به‌طوری که شهادت‌های پی‌درپی، جمهوری اسلامی را آن‌چنان بیمه کرد که از آسیب دهر مصون گردید و شهادت هریک از عزیزان سند رسوایی گروهک‌های ملحد و منافق شد و شکست حتمی آنان را تسریع کرد و اکنون به‌خواست خداوند متعال، جمهوری اسلامی ایران از قدرتی برخوردار است که سابقه نداشته است و امید است که دست قدرتمند الهی، پشتیبان این ملت مظلوم غارت‌شده و ستم‌دیده و پشتیبان قوای مسلح نظامی و مردمی در جبهه‌های نبرد علیه باطل باشد و رحمت حق تعالی بر شهیدان راه حق در طول تاریخ و از پانزده خرداد تاکنون و سلامت و سعادت نصیب معلولان و مجروحان و ستم‌دیدگان و آوارگان و بازماندگان شهدا باد!

۸- مراتب تشکر و سپاس خود را متواضعاً تقدیم ملت بزرگوار مستمهد ایران نموده و از خداوند تبارک و تعالی تشکر می‌کنم که در عصر حاضر که عصر حکومت شیطان بر زمین است، چنین ملت آگاه رشید جان‌نثاری در راه عقیدت و ایمان و عاشق لقاءالله و مجاهد فی سبیل‌الله به‌این کشور طاغوت‌زده و غارت‌شده، عنایت فرموده که با مجاهدت خویش بدون تکیه بر قدرت‌های چپ و راست بر طاغوتیان غلبه نموده است و دست آنان را از کشور عزیز و مخازن آن کوتاه کرده و منحرفان و منافقان را منزوی نموده یا از کشور رانده است و از درگاه خداوند متعال عاجزانه خواستار است که آنان را در صراط مستقیم اعانت فرموده و در مقابل پیشآمدها و مشکلات اجتناب‌ناپذیر دنیالهی انقلاب استقامت عطا فرماید و ملت عزیز بدانند که استقامت، آن‌چنان اهمیت ویژه دارد که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود: «سوره‌ی هود مرا پیر کرد که فرموده است تو و پیروانت استقامت کن.» ما و شما که افتخار پیروی آن حضرت و ادعای آن را داریم، باید در حفظ دین مقدس و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی استقامت کنیم و مشکلات را با استقبال و استقامت انقلابی رفع نماییم. خداوند یاور و پناه شما عزیزان باشد و به‌شما صبر انقلابی مرحمت فرماید که در مشکلات ناتوان نشوید و دید انقلابی دهد که تحت تأثیر جوسازان خدانشناس و متکبران بی‌اعتنا به‌اسلام و انقلاب

اسلامی واقع نشود و از شایعه‌سازان مخالف مصالح عمومی انقلاب پیروی ننموده و به مقابله با آنان برخیزید.

۹- در خاتمه، سالروز پیروزی شکوهند انقلاب اسلامی را به مسلمانان جهان و ملت معظم ایران و مستضعفان سراسر عالم تبریک عرض می‌کنم. مبارک‌باد! بر همه، پیروزی اسلام؛ و پیروزی جنود حق بر جنود ابلیس! و مبارک‌باد! پیروزی‌های جبهه‌های دفاع از اسلام و حق بر ملت و خصوصاً قوای مسلح نظامی و انتظامی و مردمی. این‌جانب به شکراندهی این نعمت‌های بزرگ و به احترام دهی فجر و بیست و دوم بهمن، سالروز پیروزی ملت عظیم‌الشان، از جناب حجت‌الاسلام آقای موسوی، رئیس محترم دیوان عالی کشور می‌خواهم تا به عموم دادستان‌ها و قضات محترم ابلاغ کنند که علاوه بر اسامی تهیه‌شده برای آزادی در اسرع وقت ممکن و حداکثر تا دو ماه، به پرونده‌ها رسیدگی نموده و لیست اسامی زندانیانی را که به حسب شرع مقدس، عفوشان مانعی ندارد، تهیه و نزد این‌جانب بفرستند. لازم است مسئولین امور در تهیهی این لیست، سختگیری ننمایند و هرچه بیشتر کوشش نمایند تا زندانیان به مردم عزیز ما ملحق شده و همگام با آنان راه انقلاب اسلامی را به پیمایند. مقتضی است تأکید کنند تا در این امر، مسامحه نشود و همان‌طور که قبلاً تذکر دادم، دادستانی‌ها و محاکم قضایی موظفند در اسرع وقت ممکن به پرونده‌هایی که به عللی رسیدگی به آن به تعویق افتاده است، رسیدگی نموده و آن‌ها را در اولویت قرار دهند. از خداوند متعال، نصرت اسلام و مسلمین را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته

روح‌الله الموسوی الخمینی

ادامه‌ی مراسم

پس از قرائت پیام مهم امام امت، گروهی از روحانیون در حالی که تصویری از امام و آیت‌الله منتظری در دست داشتند و به دنبال آنان برادران سپاه و بسیج و دانش‌آموزان مدرسه‌ی ولایت فقیه از مقابل جایگاه رژه رفتند. سپس خودروهای ارتشی در حالی که در بین آن‌ها چندین خودرو عراقی که توسط رزمندگان اسلام به غنیمت گرفته شده، دیده می‌شد، از مقابل

جایگاه گذشتند و هم‌زمان، مردم یک‌صدا شعار وحدت می‌دادند.

آنگاه، همسر شهید فیاض‌بخش به‌عنوان نماینده‌ی بازماندگان شهدای انقلاب اسلامی خطاب به‌خواهران و برادران شرکت‌کننده در مراسم، پیام خانوادگی شهدای انقلاب اسلامی را قرائت کرد و طی آن گفت: آن‌چه به‌سبب آن یاران امام و فرزندان اسلام و خدمت‌گزاران به‌ملت را در راه آن تقدیم به‌باری تعالی کرده‌ایم، همه به‌دلیل تحصیل حیات مجدد اسلام عزیز و به‌دنبال آن، اجرای احکام حیات‌بخش قرآن محمد صلی الله علیه و آله بود.

خانم فیاض‌بخش، در قسمت دیگری از پیامش با اشاره به‌توطئه‌های ابرقدرت‌ها به‌خصوص آمریکای جنایتکار گفت: آمریکای جهان‌خوار با نقشه‌های شیطانی شکست‌خورده‌ی خود، گمان کرده‌ی ملت‌ی که برای خدا و اسلام بزرگ قیام کرده و هزاران شهید و معلول تقدیم کرده است را با این دغل‌کاری‌ها می‌تواند سست کند و یا از میدان به‌در برد. ملت مسلمان ایران، پیروان سیدالشهدا هستند که در راه اسلام و قرآن از طفل شش‌ماهه تا پیرمرد ۸۰ ساله را قربانی کرده و اسلام عزیز را با خون پاک خود آبیاری و زنده نموده‌اند. پس از اجرای سرود بهمن خونین توسط گروه سرود ازشاد، حجت‌الاسلام معادخواه وزیر ارشاد اسلامی طی سخنانی اظهار داشت: از ساعت شروع این پرتامه، همه‌چیز در میدان آزادی سخن می‌گفت. انقلاب اسلامی ما قدرت مردمی خود را به‌نمایش گذاشت و دستگاه‌های خبری و تبلیغاتی شیطان بزرگ و جهان‌خواران بین‌المللی و دستگاه‌های دروغ‌پردازی غرب با تبلیغاتی که علیه این انقلاب کرده بودند، امروز رسوایی بزرگی نصیبشان شد.

وزیر ارشاد اسلامی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به‌تبلیغات منفی دشمن مبنی بر بی‌ثباتی و بی‌حکومتی کشورمان گفت: امروز از ۴۸ کشور دنیا کسانی که در این مراسم شرکت داشتند، انقلاب ما و قدرت مردمی این انقلاب را به‌چشم خود دیدند و ما در مقابل یک چنین حقایقی، وجدان بیدار ملت‌های جهان را به‌قضاوت می‌طلبیم.

وزیر ارشاد اسلامی در پایان از کلیه‌ی خواهران و برادران خواست تا پیشنهادات و نظرات خود در مورد مراسم امسال دهه‌ی فجر را به‌ستاد برگزاری مراسم ۲۲ بهمن ارسال دارند. (۱)

آیت الله مشکینی:

اسلام درباره‌ی مالکیت، حدود کیفی قائل شده و در قانون اساسی مشخص شده که مسلمین از چه راهی نمی‌توانند تحصیل ثروت کنند.

سخنانی درباره‌ی مالکیت در هفته‌های گذشته به‌حضور دوستان عرض شد. در برابر این سؤال که آیا اسلام درباره‌ی ثروت درباره‌ی مالکیت حدودی قائل شده است یا نه؟ جواب مختصری عرضه شد. در پیرامون این سؤال، ناگزیر جملات دیگری باید گفته شود. اسلام برای مالکیت ممکن است بگوییم حدی قائل شده است و ممکن است بگوییم حدی قائل نشده است، اما حدی که قائل شده، بیشتر از آن است که قائل نشده است. اسلام برای ثروت و مالکیت، حدود زیادی از نظر کیفی قائل شده و اسلام برای ثروت و مالکیت، حدهای زیادی از نظر کیف بیان کرده؛ یعنی باید مالکیت از کجا سرچشمه بگیرد، ثروت از کجا پیدا شود، و ثروت چگونه حفظ شود و از ثروت و مالکیت چه قدر بهره‌های شرعی داده شود و اگر کسی ثروت را متمرکز در یک‌جا کرد و در مورد نیاز مصرف نکرد، چه باید کرد و پس از تمام این خصوصیات، ولی امر و حاکم حکمش نسبت به مالکیت چیست؟ در این قسمت‌ها اسلام نظرها

داده که نتیجه‌ی این انتظار این شد که اسلام درباره‌ی مالکیت، حدود کیفی قائل شده است از چند راه در کیفیت ثروت اسلام حدی بیان کرده، اما پس از آنی که کسی همه این حدود کیفی را مراعات کرد و ثروت پیدا کرد از راه حلال و مشروع پیدا کرد و مالیات اسلامی و قانونی را پرداخت و احتکار نکرد و مضر به جامعه قرار نگرفت و حکم ولایت فقیه درباره‌اش اجرا شد. پس از این مسائل، آیا چقدر مالک شود، چند تومان را می‌تواند مالک شود، چند دینار می‌تواند مالک شود، چند هکتار زمین می‌تواند مالک بشود، چقدر از این زمین و مواهب طبیعی الهی می‌تواند حیازت کند؛ این‌ها مسائل کمی است و در این باره اسلام حدودی بیان نکرده است و لذا ناگزیر در مسائل کیفی سخنی داریم و آن این است اولین مرحله محدودیت مالکیت در اسلام محدودیت کیفی است و آن کیفیت تحصیل مال است؛ یعنی انسان برای حاصل کردن و به دست آوردن ثروت و به دست آوردن مال و ملک راه‌های مختلفی را در نظر گرفته است و بیان کرده که تحصیل ثروت از این راه‌های مخصوص جایز نیست و مشروع نمی‌دانم و اگر کسی ثروت را از این راه‌ها به دست بیاورد در نزد من قانونی نیست و خواهم گرفت و بلکه همه را می‌گیرم در مقابل شلاق هم می‌زنم راه‌هایی به این بیان، بیان کرده و راه‌هایی دیگر برای ثروت در پیش پای مردم در پیش نظر مردم قرار داده می‌توانید از این راه ثروت اتخاذ کنید. می‌توانید از این راه مالک اشیا و اجناس بشوید، مناسب این شد که من چند راه را از راه‌های غیر مشروعی که اسلام امضا نقرموده، بیان کنم و چند راه از راه‌های مشروعی که اسلام اجازه داده روشن کنم.

اما از چه راهی اسلام اجازه‌ی تحصیل ثروت نمی‌دهد، اسلام اجازه نمی‌دهد شما از آن راه مال تحصیل کنید، بیشتر آن‌ها را در قانون اساسی بیان کرده در هفته‌های گذشته اندکی مربوط به این موضوع صحبت شد. ده مورد در قانون اساسی ذکر شده است و گفته است که از این ده مورد بشر حق ندارد ثروت تحصیل کند و به دست بیاورد. این ده مورد من باب مثال والا راه‌های دیگری هم داریم که اسلام از آن راه‌ها تحصیل ثروت را اجازه نمی‌دهد. پس بنابراین می‌توان گفت که در قانون اساسی طرق محرمة‌ی تحصیل ثروت به تمام معنا استقصا شده است؛ یعنی در قانون اساسی کاملاً برای مسلمین روشن شده که از چه راهی نمی‌توانند تحصیل ثروت کنند و محدودیت خود را از این کیف از قانون اساسی استفاده می‌کنند پس الآن ما

یک مقداری از راه‌هایی که اسلام اجازه داده از آن راه‌ها تحصیل کرد و تحصیل مالکیت کرد بیان می‌کنم و باز من هم به اندازه‌ی اصول، مطلب را بیان می‌کنم و فروع مطلب نیز زیاد است؛ مثلاً یکی از راه‌های تحصیل ثروت اسلام که راه اصلی است، احیاء است؛ یعنی آباد کردن زمینی که قبل از شما کسی آن‌جا نرفته و سبقت نکرده، شما یک چنین زمینی را (البته با شرایط خاصی) یک زمینی را احیاء کردید شما مالک آن زمین خواهید بود پس راه اول احیاء است. راه دیگر عبارت از حیازت است. حیازت غیر از زمین است؛ یعنی آن‌چه که خارج از زمین خداوند در اختیار بشر قرار داده، تحصیل کردن آن‌ها حیازت است. شما از صحرا سنگ بیاورید، حیازت است. شما اگر آهو و گوزنی را صید کنید، حیازت است. علف‌های صحرا را بچینید و بیاورید که قبل از شما کسی دست رویش نگذاشته بوده، حیازت است. ماهی از دریا بگیرید، حیازت است. نی‌ها را از نیزار درآورید، حیازت است. از جنگل‌هایی که کسی نرفته، شما استفاده کنید، حیازت است. پس یک حیازت داریم در اصطلاح ما و یک احیاء.

احیاء؛ یعنی زمین را مالک شدن از طریق زنده کردن زمین. حیازت؛ یعنی از غیر زمین آن‌چه که در زمین، پروردگار خلق کرده، از آن راه چیزی به دست آوردن. اسلام به شما اجازه داده این زمین از آن شماست. آن‌چه که در میان این زمین است، همه از آن شماست. مربوط به شماست. پس حیازت یکی از مطالب است.

سوم، اژت است؛ یعنی اگر کسی از راه مشروع اموالی را تحصیل کرده باشد، پس از مرگ او، اسلام اموال او را به دولت نمی‌دهد. اموال او را به اشخاص دیگر نمیدهد. اموال او را به ورثه‌ی او برطبق یک طبقه‌بندی خاصی امضا کرده و می‌دهد.

چهارم، هبه است. اگر کسی اموال خود را به شخص بیخشد این هم از راه مالکیت‌های سعی است. هبه را اسلام اجازه کرده و نظر از شمردن موارد اشکالاتی است که بعداً توجه می‌شود. پس هبه یکی از موارد تحصیل مالکیت است.

پنجم، تجارت است؛ یعنی از راه خرید و فروش. اسلام اجازه داده اموال مشروعی خود را با اموال مشروع دیگر می‌توانید مبادله کنید؛ خرید و فروش کنید؛ تجارت کنید بلکه اسلام تجارت را عبادت قرار داده، فرموده است عبادت ده قسم است. نه قسم آن در تجارت است و یک قسم آن در نماز و روزه شما است. این مقدار برای تحصیل تجارت اسلام برای ما اجازه

داده، شما در یکی از مهم‌ترین آییه‌هایی که در قنوت نماز می‌خوانید، این حسنه‌ای که در این آیه ذکر شده، چیست؟ دوستان توجه دارند یعنی خداوند! من از همه زیبایی‌های جهان می‌خواهم و زیبایی‌های آخرت را هم می‌خواهم.

اسلام، دینی تک‌بعدی نیست. اسلام دین دارای ابعاد مختلف است. پیامبر! به‌این مردم بگو این همه زمین پهناور، این همه نعمت‌های گوناگون، این همه الوان نعمت الهی، این همه نباتات و حیوانات، این همه خوراک‌ها و آب‌ها و خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، من همه‌ی این‌ها را برای شما بشر انجام دادم. هرچه جوجه آفریدم و مرغ آفریدم برای شما آفریدم، اما مشروط به‌این‌که مرغ خودت را بخوری نه از همسایه بدزدی و بخوری و این همه نعمت که به‌شما داده‌ام همه از آن شماست؛ منتها راه دارد.

یکی از راه‌های حلال دیگر اجاره است. اگر چنان‌چه شما زحمت کشیدید، آقای عزیز! ای کسی که در این مسائل داری اشکال می‌کنی، ده‌سال این مؤمن زحمت کشیده، پول‌گیر آورده، الآن پول‌هایش را داده یک تاکسی پیدا کرده، یک تاکسی خریده، این تاکسی را خودش یک‌وقت رانندگی می‌کند پول می‌گیرد مطلب دیگری است. یک‌وقت آقا مریض است، حال ندارد تاکسی‌اش را می‌دهد به یک آقای دیگری می‌گوید: جناب آقای راننده! شما صبح تا غروب چقدر پول تحصیل می‌کنید؟ چقدر کار می‌کنید؟ می‌گوید صد تومان. می‌گوید این دفعه بیا چند روز این تاکسی مرا سوار شو، تاکسیرانی کن. چشم! آقا تاکسیرانی می‌کند روزی سیصد تومان گیر می‌آورد. آیا این سیصد تومان را به آقای راننده بدهیم همه‌اش را، همه‌اش به صاحب تاکسی بدهیم یا نصف نصف کنیم. صد و پنجاه مال او صد و پنجاه مال این باشد، دویست، مال او باشد صد تومان، مال او باشد اگر شما باشید عقلتان باشد شما را به وجدانتان چه جور تقسیم می‌کنید؟ این جاست که کمونیست‌ها مطلب دیگری می‌گویند. می‌گویند: «کار کارگر و هرچه که عایدات داشته باشد، همه مال کارگر است.» سیصد تومان این تاکسی عایدات دارد همه مال راننده. صاحب تاکسی چکار کند برود بمیرد به‌درک! این کار مال این آقا است. خوب، آقای عزیز! این تاکسی هم کار است، اگر توجه کنید این تاکسی کار ده‌ساله‌ی صاحب تاکسی است. کار متیلور صاحب تاکسی است. صاحب تاکسی ده‌سال کار کرده تا تاکسی را پیدا کرده پس این تاکسی کار است. اگر نتیجه‌ی کار او را به‌این راننده بدهید، ظلم

به صاحب تاکسی کردید پس اگر این سیصد تومان را همه را به صاحب عادلانه این است که قسمت کنیم. چند قسمت کنیم؟ دو قسمت، تاکسی بدهی ظلم کردی، حالا چه می‌کنید؟ لایذ می‌فرماید عادلانه این است که قسمت کنیم، چند قسمت کنیم؟ دو قسمت، نصفش مال او نصفش مال او. اسلام این جور هم نمی‌گوید این هم اشتباه می‌کنید اولاً چرا دو قسمت کنید این تاکسی سوخت دارد این تاکسی استهلاک دارد. یک مقدار استهلاک سوخت تاکسی را بردارید. پنجاه تومانش مال او، صد تومان آن مال او، می‌ماند دویست تومان. دویست تومان مال چه کسی باشد. آیا نصف کنیم، نصفش به او بدهیم نصفش به او. شما ممکن است این جوری بفرمایید. اسلام می‌گوید: نه! من تعیین می‌کنم که نصفش را بدهید صاحب تاکسی و نصفش را بدهید به راننده. من این را در اختیار این‌ها قرار می‌دهم هر جوری دلشان خواست انجام بدهند. یک وقت او می‌گوید زیاد ترش را شما بردارید. یک وقت او می‌گوید زیاد تر را شما بردارید. هر جوری انتخاب کردند. بله! گاهی اختلافی پیدا می‌شود. اگر اختلاف هم پیدا شد، در مورد اختلاف البته قاضی و دادگاه و عقلا هم می‌توانند یک حکمی بکنند.

پس بهر حال، یکی راه‌های درآمد، اجاره است. این آقایان که اجاره را باطل می‌دانند، چه می‌گویند؟ من یک مقاله‌ای در یک جایی دیدم، تعجب کردم. مقاله را اجمالاً یادم هست به شما بگویم، این آقای کمونیست و سوسیالیست می‌گوید: نه خیز! هرکس کار کرد، مال او است. از کار دیگر، از سرمایه حق استفاده ندارد. خیلی خوب! یک آقای رفت سه الی چهار تا ماهی از دریا گرفت. این ماهی‌ها مال چه کسی است؟ مال آن آقا هست، رفته از دریا گرفته، هیچ کس حق ندارد از او بگیرد.

خیلی خوب! یک آقای هم زحمت کشیده در یک صحرا بی یک دخمه درست کرده، زمستان در دخمه را بسته، یک مقداری هم از این ور و آن ور هیزم جمع کرده، آن جا روشن کرده گرم کرده نشسته، اما نان ندارد بخورد، دارد از گرسنگی می‌میرد. یک دفعه آن آقای که آن ماهی‌ها را گیر آورده بود، از سرما دارد می‌لرزد. آمد در دخمه‌ی این آقا را زد، گفت: آقا اجازه بده من بیایم تو. می‌گوید: به چه مناسبت؟ خانه مال من است. من خانه را زحمت کشیدم، زمینش، چیزهای دیگرش است. گلش است. سنگش است. خودم درست کردم. می‌گوید: این مقدار از این ماهی‌ها را به تو می‌دهم. او می‌گوید: ماهی مال است. این‌ها اجازه نمی‌دهند. ماهی

مال او است. خانه هم مال او است؛ یعنی اجازه نمی‌دهند. آن‌کسی که ماهی دارد بیرون بماند. از سرما بمیرد این هم که تو دخمه است از گرسنگی بمیرد. هر دو بمیرند، چرا این چنین؟ اجازه بدهد از ماهی‌های خود استفاده کند. چند تا به صاحب دخمه بدهد صاحب دخمه بخورد. صاحب دخمه هم اجازه بدهد آن آقا بیاید آن‌جا بخوابد از سرما محفوظ بماند. هر دو زنده بمانند. اسلام می‌گوید، این جوری است اجازه دادن. همه از راه مشروع مال پیدا کنند و اگر مال پیدا کردند از سرمایه‌ی مشروع استفاده مشروع کند، البته آن‌چه که می‌گویم شرایط دارد. مسائل جزئیات دارد. یک کلیاتی این‌جا ذکر می‌شود.

دیگر از راه‌های درآمد‌های مشروع، تولیدات است. تولیدات از درآمد‌های اسلامی است. مرغ‌داری درست کرده روزی هزار تا دو هزار تا ده هزار تا تخم مرغ تولید می‌کند، جوجه می‌کند، مرغ تولید می‌کند، تولیدات گوسفند و گاو و شتر.

یکی دیگر از راه درآمد مشروع خدمات است. این اداراتی که دارند کار می‌کنند صبح تا غروب مشغول زحمت هستند خوب این‌ها خدمات است. خدمات هم باید راه مالکیت است از راه خدمات ممکن است انسان مالکیت پیدا کند.

قسم آخرش که می‌خواهم بگویم شرکت تعاونی است. یکی از راه‌های تولید ثروت و مالکیت و حق مالکیت عبارت از شرکت تعاونی است. شرکت تعاونی در اسلام در باب فقه ذکر شده که سه مسأله و سه کتاب شاید در ظن دوستان باشد. این سه کتاب را فقها گرچه به‌عنوان شرکت ذکر نکرده‌اند، اما بدانید این کتاب مربوط به شرکت تعاونی است. یکی کتاب مضاربه و یکی مزارعه و یکی مساقات. این سه کتاب شرکت تعاونی است.

مضاربه؛ یکی پول من آقا پول و ثروتی پیدا کردم. تو هم که الحمدلله تجارت بلندی. پول از من، زحمت تجارت از شما. پول از چند نفر، زحمت تجارت از چند نفر. شرکت تعاونی درست می‌کنند و معامله می‌کنند. این شرکت است از این راه مالکیت اسلام اجازه داده که به‌وهم شرکت و به‌اسم مضاربه است.

مزارعه هم همین طور است، من آقا یک سرزمین مفصلی دارم، نمی‌توانم بکارم. مدتی هم کاشتم، اما نمی‌توانم بکارم، این زمین از من. زمین از ما چند نفر. آن‌دیگری می‌گوید ما هم چند نفر آدم بیکاریم. قدرت کار داریم. یک چند نفری دیگر هم می‌گویند ما هم تخم داریم،

حبوبات داریم، می‌خواهیم بکاریم. یک چند نفر دیگر می‌گویند ما هم چاه عمیق می‌زنیم. یک چند نفر دیگر می‌گویند وسایل و ابزار هم مال ما. این‌ها جمع می‌شوند مزارعه.

مزارعه؛ یعنی شرکت زراعی در زمین و تخم و کشت و زرع. این مزارعه از جمله شرکت‌هایی است که اسلام از این راه تولید را اجازه داده است و هم چنین مساقات باب مفصلی دارد، نمی‌تواند اداره کند، باغش را می‌دهد دست یک چند نفری آن‌ها باغ را اداره می‌کنند. میوه‌جات هرچه باید می‌شود تولید می‌شود و تولیدات را تقسیم می‌کنند.

در مضاربه، سرمایه برداشته می‌شود. اضافه‌ی ملک حلال مشروع از راه شرکت در مضاربه اصل سرمایه برداشته نمی‌شود. آنچه استفاده شد، همه ملک مشترک طرفین و تولید از راه شرکت مضاربه است و در مساقات میوه مشترک و ملکیتی است که از راه شرکت پیدا شده است. اینها راه‌های حلالی است. البته این‌ها اصول راه‌هایی است که اسلام گفته شما ثروت و مالکیت از این راه‌ها را می‌توانید پیدا کنید.

این‌ها راه‌های حلال است، البته غیر این‌ها زیاد داریم. کسی نفقه دارد یا عوض خلع گرفته. خانم است نسبت به شوهرش صدق گرفته است. وجوهات گرفته است، چیزهای دیگر پیدا کرده است. از این راه‌ها زیاد می‌شود پیدا کرد. وصیت شده برای او. اما اصول مطالب را ذکر کردیم.

پس اسلام در کیفیت مالکیت دقت نظر دارد و دقت نظرش این است که می‌گوید از کجا باید تحصیل نکنید و از چه راهی باید تحصیل کنید و این است معنای محدودیت از نظر کیفی. قسم اول و ما پنج رقم مسؤلیت کیفی می‌خواهیم قائل بشویم که بعضی از آن‌ها را می‌گوییم و بعضی از آن‌ها را می‌گذاریم برای اوقات بعدی.

پس، یکی از کیفیت‌ها این است. اما این جمله در ظن دوستان باشد. یکی از راه‌های محدودیت، محدودیت کیفی اختیاری است. این‌که گفتیم اجباری بود. اختیاری چه است. اختیاری گفته مسلمان‌ها من شما را محدود می‌کنم تجارت و معامله را که انجام می‌دهید انصاف داشته باشید خیلی اجحاف نکن. اگر چنانچه ۹۰ تومان جنس را خریدی انصاف داشته باش. نود تومانی به صد تومانی بفروشد. راضی باش اگر صد تومان خریدی به صد و پنج تومان بفروش. به صد و ده تومان بفروش. به صد و پانزده تومان بفروش. دیگر صد تومان

به سیصد تومان فروختن نمی‌دانم این چه منطقی است. صد تومان را به چهارصد تومان فروختن اصلاً این تصور می‌شود یا من دارم خواب می‌بینم. یک چیزی گفتند امثال این‌ها برای ما، نه صد تومان داده پانصد تومان فروختن. اجازه این طوری نمی‌دهد که شما عایدتان این رقمی باشد.

یک تاریخچه‌ای یادم آمد، یک آقای طلبه‌ای که نزدیک قماش‌فروش در تبریز یک کارخانه‌ی درست شده بود، یک جنس مشکی درست می‌کرد. برای زیرشلواری خیلی جنس خوش‌رنگ و بادوامی بود، اما شلواری و نخ‌ی بود. متری ۲ تومان می‌دادند. یک آقای طلبه وارد می‌شود. می‌گوید: آقا! یک قواره بسیار عالی به من بدهید. آقا، جنس ۲ تومانی را به عنوان قواره‌ی پشمی خارجی، انگلیسی را آورد و جلوی آقا می‌گذارد. آقا این متری چند؟ چون شما درس می‌خوانید و ما را دعا می‌کنید، ما متری ۴۰ تومان به شما می‌دهیم. آقا متری ۴۰ تومان این جنس ۲ تومانی را می‌خرد. ۲/۵ متر، ۲ تا ۴۰ تومان، صد تومان را تحویل می‌دهد. برو پیش آقای خیاط به آقای خیاط می‌گوید این طور بدوز. قدش این باشد، گشاد نباشد، تنگ نباشد، بعد خیاط می‌گوید آخر پارچه‌ی ۲ تومانی این همه سفارش لازم ندارد. آقای طلبه می‌گوید ۲ تومانی؟! من صد تومان برای این پرداختم.

نکنید این کار را! خدا در آخرت برای بی‌انصاف‌ها یک عذاب خاصی دارد که هیچ‌کس آن طور عذاب نمی‌کشد. انصاف معنایش خوب است. انصاف به زبان عربی، یعنی نصف کردن؛ یعنی هرچه بر خود می‌بینی بر برادر خود ببین.

مرحوم آیت‌الله مطهری می‌گوید: امام‌زاده فرمود، آقای «مصادف» (غلام امام صادق است) فرمود، یک‌عده فردا می‌خواهند بروند مصر. این پول را بگیر، جنس بخر، بیر مصر بفروش و ما یک استفاده‌ی مالی بکنیم. یک کیسه طلا داد به ایشان. قیمت کیسه و مقدار کیسه اکنون یادم نیست. مثلاً صد دیناری توی آن بوده. «مصادف» فردا حرکت کرد با قافله نزدیک مصر شد. یک آقای از مصر بیرون می‌آمد، پرسیدند: آقا! این جنسی که ما خریدیم توی مصر مشتری دارد یا ندارد؟ گفت: اتفاقاً این جنس کمیاب است. هرچقدر فروختید فروخته‌اید. خوب به دست این مسلمان‌های عاقل، به دست کی افتاد نباشد دوبل بفروشند بگردند بعد از چند روز که فروختند پس از چند روزی مصادف برگشت. ۲ تا کیسه‌ی صد تومانی برد جلوی امام صادق.

حضرت فرمودند: این چیست؟ گفت: آقا! فرمودید برو تجارت کن من هم تجارت کردم. امام صادق فرمود: آن طلائی که به شما دادم آن را به من بدهید. آن کسی که صد تومان را دوست تومان بفروشد این را اسلام ندارد. این همه در یک معامله استفاده کردن!

آقایان گران فروش! برادری که خانه و مغازه‌ات را داری و گران فروشی می‌کنی که فقط سرمایه‌ات را طولانی می‌کنی، پولت را زیاد کنی، انصاف داشته باش! انصاف برای آخرت شما لازم است. برادر! اسلام می‌گوید: قلبت را اصلاح کن! یا ایها الذین آمنوا، ای مسلمانان! کسی که تقوا داشته باشد، خدا دلش را متوجهی خودش می‌کند. متقی باشید! با خدا باشید! نظر این است. پس اسلام یک حد استحقاقی واقع شده، گفته مسلمانان از همدیگر کمتر استفاده کنند. این خودش یک حرفی است. علما در فقه می‌نویسند اگر یک تاجر با آقایی گفت بیا جلو مغازه‌ی من، ان شاء الله من با تو خوب معامله می‌کنم، مستحب است اصلاً از او استفاده نکنی؛ چون گفته بیا، پس بنابراین اسلام از این نظر یک حد خاصی قائل شده است. و امیدوارم ان شاء الله این را مراعات کنند.

اما از نظر مالیات، اسلام مالیات می‌گیرد برای کسانی که کشاورزند. اسلام می‌گوید: از دو چیز باید شما زکات از گندم و جو بدهید. برای کسانی که دارای درخت هستند از دو چیز زکات می‌گیرد: از خرما و کشمش. برای کسانی که دام دارند از سه چیز زکات می‌گیرند: از گوسفند و گاو و شتر. برای شهری‌ها که دارای پول نقد، سکه و طلا هستند، از دو چیز زکات می‌گیرند. برای کسانی که مطلقاً اجازه‌ی مال دارد صدی بیست می‌گیرد؛ یعنی اسلام می‌گوید اگر یک آقایی ۵۰۵ گوسفند دارد باید برای هر صد گوسفند به عنوان زکات می‌خواهم برای هر صد گوسفند ۲۰ تا از آن‌ها را به عنوان خمس می‌خواهم. سپس از ۵۰۵ گوسفند تقریباً ۱۰۵ تایی آن‌ها را می‌گیرد. یک صد تا را به عنوان خمس و ۵ تایی دیگر را به عنوان زکات بدهید. البته مثال می‌زنم شما ببینید قهها زکات را مقدم داشته‌اند یا خمس و ممکن است یک چیزی اضافه یا کم بشود. از مردم مالیات خواسته، حد دیگری که کیفی است و حدی است برای املاک، مالیات است.

حد دیگرش احتکار است، اجازه‌ی احتکار نمی‌دهد. امام این احتکار را از گناه‌های اربعه حساب می‌کنند، می‌گویند گندم و جو، خرما یا کشمش کسی این‌ها را احتکار کند، حاکم شرع

نمی‌گذارد اما چیزهای دیگری ند. امام امت در کتاب شریفشان در تحریرالوسیله روغن خوردنی را جزو این‌ها حساب کرده و احتکارش را حرام کرده است، اما ما معتقدیم به این‌که، آن‌چه که بشر به آن نیاز دارد این عقیده شخصی بنده است آن‌چه که بشر به آن نیاز دارد و کسی که زیادتر از اندازه‌ی خودش دارد و دیگران به آن نیازمندند. گندم، جو، خرما، آهن... و مردم نیازمندند این آقا محترک است باید احتکار را همان حد را که حضرت امیر به مالک اشتر نوشته درباره‌ی محترکین انجام داد، این دو جمله را از حضرت امیر برایتان می‌خوانم که برای مالک اشتر نوشته، در نهج‌البلاغه سند دارد، امام درباره‌ی محترکین چنین فرموده: آقای مالک! برو توی بازار ببین چگونه می‌خرند و می‌فروشند. مواظبت کن خرید و فروش خیلی عادلانه باشد به موازین عقل و موازین عادلانه فروش برود.

اگر پس از آن‌که تو دستور دادی و مردم احتکار کردند، محترک را عذاب کن اما عقابش هم حد دارد، اسراف نکن، و از جد نگذرد.^(۱)

و من بعد از آنکه از حضرت امیر برایتان می‌خوانم که برای مالک اشتر نوشته، در نهج‌البلاغه سند دارد، امام درباره‌ی محترکین چنین فرموده:

مواظبت کن خرید و فروش خیلی عادلانه باشد

بفرموده است: «مواظبت کن خرید و فروش خیلی عادلانه باشد به موازین عقل و موازین عادلانه فروش برود.»

بفرموده است: «مواظبت کن خرید و فروش خیلی عادلانه باشد به موازین عقل و موازین عادلانه فروش برود.»

بفرموده است: «مواظبت کن خرید و فروش خیلی عادلانه باشد به موازین عقل و موازین عادلانه فروش برود.»

**رئیس جمهوری در مصاحبه با خبرنگار مجله‌ی نیوزویک:
توطنه‌های آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی
با گروگان‌گیری خنثی شد**

حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای رئیس‌جمهوری کشورمان اخیراً با مجله‌ی نیوزویک چاپ آمریکا مصاحبه‌ای به مدت بیش از یک ساعت داشته‌اند. متن کامل این مصاحبه از طرف دفتر رئیس‌جمهوری در اختیار ما گذاشته شده است.

آقای خامنه‌ای در پاسخ مدت مصاحبه گفت: من حرفی ندارم که صحبت ما یک ساعت طول بکشد و به دنیا منعکس شود، ولی مطمئنم که آنچه ما می‌خواهیم منعکس نخواهد شد. گذشته‌ی نشریه‌ی نیوزویک از نظر ما گذشته‌ی خوبی نیست و هیچ‌گاه مطالب درست و حقیقی را ذکر نکرده است.

خبرنگار: ما به دنبال انجام مصاحبه با رؤسای جمهوری، متن آن را برای دفتر مجله در نیویورک می‌فرستیم، مطلبی که باید منتشر شود از آنجا به خبرنگار اطلاع می‌دهند. اول دفتر رئیس‌جمهور هماهنگ می‌کند و پس از تأیید موضوع منتشر می‌شود، اما به عنوان اولین سؤال: آقای رئیس‌جمهوری! شما در کجا متولد شده‌اید و چند سال سن دارید؟

ج: در مشهد متولد شده‌ام و ۴۲ سال سن دارم.

س: چه درس‌هایی خوانده‌اید و چه تخصص‌هایی دارید؟

ج: در مطبوعات ایران، مطالب زیادی راجع به من نوشته شده، بهتر است وقت را به سوالات مهم بدهید.

س: لطفاً وضع جنگ، با عراق را توضیح دهید.

ج: وضعیت جنگ خوشبختانه خوب است. نیروهای عراقی روحیه‌ی ضعیفی دارند و نیروهای ما به‌عکس علاوه بر روحیه‌ی قوی، انسجام و کارایی کافی هم دارند و جنگ با پیروزی نیروهای ما پایان خواهد یافت.

س: گفته می‌شود که جنگ تا نوروز پایان می‌یابد. نظر شما چیست؟

ج: برای جنگ، به دلیل طبیعت آن، پایانی نمی‌توان مشخص کرد.

س: آیا پایان جنگ در چند هفته یا چند ماه آینده خواهد بود؟

ج: اگرچه ما برای جنگ طولانی آمادگی لازم را داریم، ولی بیش از چند ماهی این جنگ طول نخواهد کشید.

س: آیا پایان جنگ را با پیروزی نظامی پیش‌بینی می‌کنید یا با مذاکره سیاسی؟

ج: هر دو صورت قابل تصور هست. البته پیروزی با مذاکره در صورتی ممکن است که شرایط ایران مورد قبول قرار گیرد و به گمان من عراق این شهامت را ندارد که صلح را با شرایط ما بپذیرد.

س: شرایط شما کدامند؟

ج: ۱ - عقب‌نشینی بی‌قید و شرط نیروهای متجاوز ۲ - پرداخت غرامت جنگی ۳ - تعیین متجاوز و محاکمه و مجازات او.

س: روحیه‌ای که در ملت ایران دیده می‌شود، حاکی از آن است که آن‌ها حاضرند اگر جنگ بیست سال هم طول بکشد، آن را ادامه دهند. برای ایران پیروزی در این جنگ چقدر ارزش دارد؟ آیا تا بدان حد هست که به‌طور علنی از شوروی کمک نظامی و فنی دریافت کند؟

ج: ما تاکنون از هیچ‌کس کمک نظامی و فنی نگرفته‌ایم و نخواهیم گرفت ولی در خصوص

۳۹۸ کیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

ادامه‌ی جنگ و ایستادگی ما، این امر نشان‌گر روحیه و آمادگی‌های ضروری ملت ما، می‌باشد.

س: آیا این امکان وجود دارد که موقعیت ایران آن قدر حساس شود که مجبور شود از شوروی کمک نظامی دریافت کند؟

☑ رئیس‌جمهور: منظورتان از کمک نظامی چیست؟

خبرنگار: در روزنامه‌ها خوانده‌ایم که ایرانی‌ها بایستی به‌ترتیب در جنگ پیروز شوند. با توجه به این امر، آیا ایران حاضر است وسایل نظامی یا مستشار نظامی از شوروی بخواهد؟ به عبارت دیگر، اگر موقعیت به‌شکلی درآید که راه چاره‌ای جز این نباشد، آیا امکان آن هست؟

☑ ج: شما اصطلاح کمک نظامی را درست به کار نمی‌برید. خریدن وسایل و ابزار جنگی را «کمک نظامی» نمی‌گویند. «کمک نظامی» گرفتن مستشارها یا دخالت عناصر نظامی یک کشور دیگر است و این کاری است که ما هرگز نخواهیم کرد، ولی راجع به خریدن تجهیزات نظامی، این چیزی است که ما طبق مصلحت خود به آن نگاه می‌کنیم و این راه را بر روی خود نیسته‌ایم.

س: ممکن است خواهش کنم در مورد دست‌آوردهای انقلاب و نارسایی‌های پس از انقلاب و اولویت‌های برنامه‌ریزی‌هایتان توضیح دهید؟

☑ ج: دست‌آوردهای انقلاب زیاد است. در این سه سال ما مستقل بودن را آزمایش کردیم. نیروهای داخلی ملت خود را ارزیابی کردیم و نسبت به آن کاملاً مطمئن شدیم. فرهنگ مردمان را از وابستگی، به خصوص آمریکایی‌ها به میزان زیادی رها کردیم. وضع کشاورزیمان را تا حدودی سرو سامان دادیم و به‌طور کلی می‌توانم بگویم که در این سه سال ولادت جذبدی یافته‌ایم. تجربیات زیادی کسب کرده‌ایم که معمولاً در یک جامعه‌ی آرام (منظور جامعه‌ای است که در آن انقلابی رخ نداده) هرگز در ظرف سه سال به دست نمی‌آید، اما کمبودها - ما متقابلاً کمبودهای زیادی هم داریم. برای جامعه‌ی خود آینده‌ای ترسیم کرده‌ایم که در مقایسه با وضع کنونی مان بسیار کامل و بی نقص است. آینده‌ی است که امیدواریم طی چند سال آینده به آن برسیم و طبیعی است تا به آن شکل آینده نرسیدیم

همواره نقایص موجود باشد. ما این نقایص را می‌بینیم، به آن‌ها معترضیم و به خود اطمینان می‌دهیم که آن‌را برطرف خواهیم کرد. اولویت‌های ما بر چند مسأله است: ۱- رسیدگی به رفاه مردم خود؛ مخصوصاً طبقات ضعیف که بر اثر اعمال سیاست دیکته‌شده‌ی اربابان آمریکایی به‌شاه، به‌خاک سیاه نشسته‌اند. ۲- تجدیدنظر اساسی در وضع تشکیلات دولتی و تنظیم آن به‌نحوی که نیازهای انقلاب را برآورده کند. ۳- تنظیم روابط خارجی‌مان که در این خصوص بسیار فعال شده‌ایم.

س: ممکن است در مورد مشکلات و نارسایی‌های خود، توضیحات بیشتری بدهید و بفرمایید کدام یک مهم‌تر است و چگونه می‌خواهید بر آن‌ها غلبه کنید؟

ج: یکی از مهم‌ترین مشکلات ما که از رژیم گذشته به‌ارث برده‌ایم و امروز با همه قدرت در صدد برطرف کردن آن هستیم، این بوده که ملت ایران احساس نمی‌کرده است که خود می‌تواند ابتکار عملی را در دست بگیرد زیرا به‌او یاد داده بودند که بنشینند و منتظر گندم و مرغ - تخم مرغ گرفته تا ماشین‌های عظیم صنعتی، دارو و وسایل منزل از خارج شود و در مقابل ثروت عظیمش یعنی منابع زیرزمینی، به‌عنوان بهای آن‌ها خارج شود. ما کوشیدیم این باور را در مردم خود به‌وجود بیاوریم که آنان می‌توانند هم در زمینه‌ی وسایل مصرفی و تولیدی و هم در زمینه‌ی مسائل سیاسی، مستقل و بر روی پای خود زندگی کنند و مشکلات جامعه‌ی خودشان را برطرف نمایند. ما، در این خصوص گام‌هایی برداشته‌ایم و به موفقیت‌های بسیاری هم رسیده‌ایم.

س: در ایران سه میلیون نفر بی‌کارند و ۶۰٪ افزایش قیمت‌ها وجود دارد. کمبودها زیاد است. مواد غذایی سهمیه‌بندی شده و مشکلاتی در زمینه‌ی موازنه پرداخت‌ها به‌چشم می‌خورد و به‌نظر نمی‌رسد که شما راهی برای از بین بردن این مشکلات داشته باشید، آیا راهی هست؟

ج: بسیاری از مشکلاتی که گفتید وجود دارد و اغلب آن‌ها ناشی از وقوع جنگ است. شما هیچ کشوری را نمی‌توانید پیدا کنید که با جنگی ۱۷ ماهه روبه‌رو باشد و یک‌چنین مشکلاتی نداشته باشد؛ بنابراین داشتن آن‌چه شما به‌عنوان مشکل اقتصادی ذکر کردید برای ما طبیعی و کاملاً قابل پیش‌بینی است. اما برخلاف تصور شما که می‌پندارید دولت ایران

۴۰۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

طرحی برای حل این مشکلات نداشته باشد، بایستی بگویم ما مشغول تلاش‌هایی هستیم که مطمئناً به نتیجه خواهد رسید. به این دلیل که با وجود جنگ و محاصره‌ی اقتصادی وضع ما می‌بایستی خیلی بدتر از حال می‌بود و من پیش‌بینی می‌کنم که در آینده‌ی نزدیک لااقل نمی‌از مشکلات اقتصادی ما با تلاش مسؤولان برطرف خواهد شد. این را هم اضافه کنم، دلیل این‌که ما این مشکلات را چندان سنگین و وحشت‌آور نمی‌بینیم، این است که مردم ما با دولت کاملاً همکاری می‌کنند، هم خیلی از مشکلات را تحمل می‌کنند لذا مشکلات تسبیعی به وجود نمی‌آید و هم دولت برای رفع مشکلات کمک می‌کند.

س: آیا شما نظر بانک‌ها را که می‌گویند ارز نداریم تأیید می‌کنید؟

ج: خیر؛ تأیید نمی‌کنم.

س: آیا ممکن است دقیقاً میزان ارز خود را بگویید؟

ج: رئیس‌جمهور: آیا انتظار دارید من به‌طور دقیق بگویم که مقدار ارز ما چقدر است؟
خبرنگار: مقامات ایرانی می‌گویند دو میلیارد دلار ذخیره‌ی ارزی دارید، ولی بانک‌ها این را تأیید نمی‌کنند و می‌گویند که آنان هیچ ارز ندارند.

ج: رئیس‌جمهور: اظهاراتی که در مورد ذخایر ارزی ما، در دنیا می‌شود؛ عموماً عاری از حقیقت است.

س: پس ذخایر ارزی شما چقدر است؟!

ج: لزومی نمی‌بینم که میزان آن را به شما بگویم.

س: گزارش‌هایی رسیده حاکی از این‌که دولت ایران از برخی کشورها مثل سنوئیس، آلمان غربی و یا ژاپن درخواست وام کرده، آیا صحیح است؟

ج: این گزارش‌ها عموماً خلاف واقع است؛ ما نفی نمی‌کنیم که ممکن است روزی از دولتی وام بگیریم، ولی الآن خوشبختانه در آن شرایط اضطراری قرار نداریم تا مجبور به گرفتن وام شویم و ذخایر ما از آن مقداری که شما از قول مقامات ایرانی نقل کردید، بیشتر است.

س: پس از گذشت یک‌سال از آزادی گروگان‌های آمریکایی، آیا شما این امر را کمکی به انقلاب خود تلقی می‌کنید یا کاری که نمی‌بایست می‌شد و بدان جهت توجه مردم را از

مسائل دیگر دور کرد؟

ج: ما از آن حادثه بسیار خوشحالیم و امروز هم معتقدیم که حادثه‌ی مزبور، انقلاب ما را به پیش برد. آنچه بر اثر گروگان‌گیری علیه ما پیش آمد، در قبال آنچه ما از آن به دست آوردیم، چیز زیادی نیست.

س: شما چه به دست آوردید؟

ج: ما توانستیم روحیه‌ی انقلابی مردمان را در این حادثه استوارتر بسینیم و توطئه‌های آمریکا در جهت براندازی رژیم جمهوری اسلامی ایران را خنثی کنیم.

س: با توجه به اهمیت مسأله‌ی گروگان‌گیری، آیا با گذشت یک‌سال از آن، به نظر شما بهتر نبود که گروگان‌ها زودتر آزاد می‌شدند تا شما به مشکلات خود از قبیل مسائل اقتصادی برسید؟

ج: این مسأله‌ای نیست که حالا قابل بحث باشد. دیر یا زود گروگان‌ها آزاد می‌شدند، اما آنچه برای ما مهم بود این بود که به وسیله‌ی این اقدام، دست‌های توطئه‌گر آمریکا در کشورمان را قطع کردیم.

س: ممکن است به‌طور کلی در مورد روش قضا در اسلام، شکل تشخیص جرم، دستگیری‌ها، زندان‌ها، محاکمات، شکنجه و اعدام‌ها توضیح دهید که آیا این روش، بهترین روش است یا می‌بایستی تغییر یابد و آیا شما به تمامی اهداف خود رسیده‌اید؟

ج: بدون شک، ما امروز در بهترین وضع قضای اسلامی نیستیم و حتماً باید خودمان را در این مورد کامل کنیم، اما مهم این است که این کامل‌شدن در جهت آن چیزی که امروز در غرب وجود دارد، حرکت نخواهد کرد؛ یعنی وقتی بخواهیم قضاوت اسلامی را تصحیح و تکمیل کنیم، به سمت آنچه امروز شما دارید نخواهیم رفت، بلکه به سمت بخش‌هایی از قوانین اسلامی خواهیم رفت که تاکنون امکان پیاده کردن آنان را نیافته‌ایم.

س: شما در سؤالتان به میزان زیادی تحت تأثیر شایعات هستید. ما آنچه را که در مطبوعات شما نسبت به وضع قضاوت در ایران انتشار می‌یابد، قویاً رد می‌کنیم. شما عمدتاً روی اعدام‌ها تکیه می‌کنید و در این مورد مرتکب دو اشتباه می‌شوید؛ اول این که آمارهایی که از اعدام‌ها ذکر می‌کنید، به هیچ وجه واقعی نیست و دوم این که شرایطی را که ضدانقلاب در ایران

به وجود آورده، ندیده می‌گیرید. آیا اگر شما در میان همان اتوبوسی که ضدانقلاب آن را آتش زد، بودید و دو کودک بی‌گناه در اتوبوس کشته و چندین نفر مجروح می‌شدند و شما با ترس از مرگ و با زحمت زیاد خودتان را نجات می‌دادید، در مورد عاملین این آدم‌سوزی چگونه فکر می‌کردید؟ آیا باز هم می‌گفتید که با عفومان به آن‌ها جایزه بدهیم؟ این تنها یک نمونه است و از این قبیل مطلب فراوان است.

س: من زمانی را به خاطر دارم که از وسایل ارتباط جمعی غرب انتقاد می‌شد (توسط ایرانیان تبعیدی) که چرا نسبت به جنایات، شکنجه‌ها و تیرباران‌هایی که توسط شاه انجام می‌شد، اعتراض نمی‌کنیم. برای من این سؤال مطرح است که آیا این اعدام‌ها به همان اندازه‌ی زمان شاه بد نیستند؟ و آیا نباید ما روزنامه‌نگاران راجع به اعدام‌ها درست مثل شکنجه‌های ساواک شاه، حساس باشیم؟

ج: شما که نویسنده هستید، باید بیش از دیگران اهل محاسبه و دقت باشید. یقیناً کسی که جنایتی انجام می‌دهد (مثل قتل)، دادگاه او را محکوم به اعدام می‌کند (در کشورهایی که حکم اعدام وجود دارد)؛ یعنی باز هم قتل. آیا این دو قتل همانند هم هستند؟ آیا قتل یک بی‌گناه برابر با اعدام قاتل اوست؟ من خود در زمان شاه جزو زندانیان سیاسی بودم و از کسانی بودم که با شاه مبارزه کردم. آیا چیزی که ما در آن روز با آن مبارزه می‌کردیم، امروز هست؟ و آیا کسانی که امروز با دولت مبارزه می‌کنند همان‌طوری مبارزه می‌کنند که ما مبارزه می‌کردیم؟ توضیح می‌دهم، ما آن روز از شاه می‌پرسیدیم چرا ثروت‌های ملی را به بیگانگان می‌دهی؟ چرا به محرومان جامعه کمک نمی‌شود؟ چرا مسئولان حکومت، ثروت‌های کلانی را از مال مردم برای خودشان جمع می‌کنند؟ اما امروز هیچ‌یک از این چراها برای کسانی که با حکومت معارضه می‌کنند وجود ندارد. آن روز به ساواک می‌گفتیم: چرا کسانی را در زیر شکنجه می‌کشی و چرا بی‌دلیل افرادی را اعدام می‌کنی، بدون آن‌که هیچ‌گونه جنایتی را مرتکب شده باشند، اما امروز وضعیت چگونه است؟ امروز کسانی هستند که بر اثر تحریکات همان عوامل که ما آن روز با آن‌ها مبارزه کردیم (یعنی ساواک، درباری‌ها و آمریکایی‌ها) سعی می‌کنند جو داخلی ایران را متشنج کنند و برای این کار، بی‌گناهان را می‌کشند، بسبب‌گذاری می‌کنند و عده‌ای را به‌طور دسته‌جمعی به خاک و خون می‌کشند. ما این‌ها را دستگیر می‌کنیم، محاکمه

می‌کنیم و هنگامی که ثابت شد که این گناهان را انجام داده‌اند، اعدامشان می‌کنیم. آیا شما به‌عنوان یک خارجی بی‌نظر می‌توانید این دو کشتن را با هم مقایسه کنید؟ من توصیه می‌کنم که اگر شما بر اثر عواطف انسانی خواستید کسی را که مرتکب قتل شده، سرزنش کنید، خوب است آن کسانی را سرزنش کنید که پیرمردهایی از قبیل آیت‌الله دستغیب و آیت‌الله مدنی را می‌کشند و کودکانی را در شیراز به‌آتش می‌کشند و در جاهای دیگر صدها نفر بی‌گناه را به‌قتل می‌رسانند.

س: آیا ممکن است تعداد کسانی را که بعد از آقای بنی‌صدر تیرباران شده‌اند،

بگویید؟

ج: می‌توانید از مقامات مسؤول پرسید.

س: شنیده شده که برای جانشین امام خمینی قرار است مجلس خبرگان تشکیل شود. آیا زمان برای تشکیل جلسه‌ی آنان معین شده است و آیا رهبر، یک فقیه خواهد بود یا شورای پنج نفره؟ آیا شکافی که میان روحانیون راجع به ولایت فقیه وجود دارد جدی است؟ و آیا دین و سیاست یکی خواهند ماند یا جدا می‌شوند؟

ج: اول از همه برای اطمینان شما بگویم که دین و سیاست یکی خواهند ماند. شکاف بین روحانیون چیزی است که به‌وسیله‌ی دشمن تبلیغ می‌شود و به‌جز دو سه نفر که هیچ‌گونه در میان مردم طرفداری هم ندارند، روحانیون یکپارچه هستند، چگونگی انتخاب رهبر به‌طور خیلی روشن در قانون اساسی پیش‌بینی شده. مجلس خبرگان یک نهاد قانونی است؛ چه در زمان امام خمینی و چه بعد از ایشان. در اجرای قانون اساسی اصل تشکیل مجلس خبرگان می‌بایستی اجرا شود. بافت شورا حتمی نیست، ممکن است سه نفره یا پنج نفره باشد.

س: ممکن است درباره‌ی سلامتی خود توضیح دهید؟

ج: حال عمومی من خوب است. دستم به‌طور کامل حرکت نمی‌کند. پزشکان امید زیادی دارند که کاملاً خوب خواهد شد.

آقای رئیس‌جمهور در پایان مصاحبه اشاره کردند، این مصاحبه حدود یک‌ساعت و پانزده دقیقه طول کشید و من با اولین مصاحبه‌گر آمریکایی به‌این اندازه مصاحبه کردم. خوب است بدانید که چرا ما حاضر نبودیم با مطبوعات آمریکایی مصاحبه کنیم و حاضر نبودیم آن‌ها را

۴۰۴ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

به کشورمان راه بدهیم. فقط یک دلیل داشت و آن این که این‌ها به جای این که مطابق وظیفه‌ی مطبوعاتی، یک عنصر منتقل‌کننده‌ی حرف‌ها و افکار باشند، عناصر سیاسی‌ای بودند که حرف را طبق میل و خواست سیاست‌ها تغییر می‌دادند، تحریف می‌کردند و به صورت دروغ‌های کوچک و بزرگ در مطبوعات خود منعکس می‌کردند.

من مایل‌م احساس کنم که شما برخلاف روش مطبوعات چپ‌های آمریکایی این مصاحبه را به طور کامل منعکس خواهید کرد و به من تجربه‌ی خوبی از مصاحبه با یک آمریکایی خواهید داد. (۱)

**گفت‌وگویی اطلاعات با رئیس جمهور
ضرورت کار تشکیلاتی، تاریخچه‌ی حزب جمهوری اسلامی
و هدف تبلیغات ضد حزب**

س: اکنون در سالگرد تشکیل حزب جمهوری اسلامی هستیم. سؤالات و حرف‌هایی که در این رابطه برای ما مطرح است، در دو قسمت می‌شود. یک قسمت مسائلی است که خوب، جزو محکقات است. و بعضی مسائل هم هست که می‌توان گفت از متشابهاست. و ما در این مورد نوع دوم، نوعی معظوریت احساس می‌کنیم، از نظر بیرون، جو بیرون؛ یعنی هم ممکن است که مثلاً مردم این‌طور برداشت بکنند که روزنامه می‌خواهد با طرح فلان سؤال، یک چیز جدیدی را به‌وجود بیاورد؛ مثلاً یک بحثی، یک القای شبهه‌ای. و هم ممکن است بعضی این‌طور برداشت کنند که نه؛ چون این ابهامات و این تبلیغات منفی علیه حزب فوق‌العاده زیاد بوده، این‌ها (روزنامه‌ی اطلاعات) خواسته‌اند در سالگرد حزب این نکات را واقعاً روشن کنند؛ یعنی همان چیزی که خود شما و مسؤولان حزب گاه لازم می‌بینید و مطرح می‌کنید و پاسخ می‌دهید و دفع شبهه می‌کنید. اما ما فعلاً در سؤالات خود، همان محکقات را نوشته‌ایم و ترجیح می‌دهیم که همین‌ها را بپرسیم و در موارد دیگر، به‌صلاحدید خودتان

بگذاریم.

ابتداءً، راجع به زمان تشکیل حزب جمهوری اسلامی و کسانی که برای تشکیل آن دور هم جمع شدند و انگیزه‌شان برای تشکیل حزب و چگونگی این تشکیل، گفت‌وگو را آغاز کنیم.

ج: مقدمات تشکیل حزب، مقدمات نسبتاً طولانی است، حداقل یک‌سال و نیم پیش از آن که حزب رسماً اعلام شود، این مقدمات شروع شد. اواسط سال ۵۶ یا اواخر سال ۵۶، اولین مذاکرات درباره‌ی تشکیل یک‌جمع و یک سازمان متشکل به قصد فعالیت علیه دستگاه، در مشهد به وسیله‌ی ۶ نفر شروع شد، که غیر از من، آن بقیه عبارت بودند از مرحوم بهشتی و مرحوم باهنر و آقای محمدجواد حاجتی‌کرمانی، و آقای ربانی املشی و آقای موحدی‌کرمانی. جریان برای من خیلی هم خاطره‌انگیز است که برای برادرمان دیروز مختصراً می‌گفتم و حالا نمی‌دانم که چقدر باب گفت‌وگو در روزنامه است و خودتان ببینید هرچه خواستید منعکس می‌کنید و هرچه هم نخواستید نمی‌کنید.

ما چهار نفری؛ یعنی من و آقای ربانی و آقای موحدی و آقای حاجتی، توی یک مجلسی - مجلس دیدار دوستانه - نشسته بودیم و آن وقت صحبت‌مان فقط پیرامون همین مسائل جاری در رابطه با دستگاه و «چه باید کرد؟» دور می‌زد و عمدتاً گله از این که چرا ما یک جمع متشکلی نداریم و مبارزات دارد متفرق و جدا جدا انجام می‌گیرد و نیروها هدر می‌رود. آن روز نمی‌دانم شما توی این جوی که من می‌گویم بودید یا نبودید؟ یادتان هست یا نه؟

بیشترین گله‌ای که دست‌اندرکاران این مبارزه داشتند، از این بود که چرا یک تشکل صحیحی علیه دستگاه وجود ندارد. آنچه که بود، تشکل‌های سقیم و وابسته به افراد منحرف یا قابل انحراف بود. یک تشکل قوی سیاسی مردمی گسترده‌ای که همه‌ی این فعالیت‌های عظیمی را که در ایران جریان داشت، آن وقت سرجمع کند و توی یک خط به راه بیندازد، وجود نداشت. و این را ما از مدت‌ها پیش، یعنی از سال ۴۲؛ یعنی اواسط ۴۲، از ۴۲ ما توی این خط فکر می‌کردیم. همان زمان‌ها هم یک‌کاری کرده بودیم، در قم بودم، من آن وقت هنوز، مشهد نرفته بودم. و مرتب هم از آن وقت همیشه با دوستان این فکرها را می‌کردیم، این حرف‌ها را می‌زدیم، کارهایی هم کرده بودیم در این زمینه، این بحث باز هم مطرح شد، بحث قدیمی بین خودمان که چرا یک سازماندهی نداریم. یکی از دوستان در این جلسه گفت که خوب چرا

معتلید؟ کسی باید این کار را بکند، اگر کسی قرار است این کار را بکند، خوب ما هستیم، من در فلان‌جا، تو در فلان‌جا، تو در فلان‌جا. مردم به ما اطمینان دارند، خوب بیاید بکنیم این کار را. دیگران هم گفتند که می‌کنیم.

دکتر بهشتی

بنده پیشنهاد کردم که آقای بهشتی که آن وقت اتفاقاً در مشهد بود، ایشان هم بایستی توی این جمع باشند. اعتقاد من این بود که اگر آقای بهشتی باشد، کار عمیق‌تر و استوارتر خواهد شد و دوامش بیشتر خواهد شد. گفتیم الان بلند شویم برویم سراغ آقای بهشتی. منزل ایشان و بنشینیم با هم مذاکره کنیم، ببینیم از کجا باید شروع کنیم. بلند شدیم و سوار اتومبیل شدیم و رفتیم طرف منزل آقای بهشتی. توی راه که داشتیم می‌رفتیم، دیدیم آقای باهر که خیر نداشتیم او هم در مشهد است، چیزی برای خانه‌شان گرفته، نانی، ماستی، چیزی مثلاً سبزی و دارد می‌رود به طرف خانه. من رانندگی می‌کردم، نگه داشتم و صدا کردیم ایشان را. خوب! خیلی گرم و صمیمی، دوستان قدیمی. گفتیم که می‌رویم به منزل آقای بهشتی برای یک‌کار واجب. گفت من دارم این چیزها را می‌برم منزل. گفتیم: این‌ها را ولش کن! چیزها را به دست بچهای که همراهش بود، داد و آمد با ما سوار شد و رفتیم به طرف منزل آقای بهشتی.

آقای بهشتی آن روز وقت نداشت که ما را بپذیرد. می‌دانید آقای بهشتی خیلی قانونی و منظم و خشک بود؛ که دوستان هم غالباً گله‌مند می‌شدند از این حالت ایشان. گفت: من این ساعت وقت ندارم و برای فردای آن روز قرار گذاشتیم منزل ما و مجدداً آن جمع تشکیل شد. گفتیم که قضیه این است. آقای بهشتی خیلی استقبال کرد و گفت: من حاضرم همکاری کنم و به‌جای ذهنیات و پرداختن به این‌که از کجا وارد بشویم و کجا وارد شویم. ببینیم اول کسی‌ها باید باشیم. چون کار معلوم است چیست. کی‌ها را نم‌کن است به‌عنوان همکار در سطح ایران داشته باشیم و گفت: من پیشنهاد می‌کنم کسی را انتخاب کنید، کسی را بیاید به‌عنوان عضو که همه او را به‌عنوان یک فردی که متعهد به اخلاق و خلیات اسلامی است و خودخواهی ندارد و توی جمع حل می‌شود، قبول داشته باشند و این جمله خیلی برای ما راهگشا بود. بنده قلم دستم گرفتم و کاغذ و یکی یکی بنا کردیم افراد را شمردن و نوشتن. ایشان گفت: از همین

جمع خودمان، ۶ نفری که نشستیم شروع کنیم. آیا همه‌مان همدیگر را قبول داریم به این عنوان یا نه؟ و اسم ایشان، اسم بنده، اسم دوستان یکی یکی را نوشتیم. عده‌ی دیگری را هم نوشتیم. قرار شد از آن‌ها دعوت کنیم و کار به این وسیله شروع شد. چند ماه کار ادامه داشت. جلسات منظمی در تهران تشکیل می‌شد، من از مشهد می‌آمدم، بعضی دوستان از قم می‌آمدند، کسانی هم در تهران بودند و می‌نشستیم، حول و حوش این‌که چکار باید بکنیم و طبق چه برنامه‌ای افراد جدید را هم به تدریج به این جمع اضافه کردیم، دقیقاً یادم نیست، حدود ده پانزده نفر یا ده دوازده نفر، اواخر همان سال زمستان بود که جمعی از ما را گرفتند. تبعید شدیم به شهرهای مختلف؛ از جمله آقای دکتر بهشتی و مشکینی بود. فکر می‌کنم آقای مشکینی بود. به نظر من که ایشان هم تبعید شد و آقای... متأسفانه حالا یادم نمی‌آید. خود من هم بودم. تبعید شدیم. بعضی زندان رفتند، بعضی تبعید شدند. جمع متلاشی شد. هنوز دوسه ماهی از تبعید ما نگذشته بود که (من و آقای حاجتی با هم بودیم در ایرانشهر).

پیش‌نویس حکومت اسلامی

یک‌روزی آقای باهر آمد آن‌جا دیدن ما و چقدر خوشحال شدیم، وقتی که ایشان گفت که آمده و پیامی از جمع برای ما دارد. معلوم شد که کار در نبود ما جریان پیدا کرده، با یک وقعه‌ای ادامه پیدا کرده و برای ما پیشنهادهایی آورده بود و سؤال‌هایی مطرح کرده بود. و یادم است، مثلاً طرحی برای حکومت اسلامی نوشته بودند. یک پیش‌نویسی آورده بودند که ما این‌را چک کنیم، نظر بدهیم، بحث کنیم و بعد برگردانیم که بعد بار دیگر دوستان روی آن نظر بدهند. یک طرحی برای خود تشکیلاتمان، که از چند شعبه متشکل باشد، چه بخش‌هایی را داشته باشد. کی‌ها باشند، آورده بود که من با آقای حاجتی با چه شور و شوق و با چه شعفی این‌را برای کار کردن، در آن‌جا که بی‌کار هم بودیم، استقبال کردیم که کار پیش برود. تبعید ما تا اواخر، یا اواسط سال ۵۷ ادامه پیدا کرد؛ یعنی گمانم مهر یا آبان بود، تصور می‌کنم آبان بود که ما از تبعید برگشتیم. وقتی که برگشتیم، مجدداً این جمع در تهران تشکیل شد؛ منتها با یک نشاط بیشتری، با کارهای انجام‌شده‌تری و طرح‌های گوناگونی در جلسات مطرح می‌شد برای چگونگی اعلام و شروع به کار، که اگر آن طرح‌ها را بگویم برای شما کسالت‌آور

است. چهار پنج جور مطرح شد و مشکلاتش بررسی شد و رد شد و باز طرح دیگری و به همین ترتیب.

آن طرحی که آخر بار مورد قبول همه قرار گرفت، این بود که قرار شد ۱۰ نفر سرشناس‌ها به عنوان مؤسسين این تشکيلات - آن وقت سازمان می‌گفتیم - این را اعلام کنند به وسیله‌ی یک روزنامه‌ای و امضا کنند. می‌دانید که آن وقت هنوز زمانی بود که دستگاه کاملاً مسلط بود.

زمان حکومت شریف امامی و بعد از ۱۷ شهریور و آن مسائل حاد و شدید. گفتیم ما می‌آییم این را اعلان می‌کنیم، و مطمئناً ما را خواهند گرفت. یا می‌کشند، یا زندان خواهند کرد. بلافاصله بعد از گرفتن ما، ده نفر دوم اعلان کنند که تشکيلات زیرزمینی شد، و اسم‌هایشان را اعلان نکنند فقط اعلان کنند که ۱۰ نفر دوم دارند تشکيلات را می‌گردانند.

این خاصیت بزرگش این است که تشکيلات ما، ثبت خواهد شد در جامعه، در فضای جامعه و چون آن اعلام‌کنندگان اولی جزو موجهین و افراد معروف هستند، تشکيلات به‌غیرت نمی‌افتد. مردم همه مطمئن هستند که این چنین تشکيلاتی است و با خون آن گرفته شده‌ها، دستگیر شده‌ها یا با نام نیک زندانی شدن آن‌ها یک آبرویی هم پیدا می‌کند. آن تشکيلات بنابراین عده‌ی دوم این امکان را خواهند داشت که به راحتی عضوگیری کنند و به راحتی حرف بزنند. مردم اعلامیه‌های این‌ها را بخوانند، به نظرات این‌ها توجه کنند و کار ادامه پیدا کند؛ متنها ۱۰ نفر اولی آماده باشند برای زندان افتادن و مسائلی که آن روز قویاً احتمالش بود. قرار را بر این داشتیم می‌گذاشتیم و داشت این مسأله مسجل می‌شد.

اعلامیه‌ی امام در محرم

یک‌روزی که داشتیم در این زمینه‌ها صحبت می‌کردیم و قرار بود که روز دهم محرم که روز عاشورا است و روز هیجان مردم است و این‌ها، این اعلام بشود. ناگهان به‌نظر توی همان مجلس تلفن شد آن‌طور که یادم است، و اعلامیه‌ی «ماهی که خون بر شمشیر پیروز است» به ما رسید. در آن اعلامیه امام دستور داده بودند که جلسه باید تشکیل بدهید در ماه محرم جلسات عزاداری بزرگ و اگر توی مساجد نشد، توی کوچه‌ها، توی میدان‌ها، توی

خیابان‌ها؛ یعنی دستور یک هجوم عمومی و یک بسیج مردمی. ما احساس کردیم که موظفیم این کار را حالا انجام دهیم؛ یعنی گفتیم: پس این کار ما عقب افتاد. این‌جا که اگر ما الآن بیفتیم توی کار خودمان، حداقل آن زمینه‌ی حاضر از دست این بسیج عمومی گرفته خواهد شد؛ مثلاً اگر خود من در مشهد دنبال این کار نبودم قاعدتاً یک پایه این کار در مشهد مثلاً لنگ می‌شد - حداقل - و همین‌طور بود در تهران؛ مثلاً اگر آقای بهشتی می‌خواست دنبال این کار نباشد و سرگرم مسائل این جمع‌مان باشد، یا سازمان باشد، یقیناً لطمه می‌خورد به این کار. این بود که ما رفتیم سراغ این مسأله.

آزادی آیت‌الله منتظری

البته، این را هم یادم رفت بگویم که در همین خلالی که ما از تبعید برگشته بودیم، آقای منتظری و آقای هاشمی رفسنجانی هم از زندان آزاد شده بودند و ما از پیش، این دو نفر را به‌عنوان اعضای حتمی این جمع در نظر گرفته بودیم. و گفتیم به‌مجرد این‌که این‌ها آزاد بشوند، یا در زندان، جزو ما هستند و ما به این‌ها ابلاغ خواهیم کرد که ما یک چنین تشکیلاتی را به وجود آورده‌ایم. وقتی که آقای منتظری آزاد شدند، که حالا تاریخ دقیق این خاطره را که می‌گویم درست در خاطر من نیست، ما رفتیم در قم، یک جلسه در قم تشکیل شد، در منزل آقای مؤمن، که همه اعضا، به‌اضافه‌ی آقای منتظری در آن شرکت داشتند. در آن‌جا بعد از بحث زیاد به این نتیجه رسیدیم که جمع ما، دو بخش بشود. یک بخش بیابند تهران و حزب تشکیل بدهند با همین نام، و یک عده در قم بمانند و حکم مثلاً تئوریست‌ها یا پشتیبانان معنوی یا استوانه‌ها و وزنه‌های پشت پرده‌ی حزب را داشته باشند. که آن عده که قرار شد به تهران بیایند، ما ۵ نفر بودیم؛ یعنی آقای بهشتی، آقای موسوی اردبیلی، آقای باهنر، آقای هاشمی و من. و حالا به‌نظم رسید که گمانم آقای حاجتی کرمانی هم جزو این عده محسوب بود، البته آقای موحدی کرمانی به‌طور طبیعی در تهران بودند. قرار شد ایشان هم با ما همکاری کنند. ما آمدیم و سریعاً شروع کردیم به کار تشکیل حزب و این‌که حزب را چگونه تشکیل بدهیم که بعد این مسأله محرم و این‌ها پیش آمد که قبلاً یادآوری کردم. من رفتم مشهد و دوستان، هرکدام به کارهای خودشان مشغول شدند و کارهای مربوط به همان اعلامیه و بعد از آن.

شورای انقلاب

دیگر در این زمینه دور هم جمع نشدیم و با هم بحث نکردیم، مگر آن وقتی که من به تأکید و اصرار آقای منتظری و آقای مطهری که از قول امام به من امر کردند که من بیایم تهران، آمدم تهران و معلوم شد که من هم که نیامده بودم، جلساتی نبوده؛ یعنی دوستان آن قدر مشغول کارهای نفس‌گیر آن روزها بودند، که واقعاً فرصتی برای این کار باقی نمی‌ماند. ما که تهران آمدیم، جلسات شورای انقلاب وقت ما را می‌گرفت و فرصت کمتر می‌ماند برای این کار. اتفاقاً همدی ما هم، این چند نفر، عضو شورای انقلاب بودیم، لکن در خلال بحث‌ها، جلساتی پیش می‌آمد که ما دور هم می‌نشستیم و می‌گفتیم کار حزب، کار اساسی است و این را چرا تعقیب نمی‌کنیم، به خودمان یعنی به یکدیگر توصیه می‌کردیم که کار را ادامه بدهیم، لذا بود که آن کار را هم شروع کردیم. اساسنامه و مرامنامه را تماشا کنیم. ما رفتیم منزل آقای اسلامی، شهید صادق اسلامی که جزو این ۷۲ تن بود. منزل ایشان، نزدیک بیت امام بود و این در وقتی بود که امام آمده بودند، یا اگر هم نیامده بودند ما در کمیته استقبال بودیم. دقیقاً خاطر من نیست، فکر می‌کنم نیامده بودند. آن جا می‌رفتیم و آقای باهنر که بسیار آدم پرکار و خستگی‌ناپذیری بود، مثلاً یک ۲۴ ساعتی یا ۳۰ ساعتی به ایشان وقت داده شده بود. یک‌روز، من رفتم آنجا دیدم که ایشان از صبح همین‌طور توی این اتاق نشسته و دارد می‌نویسد و خط می‌زند و تصحیح می‌کند و درست می‌کند، که ما هم به ایشان کمک کردیم.

امر امام

و بالاخره، اساسنامه و مرامنامه تمام شد و بعد به نظر دوستان رسید و بعد تصویب شد و قرار شد این را چاپ کنیم. من چاپ نشده‌اش را بردم خدمت امام. امام، وقتی که آمده بودند، به آقای هاشمی حداقل دوبار گفته بودند: چرا حزب را اعلام نمی‌کنید؟ من اساسنامه را بردم خدمت امام و به ایشان اطلاع دادم که این را چاپ می‌کنیم و اعلام می‌کنیم حزب را، اگر شما نظری دارید بفرمایید. ایشان هم نظری ابراز نکردند و ما روز اول اسفند؛ یعنی آخر بهمن (روی آن اساسنامه‌مان تاریخش نوشته شده) حزب را اعلام کردیم و اساسنامه را منتشر

کردیم. غیر از بیانیه‌ای که در اول اساسنامه‌مان نوشته شده، البته امام از مدتی پیش در جریان این کار بودند، ما یک پیک به عراق فرستادیم، موقعی که ایشان در عراق بودند، نتوانسته بود با ایشان تماس بگیرد و صحبتی نکند، یک پیک بعد به پاریس فرستادیم، و مجدداً آقای بهشتی رفتند پاریس با امام صحبت کردند و در ضمن صحبت‌هایشان این مسأله را هم در میان گذاشتند و امام موافقت کردند که این کار را بکنیم. و حزب تشکیل بدیم و به این ترتیب بود که حزب شروع به کار کرد. این تاریخچه‌ی حزب است. حزب بنابراین از دوران اختناق روید؛ یعنی شروع کرد به رویش. ریشه در آن سال‌ها دارد. برخلاف تصور بعضی که این کار را فرصت طلبانه و در هنگام گشایش امور می‌دانند، به هیچ وجه این جور نبود. این یک تهمت بزرگ است به کسانی که در این راه، واقعاً زحمت کشیدند و سختی‌های آن دوران را تحمل کردند. یک‌روز از روزهایی که دور هم جمع می‌شدیم، چند نفر از برادران ما، در حالی که داشتند می‌آمدند، گیر مأمورین ساواک افتادند، و چون روحانی و مثلاً ناشناخته بودند و از چهره‌های معروف به مبارزه نبودند، توانستند سر مأمور کلاه بگذارند، و از دست او دربروند و این نوشته‌ها و این‌ها را دست او ندهند. برده بود مأمور این‌ها را، تا ظاهراً ساواک یا شهربانی.

تشکیلات سال ۴۳

دائماً در معرض این بود که این تشکیلات گیر بیفتند و ما خاطره‌ی تلخی داشتیم از گیر افتادن تشکیلات در سال ۴۳. همان‌طور که گفتم، در آن سال هم ما یازده نفر نشستیم دور هم در قم و یک تشکیلات را پی‌ریزی کردیم و مدتی هم کار ادامه داشت که متأسفانه بعد، پس از مدتی این گیر افتاد و منجر به زندانی شدن آقای منتظری، آقای ربانی شیرازی که آن وقت توی آن تشکیلات ما بود و بعد هم مرحوم قدوسی و آقای آذری قمی و بالاخره بنده شد و مدت‌ها ماها فراری بودیم. من، آقای هاشمی رفسنجانی در خفا زندگی می‌کردیم برای خاطر آن تشکیلات و لوزفتش و اساسنامه. اصلاً دستگاه روی کلمه‌ی اساسنامه بین روحانیون، آن قدر حساس بود که به هیچ قیمت حاضر نبود که این مسأله را رها کند، و چند سال ماند. اصلاً آن پرونده دوسه سال همین‌طور هی دست دستگاه بود و با آن بازی می‌کرد

که بلکه بتواند یک سرنخی پیدا کند تا بالاخره فهمیدند که خیلی ریشه‌دار نبود، و رهايش کردند.

غرض، در آن سال‌های اختناق و شدت عمل، این کار شروع شد با تلاش برادران مخلص؛ منتها خوشبختانه مواجه شد با پیروزی انقلاب و در هنگام پیروزی انقلاب اعلام شد...
س: به‌طور کلی، در مورد نقش و ضرورت همین مسأله‌ی تشکیلات و تحزب، کار تشکیلاتی و این‌ها که اشاره هم کردید، می‌خواستیم که مستقلاً صحبت کنید؛ به‌خصوص از دیدگاه اسلامی و توجیهات شرعی و جنبه‌های مذهبی.

ضرورت و معنای تشکیلات

ج: به‌نظر ما، تشکیلات یکی از فرائض هرگروه مردم است که یک‌هدفی را دنبال می‌کنند. تشکیلات؛ یعنی نظم، یعنی تقسیم وظایف، یعنی ارتباط و اتصال و زنجیره‌ای کار کردن. این معنای تشکیلات است. این چیزی است که نه فقط بد نیست، بلکه یک چیز خوب و بلکه یک چیز ضروری است. هیچ‌کاری در دنیا بدون تشکیلات پیش نمی‌رود. انقلاب اسلامی ایران هم بدون تشکیلات پیش نرفت و پیروز نشد. این خطا است که اگر کسی خیال کند این انقلاب بدون نوعی سازماندهی پیش رفت. بله! حزب نبود، تشکیلات روشن مشخص و اسم و رسم‌داری نبود، اما حقیقت همان چیزی است که بعضی از ناظران جهانی هم که درباره‌ی انقلاب ما فکر می‌کردند، به آن رسیده‌اند. اگر امام خمینی از تعداد کثیری از شاگردان معتقد به او و مطلع از نیت‌های الهی او و مؤمن به افکار او، برخوردار نبود، مطمئناً فریادش به آن مردم نمی‌رسید، تا این‌که این مردم حرکت کنند. در این شک نکنید. اگر در سال ۴۳، روحانیون بزرگ و کوچکی در سراسر ایران نبودند که پیام‌های امام خمینی را به اعماق توده‌ها برسانند، شما فکر می‌کنید که چگونه مردم در جریان این امر قرار می‌گرفتند. خود روحانیت؛ بدون این‌که کسی را خیلی حساس کند، یک سازماندهی، یک تشکیلات و یک تشکل است. این انجمنی جمعه امروز تشکل‌اند. خود آن طلاب و فضایی که پخش می‌شدند در سراسر شهرستان‌ها و من این‌ها را همیشه تشبیه کرده‌ام به زنبور عسلی که بار عطر و شهد و آن مایه‌های طبیعی عسل را از حوزه می‌مکند و منتشر می‌شدند و به سراسر این کشور و

سراسر اکتاف این جامعه، بار شیرین و شفا بخش خودشان را می‌دادند. اگر این‌ها نبودند، مطمئن باشید که این مسأله این‌چنین نمی‌شد و این‌است راز تأکید امام بر روی عنصر روحانیت؛ چون کارآیی روحانیت را امام به‌رأی‌العین دیده‌اند. بنابراین، تشکل یک امر ضروری است؛ هم در دوران اختناق و برای مبارزه و هم در دوران گشایش و برای تداوم انقلاب و برای سازندگی و اگر تشکل نباشد هیچ‌کاری سامان نخواهد یافت. لاقلاً تداوم نخواهد یافت. ما برای یک تشکل یک‌چنین پرهیبتی، تصویری از ارزش در مقابل چشمانمان داریم. به‌تشکل و سازماندهی که نگاه می‌کنیم، دورادور همین را که گفتیم می‌بینیم. البته پیرامون تشکل، حرف‌هایی وجود دارد. یک‌وقت هست که یک‌نفری وابسته به یک جریان، یا، به یک سازمان، یا، به یک حزب به‌خصوصی هست. برای او آن حزب می‌شود یک ارزش مطلق، گاهی اوقات جزو یک تشکیلاتی هست و این تشکیلات را نردبان ترقی خودش قرار داده. گاهی جزو یک تشکیلاتی است که آن تشکیلات منحرف است، گاهی جزو یک تشکیلاتی است که آن تشکیلات از یک معنویت و یک عمق فکری و سیاسی برخوردار نیست. این‌ها همه بد است. اما این‌ها یک‌چیز است و آن خوب اصلی، یعنی فضیلت خود تشکل یک‌چیز دیگر است. ما هرنوع وابستگی گروهی و حزبی و سازمانی را نمی‌خواهیم با این حرف مورد قبول قرار بدهیم و صحنه رویش بگذاریم. گروه‌گرایی و تشکیلات‌گرایی را نوعی «خودگرایی» است و ما رد می‌کنیم. هم‌چنان که خودگرایی را رد می‌کنیم، خودخواهی را بد می‌دانیم، اما تشکیلات را، ما به‌این کیفیت قبول می‌کنیم.

هجوم علیه حزب

و من باید بد شما بگویم که متأسفانه از اول انقلاب، از اوایل انقلاب، روی تشکیلات و روی حزب، یک‌نوع تبلیغات منفی، به‌صورت یک‌هجوم تبلیغاتی در یک بزه از زمان انجام گرفت. هدف این‌ها تشکیلات نبود؛ هدف، کل و اصل حزب و سازماندهی نبود؛ هدف، حزب جمهوری اسلامی بود. عمدتاً هم از طرف عناصری که حالا من دوست ندارم ببینم اسم بیاورم، این‌کار انجام می‌گرفت. چه به‌صورت هوچی‌گرانه و چه به‌صورت استدلال‌گرایانه و باکمال تأسف، باید بگویم که آن‌کسانی این حرف را می‌زدند که خودشان

معتقد به تشکل و باندهازی بودند و قویاً کار سازماندهی باندهی را انجام می‌دادند و در عین حال این را برای دیگران نمی‌پسندیدند و رد می‌کردند.

ما برای حزب جمهوری اسلامی، از اولی که تشکیل شد، در تعلیماتمان و در تبلیغاتمان چند هدف، چهار هدف را به‌طور مشخص ذکر کردیم. هدف تشکیلاتی منظورم است. گفتیم ما می‌خواهیم:

۱- نیروهای بالقوه را بالفعل کنیم.

۲- نیروهای منحرف را مستقیم کنیم، یا از انحراف نیروهای مستقیم ممانعت کنیم.

۳- نیروهای کند و متوقف را شتاب ببخشیم.

۴- نیروهای شتابنده و در خط را به‌هم مربوط کنیم.

این هدف‌های تشکیلاتی را شما ملاحظه کنید، ببینید کدام یک از این‌ها می‌تواند یک چیزی باشد که امروز کسی بتواند بگوید ما به آن احتیاج نداریم. به‌همه‌ی این‌ها نیاز داریم، نه فقط امروز نیاز داریم، بلکه همیشه نیاز داریم. و اما راجع به اسلام؛ شما گفتید که اسلام نظرش چیست. البته در اسلام، در قرآن، در روایات ما، هیچ متن صریحی نیست که بگوید که حزب خوب است یا حزب بد است. یا هرکس وارد حزب بشود، فلان قدر ثواب در بهشت می‌گیرد و یا فلان قدر سزا در جهنم! اما این را بگویم که خود اسلام، با تشکیل و سازماندهی شروع شد.

این تراکم اسلام با تشکل و سازماندهی شروع شد؛ اصلاً خود اسلام، آغازش جز با تشکل نشد و بدون تشکل نشد و بدون تشکل امکان نداشت که اسلام همه‌گیر بشود. آن کسانی که می‌رفتند، آن سرگروه‌ها، سرشاخه‌ها به اصطلاح امروز، که می‌رفتند به‌دو، سه، پنج خانه در مکه، مخفیانه اسلام می‌آوردند، آن‌ها کی بودند؟ این‌هایی که دور پیغمبر صلی الله علیه و آله جمع می‌شدند توی خانه مخفی، پیام پیغمبر را می‌شنیدند که به دیگران می‌رساندند، این‌ها کی بودند؟ آن کسانی که می‌رفتند، مردم مدینه و یثرب آن روزگار را با پیغمبر آشنا می‌کردند و ارتباط فکری بین این‌ها برقرار می‌کردند، بعد از آن برای سال دیگر وعده می‌گذاشتند، باز سال دیگر برای سال سوم وعده می‌گذاشتند، بعد برای مدینه وعده می‌گذاشتند و بعد پیغمبر نماینده می‌فرستاد، این‌ها کی بودند؟ اگر چنان‌چه پیغمبر از یک سازماندهی، منتها نه به‌نوع

سازماندهی پیشرفته‌ی امروز، بلکه به معنای ارتباط و اتصال و هماهنگی افراد با یکدیگر برخوردار نبود، خود پیغمبر به تنهایی که نمی‌توانست توده‌های مردم را جمع کند در روزگار عسرت و برای این‌ها حرف بزند و این‌ها را جذب کند و تازه اگر جذب می‌کرد، مگر همه می‌توانستند با پیغمبر دائماً ارتباط برقرار کنند؟ پیغمبر مگر دانه دانه این‌ها را می‌توانست قرآن یاد بدهد؟

کار تشکیلاتی ائمه

و بعد می‌آییم سراغ ائمه. من ثابت کردم در بحث‌های مربوط به ائمه که ائمه از استوارترین نوع تشکیلات برخوردار بودند. شما بدانید این‌را که تشکیلاتی که بنی‌عباس از آن استفاده کردند و توانستند دولت خودشان را پس از بنی‌امیه در سراسر ایران، ناگهان استوار کنند، تشکیلاتی بود که به ابتکار ائمه به وجود آمده بود؛ منتها آن‌ها از این تشکیلات سوءاستفاده کردند. من در یک بحثی راجع به امام صادق علیه السلام که متأسفانه خیلی بد و ناقص چاپ شده.

س: کتاب پیشوای صادق؟

ج: بله! آن‌جا راجع به این صحبت کرده‌ام و بد نیست که یک نگاهی به آن بیندازیم. کارهای تشکیلاتی ائمه حیرت‌آور است. آن‌هم تشکیلاتی پنهان‌کاری؛ چون در دوران اختناق زندگی می‌کردند. آن‌روزی هم که ائمه به حکومت رسیدند ناچار بودند که برای ارتباط کامل با توده‌های مردم و برای اداره‌ی کشور به صورت صحیح و رساندن آن پیام و آن شناخت و فرهنگ و معرفت درست، یک سازماندهی و کانال داشته باشند.

ما، تشکیلات را در یک کلمه کوتاه می‌کنیم. به مثابه‌ی شریان‌هایی می‌دانیم در داخل بدن، یا مجموعه رگ‌هایی می‌دانیم در داخل بدن. اسم شریان را نیاورم؛ یعنی شریان و ورید، که تغذیه‌ی صحیح کلیدی اندام‌ها به عهده‌ی آن‌هاست و بازگرداندن نقص‌ها و نارسایی‌ها و پستی‌ها و پلیدی‌ها و ابهام‌ها به مرکز نیز به عهده‌ی آن‌هاست تا مجدداً تصفیه‌ی صحیح انجام بگیرد و این دور به طور مداوم در بدن جریان داشته باشد. معتقدیم که اگر یک مویرگ از یک گوشه‌ی بدن کم بشود، به همان نسبت تغذیه‌ی بدن ناقص می‌شود.

س: آیات یا روایاتی از قبیل «... صابرو اورابطوا» یا «علیکم بالتواصل» را می‌توان از توجیهات مربوط به امر تحزب دانست؟

ج: البته سخنانی از ائمه که در او اشاره‌ای به سازماندهی است، زیاد است. من منظورم این بود که یک‌متن صریحی که بگوید حزب بد است یا خوب است و آن قدر ثواب دارد، یا گناه دارد، نداریم، والا در کلمات امیرالمؤمنین از این صریح‌تر هم داریم، از این «علیکم بالتواصل» از این صریح‌تر، یک جمله‌ای من از امیرالمؤمنین پیدا کردم که الآن یادم نیست، که در آن جمله، صریحاً دستور تشکیلاتی می‌دهند؛ یعنی دستور تشکل و سازماندهی می‌دهد، الآن یادم نیست، متأسفانه. احتمال می‌دهم توی همان پیشوای صادق علیه السلام این را من ذکر کرده باشم. حال اگر مراجعه کردید و پیدا کردید ممکن است که از آن استفاده شود. به‌رحال، من درباره‌ی مباحثی که نسبت به ائمه داشتم روی مسأله‌ی تشکیلات تکیه کردم و علت این است که حساس بودم و این مسأله را پیدا کردم؛ یعنی هیچ‌وقت این جور نبوده که من دنبال نظر ائمه درباره‌ی تشکیلات بگردم تا به این‌ها برخورد کنم. بلکه به‌عکس، خود وجود رگه‌های تند توصیه به تشکیلات بوده که نظر من را در کلمات ائمه جلب کرده و به این نتیجه رسیدم که چنین چیزی وجود داشته و بدون این نمی‌شده است.

خدمات حزب جمهوری اسلامی

س: الآن، به آن ترتیب که فکر می‌کنم، سه‌سال و شاید بیشتر از تشکیل و رویش حزب گذشته است. تا این جا به نظر شما، حزب چه دست‌آوردها و به‌طور کلی چه خدمات و فعالیت‌هایی داشته است؟

ج: اگر از کلمه‌ی دست‌آوردها عدول کنید و همان خدمات بگویید، من میدان وسیعی برای صحبت کردن خواهم داشت. حزب جمهوری اسلامی از آغاز تشکیل، با وضعی مواجه شد که اولین کار یک حزب یعنی پیوند دادن، و کادرسازی و سلول‌سازی برایش غیرممکن شد و این به‌خاطر این بود که هجوم خواستاران عضویت در این حزب از ساعت اول به‌قدری بود که برای ما اصلاً قابل پیش‌بینی نبود. شاید برای شما جالب باشد که من این را بگویم که ما، در صحبت‌هایمان که با برادران داشتیم، این جور بین خودمان قرار گذاشتیم که وقتی تعداد

داوطلبان عضویت به ۳۱۲ نفر رسید، به میزبانی اصحاب بدر و اصحاب طالوت و اصحاب ولی عصر علیه السلام، ما مجمع عمومی را تشکیل می دهیم و شورای مرکزی را طبق اساسنامه از مجمع عمومی انتخاب می کنیم. اتفاقاً، به نحوی، توی اساسنامه مان هم منعکس است. ما توی اساسنامه فکر کردیم، ۳۱۲ نفر، یک نوع تظاهر و جانماز آب کشیدن به نظر خواهد آمد که بلی! ما می خواهیم دوستان خودمان را تشبیه کنیم به دوستان امام زمان و این ها. نخواستیم این کار را بکنیم و ۳۰۰ نفر نوشتیم. توی اساسنامه ما هست که وقتی تعداد اعضا به ۳۰۰ نفر رسید، ما مجمع عمومی تشکیل می دهیم. گمان می کنم که در اولین ساعت شروع نام نویسی، چند برابر ۳۰۰ نفر به ما مراجعه کردند و این تراکم جمعیت تا عصر آن روز اول، به قدری زیاد بود که چندین هزار نفر آمدند و نام نوشتند. ما ۵ روز - گمان می کنم ۵ روز - نام نویسی داشتیم و در این ۵ روز، آن قدر جمعیت از تهران و شهرستان ها به ما مراجعه کردند که ما را متوحش کردند که چه بکنیم؟

توجه دارید که ما هیچ کدامان سابقه‌ی کار تشکیلاتی به آن معنا نداشتیم و اگر داشتیم هم این جمعیت انبوه و عظیم باز قابل سازماندهی نبود. گمان می کنم، قوی ترین سازمان ها و تشکیلات نمی توانست این چندین ده هزار نفری را که در این چند روز به ما مراجعه کردند به آسانی سازماندهی کند. اصلاً ممکن نبود چنین چیزی. به خصوص با توجه به این که توی این داوطلبان، کسانی بودند که ما این ها را به هیچ وجه، نمی شناختیم. کسانی بودند که فرصت طلبانه آمده بودند، چون می دیدند که یک عده آدم نام و نشان دار و دور و بر امام، یک حزب پیشنهاد کرده اند. این ها می آمدند و درخواست می کردند، و از این قبیل. لذا بود که کار سازماندهی به تأخیر افتاد. ما گفتیم که با این موج عظیمی که در اختیار ما قرار گرفته، بیایم کار تبلیغات انقلاب را یک سامانی بدهیم و همین کار را هم کردیم. در آن تقسیم بندی اولیه ای که در حزب شد، بین ما ۵ نفر مسؤول، بخش تبلیغات به عهده‌ی من محول شد و من شدم مسؤول این بخش. ما یازده واحد تشکیل دادیم در دفتر حزب برای تبلیغات و همه این یازده واحد کار می کردند. از بیانیه و اعلامیه، تا پوستر، تا تشکیل اجتماعات، تا کتاب، تا جزوه های مثلاً تبلیغاتی و از این جور، و کارهای هنری.

بسیج مردم

در ماه‌های اول انقلاب، هیچ اجتماعی تشکیل نشد، مگر به وسیله‌ی حزب، و با دست افراد حزب. این اجتماعات عظیمی که شما به یاد دارید، اجتماع روز کارگر، اجتماع روز زن، اجتماع در مقابل آن یازده سرای سناتور آمریکایی، اجتماع روز دوم فروردین، اجتماعات فراوانی که در آن ماه‌های اول تشکیل شد، بدون استثنا به ابتکار حزب بود؛ یعنی هیچ‌کس دیگری این امکان را نداشت؛ یعنی آن امکانی که ما داشتیم، واقعاً هیچ‌کس نداشت. تا آن وقتی که بنی صدر رئیس‌جمهور شد و احساس کرد که بایستی اجتماعات را از دست حزب بیآورد بیرون، و برای اول بار، یک اجتماعی را که الآن یادم نیست، کدام روز بود.

— روز ۱۲ فروردین، به توصیه‌ی رجوی! سندش منتشر شد.

— بلی!... بنی صدر اعلام کرد از مثلاً ۲۵ روز پیش از این اجتماع، که مبادا حزب پیش‌دستی کند و اعلام کند، و او پیش‌دستی کرد. تا آن وقت تمام اجتماعات بزرگی که تشکیل می‌شد، این راه‌پیمایی‌ها، به توصیه‌ی حزب و به ابتکار حزب بود. و حالا شما ببینید در آن سال اول چقدر کار انجام گرفت در این زمینه. این شور و هیجان مردم چطور توی خیابان‌ها و توی میدان‌ها به رخ دنیا کشیده شد و این چیزی است که ما امروز می‌فهمیم که چقدر در آن روزها اهمیت داشته. کلاً حزب در این جاها پیش‌قدم بود. در کارهای جاری جمهوری اسلامی؛ مثلاً فرض بفرمایید که اعلان جمهوری اسلامی و رفتارندوم جمهوری اسلامی، بزرگ‌ترین حجم کار را حزب کرد. کلاً با تمام ایادی‌اش در سراسر کشور در تماس بود. وسایل کار را برای این‌ها فراهم می‌کرد و این‌ها راه می‌افتادند در سراسر کشور برای این‌که بتوانند جمهوری اسلامی را برای مردم تشریح کنند، که جمهوری اسلامی چیست؟ می‌خواستند رأی بدهند مردم و به همین ترتیب در مجلس خبرگان و کارهای بعدی در طول این سه سال، بخش تبلیغات ما که آن بخشی است که خدمات انقلاب را به صورت چشمگیرتر از همه ارائه داده، یک کارنامه‌ی قابل قبول و ارزشمندی دارد؛ یعنی چنان‌چه این فعالیت و تلاش از سوی حزب در این مدت انجام نمی‌گرفت، یقیناً تبلیغات جمهوری اسلامی به مراتب کمتر بود و من به شما باید بگویم این را که ما در این تبلیغات خیلی نجیبانه از آغاز سعی کردیم که بیش از آن‌چه که حزب مطرح می‌شود، کار مطرح بشود. حزب را یا مطرح نکردیم یا

۴۲۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

خیلی ضعیف مطرح کردیم. خواستیم کار انجام بگیرد؛ منتها خوب، این حزب بود که دعوت می‌کرد. حزب می‌خواست و مردم به‌حزب خوشبین بودند و قبول می‌کردند و لیبیک می‌گفتند. از این گذشته، ما صدها جلسه‌ی کلاس، کلاس درسی، جلسه‌ی درسی داشتیم که به‌وسیله‌ی افراد صاحب‌فکر و صاحب‌نظر تشکیل می‌شد.

تداوم و تعمیق اندیشه‌ی انقلابی

ما هزاران جلسه‌ی سخنرانی ترتیب دادیم، البته «ما» بهتر است نگوییم؛ چون من شخصاً در این زمینه فعالیت خیلی ضعیفی داشتم. بعد که به‌خصوص مسؤولیت دولتی پیدا کردم و کمتر توفیق کار در این بخش برای من پیش می‌آمد و مسؤول بخش، کسان دیگری شدند. حزب هزاران جلسه‌ی سخنرانی، سخنرانی‌های توجیهی انجام داد. برای انقلاب ما یک عامل اصلی برای تداوم آن، عبارت بوده است از تعمیق انقلاب در ذهن مردم. انقلاب باید از صورت شعاری خارج می‌شد.

بایستی آن اندیشه‌ی انقلابی در ذهن مردم ریشه پیدا می‌کرد. می‌دانیم که مردم، مردمی که این حرکت عظیم را انجام دادند، اغلبشان سابقه‌ی اندیشه‌ی مکتبی اسلامی نداشتند. ایمان اسلامی داشتند، آن‌هم ایمانی پرشور. این ایمان لازم بود که کاملاً پابرجا و مستقر بشود و جز در سایه‌ی بیان و آموزش، این‌کار امکان‌پذیر نبود.

و این را ما می‌بینیم به‌وسیله‌ی این جلسات فراوانی که انجام شده، تأمین شده است. از این قبیل خدمات، حزب زیاد دارد و البته در این زمینه فکر می‌کنم می‌توانید شما با مسؤولین دست‌اندرکار، با زبان آمار و ارقام صحبت کنید. آمارهایی که خواهند داد به‌شما، آمارهای واقعاً تحسین‌انگیزی است.

مهم‌ترین کار حزب

لکن، به‌نظر من، از همه این‌ها مهم‌تر، کاری که حزب کرده حفظ خط اصیل انقلاب در متن این سه سال بود. ما تصورمان این است که اگر حزب ما و این تشکل وجود نداشت، آن‌کسانی که باید امروز دیگر نامشان را راهزنان انقلاب بگذاریم به‌سهولت قادر می‌شدند انقلاب را از

بستر حقیقی خودش دور کنند. البته وقتی من دارم این حرف را می‌زنم، توجه دارم به نقش صدر در صد تعیین‌کننده‌ی امام در این باره. در این شک ندارم. اما همان‌طور که قبلاً گفتیم: بایستی توجه داشت که یک فکر، یک فریاد از وقتی که مقدماتش فراهم می‌شود تا وقتی که انجام می‌گیرد و بعد منعکس می‌شود در جامعه و بعد به‌ذهن جامعه می‌رود، به‌غیر از آن فریادگر، عوامل دیگری را نیز می‌طلبد، آن عوامل دیگر حزب جمهوری اسلامی است. و حزب جمهوری اسلامی بود که چه با روزنامه‌اش و چه با گفتار مسئولانش و دست‌اندرکارانش در مقابل این خطوط انحرافی از اول ایستاد، در مقابل آن حساسیت نشان داد. هر اندک کلمه‌ای، حرفی، اشاره‌ای را که نشان می‌داد بایستی خط انقلاب را از آن خط تعبد به‌اسلام جدا بشود را نادیده نگرفت و رویش یک توقف کرد، پاسخ تهیه کرد و جواب گفت.

س: بله! سابقاً حجم شدید تبلیغات علیه حزب به قدری بود که حتی خود عناصر مذهبی را هم گاهی دچار تردید و توهم می‌کرد. که شاید این حزب به‌علت دور بودن از مسئولان و بنیان‌گذارانش دچار همان آفت‌های ناشی از تعزب شده باشد. می‌خواهیم که در رابطه با این حجم وسیع تبلیغاتی که هنوز هم ممکن است رسوباتی از آن در اذهان باقی باشد و نیز انگیزه و هدف آن تبلیغات به‌خصوص موارد اتهامات و شعارهایی که علیه حزب بود و نسبت‌هایی که به آن می‌دادند اگر مناسب می‌بینید صحبت کنید.

وجود تشکیلات برای دشمن قابل تحمل نبود

ج: سؤال کردید که چه انگیزه‌ای موجب این همه حملات به‌حزب بوده؛ اگر من برای این همه حملات یک وجهی ذکر می‌کنم که این وجه غیر از اشتباهات خود ماست، نباید این سخن حمل بر این شود که من اشتباهات خودمان را نفی می‌کنم. من می‌خواهم بگویم اشتباهات ما انگیزه‌ی این حملات نبوده است. اگرچه ما حتماً اشتباهاتی داشته‌ایم. اگر فرض کنیم روزی، اگر فرض کنیم که ما هیچ اشتباهی هم نمی‌کردیم، صد در صد کامل عمل می‌کردیم و بی‌عیب و بی‌نقص بودیم، باز همین حملاتی که شما دیدید، علیه ما انجام می‌گرفت. و می‌خواهم به‌شما بگویم که این حملات در آن صورت قوی‌تر و کوبنده‌تر انجام می‌گرفت. بسیاری از این

حملات را می‌توانستند بیشتر از آن ادامه دهند که دادند. یا کوبنده‌ترش کنند. دشمن‌ها با خودشان فکر کردند که نیازی نیست، این چیزی نیست، این حزبی نیست؛ یعنی تکیه کردند بر اشتباهات ما و حملاتشان را متوقف کردند، با این اطمینان که خود این اشتباهات، حزب را به سقوط خواهند کشاند و احتیاج به این‌که دیگر ما، زیاد حمله کنیم، ندارد.

بنابراین، اگر ما این اشتباهات را هم نمی‌کردیم این حملات بود و کوبنده‌تر هم می‌بود. با این مقدمه باید عرض کنم که دلیل حملات این بود که وجود یک تشکل اسلامی با پیشوایی و رهبری جمعی از روحانیون معروف و مقبول در داخل جامعه‌ی ایرانی که باقتش آن‌چنان است که سخن روحانی در آن پذیرفته است، به‌خصوص این روحانیون که به‌رجهت دوستان، نزدیکان و یاران امام بودند، وجود چنین تشکیلاتی برای دشمن این انقلاب قابل تحمل نبود.

جریان «خلق مسلمان» نشان داد که...

اولین کسانی که علیه تشکیلات حرکت جدی را انجام دادند، دشمنان شناخته‌شده‌ی این انقلاب بودند. کار به‌اعتراض‌ها و تق‌های گوشه و کنار افراد جدا و بریده ندارم. آن‌ها ممکن بود روی احساسات شخصی و اخلاقی، یک مخالفتی با حزب بکنند. آن‌ها را من جدی خیلی نمی‌گیرم. لکن، آن کسانی که بعدها جریان «خلق مسلمان» نشان داد که کی هستند و به‌کجاها متصل‌اند، آن‌ها کسانی بودند که از اولین روزهای شروع حزب ما، مخالفتشان را با ما شروع کردند. و نمی‌دانم شما اطلاع دارید یا نه، که چند روز، شاید چهار، پنج‌روز بعد از این‌که ما حزب را اعلان کردیم، یک حزبی به‌نام باز هم «حزب جمهوری خلق مسلمان» اعلان کردند؛ یعنی در اسم هم سعی کردند این مارک تقلبی را هم روی کار خودشان و کارهای خودشان بیاورند.

- بعد شد «حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان»!!

- علتش هم این بود که گفته شد به‌ایشان این بد است. توی مردم، می‌گویند آن‌ها «حزب جمهوری اسلامی»‌اند و شما «جمهوری خلقی»!! پس کردندش «حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان»! که شما ببینید چه «شترگاوپلنگ» با مزه‌ای از توپش درمی‌آید. و بعدها همین رشته بود که ادامه پیدا کرد و شما می‌دانید که کوبنده‌ترین حملات از سوی باند بنی‌صدر بود علیه ما.

اسناد لانه‌ی جاسوسی

می‌دانید که داخل لانه‌ی جاسوسی، علیه ما و روزنامه‌ی ما اسنادی بود که نشان می‌داد که آمریکایی‌ها به شدت در پی آن بودند که این حزب و این روزنامه را به نحوی منکوب کنند. و هم‌چنین تبلیغاتی که از اول علیه ما می‌شد، سرخ تبلیغات از طرف خبرگزاری‌های خارجی بود؛ چه نسبت به مرحوم بهشتی و چه نسبت به خود حزب. و تهمت‌هایی زدند که این تهمت‌ها حقیقت این است که به حزب نمی‌چسبید؛ از جمله تهمت انحصارطلبی و حزب حاکم. این حرف را وقتی می‌زدند که در تمام کابینه آن‌روز یک نفر از این حزبی که می‌گفتند حزب حاکم است، وجود نداشت.

دولت موقت یک وزیر حزبی نداشت

دولت آقای مهندس بازرگان یک وزیر حزبی، از حزب جمهوری اسلامی نداشت. در آن ترکیب دولت (من یک وقتی توی صحبت‌هایم بیان کردم)، چهار پنج نفر مجموعاً از اعضا و سازمان‌های گوناگون بودند و بقیه از نهضت آزادی، چه به صورت عضو، یا به صورت هوادار بودند. بعدها از شورای انقلاب دو سه نفر وارد دولت شدند به عنوان معاونین. من معاون وزارت دفاع، آقای هاشمی معاون وزارت کشور، آقای باهنر معاون وزارت آموزش و پرورش. ما شدیم معاون؛ یعنی هیچ‌کاره. و اما شورای انقلاب، بلی! در شورای انقلاب یک اقلیت بزرگی را ما تشکیل می‌دادیم که عضو حزب بودیم. اقلیت بزرگ، شش نفر. اما خوب این شش نفر در شورای انقلاب، اقلیت بود و تصمیم‌گیرنده نبود؛ یعنی ۱۳ نفر بود شورای انقلاب. و آن‌های دیگر با هم هم‌دست و هم‌زنگ می‌شدند، علیه حزب. چون همه‌شان با حزب مخالف بودند و تازه شورای انقلاب با وجود این‌که مقنن و قانون‌گذار بود، مخصوصاً در اوایل امر هیچ اختیاری در اداره‌ی کشور نداشت؛ یعنی دولت، مستقل و خودسر عمل می‌کرد و همه‌کار هم می‌کرد.

شورای انقلاب، جز این‌که چند تا قانون بگذارند، تأثیر دیگری نمی‌توانست در اداره‌ی مملکت بگذارد. فقط قانون می‌گذارند که البته قانون هم اجرایش از چیزهایی نیست که حالا حتماً سریع انجام بگیرد و حتماً به همان شکلی که مقرر شده، در اجرا دربیاید. نیروی اجرایی

هیچ در دست ما نبود. در عین حال به ما می گفتند «حزب حاکم». بعد به ما می گفتند «انحصار طلب». منظورشان این بود که ما تمام مقامات را برای افراد حزبی می خواهیم. خوب! در طول زمان، شما ملاحظه کنید، از اولین انتخابات این کشور، انتخابات مجلس خبرگان بود.

اکثر کاندیداهای ما حزبی نبودند

ما کاندیداهایمان در مجلس خبرگان چه کسانی بودند؟ بنی صدر یکی اش بود، مرحوم آقای طالقانی یکی بود و اکثر کاندیداهای مجلس خبرگان که انتخاب شدند کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی بودند و اکثرشان غیرحزبی بودند؛ یعنی همان هایی که انتخاب شدند اکثراً غیرحزبی بودند.

در مورد مجلس شورای اسلامی، ما به عنوان یک دستورالعمل حتمی به همه دفاتر خودمان در کلیه شهرستان ها اعلام کردیم که بگردید توی شهر، چهره هایی را که معروف به صلاح و سداداند به ما معرفی کنید تا ما آن ها را کاندیدا کنیم، که شرطش اصلاً حزبی بودن نبود؛ یعنی ما در دفاترمان خواستیم که بگردند توی آن شهر، آدمی را که هم معروف و مقبول است، واقعاً انقلابی و واقعاً صالح، معرفی کنند. نگفتم حزبی باشد، اگر می خواستیم حزبی باشد، خوب خودمان می شناختیم. احتیاج نبود که به دفاترمان بگوییم معرفی کنند. افراد سرشناس و چهره های خوب حزبی را در هر یک از شهرستان های بزرگ می شناختیم. ما در تهران خودمان تقریباً آشنا بودیم با آن ها. نه! این کار را نکردیم و گفتیم که بگردند و آدم های صالح را انتخاب کنند، لذا بود که در مجلس شورای اسلامی هم اولین منتخبین، اغلب غیرحزبی بودند با این که همه را حزب کاندیدا کرده بود و حمایت حزب آن ها را از صندوق درآورده بود در حقیقت، و رای مردم را به این ها جذب کرده بود.

در مورد وزرا و وکلای دولت، ما از وقتی که مسؤولیت اداره ی کشور به شورای انقلاب داده شد، که شورای انقلاب توانست وزیر بیاورد؛ یعنی دولت تشکیل بدهد و کابینه تشکیل بدهد، میدان این بود که ما، کی ها را بخواهیم بیاوریم. از همان وقت شما ملاحظه کنید که ما چه کسانی را پیشنهاد کردیم و آوردیم.

مرحوم دکتر عباسپور بود که حزبی بود و عرض کنم که دکتر شیپانی بود که وزیر

کشاورزی بود که حزبی بود. آقای هاشمی هم وزیر کشور بود. هیچ‌کدام از وزرای دیگر، حالا اگر یادم رفته باشد، مثلاً عمیقاً فکر کنم، یکی دیگر ممکن است یادم بیاید، احتمال می‌دهم. اما تا الآن جز این سه نفر کس دیگری، توی کابینه‌ای که شورای انقلاب جمهوری اسلامی؛ یعنی آن شورای انقلاب بعد از سقوط دولت موقت، تشکیل داد نبود و سه نفر مثلاً وزیر حزبی در آن بود. اگر ما بنا بود که روی حزبی بودن واقعاً اصرار می‌کردیم، خوب! توی این بیست‌نفر وزیر، بیست و یک نفر وزیر، یک هفت، هشت، ده نفر را می‌توانستیم بیاوریم، اما اصراری نداشتیم که حتماً حزبی باشد.

انتخاب مرحوم رجایی

عرض کنم که در کابینه‌های بعد، ما روی مرحوم رجایی به‌عنوان نخست‌وزیر تکیه کردیم و یقیناً با تکیه‌ی مسئولان حزب بود، مسئولان گوناگون کشوری هم بودند، عضو شورای انقلاب هم بودند، که ایشان به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد، و هم‌چنین مجلس که عمده‌تأ کاندیداهای حزب بودند و رئیس مجلس یک حزبی بود و مؤثر بود در این‌که مرحوم رجایی حتماً انتخاب بشود. در حالی‌که شما می‌دانید مرحوم رجایی به‌هیچ‌وجه حزبی نبود؛ یعنی با ما اصلاً ایشان همکاری حزبی نداشت و عضو حزب ما نبود. در عین حال ما روی ایشان تکیه داشتیم، چون ایشان با اصلاح و سداد بود. در انتخاب رئیس‌جمهور در اول‌بار، کاندیدای اول ریاست جمهوری، که ما فارسی را کاندیدا کردیم، در جمع خودمان این را صریحاً گفتیم که هرگاه کسی را پیدا کنیم که از آقای فارسی صلاحیت‌هایش جمع‌تر و کامل‌تر باشد و حزبی نباشد چه خواهیم کرد؟ این سؤال را مطرح کردیم، گمانم به‌اتفاق کلمه، حالا شاید یکی دو نفر مخالف بودند یا نبودند که گمان نمی‌کنم و تا آن‌جا که به‌خاطر من می‌آید همه مسئولان درشت حزب معتقد بودند که ما آن شخص را کاندیدا خواهیم کرد، نه آقای فارسی را.

به‌هرحال، ما این‌طور نشان دادیم؛ منتها خوب! البته سخن دربارہی این مسأله زیاد تکرار شده، در ذهن بعضی ممکن است این به‌عنوان حرف رایج نشستہ باشد، اما قاطعاً این را ما رد می‌کنیم، همین حالا هم حقیقت این‌است که از نظر خود من که مسؤولی هستم در جمهوری اسلامی، آن‌چه که مطرح است صلاحیت‌ها است. ممکن است کسی که در حزب هست من او

را بشناسم و صلاحیت‌هایش را بدانم و کسی که در حزب نیست، چون با من ارتباط نداشته، من او را نشناسم و صلاحیتش را ندانم. این را من رد نمی‌کنم که در چنین موقعیتی آن‌کس که در حزب هست، به دلیل این‌که می‌شناسمش او را انتخاب خواهم کرد یا به دلیل اطمینان زیادتری که دارم. اما این به آن معنا نیست که حزب یک ارزشی است برتر از ارزش‌های اصلی؛ یعنی تقوا، انقلابی‌گری و خط درست داشتن و جهت فکری و سیاسی صحیح. اما مسأله‌ی اتکای به بازار که این‌هم زیاد تبلیغ می‌شد این از دروغ‌های شناخ‌دار است. تبلیغ می‌کنند که بازاری‌ها در حزب جمهوری اسلامی و حتی در شورای مرکزی آن نفوذ دارند. خوب! بگو؛ شما از کجا می‌دانید این‌را. من عضو شورای مرکزی حزب هستم و رد می‌کنم.

خیر! چنین چیزی نیست. ما در کل، در همه‌ی شورای مرکزی‌مان که ۳۰ نفر هستند دو نفر بازاری داریم. در مقابل تعداد زیادی کارگر و روشنفکر و دانشجو و روحانی. در مجموع این‌ها، دو نفر هم بازاری هستند. و ما این‌را، به این دلیل این‌کار را انجام دادیم و روی بازاری‌ها از اول یک نظر منفی ابراز نکردیم و عضو آن‌ها را هم مثل عضو دانشجویان و روحانیون و روشنفکران و دیگران پذیرفتیم. که آن‌طرز فکر ردکننده را نسبت به بازاریان، ما نداریم. ما معتقد نیستیم که بازاری باید بمیرد یا باید حذف بشود. بازاری ممکن است دچار خصلت‌های بدی بشود، هم‌چنان‌که هر قشر دیگری ممکن است دچار خصلت‌های بد خودش بشود. آن خصلت بد بازاری البته در دانشجو نیست، در روحانی نیست، اما در روحانی و دانشجو ممکن است خصلت‌های بد دیگری باشد که در بازاری نیست. و ما، نقش بازاری‌ها را در آغاز این انقلاب هرگز فراموش نمی‌کنیم که از نقش‌های درجه یک بوده. اگر بازار نمی‌بست، اگر بازار تظاهرات نمی‌کرد، اگر بازار پول این مبارزه را نمی‌داد، ما یقین داریم که این مبارزه این خط را نمی‌پیمود. و به این جا نمی‌رسید؛ منتها عده‌ای هستند که بازاری‌ها را چشم‌پسته رد می‌کنند و این بعضاً ممکن است تحت تأثیر تفکرات غیراسلامی باشد که نوع ایدئولوژی‌شان و نگاهشان به جامعه نگاهی است که در آن بازاری جایی ندارد. بعضاً هم ممکن است مفرضانه باشد. قشری هستند که در خدمت انقلاب بوده‌اند و کسانی می‌خواهند این‌ها را دلسرد کنند، این‌ها را این‌جور دلسرد می‌کنند و یک قشر دیگر را هم

یک‌جور دیگر دل‌سرد می‌کنند.

نخیر! حزب، به هیچ وجه تحت تأثیر بازاری‌ها نیست، از پول بازاری‌ها تغذیه نمی‌شود، اگر قرار بود ما از پول بازاری‌ها تغذیه می‌شدیم، این قدر قرض بالا نمی‌آوردیم. ما، مرتباً از ابتدای حزب تا حالا، مرتباً مقروض بوده‌ایم. دین ما هم هر وقت قرار بوده ادا شود، از طریق همان کمک‌های عمومی مثل آنچه اخیراً در یک هفته انجام گرفت و خوب کمک خیلی زیادی به حزب شد، انجام شده، یا به وسیله‌ی کمک‌های کسانی که در طول زمان در انقلاب کمک می‌کردند، که در آن‌ها بازاری بودن ملحوظ نیست کسانی بودند که یک کمکی می‌کردند به مدرسه‌ی رفاه و به مؤسسه‌ی رفاه. حالا هم همان کسی که مؤسسه‌ی رفاه را تشکیل می‌داده، توی حزب است؛ یعنی آقای باهنر. خوب همان کمک را به آقای باهنر هم می‌کنند، حتی خود امام هم به حزب کمک کردند.

- البته منظورتان از تأیید بازاری مثل تأیید هر قشر دیگر، منوط به وجود شرایطی مثل در خدمت انقلاب بودن و تسلیم حق بودن و درجه‌ی تقوی و ایثار و امثال این ضوابط است.
- بله! ما معیارمان بازاری بودن یا نبودن نیست. کما این که روحانی بودن یا نبودن هم معیار نیست. ما معیارهایمان چیزهای دیگری است...

- می‌گویند، آقای منیر شفیق با شما دیدار دارند.

- بله! اگر موافق باشید بقیه‌ی گفت‌وگو به صحبتی و وقتی دیگر موکول شود.
- مسأله‌ای نیست؛ از این که وقتتان را به پاسخگویی به سؤالات ما دادید، تشکر می‌کنیم. (۱)

عملکردها و مشکلات حزب جمهوری اسلامی از زبان ۴ عضو حزب

به مناسبت سالگرد تأسیس حزب جمهوری اسلامی، اولین تشکیلات حزبی اسلامی بعد از پیروزی انقلاب، با چند تن از نمایندگان مجلس که عضو حزب هستند، سؤالاتی مطرح کرده‌ایم.

آقایان دکتر شبیانی و رجیعلی طاهری از اعضای شورای مرکزی و موسی زرگر و حسین کمالی اعضای حزب جمهوری اسلامی به سؤالات ما که بر محور دو سؤال زیر بوده است، پاسخ داده‌اند:

۱ - سه سال از تأسیس حزب جمهوری اسلامی می‌گذرد، نقطه نظرات خود را درباره‌ی عملکردها و فعالیت‌های حزب بیان فرمایید.

۲ - مشکلات و موانع شما در پیشبرد اهداف حزب چه بوده است؟

پاسخ دکتر عباس شبیانی

به مصداق آیه‌ی «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا»، وظیفه‌ی همه مسلمانان

متعهد است که دور هم جمع شوند و تشکیلات منظمی درست کنند. امام هم پیش از آمدن به ایران دستور داده بودند که این کار عملی گردد و حزب الله در مقابل حزب الشیطان درست شود. بدین سبب برادرانی چون شهید بهشتی، شهید باهنر و آیت الله موسوی اردبیلی و حجت الاسلام خامنه‌ای و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و جمعی از یارانشان که مطالعاتی در این زمینه داشتند و می‌خواستند پایدی محکمی برای یک تشکیلات اسلامی بریزند، با پیروزی انقلاب اسلامی و احساس ضرورت، حزب جمهوری اسلامی در ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ را تأسیس کردند و به دنبال این اعلام، حرکت مردم به سوی آن حزب سرازیر شد، ولی به دلیل آن که اکثر برادران برای تداوم انقلاب، مسؤولیت‌های سنگینی از قبیل عضویت در شورای انقلاب و کارهای مملکتی بر دوش داشتند و کثرت افراد به حدی بود که انتخاب افراد اصلح از میان آن، مقدور نبود، سروصورت دادن به وضع تشکیلاتی حزب مقدور نشد و دشمنان خارجی و داخلی هم که می‌دانستند لازمی تداوم حرکت، وجود حزبی اسلامی و مورد پذیرش اکثریت مردم است با تمام امکانات علیه این تشکل، فعالیت کردند؛ از قبیل نسبت دادن تهمت‌هایی به گردانندگان آن، مخصوصاً شهید بهشتی و خامنه‌ای و هاشمی که خوشبختانه به دلیل شناختی که امام از این افراد داشت و در مواقع حساس از آن‌ها دفاع کرد، این توطئه نقش بر آب شد.

ولی از طرف دیگر، افراد فرصت طلبی هم با بستن خود به این حزب، خواستند از موقعیت سوء استفاده کنند. در این جا لازم است مطلبی را که بارها شهید بهشتی در شورای مرکزی حزب گفته‌اند، که فرد صالح غیر حزبی بر فرد غیر صالح حزبی ترجیح دارد را تکرار کنم. بنابراین، در تمام نقاط کشور افراد معتقد به اسلام، موظف هستند این مطلب را به افراد ناواری که با بستن خود به حزب جمهوری می‌خواهند خود را تحمیل کنند، تذکر بدهند و جلو خلاف کاری آن‌ها را بگیرند.

نکته‌ای که باید گفت، این است که افراد قلیلی هستند، که تا حدی صلاحیت آن‌ها تأیید شده و کارت عضویت حزب گرفته‌اند، چون خوبی و بدی آن‌ها برای اداره کنندگان حزب مهم است و اگر در میان آن‌ها مردم کسی را می‌شناسند که ناصالح است، حتماً معرفی نمایند تا در معیارهای گزینش افراد، تجدید نظر شود.

۴۳۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

در خاتمه، با توجه به کارهای انجام شده، توسط این برادران فداکار و خواهران زحمتکش، که در پایان این مقال خواهد آمد، ضمن تشکر از آن‌ها، اعلام می‌کنم این‌ها کسانی هستند که بارها مشاغل مهمی به آن‌ها عرضه شده ولی در ضمن مشورت با شهید بهشتی و سایر برادران به این نتیجه رسیدند که خدمت در سنگر حزب برای تداوم انقلاب مهم‌تر است و با حقوق قلیلی که می‌گیرند، به زحمت زندگی خود را تأمین می‌کنند و افتخار دارند که مانند آن برادر یا خواهر رزمنده در این سنگری که به آن‌ها واگذار شده است تا آخرین قطره‌ی خون خود از این انقلاب دفاع می‌کنند و از سرزتش دیگران به خود هراس نمی‌دهند، زیرا رضایت خدا که موجب خشنودی رهبر هم هست، خواسته‌ی آن‌ها می‌باشد. از خدا می‌خواهم که ما را موفق دارد تا متحد و متشکل در راه اسلام خدمت کنیم.

گزارش خلاصه از کارهای واحد تبلیغات.

دکتر شیبانی در پایان گزارش، خلاصه‌ای از عملکرد واحد تبلیغات حزب جمهوری اسلامی را به شرح زیر در اختیار ما گذارد:

- ۱ - تعداد سخنرانی: بیش از ۴۷۰۰۰ سخنرانی در کشور انجام شده است.
- ۲ - بیش از بیست و چهار میلیون تراکت، چاپ و توزیع شده است.
- ۳ - بیش از یک و نیم میلیون پوستر در ۶۲۰ نوع.
- ۴ - برای بیشتر از ۳۵۰۰ شهید، عکس بزرگ چاپ شده است (هرکدام ۵۰۰ یا هزار عکس)
- ۵ - بیش از ۱۲۵۰۰۰۰ عدد نوار به مبلغ بیشتر از پانزده میلیون ریال، فروخته شده و نزدیک به ۳۰۰۰۰۰ نوار نیز به رایگان داده است.
- ۶ - بیش از دو میلیون جلد کتاب با ۱۴۰ عنوان منتشر شده است. بیش از یکصد و سی و پنج میلیون ریال کتاب فروخته شده و نزدیک به ۹ میلیون ریال کتاب اهدا شده است.
- ۷ - تهیه‌ی آرشیوی از عکس و اسلاید مراسم و مجالس مختلف از اول انقلاب تاکنون حدود ۱۰۰۰۰۰ نوع، نوار ویدئو در ۳۰ درس مختلف در مدتی کمتر از ۶ ماه به تعداد ۷۰۰ نوار تکثیر و توزیع شده است.

۸- نمایش فیلم در سراسر کشور حدود ۱۰۰۰ سانس در مساجد، انجمن‌های اسلامی، مؤسسات دولتی و غیردولتی، مدارس و بیمارستان‌ها.

پاسخ دکتر موسی زرگر

دکتر زرگر، در پاسخ سؤال ما گفت: عملکرد حزب جمهوری اسلامی را می‌توان در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داد:

۱- تشکیل یک حزب و تشکیلات برپایه‌ی دقیق اسلام و دارای مراسمنامه و اساسنامه و مواضع طبق مبانی اسلام، که در این بعد، حزب جمهوری اسلامی موفق بوده است.

۲- جذب نیروهای مؤمنی که احساس ضرورت یک تشکیلات منسجم را می‌کنند و معتقد به فعالیت هماهنگ و تشکیلاتی بر مبنای ایدئولوژی اسلام می‌باشند. در این بعد، حزب جمهوری اسلامی گام‌های بلندی برداشته و احتیاج به فعالیت بیشتر و ایثار و زمان دارد تا بتواند تمام نیروهای مؤمن و معتقد را جذب کرده و تحت لوای توحید، متحد نماید. البته باید توجه داشت که این حرکت، منحصر به نیروهای داخل کشور نیست و حزب باید بتواند در جهت هماهنگی و اتحاد تمام مسلمانان انقلابی جهان، برنامه داشته باشد. با توجه به این رسالت، می‌بینیم وظیفه‌ی حزب در این بعد، بسیار سنگین است و امیدواریم حزب بتواند وظایف خود را در آینده بهتر و بیشتر انجام دهد.

۳- مقابله با گروه‌های مخالف انقلاب و مخالف اسلام که شامل گروه‌های الحادی - التقاطی - قدرت‌طلبان - غرب‌گرایان و ملی‌گرایان و سلطنت‌طلبان و غیره بوده است. می‌دانیم تمام نیروهای ضدانقلاب وابسته به شیطان بزرگ و آمریکا و صهیونیسم و سایر قدرت‌های چپ و راست استکباری جهان، خود از تشکیلات برخوردارند و به نقش تشکیلات، کاملاً واقفند و تمام آن‌ها یک پارچه و یک جهت در راه کوبیدن گروه‌های اسلامی و در رأس آن‌ها حزب جمهوری اسلامی گام برمی‌دارند. در این بعد، حزب جمهوری اسلامی به پاری خداوند تبارک و تعالی موفق بوده و توانسته است فعالیت آن‌ها را خنثی و نقش شیطانی آن‌ها را افشا نموده و حقانیت خود را که همان پیروی از اسلام قه‌اقی و پیروی از ولایت فقیه می‌باشد به اثبات برساند.

۴ - تأمین نیروهای مورد لزوم نهادهای مختلف نظام جمهوری اسلامی. در این بعد، حزب، واقعاً ایثارگرانه عمل کرده است. چنانچه مقداری از رکود فعالیت حزب در نتیجه‌ی این بوده که ناچار شده است در موارد لزوم بهترین افراد خود را جهت به‌راه انداختن چرخ‌های کشور اعزام کند، لذا در خود امور، حزب به‌علت از دست‌دادن مکرر نیروها مشکلاتی ایجاد شده است. اما بالاترین هدیه‌ی حزب به انقلاب، شهدای عزیز و مظلوم بوده است که تعدادی از آن‌ها به‌صورت اعضای حزب در جبهه‌ها و یا در، درگیری خیابانی به‌شهادت رسیدند. تعدادی از سران حزب هم که در رأس آن‌ها شهید مظلوم دکتر بهشتی قرار دارد، در واقعه‌ی شهادت ۷۲ تن، جان خود را در راه اسلام فدا کردند و حزب با ایثار این خون‌های پاک توانسته است حقانیت راه خود را به‌اثبات رسانده و بدین ترتیب نشان داده است که خط حزب تداوم خط سرخ کربلاست.

ابعاد دیگری هم قابل بحث است که از حوصله‌ی این مصاحبه خارج است و ان‌شاء‌الله در شرایط مناسب، آن‌ها را شرح خواهم داد.

مشکلات عمده‌ی حزب

در پاسخ سؤال دوم، آقای زرگر گفت:

مشکلات عمده‌ی حزب به‌نظر این‌جانب در درجه‌ی اول عبارتند از:

۱ - بدنام‌بودن احزاب در این کشور در زمان رژیم طاغوت و تبلیغات شدید دشمنان ما برای جلوگیری از انسجام نیروهای انقلابی.

باید توضیح بدهم عده‌ی زیادی از نیروهای مؤمن هنوز به‌نقش تشکیلات آن‌گونه که لازم و شایسته است، واقف نشده‌اند و حتی گاهی اوقات عده‌ای به‌حزبی نبودن افتخار می‌کنند. به‌نظر من، این طرز فکر، ریشه در تاریخ احزاب در کشور دارد و ضمناً دشمنان ما کوشش دارند این طرز فکر را در جامعه رشد دهند. حزب جمهوری اسلامی در تقابل با این طرز تفکر و تبلیغات سازمان‌یافته‌ی دشمنان اسلام و انقلاب که حمله‌ی خودشان را علیه حزب متمرکز کرده‌اند، مشکلات بسیاری را پشت سر گذاشته است.

۲ - از مشکلات دیگر حزب، نداشتن امکانات مالی و نیروی انسانی کافی ماهر

و تجهیزات لازم جهت تنظیم امور تشکیلاتی بوده است؛ لذا هنوز موفق نشده است تمام وظایف خود را در تنظیم حوزه‌ها، کانون‌ها و دفاتر حزب در شهرستان‌ها و غیره به‌طور کامل انجام دهد.

۳- از مشکلات دیگر، جنگ تحمیلی است که فعلاً مشکل اصلی انقلاب است و اعضای حزب هم مثل همه امت انقلابی در ایفای وظایفشان در قبال جنگ تحمیلی فعالانه شرکت دارند. لذا امید است هرچه زوتر جنگ با پیروزی به‌حق انقلاب اسلامی خاتمه یابد و در نتیجه با تمرکز فعالیت نیروهای حزب در جهت سازمان‌دادن به‌امور، بتوان در راه پیشبرد اهداف حزب که همان اهداف انقلاب و اسلام است، گام‌های بلندی برداشت.

البته، این مختصری از نظریات این‌جانب بود، مسائل دیگری نیز وجود دارد و مسلماً مسؤولین مستقیم حزب، بهتر از این‌جانب می‌توانند به‌طور گسترده در این موارد اظهار نظر کنند.

پاسخ حسین کمالی، نماینده‌ی تهران

حسین کمالی نماینده‌ی مردم تهران در پاسخ سؤال اول، ضمن تشریح چگونگی و وضعیت احزاب در جهان گفت: حزب جمهوری اسلامی ایران، با توشه‌ای عظیم از تلاش و کوشش پیگیر و شبانه‌روزی علمی و عملی دانشمندان و مردان حق‌اندیشی چون شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی و شهید حجت‌الاسلام دکتر باهنر و حجج‌اسلام آقایان: هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای فعالیت و حرکت خود را در جهت نفی شرک و بسط و گسترش توحید و حاکمیت مکتب الله در جامعه آغاز نمود. به‌علت پذیرش مسؤلیت‌هایی در اداره‌ی امور مملکت که از سوی بنیان‌گذار عزیز انقلاب اسلامی به‌عهده‌ی اعضای مرکزیت حزب گذارده شده بود، حزب نقش فعال و سازنده‌ای را در اداره و هدایت جامعه یافت.

اما، در رابطه با پیش‌ها و عملکردهای غیروابسته و مستقل خویش توسط عمال و کارگزاران استعمار شرق و غرب تحت شدیدترین ضربات قرار گرفت و به‌عنوان بزرگ‌ترین مانع حرکت جنبش‌های العادی توسط گروهک‌ها مورد شناسایی قرار گرفت. بوق‌ها و قلم‌های استعمار تحت فرمان کاخ‌های سفید و سرخ، تبلیغات مسموم و زهرآگین خود را در

جهت این تشکیلات صادق و الهی به کار بستند و به همین شکل و در همین سو، حزب و عناصر و اعضای فعال آن در معرض ترور شخصیت و شهادت قرار گرفتند. تمامی کنش‌ها و واکنش‌های توأم با خشونت و یا ملامت ابرقدرت‌ها و گروهک‌های وابسته به آن‌ها نتوانست حتی لحظه‌ای دست‌اندرکاران و مسئولین را از مسیر حق و صراط مستقیم دور نماید و منحرف کند. و حزب به صورت تضاد عمده‌ی گروهک‌ها درآمد. اما با وجود تمام موانع و مشکلات و کمبودها توانست در طول حرکت تاریخ‌ساز خود، سلول‌های حزب‌الله را در جامعه بسازد و با انسجام و به هم پیوستگی، این سلول‌ها هسته‌های اسلامی و بنیان‌گذاران مجتهدان اسلامی در مجامع گوناگون داخلی و خارجی را آماده‌ی تلاش کند و تکاپو و تلاش حرکت را شتاب بخشد و کم‌کم به صورت محور تجمع و پیوستگی نیروهای خط امام درآید.

در طول سه سال گذشته، این حزب به صورت بازوان پرتلاش انقلاب در جهت برآوردن نیازهای انقلاب و اسلام بود. تلاش‌های فرهنگی این تشکیلات در بازگویی اسلام اصیل و فقه‌ای به امت مسلمان کشورمان و جهان اسلام، بسیار گسترده و مفید بود. در دو سال ابتدای انقلاب، تلاش‌های این مرکز، توصیه‌ای در جهت انسجام و تحرک نیروهای مؤمن و به خصوص کارگران و دانشجویان و دانش‌آموزان و مهندسين و اصناف، بسیار موفق بوده است. بسیار از مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اقشار مؤمن فوق در همین تشکیلات با روش‌های دوستانه و با تأکید بر مبنای و مواضع اسلام، حل و فصل شده است. حرکت‌های سیاسی ایدئولوژیک حزب تحت رهبری شاگردان صادق امام و تحت ولایت امام زمان در جهت نفی طاغوت‌ها و طاغوت‌چدها و راهگشا و روشنگر روش‌ها در برخورد‌های داخلی و جهانی بوده است و تا به حال آن‌چه از موضع‌گیری‌های حزب در زمینه‌ی امور داخلی و خارجی و از سیاسی تا اجتماعی و از فرهنگی تا اقتصادی دیده‌ایم، همگی موافق واقع و به حقیقت پیوسته‌اند. و شناخت آن توسط توده‌های مسلمان کشورمان به عنوان یک تشکیلات صد در صد اسلامی و بدون تزلزل و استوار و رهپوی امام، بزرگ‌ترین موفقیت محسوب می‌شود.

موانع گسترش و پاگیری حزب

حسین کمالی در رابطه با سؤال دوم اظهار داشت: حزب جمهوری اسلامی، بهره‌برری روحانیون مبارز مؤسس آن، با یک پایگاه عظیم مردمی به علت نوپایی و عدم وجود یک تشکیلات سازمان‌یافته و مشکلات زائیده از انقلاب، موانعی در جهت رشد خود یافت که می‌بایست این موانع را در مقاطع گوناگون مورد بررسی و تعمق قرار داد. موانع خواسته یا ناخواسته موجود در مسیر گسترش و پاگیری حزب را در سه دوره مورد بررسی قرار می‌دهیم:

دور اول: ابتدای پیروزی انقلاب، حزب با مشکلات و مسائلی روبه‌رو شد که عمدتاً ناشی از دیدهای غربی دولت موقت و لیبرال‌ها بود. گرایش عناصر لیبرال به‌غرب در دوره‌ی اول، فکر رهبران حزب را به‌خنثی‌سازی اثرات مسموم این‌گونه تحایلات واداشت و حزب نتوانست به‌استقبال شدید و بی‌سابقه‌ی مردم پاسخ مثبت بدهد که این خود مقدمه و علل بسیاری از مضلات بعدی شد. در این دوره، حزب توانست لیبرال‌ها را از دور خارج نموده و اسلام فقاهتی را در جامعه مطرح کند.

دور دوم: مقطع بنی‌صدر و گروهک‌ها به‌شمار می‌رود. در این دوره، بنی‌صدر با قدرت‌طلبی‌های خود و با ضدا ارزش قراردادن تشکیلات حزب جمهوری اسلامی، تلاش نمود خود، تشکیلاتی در جهت منافع خود و اربابانش فراهم کند. و با نفی اسلام فقاهتی، رهرو و مبلغ اندیشه‌های غربی باشد و تلاش بسیار نمود تا اسلام را با افکار خود منطبق نموده و به‌خورد امت اسلامی بدهد و در این تقابل رودرروی و رودرروی حزب جمهوری اسلامی به‌عنوان تبلور خط امام قرارگرفت و تلاش بسیار نمود تا رهبران حزب را ترور شخصیت کند، اما موفق نشد و حق ماندنی شد و ذوق‌الباطل.

دور سوم: مربوط می‌شود به‌شهادت اندیشمندان حزب. در این دوره، حزب، دبیرکل دانشمند و روشن‌بین خویش را از دست داد و بسیاری از فعالان و جانبازان و پیروان اسلام همراه با او به‌شهادت رسیدند و این خود، لطمه‌ای سنگین بود که تنها با فعالیت و تلاش بیشتر سایر اعضا، قابل جبران است، و اما در مجموع آن‌چه در این مقطع مهم‌ترین موانع تشکل بیشتر امت اسلام به‌شمار می‌رود، شست‌وشوی آثار تبلیغاتی منافقین و بنی‌صدر در

۴۳۶ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

مورد ضدارزش قرار دادن تشکیلات اسلامی است و دوم خرج سنگین فعالیت تشکیلات است که امیدواریم با کمک و تلاش مؤمنین، جبران و برطرف شود.

نظرات مهندس طاهری

مهندس رجبعلی طاهری، نماینده‌ی کازرون و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی در پاسخ دو سؤال ما چنین پاسخ داد:

بسم الله الرحمن الرحيم

قبل از این‌که از عملکرد حزب، مطالبی عرض نمایم، لازم است توجه شود به اصل تشکل و تحزب برحول و محتوای قرآن که همیشه دشمنان بشریت و امپریالیسم بین‌المللی چه شرقی و چه غربی با آن به شدت مخالف بوده‌اند و علیه تشکل مسلمین به هر شکل آن توطئه نموده‌اند که شرح آن، جایش این‌جا نیست. فقط برای نمونه عرض می‌نمایم که در زمان بنی‌صدر، آن‌قدر بنی‌صدر و گروهک‌ها با حزب جمهوری اسلامی مخالفت کرده بودند، که تا اندازه‌ای موفق شده بودند که نفس تحزب و تشکل را به صورت یک ضدارزش معرفی نمایند. در صورتی که خود، شدیدترین حزب‌ها را داشتند. خلاصه نمایم که باید همه‌ی مسلمین هوشیار باشند که تداوم انقلاب اسلامی و حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران بدون تحزب و تشکل و رابطه و پیوند عبادی و معنوی و سیاسی و نظامی با مرجع تقلید و امام مسلمین ممکن نیست، که ان‌شاءالله! حزب جمهوری اسلامی غیر از این، هدف و نقشی ندارد.

به نظر حقیر، عملکرد و فعالیت حزب در این سه سال براساس تعرف‌الاشیاء با ضدادها معلوم می‌شود. ما از شدت دشمنی و مخالفت ضدانقلاب علیه حزب جمهوری اسلامی پی می‌بریم به عملکرد حزب و موفقیت آن در پیشبرد انقلاب. لذا می‌بینیم بعد از این‌که گروهک‌های منافقین، پیکار، رنجبران، بنی‌صدر و دفتر هاهنگی و ضدانقلاب‌های دیگر، از فعالیت سیاسی علیه حزب ناامید شدند، دست به ترور شخصیت‌های حزب زدند. الحمدلله، باز هم به نفع انقلاب و حزب شد و انقلاب اسلامی را بارورتر نمود.

لذا، به نظر این جانب، حزب جمهوری اسلامی بیش از هر گروه اسلامی دیگر در تشکیل نظام جمهوری اسلامی (رفراندوم جمهوری اسلامی - انتخابات مجلس خبرگان - رفراندوم قانون اساسی - مجلس شورای اسلامی و دولت) و تداوم و صدور انقلاب اسلامی، نقش و سهم داشته و شهدای زیادی داده است و اما مشکلات حزب، همان مشکلات انقلاب و مشکلات رژیم جمهوری اسلامی می باشد، که این هم یک چیز طبیعی است که هر موجود زنده که حرکت و رشد می نماید، مشکلاتی در مقابلش سبز می شود که ان شاء الله! به یاری خدا و رهنمود امام، آن ها را بر خواهیم داشت تا به مشکلات عظیم تر و پیروزی بالاتر برسیم و باز آن مشکلات عظیم را هم خواهیم برداشت تا به پیروزی نهایی برسیم.^(۱)

پیام مهم نخست‌وزیر در مورد اوضاع نظامی، سیاسی و اقتصادی کشور

مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران، در پیام مهمی خطاب به ملت ایران، موفقیت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور و همچنین آخرین تحولات منطقه را تشریح کرد.

نخست‌وزیر در این پیام، اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور را بسیار رضایت‌بخش خواند و همچنین اظهار داشت که اکنون در موقعیتی در جهان قرار داریم که کم‌کم کشورهای مختلف، علی‌رغم خواست خود، احساس می‌کنند که خواست ملت ما جدی است و به هیچ وجه حاضر نیست از این خواست‌ها عقب‌گردی داشته باشد.

مشروح پیام نخست‌وزیر به این شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با سلام و درود به رهبر بزرگ انقلاب اسلامی! و با سلام و درود به رزمندگانی که با خون‌های پاک خود از ارزش‌های بزرگ اسلامی و آرمان‌های انقلاب اسلامی در مرزها، پاس می‌دهند؛ و با سلام و درود به شما ملت بزرگ و خواهران و برادران که با حضور دائم خودتان در صحنه، ضربات تعیین‌کننده‌ای بر

نیروهای استکباری وارد کرده‌اید! به‌شما مردمی که شهید رجایی همیشه از آن به‌عنوان کابینه‌ی ۳۶ میلیونی یاد می‌کرد.

این اولین صحبت مستقیم من به‌عنوان یک خدمت‌گزار کوچک اسلام و خدمت‌گزار پندگان مستضعف خدا با برادران و خواهران است. گرچه قبلاً بارها این صحبت‌ها به‌طور غیرمستقیم اشاره شده که دولت جدا از ملت نیست، بلکه به‌عنوان جزء کوچکی از این اقیانوس بزرگ است، دولت اگر جدا از ملت می‌بود، مسلماً نمی‌توانست در مقابل این توطئه‌ها قد علم کند و کاری را از پیش ببرد. آنچه در ملت ما در حال حاضر شاهد هستیم، وحدت تمام ارگان‌ها، نیروها، نهادها و ملت با یکدیگر است. و همین اتحاد و وحدت و توفیق کلمه است که باعث شده ملت ما این‌چنین در مقابل امواج سهمگین توطئه‌ها نه تنها سر فرود نیاورد، بلکه بتواند با آن‌ها مقابله کند.

من امیدوارم اگر خداوند توفیق بدهد، در فاصله‌های مرتب، بتوانم گزارشی از فعالیت‌های دولت را به‌شما برادران و خواهران عرضه کنم. به‌همین دلیل، جلسه‌ی اول را سعی خواهم کرد بیشتر در مورد کلیات صحبت کنم و در صحبت‌های بعدی، بیشتر به‌جزئیات خواهم پرداخت و بیشتر، شما خواهران و برادران را در جریان مشکلات و تلاشی که دولت برای مقابله با مشکلات می‌کند، قرار دهم. در دولت این معنی وجود دارد که آنچه ما، در پی ساختن آن هستیم، هیأت دولت نیست که یک گروه کوچکی هستند، بلکه جزء بسیار ناچیزی از اقیانوس بیکران هستند بلکه ملت هست که در حقیقت در پی ساختن سرنوشت خود است و این ملت است که تصمیم می‌گیرد.

در این برنامه، من راجع به‌سه موضوع اساسی که در مجلس هم عرض کرده بودم، یک‌مقدار توضیح خواهم داد. مسائلی که دولت آن‌ها را در اولویت قرار داده و مهم‌ترین مسائلی است که در هیأت دولت به‌آن پرداخته می‌شود و این به‌آن معنی نیست که مسائل دیگری در کشور وجود ندارد، اما مسائلی که خدمت شما عرض خواهم کرد، مسائلی است که از اولویت خاص برای دولت برخوردار است و این همان‌طور که برادران و خواهران حدس می‌زنند، مسأله‌ی جنگ است. جنگ، اولین اولویت برای دولت است. دولت به‌عنوان پاره‌ای از ملت مصمم

است تا این جنگ را با پیروزی به خاتمه برساند. سیاست‌های دولت در همه بخش‌ها، چه اقتصادی، چه فرهنگی و تبلیغاتی همه معطوف به این چند است که ما در این جنگ که در حقیقت جنگ انقلاب اسلامی با استکبار جهانی است، پیروز شویم. ما از آن شرایطی که از اول جنگ اعلام شده، از طرف ملت ما، رهبران ما و مسؤولین، تجاوز نکردند و سعی شده این تجاوز را به دنیا اعلام کنیم. ما برای ختم جنگ، همان‌طور که بارها اعلام شده، اعلام کرده‌ایم که متجاوز از مرزهای ما و خاک ما بیرون رود و شناخته شود و اعلام شود و غرامت بپردازد، تقبیح شود. این چیزی است که دولت دنبال آن بوده و گامی در این سیاست فراتر ننهاده.

در اوایل جنگ، دادن این شعارها، اعلام سیاست، خیلی خوب در جهان جا نمی‌افتاد. جهان به تیغ تبلیغات گسترده‌ی قدرت‌های استکباری که در رأس آن آمریکا قرار دارد، این سیاست ما را یک شعار توخالی می‌پنداشت. فکر می‌کرد که این‌ها فقط شعار است و محتوایی ندارد و تصور می‌کرد این جنگ، در کوتاه‌مدت، نظام جمهوری اسلامی را از بین خواهد برد، اما واقعیت جنگ نشان داد که ما با تمام توان، از این شعارها دفاع می‌کنیم و در حال حاضر در موقعیتی در جهان قرار داریم که کم‌کم، کشورهای مختلف علی‌رغم خواست باطنی خود احساس می‌کند که خواست ملت ما، جدی است و ملت ما، رزمندگان ما، دولت خدمت‌گزار شما، به هیچ وجه حاضر نیستند از این خواست‌ها عقب‌گردی داشته باشند. آمریکا و تمام ایادی‌اش، از این مسأله احساس وحشت کنند و به دست‌وپا بیفتند و تمام تلاش خود را برای نگهداری رژیم لرزان صدام به کار گیرند و تمام ایادی آمریکا در منطقه بسیج شوند تا او را نگاه‌دارند.

زمانی کشور عراق شعارهایی بر ضد آمریکا و ارتجاع در منطقه می‌داد، در صورتی که در باطن، مرتجع‌تر و سازشکارتر از همه رژیم‌ها بود. این جنگ که یک جنگ افشاگرانه است، ماهیت رژیم عراق را کاملاً بر دنیا و مستضعفان منطقه و مسلمانان روشن کرد. کافی است شما الآن به پشتیبانی حسین اردنی و شاه مراکش و امثال آن از رژیم عراق توجه کنید. در واقع، تمام قدرت‌های وابسته به آمریکا، به پشتیبانی رژیم بغداد برخاستند و کاملاً ماهیت آمریکایی این رژیم برای همه روشن شده و طبیعی است که فروریختن رژیم صدام به معنی

دگرگون شدن سیمای منطقه خواهد بود. همان دگرگونی که با انقلاب اسلامی ما آغاز شده.

وی گفت: ما توجه نمی‌کنیم که شخصیت پلیدی مثل واین برگر، در خاورمیانه و منطقه ظاهر شود. به اردن و عمان و کشورهای ارتجاعی دیگر سفر کند، برای این که آن‌ها خوب احساس می‌کنند که اگر واژگون شود، چه لطمه‌ای امپریالیسم آمریکا در منطقه خواهد دید. ولی ما تفسیر دیگری برای این رفت و آمدهای مشکوک داریم. همان چیزی که ریاست محترم مجلس در نماز جمعه اشاره کردند و آن این که آمریکا احساس می‌کند رژیم بغداد رفتنی است و احساس می‌کند که صدام خواهد رفت، پس به دنبال او خواهد بود تا جانشینی را برای او پیدا کند و آمدن نیروهای اردنی که اسم داوطلب بر آن‌ها نهاده‌اند را می‌دانیم که چه نوع داوطلبانی هستند.

وی گفت: جز برای این نمی‌تواند باشد که در لحظه‌ی سقوط رژیم صدام از تجلی اراده‌ی ملت مسلمان عراق جلوگیری کرد و رژیم دیگری را بر جای آن نشاند که سازگار با منافع آمریکا در منطقه باشد. به هر حال، در طول این مدت طولانی جنگ، ملت ما حقانیت خود را در صحنه‌های جهانی ثابت کرده، اگرچه تبلیغات بسیاری شده و این تبلیغات در حال حاضر کم شده و صدای مارتین لوتر کینگ، ارتباط‌های خارجی ما برای توجیه مواضع به حق خود، قوی‌تر شده. و از سوی دیگر در داخل کشور، نیروی نظامی ما منسجم‌تر شده‌اند. ارتش، سازمان و قدرت پیدا کرده، قدرت سپاه چندین برابر شده، نیروهای گوناگونی که از نیروهای مردمی، بسیج، سپاه، ارتش تصور نمی‌شد به خاطر تبلیغات زهرآگین قدرت‌های استعماری در داخل که بهم پیبوندند، در حال حاضر، گرد هم آمدند و یکپارچه شدند و در پی روز پیروزی ما بر نیروهای کفر، به صورت یک نیروی تعیین‌کننده در تمام منطقه درخواهد آمد. نیروهایی که در این جنگ آموخته شده‌اند و قدرت پیدا کردند و منسجم شده‌اند، نقش بازدارنده‌ی بزرگی را در منطقه پیدا خواهند کرد، برای حفظ انقلاب اسلامی ما، ارتشی که از جبهه‌ها برمی‌گردد، دیگر نه آن ارتش سابق است و نه آن سپاه سابق؛ بلکه یک قدرت منسجم و پرتوانی است که می‌تواند با هر نوع توطئه‌ای در کشور، در مرزها مقابله

کند و این خود، سرمایه‌ی بزرگ انقلاب اسلامی ماست. این سرمایه‌ی بزرگی برای ملت ماست. این جنگ برای آن آغاز شد که ما را به‌زانو درآورد، اما، ما را بر قدرت‌تر کرد. این جنگ برای شکاندن کمر انقلاب اسلامی بود، اما در عوض، در این جنگ مردان و زنانی ساخته شده‌اند که در زیر موشک‌ها و بمب‌ها و فشارهای اقتصادی که می‌توانند با تمام فشارهای ابرقدرت‌ها و نیروهای شیطانی جهان مقابله کنند و حرف خود را به‌جان و گوش مستضعفان جهان برسانند.

مسأله‌ی دیگر، مسأله‌ی امنیت است. همه ملت ما شاهد آن هست که در این زمینه به‌یاری خدا و با حضور مردم دلاور ما در صحنه، تا چه اندازه واقعی این توطئه‌ها فروکش کرده و تا چه اندازه ما قدرت پیدا کرده‌ایم که تمام این توطئه‌های عظیم را درهم بشکیم، شاید در طول تاریخ و در تمام جهان بی‌سابقه باشد که یک نیروی تروریستی جهنمی با این وسعت علیه یک نظام وارد عمل شود. این نظامی که تازه انقلاب کرده، طبیعی است که تا هماهنگی‌هایی وجود دارد و انسجام کافی به‌دست نیاورده و ضربه‌پذیر است و حتماً در سراسر کشورهای جهان، این بی‌سابقه بوده که در کوتاه‌مدت، یک نظام تازه تولد یافته، این همه مسئولین خود را قربانی دهد، موج تروریست صدها نفر را وحشیانه از بین ببرد.

اما این مسأله، علامت بسیار درخشانی است در اصالت انقلاب ما به این که این انقلاب به‌خاطر این که به **الله** و به ارزش‌های انسانی متکی است، بدعت آن که مردم آگاه و دلاور ما، در صحنه هستند به این مسئولین آن‌چنان ارتباطی ندارد که وقتی شهید می‌شوند، این نظام درهم بریزد بلکه ما شاهد بودیم زمانی که شهید بهشتی و هفتاد و دو تن از یارانش شهید می‌شوند و وقتی که رجایی‌ها و باهنرها، دستگیرها، مدنی‌ها شهید می‌شوند تا چه اندازه مردم ما متحدتر و منسجم‌تر می‌شوند، برای مقابله با توطئه‌ها و برای حفظ نظام.

آن چیزی که من الآن می‌خواهم اشاره کنم و اهمیت زیادی دارد، این است که نظام جمهوری اسلامی در تمام ابعاد خودش نسبت به آن زمانی که موج تروریسم آغاز شد، محکم‌تر شده. آن زمان، منافقین و تمام بنای خورده‌های آمریکا، این چنین تصور می‌کردند که نظامی حاکم در آشفتگی است و نظام جمهوری

متکی به افراد است و فرو خواهد پاشید، ولی ما می‌خواهیم بگوییم که برآورد آن‌ها غلط بود. مسؤلین بسیاری شهید شدند اما نظام از بین نرفت اما در عین حال در عرض چند ماه بعد از شهادت برادران عزیز ملت، دولت، مجلس، تمام ارگان‌های ما به‌سمت نظمی چشمگیر پیش رفت.

امروز در نظام جمهوری اسلامی هرچیز در جای خودش قرار گرفته. وابستگی خودش را به افراد کمتر کرده و در نتیجه ضربه‌ناپذیرتر از چند ماه قبل شده و به‌برکت این جنگ و به‌برکت حضور شما ملت عزیز در صحنه و به‌برکت آن خون‌های پاک که در جبهه‌ها و خیابان‌ها به‌زمین ریخته ما سریعاً به‌سمت ساخت و متخصص داشتن پیش می‌رویم؛ چه در ارگان‌های دولتی؛ چه در سایر نهادها و چه در قسمت‌های دیگر. تمام آن چیزها و ارکانی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، سرجای خود قرار می‌گیرند. به‌همین دلیل موج تروریسم که شدیداً سرکوب شد، ممکن است هنوز چیزهایی در چپته وجود داشته باشد. ضرباتی وارد کند و افرادی را شهید کند، ولی یقیناً با کمک خدا و اذن او و به‌خواست او، این نظام مستحکم‌تر از همیشه سرپای خود ایستاده و مسلماً این نوع تشیبات و این نوع حرکت‌ها، جزء به‌قدرت ملت و دولت ما و تمام نهادهای ما نهاده است.

مسأله‌ی دیگر که میل داشتم به آن اشاره کنم، که احتمالاً در بحث‌های آینده اگر خداوند توفیق بدهد، در مورد آن بیشتر صحبت خواهم کرد، مسائل اقتصادی کشور است. شاید عمده‌ترین مسأله‌ای که دولت به‌سختی با آن درگیر است، و بیشترین تلاش خود را در آن به‌کار می‌برد، مسأله‌ای که خیلی سریع آثار خود و توطئه‌ها را در میان ملت نشان می‌دهد و طبیعی است وضع اقتصادی که ما، در آن به‌سر می‌بریم، باید آن‌را هم صحنه‌ای از جنگ خودمان علیه قدرت‌های استکباری جهان به‌سرکردگی آمریکا باید بشماریم. این مسأله کاملاً مشخص است که مسأله‌ی جنگ، مسأله‌ی اقتصاد، مسأله‌ی مقابله با آمریکا با ابعاد گوناگون انقلاب درآمخته و از هم جدا نیستند.

وقتی ملتی خوف از ابرقدرت‌ها را در درون خود می‌شکند و قیام می‌کند و سیلی به‌چهره‌ی آمریکا می‌زند، حمله می‌کند و روحیه‌ی مهاجمانه‌ای پیدا می‌کند، از ارزش‌هایی صحبت می‌کند که مخالف آن ارزش‌هایی است که آمریکا ادعای

آنرا دارد. می‌خواهد بر کشورهای مستضعف جهان حکمفرمایی کند. طبیعی است که تمام این نیروها علیه ملت برخیزند. تمام آن قدرت‌های استکباری علیه این نیروی عظیم برخیزند.

وی گفت: این درخواستن تنها یک‌بعد ندارد ممکن است یک‌لحظه در غالب جنگ ایران و عراق متجلی شود. ممکن است زمانی در غالب کودتا، مانند کودتای نوژه و ممکن است در چهره‌ی بازی‌خورده‌های آمریکا ظاهر شود که بدخیابان‌ها بیایند و مردم و بچه‌ها را به‌قتل برسانند و اتومبیل‌ها را آتش بزنند. رهبران مذهبی و روحانیت را مورد تهدید قرار دهند، دستغیب‌ها و مدنی‌ها را بکشند که این هم یک‌بعد از قضیه است. ولی یک از ابعاد اصلی مبارزه‌ی آمریکا علیه کشور ما از همان روزهای اول، بعد اقتصادی بوده. آمریکا در این زمینه مهارت بسیاری دارد، همان‌طوری‌که برای زیرفشار قرار دادن تمام ملت‌های مستضعف جهان مهارت دارد.

کشوری که با پول سرمایه‌ای که غارت می‌کند از کشورهای مستضعف جهان، به‌حیات خود ادامه دهد، در این جنگ کار او بسیار فعال است؛ منتها تا مدتی پس از پیروزی انقلاب، آمریکا هنوز امیدهایی داشت. این فشار را به‌حداکثر خودش نمی‌رساند. معاشات‌هایی می‌کرد و امیدی به‌جناح‌های میان‌رو و ملی‌گرا داشت. بنی‌صدرها را داشت و فکر می‌کرد که از راه‌های سیاسی می‌تواند مهره‌های خودش را به‌قدرت برساند، ولی زمانی‌که در تمام این عرصه‌ها منکوب شد، وقتی که لانه‌ی جاسوسی تسخیر شد، وقتی اراده‌ی ملت ما را دید، که به‌هیچ‌وجه به‌سازش با آمریکا نیست. وقتی اراده‌ی ملت ما را دید که انقلاب سیاسی را به‌پیش می‌برد و تبدیل به‌یک انقلاب فرهنگی می‌کند و در نظام ارزشی خود و اخلاق خود و هم‌چنین مصرفش دگرگونی به‌وجود می‌آورد، وقتی که آمریکا دید ملت ما هرگز حاضر نیست از آن اصولی که به‌بهای خون‌های بسیاری در ۱۵ خردادها و هفده شهریورها به‌دست آمده، بگذرد، مصر شد که حداکثر فشاری که از نظر اقتصادی بر کشور ما وارد بیاورد و به‌این ترتیب محاصره‌ی اقتصادی را شروع کرد.

به‌این ترتیب، بلوکه کردن اموال ما، در بانک‌های مختلف در آمریکا شروع شد و

توطئه‌های پیچیده‌ی آمریکا به بازارهای بین‌المللی آغاز شد و آن چیزی که حیات اقتصادی ما به آن بستگی دارد، در صحنه‌های بین‌المللی بتوانیم به‌دست بیاوریم. به‌این ترتیب، توطئه‌ی آمریکا با دست‌آیادی آمریکا در منطقه شروع شد که با اشباع بازارهای نفت مقابل آن را بگیرند که سهم لازم خود را در بازارهای نفت به‌دست بیاوریم و در نتیجه زیر فشار اقتصادی آمریکا قرار بگیریم و در نتیجه به‌زانو درآییم. این جنگ همان قدر بی‌رحمانه است که جنگ در جبهه‌های پستان. اما، این جنگ برای ما، برکت و خیر بود. در این جنگ، علی‌رغم ضعف‌هایی که اوایل داشتیم، توانستیم سریعاً خود را سازمان بدهیم و پیش‌بریم و راه‌حلی پیدا کنیم بر تمام مشکلات و تمام مسائلی که برای ما پیش می‌آمد. در این جبهه هم این چنین است. آن چیزی که در این میان گفتنی است، قبل از این که من به‌جزئیات بپردازم که البته این جزئیات هم خیلی زیاد توش نخواهم رفت، بلکه در برنامه‌های دیگر صحبت خواهم کرد، این است که در این عرصه هم حضور مردم در صحنه و صبر انقلابی او هست که در حقیقت، تمامی توطئه‌های آمریکا را تاکنون نقش برآب کرده و در آینده هم ان‌شاءالله! نقش برآب خواهد کرد.

مسلماً، اهداف اقتصادی ما به‌طبیع، اهداف سیاسی ما و آرمان‌های ما، دگرگون شده. مسلماً خط اقتصادی که بر جمهوری اسلامی الآن حکمفرماست، خط حمایت از مستضعفان جامعه است. مسلماً این خط در جهت قطع کردن تمام رشته‌های وابستگی به قدرت‌های استکباری جهان است. خوب! طبیعی است که ما مواجه باشیم وقتی چنین سیاستی داریم، وقتی چنین خطی را تعقیب می‌کنیم، دچار بزرگ‌ترین تهاجمات و توطئه‌ها باشیم، همان‌طور که اشاره کردم اگر ما خلاصه بکنیم و بخواهیم طبقه‌بندی بکنیم، این نوع توطئه‌ها را و یک مقداری از جزئیات را فروع بگذاریم.

ما این مقایسه را در دو تا غالب خواهیم داشت: یکی در زمینه‌ی محاصره‌ی اقتصادی، یکی محدود کردن منابع نفتی ما از طریق فشار آوردن روی کشورهای نفت‌خیز که توسط عربستان فشار روی منطقه صورت می‌گیرد. فشاری که عربستان در بازارهای بین‌المللی نفت دارد اعمال می‌کند به‌تحریر آمریکا متوجه‌ی انقلاب اسلامی ماست. این فشار به‌چه معناست؟ این فشار به‌این معنا

است که ما فروش نفت خودمان را نتوانیم بکنیم. کمتر بفروشیم. ارز کمتری به دست بیاوریم و در نتیجه هزینه‌ی خودمان را نتوانیم داشته باشیم. برای برنامه‌های عمرانی هزینه‌های جاری نتوانیم آن قطعات مواد اولیه و تیز اولیه‌ای که کشور داده از خارج وارد بکند و به این معنا نتوانیم تا آخر شما برادران و خواهران این مسأله را حدس بزنید که حدس می‌زنید، و این مسائل را می‌دانید؛ ولی آن چیزی که مهم است، و ما در طول انقلاب کشف کردیم و ملت ما کشف کرده، آن این است که اولاً؛ اراده‌ی ملت قوی‌تر از تمام نیروهای شیطانی و نیروهای استکباری است و مگر نه آن‌که در طول انقلاب، تمام قدرت‌های جهان دست به هم داده بودند تا رژیم شاه را حفظ کنند و نتوانستند. طبیعی است که در موقعیت این چنین که ما، در آن قرار گرفته‌ایم، این چنین باشد.

مسأله‌ی دوم این‌که دولت همیشه توجه داشته، این است که حاکمیت آمریکا در بازارهای جهانی در اوضاع اقتصادی جهان یک حاکمیت مطلق نیست، حتی در داخل کشور خودش. آمریکا برای حفظ منافع خودش از قوانینی که در بازار حکمفرماست تا اندازه‌ای باید تبعیت بکند و از مکانیزم‌هایی باید استفاده بکند. دولت خدمت‌گزار، درست از این وضع استفاده می‌کند؛ به این طریق که همیشه سعی می‌کند با توسعه‌ی روابط خودش با شناخت قوانین حاکم بر این بازار، بیشترین استفاده را بکند، برای این‌که نقشه‌های آمریکا را بتواند بررسی کند. من این‌جا اعلام می‌کنم که اگر در زمینه‌ی نفت قرار است که اوپک تصمیم بگیرد، این تصمیم در وهله‌ی اول باید معطوف به محدود کردن صدور نفت باشد، که عربستان و امثال آن، به سمت غرب روانه کرده‌اند. وگرنه ما، به هیچ وجه، تابعیت آن‌نوع قوانین و قراردادهایی را که مسلماً به‌ضرر انقلاب اسلامی بخواهد تمام شود را نخواهیم پذیرفت. ما همیشه بر ضد تمام قراردادهایی که بر علیه منافع اسلام و منافع انقلاب اسلامی هست، شوریده‌ایم. ما تا الآن توان خودمان را در این راه نشان داده‌ایم؛ طبیعتاً در این زمینه هم تحرک داریم. ما دچار دگم نیستیم. ما دچار پیش‌داوری‌ها نیستیم. در این زمینه ما با تمام این توطئه‌ها مقابله می‌کنیم و با استفاده از آن، عدم حاکمیت مطلق آمریکا و بازارهای نفت در سایر موارد هم این چنین است؛ طبیعتاً دولت ما، نظام ما، در برخورد با جهان بیرون یک نظام نوپایی

است. هنوز چیزها است که یاد می‌گیرد و این یادگرفتن‌ها خیلی سریع است. ما در رابطه با جهان خارج برای به‌دست آوردن آن موادی که برای صنایع خودمان لازم است به‌ابتکارات تازه‌ای دست می‌زنیم، علاوه بر آن آمریکا می‌اندیشد، فکر می‌کند و حداکثر فشاری که به‌ما می‌آورد، منابع ارزی ما را محدود می‌کند. ما به‌زانو در خواهیم آمد او به‌هیچ‌وجه تصور نمی‌کرد که در نظام جمهوری اسلامی ایران بشود به‌این سرعت تمام نیازها را طبقه‌بندی کرد و منابع ارزی را دولت در اختیار بگیرد و آن‌ها را چون قطره قطره، سنت سنت در جهتی به‌کار برد که بتواند نظام را سرپا نگاه‌دارد؛ یعنی همان‌کاری که دولت ماها است شروع کرده و اثرات معجزه‌آسایی داشته. ما برای مقابله با این توطئه‌هایی که می‌رفت تا منابع ارزی ما را به‌صفر برساند، به‌سرعت عمل کردیم. ما یک مقدار محدودی ارز در اختیار داشتیم. بنی‌صدرها و نویری‌ها ادعا می‌کردند «منابع ارزی ایران دارد ته می‌کشد و دیگر چیزی از خارج نمی‌توان وارد کرد، در آستانه‌ی ورشکستگی قرار گرفته‌ایم!!» ولی ما آمدیم این منابع را در اختیار گرفتیم. تمام چیزهایی که به‌کشور وارد می‌شد بررسی کردیم. اصلی‌ترین نیازها را طبقه‌بندی کردیم و دقیقاً به‌مقداری که ارز در اختیار داشتیم، به‌جایی اختصاص دادیم که برای ما حیاتی‌تر بود. نتیجه‌ی این کار این شد که بعد از ماه‌ها تلاش، که از سوی امپریالیسم علیه کشور به‌کار گرفته شده، بتوانیم در بانک‌های خارجی بعد از مدت‌ها سپرده‌گذاری کنیم. در واقع وضعیت ارزی خود را بهبود بخشیم. و این بحران را پشت سر بگذاریم. در حال حاضر در آستانه‌ای قرار گرفته‌ایم که نه تنها تعهدات مالی بین‌المللی خودمان آن‌جا که به‌حق است، عمل می‌کنیم، بلکه توانسته‌ایم روابط تجاری و اقتصادی خود را با جهان خارج، گسترده‌تر کنیم و جهت تازه‌ای به‌آن ببخشیم.

الآن، کشورهای گوناگونی که با ما رابطه دارند، کاملاً احساس می‌کنند که در این روابط تجاری و اقتصادی، اگر بخواهند این روابط را تبدیل به‌یک اهرم سیاسی بکنند، ایران یک معامله‌گر منصفی است و منافع ملت خود را در نظر می‌گیرد. در عین حال، در معاهده و قراردادهای خود، ایستاده. در نتیجه درهای زیادی به‌روی ما هم‌اکنون باز شده. این خبر خوشی که من دادم، نباید به‌این معنا

گرفته شود که ما فشارها را پشت سر گذاشته‌ایم. نه! من به هیچ وجه این را نمی‌گویم. من می‌خواهم بگویم مشکلات را مهار کردیم. ما الآن در دولت و در سازمان برنامه، در شورای اقتصاد به مکانیزم‌ها و مسائل نظامی دست یافتیم که بتواند در مقابل تمام بحران‌های ناشی از فشارهای اقتصادی، مقابله بکند. ما برنامه‌ریزی داریم. دیگر کار بی حساب نیست در کشور ما. تمام آن نقاطی از نقاط که ممکن است مورد حمله قرار بگیریم، به یاری و اتکال به خدا داریم راجع به آن فکر می‌کنیم و طرقي را بررسی می‌کنیم که بتوانیم با آن مقابله بکنیم.

این به ما نیرو می‌بخشد که با اطمینان در جهت رشد و شکوفایی اقتصادی خودمان پیش برویم. اقتصادی که یقیناً مستقل خواهد بود؛ یقیناً متکی به اراده‌ی ملت خواهد بود. الآن ملت به وضوح نمونه‌های آن‌را در جلوی چشم دارد. همین ذوب آهن را شما نگاه کنید. مس سرچشمه را نگاه کنید. این‌ها مجموعه‌هایی هستند که شاید ماه‌ها (یکی ۷ ماه، یکی ۵ ماه اگر اشتباه نکنم) ما بهره‌وری آن‌را جلوتر انداختیم. کمک متخصصین خودمان، متخصصینی که یک موقع بنی صدر آن‌ها را مقابل مکتب قرار می‌داد، تخصص را مقابل مکتب قرار می‌داد، ولی نظام مستقر شده و همان‌طور که در اولین صحبت‌هایم اشاره کردم.

موقعی که مسؤولیت را به دوش می‌گرفتم، احساس می‌کردم که متخصصین به سمت مکتب پرخش بزرگی را شروع کردند؛ چرا؟ به خاطر این‌که احساس می‌کنند اسلام می‌گوید شما آقای خودتان باشید. شما ارباب خودتان باشید. شما نوکر آمریکایی‌ها نباشید، شما نوکر عرب‌ها نباشید. اسلام به آن‌ها می‌گوید شما با دستان توانای خودتان، همه چیز را می‌توانید بسازید، برای کشور خودتان، برای نسل آینده خودتان، برای یک اقتصادی سالم و مستقل. آن‌ها این مسائل انسانی را درک می‌کنند. آن‌ها درک می‌کنند که چه توطئه‌ی عظیمی بوده مقابل هم قرار دادن تخصص و مکتب که اصولاً از یک جنس نیستند بلکه در هر نظامی، مکتبی هست که هادی تخصص‌هاست. شما یک خلبانی را در نظر بگیرید، اوایل جنگ، حتماً شنیدید که خلبان ایرانی سوار یکی از جنگنده‌های خودمان روی پل بغداد حرکت می‌کند و می‌خواهد آن‌را بمباران بکند و می‌بیند عده‌ی زیادی از مردم روی این پل رفت و آمد می‌کنند، ماشین‌های زیادی هست، موشک‌های

خودش را شلیک نمی‌کند و برمی‌گردد. خوب! تخصص آن خلبان چیست؟ زدن موشک، رها کردن، نشانه‌گیری دقیق ولی چه چیزی هادی او هست که این راکت را پرتاب نکند، مکتب.

هیچ کشوری و هیچ نظامی خالی از مکتب نیست

و هیچ کشوری و هیچ نظامی، خالی از مکتب نیست. آن آدم خبیثی که پشت موشک‌های بزرگ در عراق می‌نشیند و آن را به قلب شهرهای ما شلیک می‌کند، آن خلبانی که می‌آید در اسلام‌آباد و آنجا را زیر و رو می‌کند و عده‌ی زیادی از مردان و زنان و کودکان ما را به قتل می‌رساند، او هم تخصص دارد و در عین حال یک مکتبی، مکتب بعضی! در نظام ما، مکتبی که حاکم است آن‌چنان مکتبی است که به خلبان ما این اجازه را میدهد که حداکثر فداکاری را بکند، در عین حال به او حکم می‌کند در جایی که هیچ‌کس حضور ندارد که مردم را به گلوله نیندند، زن و بچه‌ای را نکشد. آیا می‌شود گفت که در این‌جا تخصص و مکتب در مقابل همدیگر هستند. هم‌اکنون در کارخانه‌های ما، در مزارع ما، در کشاورزی، دقیقاً احساس می‌شود که تخصص و مکتب می‌تواند در کنار هم کار بکنند. مکتب راه را نشان می‌دهد. آن نقطه‌ای که باید به سمت آن گلوله‌ی را پرتاب کرد، می‌گوید آن جهتی که اقتصاد باید به آن سمت برود را بیان می‌کند. آن آرمان‌هایی را که در جامعه‌ی ما باید مستقر بشود را بیان می‌کند. متخصص که کاملاً از خود بیگانه نشده، انسان است و علاقه به کشورش دارد. علاقه به میهن اسلامی خودش دارد. علاقه به مستضعفان جامعه‌ی خودش دارد. طبیعی است که در کنار کارگران، در کنار کارکنان، در کنار روحانیت، در کنار تمام نیروهایی که به‌نحوی به این انقلاب کمک می‌کنند قرار بگیرد و حرکت بکند. ما این‌جا، جدا می‌کنیم آن متخصصینی را، آن گروه‌هایی را که در ادارات هم این چنین هست؛ یعنی در میان دیوان‌سالاران که به‌خاطر وابستگی عمیق‌شان به رژیم سابق، آمریکا در مقابل این حرکت می‌ایستند. به‌هرحال، ما الآن در نظام خودمان شاهد یک‌رشد و شکوفایی هستیم به‌برکت همین جنگ و معاصره‌ی اقتصادی، ما الآن می‌دانیم استعداد‌های زیادی در حال شکوفاشدن هستند. ما می‌بینیم استعداد‌های زیادی در کارخانه‌ها به‌کار

افتاده‌اند، در کارگاه‌های کوچک، به کار افتاده‌اند. ما قطعاتی می‌سازیم، چیزهایی را الآن تولید می‌کنیم که یک موقع تصور آن برای ما بسیار دشوار بود. ما به راه‌هایی داریم الآن می‌اندیشیم که چه دولت و چه ملت که آن راه‌ها قبلاً جلوی پای ما نبود و چه بسا در فراوانی و عدم فشار اقتصادی و این جنگ اقتصادی و عدم این جنگی که بر ما تحمیل شده، ما به آن راه‌ها فکر نمی‌کردیم تمام این راه‌ها برای این که ما صدای خودمان را به جهانیان برسانیم به سالم‌سازی اقتصاد ما کمک می‌کند و در عین حال می‌دائم فشار زیادی را روی دوش ملت ما می‌گذارد، ولی برای رسیدن به یک آتیه‌ی روشن، برای این که ما صدای خودمان را به جهانیان برسانیم برای این که آقای خودمان باشیم، برای این که از وابستگی نجات پیدا کنیم، برای این که دائم چشمان به دست‌های آمریکا نباشد، بر قدرت‌ها نباشد، ما مجبور هستیم این فشار را تحمل کنیم و ملت، تحمل می‌کنند، من می‌خواهم بگویم که دولت خدمت‌گذار این ملت بزرگ، عمیقاً از این فشارها آگاهی دارد. خیرش به آن می‌رسد در پی رفع این فشارها هست. در عین حال این دولت می‌خواهد این نوید را بدهد که این فشارها، فشارهایی است که منتهی به ساختن اقتصادی سالم خواهد شد که در آن فضا، ما آن چیزی را بخوریم که خودمان تولید کردیم. آن چیزی را مصرف کنیم که خودمان تولید کردیم. خوب! در این راه ملت کمک‌های بزرگی می‌تواند بکند. همان‌طور که دارد می‌کند. اگر دقت بکنیم الگوهای مصرف در کشور ما عوض شده، طرز پوشش، خوردن، رفتار، چیزهایی که ما مصرف می‌کنیم، هم‌ه‌اش دگرگون شده. این دگرگونی باید به سرعت افزایش پیدا کند. واقعاً چه نیازی است که ما ماشین ظرفشویی در خانه باشیم؟ چه نیازی است که هر روز یک دست لباس عوض بکنیم؟ چه نیازی است خورش‌های مختلف سرفره‌ی خودمان داشته باشیم؟ ما باید به آن قناعت اسلامی برگردیم. برای این که بتوانیم یک رفاه همگانی و برای مستضعفان جامعه و برای همدی ملت در آینده ایجاد بکنیم. برای این که به معنای واقعی، اقتصادی مستقل داشته باشیم. دولت غیر از این برنامه‌هایی که اشاره شد، خوب سیاست‌های دیگری هم در پیش گرفته که من در مجلس هم موقع تقدیم لایحه‌ی بودجه عنوان کردم که بد نیست راجع به آن لایحه هم یک اشاره‌ی

مختصری بکنم که در آن لایحه که طبیعتاً درآمدهای عظیمی را دولت به‌مصرف می‌رساند، جهت‌گیری که داشتیم آن مصرف درآمدها به‌سمتی متوجه است که بیشترین نفع آن به‌سمت طبقات مستضعف جامعه خواهد بود. علاوه بر اهداف سیزده و چهارده‌گانه‌ی دیگری که در آن لایحه من شمردم ولی موقعی که آن لایحه را تقدیم کردم، گفتم سیاست دولت الآن این است که اولاً به‌سمت برنامه‌ریزی پیش برود و این از اقدامات اساسی دولت بوده و الآن کمیته‌های ده‌گانه زیر نظر شورای اقتصاد است که این‌ها برای آینده‌ی اقتصاد ما زیر ساخت اقتصاد کشور ما دارند برنامه‌ریزی می‌کنند.

بدانیم که برای ۵ سال آینده و ۲۰ سال آینده به‌کجا می‌رویم. ما برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت را باید برای کشور خودمان داشته باشیم. ما باید هدف‌های توسعه‌ی اقتصادی خودمان را تعریف کنیم و تمام این چیزها را مشخص کنیم. ما باید در نظام خودمان، همان‌طوری که در قانون اساسی گفته شده، جایگاه دولتی بخش تعاون و بخش خصوصی را کاملاً مشخص کنیم. ما باید یک امنیت اقتصادی در کشور به‌وجود بیاوریم.

خوب! طبیعی است که کمیته‌های ده‌گانه در این جهت سیر می‌کنند. سیاست‌های دولت در این جهت سیر می‌کند. در کنار این، ما سیاست‌های دیگر را اعمال می‌کنیم که باز هم در همین جهت من اشاره کردم این است که سرمایه‌هایی که در بخش خصوصی در دست افراد است، بیشتر در کار توزیع به‌کار گرفته شده. ما آن‌ها را سوق می‌دهیم به‌سمت تولید، طبیعی است که واردات ما از خارج کم شده، ما به‌هیچ‌وجه در پی این نیستیم که اجازه بدهیم کالاهایی که مصرفی و لوکش هستند وارد کشور شود، مگر این‌که کالاهایی باشد که در داخل کشور تولید شود و به‌دست مردم برسد. ما با آن مخالفت نمی‌توانیم داشته باشیم مگر آن‌که با فرهنگ اسلامی ما معارضه‌ای و مخالفتی داشته باشد، ولی از خارج به‌هیچ‌وجه این‌کار را نخواهیم کرد. طبیعی است که این واردات محدود می‌شود؛ چه به‌خاطر محدودیت‌های ارزی؛ چه به‌خاطر این مسأله و سیاستی که اشاره کردم.

سرمایه‌های زیادی آزاد می‌شود. دست مردم سرمایه‌های زیادی است، پول زیاد است، به‌اضافه‌ی آن پولی که رژیم سابق در آخر روزهای خودش به‌بازار

تزیق کرده. طبیعی است وقتی که پول زیاد است و آن واردات نیست، این پول‌ها متوجهی کالاها می‌شود که در دسترس است. این خود به‌تورم کمک می‌کند. فرض بکنید که یک نفر بلور وارد می‌کند، چینی وارد می‌کند، یکصد میلیون، پنجاه میلیون، ده میلیون یا صد هزار تومان پولش آزاد شده، در آن طریق می‌آید و می‌گیرد و می‌خواهد این پول را به‌کار بگیرد و در جایی به‌کار بیندازد.

خوب! در وهله‌ی اول به‌سهل‌الوصول‌ترین راه‌ها برمی‌گردد که همان مسأله‌ی توزیع است. اگر برنج آزاد باشد، برمی‌گردد از برنج استفاده می‌کند، اگر چیز دیگری، کالای دیگری باشد از آن کالا استفاده می‌کند. خود این دست به‌دست گشتن این کالاها می‌تواند به‌تورم کمک کند. قیمت‌ها را به‌طور وحشتناکی بالا بکشد.

سیاست دولت این است که به‌بخش خصوصی اعلام کند که این سرمایه‌ها را در توزیع به‌کار بیندازد. اول آمده کالاها ضروری را زیر کلید دولت قرار داده، به‌خاطر این ضرورت‌ها، و سهمیه‌بندی می‌کند به‌خاطر این‌که به‌طور عادلانه‌ای به طبقات مستضعف فشار به‌حد طاقت‌فرسایی نرسد و بتوانند آن چیزی که لازم است به‌دست بیاورند. در عین حال باعث شده که روی این سرمایه‌ها فشاری بیاید. ما می‌گوییم که راه شما برای تولید همان چینی که از خارج وارد می‌کردید، همان استکانی که از خارج وارد می‌کردید، همان کالایی که از خارج وارد می‌کردید و دائم دست به‌دست می‌گردانید و به‌ملت می‌فروختید، الآن راه باز است برای این‌که کارخانه ایجاد بکنید. برای این‌که آن پول را در جاهای تولیدی به‌کار بیندازید و کمک بکنید به‌انقلاب. کمک بکنید به‌رشد اقتصادی کشورها.

این سیاستی است که دولت بارها اعلام کرده، الآن هم من دوباره از آن طبیعتاً دولت حمایت می‌کند و خود این اعلام من فکر می‌کنم اعلام می‌کنم امنیت لازم را تا اندازه‌ای به‌وجود بیاورد برای این‌که این سرمایه‌ها عوض این‌که منجر به‌این شود که دست افراد بچرخد یا در مسیرهای توزیعی به‌کار گرفته شود و باعث تورم شود و فشار روی ملت ما بیاید، در راه‌هایی به‌کار گرفته شود که طبیعتاً می‌تواند به‌رشد اقتصادی و تحرک اقتصادی ما کمک بکند.

چیزی که در آخر می‌خواهم اضافه کنم، در این زمینه اقتصادی، توجهی است که

دولت شروع کرده به تعاونی‌ها نشان می‌دهد. این مسأله البته از قبل هم اهمیت داده می‌شده در قانون اساسی به مسأله‌ی تعاونی‌ها اهمیت زیادی داده شده و اخیراً در شورای اقتصاد بحث تعاونی‌های تولیدی به‌نوعی که به‌صورت فراگیر و گسترده در کشور استفاده از آن شروع شود مورد بحث و نقد قرار گرفته که ان‌شاءالله وقتی که نتیجه حاصل شد به آگاهی ملت بزرگ خواهد رسید.

در زمینه‌ی سیاست خارجی در این جلسه و در این برخورد نمی‌خواهم صحبت کنم و ان‌شاءالله در صحبت‌های آتی اگر خدا توفیق بدهد، در آن‌زمینه صحبت خواهم کرد. گرچه در همین زمینه، اظهارنظرهایی که می‌شود فعالیت‌هایی که وزارت امور خارجه می‌کند یا دولت می‌کند، مشخص است، ولی باز هم اعتقاد دارم که در این زمینه توضیحات روشنی باید داده شود.

آن چیزی که من می‌خواهم در آخر مطرح کنم با خواهران و برادران خودم، این است که واقعاً توطئه‌ها فقط در یک بعد نیست. همان‌طور که اشاره کردم و خودتان از این مسأله آگاهی دارید این توطئه‌ها هم در بعد نظامی است و هم در بعد توطئه‌های داخلی است از طریق این گروه‌ها و هم در بعدهای اقتصادی و ما و ملت ما اگر بخواهد در تمام این عرصه‌ها پیروز شود، باید به‌تمام این ابعاد بیشترین توجه را داشته و بیشترین خدمتش را در تمام این ابعاد به‌کار بگیرد که ان‌شاءالله چنین خواهد کرد و ان‌شاءالله به‌رهبری امام بزرگوارمان امامی که رهنمودهای ایشان و گفتار ایشان و فرماندهی ایشان توانسته ما را به‌این پیروزی‌ها برساند، باز هم در عرصه‌ی این نبرد و ادامه‌ی این نبردها، کمک ما خواهد آمد و در این مبارزه، اتحاد تمام و نزدیکی و وحدت تمام نیروها و نهادها یک عامل مؤثری است که الحمدالله به‌یاری خدا و لطف خدا، الان در کشور وجود دارد.

شما اگر دقت بکنید، فکر نمی‌کنم در هیچ نظامی این همه اتحاد و یگانگی کلام و وحدت کلمه بین نیروهای مختلف وجود داشته باشد. الان یک یگانگی کامل بین دولت و مجلس وجود دارد. بین نهادهای گوناگون وجود دارد. این یکی از نعمت‌های بزرگ خدا است که ما باید شکرگزار آن باشیم و برای شکرگزاری بهترین استفاده‌ها را بکنیم و هم‌چنین برای مقابله با این توطئه‌هایی که اشاره

۴۵۴ هجری بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

کردم، حضور همیشگی شما ملت بزرگ در صحنه‌ها بزرگ‌ترین کمک است و تعیین‌کننده‌ترین کمک است که ان‌شاءالله هم‌چنان ادامه پیدا خواهد کرد.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته^(۱)

دیروز، رؤسای جمهوری، مجلس، دیوان عالی کشور و نخست‌وزیر

با امام دیدار کردند

سخنان امام درباره‌ی آزادی زندانیان، پیروزی‌های اخیر و

یاوه‌گویی‌های رادیوهای خارجی

حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهوری، حجت‌الاسلام علی‌اکبر
هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی رئیس
دیوان عالی کشور و میرحسین موسوی نخست‌وزیر، صبح دیروز به‌حضور امام خمینی رهبر
انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران رسیدند و با ایشان دیدار و گفت‌وگو کردند.
در این ملاقات که حجت‌الاسلام حاج سیداحمد خمینی نیز حضور داشت، پیرامون پاره‌ای
از مسائل و آخرین رویدادها و تحولات مملکتی، بحث و تبادل نظر به‌عمل آمد و گزارشاتی
توسط مسؤولان طراز اول مملکتی به‌استحضار امام امت رسید. در این ملاقات مهم، امام امت
بیاناتی به‌این شرح ایراد فرمودند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

من امروز می‌خواهم تأکید کنم در این امر که راجع به‌این محبوسین - البته

به استثنای آن‌هایی که ما به حسب امر خدا نمی‌توانیم عفو کنیم - باز تأکید کنم که زودتر این قضیه تمام بشود و آقای موسوی به همه جا، همه شهرستان‌ها سفارش کنند که زودتر این کار را انجام بدهند و رسیدگی زودتر بشود تا ان‌شاء الله برای عید جدید، یک عده‌ی چشمگیری از این‌ها و اگر می‌شود همه‌ی آن‌هایی که می‌شود آن‌ها را عفو کرد حالا گناه دارند یا گناهی است که قابل عفو است، تهیه کنند و برای عید جدید که می‌آید، بفرستند تا ان‌شاء الله این‌ها عفو بشوند.

سفارش به بازی خورده‌ها

و من سفارش می‌کنم به این اشخاصی که از این گروه‌ها بازی خوردند. این‌ها یک مقایسه‌ای بین حکومت حالا و حکومت سابق بکنند و مابین مردم در حالا و مردم در سابق بکنند و بین خدمت‌هایی که این دولت در این مدت کم با آن گرفتاری‌های فوق‌العاده‌ای که همه کشورها و تقریباً همه ابرقدرت‌ها برخلاف این دولت و ملت توطئه می‌کنند مقایسه کنند و بعد ببینند واقعاً راهشان چه راهی است. برای راهی که آن‌ها دارند، می‌خواهند چه بکنند و راهی که منافقین و برادرهای آن‌ها دارند این‌ها می‌خواهند چه بکنند و من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که هدایت کند این جوان‌ها را، این دخترها را، این پسرها را که در دام این‌ها دیگر نیفتند یا از دام این‌ها ان‌شاء الله خارج بشوند.

تقدیر از رزمندگان

و باید تقدیر کنم از ارتش و سپاه و ژاندارمری و سایر قوای مسلح و مردمی که به حمد الله با قدرت، پیشروی دارند می‌کنند و در همین جزایه هم کارهایی انجام داده‌اند و ان‌شاء الله انجام می‌دهند و امیدوارم که به فتح آخری نزدیک باشیم و فتح ما آن وقتی است که عراق و ایران و سایر کشورهای اسلامی همه مرفه باشند و همه بتوانند زندگی آسوده و بی‌قدرت قدرتمندان و بدون سلطه‌ی آن‌ها به زندگی خودشان ادامه بدهند.

یاوه‌گویی رادیوهای خارجی

و چیزی که در این چند روز مراجعه شده است زیاد به این جا و احمد به من می‌کرار آ گفته‌اند که زیاد مراجعه شده، من دو روز پیش از این، که رادیو را گوش می‌کردم، دیدم که رادیوی خارجی گفت که فلان، گفته است که خمینی در حال مرگ است. من یاد یک قصه‌ای افتادم و آن این که یک نفر بود که می‌خواست اظهار قدرت و پهلوانی بکند در یک جلسه‌ای گفت که من آنم که چه کردم، چه کردم، کارهایش را شمرد و من جمله گفت من آنم که فلان آدم، فلان پهلوان را در فلان جا کشتم و چه کردم، آن آدم حاضر بود. گفت که آن کسی که شما کشتید حرف‌های شما را دارد می‌شنود! من یاد این افتادم که آن کسی که آن آقا گفته است که در حال مرگ است حرف‌های ایشان را شنیده و به این سبک مغزی خندیده است.

من، ان شاء الله! امیدوارم که آن‌ها هم که در خارج هستند دیگر برگردند، دیگر ول کنند این مسائل را، می‌دانند که پیشروی نمی‌کنند. می‌دانند که با این ملت نمی‌شود طرف شد. خوب! می‌ادعا می‌کنید که ملت با ماست. خوب! اگر ملت با ماست، بیاید با ملت همکاری بکنید، با دولت همکاری بکنید، نه این که بروید کنار بنشینید و می‌دسته دسته درست کنید و هر کدام به دیگری هم فحش بدهد. من از خدای تبارک و تعالی! سلامت همه آقایان و سلامت ملت را و سلامت این آسیب‌دیدگان را می‌خواهم و از ملت هم تشکر می‌کنم به این که الحمدالله در صحنه حاضرند و تا در صحنه حاضرند این کشور آسیب نخواهد دید ولو هر چه حالا فساد بکنند، هر چه کارهای خلاف بکنند. خداوند همه‌تان را حفظ کند!
والسلام علیکم ورحمت‌الله.

اظهارات رئیس مجلس

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در پایان دیدار دیروز مسؤولان مملکتی با امام امت در گفت‌وگویی با واحد مرکزی خبر گفت: لایحه‌ی اراضی شهری که مدتی است در مجلس شورای اسلامی تصویب شده و به شورای نگهبان رفته است، به مشکلی برخورد کرده و می‌بایست این مسأله در خدمت امام حل شود و در این

فرصت طولانی بحث شد.

وی افزود: مشکل ما، تشخیص موضوع، منهای اعمال ولایت فقیه به عهده‌ی عرف متخصص است و امام هم در جواب نامه‌ی من و براساس حق تشخیص داده بودند که ضرورتی است که به مدت پنج سال اجازه ندهیم اراضی شهری بین اشخاص و بخش خصوصی وسیله‌ی سودجویی و معاملات شود.

این را به عنوان یک ضرورت تصویب کردیم که دولت یک طرف معامله باشد و (خریدار باشد از مالکین و فروشنده باشد به متقاضیان و شورای نگهبان اعتراضی داشت و موافقت نمی‌کرد).

ما حرفمان این بود که در کل اقتصاد، تنها مسأله‌ی زمین و مسکن نیست، بایستی از این که زمین به عنوان کالا بشود و باعث بورس‌بازی گردد، جلوگیری کرد و برای چهار پنج سال بایستی جلوی کل این جریان، حتی در شهرهای کوچک گرفته شود، و ما امروز خدمت امام آمدیم که بالاخره تشخیص ضرورت با مجلس است یا با شورای نگهبان و چیزی هم غیر از تشخیص ضرورت مطرح نیست. امام فرمودند: تشخیص ضرورت با مجلس است، با نظر خبرگان. و شورای نگهبان در این جهت دخالتی نباید بکند و فکر می‌کنم با این طرحی که امام فرمودند دیگر ما مشکلی نداشته باشیم و فرض هم باید این باشد که ما در کل اقتصاد کشور تصمیمان این است که این وضع آزادی معامله در زمین شهری، برای اقتصاد ما در این مرحله خطرناک است و از این جهت به عنوان ضرورت پنج سال، ضمن این که مالکیت کسی را هم سلب نمی‌کنیم، دولت را واسطه می‌کنیم بین عرضه‌کننده‌ی زمین و متقاضی زمین که دولت هم بتواند قیمت را متعادل کند و هم بتواند جای مناسب را در معاملات قرار بدهد. با این تصریح امام، فکر می‌کنم مسأله‌ی ما حل شده باشد.^(۱)

گفت‌وگویی اختصاصی مهندس موسوی با «صف» نظرات نخست‌وزیر در مورد پرداخت غرامت جنگ، تهدیدهای آینده، مسأله‌ی کشاورزی و مقایسه با ارتش‌های دیگر

مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر، در گفت‌وگویی با «صف»، ماهنامه‌ی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نظرگاه‌های خود را در مورد مسائل مختلف بیان داشت. نظر به اهمیت این مصاحبه، بخش‌هایی از آن را که در مورد پرداخت غرامت از سوی عراق، صدور انقلاب و پیروزی‌های جبهه، تهدیدهای منطقه، وارد کردن مواد کشاورزی، روند ارتش در انقلاب و تفاوت کیفی ارتش ایران با دیگر ارتش‌های جهان سوم آمده است، نقل می‌کنیم. آنچه می‌خوانید گزیده‌ی این گفت‌وگو است.

س: اگر عراق حاضر به پرداخت غرامت جنگ نشود، آیا ما نیروهای بعضی را در داخل خاک عراق تعقیب می‌کنیم؟

ج: پرداخت غرامت از سوی متجاوز چیزی است که ما تویاً به آن اعتقاد داریم و طبیعتاً بدون این تضمین هرگز جنگ پایان نخواهد گرفت، حتی اگر به داخل عراق کشیده شود.

س: پیمان‌های امنیتی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
 ج: یک انقلاب با این عظمت را نمی‌توان با این پیمان‌های امنیتی کذایی جلوش ایستاد. علیه انقلاب ما از همان روزهای اوگیری‌اش تمام قدرت‌ها و نیروهای استبدادی جهان دست در دست همدیگر داشتند. ما فراموش نمی‌کنیم رهبر چین کمونیست، همان‌روزهای خونین انقلاب از روی سر شهدای ما گذشت و به ملاقات شاه شتافت. این همان موقعی بود که کارتر از کشتار هفده شهریور، دفاع می‌کرد. طبیعی است آن اتحادی که گرچه نوشته نشده بود، ولی به‌طور عملی وجود داشت، نتوانست از پیروزی انقلاب ما جلوگیری کند و الآن هم پیمان‌هایی در سطوح پایین‌تر چنین‌کاری را نخواهد توانست بکند.

س: آیا پیروزی‌های به‌دست آمده در جبهه به‌صدور انقلاب کمک می‌کند؟

ج: این‌ها به‌عنوان شواهدی بر پیروزی اسلام در ایران شمرده می‌شود، چرا که ملت‌های مستضعف منطقه و مسلمان جهان، الآن دقیقاً احساس می‌کنند که نیروهای عراقی با پشتیبانی آمریکا و تکنولوژی پیچیده‌ی غرب و شرق با یک کشوری که در حال انقلاب است، ارتشش هنوز انسجام صد در صد خودش را پیدا نکرده، دچار مشکلات زیادی است با این نیروها وارد جنگ شده، این نظام در یک حالت طبیعی بایستی پاشیده می‌شد و از بین می‌رفت ولی این نظام با وجود این توانسته به‌مقاومت خویش ادامه بدهد و در میان این همه مشکلات، پیروزی‌هایی هم به‌دست بیاورد و آن پیروزی‌ها هم در حال گسترش است و مسلماً منجر به شکست ارتش عراق خواهد شد.

خود این حرکت امید به پیروزی اسلام را در منطقه بارورتر خواهد ساخت. حقانیت آرمان‌های اسلامی ما را بیشتر ثابت خواهد کرد بر ملت‌های مستضعف در جهان.

س: پس از پیروزی ما بر عراق، آیا در منطقه تهدید دیگری برای ما وجود دارد یا نه؟

ج: ما همیشه مورد تهدید قرار خواهیم داشت؛ یعنی تا وقتی که انقلاب اسلامی در ایران هست، این انقلاب مورد تهدید قرار خواهد داشت؛ منتهی به موازات گسترش امواج انقلاب، ما قوی‌تر و نیرومندتر خواهیم بود و طبیعتاً این تهدیدها روز به روز

آثار عملی‌اش کمتر خواهد بود. ما این آمادگی را در درون احساس می‌کنیم که با هر توطئه و تهدیدی در منطقه و در سطح جهانی مقابله بکنیم و آزمایش‌های سه سال گذشته نشان داده که ما در سخت‌ترین شرایط با توطئه‌های بزرگ توانسته‌ایم رودررو شویم.

الآن هم این چنین هست تا موقعی که مردم ما در صحنه هستند تا موقعی که نیروهای رزمنده‌ی ما، ارتش ما، سپاه پاسداران ما، این همه پیوستگی عمیق با توده‌های محروم ما دارند و مردم پشت سرشان هستند، هیچ قدرتی هرچقدر بزرگ، نخواهد توانست این انقلاب را درهم بشکند و ما روز به روز شاهد قوت‌گرفتن بیشتر نیروهای رزمنده‌ی خودمان خواهیم بود.

س: در سال آینده، آیا مواد کشاورزی وارد خواهیم کرد یا نه؟

ج: ما برای مدت‌های مدیدی از خارج مجبوریم نه تنها در زمینه‌ی کشاورزی بلکه در صنایع هم چیزهایی را وارد بکنیم. مسأله سر این است که آیا روند حرکت اقتصادی ما به سمت کمتر کردن این وابستگی‌ها هست یا نه؟ به سمت استفاده کردن از تولیدات داخلی خودمان است یا نه؟ من این روند را مثبت می‌بینم؛ یعنی احساس می‌کنم که ما در این جهت گام برمی‌داریم. ما افزایش تولید زیادی در گندم داشتیم، در برنج داشتیم، در خیلی از محصولات داشتیم، به خاطر اصلاح بذر و استفاده خوب از زمین‌ها و... پساً یک پروژه‌ی کاملاً استثنایی داریم در کشورمان و آن کانال‌کشی‌های گسترده‌ای خواهد بود که با استفاده از کانال‌های فرعی سدها ایجاد خواهد شد که از نیروی مردم در این زمینه استفاده خواهیم کرد. نزدیک سیصد هزار کارگر می‌برد. کارگری که از بیل و کلنگ و این جور وسایل استفاده خواهند کرد.

تا آن‌جا که من اطلاع دارم این طرح نزدیک ۴۸۰ هزار هکتار زمین را زیر کشت خواهد برد. این پروژه‌ها را ما داریم. طبیعتاً موفقیت این پروژه‌ها، ما را خیلی سریع به خودکفایی خواهد رساند ولی این‌که در عرض یک سال این کار (خودکفایی کشاورزی) انجام شود، فکر نمی‌کنم.

س: روند ارتش را در انقلاب چگونه تحلیل می‌کنید و آینده‌ی ارتش اسلامی را چگونه

می بینید؟

ج: ارتش در کنار انقلاب بود، وقتی می گویم ارتش در کنار انقلاب بود، منظور از بدنه‌ی ارتش است که از داخل مردم برخاسته بود نه سران ارتش در نظام سابق که خود به خود کنار گذاشته شدند و از بین رفتند. طبیعی است که مردم با آگاهی گسترده‌ای که در طول انقلاب داشتند، از همان روزهای اول این مسأله را کاملاً احساس کردند و ارتش در کنار مردم قرار گرفت. خود این مسأله باعث قدرت گرفتن ارتش شد و مکتبی تر شدن ارتش.

در آینده من احساس می‌کنم که با نفوذ بیشتر ارزش‌های اسلامی در ارتش با دگرگونی هدف‌هایی که ارتش به خاطر آن هدف‌ها تشکیل شده بود و نظم پیدا کرده بود، ما ارتشی در منطقه خواهیم داشت، یک ارتش اسلامی که بتواند با قوی‌ترین تهاجمات نظامی در منطقه نه تنها مقابله بکند، بلکه اگر مورد تعرض واقع شد، به یک تهاجمات گسترده‌ای هم علیه مهاجم دست بزند. این را از همین الآن احساس می‌کنیم. پیروزی‌های اخیر ارتش ما، در کنار سایر رزمندگان به خوبی این مسأله را ثابت می‌کند که با وجود این که از یک سلاح‌های کمتر و ساده‌تری رزمندگان ما استفاده کردند، با وجود این توانستند بر ارتش‌های بسیار قوی‌تر با تکنولوژی بسیار پیچیده‌تر فائق آیند.

س: تفاوت کیفی ارتش ایران با دیگر ارتش‌های جهان سوم چه بود که ارتش ما را با انقلاب همراه کرد؟

ج: تفاوت؛ به نظر من همان سیطره‌ی روح خداجویی بر ارتش ما بود که به طور یکسانی در مردم ما و در ارتش ما وجود داشت و براساس تکیه بر همین روح خداجویی و فطرت خداجویی نیروهای رزمنده در ارتش و در مردم بود که این انقلاب به پیروزی رسید و تا موقعی که ما روی این اصل تکیه کنیم، طبیعتاً این ارتش با ارتش‌های کشورهای جهان سوم فرق بسیاری خواهد داشت؛ چرا که این ارتش به یک نیروی لایزال الهی پیوند خواهد خورد که او را نگه خواهد داشت که به هیچ وجه گرایش به شرق و غرب نداشته باشد و روی پای خودش بایستد و در مقابل سخت‌ترین هجوم‌ها و توطئه‌ها بتواند مقابله بکند، بدون این که

کوچک‌ترین وابستگی به شرق یا غرب یا نظام‌های دیگر پیدا بکند.

این چیزی است که ما در داخل ارتش خودمان می‌بینیم و در سایر ارتش‌ها به هیچ وجه نمی‌بینیم. وقتی که ما ارتش‌های جهان را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم به یک نحوی به یکی از این قطب‌های استکباری پیوستگی یا احساس لزوم این پیوستگی دارند این تنها ما هستیم که به سمتی حرکت می‌کنیم که ارتش ما بدون پیوستگی به شرق یا غرب روی پای خودش بایستد.

طبیعتاً، در آینده این امر باعث خواهد شد که ما در نوع کاربرد سلاح‌هایمان یک تجدیدنظری بکنیم. در گسترش صنایع نظامی طبیعتاً تجدیدنظر بکنیم و هرچقدر بتوانیم آن‌ها را خودکفا کنیم و حتی در استراتژی نظامی خودمان در درازمدت باید یک دگرگونی‌هایی را به وجود بیاوریم؛ چه بسا ما در آینده بتوانیم برای مدتی به هواپیماهای مدرن و اولترامدرن دسترسی داشته باشیم. طبیعتاً، ما در جنگ‌های هوایی نخواهیم توانست روی این فاکتور تکیه بکنیم؛ یعنی بیشتر به جنبه‌های پدافندی اهمیت خواهیم داد.

خوب! طبیعی است که در این زمینه، ما نیروی عظیمی داریم که کشورهای دیگر در اختیار ندارند و آن نیروی ایمان و علاقه‌ی مردم است که با استفاده از تکنولوژی ساده‌تر به ما این قدرت را می‌دهد که ما هر توطئه‌ای را در نطفه خفه بکنیم. خود فکر کردن به این دورنما، می‌تواند در برنامه‌ریزی صنایع نظامی ما اثر بگذارد، در سازماندهی مجدد ارتش.^(۱)

شرایط تسلیم شدن عراق از زبان پالمه و پاسخ شورای عالی دفاع

شورای عالی دفاع، دیشب به ریاست حجت الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای رئیس جمهوری، تشکیل جلسه داد. در پایان این جلسه که با شرکت حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی نماینده امام در این شورا، میرحسین موسوی نخست‌وزیر، تیمسار سرتیپ ظهیرنژاد رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، سرهنگ سلیمی وزیر دفاع و با حضور دکتر ولایتی وزیر امور خارجه، برادر شمعخانی قائم مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سرهنگ صیاد شیرازی فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و کمال خرازی مسؤول تبلیغات جنگ، تشکیل شد.

آقای هاشمی رفسنجانی پیرامون مسائل مطروحه در این جلسه به خبرنگاران واحد مرکزی خبر و خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: قسمت عمده‌ی وقت جلسه‌ی امشب، صرف گزارش جبهه‌ها شد و سرهنگ صیاد شیرازی فرماندهی نیروی زمینی به اتفاق گروهی از فرماندهان این نیرو که در این جلسه شرکت داشتند، عملیات طولانی تنگه‌ی چزابه را توضیح دادند و به نتایج آن رسیدگی شد.

مطالبی که آقای پالمه در رابطه با سفرشان و میانجی‌گری در جنگ تحمیلی مطرح کرده‌اند، نیز در جلسه مورد بحث قرار گرفت.

آقای هاشمی رفسنجانی آن‌گاه در پاسخ سؤالی که آیا در شرایط آقای پالمه مطلب جدیدی وجود دارد یا خیر؟ گفت: شرایط جدید مشخص و متمایز نبود، البته در فرمول‌ها، تغییراتی داده‌اند. شرایطی که ما مطرح کرده‌ایم، آن‌قدر صریح و روشن و حق است که کسی نمی‌تواند منکر آن‌ها شود؛ یعنی هرکس که به‌عنوان میاجی وارد قضیه شود، از پیش که با شرایط ما برخورد می‌کند نمی‌تواند آن‌ها را ندیده بگیرد. شرایط ما، خروج نیروهای متجاوز از خاکمان، پرداخت غرامت و خسارت جنگ که بر ما تحمیل شده و کیفر متجاوز است.

کسی نمی‌تواند بگوید که نیروها در خاک شما بمانند و کسی هم نمی‌تواند بگوید که خسارت پرداخت نشود. در مورد کیفر دادن متجاوز هم ممکن است بعضی بگویند حالا شما صرف‌نظر کنید و کیفر ندهید، اما وقتی که ما در سطح عام مطرح می‌کنیم که این مسأله شخصی نیست و به‌هرحال ظلمی شده است به‌دنیا و جنگی تحمیل شده و امنیت یک منطقه به‌هم خورده و عده‌ای بی‌گناه کشته شده‌اند و صدمه دیده‌اند، کسی نمی‌تواند بگوید شما خواهان کیفر نباشید؛ بنابراین، این اصول را می‌پذیرند.

آقای پالمه، در این سفر در پیش‌صحبت‌ها، لفظاً خروج بی‌قید و شرط نیروهای عراق را پذیرفته‌اند، اما بلافاصله می‌گویند که راجع به‌مرزها یا شط‌العرب بعد از خروج نیروها بنشینیم و مذاکره کنیم. گرچه این خروج، بی‌قید و شرط است، اما همین‌که می‌گویند بعد مذاکره، این خود یک شرطی است و یا در مورد خسارت‌ها اصل پرداخت خسارت را می‌پذیرند، ولی بعد می‌گویند زیر نظر سازمان ملل با کمک‌های داوطلبانه‌ی کشورهای جهان، خسارت ایران پرداخت بشود. ما چنین چیزی را نمی‌خواهیم. ما خسارت‌مان را از متجاوز می‌خواهیم و صدام و حزب بعث باید خسارت‌ها را بپردازند.

البته، ما حرفی نداریم که هرکسی می‌خواهد به‌صدام بدهد و او به‌ما بدهد، بنابراین قدم‌هایی پیش آمده‌اند، اما قدم‌های جدی نیست و مقداری فرمول‌ها عوض شده‌اند. ما هم مثل سابق اعلام کردیم، آقای رئیس‌جمهوری گفته‌اند که ما طالب جنگ نیستیم و می‌خواهیم صلح بشود؛ منتهی حاضر نیستیم که حقیقت را فدای شعار کنیم.

۴۶۶۰۰ کیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

باید واقعیت‌ها و حقیقت‌ها در نظر گرفته شوند و این جریان برای دیگران عبرتی شود که دیگران هوس نکنند در منطقه به‌مرزهای دیگران تجاوز کنند و هرکسی به‌حق خودش برسد. (۱)

در این مقاله، به بررسی و تحلیل وضعیت مرزهای ایران در پنج سال گذشته پرداخته می‌شود. در ابتدا، به مرزهای طبیعی و مصنوعی ایران اشاره می‌شود و سپس به تغییرات مرزها در این دوره پرداخته می‌شود. در ادامه، به بررسی علل این تغییرات و نقش عوامل داخلی و خارجی در آن پرداخته می‌شود. در نهایت، به راهکارهای پیشنهادی برای تقویت مرزها و جلوگیری از تجاوزات اشاره می‌شود.

مرزها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و نقش مهمی در امنیت و پایداری یک کشور دارند. در ایران، مرزها همواره مورد توجه بوده‌اند و در طول تاریخ، مرزهای ایران بارها تغییر کرده‌اند. در این مقاله، به بررسی تغییرات مرزها در پنج سال گذشته پرداخته می‌شود و به علل این تغییرات و نقش عوامل داخلی و خارجی در آن پرداخته می‌شود.

در این دوره، تغییرات مرزها در مناطق مختلف ایران مشاهده می‌شود. در برخی مناطق، مرزها تقویت شده‌اند و در برخی دیگر، مرزها تغییر کرده‌اند. این تغییرات مرزها می‌تواند به دلایل مختلفی باشد، از جمله تغییرات طبیعی، تغییرات مصنوعی و تغییرات ناشی از عوامل خارجی.

سیر جنگ به نفع ایران چگونه تغییر کرد؟

از ۲۷ اسفندماه ۱۳۶۰، وضعیت جنگ به سود ایرانی‌ها تغییر نمایانی کرد؛ چون ایران سرانجام توانست نیروهای خود را سامان دهد و عراقی‌ها را زیر ضربه‌ی حملات خود قرار دهد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران پیروزمندانه ارتش سوم عراق را در خرمشهر شکست داد و ده‌ها هزار اسیر جنگی گرفت؛ سپس به ارتش چهارم عراق روی آورد و آن‌ها را تا مرز دو کشور عقب راند.

آیت‌الله خمینی، سرشار از موفقیت در جبهه‌ها خواهان عزل صدام حسین شد، چون شخص او را عامل و مسؤول این جنگ می‌دانست. این فراخوان [آیت‌الله] خمینی در عراق هم شنوندگانی داشت، چون صدام حسین در فروردین ۱۳۶۱ (مارس ۱۹۸۲) در جلسه‌ی هیأت دولت عراق چنین مطرح کرد که «به نظر می‌رسد منظور خمینی این است که اگر من استعفا کنم صلح برقرار می‌شود، شاید حق با او باشد». جمله‌ای بود که منابع دیپلماتیک از قول صدام اظهار داشتند.

این ترفندی بود که بارها صدام بدان متوسل شده بود تا به وسیله‌ی آن مخالفان بالقوه‌ی خود را در دستگاه دولتی شناسایی کند. حقه‌ی صدام کار خود را کرد. ریاض ابراهیم، وزیر

بهداری در پاسخ صدام گفت: «شاید اگر عالی‌جناب چند ماهی کنار بمانید، ما بتوانیم حرف ایرانی‌ها را به‌محک بزنیم.» صدام در پاسخ گفت: «فکر خوبی است و باید به تفصیل درباره‌ی آن بحث کنیم.» صدام به‌دعوت خود رفت و وزیر بهداشت را به‌آن‌جا فراخواند. لحظه‌ای بعد، اعضای کابینه صدای گلوله‌ای را شنیدند، صدام به‌جلسه‌ی هیأت دولت بازگشت و به‌محافظان مسلح خود دستور داد جسد ریاض ابراهیم را بیرون ببرند. چند روز بعد خبر اعدام وزیر تیوه‌بخت در بغداد پخش شد. علت مرگ او را «وارد کردن داروهای بد»، «آلوده کردن» و کشتن سربازان عراقی ذکر کردند.

وزارت امور خارجه‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا رویدادهای جبهه‌ی جنگ ایران و عراق را نوعی هشدار تلقی کرد. ریچارد مورفی، سفیر وقت آمریکا در عربستان سعودی و یکی از طراحان سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده می‌گوید: «ما نگران گسترش شیعه‌گرایی تندرو بودیم. ما می‌دانستیم سایر کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس جمعیت شیعی مذهبی دارند و ممکن است در برابر این حرکت‌ها نتوانند ساکت بشینند. از همین‌رو تصمیم گرفتیم به‌جنگ پایان بدهیم. حالا این امر جزو اولویت‌های ما شده است.»

نخستین اقدام آمریکا آن بود که در فروردین ۱۳۶۱، نام عراق را از فهرست کشورهای مظنون به‌حمایت از تروریسم بین‌المللی حذف کند. هر کشوری که نامش در این فهرست بود تابع «کنترل سیاست خارجی» قرار می‌گرفت. مبادله‌ی تجاری آمریکا با آن کشور دشوار می‌شد و استحقاق دریافت کمک‌های ایالات متحده آمریکا را نداشت. پس برای آن‌که آمریکا بتواند به‌بغداد کمک کند، باید ابتدا اتهام تروریستی را از پیشانی پاک می‌کرد. حامیان عراق در دستگاه دولتی ریگان و از جمله نیکولاس ولیوتس، کفیل وزارت خارجه‌ی آمریکا در امور خاورمیانه، و مایکل آرماکاست، معاون وزارت‌خانه، این‌را یک مسأله‌ی صرفاً اداری می‌دانستند، اما وزارت خارجه برای زدودن اتهام تروریستی از رژیم عراق، در جمعیه‌ی پاندورا^(۱) را باز کرد.

در اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۱، وضعیت عراق در جبهه‌ها بسیار وخیم شد. نیروهای ایرانی از

۱ - جمعیه‌ی پاندورا، در اساطیر یونان جعبه‌ای بود که پاندورا اولین زن روی زمین با خود داشت، اما از بازکردن جعبه ممنوع شده بود. او ناآرامی کرد، جعبه را گشود و تمام بلیاتی که تاکنون گریبانگیر بشر شده از آن بیرون آمد؛ فقط امید در ته جعبه ماند تا بشر را تسکین دهد. (به‌نقل از دایرة‌المعارف فارسی مصاحب)

مرز عراق گذشتند و بصره دومین شهر بزرگ عراق را که تنها راه دسترسی کشور به خلیج فارس بود زیر فشار قرار دادند. صدام در منتهای نویدی از آیت‌الله خمینی تقاضای صلح کرد، وی اعلام کرد به طور یکجانبه نیروهای عراق را از ایران فرامی‌خواند (که البته همان عقب‌نشینی مخفیانه بود) و مرزهای بین‌المللی با ایران را می‌پذیرد. وقتی [آیت‌الله] خمینی پیشنهادش را رد کرد، صدام کوشید با جلب توجه ایران به دشمن مشترک دو کشور یعنی اسرائیل، نظر ایرانی‌ها را به جای دیگری منحرف کند. ماجرا از این قرار بود که روز سوم ژوئن یک مرد مسلح فلسطینی شولومو آرگوف سفیر اسرائیل در بریتانیا را در پله‌های هتل دورچستر لندن به گلوله بست و کم مانده بود که سفیر را بکشد. این ترور هم می‌توانست کار یاسر عرفات باشد و هم کار مناخیم بگین که نخست‌وزیر وقت اسرائیل بود و می‌خواست بهانه‌ای پیدا کند و پایگاه‌های فلسطینی در جنوب لبنان را مورد حمله قرار دهد و نابود سازد.

حمله‌ی اسرائیل به جنوب لبنان روز پنجم ژوئن (پانزده خرداد) آغاز شد و صدام طی خطابه‌ای عمومی از آیت‌الله خمینی خواست آتش بس عراق را بپذیرد و نیروهای مشترک ایران و عراق، در جهاد با اسرائیل به یکدیگر ملحق شوند. رهبر ایران پیشنهاد صدام را نپذیرفت. بعدها گفته شد که ترور آرگوف به دستور صدام حسین صورت گرفته است. پلیس لندن در تحقیقات خود پیرامون حادثه به این نتیجه رسید که تفنگ ضارب فلسطینی را یک افسر اطلاعاتی سفارت عراق در لندن به او داده است. عوامل عراقی پول عملیات را پرداختند و آن را طرح ریزی کردند. تروریست از سازمان ابونضال که مرکزش در بغداد بود، اجیر شده بود. این نقشه‌ی صدام که می‌خواست بدین وسیله مسأله‌ی جنگ را به انحراف بکشاند، موجب تلف شدن جان هزاران انسان در لبنان گردید.

هنگامی که وزارت امور خارجه‌ی آمریکا تصمیم گرفت بغداد را از تمامی اتهامات تروریستی مبرا اعلام کند، به خوبی می‌دانست که سازمان ابونضال از حمایت گسترده‌ی بغداد برخوردار است. مقام‌های انگلیسی نیز یافته‌های خود را در مورد دست داشتن عراق در ترور آرگوف به اطلاع ایالات متحده رساندند، اما به گفته‌ی ریچارد مورفی «از آن پس دیگر در وزارت امور خارجه در مورد حمایت بغداد از تروریسم سخنی به میان نیامد. موضوع کلاً و برای همیشه از دستور کار خارج شده بود.»

صدام حسین برای خود مأموریت و رسالتی قابل بود و اعتقاد داشت که حزب بعث با توسل به جنگ، خشونت و وحشت افکندن می تواند لکه‌ی ننگ حقارت اعراب را که ناشی از صهیونیسم، امپریالیسم و استعمار است بزداید. رهبر عراق به شارل سن پرات مقاله نویسی گفته بود: «عرب امروزی... باید ارتشی نوین، ارزش‌هایی تازه و شیوه‌ی زندگی مسؤولانه داشته باشد. او باید در آن واحد، در نقش شهروند، میهن پرست و سازنده عمل کند». تصویری که پرات از صدام ارائه کرد به صورت جزوه‌ای نفیس از سوی سفارت بغداد در پاریس به چاپ رسید و به رایگان میان علاقه‌مندان توزیع می‌شد. عرب امروزی می‌بایست در فعالیت ماندگار و نمایانی که صدام حسین مبتکر آن بود شرکت جوید. این فعالیت همانا بزرگ‌ترین قدرت نظامی‌ای بود که تا آن زمان در جهان عرب سابقه نداشت. یکی از دیپلمات‌های شوروی بعدها در این باره گفت: «صدام برای ماور است که بزرگ‌ترین رهبر جهان و از تراز مردانی است که در هر نسل فقط یکی پیدا می‌شود». حالا اگر بدشمنی آورده و در کشور کوچک عراق به دنیا آمده، چاره‌ای ندارد جز این که عراق را به صورت کشور قدرتمندی درآورد تا به بلندپروازی‌ها و جاه‌طلبی‌هایش جامه‌ی عمل پوشانده باشد.

صدام قصد داشت خود را صلاح‌الدین جدیدی قلمداد کند (صلاح‌الدین ایوبی یکی از سرداران سپاه مسلمانان در جنگ‌های صلیبی بود که در قرن دوازدهم میلادی، صلیبی‌ها را از فلسطین بیرون راند) صدام به میهمانانی که از عراق بازدید می‌کردند یادآور می‌شد که این تصادف ساده نیست که زادگاه صلاح‌الدین ایوبی هم در نزدیکی‌های تکریت بوده است. سرنوشت، این دو رهبر جهان اسلام را از بسیاری جهان به یکدیگر همانند ساخته بود. صدام طی سال‌هایی که در سایه‌ی عموزاده‌اش احمد حسن البکر بود توانست تصویری از خود ارائه دهد که در هر میدان، هر چهارراه، هر خیابان و هر اتاق در کشور عراق با ابهت و هیبت تمام نصب شده بود. در این تصویرها، صدام حسین در هیأت یک مسلمان ایثارگر، در حال نماز در مسجد، در لباس یک رزمنده‌ی عرب که پیروزمندانه سوار بر اسب سفید هم‌چون سلفش بنو کد نصر، وازد اورشلیم می‌شود، و در لباس سردار قادسیه (که یادآور پیروزی اعراب مسلمان بر ایرانیان مجوس بود و قادسیه‌ی دیگری را رهبری می‌کرد) نشان داده می‌شد. رهبر عراق همه‌جا و در هر لباس و هیأتی دیده می‌شد. او همه‌جا بود. در سال ۱۹۸۲ برای

روزنامه‌نگاران کویته درباره‌ی کیش شخصیت صحبت کرد:

«ممکن است فکر کنید روزنامه‌نگاران عراقی از صدام حسین تعریف می‌کنند؛ چون نوکر و جیره‌خوار دولتند، اما من از شما می‌پرسم: آیا هرگز دختر کوچکی را دیده‌اید که یک سرود میهنی بخواند و نام صدام حسین را بر زبان جاری نکند؟ آیا او هم جیره‌خوار دولت است؟ آیا شنیده‌اید که شاعری، حکامه‌ای بسراید و در آن به کرات از صدام حسین سخن نگوید؟ آیا دیده یا شنیده‌اید که دهقان، کارگر ساده یا زنی که شوهرش را در جبهه‌ی جنگ از دست داده است از انقلاب حرف بزند، اما نام صدام حسین را بر لبان خود جاری نسازد؟... پروید با زنان کشور ما، با این همسران شهیدان صحبت کنید، آن‌ها نمی‌گویند که شوهرشان در راه میهن به شهادت رسیده است. نخستین حرفی که از آن‌ها می‌شنوید این است که در راه صدام حسین جان باختند... صدام حسین نماد و مظهر همه‌ی عراقی‌هاست زیرا عراقی‌ها بیش از یک آدم متوسط اهل مسکو به این نماد نیاز دارند.

رژیم همان صدام، و صدام همان رژیم بود. تمامی منابع عظیم عراق از نفت گرفته تا نیروی کار متخصص، و آب فراوان، همه و همه در کنترل او بودند. همگی در خدمت جاه‌طلبی‌هایش قرار داشتند تا او بتواند قدرت فاتحی نظامی خاورمیانه و ژاندارم جدید خلیج فارس بشود. در ژوئن ۱۹۸۲، صدام تصمیم گرفت برنامه‌ی پرهزینه‌ی ساختن شبکه‌ی پناهگاه‌های زیرزمینی را به اجرا گذارد تا بتواند منابع استراتژیکی را از خطر حملات هوایی آینده مصون نگاه دارد. او این درس را تا خدی از حادثه‌ی ازیراک آموخته بود. یکی از مهندسان انگلیسی که در کار ساختن پناهگاه‌ها دست داشته، می‌گوید تمامی ساختمان‌های تازه‌ی دولتی بغداد دارای پناهگاه زیرزمینی بود. کالین کرافت، رئیس فدراسیون انگلیسی مشاوران و مقاطعه‌کاران پناهگاه‌های هسته‌ای می‌گوید: شرکت‌های انگلیسی طرح‌هایی ارائه کردند که به موجب آن برای ۴۸۰۰۰ سرباز، پناهگاه امن ساخته می‌شد. هر پناهگاه تونل پولادین داشت و می‌توانست تا ۱۲۰۰ نفر را در خود جای بدهد. در هر پناهگاه پست‌های فرماندهی، محل بیماران، اتاق‌های ضد آلودگی، آشپزخانه، انبار غذاهای خشک، آب، و قورخانه یعنی تمامی ملزومات یک اقامت بلندمدت پیش‌بینی شده بود.

یکی از پناهگاه‌ها در زیر یک سینما و زیر مجتمع اداری الشجود چسبیده به کاخ ریاست

جمهوری بنا شده بود. این پناهگاه با معیارهای صدامی چندان بزرگ نبود (۳۰ پا در ۱۵ پا)، اما پر از تجهیزات الکترونیکی، کامپیوترها، تله پزینت‌ها، و شبکه‌ی ارتباطاتی بود. دفتر صدام را با تمام نقاط عراق و نیروهای مسلح عراق در تماس دائم قرار می‌داد.

صدام از یک شرکت آلمانی در آگسبورگ به نام «بوسائوونکناور» خواست پناهگاه مطمئن‌تر و مجهزتری برای او در زیر کاخ ریاست جمهوری - که در دست ساختمان بود - بسازد. این پناهگاه در قعر ۳۰۰ پایی زیر رود دجله بنا می‌شد. مهندس آلمانی که در آن هنگام مشاور امنیتی صدام بود، می‌گوید اگر بمبی به قدرت بمب اتمی هیروشیما در فاصله‌ی سیصدمتری این پناهگاه منفجر می‌شد «صدام را فقط تکان مختصری می‌داد». این پناهگاه از روی الگوی مقر آمریکایی فرماندهی و کنترل نوراد (NORAD) در زیر کوه شاین در کلرادو اسپرینگز، ساخته شده بود. فنرهای عظیمی به قدرت ۶۰ سانتی‌متر بر بستری از لاستیک قالب‌گیری شده، شالوده‌های زیربنایی خانه‌ی مکمبی و زیرزمینی صدام را حمایت می‌کردند. بین دیوارهای پناهگاه و بستر دجله، فاصله‌ای گذاشته بودند تا بنا بتواند «بازی کند». دیوار بیرونی به ضخامت ۶ تا ۸ پا از بتون مسلح ساخته شده بود.

دو راه فرار از پناهگاه به پناهگاه آلمانی کشیده شده بود: یک آسانسور ضد زلزله، در دیوارهای دفتر زیرزمینی صدام و یک پلکان برقی که تنها از زیرزمین قصر وارد آن می‌شد. پست‌های کنترلی مجهز به مسلسل خودکار از این بنا محافظت می‌کردند.

اگر لازم می‌شد صدام در این پناهگاه اقامت کند، ناچار بود تعداد زیادی رمز قفل‌ها را یاد بگیرد تا بتواند درهای سردابه به ضخامت شش پا را بگشاید. این درها به محوطه‌ی سردابه‌مانندی باز می‌شدند که دوش آب و اتاق ضد آلودگی داشت تا او در صورت حمله‌ی شیمیایی یا اتمی بتواند در آنجا اقامت کند. مراقبت به گونه‌ای بود که اگر کسی به داخل ساختمان رخنه می‌کرد، دوربین‌های ویدیویی او را می‌دیدند و مسلسل‌های خودکار نصب شده بر دیوار، بر سر و روی او گلوله می‌باریدند.

در طبقه‌ی اول پناهگاه، مقر گارد محافظ بود که خوابگاه‌های شبانه‌روزی، بوفه و دوش‌های ضد آلودگی داشت. طبقه‌ی زیر آن مقر رئیس‌جمهور بود. یک آپارتمان مجلل خصوصی، که از سنگ مرمر خارجی مفروش بود و یک مقر فرماندهی در این قسمت واقع

شده بود. مقر فرماندهی و کنترل یا مقر نمونه‌ی آن در ناتو برابری می‌کرد. طبقه‌ی سوم مخصوص انبارها، ژنراتورهای برق، مخازن سوخت و آب بود. مهندسان ژاپنی که دوربین‌های امنیتی بنا را نصب کردند، می‌گویند از آن پناهگاه از طریق یک تونل به پناهگاه دیگری وارد شده‌اند و فکر می‌کنند این پناهگاه‌ها را شبکه‌ای از تونل‌ها درست مثل لانه‌ی مورچگان به هم متصل می‌سازد.

صدام با یادآوری نقشه‌ی توطئه‌گرانی که ده سال قبل می‌خواستند حسن البکر، را در فرودگاه بغداد و هنگام بازگشتش از بلغارستان ترور کنند، به فوگروول و اسپایاتینبول، شرکت‌های فرانسوی مهندسی ساختمان سفارش داد در فرودگاه بین‌المللی بغداد که در دست تأسیس بود، محل جدیدی برای مهمانان عالی‌قدر بسازند که دارای راه فرار و یک مسیر کاملاً مجزا باشد. هنوز هم مهندسان شرکت، ویژگی‌های غیرمعمول تسهیلات و امکانات فرودگاه را به یاد می‌آورند. «اگر به فرودگاه حمله می‌شد، صدام می‌توانست از یک تونل ۱۵ کیلومتری در زیر محل مخصوص مهمانان فرار کند. در انتهای تونل که به صحرا باز می‌شد محوطه‌ی مخفیانه‌ی هلی‌کوپترها بنا شده بود.» پناهگاه‌های عظیمی با بتون مسلح در زیر سه ترمینال مسافری فرودگاه ساخته شد و در باند فرودگاه به پهنای ۶۰ متر - شاید پهن‌ترین باند فرودگاه در جهان - که با بتونی به ضخامت یک متر زیرسازی شده بود، دو بمب افکن می‌توانستند هم‌زمان و پهلو به پهلو یکدیگر به پرواز درآیند.

«ذهنیت پناهگاهی» صدام آن‌چنان قوی بود که از حد و مرزهای حفظ جان خود بسی فراتر می‌رفت. در ژوئن ۱۹۸۲، یک قرارداد به ارزش ۸۲۰ میلیون دلار با شرکت بلژیکی امضا کرد. این شرکت اکثر کارهای ساختمانی مجتمع شیمیایی القائم را نیز انجام داده بود. هدف از این طرح مجلل و مسرفانه که به نام رمزی «پروژه‌ی ۵۰۵» خوانده می‌شد، آن بود که برای جنگنده‌های پیشرفته‌ی عراقی ۸۰۰ پناهگاه در عمق ۵۰ متری زمین احداث گردد. سیکس کو (شش شرکت ساختمانی بین‌المللی) در اکتبر ۱۹۸۲ کار پروژه‌ی ۵۰۵ را آغاز نمود. یک شرکت ساختمانی فرانسوی به نام ژرد فرانس با سیکس کو همکاری می‌کرد. شرکت سیکس کو از تضمین اعتبارات صادراتی دولت بلژیک که تأمین‌کننده‌ی آن Office du Ducroire بود، استفاده می‌نمود. با به پایان رسیدن این پروژه در سال ۱۹۸۶ یا ۱۹۸۷ دولت عراق جمعاً

۲/۵ میلیارد دلار صرف ساختن پناهگاه‌ها کرده بود، در حالی که نیروی هوایی ایران، آن چنان تهدیدی به‌شمار نمی‌رفت.

سیکس کو، از مقر مرکزی خویش در خیابان حیفای جنوب بغداد بر انجام پروژه نظارت داشت و طی چهارسال بعد از امضای قرارداد، ۱۷ پایگاه هوایی و چند مقر واحدهای مسلح را بنا نمود. نخستین پایگاه‌های سیکس کو، در تل عفار (موصل)، عدحین (سامره)، آلحی (جنوب غربی بغداد) کیلومتر ۱۶۰ واقع در انتهای شاهراه ۱۶۰ کیلومتری بغداد - الرتبه - امان، توز (کرکوک)، سلمان (نزدیک مرز سعودی)، الیوسف (شمال بصره) و کلات صالح در طول مرز ایران بودند. مهندسان فرانسوی سازنده پایگاه کلات صالح می‌گویند: پایگاه آن قدر بزرگ بود که چند ده فروند هواپیمای جنگنده، انبار موشک، سوخت و تجهیزات نگهداری و تعمیر لازم را در خود جای می‌داد. طوری ساخته شده بود که به‌هنگام حمله‌ی بیولوژیکی، شیمیایی و هسته‌ای (NBC) کاملاً خودکفا باشد. تنها چیزی که بالای این پایگاه زیرزمینی وجود داشت، راهروی مخفی بود که با دری از بتون مسلح به ضخامت ۱/۵ متر بسته می‌شد. مقَر خدمه‌ی هواپیماها و مهمات از طریق تونل‌های پناهگاه به‌هم راه پیدا می‌کرد. میراژهای عراقی که در این پایگاه مستقر بودند در جریان جنگ با ایران از طریق همین راهرو از پناهگاه خارج می‌شدند و به پرواز درمی‌آمدند. شاهدان گفته‌اند که جنگنده‌ها ناگهان در هوا پیدا می‌شدند. آن‌ها از باند ۳۰۰۰ متری‌ای می‌گذشتند که در پناه تپه‌های مصنوعی ایجاد شده بود و ناظری که ۱۰ متر آن طرف‌تر بود، می‌توانست این باندها را ببیند.

نقشه‌های این پروژه‌ها که بعداً در مطبوعات بلژیک به‌چاپ رسید، نشان می‌دهند که ۸ پناهگاه ساخته شده توسط سیکس کو همه مثل هم بوده‌اند. در هر کدام محوطه‌ای به‌طول ۵ تا شش کیلومتر قرار داشت و دورتادور آن را سیم خاردار کشیده بودند. برج دیده‌بانی در مدخل مرکزی پایگاه واقع شده بود و به‌شدت آمد و رفت‌ها را کنترل می‌کرد. مسیرهای باریک آسفالت‌شده در داخل پایگاه، پناهگاه‌های داخلی نفرات، انبار مهمات، مخازن سوخت و نیروگاه‌های برق دوقلو را به‌هم متصل می‌ساخت. ۱۲ آشیانه‌ی هواپیماهای جنگنده در ردیف‌های سه‌تایی از بتون مسلح ضخیم ساخته شده بودند و در تقاطع باندهای دوگانه قرار داشتند. ضخامت دیواره‌ی آشیانه‌ها بیش از نیم‌متر بود و روی آن‌ها را گل و خاک بیابان

استتار کرده بودند، تا وقتی از هوا نگاه می‌کنند، مشخص نشود.

این پراکنده کردن امکانات حیاتی موجب شده بود تا پایگاه‌ها در مقابل حملات هوایی چندان آسیب‌پذیر نباشد. یک شاهد عینی که در سال ۱۹۸۵ از پایگاه کلات صالح بازدید کرده، می‌گوید: یک موشک ایرانی در فاصله‌ی چند متری دزد ورودی آشیانه‌ی جنگنده‌ها فرود آمد، بی‌آن‌که خسارت چندانی وارد آورد. هر پایگاه می‌توانست یک تیم سیصد نفره‌ی خلبان، مکانیک و پرسنل پشتیبانی را در خود جای دهد. در خلال جنگ عراق - ایران، خلبانان عراقی با حداکثر بار مهمات از این پایگاه‌ها برمی‌خاستند. این هواپیماها از تقویت‌کننده‌هایی به‌منظور ازدیاد قدرت پرتاب‌کنندگی استفاده می‌کردند. این تقویت‌کننده‌ها شامل «راکت‌های» هوایی کمپرس شده بودند. پرکردن مجدد آن‌ها از مخازنی بود که آنتون آی‌لر خلبان سابق نیروی هوایی هیتلر و مدیر شرکت راین - بایرن، آن‌ها را طرح‌ریزی کرده بود.

سیکس کو، تنها شرکت سازنده‌ی پایگاه‌های هوایی مستحکم زیرزمینی نبود. شرکت‌هایی از یوگسلاوی و بریتانیا پروژه‌های ۴۰۴ و ۳۰۳ را اجرا کردند. شرکت‌های سویسی با ساختن قفل‌های هوایی (محفظه‌های هوای فشرده)، پایگاه‌ها را در برابر حملات شیمیایی و هسته‌ای مورد حفاظت قرار دادند؛ ایتالیایی‌ها درب‌های ضدانفجاری پایگاه‌ها را ساختند، شرکت‌های فرانسوی بنای ساختمان‌کندوی عسلی آشیانه‌ی جنگنده‌ها را برعهده گرفتند. و سرانجام شرکت‌های آلمانی و انگلیسی نیروگاه‌های برق پایگاه‌ها و تجهیزات ارتباطی را تهیه کردند. هر کشوری یک تکه از نان شیرینی را به‌خود اختصاص داده بود.

یکی از جنبه‌های نمایان معامله‌ی سیکس کو، ترتیب دادن دیدارهای مقامات عراقی از پایگاه‌های هوایی ناتو در بلژیک و آلمان غربی و مشاهده‌ی نحوه‌ی حفاظت پایگاه‌های هوایی ناتو از حملات میکروبی - شیمیایی - هسته‌ای (NBC) بود. عراق بدین ترتیب ۳۰۰ پایگاه مستحکم نیروی هوایی و ۳۰۰ پایگاه قلایی «بوتمکین» برای فریب‌دادن هواپیماهای دشمن بنا نمود. کل پروژه و از جمله استفاده از پناهگاه‌های ماکت، براساس آموزه‌ی ناتو و توسط مقاطعه‌کاران ناتو ساخته شد.

منابع نظامی در بغداد گفتند: پایگاه‌های عراقی و نیز کارخانه‌های صنعتی حیاتی کشور، در

۴۷۶ کی بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

برابر نبض الکترو مغناطیس (EMP) نیز مورد محافظت قرار گرفته‌اند. انفجار هسته‌ای که امواج ضربه‌ای الکترو مغناطیسی ایجاد می‌کند، می‌تواند تمامی قطعات سیلیکن را ذوب سازد و شبکه‌ی الکترونیکی و ارتباطاتی سلاح‌های متعارف را از کار بیندازد. این نبض الکترو مغناطیسی تنها و تنها از طریق انفجار هسته‌ای به وجود می‌آید.

چند سالی گذشت و خبر مربوط به برنامه‌ی ساختن پناهگاه‌های مستحکم، در سال ۱۹۸۵ به خارج درز کرد. کارشناسان منع تکثیر سلاح‌های اتمی به فکر فرو رفتند. صدام، میلیاردها دلار خرج بناکردن پناهگاه‌های مستحکم دفاعی نمود تا از حملات اتمی اسرائیل بر تأسیسات نظامی حیاتی جان سالم به در ببرد. این نکته جای تأمل داشت، اگر عراق هم در این گیرودار به برنامه‌ی تولید سلاح اتمی ادامه می‌داد، ساختن این استحکامات دفاعی فقط یک معنی می‌توانست داشته باشد: درگیری در یک جنگ اتمی و پیروزی در آن.

طی مدت ۱۸ ماه، جریان جنگ به‌زیان عراق ادامه یافت و شوروی به تحریم تسلیحاتی ادامه داد. شوروی در ضمن خرید نفت و سایر کالاها از عراق را به تدریج کاهش داد و از ۲۴۷ میلیون روبل در ۱۹۸۰ به صفر در ژانویه ۱۹۸۱ رسانید. شوروی در توجیه این سیاست می‌گفت: به درخواست ایالات متحده‌ی آمریکا در مورد «بی‌طرفی اکید» در جنگ خلیج فارس پاسخ مثبت داده تا از گسترش درگیری به کشورهای مجاور جلوگیری کند؛ اما این سیاست بی‌طرفی برای هر دو ابرقدرت، راحت و آسان بود و هر یک در پشت صحنه به شدت منافع خود را دنبال می‌کرد. شوروی‌ها در این زمینه موفقیتی بیشتر از آمریکایی‌ها داشتند و سعی می‌کردند خلاء ایجادشده از غیبت ایالات متحده‌ی آمریکا در ایران را پر کرده، در حکومت نفوذ کنند. ایران به دلیل همسایگی با افغانستان (که شوروی از دسامبر ۱۹۷۹ آن‌جا را به اشغال خود درآورده بود)، و مرز ۱۲۰۰ مایلی مشترک با شوروی، برای این ابرقدرت از موقعیت خاصی برخوردار بود.

رهبان کرملین می‌دانستند که عراق بدون دریافت سلاح‌های سنگین، قطعات یدکی و مهمات به‌زودی از پا درخواهد آمد، صدام می‌توانست به فرانسه روی بیاورد، یا حتی با ایالات متحده‌ی آمریکا به‌مشاوره بپردازد اما این هم حقیقتی بود که ۹۵ درصد سازو برگ نیروی نظامی عراق ساخت شوروی بود، حتی فروش عظیم سلاح‌های ساخت شوروی توسط مصر

نمی توانست تمامی نیازهای ارتش عراق را برآورده سازد. شوروی منتظر روشن شدن نتایج بازی «شطرنج با ایران» بود و صبر کرد تا مقادیر عظیم سلاح و مهمات عراقی در میدان جنگ ناپدید گردد و موجودی سازوبرگ عراق ته بکشد. همان کاری که در جریان غائله ی کردها در سال های ۱۹۷۵ - ۱۹۷۴ نیز کرده بود؛ منتظر بود تا جنگ به زیان صدام ادامه یابد و عراق را در وضعیت محتاج قرار دهد.

در ژوئن ۱۹۷۲، شوروی بار دیگر تحویل اسلحه به عراق را - از روی ضرورت و اختیار هر دو - از سر گرفت. در آن هنگام ابتکار جنگ زمینی کاملاً در دست ایرانی ها بود. اسرائیل به لبنان حمله برده و نیروی هوایی سوریه را بدون آن که اختطاری از مسکو دریافت کند شکست داده بود و در ایران نیز پاره ای محافل، آشکارا از حمایت شورشیان افغانی در مبارزه شان با مهاجمان شوروی سخن به میان می آوردند. شوروی می توانست دست روی دست بگذارد و درسی دیگر به صدام حسین بدهد، اما نمی خواست در جنگ دیگری نیز بازنده باشد. اگر مقادیر عظیمی سلاح و سازوبرگ جنگی نو به فوریت به دست عراقی ها نمی رسید، از ایران شکست می خوردند. و نیز تصور در انجام تعهدات بلندمدت موجب می شد که اعتبار شوروی در جهان سوم پایین بیاید. «ندادن سلاح به کشوری که پیمان دوستی با شوروی دارد، یک چیز است و اجازه دادن به این که طرف امضاکننده شکست بخورد و رژیمش سقوط کند، چیز دیگر» این سخنی است که شهرام چوبین تحلیل گر ایرانی در مورد رابطه ی شوروی - عراق در آن مقطع گفته است. برژنف هم اگر به یاری بغداد نمی شتافت، سرنوشتی بهتر از جیمی کارتر در انتظارش نبود.

از دیدگاه سیاسی که بنگریم، از سرگرفتن تحویل سلاح شوروی به عراق قدری دیر بود. حالا دیگر بغداد به کنترل نیروهایش توسط شوروی، رضایت نمی داد. به علاوه؛ از آن پس هر مقدار سلاح شوروی که وارد بغداد می شد، می بایست خالی از شرط و تعهد سیاسی باشد، چون صدام می توانست به کشورهای دیگری رجوع کند و آن ها مشتاقانه نیازهای تسلیحاتی اش را برآورده می کردند. در نبرد قدرت و نفوذ بغداد - مسکو ظاهراً صدام پیروز گردید. هر چند سلاح هایی که عراق از غرب می خرید نمی توانستند جایگزین زرادخانه ی عظیمی بشوند که شوروی در اختیار عراق قرار می داد، اما به او کمک می کردند تا بندهای

۴۷۸ کیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

وابستگی را بگسلد.

در نوامبر ۱۹۸۲، بین هزار تا هزار و دویست مشاور نظامی شوروی به عراق بازگشتند و در پایگاه‌های نظامی، فرودگاه‌ها و پادگان‌ها مستقر شدند. ۴۰۰ فروند تانک T-55 و ۲۵۰ فروند تانک T-72 به عراق داده شد و مقادیر عظیمی موشک گراد، فراگ ۷، سام ۹، و اسکادبی در راه بود جنگنده‌های میگ ۲۵ شناسایی و هلی‌کوپترهای توپ‌دار M.I-24 نیز به عراق تحویل شدند. طرفداران اعراب در کرملین در توجیه این سیاست شوروی می‌گفتند: «خروج» نیروهای عراق از ایران، (که همان عقب‌نشینی باشد) و رفتن به پشت مرزهای بین‌المللی در هشتم تیر، فرصت کاملی به شوروی داده تا سیاست خود را ارزیابی کند. شوروی حس می‌کرد در تلاش‌هایش به منظور نفوذ در ایران به بن‌بست رسیده و از این نگران بود که عراق هم دست به‌جانب آمریکا دراز کند. رویدادهای بعدی نشان دادند که در این نگرانی اخیر، حق کاملاً با شوروی‌ها بوده است.

سرکیس سوغنیان، وقتی دست دوستی به کسی می‌داد، این دوستی مادام‌العمر بود. او به دنبال جنگ داخلی لبنان در آوریل ۱۹۷۵، بیروت را ترک گفت و در میامی آمریکا مستقر شد؛ آن‌جا مثل خانه‌اش بود. مثل آمریکایی‌ها می‌پوشید، مثل آن‌ها حرف می‌زد و جوک می‌گفت، اما البته ته دلش لبنانی بود و بنابراین مثل یک ریش سفید لبنانی کسب و کارش هم خانوادگی بود: من و برادرم علیه عموزاده‌ام، من و عموزاده‌ام علیه همی جهان...

سرکیس و برادرش زاون، در غرفه‌ی هواپیمایی هیوز، چسبیده به فرودگاه نظامی فاینبورو، در لندن مستقر شدند. این بار به‌جای نمایشگاه هوایی پاریس، فاینبورو، بزرگ‌ترین نمایشگاه هوایی جهان بود.

شاید هیچ‌وقت کسب و کار سرکیس به‌خوبی آن‌روزها یعنی سپتامبر ۱۹۸۲ (شهریور ۱۳۶۰) نبود. سرکیس و زاون، با، سوفما، در مورد فروش دقیق‌ترین و گران‌بهارترین توپ دنیا به عراق مذاکره کرده بودند. معامله به قدری بالا بود که تنها ۶۰ میلیون دلار حق دلالتی دو برادر می‌شد. شاید همین معامله برای سرکیس بس بود، اما چه می‌شود کرد، تجارت و دادوستد با خون او عجین شده بود. در حین صحبت با افسر تدارکاتی عراقی در غرفه‌ی هیوز، ناگهان به‌او الهام شد که عراق باید از هلی‌کوپترهای آمریکایی چند فروندی خریداری کند. هیوز، مدل

کوچکی از هلی کوپتر دفتند ۵۰۰ ام ای، به افسر اعرافی نشان داد. این هلی کوپتر برای زیر نظر گرفتن صحنه‌ی نبرد، ابزار کاملی بود. سرکیس به عراقی‌ها گفت: اگر مایل باشند ترتیب خرید آخرین مدل موشک ضدتانک تاو، را نیز خواهد داد.

ژنرال حامد عبدالله محمد، فکر سرکیس را پسندید، اما ترجیح داد نظر بغداد را در مورد خرید سلاح از ایالات متحده‌ی آمریکا جویا شود؛ چون عراق با آن کشور رابطه‌ی دیپلماتیک نداشت. از آن طرف هم سرکیس از دوستانش در لانگ لی، ویرجینیای آمریکا و مقر سیبا، سؤال کرد که آیا دولت آمریکا با فروش اسلحه به عراق موافق است یا خیر. طولی نکشید که بغداد و سیبا هر دو پاسخ مثبت خود را اعلام کردند. طی چند ماه بعدی، سرکیس و ژنرال حامد عبدالله محمد، در مورد خرید ۶۰ فروند هلی کوپتر آمریکایی هیوز به توافق رسیدند. عراق خواست از بابت پول این هلی کوپترها نفت بدهد. هیوز اعلام کرد هنگامی که نفت عراق به شیورون، شرکت آمریکایی تحویل شود با این ترتیبات موافق است.

دولت ریگان در دسامبر ۱۹۸۲، کنگره‌ی آن کشور را از فروش مزبور آگاه ساخت. چهار سناتور جمهوریخواه با این معامله مخالفت کردند، چون به نظر آن‌ها این «بهترین وجه منافع ایالات متحده‌ی آمریکا را تأمین نمی‌کرد»، اما کارچاق‌کن‌های شرکت هلی کوپترسازی دست به کار شدند و ظرف دو سه هفته، وزارت بازرگانی ایالات متحده‌ی آمریکا موافقت رسمی خود را این فروش اعلام نمود. سوداگران اسلحه به سناتورها گفتند که اعتراضشان بی‌مورد است، زیرا فروش هلی کوپتری که از ده هزار پوند کمتر وزن داشته باشد، به کشورهایی که مشمول محدودیت‌های سیاست خارجی نیستند، نیازی به کسب پروانه‌ی صادراتی ندارد (عراق در ماه مارس همان سال، نامش از فهرست کشورهای هوادار تروریسم حذف شده بود)؛ تا پایان سال ۱۹۸۲ هر ۶۰ فروند هلی کوپتر به عراق تحویل شد.

فروش هلی کوپترهای هیوز، چیزی فراتر از فروش صرف اسلحه بود. در قرارداد فروش، فروش قطعات یدکی، آموزش پرسنل، تجهیزات پشتیبانی نیز پیش‌بینی شده بود. حالا نوبت صدام بود که مزه‌ی حمایت تکنولوژی برتر را بچشد، حمایتی که شاه ایران نیز پنج سال قبل از سقوط خویش از آن برخوردار بود. هیوز، هلی کوپترهایی را که تحویل داد، مسلح به موشک تاو نبودند، چون این عمل غیرقانونی بود و عوامل عراقی ناچار شدند موشک‌ها را از بازار

سپاه بین‌المللی بخرند. سرکیس بعدها در دادگاه فلوریدای آمریکا متهم شد که به عراق در خرید و به‌کارگیری موشک تاو کمک کرده است. در یک اتهام جداگانه، سرکیس را به جرم تلاش در راه ترتیب دادن فروش ۱۰۳ فروند هلی‌کوپتر مسلح به عراق از طریق کویت محاکمه کردند. به‌گفته‌ی فرانسویانی که فروشنده‌ی اسلحه بودند و در موارد دیگر مستقیماً با سرکیس مذاکره می‌کردند، معامله‌ی ۱۰۳ فروند هلی‌کوپتر در ضمن با مبادله‌ی اطلاعات جاسوسی نیز همراه بوده است. سرکیس در سفری که با هواپیمای جت شخصی «ووح سوداگری آزاد» به عراق انجام داد، یک سلاح توپخانه‌ی پیشرفته ساخت روسیه را به‌فرانسه برد و در فرودگاه نظامی یورژه به‌عوامل سیا تحویل داد.

دیپلمات‌های آمریکایی که در آن‌زمان در بغداد بودند، اذعان داشتند که فروش هلی‌کوپتر «مفت و مجانی نبوده است». عراقی‌ها مدام در گفت‌وگوهای خصوصی با آمریکایی‌ها علاقه‌ی خود را به خرید سلاح‌های پیشرفته‌ی آمریکایی و از جمله جنگنده‌های بسیار پیشرفته ابراز کردند، اما متوجه شدند که فروش سلاح در حجم زیاد با مخالفت شدید کنگره‌ی آمریکا روبه‌رو خواهد شد. یکی از دیپلمات‌ها گفت: «مسئلاً عراقی‌ها دوست دارند دست توی یک ظرف شیرینی بکنند، اما حاضر نیستند به‌خاطر آن، دست خود را بسوزانند.»

عراق ترجیح داد گام به‌گام پیش برود و ابتدا سعی کرد در میان گروه سوداگر و کارچاق‌کن دلال سلاح‌های هوایی، در کمربند زراعی میانه‌ی باختری آمریکا و انجمن‌ها و مؤسسه‌های کلیدی آن کشور حامیانی دست و پا کند. خلاصه این‌که عراقی‌ها ناچار بودند کارچاق‌کن‌هایی در خود محافل سوداگری آمریکا پیدا کنند. کسی که در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳، دورادور مواظب این حرکت عراقی‌ها بود، آن‌را بسی شاق می‌یافت، اما نمره‌ای که به‌بار آورد، حتی بیش از آنی بود که عراقی‌ها انتظارش را داشتند.^(۱)

دیدار سرپرست بسیج مستضعفین با رئیس مجلس شورای اسلامی هاشمی رفسنجانی: روزی می‌رسد که ایران به‌تنهایی آمریکا و طرفدارانش را به‌زانو درآورد

حجت‌الاسلام سالک، سرپرست بسیج مستضعفین به‌اتفاق شورای سرپرستی و مسؤولین بسیج در سراسر کشور، با حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی دیدار و گفت‌وگو کردند.

در این دیدار، سرپرست بسیج مستضعفین، ضمن بیان گزارش مشروحی از وضع بسیج و برشمردن فعالیت‌ها و کارهای انجام‌شده توسط این بسیج، خواستار رهنمودهایی از رئیس مجلس شورای اسلامی شد.

آنگاه، هاشمی رفسنجانی، در ابتدا سابقه‌ی تشکیل بسیج و مطرح‌شدن ارتش بیست‌میلیونی و ضرورت تشکیل چنین ارگانی پس از انقلاب را متذکر شد و از فعالیت بسیج قدردانی کرد.

رفسنجانی در بخشی دیگر از سخنان گفت: علت این‌که ما توانستیم در حین محاصره‌ی اقتصادی و با کمترین رقم فروش نفت و نیز با مشکلات داخلی، جنگ را به‌مدت

یک سال و نیم ادامه دهیم، ناشی از روحیه و ایمان قوی مردم و این بسیج ۲۰ میلیونی است. ما، در تاریخ دنیا، چیز عجیبی را خلق خواهیم کرد و روزی می‌رسد که ایران به‌تنهایی آمریکا و طرفدارانش را به‌زانو درآورد و ما کم‌کم باید شروع به کار کنیم.

هاشمی رفسنجانی، در قسمت دیگری از سخنانش خطاب به مسؤولین دهگانه‌ی بسیج گفت: از همین حالا که در عمل هستید، هسته‌هایی را متشکل از نیروهای مردمی درست کنید که حماسه‌ها و افتخارات این دوره از جنگ را در تاریخ ثبت کنند و به‌افرادی که به‌جبهه می‌روند، آموزش دهید که خاطرات و افتخاراتشان را یادداشت کنند تا هم‌چون احادیثی که از جنگ کربلا باقی مانده و هر یک از آن احادیث، انسان‌هایی را ساخته و ما در آینده می‌توانیم این خاطرات و افتخارات را به‌عنوان فرهنگ جنگ به‌دنیا عرضه کنیم.

رفسنجانی، در پایان سخنانش گفت: رسیدگی به‌افراد معلول بسیج، باید به‌صورت بسیجی و از طریق خود بسیج صورت گیرد. بودجه‌اش هم به‌صورت بسیجی تهیه شود و شما طرح‌ها و برنامه‌های خود را تهیه کنید و مجلس هم سعی می‌کند به‌شما کمک کند.^(۱)

سید علی خامنه‌ای

هیأت منتخب کنفرانس اسلامی، ۵ ساعت با اعضای شورای عالی دفاع ایران مذاکره کرد

* این پنجمین سفر هیأت کنفرانس اسلامی به تهران است.

* نخست وزیر، هم چنان بر شرایط ایران تأکید کرد.

* در اولین دور مذاکرات هیأت، رئیس جمهوری، رئیس مجلس، نخست وزیر، ظهیرنژاد، وزیر دفاع، وزیر خارجه، دو تن از نمایندگان سپاه و حاج سید احمد خمینی حضور داشتند.

* هجرت الاسلام هاشمی رفسنجانی: از همان روز اول جنگ، اعلام کردیم که کشورمان را باز گذاشته به روی هر کسی که می خواهد حرف ما را بشنود.

* رئیس مجلس: این هیأت ها حسن نیت داشتند و برای خاتمه ی جنگ تلاش می کردند؛ منتهی اشتباه آن ها این است که از مظلوم می خواهند که گذشت بکند.

* هیأت ها باید بروند فشار را بر ظالم بیاورند.

* رزمندگان ما، در جبهه و پشت جبهه باید متکی به قدرت خودشان باشند.

هیأت منتخب کنفرانس اسلامی که بعد از ظهر دیروز وارد تهران شد، پس از مذاکره با

مقامات بلندپایه‌ی کشورمان، ساعت ۲۲ و سی و پنج دقیقه دیشب، تهران را ترک کرد. این هیأت طی مدت اقامت خود، مسائل مختلفی را با مقامات جمهوری اسلامی ایران در میان گذاشت و پاسخ‌های مقتضی دریافت داشت. گزارش دیدار هیأت از زمان ورود تا بازگشت، به شرح زیر است:

«احمد سکو توره»، «ضیاء الحق» و «عبدالستار»، رؤسای جمهوری گینه، پاکستان و بنگلادش و نیز «بلنداولوسو»، نخست‌وزیر ترکیه و «حبیب شطی» دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی، اعضای هیأت رسیدگی‌کننده به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، منتخب کنفرانس اسلامی مقارن ساعت ۱۲ و چهل دقیقه‌ی بعد از ظهر دیروز وارد تهران شدند و در فرودگاه مهرآباد مورد استقبال رسمی سید علی خامنه‌ای رئیس جمهوری، مهندس موسوی نخست‌وزیر، وزرای امور خارجه و دفاع، تیمسار ظهیرنژاد رئیس ستاد مشترک، فرماندهی نیروی هوایی و رئیس شهربانی و هم‌چنین جمعی از مقامات وزارت امور خارجه‌ی کشورمان و هم‌چنین «تورگوت اوزال» معاون نخست‌وزیر ترکیه که در تهران به سر می‌برد قرار گرفتند.

سابقه‌ی قبلی هیأت

این پنجمین سفر هیأت مزبور، پس از آغاز جنگ تحمیلی عراق به ایران می‌باشد. هیأت منتخب سازمان کنفرانس اسلامی، اولین دور مذاکرات خود با مقامات جمهوری اسلامی ایران و رژیم بغداد را در تاریخ نهم اسفندماه سال گذشته آغاز کرد و در تاریخ سیزدهم اسفند و نیز دهم فروردین ماه و بیست و سوم اردیبهشت امسال به سفرهای خود برای یافتن راه حل جهت پایان بخشیدن به جنگ تحمیلی ادامه داد.

هم‌چنین، یادآوری می‌نماید: پس از آغاز جنگ تحمیلی صدام به دو ملت ایران و عراق، کوشش‌های بسیاری از سوی سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد و نیز دبیرکل سازمان ملل، جهت پایان بخشیدن به این جنگ به عمل آمده است و جمهوری اسلامی ایران از ابتدای آغاز مذاکرات، هیأت‌های یادشده همواره بر مواضع اصولی و به حق خود تأکید داشته است و بارها اعلام کرده است که صلح تحمیلی همانند جنگ تحمیلی است و آن را نخواهد پذیرفت.

هیأت منتخب کنفرانس اسلامی، ۵ ساعت با ... ۴۸۵

مهندس موسوی نخست‌وزیر کشورمان دیروز در یک مصاحبه‌ی اختصاصی با خبرگزاری جمهوری اسلامی به شرایط قبلی ایران برای پایان دادن به جنگ، تأکید کرد و گفت: شرایط همچنان عقب‌نشینی بدون قید و شرط متجاوز به آن سوی مرزها قبل از شروع تجاوز، پرداخت غرامت و محکوم نمودن متجاوز از سوی کمیته‌ی بررسی متجاوز می‌باشد.

جلسه‌ی هیأت و مقامات

کمیته‌ی رسیدگی‌کننده به جنگ تحمیلی عراق بر ایران، منتخب کنفرانس اسلامی، بعد از ظهر دیروز با مقامات جمهوری اسلامی ایران دیدار و مذاکره کرد.

در این مذاکرات، که ساعت ۱۷ و پانزده دقیقه در محل نخست‌وزیری آغاز شد، احمد سکوتوره، قاضی عبدالستار و ضیاء الحق، رؤسای جمهوری گینه، بنگلادش و پاکستان و بلندآلوسو، نخست‌وزیر ترکیه، حبیب‌شطی دبیر کل کنفرانس اسلامی به همراه وزرای خارجه‌ی گینه و بنگلادش و هم‌چنین کفیل وزارت خارجه پاکستان، اعضای هیأت کمیته و حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای رئیس‌جمهوری و رئیس شورای عالی، دفاع، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده‌ی امام در شورای عالی دفاع، مهندس موسوی نخست‌وزیر، تیمسار سرتیپ ظهیرنژاد رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، سرهنگ سلیمی وزیر دفاع، دکتر ولایتی وزیر امور خارجه، حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی، هم‌چنین دو تن از نمایندگان سپاه پاسداران شرکت داشتند.

همین گزارش حاکی است که جلسه پس از اذان مغرب موقتاً قطع شد و حاضران نماز جماعت را به امامت حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای اقامه کردند؛ آن‌گاه، مذاکرات در مورد مسائل جنگ ادامه یافت.

نتایج جلسه از زبان رئیس مجلس

جلسه‌ی مشترک اعضای شورای عالی دفاع و کمیته‌ی بررسی‌کننده‌ی جنگ تحمیلی فرستاده‌ی کنفرانس اسلامی، پس از ۵ ساعت بحث و مذاکره به پایان رسید.

۴۸۶ کیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

بازگشت هیأت

اعضای کمیته‌ی بررسی‌کننده‌ی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، فرستاده‌ی کنفرانس اسلامی در پایان مذاکرات دیروز خود، با مقامات برجسته‌ی جمهوری اسلامی ایران، ساعت ۲۳ و سی و پنج دقیقه، فرودگاه مهرآباد را با هواپیما ترک کردند. رئیس‌جمهوری، نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه، قائم‌مقام وزیر امور خارجه، رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و وزیر دفاع، اعضای کمیته‌ی مذکور را در فرودگاه مهرآباد بدرقه کردند.^(۱)

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی، با مجله‌ی دانشگاه انقلاب

۲۵ اسفندماه ۱۳۶۰

س: نقش روحانیت در اشاعه‌ی فرهنگ اسلامی دانشگاه‌ها، تا چه اندازه است و به نظر شما، این نقش را از چه طرق و چگونه می‌توان ایفا نمود؟ در برنامه‌ریزی در آموزش و فرهنگ، مدیریت و یا ابعاد دیگر؟

ج: من فکر می‌کنم در همه‌ی این زمینه‌ها، روحانیت را کنار جامعه بگذاریم یا به‌او بگوییم از بیرون هدایت بکند و حرف‌هایش را بزند. من این را صحیح نمی‌دانم. یکی از بحث‌هایی که ما از روزهای اول انقلاب داشتیم، همین موضوع بود؛ یعنی در آستانه‌ی پیروزی انقلاب، این بحث در بین ما داغ شده بود. تصور خیلی‌ها این بود که روحانیت کنار بماند و تنها با حفظ مقام طلبگی‌اش، مواظب حرکت‌های جامعه باشد. آن‌ها بنا را، بر این می‌گذاشتند که بالاخره ملت و جامعه آلوده است و این آلودگی به روحانیت سرایت می‌کند. ما مخالف آلودگی هستیم و می‌گفتیم این قاعده‌ی اسلامی نیست. اگر این حرف صحیح بود، خود پیغمبر باید همین‌طور عمل می‌کرد. پیغمبر، کدام‌یک از شؤون کلیدی جامعه را به دیگران داد و گفت: دست شما باشد و اگر

خواستید از من راهنمایی بگیرید؟

اساس کار این نیست. این که آدم در مسجد بنشیند و انتقاد بکند و مردم به خاطر نصیحتش او را تقدیس کنند، به هیچ وجه، دلیل شایستگی نمی شود. البته بهتر از دیگران است که انتقاد یا هدایت نمی کنند، اسلام هم این را نمی خواهد، چون یک نوع تقوای منفی است.

همین بحث، این جا هم هست. دانشگاه یک نهاد آموزشی و یکی از زمینه های مهم و شاید زیربنایی ترین ارکان این کشور است. من نمی گویم که روحانیت باید این جا، همه چیز را قبضه کند. اصلاً این فکر، غلط است. روحانیت هم مثل بقیه؛ مسائلی هست که روحانی بهتر می فهمد و مسائلی هم هست که دیگران بهتر می فهمند.

روحانیونی که تحصیلات علمی به معنای علم امروز؛ یعنی علوم تجربی و به معنای خاص غربی ندارند، طبعاً در آموزش دخالت نخواهند داشت. آن ها دخالت فنی ندارند و این جا جای آن ها نیست. اما علوم انسانی از چیزهایی است که روحانیت، بیشتر روی آن کار کرده است. اصولاً تجربه ی عملی روحانیت هم در این زمینه است؛ لذا در این بعد، حضور روحانیت بسیار مفید خواهد بود.

در مدیریت هم حضور روحانیت از آن جهت که قابل اعتماد هستند، به نحوی خوب است. در کارهای فوق برنامه ی دانشگاه که خیلی فراوان خواهد بود و کارهای فرهنگی و تربیتی به معنای اعم، باید از حوزه ی علمیه استفاده شود. ارتباطی برقرار می شود که برای طرفین سازنده باشد؛ یعنی این کار برای روحانیت سازنده است. بسیاری از تجربه های خوب را می توان از محیط دانشگاه به محیط روحانیت منتقل کرد. ما که در محیط روحانیت بیشتر بوده ایم، می بینیم که آن جا هم بی عیب نیست. در آن جا علی رغم همه ی زحمات و کمبودها که برای ما درست می کردند، در متن جامعه بودیم. ما از توده ی مردم بیشتر شناخت داشتیم؛ اما از جهت این که در کارهای مدیریت جامعه نبودیم، فاقد نکته های ضروری آن هم ماندیم. از این جهت، شاید دانشگاه ها نکات زیادی داشته باشند، لذا من فکر می کنم روحانیت هم می تواند از محیط دانشگاه برای خودش استفاده بکند، البته آن چیزی که می تواند بدهد، بیشتر

است. پس، در هر بعدی که شما حساب کنید، غیر از ابعاد تخصصی علوم تجربی، روحانیت می‌تواند در دانشگاه حضور داشته باشد.

س: آیا روحانیون می‌توانند فقط خط بدهند؟ یعنی آن‌ها دخالت تخصصی نکنند، ولی خط کلی بدهند؟

ج: وقتی ما می‌گوییم روحانیون در مدیریت و کارهای تربیتی هستند - که روحانیون مواظب هستند، باز خطوط ناسالم به دانشگاه نیاید - منظورمان حضور آگاهانه و دایمی است. البته این‌طور نیست که شخصیت‌های دیگری در دانشگاه‌ها نباشند. در دانشگاه‌ها، افرادی هستند که هم خط صحیح دارند و هم خوب می‌فهمند؛ روحانی هم نیستند. ما خیال می‌کنیم اگر این اختلاط باشد، خود به‌خود با کمک هم رو به‌بهبود وضع خواهند رفت. این‌طور نیست که خط‌دهندگی در آن‌جا، منحصر به روحانیت باشد.

به‌نظر من، روحانیت به‌کمک مدیران و مشاوران دیگری که در دانشگاه هستند، می‌تواند خط صحیح حرکت دانشگاه‌ها را تعیین کنند.

س: گفته می‌شود که شما در ارتباط با شورای پذیرش دانشگاه‌ها، فرموده‌اید: نمی‌خواهیم معاند و ضدانقلاب درست کنیم. آیا با توجه به کمبود امکانات آموزشی که کفاف مسلمانان را هم نمی‌دهد، پذیرفتن دانشجویانی از گروه‌های سیاسی که حتی در ظاهر، مقابله‌ای هم با انقلاب ندارند؛ اما از نظر ایدئولوژی، ضدالهی هستند، درست است؟

ج: البته، بهتر است از امکانات تحصیلات عالی، کسانی برخوردار باشند که در آینده به‌انقلاب و جامعه و مردم خدمت کنند. این خواست اولیه‌ی هر انسان علاقه‌مند به اسلام و مملکت است. اگر فرض کنیم یکی بیاید این‌جا درس بخواند و بعد از این‌که درس خواند، برود برای شوروی یا جای دیگر خدمت بکند، یا بخواهد در راه مکاتب غیراسلامی قدم بردارد، و یا حتی بخواهد از تحصیلاتش، علیه اسلام استفاده بکند؛ طبعاً صحیح نیست که چنین آدمی از امکانات ملت مسلمان برخوردار شود. البته این در شرایطی است که از اول خواسته باشیم ضمن تشکیل یک جامعه، با برنامه‌ریزی آن‌را بسازیم.

اکنون، ما وارث جامعه‌ای هستیم که عکس این حالت است؛ یعنی رژیم گذشته از آن‌جا که خطر اصلی را اسلام می‌دانست، حتی به‌مارکسیست‌ها میدان می‌داد؛ چون آن‌ها ضداسلام بودند. هرچند که ضدخودش بودند، منتها از آن‌ها نمی‌ترسید و به آن‌ها میدان می‌داد که اسلام را از میدان به‌در کنند. کتاب‌های کمونیستی را به‌صورت‌های مختلف ترویج می‌کردند. مادی‌گرایی و فساد را به‌هرشکل ممکن رواج دادند. ما، ادامه‌ی چنان جامعه‌ای را پیش رو داریم. جامعه‌ای که بخشی از مردم ما را بدباز آورده، و این‌ها به‌هرحال، مردم این مملکت هستند. ما در این مرحله نمی‌خواهیم همه‌ی این‌ها را بیرون بریزیم. یا احیاناً در داخل کشور آن‌چنان در بن‌بست قرارشان بدهیم که همه‌ی راه‌ها به‌زوی آن‌ها بسته باشد.

من فکر می‌کنم که در شرایط موجود، باید به آن‌ها فرصت داده شود؛ مخصوصاً به طبقه‌ی جوان که محیط و عوامل فراوان دیگر، این‌ها را عمداً منحرف کرده است. ما نباید آن‌ها را روی دنده‌ی لجاجت و کینه‌ی کور بیندازیم. باید بگذاریم تا اگر ممکن است، در یک محیط سالم به‌فقط‌تشان برگردند.

البته در این میان، همان‌طور که ما بارها از اول انقلاب تجربه کرده‌ایم، دیده شده که عده‌ی زیادی از آن‌ها فرصت طلب هستند. ممکن است به‌محض ورود به‌دانشگاه‌ها، دست به‌کثافت‌کاری! و کارشکنی بزنند و بعد یک‌باره در دو سه سال آینده، با یک مزاحمت جدی روبه‌رو شویم.

من معتقدم، باید جلوی این احتمال را به‌هرقیمت، از حالا بگیریم. در ضمن این‌که به آن‌ها مهلت درس خواندن می‌دهیم، کاملاً مواظبشان باشیم و این‌جا باید قاطعیت به‌خرج بدهیم و برای آن‌که وجیه‌الملّه شویم، از جیب مردم و شهدا خرج نکنیم. به‌خاطر این‌که راه تربیتی و ساخته‌شدن، پیش پای این‌ها باز شده، یک‌مهلتی به آن‌ها داده شود تا حضور داشته باشند. البته این حرف من، شامل آن‌هایی که نشان داده‌اند علیه جمهوری اسلامی می‌ایستند. این‌عده را اصلاً نباید راه بدهیم. فقط به آن‌عده راه بدهیم که از لحاظ فکری ما را قبول ندارند و ایدئولوژی آن‌ها با ما سازگار نیست.

س: در مورد «توده‌ای»ها و «اکثریتی»ها و گروه‌های دیگر، مانند «جنبش مسلمانان مبارز» و «میثمی»ها در مرحله‌ی بازگشایی، چگونه باید برخورد شود؟

ج: این سه چهارتایی که شما اسم بردید، همه از یک نوع نیستند. آن دو گروه اول، هوای بیرون مرز را دارند.

بالاخره، انسان می‌فهمد که این‌ها تقریباً روسی هستند. البته شاید به‌زبان، انقلاب را تأیید بکنند، ولی عمق قضیه چنین نیست. دو گروه دوم، مسلمانند، با یک اختلاف که در گذشته لاقبل مواضع جمهوری اسلامی را قبول نداشتند. آن‌ها با مواضع سیاسی و اجتماعی ما مخالف بودند و حالا یک مقدار تعدیل شده‌اند. این همان حرکت تعدیلی بود که در جواب سؤال قبل گفتم.

امیدوارم، وقتی با واقعیت‌ها روبه‌رو شوند، زاویه‌های انحرافی آن‌ها اصلاح بشود. من با همین چهارگروهی که شما گفتید، موافقم؛ منتها مراقبت شدید نباید فراموش شود. این‌ها که غیرمسلمان هستند، از جهت منحرف کردن بچه‌ها و آن‌ها هم که مسلمان هستند، چون مرتب به نقطه ضعف‌ها می‌پردازند و نکات حاشیه را زیاد مطرح می‌کنند، باید مواظب بود کانون فساد درست نکنند. درسشان را بخوانند. خوب کار کنند، ما هم عقده‌های فکری و مشکلات روحی آن‌ها را حل می‌کنیم. آن‌ها همه بچه‌های ایران هستند. خانواده‌هاشان اکثراً مسلمان و ایرانی هستند. اگر خوب برخورد کنیم، امید این‌که راه صحیحی انتخاب بکنند، هست؛ لذا بیشتر باید مواظب جوان‌هایشان بود.

س: حتی در مورد رهبران و سردسته‌های آن‌ها در دانشگاه‌ها؟

ج: سردسته‌هاشان دیگر حاضر نیستند دست از روش کهنه و طولانی عمرشان بردارند. ما هم فقط باید مواظب باشیم که مزاحمت ایجاد نکنند. سردسته‌ها که دیگر درس نمی‌خوانند. شاگردان آن‌ها اگر مزاحمتی نداشته باشند، چه مانعی دارد درس بخوانند.

س: احتمال دارد که در ظاهر قبول کنند و درس بخوانند؛ ولی این‌ها همان‌هایی هستند که ما می‌شناسیمشان؛ اصلاً درس نمی‌خواندند و تمام کارشان این بود که گروهی را دور خودشان

۴۹۲ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

جمع کنند. بعد هم از هیچ فسادى فروگذار نمى‌کردند، تا مى‌توانستند با ظاهر منافقانه کارشکنى کرده، علیه جمهورى اسلامى عمل مى‌کردند!

ج: شما در مورد تجربه‌ی گذشته مى‌گویید، محیط دو سه سال گذشته، غیر از محیط آینده است. من هم مطمئنم که آن‌ها از گروه‌گرایی دست برنمی‌دارند. ولی امیدوار به این هستیم که تجربه‌ی گذشته به آن‌ها بفهماند اگر ادامه بدهند، ضرر مى‌کنند. آن‌ها باید بدانند که اگر محیط تحصیل و درس خواندن مردم مسلمان را آلوده کرده، مزاحمت ایجاد کنند، خودشان اول از همه ضرر مى‌کنند.

س: در مورد استادانی که داری خط فکری انحرافی هستند، چه باید کرد؟

ج: کلاس که حتماً نباید محیط القای خط فکری آن‌ها باشد؛ مثلاً استاد فیزیک، وقتی فیزیک درس می‌دهد، نمى‌خواهد القای ایدئولوژى کند. من مخالفتى ندارم که درسش را بگوید، ولی شرطش همین است که باید مراقب او هم باشیم. ما نمى‌توانیم با مصالح مردم شوخی کنیم. آن‌ها بچه‌های خود را سپرده‌اند به ما که درس بخوانند. ما نمى‌توانیم فکر عده‌ای منحرف را در محیط این‌ها آزاد بگذاریم. درس فنى و عملی خود را بگویند، اما کارهای حزبی را کنار بگذارند.

س: به نظر شما، آیا فعالیت‌های سیاسى دانشگاه‌ها، محلی از اعراب دارد یا نه؟ اگر دارد در

چه محدوده‌ای؟

ج: من فکر مى‌کنم نباید مردم، در هیچ سن و مقطعی از فعالیت سیاسى محروم بمانند. باید به مردم اجازه داده شود تا عنصر سیاسى باشند. در کارها و سرنوشت جامعه‌ی خود دخالت کنند. فقط این را باید بدانیم که در محیط تحصیل، تقدم و اولویت، نخست با تحصیل است. هر حرکتی که بخواهد روند تحصیل را کند کرده و جلوگیری آن شود، باید منع کنیم. در این‌که، دانشجو یک عنصر سیاسى باشد، کتاب سیاسى مطالعه کند، بحث سیاسى کند و احياناً به‌طور سالم ارتباطات سیاسى داشته باشد، مخالفتى نداریم، فقط باید محدوده‌ی فعالیت خود را در پرتو قانون اساسى تعیین کنند. (۱)

کشف توطئه

در آن تاریخ (سال ۵۹)، وزارت اطلاعات هنوز تشکیل نشده بود. پس از کشف کودتای نوزده، واحد اطلاعات سپاه به تدریج فعال شد؛ البته چند واحد اطلاعاتی دیگر نیز در کنار تشکیلات اطلاعاتی سپاه وجود داشت که در آینده بدان اشاره خواهم کرد. جریان آقای قطب‌زاده در اطلاعات سپاه پی‌گیری می‌شد و دادگاه انقلاب ارتش، به دلیل این‌که موضوع آن براندازی بود و با تعدادی از نظامیان نیز به‌گونه‌ای ارتباط داشت، احکام مورد نیاز اطلاعات سپاه برای پیگیری، این موضوع را در اختیار آنان قرار می‌داد. در پی تعقیب و مراقبت از آقای قطب‌زاده و فعالیت‌های اطلاعاتی - که حدود یک‌سال و نیم طول کشید - مشخص شد که وی در صدد ایجاد یک جریان براندازی است و برای این منظور ارتباطاتی را در داخل و خارج آغاز کرده است.

هدف توطئه

بر اساس آنچه از طریق فعالیت‌های اطلاعاتی به‌دست آمده بود و اظهارات آقای قطب‌زاده پس از دستگیری که آن را تأیید کرد، وی به این نتیجه رسیده بود که جمهوری اسلامی از مسیر

۴۹۴ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

خود منحرف شده و برای بازگرداندن آن مسیر اصلی، راهی جز برخورد نظامی وجود ندارد؛ البته ایشان در بازجویی، حرکت خود را براندازی نظام جمهوری اسلامی نمی‌داند و می‌نویسد: «این‌جانب هرگز نخواستم نظام جمهوری اسلامی را براندازم... اصلاً مسأله‌ی براندازی نظام جمهوری اسلامی مطرح نبوده، بلکه به نظر من عکس بوده؛ یعنی نجات انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از دست کسانی که به نظر این‌جانب صلاحیت حکومت کردن ندارند.»

هدفی که آقای قطب‌زاده برای حرکت خود ذکر کرده، دقیقاً همان هدفی است که کودتاگران نوژه حدود دو سال پیش از ایشان مطرح کرده بودند، با این تفاوت که آنان تصریح می‌کردند: «... ما جهت نجات این انقلاب از دست [امام] خمینی، شروع به عملیات سیاسی نموده‌ایم...»

تلاش برای نجات انقلاب

آقای قطب‌زاده برای تحقق این هدف، حدود یک‌سال و نیم تلاش کرد. ارتباط با برخی از کشورهای منطقه، ارتباط با تئی چند از نظامیان و ارتباط با شماری از روحانیون مخالف، نمونه‌هایی از فعالیت‌های خام و حساب‌نشده‌ی وی بود که قبل از آن‌که تعداد بیشتری را آلوده کند، دستگیر شد. شرح اجمالی تلاش‌ها و ارتباطات آقای قطب‌زاده در مصاحبه‌های این‌جانب و اظهارات تلویزیونی وی آمده است.

خاطره‌ای از بازجویی آقای قطب‌زاده

پس از بازداشت آقای قطب‌زاده، به‌من اطلاع دادند که ایشان برای بازجویی حاضر نیست و در ارتباط با اتهام خود مطلقاً صحبت نمی‌کند. من به زندان رفتم و با وی صحبت کردم. اکنون یاد ندارم که دقیقاً چه گفتم؛ آن‌چه یاد دارم این است که حدود چهل و پنج دقیقه او را نصیحت کردم و ضمناً گفتم: «ما می‌دانیم شما چه می‌خواستید بکنید، سخن ما یا شما برای آن است که نقشه‌ی خود را برای ملت بگویید.» پس از شنیدن سخنان من، گفت: «یک قرآن بیاورید!» قرآن آوردند. با قرآن استخاره کرد و پس از آن گفت: «خیلی خوب! اکنون آماده‌ام حرف‌هایم

را در مصاحبه‌ی تلویزیونی بگویم، اما به شرط این که مرا فوراً یا اعدام کنید یا عفو کنید؛ چون بعد از این من دیگر مرده‌ام.»

بدین سان، وی آنچه مربوط به اتهامات او می‌شد را بازگو کرد. پس از آن، مصاحبه‌ای با ایشان ترتیب داده که فیلم ویدئویی آن برای حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) ارسال گردید و از سیما پخش شد.^(۱)

۱- خاطره‌های محمدی ری شهری، جلد اول، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

اظهارات آقای قطب‌زاده

متن مصاحبه‌ی آقای قطب‌زاده که از سیمای جمهوری اسلامی پخش گردید، بدین شرح است:

سؤال: شما ضمن معرفی خود، علت دستگیری‌تان را بیان کنید.

جواب: من صادق قطب‌زاده هستم و علت دستگیری من در رابطه با برنامه‌ای بود که به نام برنامه‌ی براندازی است که من سعی می‌کنم همین برنامه را و انگیزه‌هایش را [با] جمع‌بندی که فعلاً به آن رسیدیم، یکی پس از دیگری عنوان کنم.

از مدتی قبل؛ حدود ۳ ماه قبل، از یک سازمان افسری با من تماس گرفتند و بحث و گفت‌وگویی پیرامون تحلیل ما از مسائلی که فعلاً در کشور ما می‌گذرد، شد. در این تحلیل، من یک مقدار نقطه‌نظرهایی داشتم و آن‌ها هم به هم چنین. بعد از قبول نقطه‌نظرهای من و چارچوبی که باید در آن باشیم، بحث و گفت‌وگو راجع به قصد براندازی حکومت و نه نظام جمهوری شد که در اطراف بیت امام چه می‌توان کرد و براساس این، بحث اول آن‌ها صحبت از محاصره بود و آن‌ها درباره‌ی محاصره نقشه‌ای می‌خواستند. من این نقشه را توسط یکی از دوستان که تهیه شده بود به آن‌ها

دادم. یک نقشه‌ی عادی بود. آن‌ها گفتند که این نقشه به نظر ما درست نمی‌آید و بنابراین لازم است که ما از نزدیک برویم و آن‌جا را ببینیم. آن‌ها رفتند و من یکی از دوستانی که در آن‌جا منزلی بغل منزل امام داشت، معرفی کردم و این‌ها رفتند و آن‌منزل را دیدند. در مراجعت وقتی نشستیم، صحبت کردیم، گفتند که این منزل محل بسیار مناسبی است برای انفجار. خیلی خوب! انفجار چه؟ و بحث راجع به انفجار و محل صورت گرفت. چگونه و چه نوع؟

هفته‌ی بعد آن [کسی] که، دو هفته قبل از دستگیری من بود، آمدند و گفتند که سازمان ما تصمیم گرفته که آن‌جا را از دو طریق بکوبد: یکی با توپخانه، یکی هم احیاناً با انفجار از داخل آن منزل.

سؤال: هدف چه بود؟

قطب‌زاده: هدف از بین بردن همه‌ی سران حکومت؛ من جمله امام. من در بدو امر، دو نوع حالت روانی با برخورد با قضیه داشتم: یکی مسأله‌ی آری یا نه؛ منتها متأسفانه در وهله‌ی اول من گفتم: خیلی خوب! این مسأله را بررسی کنیم و ببینیم که چه کار می‌شود و «نه» نگفتم. آن‌ها رفتند و نقشه را بررسی کردند و هفته‌ی بعد آمدند و گفتند که فکر کردیم که هم نقشه‌ی کوبیدن آن‌جا باشد و هم به‌حالت خونخواهی امام، بقیه کارها را انجام بدهیم و مردم هم در این باره بیایند و در واقع گیج بشوند که به‌کدام سمت بروند و قرار شد که آن‌ها بروند و تمام این نقشه را مورد مطالعه قرار بدهند و چند روز قبل از اجرای نقشه، تصمیم نهایی در این زمینه گرفته شود. فی‌الواقع؛ من از این‌که با این نقشه در اول آن مخالفت نکردم از لحاظ روحی خودم ناراحت بودم و تصمیم داشتم که در جلسه‌ی نهایی که صحبت است، مطلقاً با کوبیدن جماران و منزل امام به‌اعتبار عاطفی خودم نسبت به امام، جلوگیری بکنم؛ ولی البته [با] بقیه‌ی نقشه مثل گرفتن مراکز سپاه، کمیته، رادیو تلویزیون، محاصره‌ی جماران، من کاملاً موافق بودم.

این نقشه‌ای بود که در واقع انجام شد و عملی شد؛ یعنی تا آن مرحله، ولی همین‌طور که عرض کردم به‌تصویب نهایی نرسید و ما هم در واقع، قبل از آن‌که اصلاً

۴۹۸ کی بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

ماجرای به صورتی در پیاید دستگیر شدیم.

سؤال: چگونه می خواستید مواد منفجره را به جماران ببرید؟

قطب زاده: صحبت از این شد که می شود مواد منفجره را برد. صحبت از این بود که توسط مصالح ساختمانی که به آن جا می رود [برده شود] این آقای که یکی از این افسرهاست، گفت: من متعهد می شوم که از طریق مصالح ساختمانی، مواد منفجره را به داخل منزل ببرم، ولی خود او هم بعد از مدتی اصولاً به این نتیجه رسیده بود که فقط راهش کوبیدن از دور است و از نزدیک، امکاناتش بسیار ضعیف است.

سؤال: در این رابطه آیا قرار بود اسلحه ای هم از خارج آورده بشود؟

قطب زاده: خیر! در این رابطه اهداً به این صورت نبود، به دلیل این که بین طرح این مسأله و اجرایش بیشتر از حداکثر دو هفته نبود؛ بنابراین امکان این که اسلحه از جایی به خواهد وارد بشود، بر این منظور نبود.

سؤال: پس در رابطه با چه بود؟

قطب زاده: این ها مدتی قبل گفته بودند به من، اولاً اسلحه و مهمات، همه نوع چیز دارند خودشان و احتیاجی ندارند، ولی مدتی قبل، در حدود مثلاً یک ماه و خرده ای قبل، سؤال کردند از من که، یعنی یک لیست کوچکی را به من دادند. تعداد اسلحه محدودی، که ما این ها را می خواهیم. من هم گفتم سعی می کنم آن ها را تهیه بکنم و این ها را فرستادم برای خارج از کشور، ولی عملاً امکان تهیه اش به علت نبودن پول نبود.

سؤال: با چه کسی تماس گرفتید و در خارج از کشور قرار بود چه کسی هماهنگ بکند؟

قطب زاده: مسأله ی رابطه با خارج از کشور، خودش یک بحث دیگری است.

سؤال: آن بحث را خواهیم کرد منتها در این رابطه ی مشخص، این هماهنگی و ارتباط با اسلحه در خارج با چه نیرویی قرار بود انجام بشود و شما از کی خواستید؟

قطب زاده: من فقط به یکی از دوستانم آقای پیران، لیست را فرستادم و گفتم آیا می شود این ها را تهیه کرد و او گفت: اگر پول باشد امکان تهیه اش، توسط دلال ها هست که اصلاً پولی نبود و اصلاً هم تهیه هم نشد.

سؤال: در این طرحی که در ذهن شما بود، چگونه ممکن بود شخص امام سالم بماند و دیگران در طرح انفجار از بین بروند؟

قطب‌زاده: بله! مسأله در همین بود که عرض کردم؛ چون بحث انفجار در آنجا در آخر سرش، به صورت کوبیدن آنجا بود. مسأله‌ی جان امام در [خطر] بود. من به اعتبار عاطفی خودم حاضر نبودم که زیر بارش بروم و تصمیم داشتم مخالفت کنم.

سؤال: شما چه مقدار پول در اختیار این گروه قرار دادید؟

قطب‌زاده: والله! من در بازجویی‌هایم مفصل به منابهی که منابع مالی‌ام باشند، گفتم من در مجموع دو میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان در اختیار این گروه گذاشتم و پانصد هزار تومان در اختیار آن سه نفری که در روزهای آخر دیده بودمشان. این مجموعه پولی بود که من در اختیار آنها گذاشتم.

سؤال: آیا شما طرح براندازی نظام جمهوری اسلامی را با نیروها و شخصیت‌های مذهبی یا

مراجع در میان گذارده بودید؟

قطب‌زاده: نیروهایی که وجود نداشتند، در بین مراجع فقط با واسطه با شخص آیت‌الله شریعتمداری، مسأله در میان گذاشته شده بود، البته توجه می‌کنید من مدت یک سال و خرده‌ای است که اصلاً مسافرتی به هیچ‌جا نکردم؛ من جمله به قم، بنابراین شخصاً تماس نداشتم، ولی [با] دو واسطه‌ای که صحبت شده بود با ایشان، من از طریق آن دو واسطه مطلع شده بودم که این مطالب، مسأله‌ی اصل براندازی، به نظر ایشان رسیده بود. در دو سه ماه قبل، یک‌بار آقای حجت‌الاسلام مهدوی رفتند آنجا و صحبت کرده بودند با ایشان، با آیت‌الله شریعتمداری و در مجموع، برخورد آیت‌الله شریعتمداری بسیار برخورد محتاطانه‌ای بود، با کل مسأله. بعد وقتی که حجت‌الاسلام مهدوی تشریف برده بودند به خارج، من از حجت‌الاسلام آقای عبدالرضا حجازی خواستم مطلب را با حضرت آیت‌الله شریعتمداری در میان بگذارد و کلیات طرح را یعنی اصل کلیت طرح را با آقای حجازی در میان گذاشتم. آقای [عبدالرضا] حجازی هم با آیت‌الله شریعتمداری آن طوری که به من گفتند مسأله را در میان گذاشته است و نقل قول از آقای حجازی است که ایشان گفتند که من قبل از انجام برنامه، کاری

نمی توانم بکنم و بعد از انجام برنامه، بنده خود ایشان را تأیید می کنم و اقدام می کنم. این ماجرا گذشت. مجدداً بحث دیگری با آقای حجازی شد و آقای حجازی مجدداً رفتند و دفعه‌ی دوم که برگشتند گفتند که بحث همان است ولی آیت الله شریعتمداری یک مقدار زیادی ترسیدند. این ماجرا که مربوط به یک ماه و نیم قبل است، گذشت تا مجدداً آیت الله مهدوی آمدند. من مجدداً به آقای مهدوی گفتم و ایشان هم در مراجعت به من گفتند که نظر ایشان همان است و اگر براندازی انجام شد، ایشان تأیید خواهند کرد و اقدام خواهند کرد. البته یک، دو روز بعدش، آقای مهدوی پولی هم در حدود پانصد هزار تومان به من دادند و تنها پولی بود که به من رسید و گفتند من بابت خرید منزل از آیت الله شریعتمداری گرفتم و این در مجموع رابطه‌ای بود که بود و به نظر من و به نقل قول از این دو واسطه، چون همان طوری که گفتم من خودم در جریان نبودم و با ایشان صحبت نکردم، ایشان در جریان کل قضایا بودند.

سؤال: آقای عباسی هم در جریان بودند؟

قطب زاده: آقای عباسی! من خودم آقای عباسی را مدت یک سال و خرده‌ای است که ندیدم، ولی استنباط من این است که بیانات این آقایان این بود که احتمالاً در جلساتی که این‌ها داشتند آقای عباسی هم حضور داشته است.

سؤال: آقای عباسی در چه رابطه‌ای با آقای شریعتمداری بوده‌اند؟

قطب زاده: آقای عباسی داماد آیت الله شریعتمداری هستند و قاعدتاً این موضوعی که شخص آقای عباسی در جریان بوده‌اند یا نبوده‌اند را [باید] از آن دو نفر آقایان سؤال کرد. چون آن‌ها در جریان این بودند که این‌ها در جلسه بوده‌اند و یا نبوده‌اند؛ ولی من چون خودم آقای عباسی را ندیده‌ام و خودم آیت الله شریعتمداری را ندیده‌ام، بنابراین نمی توانم بگویم که این‌ها هم بوده‌اند و یا نبوده‌اند و آن آقایان روشن خواهند کرد که ایشان هم در جریان بوده‌اند و یا نبوده‌اند. به هر حال، در این پایان، وضعی که به وجود آمده و این در واقع مشکلی که برای من ایجاد شده، من قبلاً هم عرض کردم که قصاصش را با نهایت میل می پذیرم.

سؤال: آخرین جلسه‌ای که سید مهدی مهدوی با شریعتمداری داشت، کی بود؟ و این جلسه

چه نتیجه‌ای داشت؟

قطب‌زاده: در حدود یک هفته قبل از دستگیری من و نتیجه‌ای که ایشان به‌طور مجمل گفت، چون وقت زیادی نبود و چند دقیقه‌ای بیشتر ندیدمشان، این بود که همان طوری که قبلاً عرض کردم، ایشان بعد از این که اگر عملی انجام بگیرد ایشان بعد از پیروزی تأیید کامل می‌کند.

والسلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته^(۱)

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی

(۱۱ فروردین ماه ۱۳۶۱)

س: علت انتخاب نام «جمهوری اسلامی» برای این حکومت چه بود؟

ج: برای انتخاب نام حکومت، بحث‌های زیادی انجام شد. عده‌ای می‌گفتند «جمهوری»، عده‌ای «جمهوری دموکراتیک»، عده‌ای دیگر «جمهوری دموکراتیک اسلامی»، تعدادی هم «دموکراتیک خلق». مدعی بودند که روی برگه‌های همه‌پرسی، همدی اسامی ذکر شود.

به‌هرحال، «جمهوری اسلامی»، تنها یک اسم نیست؛ اگر یک اسم بود، این قدر اهمیت نداشت. جمهوری اسلامی، اسمی است که قبل از این که اسم جلوه کند، آشکارکننده و رهنمون محتوایش است؛ مخصوصاً با وجود جریان‌ها و کشمکش‌هایی که در آن روزها بود. بالاخره نظر قاطع حضرت امام و رأی قاطع مردم، راه را مشخص کرد و نام «جمهوری اسلامی» همانند چراغی که راه را روشن می‌کند، برگزیده شد.

س: لطفاً درباره‌ی تلاش‌هایی که آن روزها برای برقراری حکومت‌هایی غیر از

«جمهوری اسلامی» صورت می‌گرفت، توضیح بفرمایید.

ج: قبیل از همه‌پرسی، از چند جهت، تلاش‌هایی وجود داشت؛ گروهک‌های مارکسیستی فکر می‌کردند انقلاب ما، یک انقلاب غیرمذهبی است. و نمی‌خواستند ایدئولوژی مذهبی به‌خصوص اسلام حاکم باشد. آن‌ها بیشتر روی «جمهوری دموکراتیک خلق» تأکید داشتند، لیبرال‌ها و ملی‌گراها و گروه‌هایی که تفکر مارکسیستی نداشتند و بیشتر تحت تأثیر ناسیونالیسم بودند، به‌همراه بی‌محتواها که تفکری نداشتند و فکر می‌کردند که یک چیزی باید داشته باشند، بیشتر روی ناسیونالیسم و جمهوری ملی و یا جمهوری مطلق (جمهوری بی‌معنا و بی‌محتوا) نظر داشتند، آن‌دسته هم که نفاق و دورویی پیش گرفته بودند (مناققان) ضمن این‌که می‌خواستند هم چهره‌ی اسلامی نشان بدهند و هم چپ و هم راست، قصد نداشتند که اسلام حاکم شود و بر «جمهوری دموکراتیک اسلامی» یا «دموکراتیک خلق» و تعبیراتی از این دست، تکیه می‌کردند و بر این‌ها پافشاری می‌کردند، زیرا می‌دانستند که از فردای «امروز» هرچه پیش بیاید، براساس «امروز» پیش می‌رود.

س: موضع‌گیری‌های شورای انقلاب را در برخورد با این تلاش‌ها بیان فرمایید؟

ج: چون کیفیت برگه‌های همه‌پرسی در شورای انقلاب باید به‌تصویب می‌رسید، نحوه‌ی پرسش از مردم در دستور کار شورای انقلاب قرار گرفت. اصرار جناح لیبرال وقتی نام «جمهوری اسلامی» به‌تنهایی بیاید، رأی اکثریت را می‌آورد. فکر می‌کردند که بخش عظیمی از مردم، نمی‌خواهند کشور به‌تمام معنا اسلامی شود. می‌گفتند: حداقل عنوان‌های دیگر را هم به‌همه‌پرسی بگذاریم و بپرسیم آیا «جمهوری اسلامی» یا «جمهوری دموکراتیک اسلامی» یا «جمهوری خلق» یا «جمهوری» تا این‌که مردم به‌هرچه می‌خواهند، رأی بدهند.

آن‌ها نمی‌خواستند اسلام فقهاتی که ما به آن می‌اندیشیدیم، تحقق یابد. براین اساس، خیلی تلاش کردند که یک نامی غیر از اسلام هم در برگه‌های همه‌پرسی گنجانیده شود، عده‌ای هم می‌گفتند: پسوند «اسلامی» لازم نیست و فقط بر «جمهوری» یا «جمهوری دموکراتیک» یا «جمهوری دموکراتیک اسلامی» تکیه

۵۰۴ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

داشتند. بهر حال، بالاخره روشن بینی حضرت امام و رأی مردم، سرنوشت ساز شد. در پایان سخنی که با مردم دارم این است که: عظمت این روز را قدر بدانند، زیرا سنگ زیربنای حکومت اسلامی در این روز (دوازدهم فروردین) گذاشته شده است.^(۱)

مصاحبه‌ی مهم رئیس‌جمهور درباره‌ی آزادی زندانیان نادم، تشکیل سپاه قدس، سازمان اطلاعاتی کشور، و جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران

حجت‌الاسلام خامنه‌ای، رئیس‌جمهوری کشورمان در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی با مجله‌ی پیام انقلاب (ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) در زمینه‌ی مسایل جاری کشور به‌سؤال‌های خبرنگار مجله پاسخ گفته است. رئیس‌جمهوری، در این مصاحبه نظرات خود را به‌تفصیل در مورد: ارتش، سپاه سازمان اطلاعاتی کشور، تشکیل سپاه قدس، آزادی زندانی‌های نادم، رابطه با نهضت‌های آزادی‌بخش جهان، جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران و... بیان داشته که نظر به‌اهمیت مطالب مطروحه در این مصاحبه، عین آن از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

لازم به‌توضیح است که این مصاحبه بیش از فرارسیدن سال نو، انجام و در مجله‌ی پیام انقلاب، چهاردهم فروردین چاپ شده است.

جبهه‌های آزادی‌بخش

س: یکی از رسالت‌های مهم سپاه که از ابتدای تشکیل تاکنون، بدان همت گمارده، کمک به جبهه‌های آزادی‌بخش است و در ارتباط با همین مسأله، بخشی به نام نهضت‌ها در سپاه مشغول انجام وظیفه است و هم‌چنین چند ماهی است که با فعال شدن وزارت امور خارجه، آن‌ها نیز در این مورد، (نهضت‌ها) کارهایی انجام می‌دهند، لذا با توجه به این‌که دولت، مسؤول ارتباط با دولت‌های جهان است، اولاً: دولت بین این دو وظیفه، چگونه می‌تواند ارتباط برقرار کند و ثانیاً: به نظر شما، هماهنگی این ارگان یعنی سپاه و دولت در مورد نهضت‌ها به چه صورت می‌تواند محقق شود؟

ج: بین وظیفه‌ی حمایت از نهضت‌ها و ارتباط سالم با دولت‌ها، به نظر ما تضادی وجود ندارد. در رابطه با نهضت‌ها، در این صدد نیستیم که گروه‌هایی را که علیه دولت‌ها به‌خصوص دولت‌هایی که با ما روابط سالمی دارند، این‌ها را با صلاح یا با مال، تجهیز کنیم و در امور داخلی کشورها دخالت کنیم.

همان‌طور که می‌دانید، قانون اساسی هم ما را از دخالت در امور داخلی کشورها منع کرده است و حمایت ما از جنبش‌ها، اولاً به معنای یک حمایت معنوی است. حمایت معنوی، بیشتر به این معنا است که ما تفکر خود، تجربیات ایدئولوژی و شناخت خودمان از مسائل انقلاب را برای همی مردم دنیا مطرح می‌کنیم. این چیزی است که هیچ‌کس توقع نمی‌تواند داشته باشد که نباشد؛ طبعاً بیشترین کسانی که از این ارتباط معنوی و سیاسی یا بهتر بگوییم از این روشن‌گری معنوی و سیاسی بهره می‌برند، گروه‌هایی هستند که به نام اسلام و برای اسلام دارند فعالیت و حرکت می‌کنند. بنابراین، ارتباط با نهضت‌ها وقتی در این حدی که ما گفتیم، هست، این ضرر و لطمه‌ای به ارتباط ما با دولت‌ها نمی‌زند.

اما این‌که بین این دو بخش در سپاه و در وزارت خارجه چگونه ممکن است رابطه وجود داشته باشد، این بسته براین است که دولت چگونه تصمیم بگیرد؛ چون مسؤول رابطه‌گیری با خارج از کشور به‌طور رسمی، وزارت خارجه است. سپاه می‌تواند در این کار وارد شود و می‌تواند نقش داشته باشد به‌عنوان این‌که یک ارگان انقلابی است و به‌عنوان این‌که جزو دولت است. جزو دستگاه اداره‌کننده‌ی مملکت است و خارج از قوای سه‌گانه نیست. هر

مصاحبه‌ی مهم رئیس‌جمهور، درباره‌ی آزادی زندانیان نادم، ... ۵۰۷

دستگاهی در این مملکت به‌هرحال، در یکی از قوه‌های سه‌گانه است، سپاه هم به یک معنا، جزو قوه‌ی مجریه است و داخل در دولت است، لکن این ارتباط باید ارتباط نظم‌یافته‌ای باشد.

ممکن است به‌خاطر رکودی که وزارت خارجه در طول زمان گذشته داشته است، این رابطه به‌شکل صحیحی و منسجمی درنیامده، لکن با تحرک و آغاز فعالیت جدی وزارت خارجه، این رابطه هم مثل خیلی از روابط دیگر، بایستی از دو طرف پی‌گیری شود. ما می‌دانیم که هم وزارت خارجه و هم سپاه، حسن نیت دارند؛ یعنی هر دو یک هدف صحیحی دارند و این هدف مشترک هم چیزی نیست که یکی بخواهد و دیگری نخواهد. بنابراین، بایستی با یکدیگر توافق کنند و یک شکل منظمی را پیشنهاد کنند و تصویب بشود و عمل بشود. ما در جلسات تصمیم‌گیری نسبت به‌این مسأله رسیدگی کردیم. تصمیم‌هایی هم گرفته شده که مورد قبول سپاه هم بوده، که عمل شده و یا عمل خواهد شد.

آزادی زندانیان نادم

س: با توجه به‌این‌که با دستور امام خمینی، عده‌ی زیادی از توابعین زندان‌ها در عید امسال آزاد می‌شوند، در مورد آینده‌ی آن‌ها چه فکری کرده‌اید و چه راه‌هایی را در مورد کنترل و یا جذب‌شان پیشنهاد می‌فرمایید؟

ج: بیشترین چیزی که می‌تواند هر انسان سالم‌اندیش را در محیط بزرگ جامعه، جذب انقلاب بکند، خود فضای انقلابی جامعه است. ما اعتقاد داریم که این افرادی که در زندانند، اگر قبل از رفتن به‌زندان هم، یا توی خانه‌ی تیمی نبودند یا در فضای تنگ و محدود نگاه‌های گروه‌گرایانه و تنگ‌نظرانه خودشان نبودند؛ یقیناً این فضا را جذب می‌کردند و تبدیل به‌یک انسان دیگری می‌شدند. الآن هم اگر زندان بتواند در این افراد، این‌اثر را گذاشته باشد که از آن حالت تنگ‌نظری و محدودنگری، خارج شده باشند، به‌مجرد این‌که بیایند در جامعه، این جنگ را ببینند، این جوانان را ببینند، این انسان‌های پرشوری را که پدر و مادر و همه چیزشان را دارند در راه خدا، دو دستی می‌دهند، این‌ها را ببینند، این راه‌پیمایی‌ها را ببینند، این تظاهرات را ببینند، این‌ها مسلماً جذب خواهند شد.

ما، خوشبختانه در وضع کنونی احتیاج به یک عامل تربیتی فوق‌العاده در این جامعه نداریم، کما این که این کسانی که الآن تربیت شده‌اند، هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که من روی این‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌ام که تربیت شده‌اند. روی این‌ها انقلاب سرمایه‌گذاری کرده است و شنیده‌ام در اصفهان مادری هفت تا از بچه‌هایش شهید شده‌اند و گریه نمی‌کند. چه کسی به آن می‌تواند بگوید که تو هفت تا فرزندت شهید شده‌اند، سه تا دامادت هم شهید شده، بعد از این‌ها خانه‌ات را هم بفروش، برو پشت جبهه، هم با جانت و هم با پولت پشت جبهه کار کن، اصلاً کدام کلاسی قادر است و کدام درسی قادر است که بتواند چنین روحیه‌ای در یک انسانی بیاورد. این‌ها کار هیچ کس نیست، این، کار انقلاب است. فضای انقلابی، این معجزه را دارد.

ما معتقدیم که آن کسانی که این عناصر سازنده را از فضای جامعه نتوانستند جذب کنند که ساخته بشوند، عیبی در خودشان وجود داشته است. یا در محیط زندگی‌شان، یا در تفکرات تنگ‌نظرانه‌شان، یا در ارتباطات غلط‌شان، یا در تبلیغات بدی که نسبت به این‌ها می‌شده است. اگر این بچه‌ها که از زندان بیرون می‌آیند، یا بزرگان (چون همه‌جور در آن‌ها هست، زن و مرد) این‌ها جذب این جامعه بشوند، یقیناً خواهند توانست مواضع اصلی انقلاب را در این جامعه جذب بکنند و یک انسان انقلابی بشوند؛ البته ما در داخل زندان هم باید روی این‌ها کار کرده باشیم. آن‌طور که دستگاه قضایی ادعا می‌کند روی این‌ها در زندان کار شده است. من از کم و کیف این کار به‌دقت اطلاعی ندارم. اجمالاً چیزهایی شنیده‌ام و البته معتقدم که اگر خود این افراد که دارند بیرون می‌آیند، مراقب خودشان نباشند، یک‌سری ارتباط‌های شیطانی برقرار خواهد شد. درست است که منافقین و گروهک‌ها رابطه‌های سازمانی‌شان به‌میزان زیادی پاشیده شده و آن انسجامی را که برای جذب عناصر لازم دارند، امروز از آن برخوردار نیستند.

در عین حال، هر مصاحبت شیطانی، هر سخن شیطانی، هر رفیق بدی، فوری می‌تواند یک آدم متوسط‌الحال را که تعمقی در ایدئولوژی و تفکر انقلابی نداشته باشد، به‌سوی خودش جذب بکند.

بیایند، پهلویشان بنشینند و ساعت‌ها و سوسه‌کنند و به‌گوششان بخوانند و این‌ها را باز از

مصاحبه‌ی مهم رئیس‌جمهور، درباره‌ی آزادی زندانیان نام، ... ۵۰۹

خانه و زندگی و محیط انقلابی دور کنند و به‌جرگه‌ی ضدانقلاب، پیوندشان بدهند و چون چنین خطری وجود دارد، خود بچه‌ها (آزاد شده‌ها) باید مراقب خودشان باشند و با شیطان نفس و هم شیطان بیرونی مبارزه کنند و تسلیم نشوند.

س: چنان‌چه مطلعید؛ حدود ۷۳ نفر از رزمندگان مسلمان بحرین، در اسارت نیروهای دولتی آن‌جا هستند و با توجه به این‌که محاکمات اولیه‌ی آن‌ها تمام شده و آن‌ها را به‌اعدام محکوم نموده و حتی ۸ نفر از آن‌ها زیر شکنجه، شهید شده‌اند؛ لذا جدای از این‌که آن‌ها را به‌ارتباط با ایران متهم نموده‌اند، آیا مقامات ایران نباید اقلأً از ۷۳ نفر مسلمان دفاع رسمی کنند، با توجه به این‌که یکی از وظایف دولت، دفاع از مظلومین جهان می‌باشد؟

ج: ما، هر مظلومی در هر گوشه‌ای از جهان را که مورد ستم قرار بگیرد، احساس می‌کنیم که یک وظیفه در قبالش داریم؛ منتهی باید دید که کدام کار مؤثر است. به این اکتفا نمی‌کنیم که یک چیزی هم ما گفته باشیم، یا پاسخ به‌یک سؤال را قبلاً داده باشیم، بلکه دوست می‌داریم اقدامی انجام بگیرد که به‌راستی برای حال این مظلومان مفید باشد.

باز این سؤال مطرح می‌شود که آیا اگر امروز دولت جمهوری اسلامی ایران که بیشترین بغض و عداوت از سوی حکام وابسته‌ای از قبیل حکام بحرین نسبت به‌او هست و اگر نسبت به‌این جوان‌ها یا نسبت به‌این‌گونه عناصر پاک و مؤمن هم بغضی است، به‌تبع بغضی است که نسبت به‌انقلاب اسلامی و دولت جمهوری اسلامی است. با این وصف، اگر دولت جمهوری اسلامی از این‌ها رسماً دفاعی کند، آیا به‌سود این‌ها خواهد بود یا نخواهد بود؟ این سؤال مطرح است.

تصور ما این است که بایستی گروه‌های انقلابی جهان و سازمان‌های انسان‌دوست یا مدعی انسان‌دوستی که البته ما به‌آن‌ها خیلی امید می‌نداریم، عمدتاً همین گروه‌های انقلابی، گروه‌های آزادی‌خواه، گروه‌های طرفدار اسلام در سراسر جهان، بایستی به‌سود این‌ها حرکت و فعالیت کنند.

البته این را هم بگویم که ما نسبت به‌این برادران بی‌تفاوت نبوده‌ایم و ارتباط دیپلماسی هم انجام گرفته است.

ارتباط با مجلس شورای اسلامی

س: هماهنگی کامل بین نهادهای قانونی کشور، احتیاج مبرم به ارتباط مستقابل بنا شخص ریاست‌جمهور دارد که در رأس این نهادها، می‌توان مجلس را نام برد که مرکز ثقل برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های عمومی کشور است. به نظر می‌رسد که این تماس‌ها، در حد پایینی بوده، لذا در صورت صحت موضوع، برای برطرف نمودن آن، چه فکری کرده‌اید؟

ج: تصادفاً تماس‌های ما با مجلس در بهترین سطح و بالاترین سطح است. اولاً با رئیس مجلس، من ارتباط دائمی دارم؛ یعنی در هفته دو یا سه نشست منظم و مرتب با هم داریم که درباره‌ی موضوعات مختلف از جمله موضوعات مربوط به مجلس، بحث می‌شود.

طبعاً، مسؤول و نماینده‌ی قوه‌ی مقننه، رئیس قوه‌ی مقننه است و این بیش از آن‌چه ناشی از کار شغلی من و ایشان بشود، ناشی از مسائل هم‌فکری و ارتباط دائمی است که ما، همیشه در همه مراحل این مبارزه، با هم داشته‌ایم. الآن هم این ارتباط صدر در صد محفوظ است نه فقط کم نشده، بلکه بیشتر و جدی‌تر و فعال‌تر شده است. بنابراین رابطه‌ی من با مجلس در سطح پایینی نیست. گذشته از این، من با نمایندگان رابطه‌ی دائمی دارم. در دفتر ما رسم بر این است، هرگاه نماینده‌ای تقاضای ملاقات با من می‌کند، خارج از نوبت به‌او وقت داده می‌شود. در ظرف یک، یا دو سه روز، حداکثر به‌او وقت داده می‌شود که بیاید و با من مطالبی را در میان بگذارد. علاوه بر این، در جریان بسیاری از لوایح و طرح‌هایی که در مجلس مطرح است و مهم است، قرار می‌گیرم و به‌صورت فعالی دخالت می‌کنم.

این خارج از وظایف ریاست جمهوری است (یعنی در جریان طرح‌ها، بالخصوص تماس گرفتن، در کمیسیون‌ها شرکت کردن، این‌ها خارج از وظایف ریاست جمهوری است و گاهی من این کار را می‌کنم و در بعضی از کمیسیون‌ها اتفاق افتاده که شرکت کرده‌ام) ارتباطات ما با مجلس خوب است و برای هماهنگی قوا، آن‌چیزی که در قانون اساسی تنظیم قوای سه‌گانه اسمش است، ما جلسه‌ی مشترکی داریم با رؤسای سه قوه، رؤسای سه قوه و من، چهار نفری جلسه داریم و مسائل مشترک را در میان می‌گذاریم و تصمیم‌گیری مشترکی انجام می‌دهیم. ارتباطمان به‌حمدالله با قوه‌ی مقننه خوب است.

اصلاحات ارضی و اصلاحات شهری

س: با توجه به تصریح امام در مورد تشخیص ضرورت توسط مجلس در مورد اصلاحات ارضی و اراضی شهری، آیا فکر می‌کنید که دیگر مشکلی سر راه آن‌ها موجود است و بالاخره مردم کی می‌توانند در مورد اجرای این موارد امیدوار باشند؟
ج: تعمیرات از اجازه‌ی امام، تعمیر درستی نیست. امام هرگز نسبت به اراضی شهری یا اراضی مزروعی با مجلس رابطه‌ای برقرار نکردند و اجازه‌ای نداده‌اند. امام، به‌طور کلی، تشخیص ضرورت را و حکم در مقام ضرورت را به مجلس محول کردند.

می‌تواند یکی از این موارد، مورد اراضی مزروعی باشد، یا اراضی شهری؛ بنابراین، دقت کنید که حکم امام را روی این دو مسأله نخوانید. به‌خصوص با توجه به این‌که در مورد این دو مسأله به‌خصوص، غیر از اظهارات ناشی از این نیاز و ضرورت در سطح جامعه است. اظهارات دیگری هم وجود دارد که ناشی از تفکرات خاصی است که ما با آن تفکرات و با اصول آن‌ها به‌هیچ‌وجه موافقتی نداریم.

و اما این‌که این دو موضوع کی حل خواهد شد؟ من به‌طور مجمل می‌توانم به شما عرض بکنم که این دو موضوع یقیناً در مجلس حل خواهد شد. در این شکی نداشته باشید. هر دو لایحه در مجلس الآن مطرح است؛ منتهی مسأله‌ی مهمی مثل مسأله‌ی اصلاحات ارضی با سوابق گوناگون ذهنی‌ای که مردم و مسئولان کشور از این مسأله دارند و با توجه به انواع و اقسام تبلیغات چپ و راستی که نسبت به این مسأله است، چیزی نیست که با یک یا دو نشست تمام بشود. یک چیزی را تهیه می‌کنند، یک کسی مخالفت می‌کند، باز روی آن مخالفت بحث می‌شود. بالاخره باید پخته بشود و این دو مسأله مانع خاصی سر راهش وجود ندارد و بالاخره هم مطرح خواهد شد. ان شاء الله! و به دولت ابلاغ و اجرا می‌شود.

نقش سپاه پاسداران

س: با توجه به نقش حساس سپاه، چه از نظر فکری و چه از نظر نظامی و حمایت بی‌دریغ مردم و رهبری از آن‌ها، نه تنها از طرف دولت کمکی جدی به لحاظ نیروهای فکری و مدیر و مدبر به آن‌ها نمی‌شود، بلکه دولت همواره نیروهای فعال آن‌را نیز

جذب می‌کند، لذا در مورد برطرف شدن این نقیصه، شما چگونه فکر می‌کنید؟

ج: یک نهاد انقلابی که از متن مردم می‌جوشد و شخصیت و هویت انقلابی پیدا می‌کند، هرگز نباید منتظر باشد که دولت از کادرهای خویش یا کادرهای قدیمی که عمدتاً از پیش از انقلاب هستند، به‌او نیروی انسانی بدهد؛ بلکه به‌عکس، همین که گفتید واقعیت دارد، همین درست است؛ یعنی نیروهای انقلابی چون قدرت جذبشان بیشتر است، بایستی عناصر را جذب کنند، حتی بسازند و تحویل دولت بدهند؛ چون می‌دانید دولت، تشکیلاتی است که عظمتش هم‌اکنون کشور را می‌پوشاند و همه‌ی دستگاه‌های اجرایی را می‌پوشاند، در حالی که یک دستگاه اجرایی است. و دولت طبیعتاً به‌آدم‌های کارآمد و مخلص و مؤمن و کارکشته نیاز بیشتری دارد. از لحاظ کمیت، چه بهتر که افرادی بیایند در جهاد، سپاه و در ارگان‌های انقلابی دیگر مدتی کار کنند، کارکشته بشوند و بعد بیایند در دولت بتوانند وظایف عمده‌ی کشور را ایفا کنند. این یک مکانیزم غلط نیست، اتفاقاً یک مکانیزم درست و منطقی است. آن قدرت جذبی که سپاه دارد، هیچ ارگان دیگری در این کشور ندارد. البته، ممکن است در شرایطی جهاد هم آن‌جاذبه را داشته باشد؛ مثلاً اگر ان‌شاءالله جنگ تمام شد و نوبت سازندگی پیش آمد، آدم حدس می‌زند که جهاد، همین جاذبه‌ای که امروز سپاه دارد، داشته باشد.

شما اشاره می‌کنید به شهدای سپاه؛ خوب! شما در قبال این ملاحظه کنید که کسانی که در خلال این مدت جذب سپاه شده‌اند، چقدرند. شما می‌گویید هفت‌هزار نفر از سپاه، شهید شده‌اند. خوب! هفتاد هزار نفر هم جذب شده‌اند. این مقایسه‌ی خیلی مهمی است. و علاوه بر این که این نگرانی شما در مورد آینده‌ی رهبری سپاه به‌جا نیست، زیرا از رهبران سپاه، از آن‌هایی که در سطوح اول سپاه قرار داشتند تا الآن، کسی شهید نشده، به‌جز شهید عزیزمان برادر کلاهدوز. همه هستند، آن‌هایی که من از اول می‌شناسم، همه هستند، بلکه ممکن است از سپاه رفته‌اند بیرون یا جذب ارگان‌ها شده‌اند یا به‌هردلیلی از سپاه بیرون رفتند. اما دستگاه‌های اداره‌کننده‌ی سپاه، دستگاهی است که هم‌چنان تقریباً دست‌نخورده مانده، کسانی که امروز در رأس سپاهند، بسیاری از کسانی هستند که از ساعت اول در رأس سپاه بودند؛ یعنی در سپاه بودند، نمی‌شود گفت در رأس سپاه بودند و سابقه‌ی زیادی دارند.

مصاحبه‌ی مهم رئیس‌جمهور، درباره‌ی آزادی زندانیان نادم، ... ۵۱۳

به‌علاوه، شما می‌توانید در عناصر کادرهای پایین، کسانی را شناسایی کنید که این‌ها با تدبیرشان با فداکاری‌شان، عنصر خودشان را نشان داده‌اند و لیاقت‌های فراوانی را ارائه کردند و به‌تدریج بالا بیاورید.

وقتی که خود من در سپاه بودم، خیلی از این بچه‌هایی که مشغول اداره‌ی سپاهند و به‌این خوبی هم دارند اداره می‌کنند، این‌ها یک سپاهی ساده بودند؛ یعنی حتی فرمانده هم نبودند. یک سپاهی معمولی بودند؛ مثلاً تفنگ دست می‌گرفتند، می‌جنگیدند. الآن جزو کادرهای بالای سپاه هستند و این حالت در سپاه وجود دارد، هم رشد، آن‌جا آسان‌تر است و هم فضای بازی است، مقررات دست و پاگیر ندارد و هم قدرت جذب نیروهای مردمی‌اش بیشتر است؛ لذا شما از بابت کم‌شدن نیروی انسانی سپاه، نگران نباشید.

فرهنگ و ادب و هنر

س: نظر به‌علاقه‌ی خاص جناب‌عالی به‌مسائل فرهنگ و ادب و هنر، علت این‌که هنوز پس از گذشت سه سال در این‌مورد و جذب نیروهای هنرمند، کاری انجام نگرفته، چیست؟ برای برطرف شدن آن، چه پیشنهادی دارید؟

ج: علت این‌است که این‌علاقه و اعتقاد در اغلب مسؤولان کشور در این چند سال نبوده است. الآن هم احساس می‌کنیم از مسؤولین دولتی، کسانی که هنر را جدی بگیرند، کمتر به‌چشم می‌خورد. الآن مسؤولین مملکتی هم گاهی می‌گویند هنر، اما مسأله را جدی نگرفتند، البته خوشبختانه آقای مهندس موسوی، خودش به‌کار هنری واقف است و رشته‌اش، رشته‌ی هنر بوده است و به‌کارهای هنری و فرهنگی وارد و معتقد است. والا اغلب مسؤولین کشور، خیلی به‌این مسأله اعتقاد ندارند.

حالا، خوشبختانه تدریجاً دارند عقیده پیدا می‌کنند. به‌همان مناسبت هم داریم پیش می‌رویم و قبول دارید که الآن در این چندماه اخیر، ما در زمینه‌های هنری پیشرفتیم و کارهایی انجام گرفته و خلاقیت‌هایی زنده و مطرح شده است.

س: مدت‌هاست که تشکیل سازمان اطلاعاتی کشور مطرح است. با توجه به‌این‌که این‌مورد یکی از مهم‌ترین خواسته‌های مقامات و مردم است، در این‌مورد چه کارهایی

تاکنون انجام شده است؟

ج: کار عمده‌ای که انجام گرفته، این است که طرح‌هایی برای تصویب به کمیسیون مربوطه در مجلس ارائه شده؛ منتهی حقیقت این است که ما، در کار اطلاعاتی تجربه‌ی لازم را نداریم. شما توجه بفرمایید! محیط ساواک شاه، با کمک دستگاه‌های جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل و شاید دیگر دستگاه‌ها که ما از او خبر نداریم، مثل انگلیس و غیره، بعد از بیست سال آن طوری شده بود که شما دیدید که تازه از رسیدن به یک‌دهم واقعیت‌های جامعه عاجز مانده بود. و نمی‌توانست واقعاً به آن معنای درست، کار اطلاعاتی انجام دهد. ما، به کمک ایمنان و علاقه‌ی مردم و همان اطلاعات ۳۶ میلیونی که شما مکرر شنیده و دیدید، به حمدالله! توانستیم الآن یک مقدار کار اطلاعاتی بکنیم، در حالی که یک‌سازمان منسجم به آن صورت هم نداریم.

پس، تجربه کافی در این مورد، ما، در اختیار نداریم، به همین جهت است که کار یک‌قدری دیر پیش می‌رود. اخیراً یک کمیسیون مشترک در مجلس تشکیل شد، و باز این مسأله در آن مطرح شد و البته کار دارد پی‌گیری می‌شود؛ بایستی ان‌شاءالله! در کمیسیون تصویب بشود، بعد که پخته شد و کامل شد، آن وقت بیاید در مجلس، آن‌جا به تصویب مجلس برسد و به دولت ابلاغ بشود تا این که اجرا بشود.

جنگ اقتصادی آمریکا

س: آمریکا در سه مرحله‌ی نظامی، سیاسی و الآن بیشتر اقتصادی، دست به یک جنگ همه‌جانبه‌ای علیه انقلاب ما زده است. در این مورد چه رهنمودهایی برای مردم ایثارگرمان در برخورد با این توطئه‌ها دارید؟

ج: من پیشنهاد می‌کنم که همان‌طور که با دو جنگ قبلی، ما مقابله کردیم، با این جنگ هم همان‌طور مقابله کنیم. در آن دو جنگ قبلی جز نیروی مردم، هیچ نیروی دیگری نمی‌توانست جلوی موج حمله‌ی آمریکا بایستد. در این‌جا مردم بایستی صحنه‌ساز و میدان‌دار باشند. مطمئن باشید که اگر مردم وظیفه و نقش واقعی خودشان را ایفا نکنند، جنگ اقتصادی آمریکا علیه ما، مثل حمله به طیس خواهد شد؛ یعنی با رسوایی خود آمریکا تمام خواهد شد.

وظیفه‌ی مردم عمدتاً دو چیز است: یکی کوشش برای بالا بردن سطح تولید داخلی، دوم: کوشش برای پایین آوردن سطح مصرف داخلی. این دو کاری است که دقیقاً به‌عهده‌ی مردم است. اگر این دو کار را مردم انجام بدهند، مثل حادثه‌ی طیس، مثل جنگ با عراق، مثل مبارزات سیاسی، مثل همه‌ی این‌ها، آمریکا را شکست خواهند داد و او را رسوا خواهند کرد.

جبهه‌ی ضدامپریالیستی و صهیونیستی

س: تشکیل جبهه‌ی ضدامپریالیستی و صهیونیستی تا چه حد تحقق پیدا کرده است؟
ج: جبهه‌ی ضدامپریالیستی و صهیونیستی به‌طور رسمی از طرف دولت عنوان نشده. البته طبیعی است که ما چون به‌اعتقاد خودمان، ضدامپریالیست و ضدصهیونیست‌ترین نیروهای مترقی این منطقه هستیم، هر دولتی را که در این ضدیت با ما همراه باشد، می‌توانیم در کنار خودمان فرض کنیم و این‌که دولت رسماً پیشنهاد کرده است، جبهه‌ی اسلامی است و این جزو آرزوهای ما بوده، حتی آن‌وقتی که اعراب عمدتاً مثل «عبدالناصر» وحدت عرب را خیلی عنوان می‌کرد. ما یکی از آرزوهایمان این بود که کاش بشود یک‌روز وحدت اسلامی، درست و حسابی مطرح شود. امروز هم ما این‌را عنوان کردیم. در این ملاقات‌هایی که با مقامات خارجی که آمدند ایران، بارها این‌را گفتیم و وزرای خارجه‌مان که آن‌وقت آقای موسوی وزیر خارجه بود و چه حالا که آقای دکتر ولایتی است، بارها این‌را عنوان کردند. پیشرفت زیادی هم نداشته، البته ناامید نیستیم ما! اگر ما بتوانیم خودمان را به‌عنوان یک‌واقعیت که حضورش در منطقه به‌هیچ‌وجه قابل غمض عین نیست، اثبات کنیم، این جبهه به‌تحقق نزدیک خواهد شد.

خیلی‌ها در دنیا، منتظرند ببینند عاقبت کار چه خواهد شد، اگر دیدند که نیروهای اسلام و انقلاب در این کشور می‌رود که حقانیت خودش را ثبت کند، به‌این جبهه خواهند پیوست، اگر تزلزل و تردید یا احياناً روی‌گردانی مشاهده می‌شود، به‌خاطر این است که اعتماد به‌آینده ندارند، ما خیلی هم از آن‌ها متوقع نیستیم که چرا به‌آینده اعتماد ندارند. آن‌بیشی و جهان‌بینی که ما داریم، آن‌ها ندارند. آن‌ها هم اگر مثل ما فکر می‌کردند، حتماً به‌آینده اعتمادشان بیشتر بود، اولاً این اعتماد هر وقت حاصل بشود این جبهه هم به‌تحقق نزدیک خواهد شد.

تشکیل سپاه قدس

س: در رابطه با آزادی «قدس»، تشکیل سپاه قدس و گردان جولان، دولت چه اقدام عملی انجام داده است؟

ج: ما دو چیز را عنوان کردیم؛ یکی: گردانی از اسرای عراقی که داوطلب به جنگ باشند، یکی: دادن یک تیپ از هریک از کشورهای اسلامی به سوریه برای جنگیدن با اسرائیل. شما کدام مورد نظرتان است؟ و هر کدام را من پاسخی دارم که عرض می‌کنم. اگر آن موضوع اولی مطرح است که یک واحد داوطلب در حد گردان یا در حد تیپ از اسرا که البته در میان اسرا مطرح شده و اسرا اظهار علاقه کردند، خیلی‌ها داوطلب شدند؛ منتهی فعلاً چون در سوریه مسأله‌ای وجود ندارد، یعنی در مرزهای سوریه و اسرائیل الآن جنگی نیست، لذا است که فرستادن این واحد هم یک ضرورت فوری ندارد. این را اضافه کنم که برادران سوری ما بیشتر علاقه‌مند بودند که از سپاه پاسداران یک واحد برود و معتقد بودند که کارآیی خیلی بیشتر خواهد بود و اما آن تیپ پیشنهاد آقای هاشمی رفسنجانی که از هر کشوری برود، حالا ایشان گفتند یک تیپ، ما یک لشکر، یا دو لشکر می‌دهیم، و این محتاج این نیست که آنجا جنگ باشد که اگر واقعاً پیشنهاد عملی شود یعنی همه‌ی کشورها الآن هر کدام یک تیپ بدهند، این بیش از ده لشکر خواهد شد و اصلاً خود جنگ شروع می‌شود، احتیاجی ندارد که جنگ باشد و این‌ها بروند، این‌ها بروند، جنگ شروع خواهد شد؛ منتهی، یک دست صدا ندارد؛ یعنی با رفتن یک تیپ ما آنجا چیزی پیش نمی‌آید. در عین حال، ما حاضریم هر وقتی که سوریه اعلام آمادگی بکند از ما، همین نیروهایی که الآن در جبهه داریم، از هرجایش می‌شود یک تیپ، راحت برداشت و سوار هواپیمای سی - ۱۳۰ کرد و در فرودگاه سوریه پیاده کنیم!! یعنی مشکلی برای ما ندارد و حتی جای کمبود نیرو هم نیست.

آمادگی سوریه

س: آیا این آمادگی از طرف سوریه اعلام نشده است؟

ج: آمادگی بایستی از طرف جهان اسلام اعلام بشود که آن‌ها قبول کنند که هر کدام یک تیپ بدهند. من فکر نمی‌کنم که سوریه مخالفت داشته باشد، او از خدا می‌خواهد که ده لشکر

مصاحبه‌ی مهم رئیس‌جمهور، درباره‌ی آزادی زندانیان نام، ... ۵۱۷

ناگهان برای مبارزه با اسرائیل در مرزهای او مستقر بشود. ما، البته در صحبت‌هایمان با سوری‌ها گفتیم که هر وقت که شما بخواهید ما حداکثر ممکن نیرویمان را خواهیم داد. حقیقت هم همین است!

دولت‌های مرتجع منطقه

س: رابطه‌ی ایران با بعضی از دولت‌های مرتجع در منطقه را چگونه توجیه می‌کنید؟
ج: من نمی‌دانم شما منظورتان از دولت‌های مرتجع، کدام است و این بعضی، به چه کسی اشاره می‌شود. سیاست خارجی ما در رابطه با همسایگان مشخص است. ما، مایل هستیم که همسایگان ما، پایگاه‌های سلطه‌ی آمریکا نباشند؛ بالخصوص مایل هستیم که خلیج فارس از نفوذ روزافزون آمریکا مصون بماند.

براین مبنا، ارتباطات ما با همسایگان ما، در این مناطقی که اسم آوردیم، شکل می‌گیرد. بارها ما به دولت‌های خلیج فارس نصیحت کردیم بلکه هشدار داریم که نگذارید آمریکا پیش از پیش وارد منطقه بشود. به نظر می‌رسد که بعضی از دولت‌های خلیج، به این پیام دلسوزانه‌ی ما، با دیده‌ی حقیقی نگاه کردند و حداقل زبانا پاسخ‌های مساعد دادند.

ما این سیاست را تعقیب می‌کنیم به زبان و هشدار هم اکتفا نمی‌کنیم. از هر طریقه‌ی دیپلماسی ممکن و مشروع که بتوان استفاده کرد، استفاده می‌کنیم تا بتوان این دولت‌ها را از لفتزدن به زیر خیمه‌ی امپریالیسم جلوگیری کنیم و رابطه‌ی ما با این دولت‌ها در آن صورت، یک رابطه‌ی صد در صد برادرانه و سالم خواهد بود. الآن هم ما با آن‌ها رابطه‌ی خصمانه‌ای برقرار نمی‌کنیم. در حقیقت رابطه‌ی ما، با آن‌ها رابطه‌ی کسی است که مایل است طرف خودش را اصلاح کند، نه کسی که می‌خواهد به طرف خودش حمله کند. ما هیچ حمله‌ی بداین‌ها نمی‌خواهیم بکنیم. ما دلسوزانه می‌خواهیم که آن‌ها را از رفتن در آغوش آمریکا یا هر چه بیشتر رفتن در آغوش آمریکا جلوگیری کنیم.

البته این در مورد فقط آمریکا نیست. ما حضور هیچ قدرت بزرگی را در پشت مرزهای خودمان نمی‌توانیم تحمل کنیم، مگر کسانی که به طور طبیعی همسایه‌ی ما باشند. بنابراین، تصرف سرزمین‌ها، غصب کشورها، ایجاد پایگاه‌های نظامی و غیره از سوی قدرت‌های سلطه‌طلب، برای ما غیرقابل قبول است.

روابط با ترکیه

س: این که دولت ایران می‌خواهد تا ۲ میلیارد دلار، روابط خودش را با ترکیه گسترش بدهد، این به لحاظ سیاسی و اقتصادی، ما را ضربه پذیر نمی‌کند؟

ج: به هیچ وجه! ما مصلحت‌مان این است، با همسایگان خودمان، به خصوص همسایگان نزدیک مثل ترکیه، پاکستان و کشورهای خلیج، ارتباطات اقتصادی و بازرگانی روزافزون داشته باشیم. ما در صورتی ضربه پذیر می‌شویم که به کجا مرتبط باشیم؛ چه از لحاظ صادرات و چه واردات، همان طور که در رژیم گذشته این طور بود، به آمریکا وابسته بود، هروقت آمریکا احم می‌کرد ما این‌جا ناخوش می‌شدیم. ما باب مراوده را بر روی خودمان باز کردیم. با همه دنیا، از شرق و غرب، زیرا معتقدیم که شعار نه شرقی و نه غربی معنایش این نیست که نه با شرق معامله کنیم نه با غرب. نه با شرق رابطه برقرار کنیم نه با غرب. نه! ما هم با شرق رابطه برقرار می‌کنیم، هم با غرب. هر جا منافع مان اقتضا بکند با هر کسی که اقتضا بکند رابطه برقرار می‌کنیم. در این میان، یک‌جا استثنا است و آن آمریکاست. با آمریکا ما رابطه برقرار نمی‌کنیم، مگر آمریکا توبه کند، مادامی که آمریکا همین است، که هست و این موجودی است که به ما ضربات زیادی زده، مردم ما آمادگی این را ندارند که با آمریکا مجدداً دوست بشوند. و مثل آمریکا، هر جایی که صد در صد در خدمت آمریکاست، یا جزو ابزارهای قدرت آمریکا است مثل اسرائیل، مصر، اردن و از قبیل این‌ها.

ما با این‌ها نمی‌توانیم رابطه‌ی خوبی داشته باشیم، اما از این‌ها که بگذریم با اروپای غربی، اروپای شرقی، با کشورهای آفریقا، با کشورهای آمریکای لاتین، با کشورهای آسیا، با همه‌جا می‌توانیم رابطه داشته باشیم. ما در رابطه را، به روی خود نمی‌بندیم.

پیام اخیر امام امت

س: نظر شما در مورد پیام اخیر امام در مورد عدم ورود و دخالت افراد حزبی و

گروه‌های اسلامی در ارتش و سپاه و بالعکس چیست؟

ج: این بسیار حرف متین و منطقی‌ای است. ما همیشه به این مسأله معتقد بوده‌ایم آدمی که در یک گروه سیاسی وارد است، چه یک حزب یا سازمان، ناگزیر است از این که اطاعت

حزبی داشته باشد والا حزبی نیست.

اطاعت حزبی با اطاعت نظامی نمی‌سازد. اطاعت نظامی به انسان می‌گوید که باید از فرمانده پیروی کنی، اطاعت حزبی به انسان می‌گوید که از رابط حزبی خود باید اطاعت کنی «و ما جعل الله الرجل من قلبین فی...» دوتا دل که آدم ندارد بلکه یک‌جا، باید به انسان دستور بدهد. ما می‌خواهیم بخشنامه‌ای صادر کنیم از طرف حزب که اگر از کسان ما در نیروهای مسلح (از اعضای حزب ما) کسانی هستند، بلافاصله یا از حزب یا از نیروهای مسلح استعفا بدهند. و در امتثال فرمان امام این کار را ان‌شاءالله خواهیم کرد.

تغییر بنیادی در ارتش

س: با این‌که سه سال از انقلاب می‌گذرد، هنوز تغییر و تحول بنیادی در ارتش به وجود نیامده، با توجه به مسؤولیتی که شما در قبال ارتش دارید، علت این امر را چگونه تحلیل می‌کنید؟

ج: تحول در ارتش به دو صورت انجام می‌گیرد، یکی به همان صورت که شما گفتید یعنی یک خانه‌تکانی سخت و تعقیب سازمان زیربنایی، یکی هم، یک حرکت تدریجی.

کار اول کاری است خطرناک، حساس و نیازمند به یک قدرت فوق‌العاده و این چیزی بوده است که از اول انقلاب امکان چنین کاری وجود نداشته است. به دلیل این‌که ما کادرهای ساخته و پرداخته‌ای از پیش از پیروزی انقلاب نداشته‌ایم که بگوییم آن‌ها نطفه‌های اولیه‌ی ارتش جمهوری اسلامی باشند. ناچار بودیم که از ارتش موجود استفاده کنیم. اتفاقاً، ارتش موجود آن‌زمان ما هم بدنه‌اش یک بدنه‌ی سالمی بود اگرچه رأسش یک رأس خراب بود، ولی آن رأس برداشته شد، و کار تدریجی آغاز گردید.

شما امروز که به ارتش نگاه کنید، به ارتش دو سال قبل، قابل مقایسه نیست. امروز فرماندهان شما در ارتش، فرماندهان قابل قبول و منطقی و مکتبی‌ای هستند. و بدنه‌ی ارتش هم که همان‌طور که گفتیم سالم است. می‌ماند این‌که بعضی از افراد ناسالم که در ارتش هستند، خوب! در همه‌ی ارگان‌ها بعضی افراد ناسالم هستند. ما به تجربه در یافتیم که این حرکت تدریجی اصلاحی در ارتش، یک حرکت موفقی است.

۵۲۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

در روزهای اولیه، گروهک‌های سیاسی، شعار انحلال ارتش را می‌دادند که در حقیقت حرف آن‌ها این بود که ارتش برود و ما جایش بیاییم. آنان معتقد بودند که ارتش را نباید منحل کرد تا بیایند جایگزین ارتش بشوند. امام اولین کس و بزرگ‌ترین کسی بود که به این توطئه پی برد و در مقابلش ایستاد و از ارتش، یعنی ارتش دو سال و نیم قبل، دفاع کرد و روز ارتش را معین کردند و خود امام فرماندهی کل قوا را به‌عهده گرفتند. قبل از آن‌که قانون اساسی وجود داشته باشد، این حرکت امام که همراه بود با گذاشتن نمایندگانی از سوی امام در ارتش، کاملاً به‌سود حرکت اصلاحی ارتش تمام شد و تدریجاً این نیروی عظیم را به‌سمت مکتبی شدن، مردمی شدن و انقلابی شدن، پیش راند.

امروز، ارتش ما، یک ارتش جالب است. من نمی‌گویم ایده‌آل است، اما شما ببینید، کدام ارتشی را سراغ دارید این‌طور فداکارانه بچنگد. نگاه کنید به‌آغاز جنگ. روزی که ما از تجهیزات ناقص، نارسا، زنگ‌زده، یا ناشناخته‌ای برخوردار بودیم. روزی که ما در مقابل واحدهای بزرگ عراقی، واحدهای بسیار کوچکی داشتیم، این ارتش، آن‌روز مقاومت کرد، و از پیشروی بیشتر نیروهای عراقی که حدی برای پیشروی نمی‌شناختند، جلوگیری کرد. الان هم ایستاده و دارد شهید می‌دهد، پایه‌های نیروهای صدر صد انقلابی، این برای ما خیلی جالب و دلگرم‌کننده است، ما قدر ارتش را می‌دانیم و معتقد هستیم که ارتش به‌میزان زیادی درست شده و باز هم درست‌تر خواهد شد.

پیام برای مردم

س: در پایان، چه پیامی برای مردم مسلمان و شهیدپرور ایران و هم‌چنین برادران

پاسدار خودتان دارید؟

ج: پیام من به‌برادران سپاه، جز پیام تقدیر و تشکر و احساس شیفستگی، چیز دیگری نمی‌تواند باشد. به‌برادران سپاه من چه بگویم بکنید که آن‌ها نمی‌کنند. بنابراین، می‌توانم احساسات خودم را به‌این برادران فداکار و عزیز به‌این وسیله ابلاغ کنم. پیام من به‌مردم این است که یک نگاهی به‌سال گذشته بیندازند. امام، سال گذشته را سال قانون اعلام کردند و شما ببینید ما برای اجرای قانون که فرمان امام بود چه نشیب و فرازهایی را متحمل شدیم، چه

مصاحبه‌ی مهم رئیس‌جمهور، درباره‌ی آزادی زندانیان نادم، ... ۵۲۱

عزیزانی را از دست دادیم. این به‌ما نشان می‌دهد که اجرای قانون با این همه دردسر روبه‌روست و این دردسر را باید ما تحمل کنیم. به‌خاطر حرمت قانون و ارزشی که اجرای قانون در جامعه دارد، کوشش کنند قانون را در دقیق‌ترین شکلش مراعات کنند. هم مردم و هم دستگاه‌های اجرایی و هم همه‌ی کسانی که به‌نحوی در این مملکت مسؤ‌ولند. کوشش کنند که حرکت انقلابی را که خود مردم بهترین تبیین‌کننده‌ی تداوم او بودند، هم‌چنان حفظ کنند. ما علاج دردهای بزرگ و کوچک جامعه‌مان را در یک‌چیز می‌دانیم و آن تداوم انقلاب اسلامی است. اگر ما به‌عنوان کسانی که دولت تشکیل داده‌ایم از جهت‌گیری انقلابی و از نوع تحرک انقلابی، عدول کنیم، محققاً شکست خواهیم خورد. این شکست محدود به‌خ‌ذلان دنیوی نمی‌شود بلکه شامل خ‌ذلان اخروی هم می‌شود.

امیدواریم که خدای متعال در این سال جدید به‌همه ما توفیق بدهد که بتوانیم به‌وظایف انقلابی خودمان عمل کنیم.

والسلام (۱)

میانجی‌گری در جنگ ایران و عراق

تا ژوئن ۱۹۸۲: میانجی‌گری اولاف پالمه

قبل از آن‌که اولاف پالمه وظیفه‌ی خطیر میانجی‌گری در جنگ را آغاز نماید، مرحله‌ی اول جنگ و یا حمله‌ی عراق به داخل خاک ایران پایان یافت و مرحله‌ی دوم با بسیج ایرانی‌ها و در نهایت بیرون راندن مهاجمین عراقی از خاک ایران آغاز گردید. در حقیقت، میانجی‌گری اولاف پالمه چند ماه قبل از پایان مرحله‌ی دوم جنگ متوقف گردید. طی این مدت، شورای امنیت فقط یک‌بار و آن‌هم ملایم خواستار آتش‌بس شد، در حالی‌که ایران و عراق با بیانیه‌های عمومی، مواضع خود را محکم کردند. والد‌هایم، به دلیل تجربه‌ی ناموفق سفرش به تهران در اوایل آن سال، نتوانست نقش فعالی ایفا کند. رئیس شورا، سفر پالمه را فقط «تسهیل تماس‌ها با دولت‌ها و بین دولت‌های ذی‌ربط به منظور آماده کردن زمینه برای مذاکرات صلح در آینده‌ی نزدیک» توصیف کرد. پالمه به آرامی گفت که هدف از سفر وی جمع‌آوری اطلاعات بوده است تا برگزاری مذاکرات. این ظاهراً راه معقولی برای آغاز کار بود.

پالمه تا نوامبر ۱۹۸۰، پنج‌بار با طرفین مناقشه ملاقات کرد که آخرین آن در ماه مارس ۱۹۸۲ بود. به‌گفته‌ی یان الیاسون، سفیر سوئد و همکار نزدیک پالمه، وی دورویکرد اساسی

را دنبال می‌کرد. هدف از رویکرد اول، حل و فصل جامع مناقشه از طریق آتش‌بس، عقب‌نشینی نیروها و گفت‌وگو درباره‌ی موضوعات مورد اختلاف بود. رویکرد دوم: توافق‌های ملایم‌تر از قبیل ترتیباتی برای کاهش دامنه‌ی جنگ و یا تقلیل اثرات آن را دنبال می‌کرد. پالمه خواستار تهدد طرفین به‌دبیر کل به‌جای تهدد مستقیم آن‌ها به‌یکدیگر بود. پالمه در مورد میانجی‌گری خویش گفت: «ممکن است اعزام یک اسکاندیناویای عمل‌گرا و ناآگاه از مأموریت خویش احمقانه باشد، ولی من به‌دور از هرگونه ذهنیتی به‌طرفین مناقشه علاقه‌مند بودم.»

پالمه وارد میدانی گردید که قبلاً مملو از میانجی‌گران شده بود. در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰، بلافاصله پس از آغاز حملات عراق، صدام حسین اعلام کرد که در صورت شناسایی رسمی حقوق قانونی عراق (حاکمیت بر اروندرود) از سوی ایران و موافقت ایران با گفت‌وگوهای مستقیم، عراق آتش‌بس را خواهد پذیرفت. عراق که همیشه خواستار اعمال حاکمیت خود بر اروندرود بود، در ۵ اکتبر با پیشنهاد ضیاء‌الحق، رئیس‌جمهور پاکستان، که به‌نماینده‌ی از کنفرانس اسلامی فعالیت می‌کرد، در خصوص آتش‌بس یک‌جانبه‌ی سه‌روزه و اجازه‌ی خروج کشتی‌های تجاری از اروندرود (به‌شرط آن‌که با پرچم عراق حرکت کنند)، موافقت کرد. در ۱۶ اکتبر، عراق پیشنهاد حبیب چاتی، دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی، در مورد مذاکرات با ایران (به‌شرط آن‌که ایران حاکمیت عراق بر اروندرود را به‌رسمیت بشناسد) پذیرفت. ایران همیشه خواستار عقب‌نشینی بی‌قید و شرط نیروهای عراقی قبل از آتش‌بس و مذاکره و محکومیت عراق به‌عنوان متجاوز بود. علاوه بر ضیاء‌الحق و حبیب چاتی که از جانب کنفرانس اسلامی فعالیت می‌نمودند، سازمان آزادی‌بخش فلسطین، گروه عدم تهدد به‌سرپرستی ایزیدورو مالمرکا، وزیر امور خارجه‌ی کوبا، و سایر کشورها از قبیل یوگسلاوی، هند، زامبیا و پاکستان نیز فعال بودند. طرفین مناقشه پیشنهاد چهار ماده‌ای ۴ اکتبر سازمان آزادی‌بخش درباره‌ی نظارت بر عقب‌نشینی نیروهای عراقی را رد کردند.

به‌هنگام ورود پالمه به‌تهران در ۲۰ نوامبر، نیروهای عراقی به‌اوج موفقیت‌های خود رسیده بودند. بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت، اعلام کرد: «تا زمانی که نیروهای مسلح عراقی در خاک ایران هستند، هیچ پیشنهاد صلحی قابل بررسی نیست.» رجایی، نخست‌وزیر وقت، به‌پالمه

گفت که ایران خواستار سرنگونی صدام حسین می باشد و تلاش های وی «اتلاف وقت است». پالمه پس از گفت وگوهایش در بغداد به نیویورک بازگشت تا به والد هایم گزارش دهد و توافق اصولی برای آزادی شخصت و سه کشتی تجاری به دام افتاده در اروندرود را اعلام نماید. اگر طرفین متعهد به عدم ممانعت از انجام عملیات لایروبی، طی یک دوره ی ده روزه شوند، می توان دورنمای بهتری را برای تحقق یک آتش بس جامع پیش بینی کرد. برای رسیدن به این هدف، پالمه به دو مشکل اشاره نمود: ۱) ایران باید به عراق اجازه ی لایروبی مسیر کشتیرانی را بدهد و ۲) عراق اصرار دارد که کشتی ها با پرچم صلیب سرخ (که نشان دهنده ی جنبه ی انسانی عملیات است) حرکت کند. عراق با حرکت کشتی ها تحت پرچم سازمان ملل (براساس این استدلال که پرچم سازمان ملل ممکن است ادعای عراق در مورد حاکمیت بر اروندرود را مخدوش کند) مخالفت کرد. تلاش های وی در ۲۹ دسامبر به شکست انجامید، زیرا کمیته ی بین المللی صلیب سرخ در ژنو با آگاهی از تخلیه ی خدمه ی کشتی های به دام افتاده در اروندرود اعلام کرد که پرچم این کمیته به دلیل «نبود وضعیت اضطراری برای حمایت از انسان ها» نمی تواند مورد استفاده قرار گیرد.

در ژانویه ی ۱۹۸۱، پالمه دور دوم گفت وگوها را برگزار کرد. اعلامیه های دولتی طرفین مناقشه حاکی از سخت تر شدن ایستارهای آن ها بود. در بغداد، مذاکره کنندگان اعلام کردند که آن ها خواستار گفت وگو در مورد مشکلات هستند، ولی مذاکره در خصوص صلح و عقب نشینی نیروها تنها هنگامی عملی است که ایران حاکمیت عراق بر اروندرود را به رسمیت بشناسد. در تهران، مقامات دولتی نظرات متفاوتی داشتند و دسترسی آیت الله خمینی (ره) به عنوان عالی رتبه ترین مقام مشکل بود. پالمه در گفت وگو با بنی صدر متوجه شد که وی به رغم داشتن سابقه ی فعالیت به عنوان ایدئولوگ تندرو، فردی واقع گراست. حجت الاسلام علی اکبر رفسنجانی، رئیس مجلس وقت، نیز برای گفت وگو و تبادل نظر در دسترس بود. رجایی به پرسش ها پاسخ نداد و بر سرنگونی صدام حسین، محکومیت تجاوز عراق و پرداخت خسارت قبل از هرگونه مذاکره با صدام تأکید داشت. در این مرحله از گفت وگوها پالمه اعتقاد داشت که به رغم اصرار طرفین بر مواضع خود، وی به عنوان یک میانجی هنوز امکان رسیدن به راه حلی در جهت تأمین منافع طرفین را عملی می دید.

پالمه در ماه فوریه، سومین سفر خویش را آغاز کرد و این بار قصد گفت‌وگو در مورد موضوعات اساسی را داشت. در آن زمان ایران مشغول انجام عملیات ضدحمله علیه عراق بود. بنی‌صدر و سایر ایرانی‌ها ضمن ابراز تمایل تلویحی به گفت‌وگو درباره‌ی اصولی که بعدها در مذاکرات قابل استفاده باشد، مذاکرات را منوط به عقب‌نشینی نیروهای عراقی از خاک ایران کردند. پالمه بعداً به مطبوعات گفت که «هنوز وقت» حل مناقشه از طریق مذاکره فرا نرسیده است.

میانجی‌گرهای دیگر نیز از فعالیت خود نتیجه نگرفتند. از ۲۸ فوریه تا ۵ مارس ۱۹۸۱، گروه کنیری از سازمان کنفرانس اسلامی از جمله رؤسای جمهوری بنگلادش، پاکستان، گامبیا و گینه و همچنین نمایندگان سنگال، ترکیه، سازمان آزادی‌بخش فلسطین و دبیرخانه‌ی سازمان کنفرانس اسلامی از دو کشور ایران و عراق دیدار کردند. ایران خواستار عقب‌نشینی بی‌قید و شرط نیروهای عراقی از خاک خود و تشکیل دادگاهی برای محکومیت عراق و ارزیابی خسارات بود. عراق خواستار آتش‌بس و حل و فصل مسائل عمده از طریق مذاکره قبل از عقب‌نشینی نیروهایش بود. نکات اصلی طرح سازمان کنفرانس اسلامی عبارت بودند از: (۱) آتش‌بس از تاریخ ۱۳ مارس؛ (۲) عقب‌نشینی نیروها که از ۲۰ مارس آغاز و طی چهار هفته به پایان برسد؛ (۳) سازمان کنفرانس اسلامی بر آتش‌بس نظارت نماید؛ (۴) سازمان کنفرانس اسلامی نوع حاکمیت بر اروندرود را تعیین کند؛ (۵) مذاکره در مورد کلیه‌ی موضوعات (۶) تمهد طرفین به عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر؛ (۷) سازمان کنفرانس اسلامی باید بر نحوه‌ی اجرای این ترتیبات نظارت کند. ایران این پیشنهاد را در ۶ مارس رد کرد. عراق نیز این پیشنهاد را در ۱۱ مارس به دلیل عدم شناسایی حاکمیت عراق بر اروندرود رد کرد. در اواخر آوریل، ایران به هیأت سازمان کنفرانس اسلامی به سرپرستی حبیب چاتی گفت که عقب‌نشینی نیروها و پرداخت غرامت باید بدون قید و شرط باشد. سازمان کنفرانس اسلامی پس از مأموریت سکوت‌توره، رئیس‌جمهور گینه، در مارس ۱۹۸۲ تلاش دیگری را با سفر ضیاءالرحمان، رئیس‌جمهور بنگلادش، در ماه مه آغاز کرد. طی این مأموریت‌ها پیشرفتی حاصل نگردید. در ماه ژوئن، ایران دعوت کمیته‌ی میانجی‌گری سازمان کنفرانس اسلامی جهت برگزاری مذاکره با عراق در جده را رد نمود.

پالمه در ژوئن ۱۹۸۱ به منطقه بازگشت. عراق که فشار ناشی از بسیج و تشکل مجدد ارتش ایران را احساس نموده بود، در ماه نوامبر، پیشنهاد آتش‌بس در ماه مبارک رمضان و ایام محرم (روزهای مقدس شیعیان) را داد. ایران این پیشنهاد را رد کرد. پالمه محورهای کلی طرح جامعه را به طرفین ارائه کرد ولی چون مجلس ایران مشغول رسیدگی به موضوع اتهامات علیه بنی‌صدر بود، این طرح زیاد مورد توجه قرار نگرفت.

میانجی‌گران جنبش عدم تمهد پس از دیدار از پایتخت‌های دو کشور در ماه آوریل، مجدداً در ماه اوت به این دو کشور سفر کردند. رجایی به آن‌ها گفت که آن‌ها وقت خود را تلف می‌کنند. در همین حین، عملیات ضدحمله‌ی ایران موفقیت‌هایی را به همراه داشت. نیروهای ایرانی پس از یک‌سال شکست در یازپس‌گیری سرزمین‌های خود، عملیات ثامن‌الائمه را در اواخر سپتامبر و یک‌سال پس از تهاجم عراق آغاز کردند و حصر آبادان، یکی از بنادر حیاتی ایران در اروندرود، را شکستند. در اوایل دسامبر، عملیات طریق‌القدس موجب تصرف بستان در نزدیکی منطقه مرکزی مرز شد و فشار بیشتری را در سوسنگرد و مناطق شرقی بر نیروهای عراقی وارد کرد.

پس از این‌که خاویر پرز دو کوئیار، در اول ژانویه ۱۹۸۲ جایگزین والدهایم گردید، پالمه دور پنجم و نهایی مذاکرات خویش را از ۲۴ تا ۲۸ فوریه انجام داد. یک‌ماه قبل، عراق پیشنهاد میانجی‌گری سوریه را رد کرده بود. از آن‌جایی که ایران بر عقب‌نشینی بی‌قید و شرط اصرار داشت، تهران پیشنهاد پالمه را مبنی بر این‌که ابتدا نیروهای عراقی عقب‌نشینی کنند و سپس مرزها، مورد مذاکره قرار گیرد نپذیرفت. پالمه در اول مارس در استکهلم به خبرنگاران گفت که «وی از کلیه‌ی امکانات برای میانجی‌گری در جنگ بین ایران و عراق استفاده کرده است.»

شکست‌های عراق باعث شد که عراق به‌زودی کلیه‌ی مواضع خود به‌غیر از ادعای حاکمیت بر اروندرود را تعدیل کند. در ۹ مارس، آیت‌الله خمینی (ره) اعلام کرد که «صلح با جنایتکار به‌مثابه‌ی خیانت به‌اسلام است.» در هفته‌ی بعد، ایران حمله‌ی یازده روزه‌ای به‌نام عملیات والفجر را آغاز کرده، نیروهای عراقی را در ناحیه‌ی دزفول - شوش، واقع در یک‌صد کیلومتری شمال سوسنگرد عقب راند. در ۱۳ آوریل، صدام حسین اعلام نمود که نیروهای عراقی به‌شرط تضمین مرزهای عراق از سوی ایران و پایان جنگ از خاک ایران عقب‌نشینی

خواهند کرد. ایران این پیشنهاد را نپذیرفت. در ۲۴ آوریل، ایران خرمشهر را آزاد کرد و تا ۲۵ مه با اجرای عملیات قدس، بخش وسیعی از خوزستان را پس گرفت. در ماه مه، محمد بن یحیی، وزیر امور خارجه‌ی الجزایر، که میانجی‌گری الجزایر در قرارداد ۱۹۷۵ را احیا و تلاش‌هایی را در جهت تحقق صلح براساس همان قرارداد انجام می‌داد، بر اثر اصابت موشک و سرنگونی هواپیما در مسیر بغداد به تهران کشته شد. تحقیقات دولت الجزایر، عراق را مسؤول سرنگونی هواپیمای حامل وی دانست. در ۹ ژوئن، عراق، مجدداً تمایل خویش را به عقب‌نشینی اعلام و پیشنهاد آتش‌بس یک‌جانبه از تاریخ ۱۰ ژوئن را کرد. ایران این پیشنهاد را رد کرده، خواستار سرنگونی صدام حسین و پرداخت ۱۵۰ میلیارد دلار غرامت از سوی عراق شد. در ۲۰ ژوئن، عراق اعلام کرد که در ظرف ده روز از کلیه‌ی سرزمین‌های ایران عقب‌نشینی خواهد کرد.

شورای امنیت طی دو سال جنگ تقریباً کاری انجام نداده بود. عراق به‌رغم حفظ ادعای حاکمیت خود بر اروندرود، تمایل به برقراری آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروهایش از ایران را داشت. مقامات ایران از هرگونه مذاکره‌ای تا زمان حضور نیروهای عراقی در خاک خویش خودداری و درخواست‌های دیگری از قبیل محکومیت تجاوز عراق، برکناری صدام حسین و دریافت غرامت جنگی را نیز اضافه کردند. حتی پس از عقب‌نشینی نیروهای عراقی، ایران به عملیات تهاجمی خویش ادامه داد و به مرحله‌ای که گری سیک آن را زمان مهمی برای آغاز فعالیت‌های دیپلماتیک به‌منظور پایان جنگ و جلوگیری از جنگ به‌مدت شش سال دیگر خواند، توجهی نکرد:

اگر ایران در اواسط سال ۱۹۸۲، راه صلح را انتخاب کرده بود، می‌توانست با توجه به موقعیت خوب خود در شرایط رفع مناقشه تأثیر گذارد. در آن زمان، عموماً اعتقاد بر این بود که ایران گوی پیروزی را از چنگ دشمن رها کرده است و نیروهای نظامی آن شاید قوی‌ترین نیرو در منطقه قلمداد می‌گردید. ایران با حمایت از صلح می‌توانست وجهه‌ی خود را در نزد کشورهای منطقه و جامعه‌ی بین‌المللی بهبود بخشیده، خود را به‌عنوان قدرت برتر منطقه مطرح کند؛ در عوض، ایران بار دیگر اجازه داد که احساسات انقلابی بر رویکردی واقع‌گرایانه در قبال منافع درازمدت آن فائق آید.

ژوئیه ۱۹۸۲ - مارس ۱۹۸۴: حملات ایران علیه عراق

پس از عقب نشینی نیروهای عراقی از خاک ایران، جنگ مجدداً در دستور کار شورای امنیت قرار گرفت. مرحله سوم جنگ در زمین با بن بست توأم با کشتار محدود مواجه شده بود و در هوا به افزایش حملات هوایی به اهداف لجستیکی پشت جبهه‌ها و خطوط کشتیرانی منجر گردید. در ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲، شورا با تصویب قطعنامه‌ی ۵۱۴ (۱۹۸۲) خواستار آتش بس و عقب نشینی فوری نیروها به مرزهای شناخته شده‌ی بین‌المللی شد (شورای امنیت هرگز چنین قطعنامه‌ای را به هنگام حضور نیروهای عراقی در خاک ایران تصویب ننمود). قطعنامه به سازمان ملل این اختیار را داد که تیمی را جهت نظارت بر آتش بس اعزام کند و از طرفین خواست که به تلاش‌های میانجی‌گرانه از طریق دبیر کل پاسخ دهند. این قطعنامه، هم چنین از کشورهای دیگر خواست که از هرگونه عملی که احتمالاً موجب ادامه‌ی جنگ می‌شود خودداری کنند؛ قطعاً هدف شورای امنیت از این اقدام، جلوگیری از حمله‌ی بعدی ایرانی‌ها بود.

در کمتر از بیست و چهار ساعت بعد، ایران عملیات رمضان، یکی از پنج عملیات بزرگ برای فتح بصره، را آغاز کرد. عراق با پیش‌بینی حمله‌ی نیروهای ایرانی، نفرات خود را در برابر (بیست لشکر یا ۴۷۵/۰۰۰ نفر) افزایش داد و سیستم دفاعی خود را با ایجاد استحکامات، خاکریز و موانع آبی تقویت کرد. نیروی صدهزار نفری ایران متشکل از ارتش، پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج توانستند پنج تا ده مایل به داخل خاک عراق پیشروی نمایند. گزارش‌ها حاکی از آن بود که عراق از گازهای اشک‌آور جهت عقب‌راندن ایرانیان استفاده کرده است. دو روز بعد از شروع این حملات، رئیس شورای امنیت با صدور بیانیه‌ای از ادامه‌ی جنگ ابراز نگرانی نمود.

عراق به نیروهای مسلح خود دستور دفاع داد و از طرف دیگر با استفاده از نیروهای هوایی برتر خود، حملات به تأسیسات ایران از قبیل مراکز نفتی و تدارکاتی را تشدید کرد. پس از حملات ماه ژوئیه، هواپیماهای عراقی تأسیسات نفتی جزیره‌ی خارک را مورد حمله قرار دادند. در ۱۲ اوت، عراق ناحیه‌ی شمالی خلیج فارس را منطقه‌ی جنگی اعلام کرد و به کشتیرانی بین‌المللی هشدار داد. الجزایر پیشنهاد خود جهت میانجی‌گری را مجدداً مطرح کرد و

میانجی‌گری در جنگ ایران و عراق ... ۵۲۹

در ۲۶ ژوئیه، حسین موسوی، نخست‌وزیر وقت، از این پیشنهاد به شرط تحقق خواسته‌های ایران استقبال نمود، ولی سفرهای وزیر امور خارجه‌ی جدید الجزایر به تهران در ژانویه و مه ۱۹۸۳ دست‌آوردی نداشت.

نیروهای عراقی از ۱ تا ۱۰ اکتبر ۱۹۸۲ (عملیات مسلم بن عقیل) و بین ۱ تا ۱۱ نوامبر ۱۹۸۲ (عملیات محرم)، حملات ایران به سوی بغداد و العماره (شهری در بین راه بغداد و بصره) را دفع کردند. در ۴ اکتبر، درست سه روز پس از آغاز عملیات مسلم بن عقیل، شورای امنیت قطعنامه‌ی ۵۲۲ (۱۹۸۲) را که فقط تکرار نکات مهم قطعنامه‌ی ۵۱۴ بود و از تمایل یکی از طرفین (عراق) برای اجرایی‌شدن استقبال می‌نمود تصویب کرد. پس از این حملات، هواپیماهای عراقی شهرهای دزفول و آبادان و همچنین در مسیر خویش به سوی بندر ایرانی، نفتکش‌ها را مورد حمله قرار دادند.

ایرانی‌ها دو قطعنامه‌ی آخر شورای امنیت را نادیده گرفته، همچنان بر اهداف خود در جنگ تأکید کردند. هیأت صلح سازمان کنفرانس اسلامی به سرپرستی وزیر امور خارجه‌ی سنگال در ۲۳ اکتبر که هم‌زمان با وقفه‌ی بین دو حمله‌ی ایران بود از تهران دیدن کرد. آقای علی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت، در ۸ نوامبر گفت که «نیروهای ایرانی در صورت لزوم به سوی بغداد پیشروی خواهند کرد.» وی همچنین خواستار ۱۵۰ میلیارد دلار غرامت از سوی عراق شد.

نیروهای ایرانی برای واقعیت بخشیدن به تهدید خامنه‌ای، در سال ۱۹۸۳، به پنج حمله‌ی زمینی دست زدند.

هدف از عملیات‌های ناحیه‌ی مرکزی شامل عملیات والفجر مقدماتی از ۶ تا ۱۶ فوریه، عملیات والفجر از ۱۰ تا ۱۷ آوریل در منطقه‌ی شمال بستان و عملیات والفجر ۳ از ۳۰ ژوئیه تا ۹ اوت در ناحیه‌ی مهران، تصرف العماره بود. حملات ایران توسط پیاده نظام بدون پوشش مناسب واحدهای زرهی، توپخانه و نیروی هوایی صورت می‌گرفت و عراق این حملات را با توپخانه، نیروی هوایی و پاتک‌های واحدهای زرهی دفع می‌کرد. در ناحیه‌ی شمال، حملات ایران شامل عملیات والفجر ۲ از ۲۳ تا ۳۰ ژوئیه به سمت کرکوک و عملیات والفجر ۴ از ۲۰ اکتبر تا ۲۱ نوامبر در منطقه‌ی پنجوین به تصرف سرزمین‌های عراق انجامید ولی خطوط دفاعی

عراق را درهم نکوبید.

عراق در دو جبهه‌ی دیپلماتیک و نظامی به حملات ایران پاسخ داد. در ۲ مارس ۱۹۸۲، هواپیماهای عراقی با حمله به تأسیسات نفتی دریایی ایران موجب آلودگی منطقه‌ای از خلیج فارس به مساحت دوازده هزار مایل مربع شدند. عراق با استفاده از نیروی هوایی برتر خود، خطوط پشت جبهه و تدارکاتی ایران را هدف قرار داده است. در ۲۰ ژوئیه، طارق عزیز اعلام کرد که عراق حملات خود به تأسیسات نفتی ایران را افزایش خواهد داد. مقامات عراقی در توجه تشدید حملات اظهار داشتند که عراق در اوایل جنگ قادر به صادرات نفت از طریق خطوط لوله در ترکیه و عربستان سعودی نبود، در حالی که ایران به رغم عدم پذیرش آتش‌بس، توانست نفت خود را از طریق بنادر خلیج فارس صادر کند. طی این دوره، تولیدات نفتی ایران اغلب دو برابر تولیدات عراق بود و تا قبل از نیمه‌ی دوم سال ۱۹۸۶، تولیدات عراق از تولیدات ایران فراتر نرفت.

در سال ۱۹۸۲، صدام حسین یک سلسله «نامه‌های سرگشاده» خطاب به مردم ایران انتشار داد. در ۱۵ فوریه و ۱۶ مارس وی حسن نیت عراق و تمایل این کشور به پایان جنگ را اعلام کرد. در ۱۶ آوریل، وی پیشنهاد ملاقات با آیت‌الله خمینی (ره) در بغداد به منظور پایان دادن به جنگ را داد. در ۷ ژوئن، وی خواستار آتش‌بس طی ماه رمضان شد و یک هفته بعد نیز نامدای دیگر ارسال نمود. ایران همه‌ی این پیشنهادها را رد کرد. در اول اکتبر، پیشنهاد طارق عزیز مبنی بر اقدام مجمع عمومی برای تشکیل کمیسیون داوری جهت تعیین طرف مسؤول جنگ اعلام گردید، ولی این پیشنهاد نیز بی پاسخ ماند. «عراق آماده بود که نتایج حاصله از چنین داوری را بپذیرد.»

تلاش‌های بین‌المللی علی‌رغم این که در جهت تحقق صلح صورت می‌گرفت و با نیت خوبی همراه بود، به ثمر نرسید. در مه ۱۹۸۳، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ وضعیت زندانیان جنگی را مورد بررسی قرار داد، نتیجه‌گیری کرد که طرفین «به‌طور مکرر و ملموس قوانین بین‌المللی ناظر بر حقوق انسان‌ها را نقض نموده‌اند.» پس از بازدید هیأت سازمان ملل از مناطق جنگی ایران و عراق، دبیر کل سازمان به‌شورا گزارش داد که در ایران ویرانی شدید مناطق غیرنظامی و در عراق آسیب کم به این‌گونه مناطق مشاهده شده است. در ماه مه، وزرای

خارج‌هی کویت و امارات متحده‌ی عربی به‌منظور ارائه‌ی طرح میانجی‌گری شورای همکاری خلیج فارس به‌تهران و بغداد سفر کردند. در ماه اوت، شینتارو آبه، وزیر امور خارج‌هی ژاپن، از ایران و عراق خواست که مناقشه را حل و فصل کنند. وی در اولین قدم خواستار پایان حملات به‌اهداف غیرنظامی، خودداری از به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی، رعایت کشتیرانی آزاد از جمله قطع حملات به‌جزیره‌ی خارک و بازگشایی بنادر عراق گردید. این تلاش‌ها نشانه‌دهندگی نگرانی جامعه‌ی بین‌المللی بود ولی راه به‌جایی نبرد.

شورای امنیت نیز از این بهتر عمل نکرد. شورای امنیت بدون این‌که جنگ، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌الملل است نمی‌توانست براساس مفاد فصل هفتم منشور عمل کند. شورا در واکنش به‌حمله‌ی ایران در فوریه‌ی ۱۹۸۳، با صدور بیانیه‌ای از این‌که درخواست‌های قبلی شورا برای تحقق آتش‌بس به‌اجرا درنیامده است، عمیقاً ابراز نگرانی کرد. شورا در ۳۱ اکتبر، هم‌زمان با بحث‌های گسترده در مورد فروش هواپیماهای سوپر اتاندارد فرانسه به‌عراق، قطعنامه‌ی ۵۴۰ (۱۹۸۳) را تصویب کرد. این قطعنامه خواستار میانجی‌گری دبیر کل، محکومیت نقض قوانین بین‌المللی ناظر بر حقوق انسان‌ها، به‌ویژه کنوانسیون‌های ۱۹۴۸ ژنو، تأکید بر حق کشتیرانی و تجارت آزاد در خلیج فارس و تحقق آتش‌بس بود. دبیر کل، مجدداً تماس‌های خویش را با طرفین مناقشه آغاز کرد، ولی این تلاش‌ها نتایج مثبتی به‌همراه نداشت.

کشتار دردناک و بی‌حاصل در میدان‌های جنگ و دیپلماسی ناکارآمد، در سرتاسر سال ۱۹۸۴ ادامه پیدا نمود. در اوایل فوریه، عراق سعی کرد تا با اعلام این‌که یازده شهر ایران را مورد حمله قرار خواهد داد از حمله‌ی برنامه‌ریزی شده‌ی ایران جلوگیری کند. عراق به‌ساکتین شهرها یک هفته مهلت داد تا منازل خود را تخلیه کنند. ایران در عوض، عراق را تهدید به‌تلافی نمود. هم‌زمان با شروع حمله‌ی وسیع ایران در ۷ فوریه، عراق حملات هوایی خود را آغاز کرد. حملات تلافی‌جویانه‌ی ایران به‌شهرهای عراق موجب بروز جنگی شد که می‌توان آن‌را «جنگ شهرها» نامید. از ۱۵ تا ۲۴ فوریه، ایران عملیات والفجر ۵ و ۶ را در جناح مرکزی و در جبهه‌ی یک‌صد مایلی آغاز کرد. این بار نیز هدف از این عملیات قطع بزرگراه بغداد - بصره در نزدیکی العماره بود. یکی از موفقیت‌های واقعی ایران طی عملیات خیبر از ۲۴

۵۳۲ کی بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

فوریه تا ۱۹ مارس تحقق پیدا کرد. نیروهای ایرانی در این عملیات حوزه‌ی نفتی جزیره‌ی مجنون واقع در چهل مایلی شمال بصره را تصرف کردند. تعداد نیروهای دو طرف در این عملیات به ۵۰۰/۰۰۰ نفر می‌رسید که در طرف ایران، ارتش نقش عمده‌ای به‌عهده نداشت و فقط نیروهای پاسدار و بسیجی را پشتیبانی می‌کرد. در ۲۷ فوریه، عراق به تلافی تصرف جزیره‌ی مجنون اعلام کرد که از فعالیت ترمینال نفتی جزیره‌ی ایرانی خارک جلوگیری به‌عمل خواهد آورد.

این درگیری‌ها منجر به نقض بیشتر قوانین بین‌المللی ناظر بر حقوق انسان‌ها گردید. در ۵ مارس، ایالات متحده، عراق را متهم به استفاده از سلاح‌های شیمیایی کرد. این اتهام به تأیید کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ رسد و دبیر کل تصمیم گرفت که هیأتی را برای تحقیق اعزام کند. در ۳۰ مارس، رئیس شورا، براساس گزارش دبیر کل با صدور بیانیه‌ای استفاده از سلاح‌های شیمیایی و نقض قوانین بین‌المللی ناظر بر حقوق انسان‌ها را محکوم کرد.^(۱)

مصاحبه‌ی شبکه‌ی تلویزیونی تی. بی. اس

زاین، با علی خامنه‌ای

(۲۱ فرودین ماه ۱۳۶۱)

س: با تشکر از قبول دعوت ما، لطفاً بفرمایید علی‌رغم این‌که ایران با عملیات فتح به پیروزی رسید، جنگ در چه زمانی تمام خواهد شد و این جنگ که نتیجه‌ای جز آتش و خونریزی ندارد، آیا شما می‌خواهید متوقف شود یا نه؟

ج: ما قویاً علاقه‌مند هستیم که این جنگ هرچه زودتر پایان پذیرد؛ چون جنگ به معنای ویرانی و خونریزی و خصومت است و ما هیچ‌یک از این‌ها را نه برای خودمان و نه برای عراق دوست نداریم، اما این علاقه به تمام شدن جنگ، باید در هر دو طرف وجود داشته باشد. لکن، ما احساس می‌کنیم که طرفان مایل به تمام شدن جنگ نیستند، دلیلش هم این است که او می‌خواهد جنگ را به صورتی تمام کند که با دست پر به کشور برگردد؛ یعنی می‌خواهد بخشی از خاک ما، در دستش باشد که این هم از نظر ما قابل قبول نیست.

اما، این‌که جنگ چه زمانی تمام خواهد شد، از چیزهای غیرقابل پیش‌بینی است، زیرا عوامل فراوانی وجود دارند که همدی آن‌ها برای محاسبه‌ی پایان یافتن جنگ مؤثرند و

پیش‌بینی درست در این مورد نمی‌شود کرد.

س: در حال حاضر، ایران با مسائلی مثل تورم و بی‌کاری مواجه است. لطفاً مطرح بفرمایید که چگونه ایران این مسائل را پس از پایان جنگ حل خواهد کرد؟

ج: تورم و بی‌کاری مخصوص کشور ما نیست، بلکه تورم و بی‌کاری در همه‌ی کشورها در سطح جهانی وجود دارد و شاید کشور ما، در ابتدا به تورم و بی‌کاری از بسیاری از کشورهای اروپا و آمریکا و آسیا، وضع بهتری داشته باشد و لذا ما اگر جنگ را تمام کنیم، امید زیادی داریم که این مسائل را آسان حل کنیم، زیرا نیروی عظیمی که امروز ما داریم صرف جنگ می‌کنیم، اعم از نیروی مالی و نیروی انسانی، در آن روز، صرف رسیدن به امر اقتصادی کشور خواهد شد و موفقیت زیادی را ان شاء الله انتظار داریم که بعد از جنگ به دست بیاوریم.

س: بعضی از تحلیل‌گران غربی عقیده دارند که ایران مایل به پایان یافتن جنگ نیست، چون نمی‌تواند مسائل خودش را حل کند. لطفاً بفرمایید آیا این نظر صحیح است یا خیر؟

ج: البته این عقیده‌ی غلطی است، چون ما تمام مسائل خودمان را با نبودن جنگ بهتر از بودن جنگ می‌توانیم حل کنیم و لذا، جنگ بار سنگینی بر دوش ماست که اگر این بار برداشته شود، ما مسائلمان را با سهولت بیشتری حل خواهیم کرد.

س: در جنگ با عراق، چه تعداد از ایرانیان کشته شده‌اند و نظر شما در این باره چیست؟

ج: آمارهایی که دقیق باشد در ذهنم نیست. به هر حال، می‌توانید از مقامات مسؤول مثل ارتش و سپاه پرسید، چند هزار نفری به هر حال شهید شده‌اند.

س: چه کسی بعد از فوت امام، جانشین ایشان خواهد شد و آیا شما هم مثل امام اتحاد مردم را حفظ خواهید کرد؟

ج: این سؤال دلنشینی برای ما نیست؛ چون ما به امام عاشقانه علاقه‌مندیم و دوست نداریم که راجع به فوت امام از ما چیزی سؤال شود. اما همین اندازه به شما بگویم این پایه‌ای را که امام در کشور ما، بنا کرده‌اند، پایه‌ی است که برای همیشه به سود انقلاب و به سود جمهوری اسلامی خواهد بود و این پایه عبارت از اتحاد مردم در زیر لوای اسلام است که

برای این کشور یک ذخیره‌ی همیشگی و ابدی است.

س: آیا اختلاف عقیده‌ای میان مسؤولان کشور در مورد بازسازی کشور وجود دارد؟
ج: منظورتان از اختلاف عقیده چیست؟ اگر منظورتان این است که دو جریان فکری در این مورد وجود داشته باشد، باید بگویم نه. همه‌ی عناصری که در حکومت اسلامی ایران سهیم هستند، چه اعضای دولت به معنای هیأت وزیران و چه مسؤولان قوای دیگر کشور، همه در یک جریان و یک خط فکری قرار دارند، اما اختلاف عقیده به معنای این که کسانی نظری داشته باشند که با یکدیگر بحث کنند، این اختلاف نظرها در همه‌جا طبیعی است.

س: ممکن است در مورد روابط ایران و شوروی توضیحاتی بدهید؟

ج: روابط ایران و شوروی، روابط متوسط و سالمی است. شوروی همسایه‌ی بزرگ ما است که بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر با ما مرز مشترک دارد. ما روابط خصمانه‌ای با او نداریم و روابط سیاسی بین ما هم، روابط متوسط و سالمی است.

س: آیا ایران از شوروی اسلحه می‌خرد و یا در آینده تصمیم دارد که چنین کاری را انجام دهد؟

ج: آینده را نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم، ولی ما همیشه گفته‌ایم در دنیا از هر کشوری که احتیاج داشته باشیم، جنس خواهیم خرید؛ که این جنس ممکن است اسلحه و می‌تواند غیر اسلحه باشد. بنابراین برای ما، ژاپن و شوروی و اروپای غربی و دیگر جاهای دنیا یکسان است و یک حکم ویژه‌ای برای معامله و روابط اقتصادی با شوروی باز نکرده‌ایم. تنها در بین کشورها، آمریکا از این امر مستثنا است؛ چون ما با آمریکا بد هستیم و او را به عنوان دولتی می‌شناسیم که سالیان دراز به ما ظلم کرده و ما را زیر فشار قرار داده است. حتی بعد از انقلاب هم از شیطنت‌های خود نسبت به مردم ما فروگذار نکرده و لذا ما با او روابط اقتصادی و سیاسی مطلقاً نداریم.

اما غیر از آمریکا و اسرائیل که جوچه‌ی آمریکاست، با هر کشور دیگری شما فرض کنید، ما رابطه می‌توانیم برقرار کنیم و این به اختیار خود ماست که هر چه را مصلحت ایجاد کند همان‌طور عمل کنیم.

س: شما آیا در آینده‌ی نزدیک، روابطتان را با آمریکا برقرار خواهید کرد؟

ج: نه تنها در آینده‌ی نزدیک، بلکه در آینده‌ی دور هم من فکر نمی‌کنم که روابطمان با آمریکا خوب شود.

س: چند لایحه‌ی مهم مانند اصلاحات ارضی و ملی‌کردن تجارت خارجی، از تصویب مجلس خواهد گذشت؟ لطفاً بفرمایید آیا در این رابطه بین مقامات دولتی اختلاف عقیده‌ای در این زمینه هست یا خیر؟

ج: من نمی‌دانم منظورتان از لوایح مهم چیست. اگر لایحه‌ای در مجلس از اکثریت برخوردار باشد و طبق نظر شورای نگهبان از جنبه‌های مخالف با مکتب هم برخوردار نبود (یعنی ضد مکتب نبود)، این لایحه مورد پذیرش است و به دولت ابلاغ می‌شود و دولت هم عمل می‌کند. لذا بین دولت و قوه‌ی مقننه صحبت اختلاف نیست و این‌که می‌گویند آیا اختلاف نظر دارند یا ندارند، هرچه را که مجلس شورای اسلامی تصویب کرد و از شورای نگهبان گذشت، همان را دولت باید عمل کند، چون دولت تنها یک مجری است و نقشی در تصویب ندارد. بلکه ممکن است چیزهایی را طراحی کند و به مجلس بدهد که در این صورت مجلس آن را یا رد می‌کند، یا قبول می‌کند و یا ترمیم می‌کند. به هر حال، اختلاف نظر در این جا هیچ تأثیری نخواهد داشت.

س: آقای رئیس‌جمهور! نظر شما در مورد روابط ایران و ژاپن چیست؟

ج: ژاپن هم یکی از کشورهای دنیاست. ما همان حرفی را که در مورد دیگر کشورها زدیم، در مورد ژاپن هم عیناً همان را می‌گوییم. روابط ما با ژاپن، روابط سالمی است که علاقه به گسترش این روابط هم داریم و از طرف ما، هیچ‌گونه مانعی برای گسترش روابط اقتصادی و یا سیاسی با ژاپن نیست.

س: نظر شما راجع به کنفرانس سران کشورهای غیرمتعهد که قرار است در سپتامبر

آینده در بغداد تشکیل شود، چیست؟ و آیا ایران در این اجلاس شرکت می‌کند؟

ج: البته اگر کنفرانس در بغداد تشکیل بشود، ما شرکت نمی‌کنیم و ما اصولاً عراق را جزو غیرمتعهدها نمی‌دانیم. عقیده‌ی ما این است که وقتی کشوری مثل عراق، ارتباط تأثیرپذیرنده‌اش با کشورهای صدر در صد متصل به آمریکا مثل اردن و غیره در آن حدی است که امروز است، این نمی‌تواند غیرمتعهد باشد، علاوه بر این‌که از اصول غیرمتعهدها هم که

یکی از آن اصول، عدم تجاوز به مرزهای دیگران است تخطی کرده، بنابراین شایستگی عضویت در این مجمع را ندارد و لذا اگر کنفرانس در بغداد تشکیل شود، ما شرکت نخواهیم کرد و اصلاً عراق را عضو جامعه‌ی غیرمتعهدها نمی‌شماریم. لکن ما فکر می‌کنیم تا آن زمان این وضعیت برای بغداد باقی نخواهد ماند.

س: طبق گزارش منتشرشده از اسلام‌آباد، نیروهای شوروی در داخل مرزهای ایران با پناهندگان افغانی درگیری داشته‌اند، آیا این درگیری‌ها را تأیید می‌کنید و اگر صحیح است، نظر شما راجع به آن چیست؟ طبق همین خبر، تعدادی از نیروهای افغانی هم کشته شده‌اند؟

ج: این از جمله خبرهایی است که بلندگوهای غربی درمی‌آورند. حتی اگر چیزی هم نباشد، می‌سازند، یا اگر چیز کوچکی باشد، چندین برابر بزرگ می‌کنند. البته خود شما هم یک خبرنگار و قاعدتاً مثل همان خبرنگارها هستید. اما من به شما می‌گویم این شیوه و نظر خبرنگاران، شیوه‌ی درستی نیست که یک چیزی را جذب می‌کنند و یک چیز کوچکی را بزرگ می‌کنند. من نمی‌توانم این‌ها را تأیید کنم.

س: طبق گزارش‌های رسیده، می‌گویند مردم از نظر روانی از انقلاب خسته و دلزده شده‌اند، نظر جناب عالی در این مورد چیست؟

ج: من این‌را به هیچ وجه تأیید نمی‌کنم. چنانچه شما هم چند روز در ایران می‌ماندید و با مردم تماس می‌گرفتید، این را تأیید نمی‌کردید. مردم ما، هرچه می‌گذرد نسبت به انقلاب علاقه‌مندتر می‌شوند. این‌را از حضورشان در جبهه‌های جنگ و در جبهه‌های فعالیت‌های داخلی و در جهاد سازندگی و در این راه پیمایی‌های عظیم می‌توانید مشاهده کنید. نه‌خیر! این هم دروغ است.^(۱)

برادر محسن رضایی، فرماندار سپاه پاسداران در مسجد سلیمان گفت: در آینده‌ی نزدیکی، فاتح و سربلند تا کربلا پیش خواهیم رفت.

برادر محسن رضایی فرماندهی سپاه پاسداران که در مسجد سلیمان به سر می‌برد، در مسجد جامع نمره‌ی یک این شهر، حضور یافت و با مردم به گفت‌وگو پرداخت. فرماندهی سپاه پاسداران در این دیدار و گفت‌وگو، ضمن تشریح نقش سپاه و بسیج و پیوند ناگسستنی این دو نهاد انقلابی و ارتش در پیروزی‌های حماسه‌آفرین و غرور برانگیز اخیر رزمندگان اسلام در جبهه‌های جنگ، اظهار داشت: پس از پیروزی انقلاب و به‌خطر افتادن منافع ابرقدرت‌ها در شاهرگ اقتصادی دنیا، یعنی خلیج فارس، دشمن از هر دری وارد شد و به هر حیل‌های متوسل شد تا بلکه بتواند از داخل و خارج، انقلاب را به شکست بکشانند و با آن‌را از مسیر اصلی منحرف کند. همه مفسران، عقیده داشتند که با رفتن مستشاران خارجی، ایران از هم پاشیده خواهد شد و بر همین اساس، نوکر ابرقدرت‌ها (صدام عقلی) به‌خیال خام خود در نظر داشت روز سوم جنگ در اهواز با خبرنگاران مصاحبه کند؟

وی در دنباله‌ی سخنان خود افزود: ما در ابتدای جنگ که دشمن ناجوانمردانه حمله‌های غافلگیرانه را آغاز کرد، با دریایی از سلاح‌های مدرن نظامی و مکانیزه‌ی دشمن روبه‌رو

بودیم. همه، باخت ایران را در این جنگ، در ظرف یک هفته، حتمی می دانستند ولی تمام دنیا با اعجاز دید که نیروهای ما اعم از بسیجی، سپاهی، هوانیروز، و نیروهای هوایی و زمینی و غیره، چگونه با ایمانی راسخ بر دشمن تا بن دندان مسلح تاختند و آنان را به شکست قطعی نزدیک کردند.

دشمن از شدت عجز در برابر رزمندگان ما، مردم بی دفاع را آماج حمله های وحشیانه ی خود قرار می داد و این پارتیزین نشانه ی ضعف و زبونی آنها است.

فرمایش امام در مورد پیروزی

برادر محسن رضایی در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: ما قبل از عید برای حمله به دشمن، فکرها کردیم و نقشه ها ریختیم، ولی دیدیم نیروی عظیم ما، در برابر دشمن مجهز به بهترین سلاح های دریافتی، نابرابر و ناکافی است، اما در دیدار با امام بود که ایشان فرمودند: به حق! پیروزی با شماست، زیرا برای من مانند روز روشن است. و بدین گونه ما، با اتکال به خدای قادر متعال، حمله را آغاز کردیم.

در جبهه های رقابیه، عین خوش، دشت عباس و رادار دزفول، دشمن با ناتوانی تن به شکست داد. در نبرد اخیر، گرفتن بیش از پانزده هزار نفر اسیر، از ارتش صدام یعنی سه برابر جمع اسیرانی که طی هجده ماه جنگ، گرفته شده اند، بیانگر عظمت نیروهای دشمن بود. ولی آنان فاقد ایمان و تقوا بودند.

آر.پی. جی های ضدتانک ما، در برابر تانک های جدید دریافتی آنها، هیچ بود و هیچ گونه خساراتی به آنها وارد نمی کرد. افسران و فرماندهان اسیر عراقی در مصاحبه هایشان از عظمت و از خودگذشتگی نیروهای ما ابراز شگفتی می کنند و سخت در حیرت هستند. ما به دنبال متصرفات خود، با جاده ی اسفالتی در خاک عراق فقط ۹ کیلومتر فاصله داشتیم و نیروهای ما، هرآن می توانند وارد خاک عراق شوند، ولی ما کشور متجاوز نیستیم.

صدام، در پی شکست های اولیه، دست به حمله هایی زد، نیروها را تقویت کرد، حتی نیروهای گارد ملی و مجلس را به جبهه فرستاد. اردن، مصر و عربستان چه کمک های فراوانی که به عراق نکردند، ولی نتیجه ای جز شکست، حاصل آنان نشد.

تقصای خون شهیدان

فرماندهی سپاه پاسداران در خاتمه‌ی سخنان خود، به سفر سران اسلامی جهت برقراری صلح به ایران اشاره کرد و گفت: سران کنفرانس اسلامی برای برقراری صلح آمدند و گفتند شما شرایط ما را بپذیرید تا ما صدام را مجبور به قبول صلح کنیم، ولی شرایط ما، چیزی جز تقصای خون شهدای جنگ، عقب‌نشینی دشمن از خاک ما و جبران خسارات وارده توسط دشمن به ما نیست. آیا حرف ما خارج از منطق است؟ آیا ما شروع‌کننده‌ی جنگ هستیم؟

وی در ادامه‌ی سخنان خود گفت: به اسارت در آمدن تعداد پرشماری از سربازان و افسران عراقی، خواب خوش را از صدام گرفت و ان شاء الله در آینده‌ی نزدیکی، ما فاتح و سربلند تا کربلا پیش خواهیم رفت و صدام راهی جز خودکشی نکبت‌بار نخواهد داشت، زیرا قیام مردم مسلمان عراق در داخل خاک عراق به اوج رسیده و به نارضایتی‌های موجود شدت بخشیده است و ما امیدواریم در آینده‌ی نزدیک، شاهد فتح بزرگ در جنگ باشیم.

در هنگام دیدار و گفت‌وگوی فرماندهی سپاه پاسداران با مردم، خزایی دادستان مسجد سلیمان، بهرامی حاکم شرع و جمعی دیگر از مسؤولان حضور داشتند.

برادر محسن رضایی، چند ساعت پس از این دیدار و گفت‌وگو، مسجد سلیمان را به قصد جبهه‌های جنگ ترک گفت.^(۱)

عوامل توطئه‌ی ترور رهبر انقلاب و اعضای شورای عالی دفاع، دستگیر شدند

با کوشش سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی و تلاش شبانه‌روزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دادگاه انقلاب ارتش، عاملین یک حرکت ضدانسانی و ضداسلامی که هدفشان ترور رهبر کبیر انقلاب اسلامی و اعضای شورای عالی دفاع بود، شناسایی و دستگیر شدند.

براساس اطلاعاتی دادگاه انقلاب ارتش، عاملین این ترور، که در رأس آن‌ها صادق قطب‌زاده نیز شناسایی و دستگیر شده است، قصد داشته‌اند پس از به‌شهادت رساندن امام امت و اعضای شورای عالی دفاع، با کمک نیروهای کوردل ضدانقلاب، و وابسته به امپریالیسم آمریکا، ملی‌گرایان، سلطنت‌طلبان و دیگر عوامل خارجی به‌بهانه‌ی خونخواهی امام به‌جان مردم بی‌گناه بیفتند و با یک تصفیه‌ی وسیع و همه‌جانبه، جوی خون به‌راه بیندازند.

و پس از خاموش کردن هر صدای مخالفی، حکومت کشور را به‌دست بگیرند.

در رابطه با کشف این توطئه‌ی بزرگ و مهم، دادگاه انقلاب ارتش اطلاعیه‌ای منتشر کرد که توجه خوانندگان را به آن جلب می‌کنیم.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الْقَاصِمِ الْجَبَّارِينَ﴾

امت انقلابی و شهیدپرور!

اسلام در پرتو عنایات الهی که همیشه شامل حال این ملت قهرمان و مظلوم بوده و به کمک سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی که در همه جا و همه ارگان‌ها برای حفظ دستاوردهای انقلاب در تلاشند و پی‌گیری دادستانی انقلاب ارتش، و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک توطئه‌ی جاهلانه براندازی و تلاش مذبوحانه‌ی که از سوی تعدادی عناصر ضد انقلاب با ترکیبی از ملی‌گرایان و سلطنت‌طلبان و قدرت‌پرستان بی‌خط، طراحی شده بود، کشف و عامل اصلی آن که آقای صادق قطب‌زاده یکی از افراد فعال آن‌ها بود، دستگیر شدند.

پس از پیروزی اعجاز‌آمیز جمهوری اسلامی در عملیات فتح‌المبین که آمریکا و سایر استعمارگران و توطئه‌گران داخلی و صدام و ارتجاع منطقه را سرشکسته و رسوا ساخت و مخصوصاً از همکاری ارتش دلیر و مسلمان ایران که در این عملیات، عشق و علاقه‌اش به نظام اسلامی ایران به اثبات رسید، مأیوس گردیدند این خودفروختگان، با الهام از اربابان خارجی و با حمایت آن‌ها در صدد برآمدند که دست به‌بزرگ‌ترین جنایت زده و امام عظیم و عزیز، این قلب تپنده‌ی امت انقلابی را از امت و انقلاب بگیرند و با خاموش نمودن این نور الهی و مشعل تابان انقلاب اسلامی، راه را برای تجدید سیادت و غارتگری اربابان غربی خود کسب و قدرت انگلی برای خود باز نمایند.

طراحان کوردل این جنایت، در نظر داشتند ابتدا امام و شورای عالی دفاع را از میان بردارند و سپس ریاکارانه به عنوان مطالبه‌ی خون امام و یارانش با کمک نیروهای خارجی سایر ارگان‌های مسؤول و نهادهای انقلابی را مورد تصفیه‌ی خونینی قرار داده و حکومت جمهوری اسلامی را تصاحب نمایند.

دادگاه انقلاب ارتش از مدت‌ها پیش با کمک سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی و با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جریان را زیر نظر داشت و با تهیه‌ی مدارک کافی؛ من جمله نوار مکالمات سران توطئه و شناسایی کامل شبکه که در فرصت مناسب، اعضای اصلی و مؤثر شبکه را دستگیر و تحت پیگرد قرار داد و با وارد کردن یک ضربه‌ی دیگر بر منافع آمریکا، امیدهای واهی شیطان بزرگ را

نقش برآب نمود و اکنون مسؤولان امور امنیتی قضایی با در دست داشتن مدارک روشن، مشغول تکمیل پرونده و تعقیب سایر متهمان هستند و در اولین فرصت مردم همیشه در صحنه و بیدار کشور را در جریان جزئیات توطئه قرار خواهند داد.

ان ربک لبالمرصاد

رئیس دادگاه‌های انقلاب ارتش، محمدی ری شهری (۱)

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی

(۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۱)

س: وضعیت زن را در رژیم سابق و فعلی، چگونه تحلیل می‌کنید؟ به خصوص در رابطه با جنگ؟

ج: در رژیم سابق، متأسفانه از دنیای غرب تقلید می‌شد؛ و رژیم می‌خواست زنان جامعه‌ی ما را مانند زنان غربی بار آورد. آن‌ها یک چیزی شنیده بودند که زن و مرد در غرب با یکدیگر تفاوتی ندارند و این عدم تفاوت را در چیزهایی که تفاوت هم داشتند، دخالت می‌دادند. به جای این‌که بر روی مسائل اصلی تکیه شود، به همین آزادی‌های توأم با بی‌بندوباری، اختلاط زن و مرد، با هم زندگی کردن دختر و پسر، و با هم بودن در سر کلاس‌های درس و گردش‌گاه‌ها و یکسان ظاهر شدن زن و مرد در فیلم و سینما و... توجه داشتند و رواج این امور را برابری زن و مرد وانمود می‌کردند.

تلاش می‌کردند، زن را گونه‌ای تربیت کنند که مایه‌ی انحراف اخلاقی جامعه شود و جامعه را از این راه به کج‌راهه بکشاند. همه‌ی این‌ها را برای تحقق بخشیدن اهداف خاصی که دنیای استعمار دارد، انجام می‌دادند. نمی‌توانیم بگوییم همه‌ی عاملان رژیم سابق چنین هدفی

داشتند، ولی چنین خطی وجود داشت. با یک ترفند رذیلانه و ریاکارانه زن را به اسم آزادی، وسیله‌ی ارضای تمایلات و شهوات مرد قرار داده بودند. به این بهانه که مردم در خیابان‌ها، کارخانه‌ها، اداره‌ها، دانشگاه‌ها و مدارس، به شیوه‌های گوناگون از تمتعات دنیایی برخوردار شوند. زن‌های بی‌خبر و ناآگاه از همه‌جا، به اسم آزادی ناچار بودند خود را به صورتی که جو جامعه‌ی آن روز طلب می‌کرد، درآورند. و گمان می‌کردند که تمدن همین است. وضعی پیش آمده بود که زن‌ها بسیاری از وقت خود را صرف آراستن ظاهر خود می‌کردند. مسابقه‌ای بود در آرایش، شیک‌پوشی، تظاهر به عزیمتی و پیشی گرفتن در هر چه بی‌بند و بارتر بودن، در اختلاط بیشتر با مردان. این وضعیت فاسد جامعه‌ی قبل از انقلاب بود که پس از انقلاب، کاملاً معکوس شد. این که ما چه اندازه موفق شده‌ایم که مظاهر این حرکت باطل را اصلاح کنیم، بحث دیگر طلب می‌کند. تا حدودی موفق شده‌ایم ولی اصلاح کامل به این آسانی به دست نمی‌آید و احتیاج به زمان بیشتری دارد.

اما درباره‌ی نقش زنان در جنگ، باید گفت که در دوران حکومت رژیم گذشته، جنگی به این صورت به یاد نداریم. در رژیم سابق، شرکت زنان در امور نظامی فقط بدین صورت بود که یک‌عده از زنان را در کارهای اداری و ماشین‌نویسی و از این قبیل در اداره‌های ارتش برده بودند؛ مسأله‌ی جنگ مطرح نبود، بلکه همان سیاست ایجاد انحراف اخلاقی در جامعه بود. ولی در جنگ فعلی که ما با عراقی‌ها داریم، شما و زنان دیگر به خوبی می‌دانید چه اندازه نقش دارید. البته حضور زنان در جهاد به معنای خاص جنگ نیست، یعنی سلاح بر نمی‌دارند تا در صف مقدم بچنگند؛ با این که تعداد بسیاری از زنان ما تعلیم نظامی دیده‌اند و بر فنون جنگ آگاهی دارند و در سپاه و بسیج برای دفاع آمادگی دارند، البته ما بنای تهاجم نداریم، اما اگر ضرورت پیدا کند و جنگ به خانه‌ها و شهرها کشیده شود، زنان ما نیز توانایی دفاع دارند.

زنان، در پشت جبهه بسیار خدمت کرده و می‌کنند؛ در کارهای پرستاری و مداوای مجروحان و این وظایفی بوده که زنان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز انجام می‌دادند. من در بازدید از جبهه‌ها، در صف مقدم که رفتم، در مراکز درمانی و بهداری، حضور زنان را در آنجا دیدم

و مشاهده کردم که در آنجا بسیاری از کارها بر دوش آنها است و اگر آنها نباشند ما باید در این امور نیز از مردها استفاده کنیم. در بیمارستان‌ها هم شاهد هستیم که زنان چه نقشی در مداوای زخمی‌ها دارند و هم‌چنین در تأمین تداوزکات جبهه شاید بیشتر از مردها کار می‌کنند. در تشویق مردم و تحریک جوانان برای به‌جبهه رفتن، مادرها و خواهرها انصافاً سهم عظیمی دارند. آن وظایفی که در زمان حضرت علی علیه السلام برعهده‌ی زنان بوده است، الآن اوج آنرا می‌بینیم.

من گمان می‌کنم اگر نظام گذشته جنگی در پیش رو داشت، زنانی که با آن نظام خو گرفته بودند، هرگز آمادگی انجام این کارها را نداشتند. پرستارهایی که امروز به‌جبهه‌ها می‌روند، با روحیه‌ی آن‌روز نمی‌توانستند بروند و نقشی داشته باشند. بسیاری از زنان را می‌شناسیم که در جبهه تیر خوردند و حالا یا معلول هستند و یا بهبودی یافتند و یا هنوز در بیمارستان به‌سر می‌برند. روی هم رفته، در همان حدی که ما لازم داریم و دفاع ایجاب می‌کند، زنان ما در جبهه فعالیت داشته و دارند. (۱)

فخرالدین حجازی، نکات تازه‌ای از توطئه‌ی کودتا را کشف کرد

سخنران پیش از نماز جمعه‌ی دیروز، فخرالدین حجازی نماینده‌ی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی بود. فخرالدین حجازی ابتدا با اشاره به تولد بزرگ بانوی جهان اسلام، به نقش زن در جامعه‌ی اسلامی پرداخت و گفت: در انقلاب اسلامی ایران، زن به‌عنوان یکی از ارزنده‌ترین نیروها، نقش مهمی داراست.

جمله‌ی صهیونیست‌ها به مسجدالاقصی

ناطق، آن‌گاه در رابطه با جمله‌ی وحشیانه‌ی نیروهای صهیونیستی به مسجدالاقصی سخنانی ایراد کرد و طی آن گفت: هم‌اکنون که ما آرام برای ادای نماز گرد آمده‌ایم، مسجدالاقصی این‌سقبله‌ی نخستین مسلمانان در ناآرامی و ناامنی به‌سر می‌برد و در دیوارش خونین است و گلوله‌ها پایده‌هایش را درهم شکسته است؛ لذا وظیفه‌ی هر مسلمان است که بیت‌المقدس و فلسطین را از چنگال صهیونیسم بین‌المللی آزاد کند.

توطئه‌ی کودتا

آقای فخرالدین حجازی، سپس به‌افشای توطئه‌ی کودتا و نقش اعوان و انصار یکی از مراجع در این رابطه پرداخت و به مردم هشدار داد که: غرب‌زده‌ها و از غرب آمده‌ها در ایران با رشته‌هایی با خارج از کشور پیوند دارند تا انقلاب ما را به شکست بکشانند. قطب‌زاده از غرب برگشته بود، ولی او تنها نیست.

نخستین، بنی‌صدر بود که خیانت و جنایتش را کرد و رفت. قطب‌زاده با حزب سوسیالیست فرانسه رابطه داشته است. وقتی وزیر خارجه بود، یکی از بزرگ‌ترین مقامات حزب سوسیالیست فرانسه به‌دیدارش آمد. حزب ننگین سوسیالیست فرانسه با اسرائیل رابطه دارد و دارای خصیصه‌ی صهیونیستی است.

شاه با همه فسادش، کاری که با امام کرد، این بود که امام را از ایران اخراج کرد، اما نقشه‌ی این‌ها این بود که امام و جماران را و ۳۰ هزار نفر مردم آن‌جا را با انفجار بکشند.

مهره‌های جبهه‌ی ملی، اخراج‌شده‌های ارتش و از همه مهم‌تر یک باند از فواحش و چاقوکش‌ها در این جریان شرکت داشتند. اما، مردم و نهادهای نظامی و انتظامی، بیدار بودند. در خانه‌ی شاه‌ویسی همان استاندار خائن کردستان که دولت موقت او را روی کار آورد و به‌او اسلحه داد و او اسلحه‌ها را به‌احزاب ضدانقلاب داد، در این خانه، مواد منفجره را جمع می‌کردند، ولی چشم‌های بیدار پاسداران این جریان را تعقیب کرده و در روز مشخصی این‌ها را دستگیر نمودند.

ناطق، در همین رابطه ادامه داد: چندی پیش، دست‌های توطئه‌گر می‌خواستند پس از کشتن یکی از مراجع، پای دولت جمهوری اسلامی و سپاه را به‌میان بکشند و آنان را مقصر قلمداد نمایند. سپاه، پس از متوجه شدن از قضیه، نزد آقا رفته و خطر را به‌او گوشزد می‌نمایند. افراد سپاه به‌منزل آن آقا رفته، دو زانو می‌زنند و می‌گویند: آقا خطر است! خطر جان شما بعد از توطئه علیه جمهوری اسلامی. داماد آقا نگذاشته سپاه حفاظت خانه‌ی آقا را به‌عهده بگیرد. سپاه: مراقب داماد آقا بوده و مشخص شده که داماد آقا با این حرکت حکومت‌براندازی که تنظیم شده، رابطه داشته و پرپر روز داماد آقا به‌وسیله‌ی انقلاب اسلامی و دادستان توقیف شد.

مردم! من حقایق را می‌گویم. اول هم از امام امت معذرت خواستم. شما اصلاً نترسید. این توطئه‌ها با بیداری شما مردم خشی می‌شود. وقتی یک سلمانی فقیر را می‌برند به یک خانه که اصلاح کند، اصلاح می‌کند بعد می‌بیند این آقایین را که اصلاح کرده، قبلاً عکسش را در تلویزیون دیده، فوراً می‌آید آن‌آقا را لو می‌دهد. وقتی سلمانی‌های ما بیدار هستند، ما از هیچ چیزی واهمه نداریم. ترس نداشته باشید، اما بدانید توطئه پشت سر توطئه است. شما حق این‌که عکس العمل نشان بدهید، ندارید. من در این‌جا اعلام می‌کنم؛ به عنوان یک نماینده‌ی مجلس که قوه قضائیه‌ی ما، داستانی انقلاب ما، دادستان کل ما، دیوان عالی کشور ما، از قوی‌ترین و نیرومندترین و صالح‌ترین قوه قضائیه هستند، که بعد از حضرت علی علیه السلام در تاریخ به وجود آمده، بنابراین وحشت نداشته باشید.

فخرالدین حجازی در ادامه‌ی سخنان خود گفت: من افشا می‌کنم! یک عده دانشجو از خارج آورده‌اند که این‌ها در قم درس اسلامی بخوانند. این‌ها جزو دارالتبلیغ هستند. من این‌جا به دولت می‌گویم بعضی از این دانشجویانی که از خارج آمدند و درس می‌خوانند این‌ها قابل اعتماد نیستند. این‌ها باید از کشور اخراج بشوند.

یک دانشجو از مالزی آمده در قم تحصیل می‌کند. در خوابگاهی که دارالتبلیغ ساخته است. کار این دانشجو این بوده که مصاحبه‌های ضد امام و ضد جمهوری اسلامی را ترجمه می‌کرده و بعد که در ۲۲ بهمن، مهمان‌های خارجی به ایران می‌آمدند، این مصاحبه‌های ضد جمهوری را به آن مهمان‌های خارجی تحویل می‌داده و آن‌ها از کشور خارج می‌کردند و این دانشجوی مالزیایی، وابسته به دارالتبلیغ، امروز در زندان داستانی انقلاب است.

مردم! من یک بار در لاندی جاسوسی افشا کردم و این بار هم این‌جا افشا می‌کنم. من می‌دانم رادیو سخنان من را پخش نمی‌کند و باید هم پخش نکند؛ برای این‌که می‌گوید از لحاظ مصلحت‌های بین‌المللی صلاح نیست. اما من‌که با جانم بازی می‌کنم، افشا می‌کنم. این نوارها را پخش کنید، مردم بفهمند. من می‌پرسم از آن‌هایی که دارالتبلیغ اسلامی تشکیل می‌دهند و دانشجوی خارجی می‌آورند به عنوان این‌که این‌ها درس اسلامی بخوانند. در خوابگاه دانشجویان، دستگاه بی‌سیم پیدا می‌شود؛ یعنی چه؟ خطر این‌جا است!

داماد این آیت‌الله را گرفته‌اند و الآن در زندان است. پیروز بازداشت شده است. اما

مسأله خطرناک است. پسر این آیت‌الله در پاریس است و مشغول توطئه است. تا ترکیه هم آمده. بعد که دیده دولت ترکیه حاضر نیست سرزمین خودش را مرکزی قرار بدهد علیه جمهوری اسلامی، از ترکیه بیرون رفته. من سؤالم در این است که به آن آقایان مراجع عرض می‌کنم: شما عزیزید! شما شریف هستید! شما فقیه هستید! شما سید هستید! چرا می‌گذارید پسران، چرا می‌گذارید دامادتان علیه جمهوری اسلامی توطئه کنند. من آن سرمایه‌دارانی که پول‌های کلان می‌پردازند، می‌شناسم و اگر دست از تحریک و پول‌پراکنی بردارند، همین‌جا جلوی همین مردم رسوایشان خواهم کرد.

فخرالدین حجازی افزود: ما پاکت‌های پول به‌دست آوردیم که این پول‌ها از خانه‌های مخصوص خارج می‌شده و به‌دست افراد می‌رسیده است و این پول‌ها دارد پخش می‌شود. اما به‌عنوان کمک. ما این‌ها را می‌شناسیم. اعلام می‌کنیم آن نمایندگان مجلس که خطشان معلوم است که با جمهوری اسلامی نمی‌خواند، شب با پیکان‌هاشناس در خیابان‌های قم هستند با چه کسانی تماس می‌گیرند.

ما می‌دانیم با کی تماس می‌گیرند. به‌عنوان نسبت به کودتاچی، نسبت به قطب‌زاده، نسبت به منافقین خلق، نسبت به جبهه‌ی ملی. و حمایت‌شان را از جمهوری اسلامی اعلام کنند و اگر نکنند و اگر با پیکان‌های ناشناس در خیابان‌های قم بیروند، از نظر این مردم به‌عنوان نمایندگی مطرود خواهند بود.

فخرالدین حجازی در پایان سخنان خود گفت: من برای مراجع، حرمت قائلم، اما چه کنم؟ این مرجعی که دامادش توقیف شد و پسرش فراری است، این یکی، خیلی محترمانه، و صحبت از یک مرجع محترم دیگر است. آن مرجع را می‌دانم که روحش خیر ندارد، اما پسر ناخلف این مرجع محترم که در خارج از کشور در نجف است. پسر ایشان در لندن است. یک انسان عادی اعلام می‌کنم نه انسان مسؤول. با مسؤولیت خود، اگر دیگر در قم پیدایشان بشود، همان‌جا پخته‌تان را خواهیم گرفت! (تکبیر حضار).

مردم! این آقا که با حزب سوسیالیست فرانسه رابطه داشته و در این کودتا دخالت داشته، دفعه‌ی اول که توقیف شد، آن‌هایی که رونامه‌ی نامیزان میزان را می‌نوشتند، گفتند: وادموکراسیا! جمهوری اسلامی، حکومت اختناق است؛ چون یکی از آزادی‌خواهان را گرفته.

حالا خیانتش مسجل است و تهمت هم نیست. خودش اقرار کرده و اقرارش در دادستان موجود است. باید تکلیفشان مشخص بشود، شما مردم این‌ها را انتخاب کردید باید ببینند پشت تریبون مجلس، ابراز انزجار کنند. این پسر، ناخلف است! این پسر، در لندن علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه می‌کند. این پسر، با ضدانقلابیون فرانسه رابطه دارد. این پسر، تلفنی با قم رابطه دارد. و تهدید می‌کند. من از این مراجع عظام که پرایشان حرمت قائل هستم، خواهش می‌کنم به پسرانشان، به دامادهایشان بگویند: خفقان بگیرید! ملت ایران پاسخ هر خانی را، پسر هر کس که باشد، خواهد داد. (تکبیر حضار)

مردم! به این حرف‌ها توجه کنید. بعد از این‌که نقشه‌شان برای انفجار جماران شکست خورد، حالا نقشه دارند علیه آیت‌الله منتظری. خطر آن‌جا است: می‌خواهند آن منطقه را مورد هجوم قرار بدهند.

من دیروز آن‌جا بودم. پاسداران با کمال بیداری و مردم با کمال هوشیاری از خانه‌ی آیت‌الله منتظری حفاظت می‌کنند، ولی نقشه‌هایی هم هست که شخصیت آیت‌الله منتظری را تضعیف کنند و این نقشه به وسیله‌ی همان ایادی اجرا می‌شود.

من اعلام می‌کنم: آیت‌الله منتظری یکی از نیرومندترین استوانه‌های انقلاب است. کوچک‌ترین جسارت به‌ساحت قدس آیت‌الله منتظری، جسارت به‌امام است و جسارت به‌امام، جسارت به‌اسلام است و ملت مسلمان ایران، هرگز جسارت به‌آیت‌الله منتظری را تحمل نخواهند کرد.

کانون خطری که برای امپریالیست‌ها هست، نماز جمعه است. این‌ها می‌خواهند نمازهای جمعه را درهم بشکنند.

باز در مسجد رشت، بمب منفجر کردند، امام جمعه‌ی رشت را مجروح کردند. من این‌جا صریح حرف می‌زنم. اولاً: به‌جهت‌الاسلام خامنه‌ای امام جمعه و رئیس‌جمهور محبوب شنیدم که سفیر یکی از کشورها آمده است نزد آقای خامنه‌ای به‌طوری تحت تأثیر شخصیت روحانی رئیس‌جمهوری ما قرار گرفته است که یک‌دفعه افتاده و دست رئیس‌جمهوری را بوسیده!

ببینید! ما این طور رئیس جمهور داریم. من از این جا، از پشت این تریبون، به آقای خامنه‌ای امام جمعه و رئیس جمهور عرض می‌کنم تا این بهران هست ما از شما نمی‌خواهیم بیاید نماز جمعه بخوانید. تأیید می‌کنیم به آقای رفسنجانی هم عرض می‌کنم. من به آقای رفسنجانی ارادت دارم. ممکن است از لحاظ شخصی هم خیلی از ایشان دلخور باشم، اما به حضرت عباس! رفسنجانی مغز متفکر این انقلاب است. آن روزی که جریان انفجار حزب جمهوری اتفاق افتاد، همین آقای غفاری آمد آن جا و گریه کرد، اما آقای رفسنجانی با نهایت بردباری گفت: گریه نکنید. اگر رفسنجانی نبود، در آن انفجار حزب و انفجار نخست‌وزیری، اصلاً مملکت رفته بود. رهبری و هدایت امام بود، اما حسن تدبیر و اراده‌ی رفسنجانی هم بود. ما به این مغز نیاز داریم، بنابراین از ایشان هم من خواهش می‌کنم کمتر به نماز بیایند. ائمه‌ی نماز جمعه در سراسر کشور مراقب باشند. آن نمازگزاران مراقب باشند و در صفوف اول نماز باید افراد کاملاً مطمئن قرار بگیرند.

ای مردم! این همه به امام‌های جمعه برای کارهای شخصی مراجعه نکنید. اجاره‌ی دکان مان زیاد شده، یا آب لوله‌مان کم است. میزاحم امام جمعه نشوید و این قدر نروید. برای این‌که اولین حمله‌ی دشمن، متوجه‌ی ائمه‌ی جمعه است.

حرف آخر: این همه نهادها و ادارات و انجمن‌ها تقاضای دیدار با امام و آقای منتظری را نکنند. من با این‌که چهره‌ی امام برای من نور است! و معجزه و حیات است! و دیدارش برایم بهشت است! خدمتش نمی‌روم. شما هم نروید. بگذارید با انفس قدسیه‌اش این کشور را اداره کند. بگذارید با آن حیات امامتش، اسلام را از دست استکبار نجات بدهد و به همه نهادها و انجمن‌ها می‌گویم با عشق فراوانی که دارند برای دیدار امام امت و آیت‌الله منتظری، رئیس جمهور، رئیس مجلس نروند. این‌ها مال مردم‌اند. دلشان می‌خواهد با شما ملاقات کنند ولی شما تقاضا نکنید. بگذارید این بهران بگذرد. بگذارید این انوار روحانیت و معنویت بدرخشد. بگذارید دوران این توطئه‌ها پایان پیدا کند. بعد، ان شاء الله خود امام در همین محراب، نماز خواهد خواند.

خدایا! ما را در این توطئه‌های خطرناکی که بر ضد اسلام به دست کفار چیده می‌شود، پیروز بگردان! رزمندگان ما را بر جنود اهل بیس فاتح بگردان! انسجام این ملت را مستحکم

نویسنده: دکتر سید علی حسینی
موضوع: روابط بین‌الملل و دیپلماسی
تاریخ: ۱۳۸۵

رویارویی عراق با آیت‌الله خمینی

به دنبال نخستین معاملی فروش هلی‌کوپترهای هیوز به عراق، معاملات زیاد دیگری از این قماش بین دو کشور آمریکا و عراق صورت گرفت. در واقع معاملی هلی‌کوپترها، راه‌هایی را که از سال ۱۹۶۷ بین دو کشور بسته شده بودند، به روی عراق گشود؛ گویی دو دولت صدام و ریگان در حال رقص کندی در یک تالار نیمه تاریک هستند، به تدریج به هم نزدیک‌تر و نزدیک‌تر می‌شوند، در گوش هم نجوا می‌کنند، سایر رقصندگان را فراموش می‌نمایند و یک‌باره خود را در آغوش هم می‌بینند. ابتدا خصومت و دشمنی، بعد بی‌تفاوتی، و بعد روش ملایم و دوستانه و حالا اشتیاق شدید واشنگتن به از سرگیری مناسبات با بغداد.

دولت ریگان هم ابتدا در سال ۱۹۸۲، همان سیاست برژینسکی یعنی بازی شطرنج با عراق را دنبال نمود. نیکولاس ولیوتس، که در وزارت امور خارجه‌ی آمریکا به‌طرفداری از اعراب شهرت داشت، در مورد پیشروی ایرانی‌ها در جنگ به شولتز، وزیر امور خارجه هشدار داد و گفت: ایالات متحده‌ی آمریکا باید بی‌سروصدا از صدام حسین حمایت کند. با عقب‌نشینی عراق از ایران در بهار آن‌سال این نگرانی در واشنگتن پدید آمد که می‌باید عراق در نهایت بازنده‌ی جنگ شود و مشاهده‌ی ایران پیروزمندی که بخواهد انقلاب بنیادگرایانه‌اش را

بهرمزهای غربی صادر کند و در قاپ جهان عرب گسترش دهد، آن چیزی نبود که آمریکا می‌خواست. وقتی صدام حسین از خاک ایران عقب‌نشینی کرد و اعلام داشت حاضر است اختلاف با ایران را از طریق مذاکره حل و فصل کند، دیگر مانعی در سر راه حسنه‌شدن روابط آمریکا با عراق وجود نداشت، زیرا در تئوری، عراق دیگر متجاوز جنگی محسوب نمی‌شد. در تیرماه آن‌سال، نیروهای ایرانی برای نخستین بار از مرز گذشتند و به‌داخل خاک عراق قدم نهادند. این رویدادها در گزارش کمیته‌ی روابط خارجی سنای آمریکا مورد بررسی قرار گرفت و راه را برای تمایل بیشتر آمریکا به‌جانب عراق هموار ساخت. در گزارش آمده بود «ایالات متحده‌ی آمریکا، گام‌هایی در مسیر پشتیبانی از عراق و ممانعت از پیروزی ایرانیان برداشته است.»

فروش هلی‌کوپترها، گام اول بود. گام پس مهم‌تر را وزارت امور خارجه‌ی آمریکا برداشت. این حمایت شامل میلیون‌ها دلار اعتبار، وام و ضمانت بود. وزارت امور خارجه‌ی آمریکا برای کمک به عراق و سرپا نگه‌داشتن آن در برابر حملات کوبنده‌ی ایران، به‌وزارت کشاورزی روی آورد. این وزارت طرحی تهیه کرده بود که صدور غلّه به‌کشورهای جهان سوم، مشکل صادرکنندگان آمریکایی غلّه را نیز حل کند. با یک تیر دو نشان را می‌زد. چنین وانمود می‌شد که دولت ریگان حمایت از عراق را افزایش داده است، در حالی که هم‌زمان یکی از پرقدرت‌ترین گروه‌های فشار در سیاست آمریکا را نیز راضی می‌کرد. این گروه فشار همان کشاورزان و مزرعه‌داران میانه‌ی باختری آمریکا بودند، آمریکا بهترین زمان را انتخاب کرده بود، عراق در آستانه‌ی ورشکستگی قرار داشت.

در دسامبر ۱۹۸۲، بنگاه اعتبار کالا (CCC)، شاخه‌ای از وزارت کشاورزی آمریکا، بی‌سروصدا اعتباری به‌مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار برای خرید برنج و گندم در اختیار دولت عراق نهاد. این اقدام وزارت کشاورزی در صدر اخبار قرار نگرفت، اما خبر آن به‌سرعت در محافل صادرات کالاهای کشاورزی پیچید. تجارت محصولات کشاورزی یکی از قوی‌ترین شاخه‌های تجارت آمریکاست. به‌دنبال تهاجم دسامبر ۱۹۷۹ شوروی به‌افغانستان، دولت جیمی کارتر، فروش غله به‌شوروی را ممنوع ساخت تا بدین‌وسیله آن‌کشور را مجازات کرده باشد. با اتخاذ این سیاست، کشور با اضافه محصول گندم، سویا و برنج روبه‌رو گردید. صاحبان این محصولات می‌خواستند راهی به‌بازارهای خاورمیانه پیدا کنند تا بدین‌وسیله

جبران بازار از دست داده در شوروی را کرده باشند، اما به دلیل بی ثباتی سیاسی منطقه به حمایت دولت آمریکا هم نیاز داشتند. این همان کاری بود که (CCC) تحت عنوان برنامه‌ی جی اس ام ۱۰۲ تدوین کرد.

تضمین (CCC) به صورت وام نبود، بلکه در زمینه‌ی صدور غله عراق را جزو دولت‌های کامله‌ی الوداد قلمداد کرد. تا قبل از اعلام این موضوع، عراق کشوری مخاطره آمیز قلمداد می شد که اغلب بانک داران آمریکایی ترجیح می دادند وارد معرکه‌ی آن نشوند، اما به برکت این اقدام، عراق یک شبه در بازارهای مالی آمریکا اعتبار پیدا کرد. دولت آمریکا تضمین می داد که اگر عراق تا سه سال آینده پول غله را نپردازد، خود رأساً صورت حساب طلبکاران عراق را خواهد پرداخت.

ریچارد مورفی با تمهید و بی آنکه بودجه‌ی کمک‌های خارجی وزارت امور خارجه‌ی آمریکا را به هدر دهد، برای بغداد اعتباری دست و پا کرد. در نتیجه تنظیم امور روزمره‌ی سیاست آمریکا نسبت به عراق، در دست مجتمع‌های بزرگ صنعتی - کشاورزی نظیر کارگیل، عرب فیئا، و دریفوس قرار گرفت.

این برنامه‌ی کمکی و برنامه‌های نظیر آن، فقط و فقط بدان سبب امکان پذیر گردیدند که در مارس آن سال نام عراق از فهرست کشورهای طرفدار تروریسم حذف شد. اف پل دیکرسون، مدیر کل فروش غله‌ی (CCC) هنگام ادای شهادت در کنگره، بر ماهیت کاملاً سیاسی طرح جی اس ام ۱۰۲ و جی اس ام ۱۰۳، تأکید کرد و گفت: تضمین وام درست «در هنگامی انجام گردید که آمریکا و عراق در آستانه‌ی تجدید مناسبات دیپلماتیک بودند.» در نیمه‌های سال ۱۹۸۳ وزارت کشاورزی آمریکا ۲۰ درصد بر اعتبار عراق افزود و در پایان همان سال، اعتبار عراق را دو برابر کرد و غله‌ای به میزان یک میلیارد دلار به عراق فروخت. در همان اوان، طرفداران سیاست حمایت آمریکا از اعراب در وزارت امور خارجه، به فعالیت کارچاق‌کنی خود و زدودن لکه‌ی «تروریسم» از دامان صدام حسین، شدت بخشیده بودند.

روز ۲۱ مارس ۱۹۸۳، یک هلی کوپتر نظامی ام آی هیب - ۸، ساخت شوروی، به کوه دولومیت در ایتالیا اصابت کرد و خلبان و هفت سرنشین آن کشته شدند. هلی کوپتر به خاطر نفوذ به حریم هوایی ناتو، مورد اصابت قرار گرفته بود. هر ۸ سرنشین آن عراقی بودند و هلی کوپتر نیز به نیروی هوایی عراق تعلق داشت. پرواز نافرجام آن‌ها از ونیز به میلان بخشی از

مأموریت آموزشی فوق محرمانه‌ای بود که دولت ایتالیا ترتیبش را داده بود. قبلاً عده‌ای محدود به روابط پنهانی عراق - ایتالیا سوءظن داشتند، اما با این تصادم، پرده‌ها بالا رفت و اسرار برملا شد.

نیویورک تایمز، فردای آن روز گزارش داد که ام آی هیپ - ۸، یکی از چند هلی‌کوپتری بود که در ایتالیا با پیشرفته‌ترین تجهیزات جنگی الکترونیکی ناتو مجهز شد. عراق در صدد بود تا به یاری ایتالیا و تجهیزات پیشرفته‌ای که بر هلی‌کوپتر روسی نصب می‌شد، قابلیت پرواز آشیانه‌ی آن را آن قدر بالا ببرد که از هلی‌کوپتر آپاچی ای اچ ۶۴، متعلق به ناتو جلو بیفتد. خلبانان عراقی دوره‌ی آموزش پرواز در پایین‌ترین سطح را می‌دیدند، تا بدان وسیله از دید رادار دشمن بگریزند. این قبیل پروازها به سیستم دقیق و خودکار دقیقی نیاز داشت، که وقتی هلی‌کوپتر با سرعت زیاد، در ارتفاعی هم‌سطح نوک درختان یا بر فراز شن‌های بیابان پرواز می‌کند، به‌مانعی برخورد نکند. آموزش خلبان و احاطه‌اش بر این کار، حتی برای خلبانان بسیار مجرب، امری حیاتی بود و عراق قبل از همکاری با ایتالیا از این مهارت و تخصص و احاطه بهره‌ای نداشت.

بازار بازسازی اسلحه یکی از پرسودترین بازارهای جهانی و در عین حال یکی از بی‌سروصدترین آن‌هاست. شرکت‌های تازه‌ای که یک‌شبه مثل قارچ می‌رویدند تا به کشورهای مثل عراق که مشتاقانه خواهان نوسازی سلاح‌های کهنه‌شان بودند، راه حل‌هایی ارائه کنند. نام متخصصان این نوع بازسازی‌ها بندرت در کاتالوگ‌های سالانه‌ی بزرگ‌ترین مقاطع کاران نظامی جهان ذکر می‌گردد. کمتر آگهی می‌دهند و اغلب اوقات ترتیب کارها را به‌طور شفاهی می‌دهند. غالباً کارشان خلاف قانون است. کاپرونی و تیسولا الکترونیکا، شرکت ایتالیایی که مقرش در رم بود، شرکتی بود کوچک و نه چندان معتبر، که دوست داشت کارش را بی‌سروصدا و در ازای دریافت پول انجام بدهد، اما کاپرونی فقط یک نماد و یک ظاهرسازی بود. اغلب تجهیزاتی را که برای دید شبانه و سایر کارها در هلی‌کوپتر روسی نصب می‌شد، شرکت اگوستا بل، شاخه‌ای از تکس ترون بل، شرکت هلی‌کوپترسازی آمریکایی در اختیارش قرار می‌داد. این شرکت بهترین تجهیزات ساخت آمریکا را در اختیار عراق می‌گذاشت.^(۱)

۳۳۰

جہاں کفر کی توجیہ کرنا اور کفر پر کفر کا پتلا لگانا شروع ہو گیا۔ اس وقت تک کہ لوگوں کو کفر کی طرف مائل کرنا اور کفر کو سچ سمجھانا شروع ہو گیا۔ یہاں تک کہ کفر کی طرف مائل ہونے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔ یہاں تک کہ کفر کی طرف مائل ہونے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔

۳۳۱۔ توحید کی توجیہ

توحید کی توجیہ کرنے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔ یہاں تک کہ توحید کی طرف مائل ہونے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔ یہاں تک کہ توحید کی طرف مائل ہونے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔

فہرست اعلام

۳۳۲۔ توحید کی توجیہ

توحید کی توجیہ کرنے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔ یہاں تک کہ توحید کی طرف مائل ہونے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔

توحید کی توجیہ کرنے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔ یہاں تک کہ توحید کی طرف مائل ہونے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔ یہاں تک کہ توحید کی طرف مائل ہونے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔

۳۳۳۔ توحید کی توجیہ

توحید کی توجیہ کرنے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔ یہاں تک کہ توحید کی طرف مائل ہونے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔ یہاں تک کہ توحید کی طرف مائل ہونے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔

توحید کی توجیہ کرنے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔ یہاں تک کہ توحید کی طرف مائل ہونے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔

توحید کی توجیہ کرنے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔ یہاں تک کہ توحید کی طرف مائل ہونے والے لوگوں کی تعداد میں اضافہ ہوتا رہا۔

فهرست اعلام

× آ

- آبادان، ۱۵۷ - ۲۰۷ - ۵۲۶ - ۵۲۹
 آبه (شنیتارو)، ۵۳۱
 آذربایجان، ۱۳۹ - ۲۹۴ - ۲۹۸
 آذربایجان، ۳۲۲
 آذربایجان شرقی و غربی، ۲۹۳
 آذربایجان غربی، ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۲۳۰ - ۲۹۳
 آذری (باشگاه)، ۱۸۳
 آذری قسی، ۴۱۲
 آرماسکاست (مایکل)، ۴۶۸
 آرمین (رحمان)، ۱۸۳
 آزادی بخش فلسطین (سازمان) ۵۲۳ - ۵۲۵
 آزادی (میدان)، ۳۷۵ - ۳۷۶ - ۳۸۵
 آژانس بین الملل یهود، ۲۳ - ۲۴
 آغا محمدخان، ۱۰
 آفریقای جنوبی، ۲۲۴ - ۲۴۰
 آفریقای جنوبی (وژیم)، ۵۳
 آلمان، ۱۸ - ۱۵۳ - ۳۲۱
 آلمان شرقی، ۳۲۸
 آلمان غربی، ۳۶۵ - ۳۶۹ - ۴۰۰ - ۴۷۲ - ۴۷۵

آمریکا، در بیشتر صفحات تکرار شده.

- آمل، ۱۹۷ تا ۲۰۲، ۲۰۸ - ۲۲۶ تا ۲۲۹ - ۳۶۴
 آملی (محمد)، ۱۹۹
 آناستازه (رنه)، ۳۲۴
 آندروپوف (یوری)، ۳۲۸
 آیت، ۶۸ - ۶۹
 آیلر (آنتون)، ۴۷۵

× الف

- ابراهیم (ریاضی)، ۴۶۷ - ۴۶۸
 ابراهیمی (علی)، ۱۹۹
 ابریشمچی، ۲۴۸
 ابونضال (سازمان)، ۴۶۹
 احکام زمین (کتاب)، ۲۶۶ - ۲۹۹
 اردبیل، ۲۹۲ - ۲۹۴ - ۲۹۸ - ۲۹۹
 اردبیلی (میرزاسلیمان)، ۲۹۶
 اردن، ۳۱۹ - ۳۲۳ - ۳۷۸ - ۴۴۱ - ۵۱۸ - ۵۳۶ - ۵۳۸
 ارونرد رود، ۳۲۶ - ۵۲۳ - ۵۲۴ - ۵۲۵ - ۵۲۷
 ازیراک (مجتمع هسته‌ای)، ۳۳۰ - ۳۳۱ - ۴۷۱

فهرست اعلام ۵۶۱

- اسپایاتینیول (شرکت فرانسوی)، ۴۷۳
- اسپی کلا (مجله)، ۲۲۹
- استالین، ۳۲۷
- استکهلم، ۵۲۶
- اسد (حافظ)، ۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳
- اسرائیل، ۱۴-۲۳-۲۴-۳۲-۴۴-۴۵
- ۴۹-۵۳-۵۴-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳
- ۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۲۰-۱۲۵-۱۲۸
- ۱۳۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵
- ۲۱۲-۲۲۸-۲۴۰-۲۹۴-۳۱۷-۳۱۸
- ۳۲۰-۳۲۳-۳۳۰-۳۳۱-۳۶۶-۳۶۷
- ۳۷۸-۳۸۲-۴۶۹-۴۷۶-۴۷۷-۵۱۴
- ۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۳۵-۵۴۸
- اسلام آباد، ۴۴۹-۵۲۷
- اسلامی (صادق)، ۴۱۱
- اسلامی (کنفرانس) ۳۱۴-۳۱۵-۴۴۴
- ۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۵۲۳-۵۲۵
- ۵۲۵-۵۲۹-۵۴۰
- اسماعیلی (مصطفی)، ۲۰۰
- اسمایلز، ۱۰
- اصفهان، ۶۷-۸۵-۵۰۸
- افرکش (محمد)، ۱۹۹
- افغانستان، ۳۱۷-۴۷۶-۵۵۵
- افندی (عباس)، ۲۹۹
- اکبرزاده (فتح...)، ۱۹۹
- اکسبورگ، ۴۷۲
- اکوان (فریدون)، ۱۸۳
- الاقصى (مسجد)، ۵۴۷
- الجزایر، ۵۴-۱۰۲-۱۱۱-۲۱۷-۳۷۰
- ۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹
- الجزایر (بیانیه) ۲۱۴-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸
- ۲۱۹
- الجزایر (قرارداد)، ۳۱۳-۳۲۶
- آلعی، ۴۷۴
- الدور (روستا)، ۲۲۳
- الرتبه، ۴۷۴
- الرحمان (ضیاء)، ۵۲۵
- السجود (مجتمع اداری)، ۴۷۲
- العماره، ۳۶۳-۵۲۹-۵۳۱
- القائم (مجتمع شیمیایی)، ۴۷۳
- المنطق (مجله)، ۱۱۹
- الیاسون (بان)، ۵۲۲
- الیوسف، ۴۷۴
- امارات عربی، ۱۹
- امارت متحده عربی، ۵۸-۵۳۱
- ام القصر (بندر)، ۲۳۲
- امام حسین ^{علیه السلام}، ۴۸
- امامزاده ابراهیم (گورستان)، ۲۰۰
- امان، ۳۱۹
- امجدیه، ۱۴۳

۵۶۲ کتب بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

باختران، ۲۰۰-۲۲۷	امیرالمؤمنین (مسجد)، ۲۹۵-۲۹۸
بازرگان (مهدی)، ۳۱۷-۳۵۴-۳۵۷	امیرانتظام، ۳۵۹
۳۵۸-۴۲۳	امیرطهماسب (عبدالله)، ۱۸۴
بازوار (عبدالله)، ۱۹۹	امیریه (خیابان)، ۲۹۵
باهنر، ۱۵۵-۱۵۶-۳۳۶	انقلاب (خیابان)، ۳۷۶
بحرین، ۱۸-۱۹-۴۱-۴۴-۴۵-۵۴	انگلیس، ۵۱۴
۵۷-۵۸-۱۰۸-۵۰۹	اوپک، ۹۶-۴۴۶
بختیار (شاپور)، ۱۸۴-۲۵۳-۲۵۶-۳۲۳	اوزال (تورگوت)، ۴۸۴
۳۲۶	اویسی (غلامعلی)، ۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴
براتراند (راسل)، ۱۱	۳۲۲
برزان، ۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷	اوین (زندان)، ۲۵۹-۲۶۲-۲۷۲-۲۷۳
برژنغ، ۴۷۷	۲۷۷
برژینسکی، ۴۵-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹	اوین (کتابخانه)، ۲۵۸
۳۲۰-۳۲۲-۵۵۴	ایادی (سپهبد)، ۱۷۱
بروجردی (آیت...)، ۲۹۴-۲۹۹	ایتالیا، ۳۲۰-۳۲۱-۵۵۶-۵۵۷
بریتانیا، ۳۳۰-۴۶۹-۴۷۵	ایران، در بیشتر صفحات تکرار شده
بستان، ۱۷-۲۹-۳۷-۹۱-۲۰۷-۳۶۹	ایرانشهر، ۴۰۸
۵۲۹	ایران - کتترا ۳۲۳
بسیج مستضعفین، ۴۸۱	ایزاک (ژول)، ۹
بشارت (حجت‌الاسلام)، ۸۴-۹۲	ایزدی (حمیدرضا)، ۲۰۰
بصره، ۴۶۸-۵۲۸	
بغداد، ۲۳ (۱۱۳-۱۱۵-۱۱۶-۱۳۱)	
۳۱۴-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۲	
۳۲۵-۳۲۷-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۷۲-۱۴۷۳-۱۴۷۴-۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۴۷۷-۱۴۷۸-۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱۴۸۱-۱۴۸۲-۱۴۸۳-۱۴۸۴-۱۴۸۵-۱۴۸۶-۱۴۸۷-۱۴۸۸-۱۴۸۹-۱۴۹۰-۱۴۹۱-۱۴۹۲-۱۴۹۳-۱۴۹۴-۱۴۹۵-۱۴۹۶-۱۴۹۷-۱۴۹۸-۱۴۹۹-۱۵۰۰-۱۵۰۱-۱۵۰۲-۱۵۰۳-۱۵۰۴-۱۵۰۵-۱۵۰۶-۱۵۰۷-۱۵۰۸-۱۵۰۹-۱۵۱۰-۱۵۱۱-۱۵۱۲-۱۵۱۳-۱۵۱۴-۱۵۱۵-۱۵۱۶-۱۵۱۷-۱۵۱۸-۱۵۱۹-۱۵۲۰-۱۵۲۱-۱۵۲۲-۱۵۲۳-۱۵۲۴-۱۵۲۵-۱۵۲۶-۱۵۲۷-۱۵۲۸-۱۵۲۹-۱۵۳۰-۱۵۳۱-۱۵۳۲-۱۵۳۳-۱۵۳۴-۱۵۳۵-۱۵۳۶-۱۵۳۷-۱۵۳۸-۱۵۳۹-۱۵۴۰-۱۵۴۱-۱۵۴۲-۱۵۴۳-۱۵۴۴-۱۵۴۵-۱۵۴۶-۱۵۴۷-۱۵۴۸-۱۵۴۹-۱۵۵۰-۱۵۵۱-۱۵۵۲-۱۵۵۳-۱۵۵۴-۱۵۵۵-۱۵۵۶-۱۵۵۷-۱۵۵۸-۱۵۵۹-۱۵۶۰-۱۵۶۱-۱۵۶۲-۱۵۶۳-۱۵۶۴-۱۵۶۵-۱۵۶۶-۱۵۶۷-۱۵۶۸-۱۵۶۹-۱۵۷۰-۱۵۷۱-۱۵۷۲-۱۵۷۳-۱۵۷۴-۱۵۷۵-۱۵۷۶-۱۵۷۷-۱۵۷۸-۱۵۷۹-۱۵۸۰-۱۵۸۱-۱۵۸۲-۱۵۸۳-۱۵۸۴-۱۵۸۵-۱۵۸۶-۱۵۸۷-۱۵۸۸-۱۵۸۹-۱۵۹۰-۱۵۹۱-۱۵۹۲-۱۵۹۳-۱۵۹۴-۱۵۹۵-۱۵۹۶-۱۵۹۷-۱۵۹۸-۱۵۹۹-۱۶۰۰-۱۶۰۱-۱۶۰۲-۱۶۰۳-۱۶۰۴-۱۶۰۵-۱۶۰۶-۱۶۰۷-۱۶۰۸-۱۶۰۹-۱۶۱۰-۱۶۱۱-۱۶۱۲-۱۶۱۳-۱۶۱۴-۱۶۱۵-۱۶۱۶-۱۶۱۷-۱۶۱۸-۱۶۱۹-۱۶۲۰-۱۶۲۱-۱۶۲۲-۱۶۲۳-۱۶۲۴-۱۶۲۵-۱۶۲۶-۱۶۲۷-۱۶۲۸-۱۶۲۹-۱۶۳۰-۱۶۳۱-۱۶۳۲-۱۶۳۳-۱۶۳۴-۱۶۳۵-۱۶۳۶-۱۶۳۷-۱۶۳۸-۱۶۳۹-۱۶۴۰-۱۶۴۱-۱۶۴۲-۱۶۴۳-۱۶۴۴-۱۶۴۵-۱۶۴۶-۱۶۴۷-۱۶۴۸-۱۶۴۹-۱۶۵۰-۱۶۵۱-۱۶۵۲-۱۶۵۳-۱۶۵۴-۱۶۵۵-۱۶۵۶-۱۶۵۷-۱۶۵۸-۱۶۵۹-۱۶۶۰-۱۶۶۱-۱۶۶۲-۱۶۶۳-۱۶۶۴-۱۶۶۵-۱۶۶۶-۱۶۶۷-۱۶۶۸-۱۶۶۹-۱۶۷۰-۱۶۷۱-۱۶۷۲-۱۶۷۳-۱۶۷۴-۱۶۷۵-۱۶۷۶-۱۶۷۷-۱۶۷۸-۱۶۷۹-۱۶۸۰-۱۶۸۱-۱۶۸۲-۱۶۸۳-۱۶۸۴-۱۶۸۵-۱۶۸۶-۱۶۸۷-۱۶۸۸-۱۶۸۹-۱۶۹۰-۱۶۹۱-۱۶۹۲-۱۶۹۳-۱۶۹۴-۱۶۹۵-۱۶۹۶-۱۶۹۷-۱۶۹۸-۱۶۹	

بوکان، ۲۳۰	۵۷۷-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۴-۵۲۴-۵۲۷
بہرامی، ۵۴۰	۵۳۰-۵۳۱-۵۳۶-۵۳۷-۵۵۴-۵۵۶
بہشتی (آیت‌الله)، ۶۸-۶۹-۱۲۳-۱۵۵	بگین (مناخیم)، ۴۴-۴۶۹
۳۳۶-۳۵۱-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۱۰	بلزیک، ۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵
۴۱۲-۴۲۳-۴۲۶-۴۳۰-۴۳۲-۴۳۳	بلغارستان، ۴۷۳
۴۴۲	بلنداولوسو، ۴۸۴-۴۸۵
بہشہر، ۲۰۰	بلندی‌های جولان، ۲۲-۲۲-۴۵-۵۳
بیافرا، ۳۲۹	۵۴-۱۰۷-۱۰۸-۱۹۵-۳۶۶
بیت المقدس، ۵۴۸	بلوچستان، ۳۱۷
بیروت، ۴۷۸	بندرعباس (تیروگاہ)، ۲۴۴
بیسمارک، ۱۱	بنغازی (کنفرانس)، ۱۴-۱۵۷
بیشہ (محمود)، ۱۹۹	بنگلادش، ۴۸۴-۴۸۵
بیگدلو (غلامحسین)، ۱۸۴	بنی امیہ، ۴۱۶
بیلران، ۴۹۸	بن یحیی (محمد)، ۵۲۷
بین النہرین، ۲۴	بنی صدر (ابوالحسن)، ۱۱-۳۲-۳۴-۴۸
	۱۴۳-۱۶۰-۲۰۰-۲۲۰-۲۲۴-۲۲۹
	۲۵۰-۲۵۲ تا ۲۵۶-۲۶۷-۲۶۸
	۲۶۹-۲۹۱-۲۹۲-۳۲۱-۳۲۲-۳۵۳
	۳۵۵-۳۶۲-۳۶۳-۳۷۳-۴۰۳-۴۱۹
	۴۲۲-۴۲۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۴۸-۵۲۳
	۵۲۴-۵۴۸
	بنی عباس، ۴۱۶
	بنی ہاشم، ۹۴
	بوسواتوکناور (شرکت آلمانی)، ۴۷۲
	بوشر (تیروگاہ)، ۴۶-۲۴۴
پارس (سازمان)، ۱۸۳-۱۸۴	
پاریس، ۴۸-۸۸-۳۲۲-۳۲۵-۳۲۷	
۳۲۹-۳۳۰-۴۱۲-۴۷۰-۴۷۸-۵۵۰	
پاسدار اسلام (مجلد)، ۲۹	
پاکستان، ۱۲۵-۴۸۴-۴۸۵-۵۲۳-۵۲۵	
پالمہ (اولاف)، ۴۶۵-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴	
۵۲۵-۵۲۶	
پاندورا (جمعہ)، ۴۶۸	

× پ

۵۶۴ هجری بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

توحید (کانون)، ۶۸ - ۲۹۵ - ۲۹۹ -	پتروشیمی ژاپن و ایران (قرارداد)، ۳۷۰
توز (کرکوک)، ۴۷۴	پرات، ۴۷۰
توکلی (احمد)، ۱۸ - ۴۱ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ -	پرز دو کوئینار (خاویز)، ۵۲۶
۱۸۶ - ۱۸۵ - ۱۸۳ - ۸۳ - ۵۰ - ۴۹ - ۴۷	پروژه ۴۷۳، ۵۰۵
۱۸۷ - ۱۸۸ - ۱۹۱ - ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۱۹۵ -	پزشکپور، ۱۸۳ - ۱۸۴
۲۱۱ - ۲۴۲ - ۲۴۳ - ۲۴۴ - ۲۴۶ - ۲۴۷ -	پلسی (شرکت بریتانیایی)، ۳۲۳ - ۳۳۲
۳۶۵ - ۳۷۰ -	پتتاگون، ۳۳۲
توکلی (سیاوش)، ۱۸۴	پنجوین، ۵۲۹
تهران، ۶۷ - ۹۰ - ۱۰۲ - ۱۸۳ - ۲۰۶ -	پرتصکین، ۴۷۵
۲۲۷ - ۲۹۴ - ۲۹۵ - ۲۹۹ - ۳۱۸ - ۳۲۰ -	پهلوی (بنیاد)، ۳۶۶
۳۲۲ - ۳۲۳ - ۳۲۶ - ۳۳۰ - ۳۵۱ - ۳۶۹ -	پهلوی (محمدرضا)، ۸۸
۳۷۵ - ۳۷۶ - ۳۸۲ - ۴۰۸ - ۴۱۰ - ۴۱۱ -	پیام انقلاب (مجله)، ۱۱۴ - ۵۰۵
۴۱۸ - ۴۲۴ - ۴۳۳ - تهران، ۴۸۴ - ۵۲۲ -	پیرانشهر، ۲۳۰
۵۲۳ - ۵۲۶ - ۵۲۷ - ۵۲۹ - ۵۳۱ -	پیشوای صادق (کتاب)، ۴۱۶ - ۴۱۷
تیسولا الکترونیکا (شرکت)، ۵۵۷	پیکار (گروه)، ۲۲۸ - ۴۳۶

× ث

× ت

ثابتی، ۱۷۱	تامسون سی.اس.اف (شرکت فرانسوی)،
ثامن الاتمه (عملیات)، ۵۲۶	۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۲۵
ثقفی، ۲۹۸	تبریز، ۶۷ - ۲۹۴ - ۳۸۲
	ترکیه، ۴۷ - ۴۸ - ۲۳۰ - ۴۸۵ - ۵۲۵ -
	۵۳۰ - ۵۵۰
	تکریت، ۳۲۴ - ۴۷۰
	تکس ترون بل (شرکت)، ۵۵۷
	تل عفار (موصل)، ۴۷۴

× ج

جاسک، ۲۴۸
جاویدان (گارد)، ۱۸۳
جاوید مردان (گروه)، ۱۸۳

چاتی (حبیب)، ۵۲۳ - ۵۲۵
 چریک‌های فدایی اقلیت، ۲۰۱ - ۲۲۸
 چزابه (تنگه)، ۳۶۳ - ۴۵۶ - ۴۶۴
 چکسلواکی، ۱۵
 چوبین (شهرام)، ۴۷۷
 چین، ۱۱۹ - ۴۶۰

× ح

حبیب (فلیپ)، ۱۳
 حجازی (عبدالرضا)، ۴۹۹ - ۵۰۰
 حجازی (فخرالدین)، ۵۴۸ - ۵۴۹ - ۵۵۰
 حجتی کرمانی (محمدجواد)، ۴۰۶ - ۴۰۸ - ۴۱۰
 حجتیه (انجمن)، ۷۰ - ۷۱ - ۱۶۷ - ۱۷۰ - ۱۷۱
 حسن البکر (احمد)، ۴۷۰ - ۴۷۳
 حسینی (حبیب...)، ۱۹۹
 حکیم، ۲۹۹
 حنیف نژاد، ۲۹۶
 حیفا (خیابان)، ۴۷۳

× خ

خارک، ۵۲۸ - ۵۳۱ - ۵۳۸
 خامنه‌ای (سید علی)، ۹ - ۱۱ - ۲۵ - ۲۷
 ۲۸ - ۳۹ - ۵۹ - ۹۴ - ۹۵ - ۱۰۲ - ۱۰۵

جباری (حجت‌الاسلام)، ۲۰۰
 جبهه اتحاد ملی، ۱۸۴
 جبهه پایداری عرب، ۱۰۲
 جبهه متحد اسلامی، ۵۲
 جبهه ملی، ۱۸۳ - ۲۵۴ - ۲۶۸ - ۲۹۴ - ۵۴۸ - ۵۵۰
 جده، ۵۲۵

جزیره العرب، ۱۲۹
 جماران، ۳۳۹ - ۴۹۷ - ۵۴۸ - ۵۵۱
 جمال ابهی... (کتاب)، ۲۹۸ - ۲۹۸
 جعل (جنگ)، ۱۲۳
 جمهوری اسلامی (حزب)، ۹۸ - ۱۲۳ - ۱۶۷ - ۴۲۱ - ۴۲۳ - ۴۲۴ - ۴۲۸ - ۴۲۹
 ۴۳۰ - ۴۳۱ - ۴۳۲ - ۴۳۵ - ۴۳۶
 جمهوری خلق مسلمان (حزب)، ۴۲۲
 جنبش مقاومت فلسطین، ۱۰۲
 جنتی (آیت‌الله...)، ۷۰ - ۷۱
 جنوا، ۳۲۰
 جنوب لبنان، ۱۳ - ۴۶۹
 جولان (گردان)، ۵۱۶
 جویان جوسا، ۳۲۵
 جی اس ام ۱۰۲ (طرح)، ۵۵۶
 جی اس ام ۱۰۳ (طرح)، ۵۵۶

× ج

۵۶۶ کھ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

خیابانی (موسی)، ۲۴۸ - ۲۳۵ - ۲۳۶ -	۱۰۹ - ۱۱۱ - ۱۱۵ - ۱۲۷ - ۱۲۹ - ۱۵۵ -
۳۲۷ - ۳۲۸ - ۳۶۲ - ۳۶۳ - ۳۶۵ - ۳۶۶ -	۳۹۶ - ۴۲۹ - ۴۳۳ - ۴۵۵ - ۴۶۴ - ۴۸۴ -
خیبر (عملیات)، ۵۳۱	۴۸۵ - ۵۰۶
	خاورمیانه، ۱۳ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۲۱۳ -
	۳۲۷ - ۳۳۱ - ۴۴۱ - ۴۶۸ - ۴۷۱ - ۵۵۵ -
د ×	خدام، ۱۰۲
داماد (آسید محمد)، ۲۹۹	خرمشهر، ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۴۶۷ - ۵۲۷ -
داتنه، ۹	خرایی، ۵۴۰
دانشگاه تهران (نشریه)، ۱۵۹ - ۴۸۷ -	خشایار (محمد)، ۱۸۴
دبی، ۲۴۷	خلیج فارس، ۵۴ - ۵۵ - ۵۷ - ۸۷ - ۱۰۶ -
دجله، ۴۷۲	۱۰۷ - ۱۲۰ - ۱۳۴ - ۱۵۷ - ۱۹۴ - ۱۹۵ -
درزی (اکبر)، ۲۰۰	۳۱۶ - ۳۱۷ - ۳۲۰ - ۳۳۰ - ۳۳۲ -
دریغوس، ۵۵۶	۳۶۴ - ۳۶۶ - ۴۶۸ - ۴۷۱ - ۴۷۶ - ۵۱۷ -
دزقول، ۵۲۶ - ۵۲۹ -	۵۲۸ - ۵۳۰ - ۵۳۱ - ۵۳۸ -
دستغیب (آیت...)، ۱۸ - ۱۲۳ - ۳۳۶ -	خمینی، ۵۲۶ - ۵۳۰ - ۵۵۴ -
۴۰۳	خمینی (احمد)، ۳۷۶ - ۳۷۷ - ۴۵۵ - ۴۸۳ -
دشت عباس، ۵۳۹	۴۸۵ -
دمکرات (حزب)، ۲۲۷ - ۲۳۰ - ۳۵۸ -	خمینی (امام)، ۱۳ - ۱۰۱ - ۱۲۸ - ۱۸۰ -
۳۷۶	۱۹۴ - ۲۶۳ - ۳۰۹ - ۳۱۸ - ۳۱۹ - ۳۲۴ -
دورچستر (هتل)، ۴۶۹	۳۲۸ - ۳۳۹ - ۳۵۰ - ۳۷۶ - ۳۷۷ -
دولومیت (کوه)، ۵۵۶	۳۸۴ - ۴۰۳ - ۴۱۲ - ۴۵۷ - ۴۶۷ - ۴۶۸ -
دهنوی (ابوالقاسم)، ۳۲۷ - ۳۶۲ -	۴۶۹ - ۴۹۴ - ۵۰۷ - ۵۲۴ -
دهه فجر (عملیات)، ۳۳۵	خوانساری (آیت... احمد)، ۲۹۹
دیدهور (قدرت...)، ۱۸۲	خوزستان، ۲۷ - ۱۳۱ - ۲۲۲ - ۳۲۶ - ۵۲۷ -
دیگرسون (اف. پل)، ۵۵۶	خویی، ۲۹۹

رمضان (عملیات)، ۵۲۸

رمضانی (رمضان)، ۱۹۹

رمون بار، ۳۲۹ - ۳۳۳

رنجبران (گروه)، ۲۰۱ - ۲۲۸ - ۲۶۸ -

۴۳۶

رنجبر (علیرضا)، ۲۰۰

روحانی، ۱۷۱

روحانی (حجت الاسلام)، ۲۰۰

روزولت، ۳۲۷

روسیه، ۲۹۹ - ۴۸۰

ریاحی (سرتیپ)، ۳۵۸

ریتس (هتل)، ۳۲۹

ری شهری، ۲۷۳

ریگان، ۸۷ - ۹۲ - ۵۵۴ - ۵۵

ریویرا، ۳۲۷

✕ ر

رادار دزفول، ۵۳۹

راین بایرن (شرکت)، ۴۷۵

رہانی املشی، ۴۰۶

رہانی شیرازی، ۴۱۲

رییمی (اشرف)، ۳۳۶ - ۳۳۷ - ۳۳۸ - ۳۶۲

رجائی (شهید)، ۱۶ - ۱۷۳ - ۲۲۰ - ۲۳۲ -

۲۶۹ - ۳۳۶ - ۴۲۵ - ۴۳۹ - ۵۲۳ - ۵۲۴

۵۲۶

رجوی (مسعود)، ۲۲۹ - ۲۵۴ - ۲۵۵ -

۲۵۶ - ۲۶۸ - ۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۳۷ - ۳۶۲ -

۳۶۳ - ۳۶۵ - ۴۱۹

رحیمی (غلامحسین)، ۱۸۳

رسولی، ۲۹۸

رسولی (ناصر)، ۱۹۹

رشت، ۵۵۱

رضائی (محسن)، ۲۷ - ۳۷ تا ۴۰ - ۵۶ -

۳۶۱ - ۳۶۲ - ۳۶۳ - ۵۳۸ - ۵۳۹ - ۵۴۰

رضائی (مهدی)، ۲۹۵ - ۲۹۸

رضاخان، ۳۴۲

رضوی (ادیب)، ۲۶۹

رفاه (مدرسه)، ۴۲۷

رفاه (مؤسسه)، ۴۲۷

رقابیده، ۵۳۹

✕ ز

زادنادری (سرهنگ)، ۱۸۳ - ۱۸۴

زارع، ۱۳۸

زامبیا، ۵۲۳

زبیر، ۱۲۳

زرگر (موسی)، ۴۲۸ - ۴۳۱ - ۴۳۲

زعفرانیه شمیران (خیابان)، ۳۳۶ - ۳۶۲ -

۳۶۵ - ۳۶۴

زنجان، ۲۹۶

۵۶۸ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

زنجانی، ۲۹۹	سلیمانی (حجیت الاسلام)، ۲۰۰
زهدابچی، ۲۹۷	سلیمی (سرهنگ)، ۴۸۵
زیدان (جرجی)، ۱۰	سمعی، ۱۷۱
	سمیرم، ۸۴ - ۸۵

✕ ژ

ژاپن، ۴۰۰ - ۵۳۱ - ۵۳۵ - ۵۳۶	سن پرات (شارل)، ۴۶۹ - ۴۷۰
ژیرو (آندره)، ۳۲۲ - ۳۲۳	سنگال، ۵۲۵
ژیسکار دستن، ۳۲۹ - ۳۳۰ - ۳۳۲	سندج، ۴۰
	سوئد، ۵۲۲
	سوئیس، ۲۲۴ - ۴۰۰

✕ س

سادات (انور)، ۵۲ - ۸۸ - ۳۳۱	سوریه، ۲۲، ۲۴، ۴۴، ۴۵، ۵۳، ۵۴، ۱۰۱
ساری، ۱۹۸ - ۲۰۰	۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۲۵، ۱۹۳ -
ساگوی (یهوشوعا)، ۳۳۱	۳۱۸ - ۳۶۶ - ۳۶۲ - ۴۷۷ - ۵۱۶ - ۵۲۶
سالک (حجیت الاسلام)، ۴۸۱	سوستگرد، ۲۸ - ۵۲۶
ساواک، ۴۱۲	سوسیالیست فرانسه (حزب)، ۵۴۸ - ۵۵۰
سحابی (مهندس)، ۳۶۰	سوغنالیان (سرکیس)، ۴۷۸ - ۴۷۹ - ۴۸۰
سردار جاف، ۴۰	سوقما، ۴۷۸
سردار قادییه، ۴۷۰	سولاز (سنارتور استفن)، ۳۱۸
سروش (مجله)، ۳۰۰	سیستان و بلوچستان، ۱۳۹
سعادت، ۱۴۳	سیکس کو (شرکت)، ۴۷۳ - ۴۷۴ - ۴۷۵
سعد (۱۳)، ۳۲۲ - ۳۲۴ - ۳۲۵	سیک (کاری)، ۳۱۹
سکوتره (احمد)، ۳۱۲ - ۳۱۳ - ۴۸۴ -	
۴۸۵ - ۵۲۵	شاعری (حجیت الاسلام)، ۲۰۰
سلامتیان، ۱۴۳	شانزله لیزه فرانسه (بازار)، ۲۱۱
سلیمان، ۴۷۴	شاه حسین، ۲۳۶

✕ ش

شیراز، ۱۸- ۶۷- ۳۸۲

شیرازی، ۲۹۹

شیلات شمال ایران، ۲۱۹

شاهد (مجله)، ۱۱۵- ۱۱۷

شاهنده آشتیانی (گلشن)، ۱۸۳

شاه‌ویسی، ۵۴۸

شاین (کوه)، ۴۷۲

شریعتمداری، ۴۹۹- ۵۰۰

شریف امامی، ۴۰۹

شط‌العرب، ۳۱۲، ۳۱۴- ۳۱۴- ۳۱۴

۳۲۶- ۴۶۵

شطی (حبیب)، ۴۸۴- ۴۸۵

شعبان‌زاده (رمضان)، ۱۹۹

شفیق، ۲۳۳

شورای تفاهم، ۶۳- ۶۴

شورای عالی دفاع، ۱۵۶

شورای همکاری خلیج، ۴۹

شوزون (شرکت آمریکایی)، ۴۷۹

شوروی، ۱۵- ۱۱۹- ۱۲۸- ۱۹۴- ۲۳۴

۳۰۰- ۳۱۷- ۳۱۸- ۳۲۲- ۳۲۷- ۳۳۰

۳۲۱- ۳۲۲- ۳۲۳- ۳۷۰- ۳۹۷- ۳۹۸

۴۷۶- ۴۷۷- ۴۷۸- ۴۸۹- ۵۳۵- ۵۳۷

۵۵۵- ۵۵۶

شوش، ۵۲۶

شولتز، ۵۵۴

شولمو (آرگوف)، ۴۶۹

شیبانی (دکتر عباس)، ۴۲۴- ۴۲۸- ۴۳۰

شیخ آنصاری، ۲۸۷

× ص

صدام حسین، در بیشتر صفحات تکرار شده.

صدر (آیت‌الله... محمدباقر)، ۲۰- ۳۲۵

صبح آزادگان (روزنامه)، ۹۲

صدای آمریکا (رادیو)، ۹۳

صیرفی (ابراهیم)، ۱۸۳- ۱۸۴

صباح (محمود)، ۱۸۳

صلیب سرخ، ۲۲۸

صدر (مرحوم)، ۲۹۹

صباغیان، ۳۵۹

صادق علی‌نژاد (امام)، ۳۹۳- ۳۹۴- ۴۱۶

صف (ماهنامه ارتش)، ۴۵۹

صیاد شیرازی (سرهنگ)، ۴۶۴

× ط

طائف، ۱۲۴

طالقانی (مرحوم)، ۴۲۴

طلوت (اصحاب)، ۴۱۸

طاهری خرم‌آبادی (حجت‌الاسلام)، ۱۲۰

۵۷۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

۱۵۷ - ۳۱۷ - ۳۲۳ - ۴۴۵ - ۴۴۶ - ۴۶۸	طاهری (رجبعلی)، ۴۲۸ - ۴۳۶
۵۳۰ - ۵۳۹	طباطبائی (علامه)، ۲۹۸ - ۲۹۹
عرب فیثا، ۵۵۶	طبرسی (حجت الاسلام)، ۲۰۰
عرفات (یاسر)، ۴۶۹	طیس، ۲۱۹ - ۵۱۵
عزیز (طارق)، ۳۲۵ - ۳۲۹ - ۳۳۰ - ۳۳۲	طیس (عملیات)، ۳۲۲
۳۳۳ - ۵۳۰	طریق القدس (عملیات)، ۵۲۶
علی اف (حیدر)، ۳۲۸	طلحه، ۱۲۳

علی ^{علیه السلام} (حضرت)، ۹۴ - ۱۲۳ - ۱۲۴

۱۲۵ - ۲۷۶ - ۵۴۶ - ۵۴۹

علیزاده هدایتی (رضا)، ۲۰۰

امان، ۳۱۹ - ۳۲۲ - ۴۴۱

عمان (دریا)، ۵۷

عین خوش، ۵۳۹

× ظ

ضیاء الحق، ۴۸۴ - ۴۸۵ - ۵۲۳
ظهر نژاد (تیمسار)، ۳۵۸ - ۳۶۴ - ۴۸۳
۴۸۵ - ۴۸۴

× ع

عاضد السعدی، ۳۲۳	عامر رشید العیبدی، ۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۲۵
عباسپور (دکتر)، ۴۲۴	عبدالستار، ۴۸۴ - ۴۸۵
عبدالملک پور (امیرحسین)، ۱۸۴	عبدالناصر، ۵۱۴ - ۵۱۵
عبدی نژاد (نورمحمد)، ۲۰۰	عدحین (سامره)، ۴۷۴

× ف

فارس، ۱۸ - ۲۴۲	عدم تعهد (جنیش)، ۵۲۳ - ۵۲۶
فارسی، ۴۲۵	عراق، در بیشتر صفحات تکرار شده.
فاس (کنفرانس)، ۴۵	عریستان سعودی، ۳۱ - ۵۵ - ۹۱ - ۹۲

- فتح المبین (عملیات)، ۵۴۲
فتحعلی شاه، ۱۰
فدایی (مرتضی)، ۱۹۹
فرات، ۲۴
فرانسه، ۳۱ - ۴۸ - ۲۶۹ - ۳۲۱ - ۳۲۳
۲۲۴ - ۳۲۵ - ۳۲۸ - ۳۳۰ - ۳۳۲ - ۳۳۳
۴۷۶ - ۴۸۰
فرح، ۲۲۴
فروغی (اسد...)، ۱۸۳ - ۱۸۴
فرهنگ (خیابان)، ۲۹۵
فرهنگ (منصور)، ۳۱۱
فرید (ناصر)، ۳۶۶
فلسطین، ۱۴ - ۵۳ - ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۳۰
۲۳۶ - ۴۷۰ - ۵۴۸
فلیپ حبیب (طرح)، ۱۳
فوگروول (شرکت فرانسوی)، ۴۷۳
فهد (طرح)، ۱۳ - ۳۶۶
فیاض بخش (همسر شهید)، ۲۸۵
فیلپین، ۱۲۵
فینسانتیری ناوالی ریوتنی (شرکت ایتالیایی)، ۳۲۰ - ۳۲۱
- قاسم نژاد (علیرضا)، ۲۰۰
قاضی (مرحوم)، ۲۹۴
قدس، ۴۵ - ۱۰۲ - ۱۰۷ - ۱۳۰ - ۱۸۷ - ۲۹۹ - ۳۶۹
قدس (سیاه)، ۵۰۵ - ۵۱۶
قدس (عملیات)، ۵۲۷
قدوسی (آیت...)، ۳۳۶ - ۴۱۲
قذافی (سرهنگ)، ۱۱۱
قربانی فر (منوچهر)، ۳۲۳
قریشی (عبدا...)، ۱۹۹
قصر شیرین، ۳۷۱ - ۳۷۲
قطب زاده (صادق)، ۴۹۳ - ۴۹۴ - ۴۹۶
۴۹۸ - ۴۹۹ - ۵۰۱ - ۵۰۴ - ۵۰۶ - ۵۴۸
۵۵۰
قلیچ، ۱۹۹
قم، ۸۴ - ۹۷ - ۲۰۶ - ۲۹۴ - ۳۸۰ - ۴۰۶
۴۰۸ - ۴۱۰ - ۴۱۲ - ۴۹۹ - ۵۴۹ - ۵۵۰
۵۵۱
- ک**
کاپرونی (شرکت)، ۵۵۷
کارتر (جیمی)، ۸۷ - ۳۱۷ - ۳۱۸ - ۳۲۱
۳۳۱ - ۴۶۰ - ۴۷۷ - ۵۵۵
کارگیل، ۵۵۶
کازرون، ۴۳۶
- ق**
قائم شهر (ذوالفقار)، ۲۰۰
قادسیه، ۴۷۰

۵۷۲ کی بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

کومله، ۴۰ - ۲۲۷ - ۲۳۰ - ۳۵۸	کاسترو (فیدل)، ۵۶
کویت، ۵۷ - ۵۸ - ۹۲ - ۴۷۹ - ۵۳۱	کا.گ. ب، ۳۲۷ - ۳۲۸
کیاسر، ۲۰۰	کراچی، ۲۴۷
کیسینجر، ۷۸ - ۱۲۴	کراسه، ۳۲۷
کیهان (مؤسسه)، ۱۴۳	کرافت (کالین)، ۴۷۱
ک ×	کریلا، ۴۸۲ - ۵۳۸ - ۵۴۰
گامبیا، ۵۲۵	کردستان، ۳۱ - ۴۰ - ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۲۳۰
گز (بندر)، ۲۰۰	۳۵۸ - ۳۲۲ - ۵۴۸
گلپایگانی (آیت...)، ۸۴ - ۹۷ - ۳۷۲ - ۳۷۳	کردکوی، ۲۰۰
گل حسین (محمد حسین)، ۱۹۹	کرکوک، ۵۲۹
گیلان، ۲۲۲	کرمانشاه، ۳۲۲
گیلانی، ۲۷۳	کرمین، ۴۷۶ - ۴۷۸
گینه، ۴۸۴ - ۴۸۵ - ۵۲۵	کلات صالح، ۴۷۴
	کلات صالح (پایگاه)، ۴۷۴
ل ×	کلاهدوز، ۵۱۲
لاجوردی، ۲۶۲	کلرادو اسپرینگر، ۴۷۲
لانگ لی، ۴۷۹	کمالی (حسین)، ۴۲۸ - ۴۳۱ - ۴۳۲
لاسه (دادگاه)، ۱۸۵ - ۲۱۷ - ۲۱۸ - ۲۱۹	کمپ دیوید اول (طرح)، ۵۳
لبنان، ۱۱۹ - ۳۱۸ - ۴۶۹ - ۴۷۸	کمپ دیوید دوم (طرح)، ۵۳
لس آنجلس، ۲۱۱ - ۲۱۸	کمپ دیوید (طرح)، ۱۰۲ - ۳۳۱
لشکر ۶۴ ارومیه، ۱۳۸	کمیته امداد امام، ۲۲۷
لطف زرعی، (محمدجواد)، ۱۸۴	کنفرانس اسلامی (سازمان)، ۴۸۳ - ۴۸۴
لنجان، ۲۵۰	۴۸۵ - ۴۸۶ - ۵۲۳ - ۵۲۵
لندن، ۴۶۹ - ۴۷۸ - ۵۵۰ - ۵۵۱	کوبا، ۵۶
لهستان، ۱۳ - ۱۵ - ۱۸ - ۲۰ - ۵۰ - ۵۵	کوربن (هانری)، ۲۵۷

محمودآباد، ۲۰۰	۲۲۸-۵۶
مدنی (آیت‌الله)، ۲۹۴-۳۳۶-۴۰۳	لیازانف روسی، ۲۱۹
مدینه، ۴۵-۴۱۵	لیبی، ۱۳-۱۴-۲۴-۴۵-۵۴-۱۰۲-
مستضعفان (بنیاد)، ۱۴۳-۶۷	۱۰۷-۱۱۳-۱۹۱-۱۹۲
مستعد (هیئت‌الله)، ۱۹۹	لیف‌کار (رستم)، ۱۹۹
مسجد سلیمان، ۵۲۸-۵۴۰	م
مس سرچشمه (مجمع)، ۱۸۹-۴۴۸	مارنشه (کنت الکساندر)، ۳۲۷
مسعودی، ۲۶۷	مازندران، ۲۰۱-۲۲۲
مسکن (بنیاد)، ۶۷	مازندرانی (حاج شیخ عبدا...)، ۲۹۹
مسکو، ۹۰-۴۷۱-۴۷۷	مالک اشتر، ۳۹۵
مسلمانان مبارز (جنبش)، ۴۹۱	مالمیرکا (ایزیدورو)، ۵۲۳
مسلم بن عقیل (عملیات) ۵۲۹	مترلینگ، ۱۰
مسیح <small>علیه السلام</small> (حضرت)، ۱۲۴	مجاهدین انقلاب اسلامی (سازمان)، ۱۶۸
مشکینی (آیت‌الله)، ۲۰۶-۳۸۶-۴۰۸	۲۹۶-
مشهد، ۶۷-۳۸۰-۳۹۷-۴۰۶-۴۰۷-	مجاهدین خلق (سازمان)، ۳۴-۱۱۴-
۴۱۰-۴۰۸	۲۲۸-۲۳۶-۳۲۸-۳۶۳
مصادف، ۳۹۳	مجنون (جزیره)، ۵۳۲
مصدق، ۲۹۴	محسن (سعید)، ۲۹۶
مصر، ۳۱۸-۳۳۱-۳۹۳-۴۷۶-۵۱۸	محسن مجتهد (حاج میرزا)، ۲۹۶
۵۳۹	محسنی، ۲۰۰
مطهری (استاد)، ۲۹۹-۳۹۳-۴۱۱	محلّاتی (آیت‌الله)، ۳۹
معاذیخواه (حجت‌الاسلام)، ۱۸۵-۳۸۵	محمد (حامد عبدا...)، ۴۷۹
مفید (مدرسه)، ۲۹۸	محمد <small>علیه السلام</small> (حضرت)، ۱۲۸-۱۲۹
مقاومت فلسطین (جنبش)، ۵۴	محمد رضا، ۳۴۲
مکاسب معرّمه (کتاب)، ۲۸۷	محمدی ری شهری، ۵۴۳

۵۷۴ ۵۷ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

مکه، ۴۵ - ۴۱۵	مهدوی (صادق)، ۱۹۹
ملک حسین، ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۶۶	مهدوی کنی، ۳۵۶
ملک شاه دخت (حسین)، ۱۹۹	مهرآباد (فرودگاه)، ۴۸۴
منتظری (آیت‌الله حسینعلی)، ۶۳ - ۸۴	مهران، ۵۲۹
۱۱۷ - ۱۲۲ - ۱۳۶ - ۱۴۱ - ۱۴۲ - ۲۰۸	میامی، ۴۷۸
۲۳۲ - ۲۳۳ - ۲۳۵ - ۲۴۱ - ۲۴۷ - ۳۸۴	میتسویی (شرکت)، ۱۸۸ - ۱۸۹ - ۳۷۰
۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۱۲ - ۵۵۱ - ۵۵۲	میرسلیم (مهندس)، ۱۹۸ - ۱۹۹
منتظری (محمد)، ۱۲۳	میلان، ۵۵۶
منیرشفیق، ۴۲۷	مؤمن، ۴۱۰
موحدی کرمانی، ۴۰۶ - ۴۱۰	
مورفی (ریچارد)، ۴۶۸ - ۴۶۹ - ۵۵۶	
موسوی اردبیلی (عبدالکریم)، ۲۶۴ - ۳۸۴	
۴۱۰ - ۴۲۹ - ۴۵۵	ناتو، ۴۷۲ - ۴۷۵ - ۵۵۶ - ۵۵۷
موسوی تبریزی، ۲۷۳	ناطق نوری (علی اکبر)، ۸۴ - ۹۷ - ۱۳۷ -
موسوی (میرحسین)، ۹ - ۱۳ - ۱۵ - ۱۸	۱۳۹ - ۲۲۵ - ۲۳۰ - ۲۳۱ - ۲۳۲ - ۲۳۳
۲۰ - ۲۲ - ۲۴ - ۵۶ - ۶۸ - ۶۹ - ۹۴ - ۹۵	نبوی (بهباد)، ۱۸ - ۵۰ - ۸۴ - ۸۵ - ۲۱۴ -
۱۱۹ - ۱۳۴ - ۱۳۶ - ۱۵۶ - ۱۷۲ - ۲۰۳	۲۱۹ - ۲۲۰ - ۲۲۱ - ۲۲۳ - ۲۲۴
موسوی (میرحسین)، ۴۳۸ - ۴۵۵ - ۴۵۹	نجف، ۲۹۹ - ۳۱۴ - ۳۲۹ - ۵۵۰
۴۶۴ - ۴۸۴ - ۴۸۵ - ۵۱۳ - ۵۱۵ - ۵۲۹	نجفی مرعشی (آیت‌الله)، ۹۷
مهاباد، ۲۳۰	نراقی (احسان)، ۲۵۷
مهاجرانی (عطاء‌الله)، ۷۴ - ۷۹	نُرد فرانس (شرکت)، ۴۷۳
مهاجری (عسکر)، ۱۸۳	نزیه، ۲۵۶
مهدوی (حجت‌الاسلام)، ۲۰۰ - ۴۹۹	نصر (بنوکد)، ۴۷۰
۵۰۰	نصیب منش (گلناز)، ۱۸۳
مهدوی (سیدمهدی)، ۵۰۰	نواب صفوی، ۲۵۴
	نوبری، ۲۲۴

✘ ن

- نوراد، ۴۷۲
 نوربخش، ۱۸
 نور (خیابان)، ۲۰۰
 نور (شهرستان)، ۲۲۸
 نوژه (پایگاه نیروی هوایی)، ۳۲۲-۳۲۶
 نوژه (کودتا)، ۲۲۳-۴۴۴-۴۹۳
 نهضت آزادی، ۲۵۳-۲۹۴-۴۲۳
 نیجریه، ۳۲۹
 نیکاراگوئه، ۵۶
 نیک باقری، ۱۸۴
 نیک روش، ۱۸-۱۹
 نیوزویک (مجله)، ۳۹۶
 نیویورک، ۳۹۶-۵۲۴
 نیویورک تایمز، ۵۵۷
 واندوم (جواهرفروشی)، ۳۲۹
 واینبرگر، ۴۴۱
 وتو، ۲۴۰
 وحدت (هفته)، ۱۰۵-۱۱۷-۱۲۲-۱۲۴
 -۱۲۷-۱۲۹-
 ورسای، ۳۲۵
 ولایتی (علی اکبر)، ۵۱-۵۳-۸۴-۹۴-
 ۹۷-۱۰۱-۱۰۲-۱۲۰-۱۲۷-۴۸۵-
 ۵۱۵
 ولی عصر علیه السلام (اصحاب)، ۴۱۸
 ولیوتس (نیکولاس)، ۵۵۴
 ونیز، ۵۵۷
 ویرجینیای آمریکا، ۴۷۹
 ویلیوتس (نیکولاس)، ۴۶۸

× ۵

- هاشمی، ۱۹۹
 هاشمی رفسنجانی، ۲۹-۴۶-۶۳-۶۹-
 ۹۵-۹۸-۱۱۷-۱۴۱-۱۵۹-۱۶۸-
 ۲۱۰-۲۸۴-۳۰۰-۳۱۲-۳۳۹-۳۴۰-
 ۳۵۶-۳۷۱-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-
 ۴۲۵-۴۲۹-۴۳۳-۴۵۵-۴۵۷-۴۶۵-
 ۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۵-۴۸۶-۵۰۲-
 ۵۱۶-۵۲۴-۵۵۲-۵۵۴
 هاشمی (محمد)، ۹۵

× ۶

- واشنگتن، ۳۱۸-۳۱۹-۳۲۳-۵۵۴
 واشنگتن پست (نشریه)، ۱۳۹
 والد هایم، ۵۲۲-۵۲۴-۵۲۶
 والفجر (عملیات)، ۵۲۶-۵۲۹
 والفجر (۳) (عملیات)، ۵۲۹
 والفجر (۲) (عملیات)، ۵۲۹
 والفجر (۴) (عملیات)، ۵۲۹
 والفجر مقدماتی (عملیات)، ۵۲۹
 وان، ۴۸

۵۷۶ کج بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

هلال احمر، ۲۲۷

همایون (تکمیل)، ۲۶۲

× ی

همدان، ۳۲۲

پاراحمدی (کوروش)، ۱۸۳

هند (اقیانوس)، ۱۲۰ - ۱۲۵

یثرب، ۴۱۵

هندوایی (جعفر)، ۲۰۰

یزدی (دکتر)، ۳۵۹

هندوستان، ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۲۵ - ۵۲۳

یمن جنوبی، ۵۴ - ۱۰۲ - ۳۱۷

هیتلر، ۴۷۵

یمن شمالی، ۳۱۷

هیگ، ۳۶۶

یوگسلاوی، ۴۷۵ - ۵۲۳

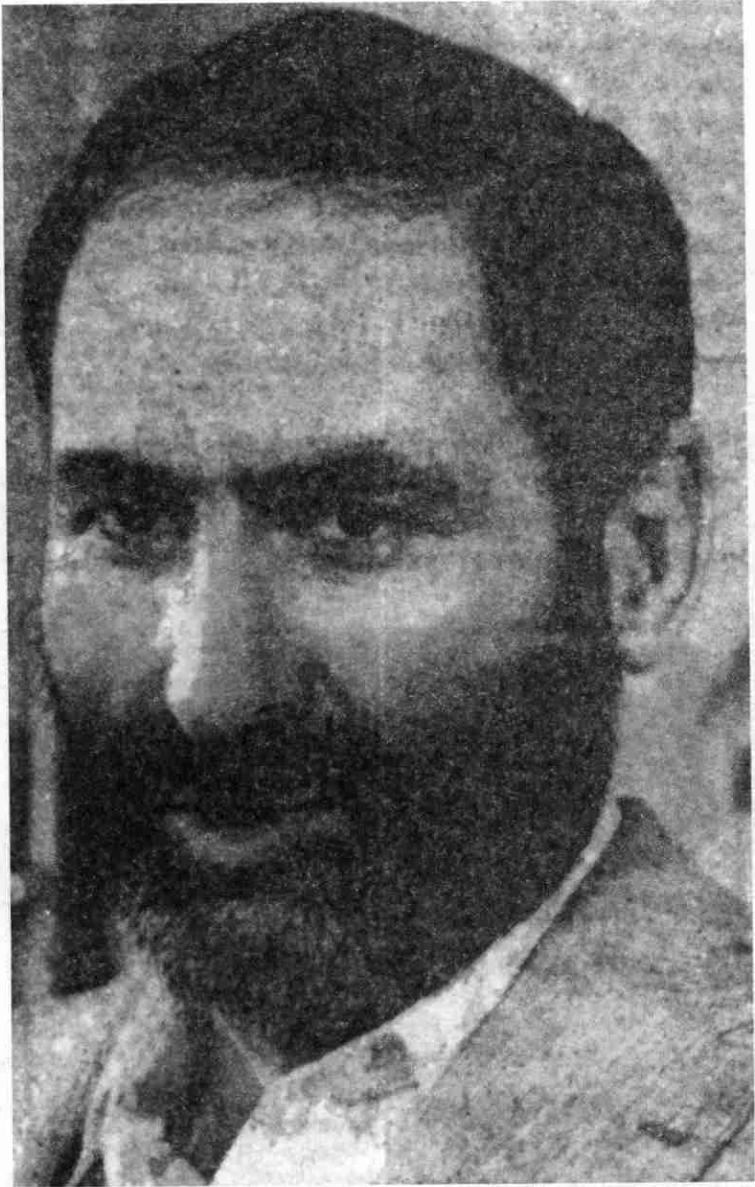
تصاویر ...



میر حسین موسوی (نخست وزیر) در حال سخنرانی



هاشمی رفسنجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی)



بہزاد نبوی (وزیر مشاور در امور اجرائی)



سید علی خامنه‌ای (ریاست جمهوری) در دیدار با سران ارتش و سپاه



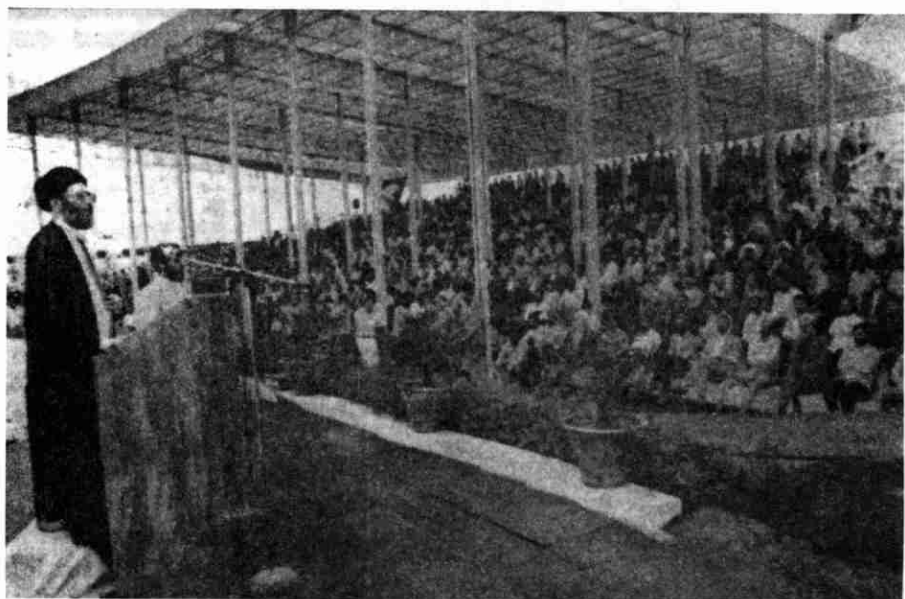
یکی از اسرای آزاد شده‌ی ایرانی از عراق



یکی از اسرای آزاد شده‌ی ایرانی از عراق



میر حسین موسوی (نخست وزیر) و هاشمی رفسنجانی (رئیس مجلس) در مجلس شورای اسلامی

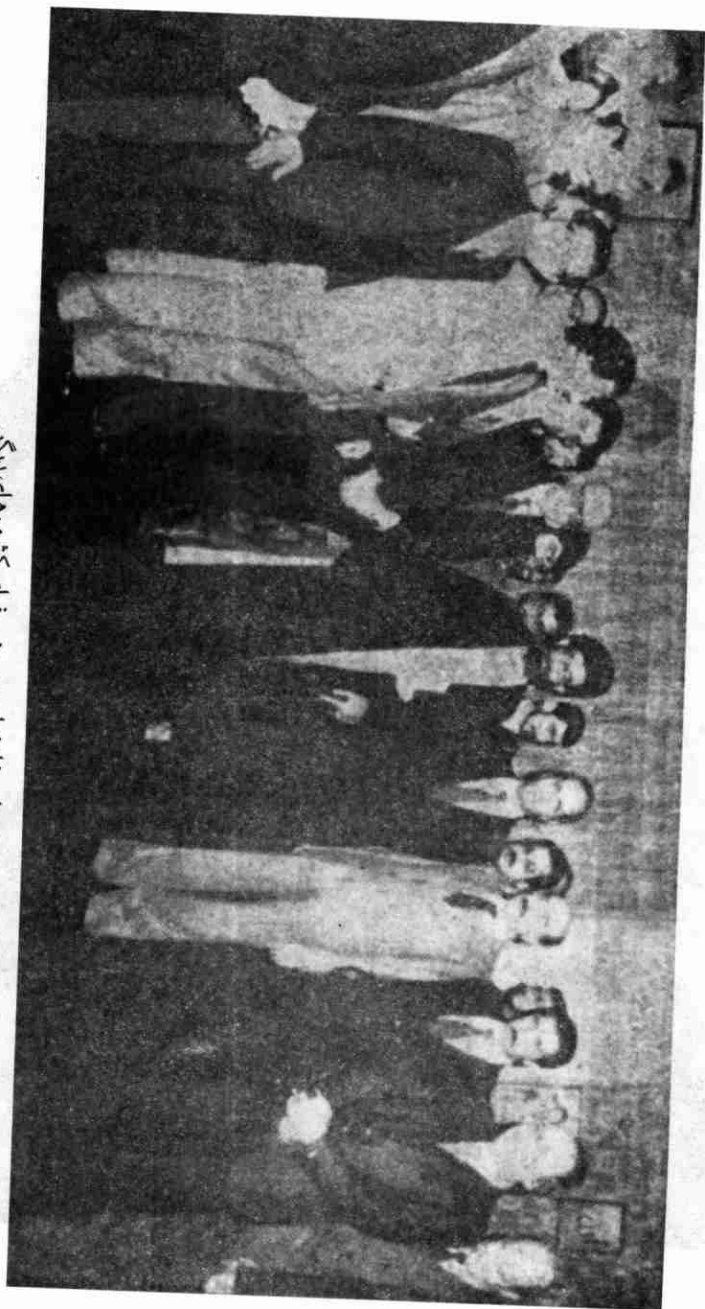


سید علی خامنه‌ای (ریاست جمهوری) در مراسم نماز جمعه



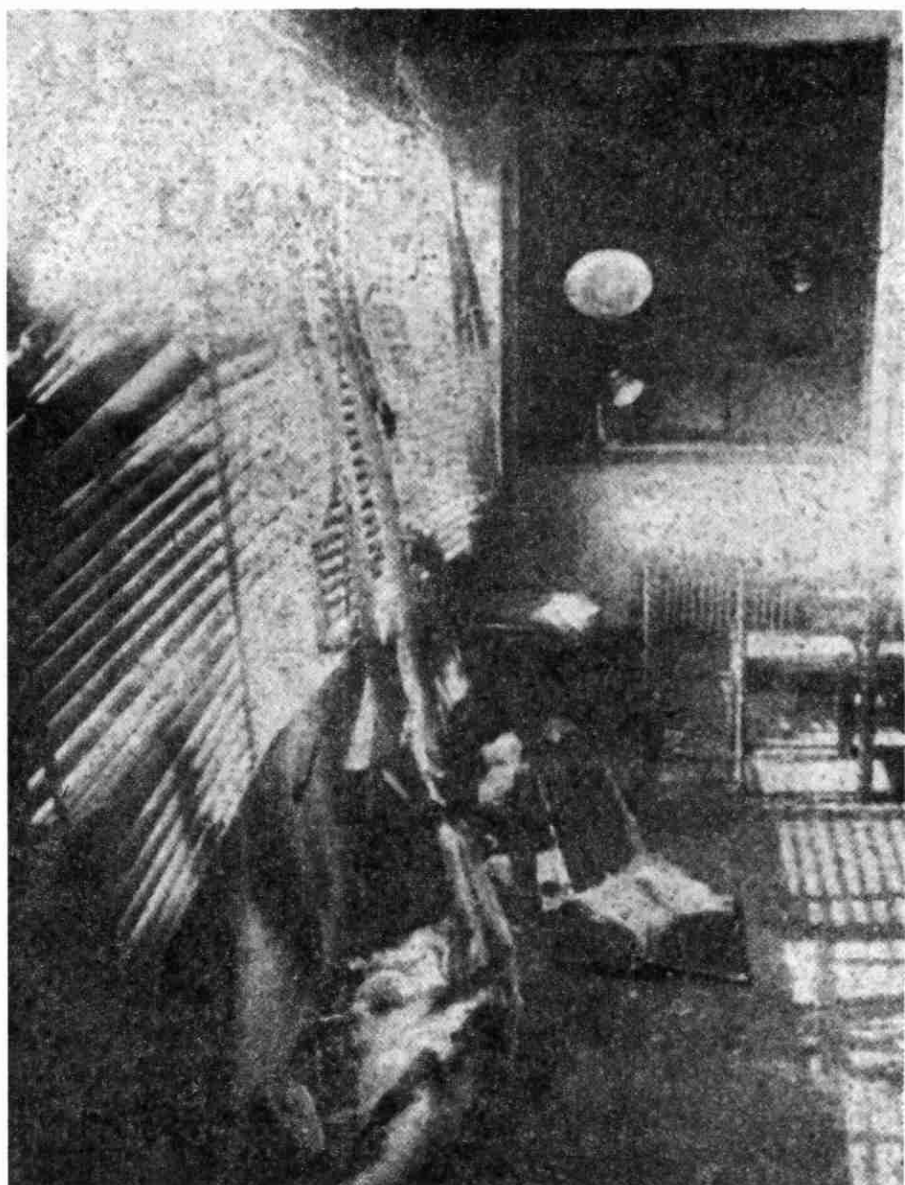
سید احمد خمینی - امام خمینی - موسوی اردبیلی - سید علی خامنه ای - میرحسین موسوی - هاشمی رفسنجانی

سید علی خامنه‌ای در بین سفیرای کشورهای دیگر





موسی خیابانی، یکی از رهبران سازمان مجاهدین خلق



مقر سازمان مجاهدین که به تسخیر سپاه در آمد



حضور مردم در دومین دوره ی انتخابات مجلس



تصویری دیگر از انتخابات دومین دوره‌ی مجلس



علی اکبر ولایتی (وزیر امور خارجه) در یک مصاحبه مطبوعاتی



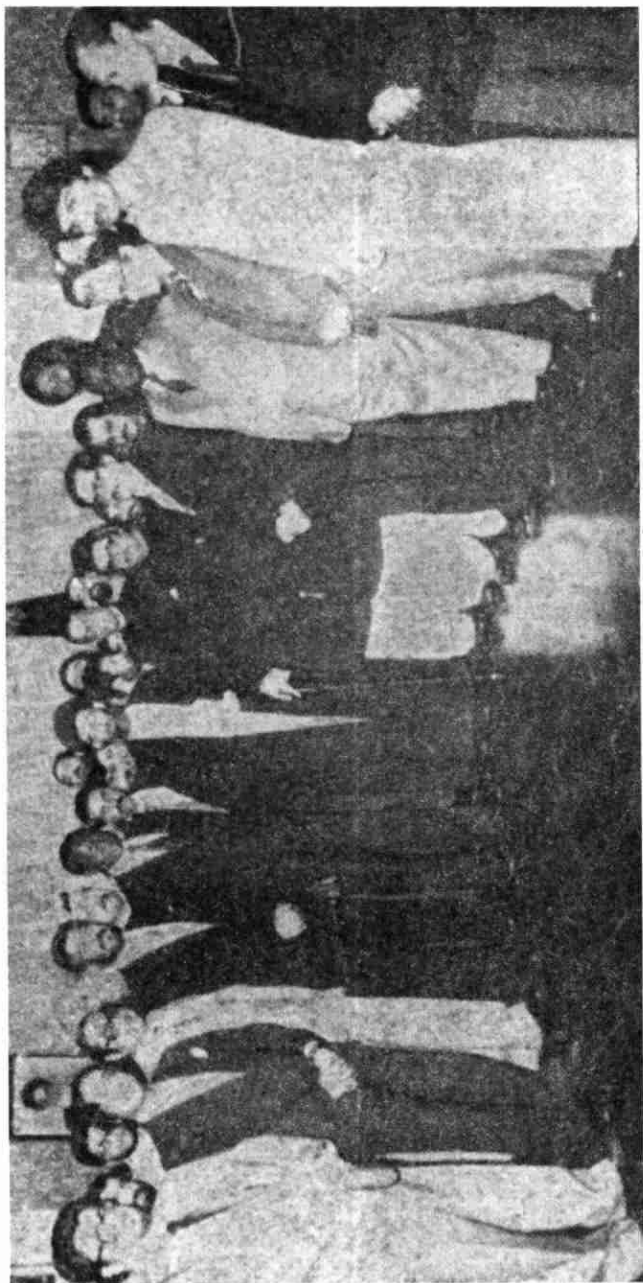
دیدار میر حسین موسوی (نخست وزیر) با کارکنان کارخانهی پارس الکتریک



دیدار نخست وزیر از مرکز تحقیقات و مخابرات ایران



آیت الله مهدوی کنی به همراه ناطق نوری (وزیر کشور) و جمعی از روحانیون



سید علی خامنه‌ای در میان سفرای کشورهای دیگر در ایران



سید علی خامنه‌ای (رئیس جمهور) در مصاحبه با خبرنگاران



سید علی خامنه‌ای (رئیس جمهور) به همراه سید احمد خمینی و هاشمی رفسنجانی

برترین‌های انتشارات امید فردا

قتل‌های سیاسی و تاریخی سی قرن ایران
(دوره دوم - جلد اول)

از سال ۱۳۳۲ (هـ. ش) تا سال ۱۳۵۹ (هـ. ش)

نویسنده: جعفر مهدی‌نیا

در این کتاب نویسنده به تجزیه و تحلیل قتل‌ها و اعدام‌های سیاسی که بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۹ در ایران اتفاق افتاده است می‌پردازد.

معمای اشغال سفارت آمریکا در ایران

نویسنده: جعفر مهدی‌نیا

زندگی سیاسی ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک)

نویسنده: جعفر مهدی‌نیا

وزیرگشتی از بزرگمهر تا به امروز

جلد اول: از بزرگمهر تا قاجاریه

نویسنده: جعفر مهدی‌نیا

شهید جاوید (درباره فلسفه قیام امام حسین (ع))

نویسنده: آیت‌ا... صالحی نجف‌آبادی

این کتاب دارای خصوصیات زیر می‌باشد:

الف - در این کتاب نویسنده فلسفه‌ی قیام امام حسین (ع) را به‌طور علمی،

منطقی و استدلالی با اطلاعات وافر خود از تاریخ بیان نموده است.

ب - منابع، مأخذ و مراجع هر مطلب در پاورقی هر صفحه و در پایان کتاب آمده است.

ج - با مطالعه‌ی این کتاب ابهام فلسفه‌ی قیام حسین بن علی برای خواننده و پژوهشگر از میان می‌رود.

د - در ابتدای این کتاب تقدیرات و تقریظات اهل علم و روشنفکران از نویسنده و کتاب مذکور آورده شده است.

ه - در صفحات پایانی کتاب نویسنده به رد و نقد نظرات مخالفان کتاب شهید جاوید پرداخته است.

تذکر: این کتاب برای شانزدهمین بار تجدید چاپ شده است.

عصای موسی یا نقدی بر نقدها

نویسنده: آیت‌ا... صالحی نجف‌آبادی

در این کتاب نویسنده به بعضی از شبهات آیت‌ا... رفیعی قزوینی، استاد علامه طباطبائی و آیت‌ا... صافی گلپایگانی در مورد بعضی مسائل پاسخ می‌دهد.

پژوهشی جدید در چند مبحث فقهی

نویسنده: آیت‌ا... صالحی نجف‌آبادی

این کتاب دارای پنج فصل می‌باشد:

۱ - یک بحث اجتهادی درباره طهارت و نجاست ۲ - بحث اجتهاد بسته و اجتهاد

باز ۳ - درباره اخبار گُر ۴ - مطالبی در رابطه با اصلاح حوزه ۵ - طهارت کافر

این کتاب دارای مشخصات زیر است:

الف - در آن نویسنده به صورت تشریحی و استدلالی به موضوعات پرداخته است.

ب - در پاورقی هر صفحه و در پایان کتاب منابع، مأخذ، اسناد و مراجع مطالب آمده است.

ج - در موضوعات این کتاب نویسنده با روش پویا، فقه سنتی را رد کرده و

منصفانه و عالمانه و روشنفکرانه به بررسی قضایا پرداخته است.
د - با مطالعه‌ی فصل «طهارت کافر» مشکلات ایرانیان مسلمان مقیم در
کشورهای کمونیستی حل شده است.

ولایت فقیه، حکومت صالحان
نویسنده: آیت... صالحی نجف‌آبادی

قضایات زن در فقه اسلامی و چند مقاله‌ی دیگر
نویسنده: آیت... صالحی نجف‌آبادی

جمال انسانیت یا تفسیر سوره‌ی یوسف
نویسنده: آیت... صالحی نجف‌آبادی

مجموعه مقالات (حقوقی - تاریخی - اجتماعی)
نویسنده: آیت... صالحی نجف‌آبادی

رساله‌ی توضیح المسائل نوین
نویسنده: آیت... دکتر محمد صادقی تهرانی

این رساله دارای مشخصات زیر می‌باشد:
الف - فتاوی آن بر مبنای فقه پویای قرآنی صادر شده است.

ب - اکثر مسائل آن متفاوت با رساله‌های دیگر علماء می‌باشد.

ج - فتاوی آن با توجه به زمان و مکان صادر شده است.

د - فتاوی آن بصورت تشریحی و استدلالی بیان شده است.

ه - در آن منابع و مأخذ و مراجع فتاوی قید گردیده است.

ستارگان از دیدگاه قرآن
نویسنده: آیت... دکتر محمد صادقی تهرانی
در این کتاب نویسنده با اطلاعات وافر خود از علوم قرآنی و مسائل علمی و نجومی به بررسی آیات مرتبط با زمین و آسمان و ستارگان می‌پردازد.

فقه گویا
نویسنده: آیت... دکتر محمد صادقی تهرانی

مفتخواران
نویسنده: آیت... دکتر محمد صادقی تهرانی

نگرشی جدید بر نماز و روزه‌ی مسافران
نویسنده: آیت... دکتر محمد صادقی تهرانی
در این کتاب نویسنده با استناد به قرآن و احادیث، حرمت کاستن از نماز و ترک روزه را در مواردی خاص مطرح می‌نماید. برخلاف نظر علمائی که پیرو فقه سنتی می‌باشند.

علم قضاوت در اسلام از دیدگاه کتاب و سنت
نویسنده: آیت... دکتر محمد صادقی تهرانی

تاریخچه‌ی انقلابات جهان
جلد اول: (انقلاب فرانسه و عثمانی)
جلد دوم: (انقلاب هند و پاکستان)
مؤلف: حبیب... شاملویی

بزرگان چه گفته‌اند؟

مؤلف: حبیب‌ا... شاملویی

در این کتاب جملات قصار بزرگان و اندیشمندان و شرح حال مختصر آنان آمده است.

هزار و یک راز خانه‌داری

نویسنده: فاطمه ناصری علی‌آبادی

رازهای ماندگار عرفانی بر مبنای قرآن

نویسنده: نجف شهبازنژاد

ظهور نازیسم و استیلای هیتلر

نویسنده: مظفر مالک

پشت پرده جنگ خلیج فارس

(درباره حمله آمریکا به عراق)

نویسنده: جان پیگلر - مترجم: ایوب باقرزاده

هفت کتاب نیما یوشیج

پرواز عازها (رمان سیاسی، اجتماعی)

نویسنده: علی قوی‌تن

ورق‌پاره‌های سیاسی (چهار جلد)

مطالعی سیاسی و تاریخی از نشریات گذشته‌ی ایران

گردآورنده: داود علی‌بابایی

مطالب و مقالاتی که در این مجموعه آمده از نشریات مختلف سال‌های ۱۳۲۱ (ه. ش) به بعد انتخاب شده است. مطالبی که بیشتر جنبه سیاسی و تاریخی داشته، به واقعیت نزدیک بوده و کم نظیری و بی مانندی آن مد نظر قرار گرفته است و اتفاقات سیاسی، اجتماعی و تاریخی ایران در دوران پهلوی را نشان می‌دهد.

ورق پاره‌های خواندنی (چهار جلد)
مطالبی اجتماعی، فرهنگی و خواندنی از نشریات گذشته‌ی کشور
نویسنده: داود علی بابایی
مطالب این مجموعه از نشریات مختلف سالهای ۱۳۲۱ (ه. ش) به بعد انتخاب شده است.

بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی)
جلد اول: از ۱۹ دی ماه ۵۶ تا ۱۵ بهمن ماه ۵۸
نویسنده: داود علی بابایی
نویسنده در این دفتر حوادث سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی ایران را از ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ تا ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۸ بررسی نموده، عملکرد دولت مهندس بازرگان را مورد تفحص قرار داده و در تهیه‌ی این مجموعه از منابع نادر و کمیاب و عکس‌های متعدد سود جسته است.

بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی)
جلد دوم، سوم و چهارم: از بنی صدر تا شورای موقت ریاست جمهوری
نویسنده: داود علی بابایی

۲۵ سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی)
جلد پنجم: از محمد علی رجایی تا سید علی خامنه‌ای
نویسنده: داود علی بابایی

گفته‌های میرزاده عشقی و جامعه‌ی کنونی ایران
گردآورنده: داود علی‌بابایی

جامعه، فرهنگ و سیاست در اشعار شهید اشرف‌الدین گیلانی
(نسیم شمال)
نویسنده: داود علی‌بابایی

جامعه، فرهنگ و سیاست در مقالات و اشعار سه شاعر انقلابی
(میرزاده عشقی - ایرج میرزا - فرخی یزدی)
نویسنده: داود علی‌بابایی

مجموعه آثار صادق هدایت با نقد و بررسی
جلد اول: وغ وغ ساهاب
جلد دوم: حاجی آقا - سگ ولگرد
جلد چهارم: بوف کور - سایه و روشن
به کوشش و اهتمام: داود علی‌بابایی

وقتی گرمابه‌داری شهردار شهر می‌شود
(همراه چند داستان دیگر)
از مجموعه داستان‌های سیاسی، انتقادی و اجتماعی ایران معاصر
نویسنده: داود علی‌بابایی

افشای واتیکان (پول، جنایت و مافیا)
نویسنده: پل ویلیامز
مترجم: ایوب باقرزاده